



بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام و پژوهش های روان شناختی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵

اعضای هیئت تحریریه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دکتر هادی بهرامی احسان

دانشگاه تهران

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارعان

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

آیت الله سید محمد غروی راد

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دکتر علی فتحی آشتیانی

دانشگاه بقیة الله

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نودری

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

نشانی:

قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: journals.ueae.ir

پست الکترونیکی: pajooohesh.ueae@gmail.com

صاحب امتیاز
دکتر محمدجواد زارعان
مدیر مسئول
دکتر محمدجواد زارعان
سر دبیر
دکتر محمدرضا احمدی
دبیر اجرایی
امیر عرفانی نژاد
صفحه آرا
مهدی دهقان

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع رسانی

SID ,isc ,Noormags ,Magiran

و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

دوفصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» دوفصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می‌شود. این دوفصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. دوفصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشرشده در دوفصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلیدواژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، پیشینه تحقیق، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعشار از نقطه (.) استفاده شود.

نکته: تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به صورت جداگانه بارگذاری شود.

- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آنها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده و به آنها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و نام‌خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال/دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام‌خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمائم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به‌طور هم‌زمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و از طریق سامانه مجله به نشانی <http://journals.ueae.ir> ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسئول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

- دوفصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش دوفصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.
- مسئولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسئول آن است.
- فرم تعهدنامه نیز تکمیل و در سامانه بارگذاری گردد.

فهرست مطالب

۷.....	مبانی و چشم‌انداز روان‌شناسی اجتماعی بر اساس منابع اسلامی و مقایسه ...
	محمد کاویانی
۲۷.....	ماهیت و روش روان‌شناسی اسلامی.....
	سیدعلی مرعشی
۵۳.....	مدل مفهومی سرمایه معنوی بر اساس آیات و روایات.....
	محمدصادق شجاعی
۷۳.....	مدل مفهومی فرایندی سفاکت بر اساس منابع اسلامی.....
	حمید رفیعی هنر / محمدحسین حق‌شناس / محمدباقر عادل
۹۹.....	مدل مفهومی سبک همسررداری سازگارانه با رویکرد دینی و روایی‌سنجی آن.....
	کلیه رضیه عرفائی جهرمی / محمد زارعی توپخانه
۱۱۱.....	مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی.....
	کلیه سعید عبادی / محمدرضا جهانگیرزاده قمی / عبدالاحد اسلامی
۱۳۳.....	مؤلفه‌های مفهومی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی.....
	کلیه محمدرضا نجفی / محمدرضا احمدی / حسین رضائیان بیلندی
۱۵۷.....	بسته آموزشی معنای زندگی با رویکرد اسلامی در جهت کاهش نشانگان افسردگی.....
	کلیه احمد علیمرزایی / محمد پیمان / مهدی عباسی / حسین رادمرد
۱۷۵.....	اثربخشی بسته ایرانی - اسلامی آموزش پیش از ازدواج بر معیارهای همسرگزینی و
	فرزانه فیروزمهر / کلیه قدسیه ابراهیم‌پور / حسن طهماسب‌پور کریمی / حسن انصاری
۱۹۷.....	مدل مفهومی «تنگنای روانی» بر اساس قرآن کریم.....
	عماد رحیمی / کلیه جعفر هوشیاری
۲۲۱.....	ابعاد و عوامل انتقال بین‌نسلی مذهب.....
	کلیه زهرا عزیزاللهی / مسعود جان‌بزرگی
۲۴۵.....	پیش‌بینی تصور مثبت از خدا بر اساس جو عاطفی خانواده و فرزندپروری
	کلیه عرفان طالبی / مهدیه آقامحمدی / فاطمه خداداد

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (ص ۷-۲۵)

مبانی و چشم‌انداز روان‌شناسی اجتماعی بر اساس منابع اسلامی و مقایسه آن با روان‌شناسی اجتماعی معاصر

Foundations and Prospects of Social Psychology Based on Islamic Sources and Its Comparison with Contemporary Social Psychology"

محمد کاویانی / استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Mohammad Kaviani / Professor of Department of Psychology, Research Institute of Hawzeh and University (RIHU), Qom, Iran. M_kavyani@rihu.ac.ir

Abstract

Moving toward 'Islamic Society-Building' requires a roadmap that properly articulates the role of various sciences-especially the 'human sciences,' including 'social psychology'-in society. The aim of this research is to present the foundations and outlook of Islamic social psychology. The research question is: What should the foundations and outlook of 'social psychology' be from an Islamic approach? To answer this question, data were collected through library research in two domains: psychological sources and Islamic sources. Data analysis was conducted through theoretical analysis and reasoning. Based on the findings: (a) All components (foundations, presuppositions, basic concepts, method, theoretical goals, and applied goals)-except for the definition-need to undergo changes. These changes must be such that all components align with Islamic teachings. Obviously, the alignment of each component (e.g., applied goals) with Islam entails other changes within the overall context of psychology; (b) Regarding the 'definition,' 'foundations,' 'concepts and issues,' and 'applied goals,' it was explained what changes they

چکیده

حرکت به‌سوی «جامعه‌سازی اسلامی» نیازمند یک نقشه راه است که ایفای نقش علوم مختلف، به‌ویژه «علوم انسانی»، از جمله «روان‌شناسی اجتماعی» در جامعه را به‌درستی بیان کند. هدف این پژوهش ارائه مبانی و چشم‌انداز روان‌شناسی اجتماعی اسلامی است. سؤال پژوهش این است که مبانی و چشم‌انداز «روان‌شناسی اجتماعی» با رویکرد اسلامی، چگونه باید باشد؟ برای پاسخ به این سؤال، گردآوری داده‌ها با روش مطالعات کتابخانه‌ای در دو حیطه منابع روان‌شناسی و منابع اسلامی انجام شد. تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل و استدلال نظری صورت پذیرفت. بر اساس یافته‌ها: الف) لازم است که تمام ارکان (مبانی، پیش‌فرض‌ها، مفاهیم اساسی، روش، اهداف نظری و اهداف کاربردی) به جز تعریف، تغییراتی را بپذیرند. این تغییرات باید به‌گونه‌ای باشد که همه ارکان، منطبق با آموزه‌های اسلامی باشند. بدیهی است که انطباق یافتن هر رکن (به‌عنوان مثال، اهداف کاربردی) با اسلام، در بافت کلی روان‌شناسی تغییرات دیگری را اقتضا می‌کند؛ ب) در مورد «تعریف»، «مبانی»، «مفاهیم و مسائل» و «اهداف

require; (c) The more each component falls short of Islamic teachings, the further this psychology moves away from being Islamic.

Key words: Islamic human sciences, Islamic psychology, social psychology, Islamic society, Islamic society-building.

کاربردی» توضیح داده شد که چه تغییراتی لازم دارند؛ ج) هر قدر هرکدام از ارکان، با آموزه‌های اسلامی فاصله داشته باشند، به همان مقدار این روان‌شناسی، از اسلامی بودن فاصله می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه اسلامی، جامعه‌سازی اسلامی.

مقدمه

مطابق با فرهنگ انقلاب اسلامی، هر علمی، علاوه بر ارزش علمی و ذاتی که ممکن است داشته باشد، یکی از اصلی‌ترین معیارهای ارزشمندی آن عبارت است از کاربرد آن علم. بنابراین لازم است که ارزشیابی «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» نیز با همین معیار انجام بشود. اساسی‌ترین کار در گام دوم انقلاب، عبارت است از اقدام بنیادین علمی و فراهم آوردن زیرساخت‌های علوم انسانی مطلوب در جهت جامعه‌سازی اسلامی و حرکت به‌سوی تمدن‌سازی اسلامی. «جامعه‌سازی اسلامی» به‌عنوان چهارمین حلقه از حلقه‌های تکاملی انقلاب اسلامی است؛ جامعه‌ای اسلامی که خطوط کلان حاکم بر آن، از قبیل قوانین و مقررات، نهادهای مختلف حاکمیتی و اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و... منطبق با مقاصد، اهداف و آرمان‌های اسلامی شکل گرفته باشد. در چنین جامعه‌ای، عدالت، امنیت، رفاه، پیشرفت، کرامت انسانی، استغنای ملی و... بر نقطه مقابل خود غلبه دارند. «جامعه‌سازی اسلامی»^۱ متأثر از علوم انسانی است.^۲ روان‌شناسی اجتماعی به لحاظ ماهیت روانی - اجتماعی که دارد، تأثیر

۱. کاربردهای اصطلاح «جامعه‌سازی» به چند معنی بوده است: ۱. وارد شدن فرد در مسائل اجتماعی منظور است، مثلاً می‌گویند «خودسازی بر جامعه‌سازی مقدم است»؛ ۲. گرد آمدن مردم به دور هم و تلاش‌های جمعی برای حل مسائل خودشان منظور است، مثلاً می‌گویند «تجربه شیعیان لبنان، یک الگوی مناسب بود برای جامعه‌سازی اقلیت‌های شیعه» (هاشمی‌نسب، ۱۳۹۸)؛ ۳. برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های بلندمدت توسط راهبرداران فرهنگی در جهت سامان‌دهی یک جامعه با ویژگی‌های خاص منظور است، مثلاً گفته می‌شود «قطار انقلاب در ایستگاه جامعه‌سازی متوقف شده است»؛ منظور این است که انقلاب، طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، مراحل پنج‌گانه‌ای دارد که چهارمین مرحله‌اش، مرحله «جامعه‌سازی» است. این قطار در مراحل قبل، با سرعت حرکت کرد و از آنها عبور کرد، اما در این مرحله، سرعت لازم را نداشته است. در این پژوهش وقتی سخن از جامعه‌سازی اسلامی گفته می‌شود، همین معنا اراده می‌شود. منظور ما از «جامعه‌سازی اسلامی» که گاهی «جامعه‌پردازی اسلامی» نیز به آن گفته می‌شود، عبارت است از: «اقدامات علمی و اجرایی متعددی که راهبرداران فرهنگی در طول زمان، در حیطه‌های مختلف باید انجام دهند تا به جامعه ایدئال نزدیک شویم».

۲. جامعه‌سازی اسلامی در مقام نظر، نیازمند نقشه راهی است که همه ابعاد جامعه و زندگی اجتماعی و حکومتی را به‌عنوان یک جدول (پازل) جامع ترسیم کند. ترسیم این نقشه راه، بیشتر به عالمان علوم انسانی اسلامی و راهبرداران فرهنگی مربوط می‌شود، اما کیفیت پر شدن هرکدام از خانه‌های مختلف آن جدول، به متخصصان همان خانه و همان رشته تخصصی برمی‌گردد.

بسازی در تحقق جامعه‌سازی دارد. این رشته علمی در سه گام مهم می‌تواند ایفای نقش کند: ۱. در مقام توصیف؛^۱ یعنی بیان هست و نیست‌های روانی - اجتماعی جامعه موجود؛ ۲. در مقام تجویز؛ یعنی ارائه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مطلوبی که باید در این جامعه به‌تدریج ایجاد شود؛^۲ ۳. در مقام عملیاتی‌سازی و نهادینه کردن ارزش‌ها و باورهای مرتبط با روان‌شناسی.^۳ هیچ‌کدام از گام‌های سه‌گانه فوق در جامعه کنونی ما به‌اندازه کافی مورد توجه نبوده و جامعه ما را در حد خودشان به‌سوی «اسلامی بودن» سوق نداده‌اند.

هیچ رشته علمی نمی‌تواند به تنهایی عهده‌دار «جامعه‌سازی» بشود، بلکه هر رشته، شاخه یا دیدگاه علمی، فقط می‌تواند در حد گستره مسائل و موضوعات خودش در جامعه‌سازی ایفای نقش کند. بر این اساس لازم است که «روان‌شناسی اجتماعی» نیز، در این مسیر نقش خود را ایفا نماید، لکن از آنجاکه این علم در فرهنگی دیگر و مبتنی بر ارکانی متفاوت شکل گرفته است، نمی‌تواند به‌صورت کامل و مستقیم در این مسیر نقش خود را عملی نمایند، مگر اینکه در ارکان مختلف آن،^۴ تغییرات لازم شکل بگیرد.

در زمینه روان‌شناسی اجتماعی با رویکرد اسلامی پژوهش‌های محدودی انجام شده است. این پژوهش‌ها نیز به‌اندازه کافی، جهت‌دار و هدفمند برای ایفای نقش در حل مسائل روان‌شناختی جامعه اسلامی انجام نشده‌اند. به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: کاویانی در سال ۱۳۷۷ «جایگاه مفهومی ایمان در روان‌شناسی اجتماعی» را مورد بررسی قرار داد و در سال ۱۳۷۹ در پژوهش خود به بررسی مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی از منظر منابع اسلامی پرداخت. او در سال ۱۳۹۹ «چیستی روان‌شناسی اجتماعی قرآن‌بنیان» را مورد بررسی قرار داد؛ سالاری‌فر و همکاران (۱۳۸۲)، روان‌شناسی/اجتماعی با نگرش به

1. Description

۲. تجویزهای روان‌شناسی اجتماعی، گاهی از دستاوردهای تجربی خود این علم حاصل می‌شوند. به‌عنوان مثال، ذیل «نظریه تماس» تجویز می‌شود که برای مؤثر بودن «تماس» باید تماس‌های مکرر شکل بگیرد، این تماس‌ها باید در طول زمان پراکنده باشد، نه فوری و پشت‌سر هم، طرفین تماس باید هم‌سطح تلقی بشوند نه رئیس و مرئوس و... گاهی نیز این تجویزها از دستورات مستقیم قوانین اسلامی حاصل می‌شوند، مثل اینکه مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «...الْمُؤْمِنُ بُشْرَةٌ فِي وَجْهِهِ، حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ...» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰). در ابعاد مختلف زندگی می‌توان چنین تجویزهایی را از روان‌شناسی اجتماعی دریافت کرد که با آموزه‌های اسلامی هماهنگ باشند.

۳. هرکدام از رشته‌های علوم انسانی و نیز هرکدام از شاخه‌های روان‌شناسی، قواعد کاربردی فراوانی را ارائه می‌کند که در فرایند تدریجی «جامعه‌سازی اسلامی» کاربرد خواهند داشت. این نگارنده در کتاب *روان‌شناسی و تبلیغات*، با تأکید بر تبلیغ دینی، تعداد قابل توجهی از این قواعد را برشمرده و در قالب مثال توضیح داده است (کاویانی، ۱۳۹۸).

۴. در این پژوهش، منظور از ارکان عبارت است از: تعریف، مبانی، اهداف نظری، اهداف کاربردی، پیش‌فرض‌ها، روش، مفاهیم اساسی، و مسائل و موضوعات. در فرایند تغییر «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» به «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» هیچ‌کدام از ارکان مذکور به جز «تعریف» بدون تغییر باقی نمی‌ماند، و هیچ‌کدام نیز تغییر صددرصدی نخواهد داشت.

منابع/اسلامی را تدوین کرده‌اند. پناهی (۱۳۹۳) مقاله‌ای ذیل عنوان «اصول و راهبردهای ارتباطات اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی و روان‌شناسی» منتشر کرده است؛ عبدلی و احمدی (۱۳۹۶)، «خطاهای اسنادی و نقش آن در رفتار انسان را از منظر قرآن کریم» بررسی کرده‌اند. بهشتی (۱۳۹۷)، «نگاهی روان‌شناختی - اجتماعی به باورهای تمدن‌ساز امام خمینی (ع)» کرده است؛ الله‌قلی و عسکری (۱۳۹۸) در مقاله خود «اثر روابط اجتماعی بر شادمانی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت و آموزه‌های اسلامی» را بررسی کرده‌اند؛ احمدی و همکاران (۱۳۹۹)، «رفتار حمایتی و شیوه‌های آن از منظر قرآن و روان‌شناسی» را بررسی کرده‌اند؛ دانشمند و همکاران (۱۳۹۹)، «نقش روان‌شناسی اجتماعی - فرهنگی شهرداری در ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی شهروندان» را بررسی کرده‌اند.^۱

آن‌چنان‌که از پیشینه ذکرشده معلوم می‌شود، سخنی در این باب نیامده است که روان‌شناسی اجتماعی چگونه می‌تواند اسلامی باشد؟ و چگونه می‌تواند در بهترین و بیشترین وجه، نقش خود را در جامعه اسلامی ایفا نماید. از آن سوی، مطالعه قابل توجهی نیز در مورد جامعه‌سازی اسلامی انجام نشده است؛ بنابراین نه «روان‌شناسی اجتماعی» به‌عنوان یک ابزار آمادگی دارد که به آن هدف بپردازد، و نه آن هدف، توسط ابزارهای دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش در پی معرفی «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» به‌صورت کامل نیست؛ چراکه در یک پژوهش و یک مقاله نمی‌گنجد، بلکه فقط تلاش خواهد کرد تا معلوم سازد که روان‌شناسی اجتماعی با چه ارکانی می‌تواند در حل مسائل روان‌شناختی - اجتماعی جامعه اسلامی ایفای نقش کند؟

روش پژوهش

ماهیت این پژوهش در گردآوری اطلاعات اولیه، کتابخانه‌ای است و تحلیل داده‌های آن، به‌صورت گفت‌وگوهای گروهی و تحلیل جمعی، طی چند مرحله انجام شده است. این روش، یکی از روش‌های کیفی محسوب می‌شود. در میان روش‌های کیفی، این روش را «روش اپرا (OPERA)» می‌نامند. در واقع، روش اپرا با تمرکز بر روش‌ها و تسهیلات گروه‌های، بر آن است که نه‌تنها عقیده‌ها و اندیشه‌های خلاقانه را در قالب بارش فکری بیرون کشد، بلکه بر آن است که مشارکت نیروهای خلاق و نوآور را در

۱. در خصوص «جامعه‌سازی»، به‌ویژه «جامعه‌سازی اسلامی» مطالعات بسیار کمی انجام شده است. در این باب می‌توان به اثر حکیمی (۱۳۸۲) تحت عنوان جامعه‌سازی قرآنی اشاره کرد؛ هاشمی‌نسب (۱۳۹۸) مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی جامعه‌سازی اقلیت‌های شیعه، تجربه‌های لبنان و نیجریه» منتشر کرده است؛ شکرانی و سلیمی (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان «بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول» انجام داده‌اند؛ محمدی‌آشنایی (۱۳۸۶)، پژوهشی تحت عنوان «جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی (ص)» منتشر کرده و عالم‌زاده نوری (۱۳۹۲) نیز، کتابی تحت عنوان خودسازی و جامعه‌سازی در برنامه فعالیت‌های جوان مسلمان تألیف کرده است.

کنار هم در حل مسئله یا پاسخ دقیق فراهم سازد (میرزایی، ۱۳۹۶). اپرا از حروف اول چند کلمه تشکیل شده است که هر کدام به‌عنوان یک مرحله از این روش به‌حساب می‌آیند: «Own Thoughts»، یعنی «اندیشه‌های خود»؛ «Pair suggestions»، یعنی «پیشنهاد‌های جفت‌شده با هم»؛ «Explaining»، یعنی «تبیین کردن»؛ «Ranking»، یعنی «رتبه‌بندی کردن»؛ و آخرین مرحله «Arranging»، یعنی «آرایه‌بندی» (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸). این روش، شباهت دارد به روش دلفی، آنگاه که فقط در یک مرحله انجام بشود و در مراحل بعدی ادامه پیدا نکند. نحوه انجام کار در این پژوهش این‌گونه بوده است که ایده‌های اولیه توسط استاد در کلاس درس دکتری قرآن و روان‌شناسی مطرح شده است؛ آنگاه توسط دانشجویان دقیق و دغدغه‌مند به بحث گذاشته شده و پیشنهاد‌های گروهی در رفت و برگشت‌های متعدد کلامی یکپارچه شده است؛ آنگاه جمع‌بندی محتوایی مطالب توسط استاد شکل گرفته و دیگران نیز آن را کامل کرده‌اند؛ و در آخرین مرحله، استاد با بیان و عبارت‌پردازی‌های خودش مطالب را گزارش کرده است.

این گفت‌وگو به روش اپرا در مورد تمام ارکان روان‌شناسی اجتماعی صورت پذیرفته است، لکن از آنجاکه تبیین و تطبیق تمام ارکان «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» با «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» در یک مقاله ممکن نیست، تنها در چند رکن (مبانی، مفاهیم اساسی، اهداف و روش) این تطبیق به اختصار صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

تعریف روان‌شناسی اجتماعی

تعاریف مختلفی برای روان‌شناسی اجتماعی ارائه شده است: ۱. تلاشی برای درک و توضیح چگونگی تأثیر حضور واقعی، خیالی یا ضمنی دیگران بر افکار، احساسات و رفتار افراد (آلپورت، ۱۹۲۴)؛ ۲. مطالعه موضوعات، مشکلات و مسائل مرتبط با روان‌شناسی و جامعه (دیوید مایرز، ۲۰۰۲)؛ ۳. مطالعه علمی تأثیر فرایندهای اجتماعی و شناختی بر شیوه‌های درک، نفوذ و ارتباط با دیگران (اسمیت، ۲۰۰۰). با توجه به تعاریف متعدد می‌توان گفت: «روان‌شناسی اجتماعی، دانشی است که به مطالعه علمی تأثیر متقابل افراد بر یکدیگر می‌پردازد و درصدد یافتن علل و چگونگی پدیدآیی رفتار، احساسات و افکار افراد در موقعیت‌های اجتماعی است (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۲). این تعریف، جامعیت دارد و مورد نظر این پژوهش است. «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» و «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» در تعریف متفاوت نیستند، بلکه انطباق دارند.

بعضی از مبانی^۱ روان‌شناسی اجتماعی معاصر

پژوهش‌ها و مطالب زیادی در باب «مبانی روان‌شناسی اجتماعی» به فارسی وجود ندارد. محمود حیدریان کتابی را با عنوان *مبانی روان‌شناسی اجتماعی* منتشر کرده است. در این کتاب به مبانی‌ای مثل «نظریه لذت‌گرایی»، «نظریه خودگرایی»، «نظریه خردگرایی»، «نظریه همدردی» و مباحثی ذیل عناوین «تقلید»، «تلقین»، «رهبری و سازمان» و... پرداخته است (حیدریان، ۱۳۴۹). جواد طهوریان نیز، بخشی از کتاب *روان‌شناسی اجتماعی* لندزی را ترجمه کرده و توسط انتشارات آستان قدس رضوی، ذیل عنوان کتاب *مبانی روان‌شناسی اجتماعی* (۳) منتشر کرده است. در این کتاب نیز به مباحثی با عناوین «نظریه تعامل نمادی»، «نظریه نقش»، «نظریه سازمان‌ها» و... پرداخته است. اینها بیشتر ناظر به ساختار درونی روان‌شناسی اجتماعی است.

منظور ما از مبانی، باورهای است که در سطح پارادایمی رواج یافته است و در تمام ابعاد این علم حضور یافته و مؤثر واقع می‌شود. در ادامه، ابتدا به بعضی از مبانی اشاره می‌شود که بر «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» حاکم است و مورد تأیید فرهنگ اسلامی نیست؛ بنابراین نباید در «روان‌شناسی اجتماعی معاصر» حضور داشته باشد؛ سپس به بعضی از مبانی اشاره می‌شود که در جامعه اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار هستند؛ بنابراین «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» باید از ابتدای شکل‌گیری، در ترسیم و تنظیم نقشه راهش مبتنی بر این مبانی شکل بگیرد. ممکن است بعضی از آن مبانی در مقیاس دنیایی و انسان‌گرایی مورد تأیید روان‌شناسی اجتماعی معاصر هم باشد، لکن برای جامعه اسلامی کفایت نمی‌کند.

۱. مادی‌گرایی

اولین خشت از بنای بلند یک علم را نگاه آن به هستی و جهان می‌سازد و ما به‌رغم تنوع بسیار در روش‌ها و مدل‌های تبیینی علم روان‌شناسی، شاهد این هستیم که هستی‌شناسی علم جدید روان‌شناسی، مادی است و چیزی بیشتر از ماده را قبول ندارد (بونژه، ۱۹۸۷^۲). اگرچه در روان‌شناسی اجتماعی به‌صورت مستقیم از «پایه‌های زیستی رفتار» سخن گفته نمی‌شود، لکن مادی‌گرایی در همه ارکان آن حضور دارد؛ ارکانی مثل اهداف، پیش‌فرض‌ها، روش‌ها، مسئله‌گزینی، مفاهیم اساسی و... در هستی‌شناسی ماده‌گرایان، اساس و حقیقت جهان ماده است. هیچ چیز غیرمادی در جهان وجود ندارد. پدیده‌هایی مانند روح، حیات، تفکر و شعور نیز شکلی از ماده هستند. تفکر و اندیشه نیز حاصل

۱. برای بررسی‌های تفصیلی در باب مبانی، خواننده متن را به پژوهش‌هایی که در باب «مبانی علوم انسانی» انجام شده است، ارجاع می‌دهیم: (رک: عبدلی مسینان و خسروپناه، ۱۳۹۸؛ شریفی، ۱۳۹۵).

فعالیت‌های توده‌مادی مغز می‌باشد. به طریق اولی، خدا و جهان پس از مرگ نیز جایگاهی در روان‌شناسی جدید ندارد (بونزه، ۱۹۸۷). به‌خوبی معلوم است که با چنین مبانی اصولاً «جامعه‌سازی اسلامی» معنای درستی پیدا نمی‌کند.

۲. جزئی‌نگری

از آنجاکه علوم انسانی معاصر، از جمله روان‌شناسی اجتماعی، ذیل پارادایم «اثبات‌گرایی» تعریف شده و در پژوهش‌هایشان نیز غلبه با رویکرد تجربی است، نظریه‌های این علوم، از جمله نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز، به اقتضای روش تجربی‌شان، جزئی‌نگر هستند و نگاه جامعی به انسان ندارند که بتوانند همه ابعاد وی را در نظر بگیرند. هرکدام صرفاً بخشی از آن را توصیف یا تبیین کرده‌اند. روان‌شناسی اجتماعی نیز وقتی به موضوعاتی مثل «پرخاشگری»، «رفتار حمایتی»، «هویت اجتماعی»، «شناخت اجتماعی»، «ادراک اجتماعی» و... می‌پردازد، این موضوعات را فقط در قالب فرایندهای تجربی، مادی و دنیایی بررسی می‌کند و بیشتر از آن را نه احساس نیاز می‌کند و نه ابزار و روش آن را در اختیار دارد. بنابراین از تبیین رفتارهای متعدد دیگری مثل «ایثارگری در دفاع از آرمان‌ها»، «دویدن در میدان مین» یا «خوابیدن روی سیم‌خاردار» و... ناتوان است؛ چون استدلال فرامادی در روش‌شناسی‌اش جایگاهی ندارد و انگیزه‌های معادمحور در انسان‌شناسی‌اش تعریف نشده است و اهداف کاربردی روحانی در مفاهیم اساسی‌اش دیده نشده است. نتیجه این محدودیت‌ها، جزئی‌نگری خواهد بود، اما «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» این محدودیت‌ها را ندارد. اسلام نگاه جامع به انسان دارد، هم به ساحت تجربی‌اش توجه می‌کند، هم ظرفیت‌های استدلال‌های فلسفی‌اش را به رسمیت می‌شناسد، هم شناخت‌ها، عواطف و احساسات او را تعمیم می‌دهد. از «دنیا» به «دنیا و آخرت»، و از «مادیت» به «مادیت و معنویت»، و از نگاه برشی «اینجا و اکنون» به نگاه پیوستاری «گذشته، حال و آینده»، و همه اینها به خاطر باور به «روح» است.^۱ این روح دارای شناخت‌ها و عواطف فطری است و بدون رنگ نیست، بلکه رنگ فطرت دارد^۲ و داشته‌های فطری انسان در روان‌شناسی اجتماعی اسلامی به رسمیت شناخته می‌شود (ر.ک: واعظی، ۱۳۷۷).

۳. دنیا‌گرایی

باور به معاد، بر کل «هندسه معرفتی اسلام» حاکم است.^۳ این باور، از مبانی هستی‌شناختی و اعتقادی است که در تمام علوم اسلامی، از جمله در «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» نیز حضور دارد. این حضور

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹)

۲. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)

۳. «مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَأْتِيهِمْ الْآخِرُ...» (بقره: ۸)؛ «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (حشر: ۲۲)

هم در تمام انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های روان‌شناس اجتماعی مسلمان و هم در رفتارهای اجتماعی انسان کنشگر مسلمان آشکار و مؤثر خواهد بود. معادباوری و ایمان به غیب و ترتیب اثر دادن به غیب در زندگی روزمره، یکی از باورهای مهم و اصیل اسلامی است. این باور در رفتارهای فردی و اجتماعی افراد تأثیر فراوان می‌گذارد. اگر باور فرد این‌گونه باشد که: «من فقط تا زمان مرگ فرصت دارم تا از لذت‌های دنیا بهره‌مند بشوم و زندگی بعد از مرگ وجود ندارد»، این باور تمام رفتارهای فردی و اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تفاوت در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری او حضور پیدا می‌کند. قواعد روان‌شناختی حاکم بر او نیز در همین محدوده تعریف می‌شود، اما جامعه‌سازی اسلامی مبتنی بر معادباوری است. اگر روان‌شناس اجتماعی مسلمان بخواهد در جامعه اسلامی، پژوهش‌های روان‌شناختی اجتماعی انجام دهد، با موضوعات و مسائلی مواجه خواهد بود که در جامعه غیراسلامی موضوعیت ندارند. بعضی از این مسائل عبارت‌اند از: نماز جماعت، نماز جمعه، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، مواسات، انفاق، قرض‌الحسنه، مراسم‌های شادی و سوگواری اسلامی، زیارت معصومین علیهم‌السلام مثل زیارت اربعین، صلۀ ارحام، خانواده گسترده و...

۴. انسان‌محوری

روان‌شناسان برای انسان یک وجود استقلالی محض در نظر گرفته و انسان را خالق تمام ارزش‌های واقعی و این‌جهانی و حاکم بر شئون هستی می‌دانند. تحقق خواسته‌ها و شکوفایی انسان، بر همه چیز مقدم است. این دیدگاه، فردنگری، خودمحوری و خودخواهی انسان را افزایش داده و صفات فراوانی را در او پرورش می‌دهد که مناسب با جامعه اسلامی نیست. به‌عنوان مثال، نظریه‌های «لذت‌گرایی»، «خودگرایی»، «خردگرایی» و «نظریه همدردی» که در کتاب مبانی روان‌شناسی اجتماعی آمده است، کاملاً انسان‌محور هستند. همین‌طور اگر به دیدگاه‌های بعضی از صاحب‌نظران مشهور روان‌شناسی اجتماعی دقت کنیم، این معنا را به روشنی درمی‌یابیم: آلپورت به حضور دیگران و تسهیل اجتماعی پرداخت، فستینگر ناهماهنگی شناختی را مطرح کرد، واینر به «نظریه اسناد» معروف است، سالمون اش^۱ درباره هم‌نوایی^۲ و اطاعت از اکثریت مطالعه کرد، کورت لوین^۳ یکی از پدیدآورندگان نظریه گشتالت است. او مفهوم فاصله اجتماعی را بررسی کرد و نظریه میدانی^۴ را ارائه داد، میلگرام^۵ بیشتر به

-
1. Solomon Asch
 2. conformity experiments
 3. Kurt Lewin
 4. field theory
 5. Stanley Milgram

خاطر آزمایش شوک الکتریکی درباره اطاعت از اقتدار^۱ معروف است، زیمباردو^۲ به خاطر آزمایش زندان استنفورد^۳ شناخته شده است. او در آزمایشش بر روی زندانیان، تأثیر محیط بر فرد را سنجید، بندورا^۴ به عنوان بنیان‌گذار نظریه یادگیری مشاهده‌ای معروف شده است.^۵ همه اینها در چارچوب «انسان‌گرایی» عمل کرده‌اند و در پژوهش‌های خود چیزی فراتر از انسان را به رسمیت نشناخته‌اند، اما در اسلام، محور هستی خالق هستی است، پایگاه و شأن انسانیت در ارتباط با او معنا پیدا می‌کند (نیک‌صفت، ۱۳۸۵). در روان‌شناسی اجتماعی اسلامی چند تفاوت ممکن است در موارد فوق رخ دهد: الف) ممکن است این موضوعات در اولویت پژوهش و تجربه نباشند؛ ب) اگر در اولویت پژوهش باشند، ممکن است به خاطر باورمندی آزمودنی‌ها به باورهای الهی، نتایج متفاوتی حاصل شود. به عبارت دیگر، بافت فرهنگی متفاوت ممکن است نتیجه متفاوت بدهد؛ ج) اگر در رویکرد تجربی، همین نتایج حاصل شود، ممکن است پژوهشگر در تحلیل یافته‌هایش از داده‌های عقلی و نقلی نیز استفاده کند.

۵. غیرارزشی بودن

ارزش‌ها، اعم از غایی یا ابزاری، زیربنای هنجارها، نهادها و ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ارزش‌ها را می‌توان بر مبنای جهانی، ملی، یا قومی و محله‌ای تقسیم کرد (کاویانی، ۱۳۹۹). ارزش‌های اجتماعی ممکن است از نوع دینی، اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، سیاسی یا فرهنگی باشند. روان‌شناسی اجتماعی معاصر هیچ ارزش اولیه ذاتی را نمی‌تواند برای انسان به رسمیت بشناسد و بر اساس آن ارزش‌ها، در جامعه‌سازی ایفای نقش نماید. اگر بخواهد در «جامعه‌سازی اسلامی» ایفای نقش نماید، باید ارزش‌هایی مثل، صداقت،^۶ نوع‌دوستی،^۷ ضرورت تقوا،^۸ اصلاح بین انسان‌ها،^۹ احترام مالکیت برای دیگران^{۱۰} و دهها ارزش اجتماعی دیگر را که از قرآن به دست می‌آید، به صورت اولیه و ذاتی در مبانی خودش داشته باشد و آنها را به رسمیت بشناسد تا بر اساس آنها در جامعه اسلامی ایفای نقش نماید.

1. obedience to authority
2. Philip Zimbardo
3. Stanford prison experiment
4. Albert Bandura
5. observational leaning

۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹)

۷. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)

۸. «إِن أكرمکم عند الله اتقاکم» (حجرات: ۱۴)

۹. «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ...» (نساء: ۱۱۴)

۱۰. «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...» (بقره: ۱۸۹)

البته این نکته اختصاص به روان‌شناسی اجتماعی ندارد، بلکه هر علمی که رویکرد تجربی دارد، همین اشکال بر آن وارد است.

بعضی از مبانی روان‌شناسی اجتماعی اسلامی

روان‌شناسی اجتماعی برای ایفای نقش در «جامعه‌سازی اسلامی»، علاوه بر اجتناب و دوری از مبانی که ذکر شد، باید منطبق باشد بر بعضی مبانی دیگری که در فرهنگ اسلامی جریان دارد و در «جامعه‌سازی اسلامی» از جایگاه مهمی برخوردار هستند. این مبانی را در قالب‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، الهیاتی و ارزش‌شناختی می‌توان شمارش کرد. در جامعه اسلامی نمی‌توان از این مبانی چشم پوشید؛ بنابراین روان‌شناسی اجتماعی اسلامی نیز، چون می‌خواهد در این جامعه ایفای نقش کند، باید مبتنی بر این مبانی باشد. به بعضی از این مبانی اشاره می‌شود. نکته مورد تأکید این است که روان‌شناسی اجتماعی معاصر، با این مبانی فاصله زیاد دارد. این مبانی اختصاص به روان‌شناسی اجتماعی اسلامی ندارد، لکن در روان‌شناسی اجتماعی اسلامی نیز باید کاملاً مورد توجه باشند.

۱. تقدم جمع‌گرایی بر فردگرایی

در قرآن مفاهیمی همچون «قوم»،^۱ «حزب»،^۲ «طایفه»^۳ و... وجود دارد که از مجموع اینها دریافت می‌شود که در امور اجتماعی و جامعه اسلامی، «جمع‌گرایی» بر «فردگرایی» تقدم دارد. اگر همه مسلمانان به ریسمان الهی چنگ زنند و متفرق نباشند،^۴ بی‌نیازی آنها از دیگران و قدرت آنان در دستیابی به اهداف خود بیشتر خواهد شد.^۵ این مفاهیم قرآنی، تعیین‌کننده مناسبات رفتاری بسیاری از افراد و گروه‌ها در درون خویش است.^۶ بدون اعتقاد به این مبنا ممکن است کسانی که اسلامی را دین کاملاً فردی می‌دانند، «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» را ضروری ندانند، اما با اعتقاد به این مبنا، ضرورت روان‌شناسی اجتماعی اسلامی مورد تأکید بیشتر قرار می‌گیرد و در تمام ابعاد زندگی حضور می‌یابد.

۱. «مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَ...» (هود: ۸۹)

۲. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶)

۳. «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ» (آل عمران: ۷۲).

۴. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ...» (آل عمران: ۱۰۴)

۵. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ...» (مؤمنون: ۵۲-۵۴)

۶. «قِيلَ يَتُوحِ أَهْبِطْ بِسَلَمٍ مِّنَّا وَبَرَكَتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ...» (هود: ۴۸)

۲. محوریت ولایت حق

«ولایت الهی» مراتبی طولی دارد. اصل اولی در پذیرش ولایت برای همه بندگان، ولایت حق ربوبی است. هیچ‌کس حق ولایت بر دیگران را ندارد، مگر در طول ولایت حق،^۱ فقط خداوند و رسول او و مؤمنین خاص، بر شما ولایت دارند.^۲ مصادیق این ولایت ربوبی، در جای جای زندگی، از قبیل خانواده، جامعه، حکومت و... حضور دارد. بر این اساس، رفتار اجتماعی افرادی که ولایت خداوند و پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ را به ولی فقیه، در زندگی امروزی خودش نیز سرایت می‌دهند، بسیار متفاوت می‌شود با کسی که چنین اعتقادی ندارد. دریافت و معنادهی اولیه به مفاهیم کلان و اساسی روان‌شناسی اجتماعی مثل پیش‌داوری، پرخاشگری، رفتار حمایتی، جاذبه‌های میان‌فردی، گروه اجتماعی، اسناد، نگرش، ارزش اجتماعی، هنجار اجتماعی، تبعیض نژادی، تصورات قالبی، ادراک اجتماعی، شناختی اجتماعی، هویت اجتماعی و... تا حد زیادی متفاوت می‌شود بین دو نفری که یکی به این ولایت باور دارد و دیگری که آن را باور ندارد. این معنادهی اولیه، بر پژوهش‌ها و تحلیل نظری دستاوردهای آن پژوهش‌ها نیز تأثیر دارد.

۳. «رحمت‌گرایی نسبت به مؤمنان»، «شدت‌گرایی نسبت به کفار»

بر اساس آیات قرآن، مؤمنان نسبت به هم مهربان و صمیمی‌اند، اما در مقابل کفار، بسیار جدی و سخت‌گیرند.^۳ هم کفر، هم ایمان، دو مفهوم پیوستاری و تشکیکی هستند. قدر مسلم و متیقن از کفار مورد نظر این آیه شریفه، کفاری هستند که مسلمانان با آنها ارتباط اجتماعی دارند و آنها دشمن مسلمانان تلقی می‌شوند. باید با کسانی که نقض پیمان کردند و تلاش کردند که پیامبر ﷺ را از شهر بیرون کنند، جنگید.^۴ بر اساس همین مبنا در جامعه‌سازی اسلامی، روابط بین‌فردی و روابط بین‌المللی، جهت خاصی به خود می‌گیرد. از نگاه اسلام، مرزبندی‌های بین مسلمانان و کفار و منافقان، به‌صورت مکرر و موکد و دقیق مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین در رفتارهای افراد و معنادهی به آن رفتارها نیز تأثیر دارد. روان‌شناسی اجتماعی اسلامی موضوعات پژوهشی متعددی را ذیل همین باور می‌تواند انجام دهد. این باور، در تحلیل دستاوردهای پژوهش‌های دیگر نیز مؤثر خواهد بود.

۱. «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله» (نساء: ۶۴)

۲. «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا...» (مائده: ۵۵)

۳. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (فتح: ۲۹)

۴. «أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نُّكَتُوا أَيْمَنُهُمْ وَهُمْ يَخْرَاجُ الرَّسُولُ...» (توبه: ۱۳)

۴. همکاری و تعاون در کارهای مثبت و عدم همکاری در کارهای منفی

خداوند در قرآن بر همکاری در نیکی و تقوا فرمان می‌دهد و از معاونت در گناه و ستم نهی می‌کند.^۱ در جامعه اسلامی و جامعه‌سازی اسلامی، همکاری در کارهای خیر مورد تشویق قرار می‌گیرد و یک ارزش اجتماعی محسوب می‌شود و همکاری در کار بد مورد تنبیه قرار می‌گیرد و ضد ارزش تلقی می‌شود. قرآن می‌فرماید: «در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (در روز رستاخیز) حاضر می‌کند»؛^۲ «مؤمنان به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک پیشی می‌گیرند و آنها از صالحان‌اند».^۳ قرآن «ابرار» را توصیف می‌کند که در بهشت، در نعمت هستند، بر تخت‌هایی تکیه زده‌اند، چهره‌هایی با طراوت دارند و...، آنگاه می‌فرماید که مؤمنان در این امور باید با یکدیگر رقابت کنند.^۴ بنابراین جهت‌گیری‌های «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» نیز همچون همه «هندسه معرفتی اسلام» باید موافق و همسو با این‌گونه اهداف باشد. به لحاظ «انتخاب مسئله پژوهش»، «اخلاق پژوهش، به‌ویژه در میدان»، «روش پژوهش»، «اهداف پژوهش» و... باید در این بافت معنایی جاری شود.

۵. عدالت‌گرایی

یک مبنای دیگر و یکی از راهکارهای مهم برای تدبیر جامعه اسلامی، عدالت‌گرایی است. این مفهوم در کنار مفاهیم دینی - روان‌شناختی دیگر مثل صلح، بغی، ظلم، قسط و... بررسی می‌شود و به‌عنوان راهکاری برای بسیاری از تصمیم‌ها به کار گرفته می‌شود. روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، آشکارا و اعلام‌شده در خدمت اهداف اسلامی است، ارزش مدار است. روان‌شناس اجتماعی اسلامی، همچون یک راهبردار فرهنگی که می‌خواهد مسیر درست را برای افراد و گروه‌ها و کل جامعه ترسیم کند، پژوهش‌ها و تلاش‌های این رشته را نیز به‌عنوان یک مکانیزم یا فرایند برای رسیدن به آن اهداف به کار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، ایجاد صلح بین مؤمنان و جنگ با ظالمان، از دستورات قرآن کریم است.^۵ روان‌شناسی اجتماعی، در پژوهش‌هایش به دنبال راهکارهای عملیاتی‌سازی این دستور می‌گردد، یا اگر در جامعه، عدالت آموزشی وجود ندارد، روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، این را یک مسئله پژوهشی برای خود تلقی می‌کند، و همین‌طور است در همه مسائل مربوط به جامعه اسلامی.

۱. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)

۲. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا...» (بقره: ۱۴۸)

۳. «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآمَرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۱۱۴)

۴. «خَتَمَهُ مَسْكِ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (مطففين: ۲۷)

۵. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)

مفاهیم و مسائل روان‌شناسی اجتماعی

مباحث مورد مطالعه در روان‌شناسی اجتماعی دو دسته است:

الف) مباحث نظری و بنیادی که به قانونمندی رفتار اجتماعی می‌پردازد؛ این بخش شامل مفاهیمی مثل ادراک اجتماعی، شناخت اجتماعی، نگرش، متقاعدسازی، نفوذ اجتماعی، تصورات قالبی، پیش‌داوری، تبعیض، پرخاشگری و... می‌باشد (کاترین و ساندرسون، ۲۰۱۰). این دسته از مفاهیم، به این لحاظ که قانونمندی‌های روان‌شناختی انسان در جامعه و گروه را ارائه می‌کند، تفاوت زیادی در فرهنگ‌های مختلف ندارند، اما از این جهت که ذیل هر کدام از این مفاهیم، بعضی رویکردهای تجویزی هم ارائه می‌شود، آن رویکردهای تجویزی، در فرهنگ اسلامی و غیراسلامی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۲)؛

ب) پژوهش‌هایی است که به مسائل روان‌شناختی در زندگی اجتماعی روزمره مردم می‌پردازد؛ این پژوهش‌ها که تحت عنوان «روان‌شناسی اجتماعی کاربردی» مطرح می‌شوند، در هر سه حوزه پیش‌گفته (توصیف، تبیین و مکانیزم‌های اجرا) حضور پیدا می‌کنند. به‌عنوان مثال، اگر یک محقق بخواهد راجع به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای (مثل تیراندازی) در روان‌شناسی اجتماعی اسلامی پژوهش کند، لازم است که اولاً تیراندازی موجود در جامعه و تیراندازی مطلوب از نظر اسلامی را توصیف کند، اگرچه ظاهر هر دو عمل یکی است، اما معنایی و تحلیل اجتماعی آن دو با هم متفاوت است؛ ثانیاً هر کدام از آنها را تبیین علی‌نماید و از این طریق تجویزهای قابل دفاع در مورد تیراندازی را شناسایی کند و در نهایت، تلاش کند تا روان‌شناسی اجتماعی، با تمام دستاوردهایش در عملیاتی‌سازی آن تجویزها ایفای نقش کند.^۱ گستره این دسته، به تعدد و تکرار همه زندگی اجتماعی انسان است و اهمیت زیادی دارد، حتی گاهی گفته می‌شود که مطالعات بنیادین روان‌شناسی مثل رشد، شخصیت، احساس و ادراک و انگیزش و هیجان و... نیز، مقدمه‌ای هستند برای پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی کاربردی. بعضی از این موضوعات عبارت‌اند از: دین، اخلاق، جنسیت، سلامت، قضاوت، کار، تبلیغات، عملیات روانی، سیاست، ورزش و... به عبارت روشن‌تر، روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، منحصرأً مشتمل بر جنبه معرفتی نیست، بلکه در کنار آن جنبه معرفتی، رسالتی اجتماعی - اسلامی نیز دارد. روان‌شناسی اجتماعی برای ایفای نقش در جامعه‌سازی اسلامی، باید مسئله‌گزینی‌اش را از جامعه اسلامی و متون اسلامی اخذ کند (جعفری، ۱۳۷۸؛ نجاتی، ۱۳۸۷). برای نمونه، به چند دسته از این مسائل اشاره می‌شود.

۱. بدیهی است که این مسئله، تنها با ایفای نقش روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، به حل نهایی نمی‌رسد، بلکه باید علوم مختلف و نهادها و سازمان‌های مختلف، به‌درستی در این مسیر حرکت کرده و ایفای نقش کنند. آنچه فعلاً مورد بحث ماست، این است که روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، از ایفای نقش خودش فروگذار نکند.

۱. نهادهای اسلامی مؤثر در تعاملات اجتماعی

به‌عنوان مثال، مسجد پایگاه مهم عبادی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود که انواع ارتباطات انسان‌ها را جهت می‌دهد. مسجد فقط محل تجمع و قرارگاه مؤمنان است، نه غیرمؤمنان.^۱ نماز جمعه نیز از این قبیل است و نقش مهمی در جامعه اسلامی ایفا می‌کند. قرآن در سوره‌ای مستقل به این موضوع پرداخته و به امور جانبی، مثل اقتصاد، خریدوفروش و... نیز توجه کرده است.^۲ نماز جماعت، مراسم شادی و اعیاد اسلامی، سوگواری‌ها برای معصومین علیهم‌السلام نیز، زمینه‌انواعی از تعامل اجتماعی را فراهم می‌کنند که ظرفیت پژوهشی بسیاری را برای روان‌شناسان اجتماعی را فراهم می‌کنند.

۲. شعائر اجتماعی اسلام

«شعائر»، مفهومی فراتر از یک مناسک است و اختصاص به بعضی مناسک ندارد. شعائر با حضور نمادها و ارزش‌های الهی، به‌ویژه در بُعد اجتماعی آشکار و عمومی ایفای نقش می‌کنند. شعائر مثل یک پرچم برای اسلام و جامعه اسلامی تلقی می‌شوند، و لازم است بزرگ داشته شوند.^۳ شعائر الهی نماد و پیشانی گروه و جامعه اسلامی تلقی می‌شوند^۴ (کاویانی، ۱۳۹۹). شعائر اجتماعی اسلام مثل حج، عمره،^۵ نماز جمعه، اذان، نماز، ایام‌الله، راهپیمایی اربعین، زیارت حرم‌های معصومین علیهم‌السلام و... به ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان می‌پردازند. روان‌شناسی اجتماعی، اگر بخواهد در جامعه اسلامی، ایفای نقش کند، باید شعائر اسلامی را مورد پژوهش و عمل قرار دهد؛ یعنی در کنار تغییراتی که در ارکان دیگرش ایجاد می‌شود، باید مسئله‌گزینی‌اش نیز از جامعه اسلامی باشد.

۳. رفتارهای حمایتگرانه

رفتارهای حمایتی^۶ از موضوعات تأثیرگذار در تعاملات اجتماعی است. در جامعه‌سازی اسلامی، رفتارهای حمایتگرانه زیادی بر اساس توصیه‌های اسلام وجود دارد، از جمله این موارد، ایثار است که به معنای مقدم داشتن دیگران بر خود است و افراد در جامعه اسلامی از جان و مال خود به خاطر اسلام و افراد می‌گذرند تا دیگران نیز در راحتی و آرامش باشند.^۷ از موارد دیگر، همدلی و هم‌رنگی و پرداخت نفقات واجب است

۱. «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ...» (توبه: ۱۷)

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ...» (جمعه: ۹)

۳. «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعِيرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲)

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ» (مائده: ۲)

۵. «إِنَّ الصَّلَاةَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...» (بقره: ۱۵۸)

۷. «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ...» (حشر: ۹)

که شامل موارد نفقه زن، پدر و مادر و فرزند^۱ می‌شود. همچنین صدقات مستحب^۲، مواسات^۳، اخوت دینی^۴، سبقت و سرعت در کار خیر^۵ و شاد کردن مؤمنان که هرکس مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز رستاخیز او را بسیار دلشاد خواهد کرد (کلینی، ۱۳۶۰). آنچه مهم است، این است که اینها از اخلاق فردی فراتر رفته و تبدیل به هنجار اجتماعی بشوند. روان‌شناسی اجتماعی اسلامی می‌تواند از این موضوعات که به‌عنوان نمونه گفته شد، ده‌ها، بلکه صدها مسئله پژوهشی برگیرد و به آنها بپردازد.

۴. تعامل‌های اجتماعی

بسیاری از تعاملات اجتماعی و بین‌فردی در فرهنگ اسلامی متفاوت با فرهنگ غیراسلامی است. روان‌شناسی اجتماعی، اگر بخواهد در «جامعه‌سازی اسلامی» ایفای نقش کند، باید تعاملات اجتماعی مربوط به جامعه اسلامی را در سه حوزه (توصیف، تبیین و راهکارها و مکانیزم‌های اجرایی) با رویکرد اسلامی مورد پژوهش قرار دهد. حیطه‌هایی مثل بازار، ورزش، سیاست، تفریح، حمل و نقل و ترافیک، خانواده، قضاوت، بازپرسی و شهادت در دادگاه، تعامل‌های آموزشی و تربیتی در آموزش و پرورش، الگوی اجتماعی مهد کودک‌ها، جنسیت، تبلیغ، عملیات روانی، روابط عمومی، و مسائل رده‌های زیرین هر کدام از اینها... همه و همه، باید با رویکرد اسلامی مورد پژوهش و اجرا قرار بگیرند. به این ترتیب، پژوهش‌هایی که در این شاخه علمی شکل می‌گیرد، گوشه‌هایی از روان‌شناسی اجتماعی اسلامی را به نمایش خواهد گذاشت. اگر آسیب‌شناسی تعامل‌های اجتماعی در جامعه اسلامی صورت می‌گیرد، باید با توجه به آموزه‌ها و تجویزهای اسلامی شکل بگیرد. به‌عنوان مثال، پرخاشگری در قرآن منع شده است^۶، ولی این دیدگاه، مطلق و عام نیست. در اسلام پرخاشگری‌های لازم و ضروری هم وجود دارد. مهم این است که جهت‌گیری آن پرخاشگری به چه سوی و با چه هدفی و در چه موردی باشد. خداوند به فرشتگانی قسم یاد می‌کند که جان کافران را به سختی می‌ستانند.^۷ بعضی انبیا در مورد بت‌ها، خشونت به خرج می‌دهند.^۸ قرآن، دستورهای صریح به اعدام، تبعید، بریدن دست^۱ و موارد دیگر می‌دهد.

۱. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ...» (بقره: ۲۳۳)؛ «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ...» (طلاق: ۷)؛ «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...» (نساء: ۳۴)

۲. «إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ» (توبه: ۶۰)

۳. «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ» (طلاق: ۳۴)

۴. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...» (حجرات: ۱۰-۹)

۵. «وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸)

۶. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ» (بقره: ۸۴)

۷. «وَالنَّازِعَاتُ غَرَقًا» (نازعات: ۱)

۸. «فَجَعَلْنَاهُمْ جَذَآءًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعْلَهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیاء: ۵۸)

اهداف روان‌شناسی اجتماعی

روان‌شناسی اجتماعی موجود، به دنبال افزایش شناخت درباره رفتار اجتماعی انسان است (بدار و همکاران، ۱۳۸۰)، و به توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتار اجتماعی می‌پردازد. برای مثال هنگام تماشای بازی فوتبال در استادیوم، افراد چه رفتاری از خودشان نشان می‌دهند، علل این رفتارها چیست؟ و چطور رخ می‌دهند؟ در چه موقعیت‌هایی ممکن است در استادیوم از خود پرخاشگری نشان دهند؟ و چطور می‌شود این پرخاشگری را کاهش داد؟ روان‌شناسی اجتماعی معاصر هدف پژوهش‌های خود را «رضایت از زندگی دنیوی و کاهش جرم و سازگاری انسان‌ها با یکدیگر» قرار داده است. این روان‌شناسی، برای ایفای نقش در «جامعه‌سازی اسلامی» باید به دنبال شناخت کامل‌تری از رفتار اجتماعی انسان مسلمان با سبک زندگی اسلامی باشد؛ همچنین رضایت از زندگی و سلامت را به‌عنوان هدف نزدیک و شکل دادن روابط اجتماعی بر پایه توحید و رشد و تعالی انسان و رسیدن به بندگی خداوند را هدف نهایی خود قرار دهد؛ رفتارهای اجتماعی را بر اساس قواعد متعالی اسلام تنظیم کند. این گرایش از روان‌شناسی، باید در اهداف کاربردی خود، تابعی از اهداف کاربردی «هندسه معرفتی اسلام» باشد و در اهداف نظری نیز به نظریه‌پردازی‌های اسلامی در باب موضوعات مختلف بپردازد و زمینه را برای کاربردی‌ترین آن نظریه‌ها فراهم سازد (کاویانی، ۱۳۹۹). یک علم اگر بخواهد اسلامی باشد، علاوه بر کنشگران، خود علم و فلسفه آن علم، اهداف اسلامی را برای آن ترسیم می‌کنند، در غیر این صورت، در اسلامی بودن آن، یا حداقل در درجه اسلامی بودنش تردید هست.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تلاش شد تا معلوم شود که روان‌شناسی اجتماعی برای ایفای نقش در «جامعه‌سازی اسلامی»، چه تغییراتی را در بعضی از ارکان خود (تعریف، مبانی، موضوعات و مسائل، اهداف و روش‌ها) باید بپذیرد. در باب این ارکان و تغییرات لازم در آنها، توضیح داده شد، اما به خاطر محدودیت حجم مقاله، از توضیح درباره ارکان دیگر، مثل «روش»، «پیش‌فرض‌ها»، «اهداف نظری» و «مفاهیم اساسی» صرف‌نظر شد. در باب «تعریف روان‌شناسی اجتماعی»، تغییری لازم نبود، بلکه انطباق دارند؛ در باب مبانی، تغییرات بسیار مهم و اساسی باید ایجاد شود که به تفصیل بحث شد؛ در زمینه موضوعات و مسائل مورد پژوهش، گفته شد که: ۱. در پژوهش‌های توصیفی مربوط به مفاهیم، انطباق وجود دارد، اما در مباحث تجویزی مربوط به مفاهیم، باید رویکرد تجویزی اسلام در آنها اشراق شود؛ ۲. در باب

۱. «أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يَصَلُّوا أَوْ يَنْقُطَعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ» (مائده: ۳۳)

مسائل مورد پژوهش، معلوم شد که روان‌شناسی اجتماعی، باید مسئله‌گزینی‌اش را به‌صورت کامل از نیازهای جامعه اسلامی و متون اسلامی به‌دست بیاورد. در زمینه اهداف کاربردی، گفته شد که روان‌شناسی اجتماعی، باید تابعی از اهداف کاربردی هندسه معرفتی اسلام باشد.

در انتها، قابل یادآوری است که اگر روان‌شناسی اجتماعی، با ملاحظه تغییرات اشاره‌شده در این پژوهش، و تغییرات در ارکان دیگری که به پژوهشی دیگر واگذار شد، تلاش کند تا در جامعه‌سازی اسلامی ایفای نقش کند، به‌تدریج در طول زمان، بخش‌هایی از محتوایی که می‌توان آن را «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» نامید، حاصل می‌شود.

فرایند شکل‌گیری روان‌شناسی اجتماعی اسلامی، بسیار طولانی و گسترده دامن است، لکن به اختصار می‌توان اشاره کرد که در این فرایند، در هر مسئله و هر موضوع پژوهشی که مطرح می‌شود، ابتدا باید یک «مدل مفهومی» در آن موضوع تهیه شود؛ آن مدل، به لحاظ نظری باید در درون خودش انسجام و تلائم لازم را داشته باشد و از روایی محتوایی لازم برخوردار باشد؛ آنگاه به تناسب نوع مسئله و موضوع مورد پژوهش، مدل اجرایی مناسب با آن فراهم می‌شود. این مدل اجرایی ممکن است یک مداخله باشد، یک پیمایش میدانی باشد، یک بسته آموزشی باشد، ساخت و اجرای یک آزمون باشد، یک پروتکل درمان باشد یا هر شکل دیگری از مدل‌های اجرایی. اگر این مدل اجرایی به‌صورت آزمایشی اجرا شد و پاسخ مناسب را داد، آنگاه به‌عنوان «یک رویکرد در آن مسئله» قابل ارائه به جامعه علمی خواهد بود. اگر این رویکرد در طول زمان و در پژوهش‌ها و آزمایش‌های متعدد دوام آورد و مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت، می‌توان آن را یک «نظریه» در مورد آن مسئله دانست. این نظریه، اگرچه با مبانی اسلامی شکل گرفته و با بافت مفهومی اسلام انطباق کامل دارد، اما اکنون برای غیرمسلمانان نیز قابل استفاده خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: دار القرآن الکریم.
- احمدی، محمد رضا؛ میردیکوندی، رحیم و حسنی، محمود (۱۳۹۹). رفتار حمایتی و شیوه‌های آن از منظر قرآن و روان‌شناسی. معرفت، ۲۹ (۸)، ۷۸۶۷.
- بدر، لوک و همکاران، (۱۳۸۰). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حمزه گنجی. تهران: ساوالان.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۷). نگاهی روان‌شناختی - اجتماعی به باورهای تمدن‌ساز امام خمینی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۲۲، ۱۰۸-۸۵.
- پناهی، احمدعلی (۱۳۹۳). اصول و راهبردهای ارتباطات اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی و روان‌شناسی. پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، ۱۳۱، ۳۱-۵.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). در قلمرو معرفت، روان‌شناسی اسلامی. تهران: پیام آزادی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: مؤسسه آل البيت. لاجیه التراث.

- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۲). *جامعه‌سازی قرآنی*. قم: دلیل ما.
- حیدریان، محمود (۱۳۴۹). *مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی روانی، مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی*. تهران: نگاه دانش.
- خنیر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۸). *مبانی و اصول روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: نگاه دانش.
- سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۲). *روان‌شناسی اجتماعی با تکرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸). *روان‌شناسی اسلامی، مبانی، تاریخچه و قلمرو*. قم: دار الحدیث.
- شریف‌رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. تصحیح: صبحی صالح. قم: هجرت.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۵). *مبانی علوم انسانی اسلامی*. تهران: آفتاب توسعه.
- شکرانی، رضا و سلیمی، هادی (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول. *تفسیرپژوهی*.
- عالم‌زاده نوری (۱۳۹۲). *خودسازی و جامعه‌سازی در برنامه فعالیت‌های جوان مسلمان*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عبدلی مسینان، مرضیه و خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۸). بررسی مبانی انسان‌شناختی علوم انسانی غربی و اقتضانات روش‌شناختی آن. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*.
- عبدلی، هادی و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۶). خطاهای اسنادی و نقش آن در رفتار انسان از منظر قرآن کریم. *پژوهش‌نامه سبک زندگی*، ۴، ۲۵-۷.
- عبدلی، هادی و کاویانی، محمد (۱۳۹۸). نقشه راه شکل‌گیری روان‌شناسی اجتماعی قرآن‌بنیان. *مجموعه مقالات دومین کنگره علوم انسانی قرآن‌بنیان*. دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاویانی، محمد (۱۳۷۷). جایگاه مفهومی ایمان در روان‌شناسی اجتماعی. *روان‌شناسی علوم انسانی*، ۴ (۱۶ و ۱۷)، ۱۱۸-۱۳۲.
- کاویانی، محمد (۱۳۷۹). *بررسی مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی از منظر قرآن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۸). *روان‌شناسی و تبلیغات، با تأکید بر تبلیغ دینی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۹). چپستی روان‌شناسی اجتماعی قرآن‌بنیان. *قرآن و علم*، ۱۴ (۲۶)، ۳۵-۶۴.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: بعثت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰). *اصول کافی*. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- الله‌قلی، محمدعلی و عسکری، آزاده (۱۳۹۸). بررسی اثر روابط اجتماعی بر شادمانی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت و آموزه‌های اسلامی. *مطالعات اجتماعی اسلامی*، ۲۵ (۱)، ۵۹-۸۶.
- لیندزی، گاردنر (۱۳۷۶). *مبانی روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه معاونت فرهنگی آستان قدس. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی‌آشنایی، علی (۱۳۸۶). *جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی (ص)*. اندیشه تقریب، ۱۰، ۱۵-۴۱.
- مصلحی، جواد و کاویانی، محمد (۱۳۹۹). چپستی و روان‌شناسی دانش روان‌شناسی در قرآن. *قرآن و علم*، ۱۴ (۲۶)، ۶۵-۹۴.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۶). *کیفی‌پژوهی، پژوهش، پژوهگری و پژوهش‌نامه‌نویسی*. تهران: فوژان.
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۷). *حدیث و روان‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا شیخی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- نوذری، محمود (۱۳۸۸). پیوند اخلاق و حقوق خانواده. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۵۵ و ۵۶.
- نیک‌صفت، ابراهیم، ۱۳۸۵، بررسی تطبیقی روش‌شناسی شخصیت کامل در غرب و اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- واعظی، احمد (۱۳۷۷). *انسان از دیدگاه اسلام*. تهران: سمت.
- هاشمی‌نسب، سیدسعید و همکاران (۱۳۹۸). الگوی جامعه‌سازی اقلیت‌های شیعه، بازخوانی تجربه لبنان و نیجریه. *علوم سیاسی*، ۸۸.
- الله‌قلی، محمدعلی و عسکری، آزاده (۱۳۹۸). بررسی اثر روابط اجتماعی بر شادمانی مبتنی بر روان‌شناسی مثبت و آموزه‌های اسلامی. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۵ (۱)، ۸۶.

- Allport, G. W. (1985). Attitudes, c. Murchison (ed.). handbook of Sicial psychology. worcester, MA: Clark university press.
- Alport. F. H. (1924). Social Psychology. Boston. Houghton Mifflin.
- Baron. R. A. & N. R. Branscombe (2012). *Social Psychology*. New Jersey: Pearson.
- Bunge, Mario & Ruben Ardila (1987). *Philosophy of Psychology*. U S A: Spring - Verlag.
- Catherin A. & Sanderson (2010). *Social Psychology*. U S A: WILEY.
- Janis, I. L.(1982). *Victims of Groupthink*. Bastan: Houghton Mifflin.
- Smith, E. R. (2000). *Social Psychology*. U S A: Pschology Press.

ماهیت و روش روان‌شناسی اسلامی

The Nature and Method of Islamic Psychology

سیدعلی مرعشی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

Seyyed Ali Marashi / Associate Professor, Department of Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
sayedalimarashi@scu.ac.ir

Abstract

The aim of this research was to present a systematic and clear theoretical framework for introducing the nature of Islamic psychological knowledge, by integrating a methodical understanding of religious texts with empirical investigation methods, and to distinguish this field of knowledge from other bodies of knowledge. The present study is a foundational-theoretical research of the 'methodological' type, conducted using a descriptive-analytical method. In this article, by analyzing the methodology of empirical science, the methodology of understanding religious texts, and relying on the epistemological validity of each, an attempt has been made to offer a way to integrate them within a narrative-rational-empirical framework that possesses epistemological validity and practical value in the field of psychology. This examination showed that: first, it is possible to achieve an 'Islam-based psychological science'; second, Islamic psychology is not merely a psychological interpretation of Islamic texts, but rather a kind of empirical psychological science based on the Islamic paradigm. In other words, Islamic psychology does not necessarily mean extracting all

چکیده

هدف پژوهش ارائه چهارچوب نظری نظام‌مند و شفاف برای معرفی ماهیت دانش روان‌شناسی اسلامی، با استفاده از تلفیق فهم روشمند نصوص دینی و روش‌های بررسی تجربی، و تمایز این حیطه از دانش، از سایر معارف بوده است. پژوهش حاضر یک مطالعه بنیادین - نظری است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این مقاله با تحلیل روش‌شناسی علم تجربی، روش‌شناسی فهم نصوص دینی و متکی بر اعتبار معرفت‌شناختی هریک، تلاش شده است تا شیوه‌ای برای تلفیق آنها در قالبی نقلی - عقلی - تجربی، واجد اعتبار معرفت‌شناختی و ارزش کاربردی در زمینه روان‌شناسی ارائه شود. این بررسی نشان داد که اولاً امکان دستیابی به «علم روان‌شناسی اسلام‌پایه» وجود دارد؛ ثانیاً روان‌شناسی اسلامی نه فقط یک برداشت روان‌شناسانه از نصوص اسلامی، بلکه نوعی علم تجربی روان‌شناسی بر پایه پارادایم (الگوواره) اسلامی است. به عبارتی روان‌شناسی اسلامی لزوماً به معنای استخراج تمامی گزاره‌ها و ابزارهای کاربردی روان‌شناسی از متون وحیانی

psychological propositions and practical tools from revealed texts; rather, its being Islamic depends on explaining empirical findings based on Islamic ontological, axiological, and anthropological presuppositions; third, it is possible to integrate the three epistemological methods-narrative (textual), rational, and empirical-for the production of religious science, particularly Islamic psychology, in a way that has sufficient epistemological validity and practical value from an epistemological perspective; fourth, the difference between the non-empirical domain of 'Islamic teachings' and the 'empirical science of Islamic psychology' and the application of each was clarified.

Key words: Islamic psychology, religious science, empirical method, rational method, narrative (textual) method.

نیست، بلکه اسلامی بودن آن در گرو تبیین یافته‌های تجربی بر اساس پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی اسلامی است؛ ثالثاً امکان تلفیق سه روش معرفتی، نقلی، عقلی و تجربی برای تولید علم دینی، به‌ویژه روان‌شناسی اسلامی به شکلی که از دیدگاه معرفت‌شناختی اعتبار کافی داشته و دارای ارزش کاربردی باشد، وجود دارد؛ رابعاً تفاوت بخش تجربه‌ناپذیر «معارف اسلامی» با «علم تجربی روان‌شناسی اسلامی» و کاربرد هر کدام روشن شد.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی اسلامی، علم دینی، روش تجربی، روش عقلی، روش نقلی.

مقدمه

گرچه در سنت اسلامی، به هرگونه آگاهی، «علم» اطلاق می‌شود، اما در بخش مهمی از ادبیات معرفت‌شناسی معاصر، به‌ویژه در سنت‌های تجربه‌گرا، آگاهی‌های عمومی‌تر را «معرفت»^۱ و آگاهی‌های حاصل از روش‌های تجربی را «علم»^۲ می‌نامند. باین حال، طبق این تعریف از علم، علمی بودن لزوماً به معنای حقیقت داشتن و علمی نبودن لزوماً به معنای دروغین بودن نیست. وقتی گفته می‌شود «فلان گزاره علمی نیست»، معنای سخن فقط آن است که آن گزاره از راه تجربی به‌دست نیامده یا از راه تجربی قابل بررسی نیست، نه آنکه آن گزاره لزوماً نامعتبر باشد؛ زیرا ممکن است از راه تحلیل منطقی قابل اثبات قطعی و کاملاً معتبر باشد؛ چنان‌که بسیاری از قضایای ریاضی این‌گونه‌اند.^۳ همچنین وقتی گفته می‌شود «فلان گزاره علمی است»، این سخن فقط بدان معناست که گزاره مورد نظر امکان بررسی تجربی دارد، نه آنکه ضرورتاً عین واقعیت باشد. دو ویژگی اصلی گزاره‌های علمی، یکی «مشاهده‌پذیری» یا «تجربه‌پذیری» و دیگری «قدرت پیش‌بینی پدیده‌ها» است. هیئت بطلمیوسی که

1. knowledge

2. science

۳. هرچند ریاضیات در اصطلاح رایج از علوم شمرده می‌شود و در علمی مانند فیزیک و روان‌شناسی تجربی نقشی بنیادین دارد، در این مقاله واژه «علم» در معنای خاص علم تجربی به‌کار رفته است. بر این اساس، ریاضیات از حیث روش، در شمار دانش‌های صوری قرار می‌گیرد، نه علوم تجربی.

می‌پنداشت خورشید به دور زمین می‌چرخد، اولاً با امکانات تجربی آن زمان قابل بررسی و تأیید بود؛ و ثانیاً می‌توانست پدیده‌های نجومی مانند خسوف و کسوف را به دقت پیش‌بینی کند. بنابراین نظریه بطلمیوس در زمان خودش کاملاً علمی، اما درعین‌حال نادرست بود. این وضعیت برای آنچه امروز علمی می‌خوانیم نیز بالقوه قابل تکرار است. این سخن نباید نازلنده‌سازی علم تلقی شود؛ زیرا علم در حل بسیاری از مسائل روزمره بشر و پیشرفت تمدن نقش انکارناپذیری داشته است، بلکه تذکارتی است بر آنکه امتیاز کارگشایی علم نباید به توهم حقیقت‌نمایی مطلق آن منتهی شود.

بی‌گمان تولید علم دینی از قبیل روان‌شناسی اسلامی، یکی از ضروریات استقرار تمدن اسلامی است، اما این مقوله با چالش‌ها، ابهامات، پرسش‌ها و گاه انتقاداتی روبه‌رو است. آیا علم دینی از جمله روان‌شناسی اسلامی به‌صورت بالفعل یا بالقوه وجود دارد؟ آیا علم دینی نوعی علم حاصل از بررسی‌های تجربی است یا محصول بررسی معارف دینی؟ این دو چگونه می‌توانند با یکدیگر عجین شوند تا بتوان درباره علم دینی سخن گفت؟ آیا علم نباید در خصوص عقاید و ارزش‌ها موضعی بی‌طرف داشته باشد؟ آیا پژوهش‌های تجربی امکان و صلاحیت بررسی معارف دینی را دارند؟ ایده «علم تجربی دینی» باید تابع چه نوع منطق، روش‌شناسی، الزامات و ملاحظات باشد؟ در این مقاله تلاش شده است تا چهارچوبی نظری برای حل و فصل پرسش‌های فوق ارائه شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه بنیادی-نظری است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است که در آن با روش تحلیل نظری، ابتدا اعتبار معرفت‌شناختی «علم تجربی» و «روش فهم نصوص دینی» و حیطه صلاحیت هریک از این دو روش در جهت کشف واقع، واکاوی شده است؛ سپس امکان تعامل علم تجربی با نصوص دینی بررسی شده؛ آنگاه با تحلیل ماهیت علم دینی و ضروریات و مضیقه‌های آن، تلاش شده است تا شیوه‌ای برای تلفیق روش تجربی و روش فهم نصوص دینی در تولید «علم تجربی روان‌شناسی اسلامی» ارائه شود که بتواند هر سه وجه «تجربی و کاربردی»، «روان‌شناختی» و «دینی» این علم را تأمین کند. همچنین سعی شده است تعارض‌های احتمالی دو روش تجربی و تفسیری، با لحاظ مبانی معرفت‌شناختی آنها، حل و فصل شود و در نهایت حدود و ثغور «علم روان‌شناسی تجربی دینی» تعیین و از حیطه‌های نامرتبط پیراسته گردد.

یافته‌های پژوهش

۱. اعتبار معرفت‌شناختی «علم تجربی»

۱-۱. رابطه علم تجربی با عقاید و ارزش‌ها

معمولاً وقتی یک پژوهشگر تجربی از ترکیب هیدروکسید سدیم و اسیدکلریدریک به نمک طعام و آب

می‌رسد، حکم می‌کند که همگان می‌توانند در شرایط مشابه، همین نتیجه را بگیرند. شاید تصور شود که این نتیجه‌گیری علمی بی‌شک عین «واقعیت» بوده و ارتباطی به عقاید، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های ذهنی پژوهشگر ندارد، اما واقعیت آن است که او نتیجه‌گیری خود را بر اساس یک رشته پیش‌فرض‌های متافیزیکی اثبات‌نشده، شامل عقایدی بنیادین دربارهٔ جهان (جهان‌بینی) اظهار کرده و ای‌بسا ارزش‌هایی نیز بر کار وی حاکم باشد. نتیجه‌گیری او تنها مشروط بر آنکه پیش‌فرض‌های اعتقادی وی پذیرفته شوند، درست تلقی خواهد شد، اما پژوهشگر مذکور معمولاً نیازی به بررسی این پیش‌فرض‌ها احساس نمی‌کند و آنها را بدیهی می‌گیرد. این پیش‌فرض‌ها غالباً از راه آزمایش و تجربه قابل بررسی نبوده و باید در خلال بررسی‌های برهانی و فلسفی به صحت و سقم آنها رسیدگی کرد. این پیش‌فرض‌ها که از جنس عقیده‌اند و نه علم، به این قرارند:

۱. واقعیتی به نام جهان، مستقل از ذهن ما وجود دارد (رئالیسم).
 ۲. هرچه را بتوان مشاهدهٔ حسی و اندازه‌گیری کرد، واقعی است.
 ۳. جبر علی یا همان قانون علت و معلول بر پدیده‌ها حاکم است (دترمینیسم).
 ۴. قوانین حاکم بر جهان در طول زمان ثابت‌اند.
 ۵. قوانین حاکم بر جهان در همه‌جا به‌طور یکسان وجود دارند.
 - و گاه عقیده به اینکه...
 ۶. هرچه قابل مشاهدهٔ حسی مستقیم یا غیرمستقیم نباشد، موهوم است (امپرسیسم و پوزیتیویسم).
 ۷. در جهان چیزی جز ماده و آثار آن وجود ندارد (ماتریالیسم).
- پژوهشگر تجربی، پایبندی عملی به این عقاید را نوعی ارزش تلقی می‌کند، و گرنه از آنها تخطی می‌کرد. همچنین او ممکن است سوگیری‌های ارزشی نیز داشته باشد. برای مثال ممکن است نفس فعالیت علمی یا آثار اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیک، یا میهن‌پرستانهٔ این فعالیت را نیز ارزش بداند، و گرنه بدان مبادرت نمی‌کرد.
- به روشنی می‌توان دید که برخلاف یک «عقیده» مشهور که علم فارغ از عقیده و ارزش‌هاست یا باید باشد، علوم تجربی و انسانی بدون استثنا دارای زیربناهای عقیدتی و ارزشی معینی، گاه بسیار فراتر از عقاید و ارزش‌های ذکرشده در بالا هستند. عقاید و ارزش‌ها علاوه بر آنکه همواره زیربنای ضروری علم هستند، می‌توانند جهت‌گیری و نوع پژوهش‌ها را تعیین کنند، سبب سوگیری در تحقیق شوند، در نحوهٔ نتیجه‌گیری و تفسیر محقق از یافته‌ها اثر بگذارند، و بالاخره می‌توانند در چگونگی کاربرد یافته‌های علمی تعیین‌کننده باشند.

فلسفه‌هایی مانند امپریسیسم، پوزیتیویسم و ابطال‌گرایی که [نوعاً] زیربنای علوم هستند، «عقیده» اند و نه «علم» (هیورلند،^۱ ۲۰۰۵). بنابراین هیچ دانشمند علوم تجربی یا انسانی در جستارهای علمی خود مستقل از پیش‌فرض‌های اعتقادی زیربنایی نیست (نمودار ۱). در روان‌شناسی، اندکی دقت در نتایج کار رفتارگرایان روشن می‌کند که آنها پیش‌فرض‌هایی شامل رئالیسم، ماتریالیسم، پوزیتیویسم و دترمینیسم داشته‌اند. اگر به دلایلی کاذب بودن این پیش‌فرض‌ها معلوم شود، نتیجه‌گیری‌های رفتارگرایان بی‌اعتبار خواهند بود.

مطالعه آثار ز. فروید^۲ نشان می‌دهد که او دیدگاه‌های روان‌کاوی خود را بر چند پیش‌فرض «عقیدی» استوار کرده بود: ماتریالیسم، دترمینیسم و امپریسیسم. هیچ‌یک از این عقاید، موضوع علم روان‌شناسی نبوده و در متن نظریات روان‌کاوی فروید به آنها تصریح نشده است، اما پذیرش مطلق دیدگاه‌های فروید بدون تسلیم به پیش‌فرض‌های عقیدی او ممکن نیست.

موج سوم رفتارگرایی تا حدی بر آموزه‌های اعتقادی بودایی تکیه دارد (سیدن و لام،^۳ ۲۰۱۰). عقیده اومانیزم (انسان‌محوری به جای خدامحوری) در حذف هم‌جنس‌گرایی از کتابچه طبقه‌بندی اختلالات روانی (DSM) تجلی کرده است (مک‌کانگی،^۴ ۱۹۷۷). حتی در نام برخی نظریات روان‌شناسی می‌توان تصریح به بنیان‌های اعتقادی را دید، مانند نظریه‌های روان‌درمانی فمینیستی و پست‌مدرنیستی (کُری،^۵ ۲۰۱۳، ص ۵۰۷-۶۰۴).

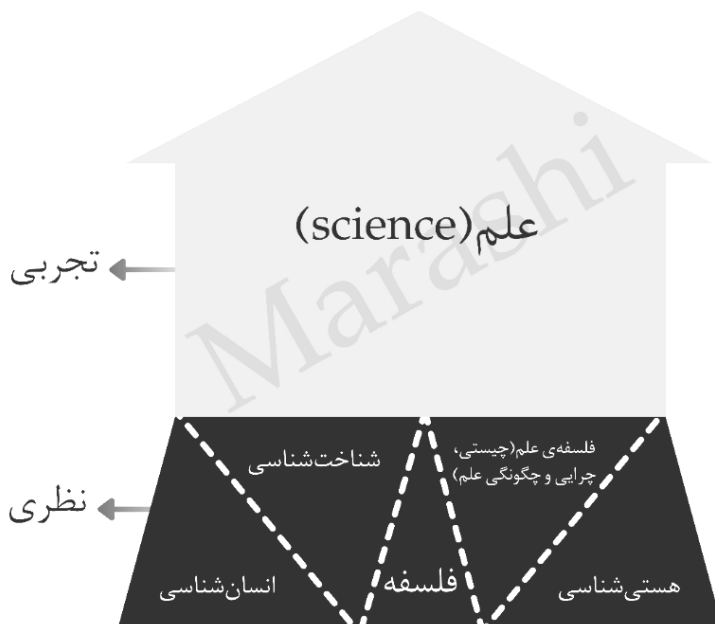
اتکای نتیجه‌گیری‌های علمی بر پیش‌فرض‌های غیرعلمی،^۶ در طبیعیات و علوم پایه نیز جاری است. اینشتین با فیزیک‌دانان مکانیک کوانتوم بر سر یک «عقیده» اختلاف داشت و نه یک مشاهده تجربی و علمی، کوانتومی‌ها جبر علی را در جهان زیراتمی قبول نداشتند، اما اینشتین به جبر علی به‌عنوان یک ضرورت فراگیر عقیده داشت. نتایج برخی آزمایش‌های زیراتمی به نظر غیرقطعی می‌رسیدند. کوانتومی‌ها از این مشاهده نتیجه می‌گرفتند که جبر علی نقض شده است، اما اینشتین نتیجه می‌گرفت که نقش عوامل ناپیدا از نظر دور مانده است (وایدمن،^۷ ۲۰۱۴). می‌بینیم که اختلاف نه

-
1. Hjørland
 2. Z. Freud
 3. Seiden & Lam
 4. McConaghy
 5. Corey

۶ اصطلاح «غیرعلمی» معادل غلط یا خرافی نیست، بلکه منظور گزاره‌هایی است که از راه تجربه عینی به‌دست نیامده باشند، حال چه درست باشند و چه غلط.

7. Vaidman

بر سر نتایج آزمایش‌ها، بلکه بر سر تفسیر این نتایج است. هرکس تفسیری را می‌پذیرد که با عقیده زیربنایی خود سازگار می‌یابد.



نمودار ۱: جایگاه زیربنایی عقاید درباره علم

۱-۲. میزان اعتبار عقاید تجربه‌گرایانه

فلسفه‌های تجربه‌گرا (پوزیتیویسم، امپریسیسم و ابطال‌گرایی)، گرچه خرافات زیادی را پالایش کردند و سبب پیشرفت‌های صنعتی زیادی شدند (چونگ‌چانگ و نولان،^۱ ۱۹۹۴؛ ناچمن،^۲ ۱۹۷۷)، اما بعدها روشن شد که این فلسفه‌ها خود اثبات تجربی ندارند، بلکه از جنس عقاید و استنتاجات ذهنی هستند. طرح یک سؤال، فلسفه پوزیتیویسم را از توافق عمومی در غرب خارج کرد: آیا این گزاره که «فقط اموری را می‌توان واقعی دانست که قابل تجربه و اندازه‌گیری باشند»، از راه اندازه‌گیری و تجربه به‌دست آمده است؟ (پوپر،^۳ ۱۹۵۹، ص ۱۰۵). به بیان دیگر، این عقیده که «هر چیز قابل آزمون تجربی نباشد، موهوم و مهمل است»، خود نیز موهوم و مهمل است؛ زیرا قابل آزمون تجربی نیست. تفحص‌های

1. Cheung Chung & Nolan
2. Nachman
3. Popper

فلسفی دیگر نشان دادند که عقاید تجربه‌گرایانه، خود مبتلا به جزم‌اندیشی‌های ذهنی ناصوابی هستند (کواين،^۱ ۱۹۷۶، ص ۴۱-۶۴).

انتقاد دیگر به فلسفه‌های تجربه‌گرا آن است که هم مشاهده و هم اندازه‌گیری، خطاپذیر و همچنین تابع ویژگی‌های روان‌شناختی مشاهده‌گرند (آلبرت،^۲ ۲۰۱۵)؛ بنابراین معلوم نیست آنچه دانشمندان از مشاهدات خود گزارش می‌دهند، تا چه اندازه عین واقعیت است.

انتقاد سوم آن است که اعتقاد به آنکه «علم تجربی بالقوه پاسخ‌گوی همه نیازهای بشر خواهد بود»، فاقد امکان بررسی علمی و تجربی است و از نگاه فلسفه تجربه‌گرایی، سخنی غیرعلمی و مهممل است (مرعشی، ۱۴۰۰، ص ۲۷).

انتقاد به تجربه‌گرایی ناقض مفید بودن یافته‌های تجربی نیست، بلکه نقد این عقیده است که تجربه تنها راه شناخت و آگاهی در نظر گرفته شود و سایر راه‌های شناخت مانند استنتاجات ذهنی و عقلانی به کلی نامعتبر فرض شوند؛ زیرا راه تجربی، خود بر اساس یک نتیجه‌گیری ذهنی، معتبر دانسته شده است.

البته پوزیتیویست‌های منطقی نقش منطق (و در نتیجه ذهن) را در تفسیر مشاهدات تجربی پذیرفتند، لیکن بدان شرط که آغاز روند علمی از تجربه باشد و نه از فعالیت ذهنی. اما وقتی از عده‌ای دانشجو خواسته شد که مشاهدات عینی و تجربی خود را ثبت کنند، آنها فوراً پرسیدند «مشاهدات درباره چه». آنها نیاز به یک پیشینه ذهنی داشتند تا مشاهداتشان را با آن انتخاب و همچنین معنا کنند (پوپر، ۱۹۶۳، ص ۶۱)؛ بنابراین تقدم امور ذهنی بر تجربی یک قاعده است.

دانشمندان در چگونگی پیش‌بینی، جمع‌آوری، اولویت‌بندی و ارزیابی داده‌های عینی، متأثر از زمینه‌های نظری (نظریه‌های ذهنی) خود هستند؛ از این‌رو هر مجموعه از داده‌های عینی و تجربی پر از نظریه‌های ذهنی پیدا و پنهان است (هانسون،^۳ ۱۹۵۸، ص ۴-۳۱). بدین ترتیب در علوم تجربی «است‌ها» (یافته‌های تجربی و عینی)^۴ نمی‌توانند به کلی از «بایدها» (ارزش‌ها)^۵ مستقل شوند (کوهن،^۶ ۱۹۶۲، ص ۱۸۵).

1. Quine
2. Albert
3. Hanson
4. facts
5. values
6. Kuhn

۳-۱. زیربناهای ایدئولوژیک^۱ علوم

علوم تجربی و انسانی متعارف که نوعاً غربی هستند، به صورت اجتناب‌ناپذیر انواعی از عقاید، از جمله «انسان‌شناسی» و «هستی‌شناسی» معینی را مفروض می‌گیرند. ایدئولوژی‌های غربی گرچه به صراحت به عنوان زیربنای مکاتب علوم انسانی غربی معرفی نمی‌شوند، اما ساختار و صورت‌بندی نظریات این علوم را متأثر کرده و «پارادایم»^۲ یا «الگواره»^۳ خاصی را بر این علوم حاکم می‌کنند (کوهن، ۱۹۶۲، ص ۴۳-۵۱). پژوهشگران غربی نه می‌توانند مدعی وحیانی بودن یا آزمون‌پذیر بودن پیش‌فرض‌های عقیدتی خود باشند و نه معمولاً بر این عقاید برهان اقامه می‌کنند، بلکه این جهان‌بینی‌ها صرفاً عقاید و پیش‌فرض‌هایی هستند که در اثر جریان‌های تاریخی و اجتماعی، در غرب رواج و مقبولیت یافته‌اند. به همین سبب پژوهشگران غربی عموماً ندانم‌گرا^۴ و پیرو ظن و گمانند (نوکسن،^۵ ۱۹۶۴؛ هاکسلی،^۶ ۱۹۹۷، ص ۲۷۲؛ هیوم،^۷ ۱۷۴۸، ص ۱۲۰). چنان‌که گفتیم، بر اصل وجود پیش‌فرض‌های اعتقادی برای علم حرجی نیست، بلکه گریزی هم نیست، اما فرض این الزام که همه مردم جهان از جمله مسلمانان، پیش‌فرض‌ها و جهان‌بینی علوم انسانی خود را از ایدئولوژی‌های غربی بگیرند و تا ابد مستعمره فکری غرب باشند، نه وجه علمی دارد و نه ضرورت منطقی، به‌ویژه آنکه مسلمانان برای جهان‌بینی خود دلایل محکم‌تر، عقل‌پسندتر و حتی علم‌پسندتری دارند که در جای خود نشان داده شده است.

۳-۲. نسبت روش فهم نصوص دینی با روش تجربی در روان‌شناسی اسلامی

۳-۲-۱. میزان اتکای عقل، نقل و تجربه بر یکدیگر

دیدیم که تجربه‌گرایی (شامل اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی) ضرورتاً قدرت حقیقت‌نمایی بیشتری از راه‌های غیرتجربی شناخت ندارد. اعتبار کلی آگاهی‌هایی که از راه تجربه، منطقی و وحی^۸ به‌دست می‌آیند، مشروط بر آنکه با روش مناسبی به کار روند، در جای خود روشن شده است و ما در این مقاله بنای بررسی این موضوع را نداریم، بلکه آن را برای یک پژوهشگر مسلمان مفروض می‌گیریم. اما

۱. صرف‌نظر از مناقشات لفظی و اختلاف‌نظرهایی که در تعریف واژه «ایدئولوژی» وجود دارد، در این مقاله ایدئولوژی صرفاً به معنای التزام به مجموعه‌ای از عقاید و ارزش‌ها در نظر گرفته شده است.

2. paradigm

3. agnosticism

4. Noxon

5. Huxley

6. Hume

۷. گرچه ما به عنوان انسان‌های عادی مستقیماً به وحی دسترسی نداریم، مسامحتاً و برای اختصار کلام، از نصوص دینی، از آنجاکه کاشف از وحی هستند، تعبیر به وحی و گاه تعبیر به نقل کرده‌ایم.

از آنجا که منطقاً واقعیت هرچیز یکی بیشتر نیست، انتظار می‌رود این سه منبع شناخت در هر موضوع، یا نتایج یکسانی داشته باشند و مانند سه بُردارِ هم‌رَس در یک نقطهٔ مشترک تلاقی کنند، یا نتایج حاصله از آنها مکمل یکدیگر باشند، یا در مواردی که حیطهٔ کاربرست این سه متفاوت است، دست‌کم تضاد و تعارضی میان آنها دیده نشود؛ گرچه هریک از این سه منبع تا اندازه‌ای برای تحلیل یک دسته از موضوعات، مناسب‌تر باشند.

بسیاری از نیازمندی‌های جاری بشر مانند شهرسازی، ساخت خودرو و هواپیما، درمان ناخوشی‌های جسمی و روانی، تولیدات کشاورزی و صنعتی و... بیشتر به شناخت‌های تجربی متکی هستند. این شناخت‌ها را در اصطلاح رایج امروزین «علم» می‌نامند. اما بشر سؤالات و نیازمندی‌های مهم دیگری نیز دارد که علم تجربی دربارهٔ آنها ساکت است، مانند آنکه آیا باید یک قاتل را اعدام کرد یا نه؟ آیا جهان هدفی دارد؟ اختلافات بشری را چگونه باید حل و فصل کرد؟ نیازهای معنوی بشر را چگونه باید پاسخ گفت؟ چه چیز زیباست؟ حل این‌گونه مسائل بیشتر به عهدهٔ عقل و وحی است، نه علم.

دیدیم که برخلاف توقع پوزیتیویست‌های منطقی، تحقیقات تجربی از ایده‌های نظری و ذهنی آغاز می‌شوند نه از مشاهدهٔ صرف با ذهن خالی. بنابراین علی‌القاعده نباید مانعی باشد که دانشمند تجربی مسلمان ایده‌هایی را از منطق و وحی به‌دست آورد؛ سپس این ایده‌ها را در بوتۀ آزمون تجربی، عینی و میدانی بررسی کند. در مطالب آتی راجع به ضرورت و فایدهٔ این فقره بحث خواهیم کرد. در مقابل نیز ایرادی ندارد که گاه یافته‌های تجربی به روشن‌تر شدن آموزه‌های وحیانی و استنباطات عقلانی کمک کنند؛ هرچند که این امر یک ضرورت همیشگی نباشد.

۲-۲. ماهیت علم دینی

دیدیم که علم بدون اتکا بر عقیده‌ها و ارزش‌ها تحقق‌پذیر نیست و اصرار برخی بر اینکه علم موضوعی عقیدتی و ارزشی نیست، در خوش‌بینانه‌ترین حالت ناشی از بی‌دقتی است. بر این اساس، اگر هر مجموعه از عقاید و ارزش‌ها را دین بدانیم (ولو دین غیرالهی)، علم همواره دینی^۱ بوده و مناقشه در امکان علم دینی بسی بیهوده است (مرعشی، ۱۴۰۰، ص ۵۸).

اغلب هرگاه سخن از علم دینی می‌شود، گمان می‌رود آن علمی دینی خواهد بود که همهٔ گزاره‌های خود را از آیات و روایات استخراج کرده باشد. بلافاصله سؤال می‌شود که مگر همهٔ نیازمندی‌های علمی - کاربردی بشر در متون دینی یافت می‌شود؟ آیا می‌توان در آیات و روایات روش

محاسبه «ضریب جینی» یا میزان اعتبار آن را در اقتصاد جست‌وجو کرد؟ آیا روش کاشت خرما، درمان بیماری کووید ۱۹، روش ساخت دستگاه‌های الکترونیک، نحوه ساخت پل و... را در آیات و روایات آموزش داده‌اند؟ البته که نه.

اما برای آنکه یک علم، دینی باشد ضرورت ندارد که تمامی مدعاهای خود را از متون دینی برگیرد. گرچه تصریحات و تلویحات علمی زیادی (برای مثال در روان‌شناسی یا اقتصاد) در متون اسلامی یافت می‌شود، اما علم دینی ضرورتاً محدود به این تصریحات و تلویحات نیست. اگر اتکای علم بر ارزش‌ها و عقاید اجتناب‌ناپذیر است - که هست - هرگاه رعایت شود که این عقاید و ارزش‌ها مأخوذ از دین باشند، علم ما دینی خواهد بود و اگر مأخوذ از اسلام باشد، علم ما اسلامی خواهد بود. این همان چیزی است که همه دانشمندان علوم گوناگون درباره عقاید و ارزش‌های بنیادین خود به‌صورت هشیار یا ناهشیار رعایت می‌کنند و از یک نظر علم همه آنها نیز دینی است؛ هرچند دین آنها غیرالهی باشد (مرعشی، ۱۴۰۰، ص ۳۸-۳۹).

۲-۳. ماهیت روان‌شناسی اسلامی به‌عنوان نمونه‌ای از علم دینی

شاید بتوان گفت که روان‌شناسی در مقایسه با سایر رشته‌ها در علم دینی پیش‌گام بوده است. برای آنکه بدانیم روان‌شناسی اسلامی چیست یا چه باید باشد، لازم است دست‌کم به سه سؤال پاسخ دهیم:

۱. موضوع بررسی در روان‌شناسی اسلامی چیست؟

۲. روان‌شناسی اسلامی یک علم تجربی است یا نوعی معارف غیرتجربی؟

۳. وجه اسلامی یک علم مانند روان‌شناسی اسلامی، چگونه تأمین شده است و چگونه با وجه علمی آن سازگار می‌شود؟

پاسخ سؤال اول: روان‌شناسی امروزی، حیطه کار خود را «بررسی فرایندهای ذهنی و رفتاری و مبانی فیزیولوژیک آنها» تعریف کرده است (اتکینسون^۱ و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۲۹؛ ویتن^۲، ۲۰۰۳، ص ۲۰؛ انجمن روان‌شناسی آمریکا^۳، ۲۰۲۶). فایده ویژه فهم فرایندهای ذهنی و رفتاری آن است که ما را در مدیریت اختلالات روانی، ارتقای سلامتی روان، افزایش رضایت از زندگی، رشد، بالندگی و بهبود کارآمدی انسان‌ها (که اهداف روان‌شناسی هستند) مسلح می‌کند. می‌دانیم که تعریف، یک قرارداد است و در آن مناقشه نیست. اگر ما بخواهیم روان‌شناسی اسلامی را به‌عنوان یک مکتب در ردیف سایر مکاتب روان‌شناسی به جهان عرضه کنیم، ضرورت دارد که موضوع بررسی را خارج از چهارچوب

1. Atkinson

2. Weiten

3. American Psychological Association

فرایندهای ذهنی و رفتاری قرار ندهیم، در غیر این صورت آنچه به‌دست می‌آید، هرچند ارزشمند است، نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای روان‌شناسی متعارف باشد، بلکه ممکن است چیزی از جنس فلسفه، کلام، اخلاق، فقه یا انسان‌شناسی باشد و کماکان نیازمندی مطلق به روان‌شناسی غربی ادامه یابد.

باید به‌ویژه مرز سه دسته از موضوعات با روان‌شناسی اسلامی حفظ و از خلط مبحث میان آنها با روان‌شناسی اسلامی اجتناب شود: انسان‌شناسی، فقه و اخلاق. در مباحث انسان‌شناسی نشان داده شده که روح متمایز از ذهن و کاربر آن است (مرعشی، ۱۴۰۰، ۳۸۵-۴۹۴). از آنجاکه روح قابلیت بررسی تجربی ندارد باید در حیطه کلام، فلسفه و انسان‌شناسی و به‌عنوان زیربنا و مفروضه اعتقادی روان‌شناسی اسلامی (و نه در متن آن) بررسی شود (مرعشی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲) [به نمودار ۱ نگاه کنید]. همچنین بررسی احکام خمس (حلال، حرام، مستحب، مکروه و واجب) که به حیطه فقه مربوط است و به «باید و نباید»هایی در مورد کنش‌های ذهنی و رفتاری انسان ختم می‌شود و نه به بررسی سازوکارهای ذهنی و رفتاری، لازم است از موضوعات روان‌شناسی اسلامی متمایز شود. هرچند روان‌شناس اسلامی در کارهای خود به‌طور ضمنی به آنها ملتزم است، اما اینها موضوع اصلی تحقیق او نخواهد بود. موضوعات اخلاقی نیز بسیار با روان‌شناسی اشتباه گرفته می‌شوند و بیشتر ناظر به «ارزش‌گذاری» کنش‌های ذهنی و رفتاری انسان هستند تا به بررسی سازوکارهای ذهنی و رفتاری. دقت و مراقبت در تمییز حیطه موضوعی روان‌شناسی اسلامی از فقه، کلام، فلسفه، اخلاق و انسان‌شناسی را می‌توان «اجتهاد خاص» نامید که در کنار «اجتهاد عام» به فهم مدعاهای روان‌شناسانه نصوص اسلامی می‌انجامد.

پاسخ سؤال دوم: پرداختن به روان‌شناسی اسلامی به معنای طرد یا قبول مطلق روان‌شناسی متعارف نیست، اما حیطه موضوعی و کاربردی مشترکی با آن دارد. لذا ضرورت دارد که آن را مقوله‌ای «علمی» در نظر بگیریم تا بتواند کارکرد یک علم مشابه را داشته و ما را از روان‌شناسی متعارف بی‌نیاز کند. اگر روان‌شناسی اسلامی را نوعی معارف تفسیری و اجتهادی صرف در نظر بگیریم، نمی‌تواند این نیاز را مرتفع سازد. معیار افتراق علم [تجربی] از غیرعلم و شبه‌علم، اتکا بر تجارب عینی، نظام‌مند، کنترل‌شده و «مبتنی بر شواهد» است. روان‌شناسی اسلامی نیز به‌حسب تعریف، یک علم [تجربی] نخواهد بود، مگر آنکه این شرط را رعایت کند.

پاسخ سؤال سوم: دیدیم که علوم انسانی همواره مبتنی بر پارادایم، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خاصی هستند. روان‌شناسی اسلامی از آن‌رو که «اسلامی» است، متکی بر هستی‌شناسی اسلامی، انسان‌شناسی اسلامی و پارادایم متناسب با عقاید و الزامات ارزشی اسلام است. در پارادایم روان‌شناسی اسلامی، بهره‌گیری از روش‌های عینی و تجربی امری پذیرفته و مورد تأکید آیات و روایاتی است که انسان را به دقت و تدبر در مشاهدۀ عینی پدیده‌ها تشویق می‌کنند. محدودیت‌های اخلاقی پژوهش تجربی که در همه مکاتب علمی پذیرفته شده است، در روان‌شناسی اسلامی مبتنی بر اخلاق اسلامی خواهد بود.

وجه اسلامی علم روان‌شناسی اسلامی، نه تنها به سبب اتکا بر مبانی اعتقادی، ارزشی و پارادایمی اسلامی است، بلکه بدان سبب است که در روان‌شناسی اسلامی می‌توان دیدگاه‌های روان‌شناسانه بسیار زیادی را از آیات و روایات اسلامی با لحاظ «اجتهاد عام و خاص» استنباط کرد و آن‌گاه برای تأمین وجه علمی به بوته آزمایش‌های عینی و تجربی در انسان‌ها برد. فایده و حکمت این آزمایش‌ها در ادامه این مقاله بیان شده و به ملاحظات و ابهامات مربوط به آن پاسخ داده شده است. فرایند استنباط روان‌شناسانه از نصوص اسلامی، تابع روشی نقلی - عقلی (روش کیفی تفسیری) است. این روش از همان اصول کلی پیروی می‌کند که برای سایر استنباطات از متون دینی لازم‌اند و به «اجتهاد عام» موسوم و فایده آن جلوگیری از تفسیر به رأی است. «اجتهاد خاص» نگاهی روان‌شناسانه است که در میان نصوص دینی، تبیین فرایندها و سازوکارهای ذهنی و رفتاری را جست‌وجو کرده و از سایر مطالب تمیز می‌دهد. برای کشف «معارف روان‌شناسانه» در نصوص دینی، باید خانواده آیات و روایات مربوط به یک موضوع روان‌شناسانه معین و موضوعات مرتبط با آن فراهم و در ارتباط با یکدیگر تحلیل مفهومی شوند تا تصویر کلی آن موضوع روان‌شناسانه از نظرگاه نصوص اسلامی روشن شود. این موضوعات روان‌شناسانه می‌توانند شامل تبیین مفاهیمی برای ساخت سازه‌ها، تهیه گویه‌هایی برای ساخت سنجه، فرضیه‌سازی، نظریه‌پردازی و تهیه بسته‌های مداخله‌ای و درمانی باشند.

بنابراین روان‌شناسی اسلامی یک علم تجربی و مبتنی بر شواهد است که حیطه مطالعه آن فرایندهای ذهنی و رفتاری بوده و پارادایم و عقاید و ارزش‌های بنیادین خود را از اسلام اخذ می‌کند. روان‌شناسی اسلامی غالباً ایده‌های پژوهشی خود را از متون اسلامی می‌گیرد؛ هرچند منعی ندارد که از منابع دیگری مانند مشاهدات میدانی نیز ایده پژوهشی برگیرد و بر مبنای پارادایم اسلامی خود تحلیل کند (نمودار ۲).



نمودار ۲: ماهیت روان‌شناسی اسلامی

۲-۴. شبهه نسبی‌گرایی و شکاکیت در علم دینی (اسلامی)

کوهن (۱۹۶۲، ص ۱۱ و ۷۷) پارادایم یا الگوواره را به‌عنوان یک سرمشق، چهارچوب شناخت‌شناسی انتظام‌بخش و الگوی حاکم بر یک رشته علمی معرفی می‌کند که اعتبار خود را از توافق عمومی و «ایمان جمعی» صاحب‌نظران آن رشته علمی به‌دست می‌آورد، حتی ای‌بسا عوامل زبان‌شناختی نیز بر پارادایم اثر داشته باشند. از آنجاکه پارادایم به زمانه و زمینه اجتماعی بستگی دارد، جنبه «عقیدتی» و «ارزشی» پارادایم روشن است. این توافق عمومی ضرورتاً منطبق بر حقیقتی ثابت نیست و می‌تواند با گذشت زمان و با تحول عوامل مؤثر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی تغییر کند. کوهن (۱۹۶۲، ص ۱۲) این پدیده را «تغییر پارادایم» نامید که سبب «انقلاب‌های علمی» می‌شود. وی تأکید کرد که یافته‌های جدید علمی به تنهایی مسئول تغییر پارادایم نیستند (کوهن، ۱۹۶۲، ص ۶۶).

می‌توان دید که علم متعارف به سبب اتکا بر پارادایم‌های غیرثابت، ناگزیر با نوعی نسبی‌گرایی و شکاکیت عجین است، لیکن مراد از «پارادایم» در یک علم دینی مانند روان‌شناسی اسلامی، همان تعریف کوهن نیست؛ زیرا در اینجا پارادایم محصول توافق عمومی نبوده و به زمانه و زمینه‌های اجتماعی بستگی چندانی ندارد، بلکه نتیجه ثابتی است از محکومات وحیانی تغییرناپذیر که صحت آن توسط برهان عاری از مغالطات و متکی به بدیهیات عقلی تأیید می‌شود؛ از این‌رو پارادایم روان‌شناسی اسلامی مشمول پدیده تغییر پارادایمی نیست و در نتیجه، نسبی‌گرایی و شکاکیت گریبان آن را نمی‌گیرد، البته تغییرات یافته‌های علمی در روان‌شناسی اسلامی و سایر شقوق علم دینی، ممکن اما مربوط به اصلاح و تدقیق برداشت‌های محققین از نصوص دینی و پیشرفت روش‌های تجربی است، نه ناشی از تغییرات پارادایمی.

شاید گفته شود که عقل، تجربه و نصوص دینی (وحی) به‌عنوان سه منبع اصلی شناخت در علم دینی، همگی خطا‌بردارند؛ زیرا گاه عقل در تله مغالطه می‌افتد، تجارب عینی گاه به سبب خطاهای حس و اندازه‌گیری، مخدوش می‌شوند؛ همچنین خطا در فهم متشابهات نصوص دینی امکان دارد. با این ملاحظه، چگونه نسبیت‌گرایی و شکاکیت در علم دینی جاری نخواهد بود؟ پاسخ آن است که وقوع این‌گونه خطاها به‌صورت پراکنده، موردی و به شکل استثناست، نه گسترده و فراگیر یا به شکل یک قاعده حاکم بر دریافت‌های عقلانی، تجربی و وحیانی.

وانگهی برای تقلیل حداکثری خطاهای فوق چاره وجود دارد. خطای تجربه با تکرار آن، به‌ویژه توسط افراد یا گروه‌های متعدد تا حد زیادی قابل پالایش است. می‌توان خطاهای عقل را نیز با کاربرست قواعد منطقی فروکاهید، و گریز از خطا در فهم «متشابهات» نصوص دینی با ارجاع به «محکومات» ممکن است، به‌ویژه اگر یک شناخت معین، مورد تأیید بیش از یک منبع از منابع سه‌گانه باشد، ضریب

خطا بازهم کمتر خواهد بود. بدین ترتیب، با آنکه احتمال خطا در راه‌های شناخت صفر نیست، اما دستیابی به منظومه‌های معرفتی قابل اطمینان امکان‌پذیر است.

۲-۵. پژوهش تجربی در علم دینی و روان‌شناسی اسلامی

آنچه را از اجتهاد عام و خاص و روش کیفی تفسیری به‌دست می‌آید، می‌توان «معارف اسلامی» نام نهاد، اما این همان «علم روان‌شناسی اسلامی» نیست؛ زیرا علم^۱ مستلزم بررسی‌های عینی و تجربی است. هرگاه معارف اسلامی به‌صورت کنترل‌شده و تجربی در انسان‌ها آزمون شوند، می‌توان به آنها «علم روان‌شناسی اسلامی» گفت، مشروط بر آنکه مبین سازوکارهای ذهنی و رفتاری انسان باشند. این‌گونه آزمون‌ها را می‌توان در قالب پژوهش‌های کمی و کیفی (از نوع عینی و تجربی) انجام داد. در ادامه به فواید و ضرورت‌های این مرحله از کار و سپس به چالش‌های آن می‌پردازیم.

۲-۶. فواید و ضرورت‌های پژوهش تجربی در روان‌شناسی اسلامی

اهمیت پژوهش تجربی در روان‌شناسی اسلامی شامل موارد ذیل است:

۱. چنانچه برداشت‌های روان‌شناسانه از متون دینی، در تجربه ملموس نیز کارایی خود را نشان دهند، برای همگان (حتی غیرمسلمانان) روشن خواهد شد که اثربخش و مفیدند. به عبارت دیگر، بررسی تجربی، اثربخشی، سودمندی و عینیت یک مدعا را در مقام کاربست به شکلی عملیاتی نشان می‌دهد.
۲. بررسی‌های تجربی، اندازه ارتباط متغیرها را با یکدیگر و اندازه اثربخشی مداخلات را روشن می‌کنند. این اندازه‌گیری‌ها کمک می‌کنند تا بتوانیم اثربخشی روش‌های مداخله گوناگون را با یکدیگر مقایسه و میان آنها انتخاب و اولویت‌بندی کنیم. همچنین عنصر «اندازه‌گیری»، پیش‌بینی دقیق‌تری از برون‌داد فرایندهای ذهنی و رفتاری، درک شدت روابط میان متغیرها و میزان اعتبار سنجه‌ها را در روان‌شناسی اسلامی فراهم می‌سازد. برای نمونه اگر بدانیم «زهد» پیش‌بینی‌کننده «سلامت روانی» است، نکته مهمی است، اما اینکه در میان انواع متغیرها، سهم زهد در سلامت روانی چه اندازه است، اهمیت جداگانه‌ای دارد که فقط با روش‌های تجربی مشتمل بر اندازه‌گیری قابل بررسی است. اینکه قرائت دعای چهلم صحیفه سجاده می‌تواند اضطراب مرگ را کاهش دهد، فی‌نفسه یافته پراهمیتی است، اما اینکه بدانیم اندازه این کاهش به‌طور میانگین حدود ۳۰ درصد است (حجازی، مرعشی، بشلیده و حمید، ۱۳۹۴)، در ترجیح یا عدم ترجیح بالینی این روش بر روش‌های دیگر تعیین‌کننده بوده و چنین برآوردی بدون اندازه‌گیری تجربی میسر نیست.

۳. اگر به دنبال یک دانش بومی هم‌ارز با روان‌شناسی متعارف باشیم، این دانش منطقاً باید از جنس تجربی باشد تا بتواند کارکردی مشابه با روان‌شناسی متعارف ارائه و جامعه اسلامی را از اتکای مطلق به آن بی‌نیاز کند؛ چنان‌که نمی‌توان برای استغنا از واردات خودرو، مقررات راهنمایی و رانندگی تدوین کرد؛ هرچند که این مقررات بسیار خوب تنظیم شده و فی‌نفسه نیز ضروری باشند.

۴. بررسی تجربی فرایندهای ذهنی و رفتاری، ممکن است گاه مکمل بررسی کیفی تفسیری (اجتهادی) این فرایندها باشد. به عبارت دیگر، بررسی‌های تجربی ممکن است در مواردی ما را از بررسی سند روایات بی‌نیاز کنند یا در مواردی به دقیق‌تر شدن و حتی اصلاح استنباطات روان‌شناسانه ما از نصوص دینی کمک کنند. مثالی از این مزیت را در بخش پایانی این مقاله در موضوع «رابطه عزت‌نفس با تکبر» خواهیم دید. پیش‌تر نیز برخی افاضل رحمهم‌الله، بر اساس مبانی عقلی، تجربه و آزمایش را برای اعتبارشناسی احادیث پزشکی (شامل طب تن و روان) پذیرفته‌اند:

... چون غالباً احادیث طبی، فاقد سندند و زمینه جعل در آنها به‌طور جدی وجود دارد، لیکن حاصل این‌گونه ارزیابی [صرفاً اجتهادی] بی‌بهره شدن مردم از بخشی از ذخایر علمی اهل‌بیت علیهم‌السلام خواهد بود؛ زیرا صف سند، بی‌تردید نشانه عدم صدور حدیث نیست؛ چنان‌که درستی سند، نمی‌تواند دلیل صدور قطعی آن باشد،... برای ارزیابی دقیق احادیث طبی [و به همان قرینه احادیث روان‌شناسی] و بهره‌گیری کامل از آنها، بهترین راه، آزمایش است. در واقع آزمایش و آزمایشگاه بهترین قرینه عقلی برای اثبات صحت و سقم احادیث طبی است که خوشبختانه در عصر حاضر امکان بهره‌برداری از آن بیش از هر وقت دیگر فراهم است... (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص ۵۰).

همچنین از دیدگاه نقلی (وحيانی) نیز تجربه منبع معتبری برای شناخت معرفی شده است که در این زمینه می‌توان به انبوهی از آیات قرآن کریم که به مشاهده عینی ارجاع می‌دهند اشاره کرد، مانند «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عنکبوت: ۲۰)؛ بگو: در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند [به همین‌گونه] جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز تواناست؛ «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ * وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ» (غاشیه: ۱۷-۱۹)؛ آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده؟ و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب شده است؟

۵. حجم قابل توجهی از روایات اسلامی دارای مضامین روان‌شناسانه‌اند. برخی از این روایات سند قطعی دارند، برخی ممکن است قطعاً جعلی باشند که در فرایند اجتهاد عام حذف می‌شوند، اما گروه سوم، نه قطعاً

جعلی‌اند و نه سند قطعی دارند. ممکن است در میان گروه سوم روایات زیادی وجود داشته باشد که درست و منطبق بر واقعیت باشند. اگر بخواهیم این همه روایات را کنار بگذاریم، دست‌مایه‌های زیادی به هدر خواهد رفت، پس چه باید کرد؟ می‌توان درستی مضامین روان‌شناسانه این نوع روایات را با روش تجربی آزمود و سپس از آنها استفاده کرد؛ چراکه منبع شناخت تجربی مورد تأیید عقل و نصوص دینی است.

۲-۷. چالش‌های پژوهش تجربی در علم دینی و روان‌شناسی اسلامی

کاربست پژوهش تجربی در بررسی‌های دینی، زمینه انتقاداتی را فراهم می‌سازد:

۱. سطحی‌ترین انتقادی که مطرح می‌شود، آن است که یک علم دینی مانند روان‌شناسی اسلامی نباید روش پژوهش خود را از روان‌شناسی متعارف عاریت بگیرد. پاسخ آن است که روش پژوهش تجربی، بخشی از یک مکتب علمی نیست تا خاص آن مکتب باشد، بلکه کم و بیش در همه مکاتب علمی از جمله مکاتب روان‌شناسی مورد استفاده است. دیدیم که همه علوم که از روش تجربی استفاده می‌کنند، از یک نظر ماهیتاً دینی (ولو مبتنی بر یک دین غیرالهی) هستند. استثنا کردن روان‌شناسی اسلامی از این قاعده، وجهی ندارد.

۲. با وجود نقدهای مهمی که به فلسفه پوزیتیویسم و امپریسیسم وارد است، کاربری روش‌های تجربی در علم دینی چه مناسبتی دارد؟ پاسخ آن است که علم دینی به‌صرف استفاده از روش تجربی، به علمی امپریسیستی یا پوزیتیویستی تبدیل نخواهد شد؛ زیرا ایراد این فلسفه‌ها از ناحیه سودمندی روش‌های تجربی و عینی نیست، بلکه اشکال اساسی آنها این است که هیچ دریافتی را بیرون از دایره شناخت‌های تجربی و عینی معتبر نمی‌دانند. اما یک علم دینی مانند روان‌شناسی اسلامی موضوعات غیر قابل تجربه را ضرورتاً موهوم و مهمل نمی‌داند. می‌توان گزاره‌های دینی تجربه‌پذیر را در حیطه «علم روان‌شناسی اسلامی» و گزاره‌های دینی تجربه‌ناپذیر را در حیطه «معارف اسلامی» یا تحت عنوان «انسان‌شناسی اسلامی»، با استفاده از منابع عقلانی و وحیانی بررسی کرد. در مبحث «کاربست منابع شناخت» دیدیم که منتظر بروز تعارض در میان این دو حیطه نیستیم، اما در ادامه مقاله خواهیم دید که در صورت بروز هرگونه تعارض احتمالی چگونه می‌توان این تعارض را حل و فصل کرد.

گزاره‌های دینی را می‌توان به «است‌ها» و «بایدها» تقسیم کرد. «است‌ها» درصدد بیان برخی واقعیات هستند، اما «بایدها» دستورالعمل‌های دینی‌اند. برخی از «است‌ها» و جنبه‌ای از «بایدها» تجربه‌پذیر و در مقابل، برخی دیگر از «است‌ها» و جنبه‌ای از «بایدها» تجربه‌ناپذیرند. «است‌هایی» مانند «خداوند از روح خود در انسان دمید»، «خداوند میان انسان و قلب او حائل می‌شود»، «خداوند در هنگام مرگ، روح انسان را بازمی‌ستاند» یا «شیطان عامل وسواس است»، تجربه‌ناپذیرند. درستی

این‌گونه «است‌ها» با تلفیقی از معیارهای عقلی و منابع وحیانی بررسی می‌شود، نه با روش تجربی، اما «است‌هایی» مانند «روزه و حج باعث آرامش می‌شوند»، «علت تکبر، احساس حقارت است» یا «اتفاق سبب ثبات روان‌شناختی می‌شود»، در زمره «است‌های» تجربه‌پذیرند.

«بایدها» از قبیل «مؤمنان باید نماز را به پا دارند» یا «مؤمنان باید تا می‌توانند بدی را با خوبی پاسخ دهند» یا «مؤمنان باید در سختی‌ها صبر پیشه کنند»، از آن جهت تجربه‌ناپذیرند که نمی‌توان با روش تجربی بررسی کرد که آیا این گزاره‌ها به واقع حکم خداوند هستند یا خیر؟ و آیا ارزش دینی محسوب می‌شوند یا نه؟ بررسی درستی این جنبه از «بایدها» به عهده منابع وحیانی و عقلانی است. انگاره رایج آن است که «بایدها» از هیچ جنبه‌ای قابل بررسی تجربی نیستند، لیکن جنبه دیگری از «بایدها» در روان‌شناسی اسلامی (و شاید علوم دیگر) تجربه‌پذیر است که برای آن مبنایی پیشنهاد داده می‌شود: از دیدگاه دینی و عقلی، محال است که امر و نهی خداوند یا ستایش و نکوهش او درباره هر کاری، در خلاف جهت سلامت، رشد و بلوغ روان‌شناختی انسان باشد؛ زیرا جهت‌گیری کلی اسلام به‌سوی سلامت روانی بشر است.^۱ با لحاظ این مبنا می‌توان به‌صورت تجربی بررسی کرد که دستورات دینی که در زمره «بایدها» هستند، در سازه‌های روان‌شناختی مانند سلامت روانی، بهبود ظرفیت‌های ذهنی، ارتقای تاب‌آوری، افزایش توان مقابله‌ای، تقویت خودمهارگری، مقابله با اضطراب، افسردگی، وسواس و امثال آنها چه اثری دارند (مرعشی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲-۱۱۳).

۳. بنیان روش‌های تجربی بر استقرا متکی است و استقرا یقین عقلی ایجاد نمی‌کند. با این وصف، چرا باید بر آزمون‌های تجربی اصرار ورزید؟ پاسخ آن است که هرچند استقرا منجر به «یقین عقلی» نشود، «ظن قوی» ایجاد می‌کند که در مقام بهره‌برداری کاربردی، سودمند و کافی است، با این ملاحظه که به اتکای ظن قوی نمی‌توان وحی قطعی را به چالش کشید.

۴. اگر بنا باشد که در روان‌شناسی اسلامی مانند روان‌شناسی متعارف، پژوهش تجربی داور نهایی ارزیابی گزاره‌ها باشد، آن‌گاه نقش دین در مدعاهای روان‌شناسی اسلامی لغو نخواهد شد؟ پاسخ آن است که در این صورت نیز روان‌شناسی اسلامی علمی اسلامی است و در جهات عدیده‌ای از روان‌شناسی متعارف متمایز است:

الف) گرچه روش داور روان‌شناسی اسلامی تجربی است، رهیافت^۲ (زیرساخت فکری) در روان‌شناسی اسلامی، دینی است و این دو با یکدیگر قابل جمع‌اند؛ از این رو پژوهش برد^۳ (۱۹۸۸) که در آن

۱. «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء: ۸۹-۸۸)؛ در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.

2. approach

3. Byrd

با رعایت کامل موازین بررسی تجربی نشان داد دعا برای بیماران قلبی به درگاه خداوند ادیان ابراهیمی، بر بهبود آنان در مقایسه با گروه گواه مؤثر است، نوعی پژوهش تجربی دینی از نوع الهی است، نه یک پژوهش تجربی ماتریالیستی. شایان ذکر است که این پژوهش از نوع مطالعات به اصطلاح سه‌سوکور^۱ بوده؛ یعنی بیماران و کادر پزشکی از امر دعا مطلع نبودند و پژوهشگران اصلی نیز گروه آزمایش را از گروه شاهد نمی‌شناختند. این نوع تحقیقات از معتبرترین تحقیقات تجربی محسوب می‌شوند؛

ب) نتایج آزمایش‌های تجربی بدون تفسیر و تبیین، معنای چندانی ندارند و دیدیم که عقاید بنیادین پژوهشگران در تفسیر نتایج آزمایش‌ها اثر دارد، مانند تفاوت تفسیر اینشتین و طرف‌داران مکانیک کوانتوم از نتایج آزمایش‌ها. در روان‌شناسی اسلامی، تفسیر نتایج آزمون‌های تجربی متأثر از عقاید و ارزش‌های اسلامی بوده یا دست‌کم با آنها معارض نخواهد بود؛

پ) در روان‌شناسی اسلامی مواد اولیه تجربه (موضوعات بررسی تجربی)، نوعاً (و نه ضرورتاً) مأخوذ از نصوص اسلامی هستند و برخلاف روان‌شناسی متعارف، در روان‌شناسی اسلامی، آیات و روایات در شکل‌گیری فرضیات و نظریه‌ها نقش اساسی دارند؛

ت) از آنجاکه در روان‌شناسی اسلامی برخلاف روان‌شناسی متعارف، پارادایم ما اسلامی است، لذا مرحله ضروری مقدم بر روش تجربی، فهم نظام‌مند دینی است؛

ج) در روان‌شناسی اسلامی برخلاف روان‌شناسی متعارف، ادبیات دینی در تبیین فرایندهای ذهنی و رفتاری جاری است. به بیان دیگر، غالب مفاهیم و اصطلاحات روان‌شناسی اسلامی به زبان دینی بوده و با فرهنگ اسلامی متناسب‌اند؛

چ) استفاده مؤثر از یافته‌ها در روان‌شناسی اسلامی ممکن است متوقف بر دست‌کم درجانی از ایمان دینی باشد. به عبارت دیگر، اثربخشی یک مداخله یا صدق یک فرایند ذهنی و رفتاری در افراد، ممکن است مستلزم آن باشد که این افراد تا اندازه‌ای اعتقادات دینی داشته باشند. برای مثال خواهیم دید که این قضیه در کاربست دعای چهلم صحیفه سجادیه برای مهار اضطراب مرگ صادق است؛

ح) در روان‌شناسی اسلامی برخلاف روان‌شناسی متعارف، تحقق شخصیت توحیدی موضوع مهمی است (مرعشی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۰-۲۴۰). بنابراین روان‌شناسی اسلامی اهداف روان‌شناسانه خود را از راهی پیگیری نمی‌کند که با سعادت اخروی در تعارض باشد. علم تجربی دو فایده اصلی دارد: یکی «شناخت پدیده‌ها» و دوم «کنترل پدیده‌ها»، اما در علم دینی، «شناخت پدیده‌ها» خود برای درک آیات صنع و قدرت خداوند، و هدف غایی از «کنترل پدیده‌ها» اصلاح فرد، جامعه و طبیعت، هماهنگ با ارزش‌های

دینی است؛ بنابراین روان‌شناسی اسلامی برخلاف روان‌شناسی متعارف نمی‌تواند برای اهداف ضدبشری، ضداخلاقی و ضدالهی به کار رود؛

خ) در روان‌شناسی اسلامی برخلاف روان‌شناسی متعارف، کاستی‌های تجربه در شناخت واقعیت مورد توجه است و تجربه تنها راه شناخت نهایی تلقی نمی‌شود، بلکه یافته‌های تجربی با معیارهای عقلانی و وحیانی محک می‌خورند و تفسیر می‌شوند. این موضوع را ذیل انتقاد ششم بیشتر شرح خواهیم داد.

۵. هرگاه در روان‌شناسی اسلامی (یا هر علم دینی دیگر) دیدگاه‌های مستخرج از نصوص دینی، در آزمون تجربی رد شوند، آیا به اعتبار دین لطمه وارد نمی‌شود؟ این انتقاد نیاز به پاسخی تفصیلی دارد.

ارزش پژوهش‌های تجربی تنها در حد تأیید^۱ یا رد^۲ (به معنای پذیرش یا کنار نهادن) یک دیدگاه است (رودر^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). به بیان دیگر، هرگاه فرضیه‌ای در پژوهش تجربی ابطال نشود، آن فرضیه را می‌پذیرند و عرفاً می‌گویند فرضیه مذکور تأیید شد، و هرگاه فرضیه ابطال شود، عرفاً گفته می‌شود که آن فرضیه رد شد یا تأیید نشد، اما پژوهش‌های تجربی ماهیتاً توان اثبات قطعی و یقینی صدق و کذب یک موضوع را ندارند و از اساس در مقام نمایاندن بی‌چون‌وچرای حقیقت نیستند (سایپینگتون، ۱۹۸۹، ص ۱۰)؛ زیرا اولاً مشاهده و اندازه‌گیری، پیوسته با درصدی از خطا همراه است؛ و ثانیاً کشف تجربی پاسخ هر سؤال، به طرح تعدادی سؤالات جدید منتهی می‌شود و این تسلسل انتها ندارد. در روان‌شناسی، بهترین پرسش‌نامه‌ها و سایر ابزارهای اندازه‌گیری، معمولاً روایی و پایایی حدود ۸۰ درصد دارند. علاوه بر این، خطا در پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه از سوی آزمودنی‌ها، اشتباه در تعیین حجم نمونه و روش انتخاب آن، سوگیری‌های پژوهشگر، نامناسب بودن طرح تحقیق، یا خطا در تحلیل آماری، همه ممکن است به دقت و صحت نتایج تحقیق لطمه وارد کنند.

از سوی دیگر، به فرض در امان بودن از خطاهای فوق، ابطال یک گزاره، هم‌ارز دروغین بودن آن نیست، بلکه تنها بدان معناست که آن گزاره فاقد شمول عام است. برای مثال، اگر فقط یک کلاغ سفید مشاهده شود، گزاره «کلاغ‌ها سیاه‌اند» ابطال می‌شود، اما این گزاره دروغ نخواهد بود. همچنین گزاره «آسمان آبی است»، با آنکه دروغ نیست، از دیدگاه تجربی ابطال می‌شود؛ زیرا گاهی آسمان آبی نیست. ابطال فرضیه «سیگار سبب سرطان ریه می‌شود»، فقط بدان معناست که سیگار گاهی موجب سرطان ریه نمی‌شود، نه آنکه سیگار هیچ‌گاه زمینه‌ساز سرطان ریه نیست. همچنین اگر گزاره «ذکر یونسیه سبب رفع غم می‌شود» در پژوهش تجربی ابطال شود، بدان معناست که این ذکر در برخی شرایط چنین اثری ندارد، نه آنکه این گزاره دروغ باشد.

1. to accept
2. to reject
3. Roudner

ممکن است یک متغیر وابسته، پیش‌آیندهای مستقیم و غیرمستقیم گوناگونی داشته باشد. اگر در پژوهش تجربی رابطه‌ی یکی از متغیرهای مستقل (پیش‌آیندها) با متغیر وابسته معنادار نشود، ممکن است به دلیل ممانعت پیش‌آیندهای دیگری باشد که در پژوهش بررسی نشده‌اند، نه به دلیل کذب بودن رابطه. به عبارت دیگر، هرگاه گفته می‌شود که یک متغیر علت متغیر دیگر است، منظور تنها آن است که متغیر اول سهمی در بروز متغیر دوم دارد.

اگر یک فرضیه در پژوهش تأیید نشد، ممکن است با کشف و رفع برخی اشکالات روشی، نتیجه تحقیق بعدی تغییر کند، اما بنا به فرض، اگر پژوهش‌های مکرر، یک فرضیه روان‌شناسی اسلامی را تأیید نکنند، باید احتمال داد که خطایی در استنباط روان‌شناسانه از نصوص دینی بروز کرده باشد. در این صورت باید کار اجتهادی عام و خاص مورد بازنگری قرار گیرد. نکته مهم آن است که در این‌گونه پژوهش‌ها آنچه مورد بررسی تجربی قرار می‌گیرد، نه نصوص دینی، بلکه دریافت‌های روان‌شناسانه «افراد» از این نصوص است که بالقوه می‌تواند خطاپذیر باشد. به بیان دیگر، ما غالباً فرضیه‌های خود را آزمون تجربی می‌کنیم، نه خود آیات و روایات را. به‌هرحال، تعارض میان یافته‌های تجربی و استنباطات دینی از چهار حالت ذیل خارج نیست (جدول ۱):

الف) اگر فرضیه‌ای از دلالت ظنی و تلویحی متون دینی استنباط شده باشد یا اگر سند متن دینی قطعی نباشد، یک «گمانه دینی» خواهد بود. این فرضیه اگر در پژوهش‌های تجربی دقیق و مکرر ابطال شود، «حتم تجربی» علیه آن ایجاد می‌شود و طرد می‌گردد، اما به اعتبار متن دینی خدشه وارد نمی‌شود. در این حالت، حتی ممکن است نتایج تجربی به اصلاح و تدقیق فهم دینی کمک کنند؛

ب) اگر سند و دلالت متن دینی، مفید «حتم دینی» باشد، اما نتایج پژوهش تجربی تنها به یک «گمانه تجربی» منتهی شود، آن‌گاه «حتم دینی» بر «گمانه تجربی» ترجیح دارد. به بیان دیگر، نمی‌توان با تمسک به یک احتمال تجربی، یک موضوع قطعی وحیانی را کنار گذاشت، بلکه باید برای رفع نقایص روش تجربی تلاش کرد؛

پ) گاه ممکن است یک «گمانه تجربی» با یک «گمانه دینی» معارض باشد. در این فرض باید به داوری عقلانی رجوع کرد. در این داوری، چه گمانه دینی طرد شود و چه گمانه تجربی، نه به دین و نه به اعتبار روش تجربی خدشه وارد نخواهد شد؛

ت) فرض چهارم آن است که یک «حتم دینی» با یک «حتم تجربی» تعارض کند. گرچه در دنیای اسلام (برخلاف دنیای مسیحیت)^۱ مثالی از وقوع این فرض را سراغ نداریم، اما در فرض مذکور،

۱. برای مثال در عالم مسیحیت، یک گزاره دینی که حتمی محسوب می‌شد و بر مرکزیت زمین در کائنات دلالت می‌کرد با یک حتم تجربی که زمین را در کائنات متحرک می‌دید تعارض پیدا کرد و منجر به تعارض علم و دین در زمان گالیله شد.

استنباط روان‌شناسانه حاصل از متن دینی، از حیطة «علم روان‌شناسی اسلامی» خارج شده، به حیطة «معارف اسلامی» منتقل می‌شود؛ زیرا در این صورت، جزء موضوعات تجربه‌ناپذیر محسوب خواهد شد و مقوله‌ای فلسفی - کلامی و از جنس انسان‌شناسی خواهد بود. با ذکر مثالی موضوع را روشن‌تر می‌کنیم: اگر فرض کنیم گزاره «شیطان عامل وسواس است»، یک «حتم دینی»، اما فاقد هرگونه شواهد تجربی باشد، آن‌گاه این گزاره از دیدگاه تجربی «ابطال» می‌شود، اما دیدیم که ابطال یک گزاره، معادل دروغین بودن آن نیست، بلکه فقط از آنجاکه تأثیر شیطان در وسواس تجربه‌ناپذیر تلقی خواهد شد (و نه دروغین)، از حیطة علم روان‌شناسی اسلامی خارج شده، به حیطة معارف اسلامی منتقل می‌شود. به عبارت روشن‌تر، گرچه ما شواهد تجربی در تأیید این گزاره دینی نداریم، اما در مقابل شواهد تجربی که اثبات کند این گزاره کذب است نیز نداریم. اگر روزی پیشرفت‌های علمی امکان بررسی تجربی تأثیر شیطان را در وسواس فراهم کند، این قضیه به متن علم روان‌شناسی اسلامی باز خواهد گشت و تا آن زمان در حیطة انسان‌شناسی یا معارف و مفروضه‌های زیربنایی روان‌شناسی اسلامی باقی خواهد ماند (به نمودار ۱ نگاه کنید).

جدول ۱: حالات مفروض تعارض میان دین و تجربه

میزان اتقان شواهد عینی	میزان اتقان نص دینی	نتیجه مرجح
حتم تجربی	گمانه دینی	حتم تجربی
گمانه تجربی	حتم دینی	حتم دینی
گمانه تجربی	گمانه دینی	داوری عقلی
حتم تجربی	حتم دینی	انتقال به معارف اسلامی

۶. گاه پرسیده می‌شود که آیا طرف‌داران پژوهش تجربی در روان‌شناسی اسلامی مبتلا به معیارهای دوگانه نیستند؟ آنان از یک‌سو می‌گویند: اگر یک گزاره روان‌شناسی اسلامی در پژوهش تجربی رد شود، آیات و روایات رد نشده، بلکه استنباط روان‌شناسانه ما از آیات و روایات رد شده است، اما از سوی دیگر، هرگاه گزاره‌های روان‌شناسی اسلامی در پژوهش تجربی تأیید شوند، آن را شاهدهی بر حقانیت آیات و روایات می‌گیرند. پاسخ آن است که اگر یک فرضیه روان‌شناسی اسلامی حاصله از نصوص دینی، در پژوهش تجربی تأیید شود، میزان انتساب آن به دین بستگی به دو عامل مهم دارد: یکی میزان اعتبار سند متن؛ و دوم میزان صراحت و ظهور متن در بیان آن فرضیه (دلالت). بدین ترتیب اگر سند و دلالت متن هر دو قطعی باشند، انتساب فرضیه به دین نیز قطعی است، اما اگر سند یا دلالت قطعی نباشند، حتی اگر فرضیه ما در پژوهش تأیید شود، باز هم انتساب آن به دین ظنی خواهد بود و نه قطعی (جدول ۲).

جدول ۲: نحوه انتساب گزاره‌ها به دین

گزاره روان‌شناسانه استنباط‌شده از نص دینی		
سند	دلالت	انتساب به دین
قطعی	قطعی	قطعی
ظنی	قطعی	ظنی
قطعی	ظنی	ظنی
ظنی	ظنی	ظنی

۳. مثال‌های عملیاتی از پژوهش تجربی در روان‌شناسی اسلامی

محصولات پژوهش تجربی در روان‌شناسی اسلامی باید کم و بیش از جنس محصولات روان‌شناسی متعارف باشند تا بتوانند ما را از آنها بی‌نیاز کنند. به عبارت دیگر، این محصولات باید شامل فرضیه‌های تأییدشده، نظریه‌ها، سنجه‌ها و روش‌های مداخله و درمان، مبتنی بر پارادایم اسلامی باشند. مثال‌های عملی از این برون‌دادها در ذیل به اختصار مرور شده‌اند.

۳-۱. مثال اول

«اضطراب مرگ» مشکلی شایع، اما نسبتاً صعب‌العلاج است. بررسی کیفی تفسیری بر روی دعای چهلم صحیفه سجادیه (دعای یاد مرگ) نشان داد که قرائت این دعا می‌تواند نوعی مداخله شناختی - معنوی (یا شناختی - وجودی) برای تصحیح دیدگاه انسان درباره پدیده مرگ و مهار اضطراب مرگ باشد.

برای بررسی تجربی این دریافت روان‌شناسانه، نمونه تصادفی ۶۰ نفره‌ای از کارکنان صنف نیروی انتظامی به‌طور تصادفی به دو گروه ۳۰ نفره آزمایش و گواه تقسیم و نمره اضطراب مرگ هر دو گروه با پرسش‌نامه تمپلر اندازه‌گیری شد. در طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای محتوای دعای چهلم صحیفه سجادیه همراه با تمرین خانگی (قرائت و تدبر در دعا) تنها به گروه آزمایش ارائه گردید و پس از پایان مداخله، از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد. تحلیل کوواریانس کاهش معناداری در نمره اضطراب مرگ گروه آزمایش در پس‌آزمون، در مقایسه با گروه گواه نشان داد (حجاری، مرعشی، بشلیده و حمید، ۱۳۹۴). بنابراین می‌توان به استناد پژوهش تجربی، در روان‌درمانی اضطراب مرگ از دعای چهلم صحیفه سجادیه بهره برد. باید توجه داشت که این یافته موضوعی متفاوت از حقانیت مفاهیم دعای مذکور و مضاف بر آن است.

۳-۲. مثال دوم

در روایتی از امام صادق (ع) چنین می‌خوانیم: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لَذَلَّةٌ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ»؛ هیچ مردی نیست که تکبر ورزد یا زورگویی کند، مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می‌یابد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۳۸۰).

فرایند تحلیل لغوی و مفهومی این روایت در کنار روایات مرتبط (که از تشریح این فرایند برای اختصار صرف‌نظر می‌کنیم)، نشان داد که در این روایت و نصوص مرتبط با آن، به یک گزاره روان‌شناسی «تصریح» شده است و آن اینکه: همواره احساس حقارت و پایین بودن عزت‌نفس عامل رفتارهای مغرورانه و زورگویانه است. تبیین روان‌شناسانه این گزاره آن است که رفتارهای مغرورانه و زورگویانه، واکنش‌های جبرانی برای ترمیم یا تسکین احساس حقارت‌اند، اما نکته مبهم آن است که آیا در این روایت، مراد از لفظ «مرد» فقط جنس مردان است یا مطلق انسان؟ چنان‌که در زبان انگلیسی واژه «man» و در فارسی نیز لفظ «مرد» گاه کنایه از انسان است، مانند «تا مرد سخن نگفته باشد/ عیب و هنرش نهفته باشد». بنابراین ما در اینجا دو «گمانه دینی» داریم. در بررسی نصوص، «ختم دینی» بر ترجیح هیچ‌یک یافت نشد؛ بنابراین روایت مذکور ممکن است ویژه مردان باشد یا شامل عموم انسان‌ها.

از اینجا به بعد، مرحله پژوهش تجربی آغاز شد. پس از انتخاب یک نمونه تصادفی ۱۰۰ نفره از دانشجویان (۵۰ دختر و ۵۰ پسر)، نمره عزت‌نفس و تکبر آنان با پرسش‌نامه عزت‌نفس روزنبرگ و «مقیاس اسلامی تکبر - تواضع» (هراتیان، آگاه‌هریس و موسوی، ۱۳۹۲) سنجش و رابطه «عزت‌نفس» با «تکبر» بررسی شد. همبستگی ساده بین دو متغیر، بسیار قوی (حدود ۰/۸-) و معنادار ($p < ۰/۰۰۱$) بود،^۱ اما تحلیل رگرسیون خطی نشان داد که جنسیت، به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر عمل نکرده و تأثیر معناداری نداشته است. به عبارت دیگر، رابطه قوی و معکوس تکبر با عزت‌نفس، در زنان و مردان مشابه است (مرعشی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۰). بنابراین از میان دو گمانه دینی درباره جنسیت، گمانه دوم مرجح است و مستند به پژوهش عینی، «رَجُل» در این روایت به معنای مطلق انسان گرفته شد. این مثال نشان می‌دهد که پژوهش‌های عینی و تجربی چگونه می‌توانند انگاره‌های روان‌شناسانه مأخوذ از نصوص دینی را تدقیق کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

روان‌شناسی اسلامی یک علم تجربی مبتنی بر شواهد، درباره فرایندهای ذهنی و رفتاری است که پارادایم، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و ارزش‌های بنیادین خود را از اسلام می‌گیرد و علاوه بر آن، از نصوص دینی به‌عنوان منبعی برای تولید گزاره‌های روان‌شناسانه استفاده می‌کند. پارادایم علم دینی، نه حاصل توافق عمومی، بلکه مستند به وحی قطعی است و سر از شکاکیت و نسبی‌گرایی اپیستمولوژیک

۱ در کمتر پژوهشی شدت روابط میان متغیرها ۰/۸ می‌شود و این عدد تقریباً نزدیک به ۱ است. باید توجه داشت که روایی سنج‌ها ۱ یا صد درصد نیست، وگرنه ای‌سا در این تحقیق رابطه همان ۱ می‌شد که نشان می‌دهد رفتار متکبرانه بدون استئنا با احساس حقارت همراه است و این همان چیزی است که روایت بیان کرده بود.

در نمی‌آورد. با این حال، یافته‌های روان‌شناسی اسلامی با اصلاح و بهبود روش‌های اجتهادی و تجربی قابل اصلاح و ارتقا هستند. برای دستیابی به علم دینی، ادغام روش بررسی تجربی در روش استنباط دینی امکان‌پذیر است، بی‌آنکه به اعتبار علم تجربی یا دین خدشه وارد شود. بررسی تجربی گمانه‌های دینی تجربه‌پذیر، در پذیرش، رد، اصلاح و تدقیق آنها مفید است. به علاوه بررسی تجربی گمانه‌ها و حتی حتم‌های دینی، امکان اندازه‌گیری و کمی‌سازی مفاهیم را فراهم کرده و آنها را کاربردی می‌کند. برخی «است‌ها» تجربه‌پذیر و برخی تجربه‌ناپذیرند. بررسی درستی «بایدها» و انتسابشان به وحی، موضوعی تجربه‌ناپذیر است، اما «بایدها» از جهت سودمندی برای وضعیت روان‌شناختی تجربه‌پذیرند. گزاره‌های تجربه‌ناپذیر دینی تا زمانی که تجربه‌ناپذیر باشند، در حیطه معارف اسلامی و نه علم روان‌شناسی اسلامی مورد مطالعه عقلی و نقلی قرار می‌گیرند و به عنوان مفروضه‌های بینادین و نه متن اصلی علم روان‌شناسی اسلامی مورد استفاده خواهند بود.

منابع

- اتکینسون، ریتا؛ اتکینسون، ریچارد؛ اسمیت، ادوارد؛ بَم، داریل و نولن هوکسما، سوزان (۱۳۷۹). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه محمدنقی برهانی و همکاران. تهران: رشد.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
- حجازی، کریم؛ مرعشی، سیدعلی؛ بشلیده، کیومرث و حمید، نجمه (۱۳۹۴). *تأثیر آموزش آموزه‌های اسلامی مبتنی بر دعای یاد مرگ صحیفه سجاده بر اضطراب مرگ کارکنان مرد نیروی انتظامی اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لإحياء التراث.
- سپینگتون، اندرو ا. (۱۹۸۹م). *بهداشت روانی*. ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی. تهران: روان.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کُری، جرال (۲۰۱۳). *نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵). *دانشنامه احادیث پزشکی*. قم: دار الحديث.
- مرعشی، سیدعلی (۱۴۰۰). *درس‌نامه روان‌شناسی اسلامی*. اهواز: معتبر.
- مرعشی، سیدعلی؛ نقی‌ترابی، فریبا؛ بساک‌نژاد، سودابه و بشلیده، کیومرث (۱۳۹۸). *تأثیر آموزش آموزه‌های دینی (مبتنی بر دعای مکارم الاخلاق) بر هوش اخلاقی دانشجویان*. *روان‌شناسی و دین*، ۴۶(۱۲)، ۳۶-۲۳.
- هراتیان، عباسعلی؛ آگاه‌هریس، مژگان و موسوی، الهام (۱۳۹۲). *ساخت و اعتباریابی مقیاس تکبر - تواضع*. *روان‌شناسی و دین*، ۴۶(۴)، ۲۲-۵.

- Albert, H. (2015). Karl Popper, critical rationalism, and the Positivist Dispute. *Journal of Classical Sociology*, 15(2), 209-219.
- American Psychological Association. (2026). Psychology. In APA dictionary of psychology. Retrieved July, 24. from <https://dictionary.apa.org/psychology>
- Byrd, R. C. (1988). Positive therapeutic effects of intercessory prayer in a coronary care unit population. *South Med J*, 81(7), 826-9.
- Cheung Chung, M. & Nolan, P. (1994). The influence of positivistic thought on nineteenth century asylum nursing. *Journal of Advanced Nursing*, 19(2), 226-232.

- Hanson, N. R. (1958). *Patterns of discovery: An inquiry into the conceptual foundations of science*. Cambridge University Press.
- Hjørland, B. (2005). Empiricism, rationalism and positivism in library and information science. *Journal of documentation*, 61(1), 130-155.
- Hume, D. (1748). *An enquiry concerning human understanding: A critical edition* (Vol. 3). Oxford University Press on Demand (2000).
- Huxley, T. H. (1997). *The Major Prose of Thomas Henry Huxley*. University of Georgia Press.
- Kuhn, T. S. (1962). *The structure of scientific revolutions*. University of Chicago press (2012).
- McConaghy, N. (1977). Behavioral intervention in homosexuality. *Journal of homosexuality*, 2(3), 221-227.
- Nachman, R. G. (1977). Positivism, modernization, and the middle class in Brazil. *The Hispanic American Historical Review*, 57(1), 1-23.
- Noxon, J. (1964). Hume's agnosticism. *The Philosophical Review*, 73(2), 248-261.
- Popper, K. (1959). *The logic of scientific discovery*. London: Hutchinson (2002).
- Popper, K. (1963). *Conjectures and refutations: The growth of scientific knowledge*. routledge (2014).
- Quine, W. V. (1976). Two dogmas of empiricism. In *can theories be refuted?* Springer, Dordrecht.
- Rouder, J. N., Speckman, P. L., Sun, D., Morey, R. D. & Iverson, G. (2009). Bayesian t tests for accepting and rejecting the null hypothesis. *Psychonomic bulletin & review*. 16(2), 225-237.
- Schoevers, R. A., Deeg, D. J. H., Van Tilburg, W. & Beekman, A. T. F. (2005). Depression and generalized anxiety disorder: co-occurrence and longitudinal patterns in elderly patients. *The American Journal of Geriatric Psychiatry*, 13(1), 31-39.
- Seiden, D. Y. & Lam, K. (2010). From Moses and monotheism to Buddha and behaviorism: cognitive behavior therapy's transpersonal crisis. *Journal of Transpersonal Psychology*, 42(1), 89-113.
- Vaidman, L. (2014). Quantum theory and determinism” *Quantum Studies: Mathematics and Foundations*, 1(1-2), 5-38.
- Weiten, W. (2013). *Psychology: Themes and Variations* (9th ed). U.S.: Cengage Learning.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (ص ۵۳-۷۲)

مدل مفهومی سرمایه معنوی بر اساس آیات و روایات

A Conceptual Model of Spiritual Capital Based on Quranic Verses and Hadiths (Narrations)

محمدصادق شجاعی / استادیار گروه روان شناسی پژوهشگاه بین المللی المصطفی، قم، ایران.

Mohammad Sadegh Shojaee / Assistant Professor, Department of Psychology, Al-Mustafa International Research Institute, Qom, Iran. msshojaee49@gmail.com

Abstract

Spiritual capital, as one of the modern dimensions of human and social capital, plays an important role in promoting mental health, social cohesion, and moral sustainability. However, the majority of existing models in this field are based on Western approaches and lack a direct connection to religious sources. The present study was conducted with the aim of developing and validating a conceptual model of spiritual capital based on Islamic sources. The method used in this research was qualitative content analysis of religious texts, carried out in five stages: systematic observation, immersion in the content, data formulation, validation of findings, review, and presentation of the final report. The obtained results led to the identification of ten key components in three layers: the foundational layer (monotheistic schema, devotional acts and religious knowledge, sincere intention), the intermediate layer (remembrance and mindfulness, contentment, good character, otherworldly time regulation), and the consequential layer (soul serenity, spiritual resilience, moral stability) as the conceptual model of spiritual capital. Subsequently, using the opinions of five experts in the fields of religious sciences

چکیده

سرمایه معنوی به عنوان یکی از ابعاد نوین سرمایه انسانی و اجتماعی، نقش مهمی در ارتقای سلامت روان، انسجام اجتماعی و پایداری اخلاقی ایفا می کند. با این حال، بخش عمده مدل های موجود در این حوزه مبتنی بر رویکردهای غربی و فاقد پیوند مستقیم با منابع دینی هستند. پژوهش حاضر با هدف تدوین و اعتبارسنجی مدل مفهومی سرمایه معنوی بر پایه منابع اسلامی انجام شده است. روش به کاررفته در این پژوهش، تحلیل کیفی محتوای متون دینی بود که در پنج مرحله شامل مشاهده نظام مند، غرقه شدن در محتوا، صورت بندی داده ها، اعتبارسنجی یافته ها، بازبینی و ارائه گزارش نهایی انجام شد. نتایج به دست آمده منجر به شناسایی ده مؤلفه کلیدی در سه لایه بنیادین (طرح واره توحیدی، اعمال عبادی و معرفت دینی، نیت خالص)، لایه واسط (ذکر و تذکر، قناعت، حسن خلق، تنظیم زمانی اخروی) و لایه پیامدی (طمأنینه نفس، تاب آوری معنوی، ثبات اخلاقی) به عنوان مدل مفهومی سرمایه معنوی گردید. سپس با استفاده از نظر پنج نفر از خبرگان حوزه های علوم دینی و روان شناسی،

and psychology, the findings were validated based on two indices: 'soundness' and 'usefulness.' By calculating the validity density, the mean soundness index of the components was 0.85 and the usefulness index was 0.82, indicating the theoretical and practical robustness of the model. Based on the findings, the proposed model, by combining religious and psychological foundations, provides a comprehensive and indigenous framework for promoting spiritual capital and is applicable in educational, counseling, clinical, and organizational settings.

Key words: Spiritual capital, Islamic sources, three-layer model, Holy Quran, Islamic psychology.

اعتبارسنجی یافته‌ها بر اساس دو شاخص «متقن بودن» و «مفید بودن» صورت گرفت. با محاسبه میزان تراکم اعتبار، میانگین شاخص متقن بودن مؤلفه‌ها ۰/۸۵ و شاخص مفید بودن ۰/۸۲ به‌دست آمد که بیانگر استحکام نظری و کاربردی مدل است. بر اساس یافته‌ها، مدل پیشنهادی با ترکیب بنیان‌های دینی و روان‌شناختی، چارچوبی جامع و بومی برای ارتقای سرمایه معنوی فراهم می‌آورد و قابلیت استفاده در حوزه‌های آموزشی، مشاوره‌ای، بالینی و سازمانی را دارد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه معنوی، منابع اسلامی، مدل سه‌لایه، قرآن کریم، روان‌شناسی اسلامی.

مقدمه

سرمایه^۱ در اصل یک مفهوم اقتصادی است (میسمر،^۲ ۲۰۱۸) و انواع دارایی‌های مالی (مانند پول، طلا، اوراق بهادار) و غیرمالی (مانند کارخانه، ماشین‌آلات، معادن) را شامل می‌شود (هاگن،^۳ ۱۳۸۴؛ رابرتس،^۴ ۲۰۱۶). در ادبیات عامیانه ممکن است بین سرمایه، مال و دارایی تفاوت وجود نداشته باشد، ولی از نظر علمی مفهوم سرمایه با مال و دارایی متفاوت است. سرمایه معمولاً به دارایی‌هایی گفته می‌شود که برای هدف‌های تولیدی و راه‌اندازی کسب و کار مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (فدایی‌نژاد، ۱۳۸۲). فروید برای اولین بار مفهوم سرمایه را در روان‌شناسی به‌کار برد. وی در مدل مکان‌نگاری^۵ خود از لیبدو^۶ به‌عنوان سرمایه روانی یاد کرد که مقدار آن در طول دوره زندگی ثابت بوده و فرد می‌تواند آن را روی موضوع‌های عشق سرمایه‌گذاری^۷ و سپس سرمایه‌زدایی^۸ کند (کوپفرسمید،^۹ ۲۰۱۹). در نظریه

1. Capital
2. Missemmer, A.
3. Hagen, S.
4. Roberts, W.
5. topographic model
6. Iibido
7. Investment
8. Decapitalization
9. Kupfersmid, J.

فروید سرمایه‌گذاری و سرمایه‌زدایی دو فرایند مکمل هم هستند. وی در مدل مکان‌نگاری خود سعی کرد فرایند توزیع، تغییر شکل و مصرف انرژی روانی را تبیین نموده و پدیدایی و کشوری بن، من و فرمان را بر اساس آن توضیح دهد. از این نظریه به فرضیه اقتصادی فروید نیز تعبیر شده است (بلات و اورباخ،^۱ ۲۰۰۰؛ برکین،^۲ ۱۹۹۹).

تحت تأثیر دیدگاه‌های فروید، توجه بسیاری از روان‌شناسان به مفهوم «سرمایه» معطوف شد (نولزین،^۳ ۲۰۱۸). البته در روان‌شناسی آنچه مورد نظر است، نه سرمایه به معنای اقتصادی آن، بلکه نوع خاصی از دارایی‌های درونی و غیرمادی انسان است که تحت عنوان سرمایه روان‌شناختی^۴ شناخته می‌شود. مفهوم سرمایه روان‌شناختی، هرچند پیش‌تر به‌صورت ضمنی در نظریه‌های روان‌شناسی وجود داشت، اما در روان‌شناسی مثبت‌نگر به‌عنوان مفهومی کلیدی مورد توجه قرار گرفت. این سرمایه متشکل از چهار مؤلفه امید،^۵ خوش‌بینی،^۶ تاب‌آوری^۷ و خودکارآمدی^۸ است که نقش مهمی در رشد فردی، بهزیستی روانی و مقابله مؤثر با چالش‌ها ایفا می‌کنند (نیومن^۹ و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوربو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۱). ویژگی متمایز سرمایه روان‌شناختی در مقایسه با بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی، قابلیت رشد، آموزش‌پذیری و توسعه آن در بسترهای مختلف زندگی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تقویت این سرمایه می‌تواند به بهبود عملکرد شغلی، افزایش رضایت از زندگی و ارتقای سلامت روانی منجر شود. از این‌رو سرمایه روان‌شناختی به‌عنوان یک منبع درونی ارزشمند، در حوزه‌هایی مانند آموزش، سازمان، درمان و مشاوره اهمیت فزاینده‌ای یافته است (لوتانز و براد،^{۱۱} ۲۰۲۰).

در ادامه پژوهش‌ها پیرامون سرمایه روان‌شناختی، مفهوم سرمایه معنوی^{۱۲} نیز به‌عنوان یکی از ابعاد یا مکمل‌های آن مطرح شد. سرمایه معنوی به منابع درونی و معنابخشی اشاره دارد که افراد از طریق

1. Blatt, S. J. & Auerbach, J. S.

2. Birken, L.

3. Nolzen, N.

4. Psychological Capital

5. Hope

6. Optimism

7. Resilience

8. Self-efficacy

9. Newman, A.

10. Corbu, A.

11. Luthans, F. & Broad, J.

12. spiritual capital

باورهای معنوی، ارزش‌های اخلاقی، احساس تعلق به چیزی فراتر از خود و جست‌وجوی معنا در زندگی به‌دست می‌آورند (ورسام و ورسام،^۱ ۲۰۰۷). مفهوم سرمایه معنوی ابتدا در حوزه‌های مدیریت و رهبری مورد توجه قرار گرفت و سپس به‌تدریج وارد ادبیات روان‌شناسی و روان‌شناسی مثبت‌نگر شد (زوه‌ر و مارشال،^۲ ۲۰۰۴). سرمایه معنوی، گرچه از نظر مفهومی با سرمایه روان‌شناختی هم‌پوشانی‌هایی دارد، اما متمایز از آن است. درحالی‌که سرمایه روان‌شناختی بیشتر بر توانمندی‌های شناختی و عاطفی فرد برای مقابله با چالش‌ها تمرکز دارد، سرمایه معنوی به لایه‌های عمیق‌تری از تجربه انسانی می‌پردازد که با معنا، ارزش و باورهای بنیادین در ارتباط است. برخی نظریه‌پردازان، سرمایه معنوی را بُعدی مکمل برای تقویت سرمایه روان‌شناختی می‌دانند که موجب پایداری، انسجام و جهت‌مندی بیشتر مؤلفه‌های روان‌شناختی می‌شود (نیومن^۳ و همکاران، ۲۰۱۴).

سرمایه معنوی، به‌عنوان دارایی نامحسوس و ارزشمند، طیف وسیعی از ارزش‌ها، فضایل اخلاقی و ویژگی‌های انسانی مانند تواضع، مهربانی، بخشش، همدلی، هیجانات مثبت، ارتباط مؤثر و روحیه همکاری را دربر می‌گیرد (واسکونسوس،^۴ ۲۰۲۱، ص ۱۱۷). در روان‌شناسی و مدیریت تعریف‌های مختلفی از سرمایه معنوی ارائه شده است (جدول ۱).

جدول ۱: تعریف‌های سرمایه معنوی در روان‌شناسی و مدیریت

پژوهشگر	تعریف و قلمرو مفهومی
فینکه (۲۰۰۳، ص ۱۲۰)	میزان تسلط و وابستگی عاطفی به یک فرهنگ دینی خاص
زوه‌ر و مارشال (۲۰۰۴، ص ۳)	سرمایه معنوی ثروتی است که می‌توانیم با آن زندگی کنیم؛ ثروتی که جنبه‌های عمیق‌تری از زندگی ما را غنی می‌سازد. این ثروتی است که از طریق بهره‌برداری از عمیق‌ترین معانی، عمیق‌ترین ارزش‌ها، بنیادی‌ترین اهداف و بالاترین انگیزه‌های خود به‌دست می‌آوریم و با یافتن راهی برای گنجاندن این‌ها در زندگی و کار خود
اسماعیل (۲۰۰۵، ص ۹)	مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و احساسات معنوی است که در دل و ذهن افراد و سازمان‌ها جای دارد، شامل چشم‌انداز، اصول اخلاقی، صداقت، اعتماد، عشق و روحیه کار گروهی می‌شود که همه را به تعالی پایدار می‌رساند.
لیلارد و اوگاکی (۲۰۰۵، ص ۹)	قواعد نانوشته‌ای است که نحوه تعامل انسان با دیگران، طبیعت و جهان معنوی را تنظیم می‌کند و برایش در زمان حال و آینده (و حتی پس از مرگ) سودمندی به ارمغان می‌آورد.

1. Wortham, R. A. & Wortham, C.
2. Zohar, D. & Marshall, I.
3. Newman, A.
4. Vasconcelos, A. F.

پژوهشگر	تعریف و قلمرو مفهومی
بیکر و اسمیت (۲۰۱۰، ص ۲۷)	ارزش‌ها و چشم‌انداز معنوی آینده‌ای است که در نیایش و عبادت متبلور می‌شود و انسان را به خدمت عملی در جهان و جامعه خود می‌کشانند.
زوه‌ر (۲۰۱۰، ص ۳)	ثروت، قدرت و نفوذی است که از عمل به معنای عمیق، ارزش‌های بنیادین و هدفی والا به دست می‌آید. بهترین راه ابراز آن، زندگی در خدمت دیگران است.
بیکر و همکاران (۲۰۱۱، ص ۶)	مجموعه ارزش‌ها، اصول اخلاقی و چشم‌اندازهای تغییر است که میان فرد، گروه و نهادها جریان دارد. بر اعتماد، هنجارهای اخلاقی و همکاری استوار است و انگیزه بخش سایر سرمایه‌هاست.
برد (۲۰۱۲)	منافع مثبت رشد معنوی، روانی و اخلاقی برای افراد، سازمان‌ها و جامعه است.
پالمر و وانگ (۲۰۱۳، ص ۱۳)	ظرفیت‌های فردی و جمعی است که از شناخت و پرورش ارزش‌های معنوی ذاتی هر انسان شکل می‌گیرد.
شارونوا و ایلداره‌انوا (۲۰۱۹، ص ۷۹۰)	وجدان اخلاقی جامعه است که با ایمان به قدرتی برتر، ثبات سیاسی، رفاه اخلاقی و موفقیت اقتصادی را تضمین می‌کند.
موختار و همکاران (۲۰۱۵، ص ۱۹)	ترکیبی از بخشایش، یکپارچگی، همدلی، ایمان، مهربانی، خوشبختی و صداقت است.
ماس - ماچوکا و ماریمون (۲۰۱۹، ص ۱۰۰)	ترکیبی از دین‌داری، اخلاق، تجربه فراروی، قداست زندگی، نوع‌دوستی و خلاقیت است که «معنویت» را در انسان شکل می‌دهد.
لیو (۲۰۰۷، ص ۲۵)	سرمایه معنوی قدرت، نفوذ و گرایش‌هایی است که فرد یا سازمان با عمل و تمرین معنوی در خود ایجاد می‌کند.

علاوه بر تعریف سرمایه معنوی، مؤلفه‌های آن نیز در برخی پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال فینکه (۲۰۰۳) اصطلاح سرمایه دینی - معنوی را به کار برده و دو مؤلفه تسلط دانشی^۱ (شناخت عمیق و کاربردی نسبت به آموزه‌ها، آداب، مناسک و تاریخ دینی) و وابستگی عاطفی^۲ (پیوندهای درونی با تجربیات دینی مانند نماز، دعا، معجزه، موسیقی مذهبی) را مطرح کرده‌اند. مارتینز^۳ و همکاران (۲۰۱۱) از پنج مؤلفه با عنوان حساسیت معنوی^۴ (آگاهی نسبت به مسائل معنوی دیگران)، رهبری معنوی^۵ (توانایی ایجاد انگیزه درونی در خود و دیگران برای تجربه معنا، هدف و تعلق در کار)، بقای معنوی^۶ (احساس هدف، تعلق و ارتباط معنوی به عنوان پاسخی به اضطراب‌ها و نیازهای انسانی)،

1. Mastery
2. Emotional Attachment
3. Martinez, R. J.
4. Spiritual Sensitivity
5. Spiritual Leadership
6. Spiritual Survival

گسترش معنوی^۱ (خدمات معنوی، ارائه خدمات، شفقت، همدلی، راهنمایی دیگران)، انگیزش معنوی^۲ (انگیزه‌های درونی مبتنی بر باورهای دینی) یاد کرده‌اند. شارونوا و ایلدرهانوا^۳ (۲۰۱۹) سرمایه معنوی را به‌عنوان یکی از عناصر بنیادین سرمایه فرهنگی معرفی کرده‌اند. پالمر و ونگ (۲۰۱۳) معتقدند که مؤلفه‌های سرمایه معنوی شامل ایمان به نیروی برتر، ارزش‌ها و هنجارهای معنوی، نمادها، مشارکت در فعالیت‌های دینی و انتقال این ارزش‌هاست. از نظر وی این عناصر محور اساسی در توسعه و پایداری جامعه هستند.

واسکینسولوس^۴ (۲۰۱۸؛ ۲۰۲۱) یک چارچوب نظری منسجم برای مفهوم سرمایه معنوی ارائه کرده است که شامل شش بُعد اصلی می‌شود: ۱. ثروت معنوی؛^۵ سرمایه درونی کسب‌شده از طریق فرآیندهای معنوی و اخلاقی که بر غنی‌سازی ابعاد روحانی و درونی فرد تمرکز دارد و از طریق تلاش‌های شخصی و خدمت به دیگران توسعه می‌یابد؛ ۲. ایمان و باور؛^۶ باور عمیق به ارزش‌های بنیادین و قدرت‌های متعالی که فرد را به نظام هستی و ارزش‌های اخلاقی مرتبط می‌سازد و انگیزه‌های معنوی را تقویت می‌کند؛ ۳. ارزش‌ها؛^۷ مجموعه اصول و معیارهای اخلاقی و انسانی که پایه‌ریزی شخصیت و رفتارهای مسئولانه و اخلاقی فرد هستند و توسعه سرمایه معنوی را تسهیل می‌نمایند؛ ۴. فضیلت‌ها؛^۸ ویژگی‌هایی مانند صداقت، همدلی و مسئولیت‌پذیری که در تعالی درونی و اعتمادبه‌نفس فرد نقش دارند و رفتارهای سازنده و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کنند؛ ۵. چشم‌انداز و معنا؛^۹ دیدگاه‌های بلندمدت و هدف‌گذاری‌های معنوی که انگیزه فرد را برای توسعه و تعالی سرمایه معنوی تقویت می‌نمایند و مسیر رسیدن به اهداف والاتر را هموار می‌کنند؛ ۶. اصول اخلاقی و معنوی؛^{۱۰} راهنمایی‌های رفتاری مبتنی بر اخلاق و ارزش‌های انسانی که فضای سالم، اخلاق‌مدار و همکارانه در سازمان‌ها و محیط‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند.

-
1. Spiritual Outreach
 2. Spiritual Motivation
 3. Sharonova, S. & Ildarhanova, C.
 4. Vasconcelos, A.
 5. Thesaurus Spiritualis
 6. Fides et Credo
 7. Valores
 8. Virtutes
 9. Visio et Significatio
 10. Principia Moralia et Spiritualia

این چارچوب، تبیین جامع و منسجمی از فرآیندها و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری و نقش‌آفرینی سرمایه معنوی ارائه می‌دهد و قابلیت کاربرد مؤثر در مدیریت و توسعه سرمایه‌های معنوی در سطوح فردی و سازمانی را داراست. با این حال، جهت تأیید کامل اعتبار و عملکرد عملی آن، نیازمند پژوهش‌های تجربی گسترده و مقایسه‌ای در بسترهای فرهنگی و اجتماعی متنوع است. در آیات و روایات نیز آموزه‌های زیادی وجود دارد که با سرمایه روان معنوی در ارتباط است. در تنها پژوهش انجام‌شده با رویکرد اسلامی، سرمایه معنوی بر پایه تعالیم قرآنی (مرادی، ۱۳۹۴) شامل چهار مؤلفه اصلی است: درک معنای زندگی، آگاهی از هدف آفرینش، همبستگی معنوی میان انسان‌ها، و خدمت به دیگران. این مؤلفه‌ها برخاسته از فطرت انسان و آموزه‌های الهی‌اند و سرمایه معنوی را به مفهومی عمیق، فراتر از کارکردهای اقتصادی و سازمانی تبدیل می‌کنند.

با توجه به فقدان پژوهشی جامع، منسجم و میدانی در زمینه سرمایه معنوی با رویکرد اسلامی، و همچنین نبود مطالعاتی که این موضوع را از منظر روان‌شناختی و مبتنی بر آموزه‌های دینی بررسی کرده باشند، انجام تحقیقی که به تبیین، مفهوم‌پردازی و عملیاتی‌سازی سرمایه معنوی بر اساس منابع اسلامی بپردازد، ضرورتی علمی و کاربردی دارد. این پژوهش با هدف پر کردن خلأ نظری موجود، پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی انسان معاصر و ارائه مدل بومی، اسلامی و روان‌شناختی برای توسعه سرمایه معنوی در سطوح فردی و سازمانی طراحی شده است.

روش پژوهش

مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی است که با هدف دستیابی به مدل مفهومی سرمایه معنوی در آیات و روایات انجام شده است. در قدم اول این کار مستلزم آگاهی داشتن از تعاریف تئوریک و برداشت درست از مفهوم سرمایه معنوی در روان‌شناسی بود. به این منظور، ادبیات و پیشینه سرمایه معنوی در روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت؛ در مرحله بعد، با توجه به تعاریف و دیدگاه‌های نظری، مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با سرمایه معنوی در منابع اسلامی گردآوری و با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی در پنج مرحله مشاهده نظام‌مند، غرقه شدن در محتوا، صورت‌بندی داده‌ها، اعتبارسنجی یافته‌ها، و بازبینی و ارائه گزارش نهایی (شجاعی، ۱۳۹۹) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

جامعه اسنادی پژوهش را قرآن کریم، کتاب *اصول کافی* و *بحار الانوار* تشکیل می‌داد. نمونه در پژوهش حاضر عبارت بود از هر واژه، عبارت یا گزاره‌ای که در مفهوم‌شناسی سرمایه معنوی کاربرد داشته باشد. روش نمونه‌گیری به صورت نظری بود. در نمونه‌گیری نظری، نمونه‌ها (واژه‌ها، مفاهیم و

گزاره‌ها) با توجه به موضوع و هدف پژوهش انتخاب می‌شوند (بگناسکو^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). اعتبارسنجی یافته‌ها در این پژوهش بر اساس دو شاخص «متقن بودن» و «مفید بودن» محاسبه شد. در روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی، شاخص متقن بودن به میزان صحت و درستی و مطابقت یافته‌ها با مستندات دینی (آیات و روایات) و شاخص مفید بودن به میزان اهمیت و کاربردی‌پذیری یافته‌ها در بافت روان‌شناسی اشاره دارد (شجاعی، ۱۳۹۹).

اعتبارسنجی یافته‌ها: در پژوهش‌های روان‌شناختی که با بهره‌گیری از آیات و روایات انجام می‌شود، همواره چالش اعتبارسنجی برداشت‌ها مطرح است. برداشتی که محقق به تنهایی از یک آیه یا روایت دارد، می‌تواند به دلیل ماهیت ظنی آن، از اعتبار کافی برخوردار نباشد. برای رفع این چالش و ارتقای سطح اطمینان به این‌گونه برداشت‌ها، فرمولی جدید بر پایه «قاعده تراکم ظنون» در اصول فقه پیشنهاد می‌شود. بر اساس این قاعده، جمع‌آوری و ترکیب ظنون متعدد به افزایش وثوق و اطمینان منجر می‌شود، حتی اگر هریک از این ظنون به‌طور مستقل اعتبار کافی نداشته باشند (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۴۹؛ سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۸۳). با الهام از این قاعده، در روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی «شاخص تراکم اعتبار»^۲ به‌عنوان معیاری کمی برای ارزیابی اعتبار یافته‌های پژوهش در نظر گرفته شده است. در این روش جمع جبری نظرات موافق و مخالف مدنظر است که در اصول فقه برای اشاره به آن اصطلاح «جبران» و «تعاضد» به کار رفته است (کلانتری، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۳۰۱). فرمول «شاخص تراکم اعتبار» به این شکل است: $S = \frac{P}{N \times M}$ که در آن، P مجموع امتیازهای اختصاص یافته توسط داوران به هر مؤلفه است، N تعداد داوران و M بیشینه امتیاز قابل تخصیص توسط هر داور (در این پژوهش ۳) می‌باشد. امتیاز هر داور برای هر مؤلفه می‌تواند یکی از مقادیر ۰ (نامعتبر)، ۱ (اعتبار کم)، ۲ (اعتبار متوسط) یا ۳ (اعتبار زیاد) باشد. شاخص S^۴ عددی در بازه صفر تا یک است که میزان توافقی و اعتبار مؤلفه را نشان می‌دهد. هرچه S به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده اطمینان بالاتر به برداشت است. درعین حال، اگر برخی از داوران با برداشت پژوهشگر مخالفت کنند، این امر از مقدار S کاسته و به‌منزله کاهش اطمینان به‌درستی و کاربردی‌پذیری برداشت خواهد بود.

این فرمول علاوه بر سادگی محاسبه، دقت و حساسیت بالاتری نسبت به شاخص‌های مرسوم مانند CVR و CVI دارد؛ چراکه تفاوت‌های کیفی بین امتیازهای مختلف داوران را لحاظ می‌کند. در این

1. Bagnasco, A.

2. Concentrated Validity Index

3. Max-score

4. Strength-Adjusted Credibility Density Index (SACDI)

روش، پس از اخذ امتیازها از حداقل پنج داور متخصص، شاخص S برای هر مؤلفه و سپس برای کل پژوهش محاسبه شده و دامنه‌های تفسیر آن به این شرح تعیین می‌شود: $s \leq 0/85$ اعتبار بسیار قوی؛ برداشت به‌عنوان یافته‌ای معتبر و قابل اتکا پذیرفته می‌شود. $0/70 < s \leq 0/85$ اعتبار نسبتاً قوی؛ برداشت دارای اعتبار قابل توجهی است. $0/60 < S \leq 0/70$ اعتبار متوسط؛ یافته‌ها نیازمند بررسی و تأیید بیشتر هستند. $0/60 < S \leq 0/70$ یافته در حد متوسط بوده و نیاز به بررسی‌های بیشتر یا اصلاحات اساسی دارد، و در صورت $S > 0/60$ اعتبار ضعیف، برداشت نامعتبر بوده و باید کنار گذاشته شود. طبق قاعده تراکم ظنون، هرچه تعداد ظنون (در اینجا تأییدات) بر یک امر واحد افزایش یابد، اطمینان به صحت آن نیز افزایش می‌یابد (نوروزی و صفی‌خانی، ۱۴۰۲؛ خطیبی، ۱۳۹۸). وقتی برداشت روان‌شناختی از یک آیه یا روایت توسط محققان دیگر نیز تأیید شود، اعتبار و قوت آن افزایش می‌یابد، دقیقاً شبیه تواتری که با تراکم ظنون به‌دست می‌آید (شیخ انصاری، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۴۹). توضیحات مربوط به تفسیر اعتبارسنجی در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲: ملاک‌های اعتبارسنجی

دامنه شاخص	تفسیر اعتبارسنجی یافته‌ها	نتیجه پژوهشی
$S \leq 0/85$	یافته‌ها بر اساس داده‌های قوی و معتبر تأیید شده‌اند و به‌عنوان منابع قابل استناد در تحقیقات علمی شناخته می‌شوند	یافته دارای اعتبار بسیار بالا (قدرت اعتبار قوی)
$0/70 < S \leq 0/85$	یافته‌ها به‌طور نسبی معتبر هستند، اما ممکن است نیاز به تأیید جزئی یا اصلاحات کوچک داشته باشند؛ بررسی جزئیات و اطمینان از عدم وجود خطاهای احتمالی	یافته نسبتاً معتبر (قدرت اعتبار نسبتاً قوی)
$0/60 < S \leq 0/70$	یافته‌ها در حد متوسط هستند و نیاز به بررسی‌های بیشتر یا اصلاحات اساسی دارند، جمع‌آوری داده‌های بیشتر، بازبینی روش‌شناسی تحقیق، مشورت با متخصصان برای بهبود کیفیت یافته‌ها (این یافته‌ها تا زمان تأیید نهایی نباید به‌عنوان منابع اصلی استفاده شوند)	یافته در مرز اعتبار (قدرت اعتبار متوسط)
$S > 0/60$	یافته‌ها به دلیل عدم انطباق با استانداردهای علمی و شواهد ناکافی، فاقد اعتبار هستند، کنار گذاشتن یافته‌ها از فرآیند تحقیق، تجدید نظر اساسی در روش‌ها یا داده‌ها، در صورت امکان شروع مجدد فرآیند تحقیق (استفاده از این یافته‌ها ممکن است به اعتبار تحقیق آسیب برساند)	یافته در مرز پایین‌تر از اعتبار (قدرت اعتبار ضعیف)

یافته‌های پژوهش

این پژوهش با هدف دستیابی به مدل مفهومی سرمایه معنوی در آیات و روایات انجام شده است. منظور از سرمایه معنوی مجموع ظرفیت‌ها، منابع و ساختارهای درونی فرد است که به‌صورت پویایی

و تدریجی شکل می‌گیرد و نقش واسطه‌ای در پیشرفت زندگی و دستیابی به اهداف متعالی ایفا می‌کند. طبق این تعریف، وجه متمایز سرمایه معنوی از سرمایه روان‌شناختی، تمرکز آن بر جنبه‌های اخلاقی و ارزشی است و شامل اعتقادات، ارزش‌ها و ارتباطات عمیق با خداوند می‌باشد. فرایند کار در این پژوهش به این صورت بود که در مرحله اول برای دستیابی به گزاره‌های مرتبط با سرمایه معنوی، مشاهده نظام‌مند از طریق جست‌وجوی واژگانی و متن‌خوانی باز در آیات و روایات صورت گرفت. نتایج در این مرحله نشان داد که گزاره‌های زیادی در منابع اسلامی با سرمایه معنوی در ارتباط است. برای مثال، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْقُذُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۴۴)؛ قناعت ثروتی است که پایان نمی‌پذیرد. در این روایت از قناعت به ثروت و سرمایه تعبیر شده است. همچنین آن حضرت در پاسخ به این سؤال که منظور از آیه «فَلَنَجْجِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) چیست؟ فرمود: «هِيَ الْقَنَاعَةُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۴۵). سرمایه بودن قناعت به این جهت است که به فرد کمک می‌کند تا به شکرگزاری از نعمت‌های الهی بپردازد و در نتیجه، رضایت و آرامش درونی بیشتری را تجربه کند. قناعت همچنین موجب کاهش استرس و اضطراب ناشی از خواسته‌های مادی و فشارهای اجتماعی می‌شود. با تمرکز بر داشته‌ها و ارزش‌های معنوی، فرد قادر است ارتباط عمیق‌تری با خداوند برقرار کند که این امر به تقویت ایمان و رشد معنوی او کمک می‌کند. در جای دیگر، این تعبیر آمده است که: «الْقَنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَفْنَى» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۲۶)؛ قناعت گنجی است که پایان نمی‌پذیرد. در روایتی دیگر آمده است: «نِعْمَ الْحِطُّ الْقَنَاعَةُ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۹۴)؛ بهترین بهره در زندگی، قناعت است.

همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَعَ قَنَاعَةٍ تَمَلُّ الْقُلُوبَ وَالْعُيُونُ غَنًى» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۴۶۹)؛ با قناعت، دل‌ها و چشم‌ها پر از بی‌نیازی می‌گردد. این روایت به‌وضوح به یک تحول درونی و کیفی اشاره دارد که قناعت در وجود انسان ایجاد می‌کند. «بی‌نیازی» که در اینجا مطرح شده، در مقابل «نیاز» مادی و سیری‌ناپذیری قرار می‌گیرد. سرمایه معنوی نه از جنس پول و ملک، بلکه از جنس حالاتی چون آرامش، رضایت، عدم وابستگی به مادیات و عدم احساس کمبود است که منجر به غنای باطنی می‌شود. یا این تعبیر که: «طَلَبْتُ الْغِنَى فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِالْقَنَاعَةِ عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ تَسْتَعْنُوا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۳۹۹)؛ من در جست‌وجوی توانگری برآمدم، ولی آن را جز در قناعت نیافتم؛ بنابراین قناعت پیشه کنید تا بی‌نیاز شوید. این روایت نه تنها تأییدکننده مفهوم «بی‌نیازی» در روایت اول است، بلکه به‌صورت صریح، قناعت را به‌عنوان تنها مسیر دستیابی به توانگری و بی‌نیازی معرفی می‌کند.

همچنین یکی دیگر از حیطه‌های مربوط به سرمایه معنوی، بهره‌مندی از امدادهای غیبی است. این باور در متون دینی وجود دارد که انسان می‌تواند مورد لطف و عنایت الهی قرار گیرد و در مواجهه با

سختی‌ها و چالش‌ها، از امدادهای غیبی بهره‌مند شود (ابراهیمیان و همکاران، ۱۳۹۴). امداد غیبی، فارغ از شکل وقوع آن در طول تاریخ، مصداق بارزی از سرمایه معنوی به‌شمار می‌رود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم: ۳۰)؛ یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست. امداد غیبی، با فراهم آوردن احساس اطمینان و پشتوانه الهی، به فرد این امکان را می‌دهد که در شرایط دشوار، دچار احساس تنهایی یا ناامیدی نگردد و به قدرت و رحمت خداوند اعتماد کامل داشته باشد. توکل، زمینه بهره‌مندی از این سرمایه معنوی را در فرد فراهم می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳)؛ و هرکس بر خدا توکل کند، برای او کافی است. در این آیه، توکل به‌عنوان یک حالت درونی و عمل قلبی مبنای کفایت الهی (حسبه) قرار داده شده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه بیان می‌دارند که «کفایت» در معنای واقعی آن، تنها از جانب خداوند محقق می‌شود. ایشان این کفایت را نه تنها در رزق مادی، بلکه در «رزق معنوی» که مایه حیات حقیقی انسان است، مؤثر می‌دانند. از نظر علامه، توکل حقیقی بر خداوند و تقوا که منجر به اضمحلال اراده بنده در اراده الهی می‌شود، انسان را از تنگنای توهم وابستگی به اسباب ظاهری نجات داده و رزق او را از جایی که گمان نمی‌برد، فراهم می‌سازد. توکل به خداوند و اعتماد به جریان امدادهای غیبی، یک نوع «سرمایه معنوی» محسوب می‌شود. این سرمایه، با ایجاد اتصالی عمیق با منبع لایزال قدرت و رحمت الهی، به فرد ظرفیتی پایدار برای مقابله با ناملازمات، تصمیم‌گیری‌های دشوار و حفظ تعادل روانی در بحران‌ها می‌بخشد. تقوا نیز نقش محوری در تجلی «سرمایه معنوی» ایفا می‌کند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۲-۳). تقوا با تقویت توکل، سرمایه معنوی انسان را غنا می‌بخشد و او را به سرچشمه فیض الهی متصل می‌سازد.

در برخی دیگر از روایات، از حسن خلق به‌عنوان سرمایه معنوی یاد شده است. خُلق ملکه نفسانی است که رفتار از آن ناشی می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فِي سِعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۵۳)؛ در نرم‌خویی، گنجینه‌های روزی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْبِرَّ وَحَسْنَ الْخُلُقِ يُعْمَرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۹۵)؛ به‌درستی که نیکوکاری و خوش‌خلقی، سرزمین‌ها را آباد می‌کند و بر عمرها می‌افزاید. روایات زیادی درباره حسن خلق وجود دارد که نشان‌دهنده ارتباط آن با سرمایه معنوی است. برای مثال: «كَمْ مِنْ وَضِيعٍ رَفَعَهُ حَسَنُ خُلُقِهِ» (امامی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۹۶)؛ چه بسیار فرد بی‌مقداری که خوش‌رویی‌اش او را برتری بخشیده است. یا این تعبیر که: «مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ سَهَّلَتْ لَهُ طَرِيقُهُ» (امامی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۹۶)؛ هرکس خلقتش نیکو شد، راه‌های زندگی برایش هموار می‌گردد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَبْلُغُ بِحَسَنِ خُلُقِهِ عَظِيمَ دَرَجَاتِ الْآخِرَةِ وَأَشْرَفَ الْمَنَازِلِ وَأَنَّهُ ضَعِيفُ الْعِبَادَةِ»

(ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۷)؛ به‌درستی که بنده، در سایهٔ خوش‌خلقی خود به درجات بزرگ و مقامات والایی در آخرت می‌رسد، با آنکه عبادتش ضعیف است.

در آموزه‌های دینی، به همراه داشتن «دعای خیر دیگران» و «عاقبت‌به‌خیری» نیز به‌عنوان سرمایهٔ معنوی تلقی می‌شود. عاقبت‌به‌خیری، چنان‌که در روایات آمده، جلوه‌ای از ارادهٔ خیر الهی است که با انجام عمل صالح و مداومت بر آن تا لحظهٔ مرگ تحقق می‌یابد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا طَهَّرَهُ قَبْلَ مَوْتِهِ، قِيلَ مَا طَهَّرُ الْعَبْدُ؟ قَالَ، عَمَلُ صَالِحٍ يُلْهِمُهُ إِيَّاهُ حَتَّى يَقْبِضَهُ عَلَيْهِ» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۸۳)؛ اگر خداوند بخواهد بنده‌ای را خیر و نیکی بخشد، او را قبل از مرگش پاکیزه می‌کند. از وی سؤال شد که پاکیزگی بندگان چیست؟ فرمود: «عمل صالحی که به وی الهام می‌شود تا زمان مرگ آن را انجام دهد». این روایت به‌وضوح بر اهمیت عمل صالح و الهام الهی در زندگی انسان تأکید می‌کند. همچنین بر طبق روایات، دعای خیر دیگران، به‌ویژه دعای پدر و مادر، یک منبع حمایت معنوی است. رسول خدا ﷺ فرمود: «چهار گروه هستند که دعای آنها مستجاب می‌گردد و درب‌های آسمان در برابر آن دعاها گشوده می‌شود که یکی از آنها دعای پدر و مادر در حق فرزند است (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۱۰). دعای خیر پدر و مادر، دوستان و دیگران موجب خوشبختی، موفقیت و تسهیل در حل مشکلات زندگی می‌شود و در زمان‌های سخت، فرد را یاری می‌رساند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۳۳۳). در قرآن از خداوند خواسته شده است که: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعراء: ۸۴)؛ برایم در میان آیندگان یاد و آوازهٔ نیک قرار ده! این آیه به اهمیت دعا و یاد نیک در زندگی اشاره دارد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۵۴). بنابراین دعای خیر پدر و مادر و دیگران نوعی سرمایهٔ معنوی به‌شمار می‌آید. برای دستیابی به این سرمایه، توصیه شده که به والدین نیکی کنیم (اسراء: ۲۳؛ بقره: ۸۳) و در روابط خود با دیگران نیز محبت و احترام را سرلوحه قرار دهیم (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۵۸). در مقابل، نفرین دیگران و عاق والدین شدن به‌عنوان عواملی منفی شناخته می‌شوند که می‌تواند موجب مشکلات و گرفتاری‌های زیادی در زندگی شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۲۷). عاق والدین در مورد فرزندی است که پدر و مادر از او ناراضی بوده و او را نفرین کرده باشند (جوادی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۳۳۳).

بالاترین نوع سرمایهٔ معنوی، ایمان به خدا و پایبندی به اصول و ارزش‌های دینی است. خداوند می‌فرماید: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلَيَّكُمْ الْإِيمَانُ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۷)؛ خدا ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دل‌هایتان بیاراست. در جای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (صف: ۱۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟ [این تجارت] این است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید و در راه خدا با اموال و جان‌های خود جهاد کنید. این برای شما بهتر است اگر بدانید. این آیه به اهمیت ایمان و جهاد در راه خدا

به‌عنوان بالاترین سرمایه معنوی اشاره دارد. تعبیر «تجارت» در اینجا نشان‌دهنده ارزش و سودی است که از ایمان و عمل صالح به‌دست می‌آید. همان‌طور که در تجارت‌های دنیوی، افراد برای کسب سود و نفع تلاش می‌کنند، در این آیه نیز خداوند مؤمنان را به یک تجارت معنوی دعوت می‌کند که نه تنها آنها را از عذاب نجات می‌دهد، بلکه به آنها پاداش‌های بزرگ و جاودانی می‌دهد. ایمان به خدا به‌عنوان بالاترین سرمایه معنوی، آثار ارزشمندی همچون عزت و نیرومندی (منافقون: ۸)، آرامش درونی و اطمینان خاطر (فصلت: ۳۰)، جلب محبت الهی (شوری: ۲۶)، دریافت رحمت ویژه (غافر: ۵۱)، رهایی از غم و غصه (یونس: ۶۲؛ مائده: ۶۹)، رسیدن به فضیلت و برتری (بینه: ۷) و جاودانگی در بهشت (مائده: ۶۵) را به همراه دارد و به حفظ دیگر ارزش‌ها و اصول اخلاقی در زندگی کمک می‌کند (بقره: ۲۵). در این مرحله از پژوهش مفاهیم و گزاره‌های زیادی در منابع اسلامی شناسایی شد که به نظر می‌رسد با سرمایه روان‌شناختی در ارتباط است.

در مرحله دوم، مفاهیم و گزاره‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی مورد بررسی قرار گرفت و محتواهای استنباطی مربوط به هر گزاره استخراج و روی فرم ثبت شد. در مرحله سوم، محتواهای استنباطی با توجه به شباهت‌های کارکردی و با به‌کارگیری تکنیک زنجیره‌سازی پیش‌رونده (شجاعی، ۱۳۹۹) دسته‌بندی و سرانجام ۱۰ مؤلفه برای سرمایه معنوی شامل طرح‌واره توحیدی، عبادت، اخلاص، ذکر و تذکر، تنظیم زمان اخروی، قناعت و رضایت درونی، حسن خلق، طمأنینه نفس، تاب‌آوری معنوی و ثبات هیجانی شناسایی شد؛ سپس مؤلفه‌ها با توجه به سازوکارهای روان‌شناختی آنها در قالب یک مدل متشکل از سه بخش مؤلفه‌های بنیادین (اصول انگیزشی - شناختی)، مؤلفه‌های واسطه (فرآیندهای تنظیمی و میانجیگر) و مؤلفه‌های پیامدی (پیامدهای پایدار رفتاری - شخصیتی) صورت‌بندی شد (جدول ۳).

جدول ۳: مؤلفه‌ها و مدل مفهومی سرمایه معنوی بر اساس آیات و روایات

محورها	مؤلفه‌ها	حیطه‌ها و قلمرو کاربرد
مؤلفه‌های بنیادین	- طرح‌واره توحیدی - اعمال عبادی و معرفت دینی - نیت خالص (اخلاص)	این محور شامل پایه‌های شناختی، باورها و انگیزه‌های درونی است که زیربنای سرمایه معنوی را شکل می‌دهد. این مؤلفه‌ها درک فرد از خدا، جهان و خود را تنظیم و انگیزه‌های رفتاری را جهت‌دهی می‌کنند.
مؤلفه‌های واسطه	- حلقه ذکر و تذکر - تنظیم زمانی اخروی - قناعت و رضایت درونی (استغناء طبع) - حسن خلق	این محور فرآیندهای میانی سرمایه معنوی است که بر اساس مؤلفه‌های بنیادین شکل می‌گیرد و نقش تنظیم‌کننده شناخت، عواطف و رفتارهای اجتماعی را دارد.
مؤلفه‌های پیامدی	- طمأنینه نفس - تاب‌آوری معنوی - ثبات اخلاقی و رفتار متعالی	نتایج و پیامدهای سرمایه معنوی در این محور قرار دارند که شامل آرامش درونی، تاب‌آوری در برابر مشکلات و رفتار اخلاقی پایدار می‌شود.

در مرحله چهارم، یافته‌های پژوهش به‌منظور روایی سنجی در اختیار پنج نفر از کارشناسان قرار گرفت تا بر اساس دو شاخص متقن بودن (درستی و مطابقت یافته‌ها با مستندات دینی) و مفید بودن (اهمیت و کاربردپذیری یافته‌ها در روان‌شناسی) نظر خود را درباره مؤلفه‌ها و مدل مفهومی سرمایه معنوی بر اساس راهنمایی‌های صورت‌گرفته در فرم اعتبارسنجی اعلام کنند. نتیجه اعتبارسنجی در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش

	محتوای استنباطی	تعداد داوران (N)	متقن بودن			مفید بودن		
			مجموع امتیاز (۰-۱۵)	شاخص S	وضعیت اعتبار	مجموع امتیاز (۰-۱۵)	شاخص S	وضعیت اعتبار
۱	طرح‌واره توحیدی	۵	۱۲	۰/۸۰	بالا	۱۱	۰/۷۳	بالا
۲	اعمال عبادی و معرفت دینی	۵	۱۵	۱/۰۰	بسیار بالا	۱۵	۱/۰۰	بسیار بالا
۳	نیت خالص (اخلاص)	۵	۱۳	۰/۸۷	بسیار بالا	۱۲	۰/۸۰	بالا
۴	حلقه تذکر و ذکر	۵	۱۱	۰/۷۳	بالا	۱۰	۰/۶۷	قابل قبول
۵	تنظیم زمانی اخروی	۵	۱۱	۰/۷۳	بالا	۱۲	۰/۸۰	بالا
۶	قناعت و رضایت درونی	۵	۱۳	۰/۸۷	بسیار بالا	۱۳	۰/۸۷	بسیار بالا
۷	حسن خلق	۵	۱۵	۱/۰۰	بسیار بالا	۱۴	۰/۹۳	بسیار بالا
۸	طمأنینه نفس	۵	۱۴	۰/۹۳	بسیار بالا	۱۴	۰/۹۳	بسیار بالا
۹	تاب‌آوری معنوی	۵	۱۱	۰/۷۳	بالا	۱۰	۰/۶۷	قابل قبول
۱۰	ثبات اخلاقی و رفتار متعالی	۵	۱۵	۱/۰۰	بسیار بالا	۱۴	۰/۹۳	بسیار بالا
شاخص تراکم اعتبار کل پژوهش (ST)			متقن بودن			مفید بودن		
			۰/۸۵			۰/۸۱		

نتایج حاصل از اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش بر اساس «شاخص تراکم اعتبار» و با استفاده از رویکرد ابداعی اعتبارسنجی کمی تراکمی (QCn-K)^۱ نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مدل سرمایه معنوی از

۱. Qualitative Cumulative - Knowledge-base (حرف کوچک n برای نشان دادن Qualitative است در مقابل حرف n که برای Qualitative در نظر گرفته شده است. «K» در انتها نشان‌دهنده «Knowledge-based» یا «مبتنی بر دانش» است؛ چون از دانش اصول فقه گرفته شده است. سازوکار اعتبارسنجی کیفی تراکمی در پژوهش دیگری معرفی شده است (در حال انتشار)

سطح بالای استحکام مفهومی و کارآمدی عملی برخوردارند. شاخص کل متقن بودن برابر با ۰/۸۵ و در سطح «بسیار بالا» ارزیابی شد. این مقدار بیانگر میزان بالای توافق نظر داوران در تأیید صحت مفهومی، انسجام درونی و انطباق مؤلفه‌ها با مبانی نظری و متون دینی است. همچنین شاخص کل مفید بودن برابر با ۰/۸۱ و در سطح «بسیار بالا» محاسبه گردید که نشان‌دهنده اهمیت کاربردی و قابلیت بهره‌برداری بالای مؤلفه‌ها در حوزه روان‌شناسی و مداخلات مرتبط است.

در بررسی جزئیات، سه مؤلفه شامل اعمال عبادی و معرفت دینی، حسن خلق، و ثبات اخلاقی و رفتار متعالی در شاخص متقن بودن، حداکثر امتیاز ممکن (۱/۰۰) را کسب کردند و از نظر همه داوران بدون هیچ مخالفتی معتبر شناخته شدند. این نتیجه نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها از پشتوانه دینی، شواهد نظری و پذیرش تخصصی کاملاً مستحکم برخوردارند و در هسته مرکزی مدل قرار می‌گیرند. از نظر مفید بودن نیز، مؤلفه «اعمال عبادی و معرفت دینی» با کسب شاخص ۱/۰۰ در جایگاه نخست قرار گرفت که حاکی از توافق کامل بر اهمیت عملی آن در بهبود و ارتقای سرمایه معنوی است. چهار مؤلفه نیت خالص (اخلاص)، قناعت و رضایت درونی، طمأنینه نفس، و طرح‌واره توحیدی نیز با شاخص‌هایی بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۳ در هر دو حوزه متقن بودن و مفید بودن، در سطح بالا یا بسیار بالا قرار گرفتند. این مقادیر نشان‌دهنده آن است که این مؤلفه‌ها علاوه بر دارا بودن پشتوانه نظری و مفهومی معتبر، از منظر کاربردی نیز در برنامه‌های ارتقای سرمایه معنوی و مداخلات روان‌شناختی قابل اتکا هستند.

در مقابل، دو مؤلفه حلقه تذکر و ذکر و تاب‌آوری معنوی در شاخص مفید بودن کمترین مقادیر را کسب کردند (۰/۶۷، سطح «قابل قبول»); هرچند که شاخص متقن بودن آنها ۰/۷۳ و در سطح بالا ارزیابی شد. این یافته حاکی از آن است که هرچند اعتبار مفهومی این مؤلفه‌ها تأیید شده است، اما از نظر کاربردی نیازمند شواهد تجربی بیشتر، بومی‌سازی روش‌های اجرا و تقویت سازوکارهای عملیاتی هستند تا بتوانند به سطح مطلوب برسند. بر اساس تحلیل توزیعی، ۷۰ درصد از مؤلفه‌ها در سطح «بسیار بالا» و ۳۰ درصد در سطح «بالا» یا «قابل قبول» قرار گرفتند. عدم وجود مؤلفه‌هایی در سطوح متوسط یا پایین، نشان‌دهنده انسجام نظری و هم‌گرایی بالای ارزیابی داوران است که به شکل مستقیم اعتبار کلی مدل را افزایش می‌دهد.

نتایج حاصل از ارزیابی‌ها حاکی از آن است که مدل ارائه‌شده در مورد سرمایه معنوی، از پشتوانه‌ای نظری قوی برخوردار است. بر اساس نظرات کارشناسان، این مدل هم از نظر صحت مفهومی (متقن بودن) و هم از منظر کارآمدی عملی (مفید بودن) در سطوح بالایی قرار دارد. این ویژگی‌ها نه تنها جایگاه علمی مدل را تثبیت می‌کند، بلکه آن را به عنوان چارچوبی معتبر و کاربردی برای پژوهش‌ها و مداخلات آینده در حوزه روان‌شناسی اسلامی معرفی می‌نماید. علاوه بر این، فرآیند ارزیابی مبتنی بر

«قاعده تراکم ظنون» منجر به دستیابی به شاخص‌هایی شده است که بازتاب‌دهندهٔ اجماع قوی و مستدل میان داوران است. این رویکرد در پژوهش‌های کیفی که بر متون دینی استوار هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و اعتبار نتایج را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد.

در مرحلهٔ پنجم، مدل مفهومی سرمایهٔ معنوی با اعمال نظر داوران و انجام اصلاحات، به‌عنوان یافتهٔ نهایی و اصلی پژوهش تدوین و گزارش نهایی آن ارائه شد. ساختار و چیدمان اجزای مدل دقیقاً مطابق با جدول (۲) است. درعین‌حال، با توجه به بازخوردهای داوران و انجام اصلاحات، این مدل به‌عنوان یافتهٔ نهایی و اصلی پژوهش در گزارش نهایی ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی سرمایهٔ معنوی بر اساس آیات و روایات

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل مفهومی «سرمایهٔ معنوی» بر پایهٔ منابع اصیل اسلامی انجام شد. رویکرد پژوهش، تحلیل کیفی محتوای متون دینی بود که برای فهم و استنباط

روان‌شناختی از متون دینی (آیات و روایات) طراحی شده است (شجاعی، ۱۳۹۹). نتایج این پژوهش یک ساختار سه‌لایه (بنیادین، واسط و پیامدی) را برای مدل مفهومی سرمایه معنوی فراهم آورد. لایه بنیادین مدل، شامل مؤلفه‌هایی همچون «طرح‌واره توحیدی»، «اعمال عبادی و معرفت دینی» و «نیت خالص» است که هویت معنوی فرد را شکل می‌دهد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، توحید به‌عنوان محور هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، اساس هر نوع سرمایه معنوی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ۳۷). اعمال عبادی نظیر نماز و روزه، نقش کلیدی در تثبیت این محور ایفا می‌کنند و با ایجاد پیوند مستمر بین فرد و خدا، بستر رشد اخلاقی و روانی را فراهم می‌آورند (غزالی، ۱۴۰۵ق). یافته‌های این پژوهش نیز همسو با مطالعات پیشین نشان داد که مؤلفه «اعمال عبادی و معرفت دینی» در شاخص متقن بودن و مفید بودن حداکثر امتیاز ممکن (۱/۰۰) را کسب کرده است؛ نتیجه‌ای که بر اتفاق نظر مطلق خبرگان در اعتبار و اهمیت این مؤلفه دلالت دارد.

مؤلفه‌های واسط شامل «ذکر و تذکر»، «قناعت و رضایت درونی»، «حسن خلق» و «تنظیم زمانی اخروی» هستند که نقش میانجی بین زیرساخت‌های بنیادین و پیامدهای نهایی را ایفا می‌کنند. این یافته با چارچوب‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر همخوان است که بر نقش میانجیگری نگرش‌ها و عادات معنوی در دستیابی به بهزیستی تأکید می‌کنند (سلیگمن، ۲۰۱۱). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ دل‌ها به یاد خدا آرام می‌گیرد. خداوند در این آیه به روشنی اثر آرام‌بخش ذکر را بیان کرده و با نتایج روان‌شناسی معاصر درباره اثر مراقبه^۱ و ذهن‌آگاهی هم‌پوشانی دارد (کونینگ، ۲۰۱۲). همچنین در این پژوهش مؤلفه‌ای با عنوان «تنظیم زمانی اخروی» شناسایی شد که در مدل‌های پیشین معنویت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مؤلفه به‌عنوان بخشی از سرمایه معنوی، نقش مهمی در تنظیم رفتارها و نگرش‌های افراد نسبت به اهداف اخروی و معنوی ایفا می‌کند. روایی‌سنجی این مؤلفه نشان داد که در هر دو بُعد صحت مفهومی (متقن بودن) و کارآمدی عملی (مفید بودن) از شاخص‌های بالایی برخوردار است. این یافته‌ها بر لزوم توجه به بُعد زمان‌محور در طراحی و اجرای مداخلات معنوی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که درک و به‌کارگیری این مؤلفه می‌تواند به ارتقای سرمایه معنوی افراد و اثربخشی برنامه‌های مرتبط با معنویت کمک شایانی نماید. این رویکرد نوین، امکان توسعه مدل‌های جامع‌تر در حوزه سرمایه معنوی را فراهم می‌کند و راه‌های جدیدی برای پژوهش‌ها و مداخلات آینده در این حوزه باز می‌نماید.

1. mindfulness

2. Koenig

مؤلفه‌های پیامدی همچون «طمأنینۀ نفس»، «تاب‌آوری معنوی» و «ثبات اخلاقی»، بیانگر بروز عینی سرمایه معنوی در شخصیت و رفتار فرد هستند. بر اساس آموزه‌های قرآنی، نفس مطمئنۀ بالاترین مرتبۀ آرامش درونی است که نتیجۀ ایمان، عمل صالح و یاد خداست (فجر: ۲۷-۲۸). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که این سه مؤلفه در مجموع از شاخص‌های بالای اعتبار و کارآمدی برخوردارند. بااین‌حال، مؤلفۀ «تاب‌آوری معنوی» در شاخص مفید بودن کمترین امتیاز (۰/۶۷) را کسب کرد که می‌تواند ناشی از محدود بودن شواهد تجربی، پیچیدگی‌های سنجش یا نیاز به بومی‌سازی روش‌های ارتقای آن باشد.

مدل سرمایه معنوی ارائه‌شده در این پژوهش، با اتکا به منابع وحیانی، رویکردی متمایز از مدل‌های غربی دارد که اغلب بر ارزش‌های فردی، اخلاق جهانی یا معنویت غیردینی متمرکز هستند (زهر و مارشال، ۲۰۰۴). این مدل با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، از بومی‌سازی کامل و پیوند عمیق با باورهای فرهنگی و مذهبی جامعه هدف برخوردار است. چنین رویکردی نه‌تنها اعتبار فرهنگی مدل را تقویت می‌کند، بلکه زمینه پذیرش گسترده‌تر و کارایی بیشتر آن را در حوزه‌های بالینی، آموزشی و سازمانی فراهم می‌سازد. این مدل به‌عنوان چارچوبی جامع، قابلیت کاربرد در طراحی برنامه‌های تربیتی و مشاوره‌ای در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز درمانی را داراست. همچنین امکان توسعه ابزارهای روان‌سنجی معتبر برای ارزیابی سرمایه معنوی بر اساس شاخص‌های شناسایی‌شده را فراهم می‌کند. در حوزه سازمانی، این مدل می‌تواند به ارتقای اخلاق حرفه‌ای، افزایش تاب‌آوری کارکنان و بهبود کیفیت زندگی کاری منجر شود که نشان‌دهندۀ پتانسیل بالای آن در ایجاد تحولات مثبت در محیط‌های کاری است. بااین‌حال، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه است. تعداد محدود داوران و تمرکز بر حوزه علوم دینی و روان‌شناسی معنوی ممکن است موجب کاهش تنوع دیدگاه‌ها شده باشد. برای پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود از گروه‌های میان‌رشته‌ای شامل متخصصان تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و مدیریت استفاده شود تا ابعاد جدیدی از سرمایه معنوی شناسایی گردد؛ همچنین آزمون تجربی مدل در قالب مطالعات کمی و طولی می‌تواند به ارزیابی پایداری و پیش‌بینی‌کنندگی آن کمک کند.

در مجموع نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مدل سه‌لایه سرمایه معنوی که بر پایه منابع اسلامی طراحی شده است، هم به لحاظ نظری و هم عملی در سطوح بالایی قرار دارد. این مدل با تلفیق بنیان‌های وحیانی، فرایندهای روان‌شناختی و مبانی اخلاقی، چارچوبی جامع و کاربردی برای درک و ارتقای سرمایه معنوی در بافت فرهنگی - دینی ایران ارائه می‌دهد. اجماع گسترده خبرگان بر اعتبار و کارایی مؤلفه‌های این مدل، نشان‌دهندۀ همخوانی آن با نیازها و ارزش‌های جامعه هدف است و آن را به ابزاری مؤثر در حوزه‌های علمی و اجرایی تبدیل کرده است. این رویکرد نه‌تنها به تقویت مبانی نظری در حوزه معنویت کمک می‌کند، بلکه کاربرد عملی آن در زمینه‌های آموزشی، درمانی و سازمانی را نیز تسهیل می‌نماید.

منابع

قرآن کریم.

- ابراهیمیان، سیدحسین؛ ربیعی، زهره و بسمل، محبوبه (۱۳۹۴). شیوه‌های نزول امدادهای غیبی بر مؤمنین از نظر آیات قرآن. *مطالعات تفسیری*، ۶(۲۴)، ۱۵۷-۱۷۶.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- امامی، عبدالنبی (۱۳۸۹). *فرهنگ قرآن، اخلاق حمیده*. قم: مطبوعات دینی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *نهج الفصاحه*. تهران: دنیای دانش.
- جوادی، صدر (۱۳۸۲). *دایرة المعارف تشیع*. تهران: شهید سعید محبی.
- خطیبی، مهدی (۱۳۹۸). اعتبارسنجی تراکم ظنون در فرایند استنباط. *جستارهای فقهی و اصولی*، ۵(۱۶)، ۷-۳۴.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۷ق). *تهذیب الاصول*. بیروت: مکتب سماحة آية الله العظمی السید السبزواری.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی، مبانی نظری و مراحل اجرا. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۴(۲۷)، ۴۱-۷۳.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین.
- طبری، محمد (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- غزالی، ابوحامد (۱۴۰۵ق). *احیاء علوم الدین*. بیروت: دار المعرفة.
- فدایی‌نژاد، محمداسماعیل (۱۳۸۲). *اصول بودجه‌بندی سرمایه‌ای*. تهران: سمت.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلانتری، ابوالقاسم (۱۴۲۵ق). *مطمح الانظار*. قم: مجمع فکر الاسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۳ق). *اصول کافی*. تهران: مکتبه اسلامی.
- لیثی واسطی، علی (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دار الحديث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- نائینی، میرزاحمدحسین (۱۳۷۶). *فوائد الاصول*. قم: جامعه مدرسین.
- نوروزی، علیرضا و صفی‌خانی، ابراهیم (۱۴۰۲). رهیافت تجمع ظنون در بررسی اسناد حدیث و نقدی بر مکتب رجالی محقق خویی. *حدیث پژوهی*، ۱۵(۳۰)، ۲۴۵-۲۷۰.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت ع.
- هاگن، رابرت (۱۳۸۴). *تنوری نوین سرمایه‌گذاری*. ترجمه علی پارسائیان و بهروز خدارحمی. تهران: ترمه.
- مرادی، محمد (۱۳۹۴). الگوی مفهومی سرمایه معنوی در پرتو تعالیم قرآنی، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۵(۱۱)، ۴۱-۶۱.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ق). *فوائد الاصول*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- Bagnasco, A., Ghirotto, L. & Sasso, L. (2014). Theoretical sampling. *Journal of Advanced Nursing*, 70(11), e6-e7.
- Baker, C., Stokes, P., Lichy, J., Atherton, J. and Moss, D. (2011). *Values, beliefs and attitudes in the era of late-capitalism. a consideration of the re-emergence and re-positioning of faith and spirituality as spiritual capital in the workplace*
- Birken, L. (1999). Freud's Economic Hypothesis. From Homo Oeconomicus to Homo Sexualis. *American Imago*, 56(4), 311-330.
- Blatt, S. J. & Auerbach, J. S. (2000). Psychoanalytic models of the mind and their contributions to personality research. *European Journal of Personality*, 14(5), 429-447.
- Finke, R. (2003). Spiritual capital Definitions, applications, and new frontiers. Retrieved April, 24, 2005.
- Ismail, B. M. (2005). *The Influence of Intellectual Capital on the Performance of Telekom Malaysia*, PhD Thesis, University Technology Malaysia.

- Koenig, H. G. (2012). Religion, spirituality, and health: The research and clinical implications. *International Scholarly Research Notices*, 2012(1), 278730.
- Kupfersmid, J. (2019). Freud's clinical theories then and now. *Psychodynamic psychiatry*, 47(1), 81-97.
- Lillard, D. R. and Ogaki, M. (2005), *The effects of spiritual capital on altruistic economic behavior*, Unpublished Research Proposal, Cornell University and Ohio State University.
- Liu, A. (2007). *Measuring spiritual capital as a latent variable*, available at <http://www.researchmethods.org/be4capital11> (accessed 22 April 2019).
- Luthans, F. & Broad, J. D. (2020). Positive psychological capital to help combat the mental health fallout from the pandemic and VUCA environment. *Organizational dynamics*, 51(2), 2-13
- Martinez, R. J., Rogers, R., Yancey, G. & Singletary, J. (2011). Spiritual capital in modern organizations. *Journal of Biblical Integration in Business*, 13(1). 158-174
- Mas-Machuca, M. and Marimon, F. (2019). Holistic spiritual capital: definition and its measurement. *International Journal of Organization Theory and Behavior*, 22(1), 96-110.
- Missemer, A. (2018). Natural capital as an economic concept, history and contemporary issues. *Ecological economics*, 143, 90-96.
- Mohtar, S., Rahman, I.S.A. and Abbas, M. (2015). Intellectual capital and its major components. *Journal of Technology and Operations Management*, 1(10), 15-21
- Newman, A., Ucbasaran, D., Zhu, F. E. I. & Hirst, G. (2014). Psychological capital, A review and synthesis. *Journal of organizational behavior*, 35(S1), S120-S138
- Corbu, A., Nolzen, N. (2018). *The concept of psychological capital: a comprehensive review*. *Management Review Quarterly*,
- Palmer, D. A. & Wong, M. (2013, July). *Clarifying the concept of spiritual capital*. In *Conference on the Social Scientific Study of Religion*, Chinese University of Hong Kong (p. 10-13).
- Palmer, D. A. and Wong, M. (2013). *Clarifying the concept of spiritual capital*. *Paper Presented at Conference on the Social Scientific Study of Religion the Chinese University of Hong Kong*
- Peláez Zuberbühler, M. J. & Salanova, M. (2021). *Positive psychology micro-coaching intervention: Effects on psychological capital and goal-related self-efficacy*. *Frontiers in psychology*, 12.
- Roberts, W. C. (2016). *Marx's inferno The political theory of capital*. Princeton University Press
- Seligman, M. E. (2011). *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being*. Simon and Schuster.
- Sharonova, S. and Ildarhanova, C. (2019). Spiritual capital as a fundamental element of cultural capital. *Sociology Study*, 5(10), 785-793..
- Vasconcelos, A. F. (2021). Individual spiritual capital: meaning, a conceptual framework and implications. *Journal of Work-Applied Management*, 13(1), 117-141.
- Vasconcelos, A. F. (2018). Older workers as a source of wisdom capital: broadening perspectives. *Revista de Gest~ao*, 1(25), 102-118.
- Wortham, R. A. & Wortham, C. B. (2007). Spiritual capital and the good life. *Sociological Spectrum*, 27(4), 439-452.
- Zohar, D. and Marshall, I. (2004), *Spiritual Capital, Wealth We Can Live by*, Berret-Koehler Publishers, San Francisco, CA.
- Corbu, A., Peláez Zuberbühler, M. J. & Salanova, M. (2021). Positive psychology micro-coaching intervention: Effects on psychological capital and goal-related self-efficacy. *Frontiers in psychology*, 12, 566293.
- Finke, R. (2003). Spiritual capital: Definitions, applications, and new frontiers. Retrieved April, 24, 2005..

مدل مفهومی فرایندی سفاقت بر اساس منابع اسلامی*

A Process-Oriented Conceptual Model of Safahat (feeble-mindedness) Based on Islamic Sources *

حمید رفیعی هنر / استادیار گروه تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

محمدحسین حق شناس / دکتری روان شناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

محمدباقر عادل / کارشناسی ارشد روان شناسی مثبت گرا، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

Hamid Rafiei-Honar / Assistant Professor, Faculty member of department of education, the Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.rafiiee@isca.ac.ir

✉ **Mohammad Hossein Hagh-Shenas** / PhD in General Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. m.haghshenas2976@gmail.com

Mohammad Bagher Adel / MSc in Positive Psychology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran. M.B.ADEL395@gmail.com

Abstract

The present study was conducted with the aim of developing a process-oriented conceptual model of sefahat (feeble-mindedness) based on Islamic sources. To this end, first, by determining the unit of semantic analysis, the verses of the Holy Quran and narrations (hadiths) were examined, and the themes related to the derivatives of safah were extracted and coded in three stages. The research method in this study was qualitative content analysis (conventional and conventional-directed), and the triangulation technique (combination and integration) was used as a strategic method to enhance the scientific rigor of the qualitative research. Based on Islamic sources, according to the obtained model, the contexts, core elements, domains,

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی فرایندی سفاقت بر اساس منابع اسلامی انجام شد. بدین منظور ابتدا با تعیین واحد تحلیل معنایی، آیات قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار گرفت و مضامین مربوط به مشتقات سَفَه استخراج و در سه مرحله کدگذاری شد. روش پژوهش در این تحقیق تحلیل محتوای کیفی (عرفی و قراردادی) بود و روش راهبردی برای ارتقای دقت علمی در تحقیق کیفی از تکنیک مثلث سازی (ترکیب و تلفیق) استفاده شد. بر اساس منابع اسلامی، طبق مدل به دست آمده، زمینه ها، عناصر هسته ای، حوزه ها، پیامدها و راهبردهای مواجهه با سفاقت به دست آمد.

* این مقاله با حمایت واحد پژوهش مرکز مشاوره سماح تدوین و منتشر شده است.

* This article has been prepared and published with the support of the Research Unit of Samah Counseling Center.

consequences, and coping strategies regarding sefahat were identified. The main elements and components of sefahat include: deficient cognition, emotional instability, and hasty acceptance; and the contexts include the lack of connection with the transcendent source of knowledge and lack of inquisitiveness. The domains of sefahat were categorized into ideological, moral, social, political, and economic issues. The worldly and otherworldly consequences of the foolish act, the act of disputing with the foolish person, and the act of avoiding the foolish person were extracted. Finally, preventive strategies and harm reduction strategies in dealing with the foolish person were examined and addressed.

Key words: process model of sefahat , sefahat (feeble-mindedness), irrationality, ignorance.

عناصر و مؤلفه‌های اصلی سفاهت عبارت‌اند از: شناخت‌گری نارسا، ناپایداری هیجانی و پذیرش سریع؛ و زمینه‌ها شامل عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت و عدم جست‌وجوگری؛ و حوزه‌های سفاهت در موضوعات اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم‌بندی شدند و پیامدهای دنیوی و اخروی فعل سفیه، فعل جدال با سفیه، فعل دوری‌گزینی از سفیه استخراج و در پایان راهبردهای پیشگیرانه و کاهش آسیب در مواجهه با فرد سفیه مورد توجه و بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: مدل فرایندی سفاهت، سفاهت، نابخردی، جهل.

مقدمه

سفاهت امری بی‌مرز و محدودیت است و ممکن است به همه سرایت کند و گاهی فرد سرچشمه سفاهت قرار می‌گیرد؛ چراکه اکثراً با توجه به تکنولوژی و فضاهای مجازی موجود، هر نوع اخباری را می‌بینند، می‌شنوند و می‌خوانند و بدون اینکه از منشأ خبر جويا شوند آن را قبول نموده و به ندرت متوجه بلاهت‌شان می‌شوند (مارمیون، ۲۰۲۰^۱). موضوع و مسئله سفاهت مرتبط با روان‌شناسی اجتماعی است و این موضوع در شناخت و ادراک اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه شناخت و ادراک اجتماعی زیربنای فهم فرد را از دنیای اجتماعی شکل می‌دهند و شناخت اجتماعی درصدد مشخص کردن چگونگی توجه کردن به اطلاعات اجتماعی است (سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۸). از جمله نظریه‌های مطرح، نظریه شناخت اجتماعی است که مبتنی بر الگوی علی سه جانبه رفتار، محیط و فرد است. این الگو به ارتباط بین رفتار، اثرهای محیطی و عوامل فردی که به ادراک فرد برای توصیف کارکردهای روان‌شناختی اشاره دارد، تأکید می‌کند (هرگنهان و اولسون، ۲۰۰۷، ص ۷۶). بر اساس این نظریه، افراد در نظام علیت سه جانبه، بر انگیزش و رفتار خود اثر می‌گذارد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷).

1. Marmion. J. F.

2. Hrgnhan. B. R. & Olson, M. H.

در کل تاریخ چیزی که سبب انحطاط یک قوم شده است، به جهت ابتلای مردم آن قوم، به مرض سفاهت است؛ همانند قوم بنی اسرائیل به موسی علیه السلام پیشنهاد کردند از خدا بخواهد خود را نشان دهد (اعراف: ۱۵۵)؛ همچنین جریان گوساله‌پرستی آنان (بقره: ۵۱، ۵۴، ۹۲ و ۹۳؛ نساء: ۵۳؛ طه: ۸۸) و یا قوم نوح، هود، صالح، لوط، عاد و شعیب ملت‌هایی بودند که با انحرافات عقیده‌ای مخصوصاً بت‌پرستی و مفاسد اخلاقی در میان آنها منجر به انحطاط آنها گشت (اعراف: ۵۹-۱۰۲)، که بر اساس آیات و روایات زمینه این مشکل از جهالت و سفاهت آنان بوده است.

سفاهت ارتباط نزدیکی با گرایش فرد به باور گزاره‌های بعید دارد. بنابراین سفاهت عاملی در فرآیندهای نفوذ اجتماعی است، و تمایل فرد به اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده را تسهیل می‌کند (جوزف و همکاران،^۱ ۲۰۱۹). درحقیقت سفاهت طیف شگفت‌انگیزی از جاهلان پوچ و اغلب شرور و خشن را ایجاد می‌کند؛ از این رو لازم است برای درک، پیش‌بینی و کنترل دنیای اجتماعی و فیزیکی انسان‌های سفیه تلاش شود (جوزف و همکاران، ۲۰۱۹).

در آموزه‌های دین اسلام سفاهت در قالب مفاهیم همچون بُلَه، سفاهت، سازج، حُوق مورد توجه قرار گرفته است. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که می‌فرماید: «إِنَّ السَّفَهَ خُلُقٌ لَّئِيمٌ يَسْتَطِيلُ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَيَخْضَعُ لِمَنْ [هُوَ] فَوْقَهُ»؛ سفاهت به راستی خوی پستی است، صاحب آن بر زبردستش گردن فرازی کند، و بر بالا دست خود زبونی کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۲). چراکه مجلسی، سفاهت را به سبک عقلی و پیشی گرفتن در گفتار و کردار بدون تفکر تعبیر می‌کند (کلینی، ۱۳۶۹)، و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّكَ أَسْرَّ مَا تَكُونُ مِنْ نَاجِيَّتِهِ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ إِلَى مَسَاءَتِكَ»؛ بپرهیز از دوستی با احمق؛ زیرا هرچه به دوستی او خوشحال‌تر باشی، خطر زیان رساندن او به واسطه حماقتش به تو نزدیک‌تر می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۲).

با توجه به جست‌وجو و بررسی‌ها در پژوهش‌های انجام‌شده، این مفاهیم در درک، پیش‌بینی و کنترل دنیای اجتماعی سفیهان در راستای ارتباط اجتماعی، پژوهشی صورت نگرفته و پژوهش‌ها از این جهات دارای نقصان می‌باشند. برخی از پژوهش‌ها تنها به واکاوی و مفهوم‌شناسی مفاهیم پرداختند؛ از جمله پژوهش فرجامی و معصومی (۱۴۰۰) می‌باشد، و برخی از پژوهش‌ها تنها به حکم فقهی مفهوم سفاهت پرداختند که می‌توان پژوهش منتظری شاهرودی (۱۳۹۱)، عامری و پورجوهری (۱۴۰۰) و الشریف، جلالی و اکرمی ابرقوئی (۱۳۹۴) را نام برد، و پژوهشی برای مفهوم سفیه از اکرمی (۱۳۹۹) نیز در راستای اقرار سفیه در دعاوی کیفری که نقدی بر ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی است، پرداخته

شده است. پژوهشی دیگر از حائری، صباغی ندوشن (۱۳۹۵) درباره تأملی در قاعده‌انگاری بطلان معاملات سفیهانه با تأکید بر آیه ممنوعیت اکل مال به باطل انجام گرفته است، و پایان‌نامه‌هایی به موضوع حکمت و سفاهت در قرآن کریم (علیزاده قایمیه، ۱۳۸۹) و بررسی مفهوم سفاهت و مراتب آن و حدود اختیارت ولی سفیه در فقه امامیه و اهل سنت (صادق سلیمانی، ۱۳۹۳) انجام شده است؛ از این رو پژوهش‌های نام برده شده از جهات منابع انتخابی، عدم جامعیت در مفاهیم دخیل به صورت منسجم، و همچنین از جهت فرایند کار و جهت‌گیری در آن با پژوهش حاضر در تمایز قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های پژوهش حاضر ضمن اینکه کارکردها، اجزا و مؤلفه‌های مفهومی سفاهت بر اساس منابع اسلامی را استخراج می‌نماید، توانمندی‌های شناختی افراد در روابط اجتماعی را بالا و نسبت به جنبه‌های مختلف سفاهت مبتنی بر آموزه‌های دینی آگاهی می‌یابند که با مدل مفهومی فرایندی سفاهت بر اساس منابع اسلامی این تأثیرات بر روی افراد خواهد گذاشت؛ همچنین از ریشه و زمینه‌ها، محدوده و قلمرو سفاهت شناخت و آگاهی خواهیم یافت که افراد را در ادراک و شناخت اجتماعی افزایش خواهد داد. بر اساس آنچه گذشت، تحقیق حاضر به پاسخ این سؤال می‌پردازد که مدل مفهومی فرایندی سفاهت بر اساس منابع اسلامی چیست؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر به روش تحلیل محتوای کیفی و با هدف تدوین الگوی مفهومی فرایندی سفاهت انجام شد. در این روش مؤلفه‌های ناشناخته یک مفهوم کشف می‌شود. در این پژوهش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعه و تحلیل محتوای کیفی متون اسلامی مرتبط بود؛ لذا جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام شد.

پژوهش حاضر این مراحل را شامل شد: گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه متون اسلامی مرتبط، تجزیه و تحلیل اطلاعات استخراج‌شده از متون به منظور دستیابی به شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی، طراحی الگوی مفهومی فرایندی مرتبط با شاخص‌های به دست‌آمده حوزه مورد مطالعه، متون تخصصی اسلامی، ابزار گردآوری اطلاعات، جست‌وجوی پیشرفته در بانک‌های اطلاعاتی علمی و تخصصی و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تحلیل محتوای کیفی با نظام مقوله‌بندی استقرایی شامل ساماندهی متون و اسناد کدگذاری داده‌ها، اختصاص عنوان به کدها، گروه‌بندی کدها، مرتبط ساختن کدها به صورت مضامین مرتبط به هم، ارائه یافته‌ها و در نهایت تدوین الگوی مفهومی فرایندی بود.

به این صورت که ابتدا مفاهیم موجود در متن قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام و سایر کتب دینی مرتبط با سفاهت استخراج شده و به صورت باز کدگذاری شد. در این مرحله که کدگذاری اولیه

متن نیز نامیده می‌شود، مفاهیم و مضامین یا کدهای اساسی استخراج شد. در کدگذاری اولیه که به‌صورت باز انجام شد، کدهای اولیه استخراج‌شده به‌دست آمد؛ در مرحله بعد به‌وسیله کدگذاری محوری، کدها طبقه‌بندی شدند و کدهایی که دارای مفاهیم و مضامین مشترک بودند، تحت یک مقوله نام‌گذاری شدند. کدگذاری محوری از انتزاع بالاتری برخوردار است و الگوهای نهفته در متن را جست‌وجو می‌کند؛ بنابراین در این روش توصیفی عمیق‌تری از متن حاصل شد.

بنابراین پژوهش حاضر، به روش کیفی انجام شده است. در بخش کیفی، ابتدا واژگان مربوط به نابخردی میان‌فردی، با استفاده از روش حوزه‌های معنایی؛ مانند «جهل»، «سفه»، «بله» و «حمق» استخراج گردید. واژگان یافت‌شده به قاموس‌های اصیل عربی؛ مانند *العین*، *الجیم*، *جمهرة اللغة* و معجم *مقاییس اللغة* عرضه شد؛ سپس به قاموس‌های قرآنی همچون *الطراز الاول* مراجعه گردید که در نهایت واژه «بله» و «حمق» به دلیل عدم تطابق کامل با حوزه سفاقت حذف گردید. از طرفی این دو واژه، مرتبط با گول و فریب خوردن (اغترار) است و این ریشه از معنا در واژه‌های *حُقم* و *بله* در لغت‌شناسی به چشم می‌خورد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق؛ ازهری، ۱۴۲۱ق؛ شیبانی، ۱۹۷۵م)؛ و از طرفی دیگر با بررسی و فهم روایات در سفاقت دانسته شد که از آثار و پیامد فعل سفیه محسوب می‌شود؛ از این‌رو خروج این دو واژه به جهت این است که با فریب‌پذیری و زودباوری انطباق دارد (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴). در این پژوهش، واژگان مربوط به سفاقت از کتب لغوی در روش حوزه‌های معنایی جمع‌آوری شدند. آیات و روایات این ابواب که بالغ بر ۴۶۹ متن دینی بود، به‌وسیله نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع در حجم نمونه (گلیسر و استراوس، ۱۹۶۷م) انتخاب و به‌طور کامل مورد مطالعه و روایات مرتبط از غیرمرتبط غربال شد. عموماً آثار مأثور از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و آثار منقول علمای تا سده پنجم هجری همچون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و سید رضی از جمله منابع درجه الف و ب به‌شمار می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۹۰). این غربال منجر به حذف ۱۴۸ روایت و باقی ماندن ۳۲۱ روایت برای بررسی‌های بعدی شد. در مرحله دوم که غربال به‌واسطه عدم ارتباط مفهومی بود، ۹۵ روایت حذف و ۲۲۶ روایت به‌عنوان احادیث برگزیده نهایی برای تحلیل انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری روایات برگزیده، برای تحلیل روایات، از روش تحلیل محتوای کیفی (شیبه و شانون، ۲۰۰۵) به شیوه تحلیل محتوای عرفی و قراردادی استفاده شد. از نگاه شیبه و شانون (۲۰۰۵) تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به‌کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به‌کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از سه مرحله

کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است (گلیسر و استراوس، ۱۹۶۷). بعد از حذف روایات مشابه که تعداد آنها به ۹۶ روایت رسید، در مرحله کدگذاری باز، ۱۷۸ کد حاصل شد. کدهای باز بدون در نظر گرفتن روابط تلقی می‌شوند که برچسب‌های ذهنی جداگانه به وقایع و پدیده‌ها نسبت می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). واحد تحلیل مورد استفاده در کدگذاری این پژوهش، مضمون است. واحد تحلیل در تحلیل محتوا به بخش‌هایی از متن گفته می‌شود که جدا و رمزگذاری می‌شود (وبر، ۱۹۹۰، به نقل از: مؤمنی راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر نیز، معیار تفکیک هر شماره در جدول کدگذاری باز، رساندن یک کد معنایی مرتبط با موضوع بوده است؛ به‌طوری‌که ممکن است یک جمله حاوی چندین کد معنایی باشد و در چند جا تکرار شده باشد. در کدگذاری محوری کدهای مرحله قبل با یکدیگر مقایسه، موارد مشابه و مرتبط با یکدیگر ادغام و سپس به هرکدام عنوان مناسبی اطلاق گردید. ۲۳ کد محوری شکل گرفت. کدگذاری انتخابی نیز در دو مرحله صورت گرفت: در مرحله اول ۵ مقوله عمده (مؤلفه‌ها، شرایط علی، پیامدها، حوزه‌ها و راهبردهای مواجهه) استخراج شد؛ در مرحله دوم ۱ مقوله هسته به نام سفاقت انتخاب شد؛ سپس پس از ادغام شرایط علی مشترک میان مؤلفه‌ها، روابط میان مؤلفه‌ها، شرایط علی، پیامدها، حوزه‌ها و راهبردهای مواجهه سنجیده و مدل فرآیندی طراحی شد.

روش راهبردی برای ارتقای دقت علمی در تحقیق کیفی: دقت در مطالعات کیفی مهم‌ترین مسئله برای مخاطبین به‌شمار می‌آید و پرسش مداوم در مورد ساختار رویکردها و عملکرد مطالعات کیفی نیز احساس می‌گردد. در مطالعات کیفی، معمولاً اصطلاحاتی همچون دقت علمی^۱ و موثق بودن^۲ (قابلیت اعتماد) به‌جای روایی استفاده می‌گردد (دیویس و داد،^۳ ۲۰۰۲؛ استنباکا،^۴ ۲۰۰۱). دقت علمی در مطالعات کیفی، شامل تمامی فعالیت‌هایی می‌باشد که احتمال داده‌های معتبر را افزایش می‌دهد (رابرتز^۵ و همکاران، ۲۰۰۱). یک مشکل بالقوه در دستیابی به دقت علمی در مطالعه کیفی، تورش (سوش) پژوهشگر است که ناشی از جمع‌آوری و ثبت داده‌ها به‌طور انتخابی و یا تفسیر بر اساس دیدگاه‌های شخصی وی می‌باشد (جانسون،^۶ ۱۹۹۷). برای رفع این مسئله لازم است به انواعی از دقت علمی که در مطالعات کیفی وجود

-
1. Rigour
 2. Trustworthiness
 3. Davies, D., Dodd. J.
 4. Stenbacka, C.
 5. Roberts, P. H.
 6. Johnson, R. B.

دارد؛ مانند معیارهای گوبا و لینکون^۱ کمک گرفت که از گستردگی خاصی برخوردار است. معیارهای گوبا و لینکولن (۱۹۹۴) دارای چهار معیار اعتبار،^۲ انتقال پذیری،^۳ اطمینان پذیری^۴ و تأیید پذیری^۵ است که هریک از اهمیت یکسانی برخوردار و به نوبه خود به طور مجزا در نظر گرفته می شود. اعتبار شامل فعالیت هایی است که احتمال به دست آوردن یافته های معتبر را افزایش می دهد. روش های تأمین اعتبار عبارت اند از: درگیری طولانی مدت و مشاهده مداوم^۶ (گوبا و لینکولن، ۱۹۹۴)، بازیابی توسط همکار^۷ (استومل و ولیز،^۸ ۲۰۰۴)، بازیابی توسط مشارکت کنندگان^۹ (باربور،^{۱۰} ۲۰۰۱؛ دوئل،^{۱۱} ۲۰۰۷؛ گوبا و لینکولن، ۱۹۹۲)، و چهارمین روش تکنیک مثلث سازی^{۱۲} است و محققان در این پژوهش برای دقت علمی یافته ها از روش مثلث سازی استفاده نموده اند.

تکنیک مثلث سازی (ترکیب و تلفیق): مثلث سازی به استفاده از منابع متعدد داده ها برای ترسیم نتایج، در مورد آنچه حقیقت را تشکیل می دهد، اشاره دارد. هدف مثلث سازی، غلبه به سوگیری های اصلی (ذاتی)^{۱۳} است که ناشی از به کار گرفتن یک روش، یک مشاهده گر و یا یک تئوری در مطالعات می باشد. به کار بردن رویکردهای متعدد در یک مطالعه می تواند منجر به افزایش اعتماد و اعتبار اطلاعات گردد؛ زیرا قدرت یک روش، ضعف روش دیگر را پوشش می دهد؛ همچنین محققین از انواع روش های مثلث سازی به منظور تأیید یافته ها و یا اطمینان از کامل بودن آنها استفاده می نمایند (استروبرت^{۱۴} و رینالدی،^{۱۵} ۲۰۱۱).

-
1. Guba, E.G., Lincoln, Y. S.
 2. Credibility
 3. Transferability
 4. Consistency or Dependability
 5. Confirm ability
 6. Prolonged engagement and persistent observation
 7. Peer debriefing
 8. Stommel, M., Wills, C. E.
 9. Member checking
 10. Barbour, R. S.
 11. Doyle, S.
 12. Triangulation
 13. Intrinsic bias
 14. Streubert, S. H.
 15. Rinaldi, C. D.

روش‌های مثلث‌سازی برای تحقیقات کیفی عبارت‌اند از: الف) مثلث‌سازی منابع داده‌ها^۱ (استفاده از منابع متعدد داده‌ها در مطالعه)؛ ب) مثلث‌سازی محقق^۲ (به‌کار گرفتن بیش از یک پژوهشگر برای جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل یا تفسیر داده‌ها)؛ ج) مثلث‌سازی نظریه (تئوری)^۳ (استفاده از دیدگاه‌های متعدد برای تفسیر داده‌ها)؛ د) مثلث‌سازی روش^۴ (استفاده از روش‌های متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها مانند مصاحبه و مشاهده) (بوسول و کانن، ۲۰۰۷).

اسچیرمیسر^۵ در تحقیق خود تحت عنوان «مطالعه کیفی در نقش زمینه‌های فرهنگی در دیدگاه بیماران توانبخشی» خاطر نشان کرده است که با روش مثلث‌سازی، دقت علمی نتایج مطالعه خود را که از منابع داده‌ها و یافته‌های حاصل از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با بیماران، مراقبین بهداشتی و بررسی متون علمی تخصصی است، افزایش داده است (اسچیرمیسر و باخمن، ۲۰۱۲).

یافته‌های پژوهش

با بررسی در آیات و روایات در جهت استخراج مفهوم سفاهت، معلوم گشت که سلاح جهل و نادانی، سفاهت است^۸ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶). جهل نقیض عقل (ازهری، ۱۴۲۱ق) و علم (فراهیدی، ۱۴۰۹ق) آمده است. درحقیقت جهل به سه نوع معنا اطلاق می‌گردد: یکی خالی بودن نفس و خاطر انسان از علم و دانش و مناسب کارهایی می‌دانند که با بی‌نظمی جریان دارد؛ دیگری اعتقاد و باور داشتن چیزی بر خلاف آنچه که هست و همچنین انجام کاری بر خلاف آنچه که باید انجام شود، خواه درباره آن اعتقاد درستی داشته باشد یا اعتقادی ناصحیح و فاسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق).

با توجه به اینکه سقیه در مقابل کمی عقل^۹ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) قرار دارد و همچنین در مقابل عدم عقل بیان شده است، آنجا که فرمود: «سقیه سست رأی است... و هیچ خیری نیست در کسی که عقل ندارد»^{۱۰} (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)؛ «سفاهت موجب دور شدن از علم و جاهل شدن

1. Data source triangulation
2. Investigator triangulation
3. Theory triangulation
4. Method triangulation
5. Boswell, C. & Cannon, S.
6. Scheermesse, M.
7. Scheermesse, M. & Bachmann, S.

۸. «سِلَاحُ الْجَهْلِ السُّفْه»

۹. «فِي السُّفْهِ وَكَثْرَةِ الْمَزَاحِ الْخُرْقُ»

۱۰. «يَا بَنِي تَمِيمٍ لَا تُحْضِرُونِي سَفِيهًا فَإِنَّ مَنْ يَسْمَعُ يَخْلُ وَلِكُلِّ إِنْسَانٍ رَأَى فِي نَفْسِهِ وَإِنَّ السُّفْهَ وَاهِنُ الرَّأْيِ وَإِنْ كَانَ قَوَى الْبَدَنِ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»

است و منظور همان عدم علم است»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، و در اصطلاح، فقدان علم به این معناست که نسبت به معارف الهی یا علوم ظاهری یا تکالیف شخصی و یا همه آنها علم نداشته باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق) و مخالف طمأنینه (ابن فارس، ۱۴۰۴ق) و ضد حلم (ابن درید، ۱۹۸۸) شمرده شده است. بنابراین سفاقت ریشه در جهل داشته و از شناخت صحیح نسبت به واقعیات، معارف و علوم محروم و بی نصیب است. این حد از نارسایی در شناخت واقعیات که در سفاقت وجود دارد، فرد را به گمراهی و خسران هدایت می‌نماید.

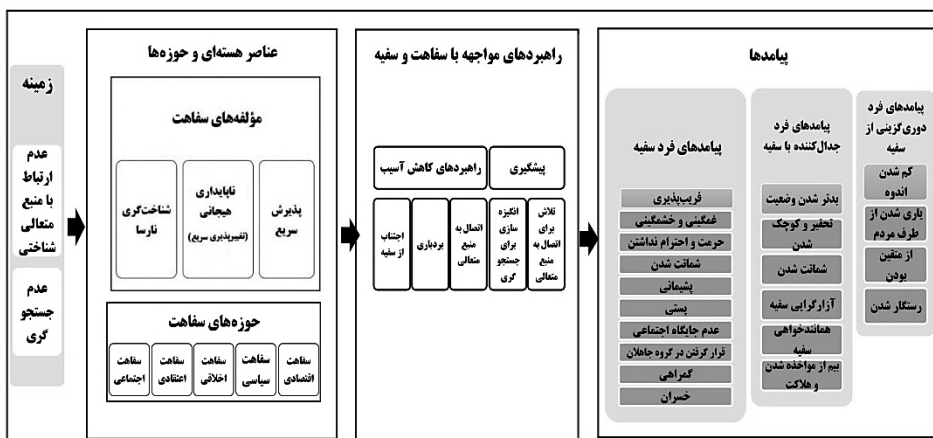
به علت حجم گسترده جداول کدگذاری‌های باز و عدم امکان انتشار آن در مقاله، در این بخش تنها جداول کدگذاری‌های محوری و انتخابی و شماره کدگذاری باز نمایش داده می‌شود؛ همچنین به علت اینکه هدف نهایی این پژوهش ترسیم مدل فرایندی و در واقع نمایش چگونگی روابط کلی میان مؤلفه‌ها، شرایط علی، پیامدها، حوزه‌های سفاقت و راهبردهای مواجهه است، از ذکر یافته‌های جزئی‌تر همچون تفصیل مؤلفه‌ها، پیامدها، حوزه‌های سفاقت و راهبردها پرهیز می‌گردد.

شماره کدهای باز	کدگذاری محوری	کدگذاری‌های انتخابی	
		مقولات عمده	مقوله هسته
۱۰-۱	شناخت‌گری نارسا	مؤلفه‌ها	سفاهت
۱۶-۱۱	ناپایداری هیجانی (تغییرپذیری سریع)		
۲۶-۱۷	پذیرش سریع		
۳۵-۳۱	عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت	زمینه‌ها و شرایط علی	
۳۶	عدم جست‌وجوگری		
۵۷-۳۷	پیامدهای دنیوی	پیامدها	
۶۹-۵۸	پیامدهای اخروی		
۷۹-۷۰	پیامدهای دنیوی		
۸۱-۸۰	پیامد اخروی		
۸۴-۸۲	پیامدهای دنیوی		
۸۵	پیامد اخروی		
۹۷-۸۶	عدم توانایی در حوزه رفتار	حوزه‌های سفاهت	
۱۰۳-۹۸	عدم توانایی در حوزه گفتار		
۱۰۵-۱۰۴	عدم توانایی در حوزه انگیزش		

۱. «إِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ السُّفَهَاءُ يُرِيدُونَ أَنْ يَصُدُّونَا عَنْ عِلْمِنَا إِلَى جَهْلِهِمْ»

کدگذاری‌های انتخابی		کدگذاری محوری		شماره کدهای
		سفاهت اعتقادی	سفاهت در دین	۱۱۷-۱۰۶
		سفاهت اخلاقی	بی‌اخلاقی در حوزه شناختی	۱۲۳-۱۱۸
			بی‌اخلاقی در حوزه رفتاری	۱۴۳-۱۲۴
		سفاهت سیاسی		۱۴۸-۱۴۴
		سفاهت اقتصادی		۱۵۳-۱۴۹
راهبردهای مواجهه	راهکارهای پیشگیرانه	انگیزه‌سازی برای جست‌وجوگری		۱۵۴
		تلاش‌گری برای اتصال به منبع متعالی		۱۵۵
	راهکارهای کاهش آسیب	بردباری		۱۷۰-۱۵۶
		اجتناب از سفیه		۱۷۷-۱۷۰
		اتصال به منبع متعالی		۱۷۸

این مدل از پانزده جزء برای سفاهت تشکیل شده است که دو جزء آن اشاره دارد به شرایط علی (عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت و عدم جست‌وجوگری)، و سه جزء آن اشاره دارد به مؤلفه‌ها (شناخت‌گری نارسا، ناپایداری هیجانی، پذیرش سریع)، و سه جزء آن اشاره دارد به پیامدها (مربوط به فعل سفیه، مربوط به فعل جدال با سفیه، مربوط به فعل دوری‌گزینی از سفیه)، و پنج جزء آن اشاره دارد به حوزه‌های سفاهت (سفاهت اجتماعی، سفاهت اعتقادی، سفاهت اخلاقی، سفاهت سیاسی، سفاهت اقتصادی)، و دو جزء به راهبردهای مواجهه با سفیه (راهکارهای پیشگیرانه و راهبردهای کاهش آسیب در مواجهه) اشاره دارد.



شکل ۱: زمینه، عناصر هسته‌ای، حوزه‌ها، راهبردهای مواجهه با سفاهت و سفیه و پیامدهای آن

بحث و نتیجه‌گیری

روان‌شناسی مبتنی بر مبانی زیادی از شناخته‌هاست. روان‌شناسی قرآنی نیز باید مبتنی بر مبانی باشد که مورد تأیید و تأکید قرآن است (کاویانی، ۱۳۹۳). توجه به بررسی آیات قرآن و روایات و تمرکز بیشتر در شناسه‌های باز کشف‌شده، این نتیجه حاصل شد که یک جهان‌بینی خاصی در متون دینی وجود دارد که متفاوت از جهان‌بینی معمول در منابع عمومی روان‌شناسی است. دین اسلام جهت تأثیرگذاری در جنبه‌های مختلف ابتدا در حوزه‌های مختلف یک جهان‌بینی در شاکله و ذهن آدمی ایجاد می‌کند تا وی را آماده پذیرش مفاهیم مختلف بکند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ترکیب شرایط و زمینه مشترک و جایگاه آن از یک سو و از سوی دیگر ترکیب ویژگی‌های اختصاصی مؤلفه‌ها، به سفاقت منجر می‌گردد. حال، قبل از ورود به مقولات عمده ابتدا لازم است به تعریفی از سفاقت پردازیم.

در تبیین مدل گفته شد که برخی مقولات زمینه‌ساز سفاقت هستند. نقش زمینه‌ها و شرایط در مدل به این صورت است که تا این موارد محقق نشوند، هسته مرکزی و همچنین پیامد آن حاصل نمی‌شود و یا به صورت ناقص حاصل می‌شود. زمینه مطرح‌شده عبارت بودند از: عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت و عدم جست‌وجوگری.

عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت: با توجه به اینکه سلاح جهل، سفاقت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، توصیه به دیگران بر بت‌پرستی: «أَفَعَيَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ» نشانه جاهلانه بودن این عمل است (زمر: ۶۴) و سفاقت این افراد روشن می‌شود؛ چراکه خطاب «أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ» اشاره دارد به اینکه با توجه به ادله روشن در یگانگی خدا در ربوبیت و الوهیت^۱ (زمر: ۶۲)، پیشنهاد پرستش غیرخدا، چیزی جز نفهمی و نادانی آنان نمی‌تواند باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). هنگامی که کفار و مشرکان گاهی پیامبر اسلام ﷺ را دعوت می‌کردند که خدایان آنها را احترام و پرستش کند، و یا حداقل از عیب‌جویی و انتقاد نسبت به بتها بپرهیزد، مفهوم عمیق‌تری پیدا می‌کند، و با صراحت اعلام می‌دارد که مسئله توحید و نفی شرک مطلبی نیست که بتوان بر سر آن معامله و سازش کرد، شرک باید در تمام چهره‌هایش در هم کوبیده شود و از صفحه جهان محو گردد! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

به‌خوبی می‌توان نتیجه گرفت که توحید در عبادت یک حقیقت غیرقابل انکار است؛ تا آنجا که هیچ انسان فهمیده و عاقلی نباید به خود اجازه دهد که در برابر بتها سجده کند؛ لذا برای مرتکبین این عمل خداوند با لحنی قاطع و تشددآمیز عبادت غیر خود را محکوم به جهل اعلام می‌دارد. آیا این جهل و نادانی نیست که انسان این همه نشانه‌های خدا را در عالم هستی که گواه بر علم، قدرت، تدبیر و

۱. «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ»

حکمت اوست رها کرده و به موجودات بی‌ارزشی بچسبد که مبدأ هیچ اثر و منشأ هیچ خاصیتی نیستند؟ از این‌رو بت‌پرستان عموماً مردمی جاهل و سفیه‌اند؛ نه‌تنها نسبت به پروردگار جهل دارند که مقام والای انسانی خود را نیز نشناخته و لگدمال کرده‌اند.

در نتیجه با بررسی و توجه به آیات قرآن یکی از عوامل سفاهت بی‌ایمانی است. در اصل، ایمان زمینه‌مقابله با جهالت^۱ (حجرات: ۶) است؛ چراکه روی‌گردانی از آیین ابراهیم^ع موجب سفاهت است^۲ (بقره: ۱۳۰). اعراض از ملت و کیش ابراهیم^ع از سفاهت نفس است، و ناشی از تشخیص ندادن اموری است که نافع به حال نفس است، از اموری که مضر به حال آن است و از این آیه معنای روایت معروف «ان العقل ما عبد به الرحمن»؛ عقل چیزی است که با آن رحمان عبادت شود، استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق)؛ چراکه حضرت ابراهیم^ع می‌تواند یک الگو و اسوه برای همه حق‌طلبان جهان باشد، و مکتب او به‌عنوان یک مکتب انسان‌ساز مورد استفاده همگان قرار گیرد. وقتی انسانی، آیینی را با این پاکی و درخشندگی رها کند و در بی‌راهه‌های شرک و کفر و فساد گام بگذارد، سفاhti بیش نیست. آیینی که با روح و فطرت انسان آشنا و سازگار است، و با عقل و خرد هماهنگ، آیینی را که هم آخرت در آن است و هم دنیا، رها کند و به سراغ برنامه‌هایی برود که دشمن خرد و مخالف فطرت و تباه‌کننده دین و دنیا است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)؛ از این‌رو بی‌ایمانی زمینه برای سفاهت است.

همچنین با توجه به آیه ۱۳ سورة بقره: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَتُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ»، از زمینه‌های سفیه بودن، تمرد از ایمان و ایمان نیاوردن است. مسئله دیگر این است که سفیهان خود را عاقل و هوشیار دانسته‌اند؛ درحالی‌که شیطنیت و دورویی و نفاق را دلیل بر هوش و عقل و درایت می‌شمارند و مؤمنان را به سفاهت، ساده‌لوح و خوش‌باور متهم می‌کنند و می‌پندارند؛ درحالی‌که خودشان نمی‌دانند، خود سفیه هستند: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۳). آیا این سفاهت نیست که انسان خط زندگی خود را مشخص نکند و در میان هر گروهی به رنگ آن گروه در آید و به‌جای تمرکز و وحدت شخصیت، دوگانگی و چندگانگی را پذیرا گردد، استعداد و نیروی خود را در طریق شیطنیت و توطئه و تخریب به‌کار گیرد، و در عین حال خود را عاقل بشمرد؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

عدم جست‌وجوگری: عدم تفحص و تبیین و عدم شناخت نسبت به موضوعات کلی و جزئی، نشان از جهل است؛ چنانچه در قرآن می‌خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید»^۳ (حجرات: ۶). بنابراین

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ»

۲. «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَلَفْنَا فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»

۳. «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ»

ایمان زمینه مقابله با جهالت است و علاوه بر آن برای دچار جهل نشدن نیاز به تبیین و تفحص است. گاهی افراد بدون اینکه تفحص و تحقیقی داشته باشند، به گروه‌ها و دسته‌هایی از منحرفان گرایش پیدا می‌کنند که زمینه جهل و بی‌ایمانی آنها را فراهم می‌سازد و از طرفی هم ایمان نیابردن زمینه سفاقت را فراهم و فرد را در سفیه بودن تقویت می‌نماید.

در مدل تدوین شده در تحقیق حاضر سه مؤلفه اصلی مطرح شده است. این سه مؤلفه در واقع جمع تمام کدهای یافت شده در مراحل مختلف کدگذاری است. اینک به توضیح هر کدام از مؤلفه‌ها می‌پردازیم. قابل ذکر است که سه مؤلفه شناخت‌گری نارسا، ناپایداری هیجانی و پذیرش سریع، در کنار هم یک مشکل اجتماعی بزرگ تحت عنوان سفاقت را به وجود می‌آورد.

شناخت‌گری نارسا: یکی از سه مؤلفه در بخش هسته مرکزی مدل مفهومی سفاقت، «شناخت‌گری نارسا» است. اگر بخواهیم کنش سفیهانه را بشناسیم، باید از این جهت که آیا نسبت به حق و حقیقت دوری و پرهیز می‌کند؟ را سنجید. با توجه به بررسی‌هایی که در روایات و لغت‌شناسی انجام شد، سفاقت از ریشه جهل (بن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق) گرفته می‌شود و بسیار با معنای بی‌خردی ارتباط دارد و از آن نشئت می‌گیرد (فراهدی، ۱۴۰۹ق) و سلاح جهل و نادانی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶). سفاقت از طرفی نقیض حلم (کلینی، ۱۴۰۷ق) و از طرف دیگر، دارای ضعف عقل است که با مفاهیم خفت، سخیف بودن و نزق (شتاب داشتن در نادانی) ارتباط معنایی دارد (موسی، ۱۴۱۰ق؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، و حتی بدتر از آنکه در روایات سفیه به نبود عقل معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق). چنانچه افرادی آنچه را خدا روزی آنان کرده بود بر پایه دروغ بستن به خدا حرام می‌شمردند و فرزندان خود را می‌کشتند، که اینها از روی سبک مغزی و جهالت مرتکب می‌شدند^۱ (انعام: ۱۴۰) که نشان از نبود عقل در اینان است؛ به این معنا که فرد سفیه دارای رفتارهای غیرهوشمندانه است و منجر می‌شود که فرد سفیه در رأی و نظر خطا کند (شیبانی، ۱۹۷۵)؛ چراکه سفیهان افرادی هستند با داشتن و دیدن شواهد، باز خواسته‌های نامعقول می‌کنند و می‌خواهند حق را نپذیرند؛ چنانچه سفیهان با دیدن آن همه معجزات، باز هم تقاضای دیدن خدا یا شنیدن صدای خدا را داشتند^۲ (اعراف: ۱۵۵). درحقیقت سفیهان کسانی هستند که در برابر حق نادانی و به اهل حق طعنه می‌زنند و نسبت به حق سبک‌شماری می‌کند^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق)؛ به مانند اینکه ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را انکار و از دشمنان پیروی می‌نمایند و

۱. «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»

۲. «وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلِ وَأَيَّائِي أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِن هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ»

۳. «إِنَّ أَعْظَمَ الْكِبَرِ غَمُّصُ الْخَلْقِ سَفَهَ الْحَقِّ»

بیزاری نمی‌جویند و افرادی که با اهل بیت علیهم‌السلام می‌جنگند از سفیهان شمرده شده‌اند^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)؛ از این رو لازم است از این افراد نیز دوری و اجتناب نمود^۲ (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق). از این روست که به والدین سفارش شده است از همان دوران کودکی به فرزندان خود حکمت^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق) و آداب^۴ (قمی، ۱۳۸۷ق؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق) بیاموزند تا مبدا دچار گروه مرجئه^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ طوسی، ۱۴۰۱ق) شوند.

حال اگر میزان شناخت، ارزیابی و تعمق فرد نسبت به موضوعات و وقایع و حقیقت‌ها بیشتر باشد، در موقعیت‌های اجتماعی بهتر می‌تواند به ابعاد آن مسئله بپردازد و از گرایش به انحرافات در امان باشد تا به پیامدهای سهمگین سفیه دچار نگردد. فردی که معنای مفاهیمی چون علم، تبیین، حکمت و ایمان را بهتر درک می‌کند، می‌تواند در شرایط مختلف از آنها در راستای بهبود روابط میان فردی خود استفاده نماید.

ناپایداری هیجانی (تغییرپذیری سریع): فرد سفیه در رفتار و افکار خود نوعی شتابزدگی و عجله دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸م)؛ به‌نوعی که سفیه از یک ناپایداری هیجانی در رنج است که در موقعیت‌های اجتماعی و روابط بین فردی در تغییر افکار و رفتار سرعت دارد و شتابزده عمل می‌کند (ابن‌درید، ۱۹۸۸م)؛ به‌طوری‌که در روابط، آزار و اذیت^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و هر آنچه را که بخواهد به زبان می‌آورد^۷ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و تحت هیچ شرایطی از خود بردباری و حلم نشان نمی‌دهد^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲). این‌گونه افراد از دور سفیه می‌گریزند و روابط میان فردی او دچار مشکل می‌شود و این نتیجه کمبود عقل و خرد است و تأثیر خود را در کارهای دنیوی (نساء: ۵) و اخروی (بقره: ۱۳ و ۱۴۲؛ جن: ۴) او می‌گذارد. در نتیجه از ویژگی‌های اساسی سفیه، تغییر سریع در رفتارها و افکار و بدون بردباری است و فرد با داشتن این صفت هم نمی‌تواند نفع و ضرر خود را تشخیص دهد؛ چراکه در تعقل دچار مشکل است و این مسئله زندگی دنیوی او را تحت تأثیر قرار

۱. «الْبَرَاءَةُ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَالَّذِينَ حَارَبُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

۲. «يَاكَ وَالسَّفَهَ فَإِنَّهُ يُوحِشُ الرَّفَاقَ»

۳. «سَأَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ابْنَهُ الْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ، فَقَالَ: يَا بَنِي مَا الْعَقْلُ؟ قَالَ: حِفْظُ قَلْبِكَ مَا اسْتَوْدَعْتَهُ... يَا حَارِثُ، عَلِّمُوا هَذِهِ الْحِكْمَ أَوْلَادَكُمْ؛ فَإِنَّهَا زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ وَالْحَزَمِ وَالرَّأْيِ»

۴. «قَالَ لُقْمَانُ: يَا بَنِي إِنْ تَادَبْتَ صَغِيرًا انْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا، وَمَنْ عَنَّا بِالْأَدَبِ اهْتَمَّ بِهِ، وَمَنْ اهْتَمَّ بِهِ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ، وَمَنْ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ اسْتَدَّ لَهُ طَلَبَهُ، وَمَنْ اسْتَدَّ لَهُ طَلَبَهُ أَدْرَكَ بِهِ مَنَفَعَةً»

۵. «يَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَّةُ»

۶. «لَا تُتَمَارَيْنَ سَفِيهًا فَإِنَّ السَّفِيهَ يُؤْذِيكَ»

۷. «إِذَا وَقَعَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ مُتَارَعَةٌ نَزَلَ مَلَكَانِ يَقُولَانِ لِلْسَّفِيهِ مِنْهُمَا قُلْتَ وَقُلْتَ وَأَنْتَ أَهْلٌ لِمَا قُلْتَ سَتَجْزِي بِمَا قُلْتَ وَيَقُولَانِ لِلْحَلِيمِ مِنْهُمَا صَبَرْتَ وَحَلَمْتَ سَيَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ إِنْ أَتَمَمْتَ ذَلِكَ قَالَ فَإِنْ رَدَّ الْحَلِيمُ عَلَيْهِ ارْتَفَعَ الْمَلَكَانِ»

۸. «لَيْسَ السَّفَهُ كَالْحِلْمِ / الْحِلْمُ وَضِدُهُ السَّفَهُ»

می‌دهد و نیز نمی‌تواند عاقبت و زندگی اخروی خود را تأمین نماید؛ از این رو از مسیر حق خارج می‌گردد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق).

پذیرش سریع: از آنجایی که عدم علم از زمینه‌های سفاقت است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق)، سفاقت موجب دور شدن از علم و منجر به جاهل شدن خویش می‌شود^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق)، و سفاقت و غفلت همراه همدیگر هستند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق)؛ به طوری که سفیه از سفاقت خود آگاهی ندارد^۳ (بقره: ۱۳)؛ از این رو نباید از سفیه انتظار سخن حکیمانه داشت^۴ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ چنان که برای بت‌پرستی به دیگران توصیه می‌کنند^۵ (زمر: ۶۴) و بدتر از آن درباره خدا سخنی دور از حق می‌گویند^۶ (جن: ۴). علاوه بر اینها چون سفیهان از حقیقت دور هستند و حقایق را نمی‌بینند، دچار خواسته‌های نامعقول و غیرمنطقی می‌شوند (اعراف: ۱۵۵)، و حتی برای اینکه به دیگران آسیب نرسد، از واقعیات موجود خبر نمی‌گیرند و تفحص نمی‌کنند (حجرات: ۶). بنابراین مواردی همچون، عدم علم، غفلت، عدم آگاهی از سفاقت خویش، ندیدن حقایق، پریشان‌گویی و خواسته‌های احمقانه داشتن، نشان از نوعی تلاطم و آشفتگی سفیه در حوزه شناختی است و با تمام این ویژگی‌ها چه خواسته‌ها از سوی دیگران باشد و چه از سوی خود که در ذهن خویش می‌پروراند، سرعت در پذیرش خواسته‌ها را بالا برده و فعل سفاقت محقق می‌شود.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در ادبیات دینی، به جهت وجود مؤلفه‌ها، حوزه‌های سفاقت در عرصه‌های مختلف از قبیل اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشاهده می‌شود، که توضیح هریک از عرصه‌ها را بیان خواهیم نمود.

سفاقت اعتقادی: آنچه که اصل دین را تزلزل نماید، تحت سفاقت اعتقادی معرفی و سفاقت در دین نامیده می‌شود. از نشانه‌های سفاقت اعتقادی از قبیل شرک و تشطط به خداوند (زمر: ۶۴؛ جن: ۴)، انکار قیامت و لقای پروردگار (کهف: ۱۰۵؛ ابن بابویه: ۱۳۷۸ق)، دروغ بستن به خدا و حرام کردن روزی خداوند (انعام: ۱۴۰)، انکار ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و پیروی از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام^۷ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)، تمرد

۱. «إِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ السُّفَهَاءُ يَرِيدُونَ أَنْ يُضِلُّوكُمْ عَنْ عِلْمِنَا إِلَى جَهَنَّمَ»

۲. «لَا يَكُونُ السُّفَهَاءُ وَالْعَرَّةُ فِي قَلْبِ الْعَالِمِ»

۳. «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ»

۴. «غَرِيبَتَانِ كَلِمَةُ حَكِيمٍ مِنْ سَفِيهِ فَأَقْبَلُوهَا وَكَلِمَةُ سَفِيٍّ مِنْ حَكِيمٍ فَأَعْفِرُوهَا»

۵. «قُلْ أَفَعَبَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ»

۶. «وَأَنَّهُ كَانَ يَفُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا»

۷. «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا... بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»

از ایمان^۱ (بقره: ۱۳) و افکار یهود^۲ (ابن بابویه، ۱۳۶۲) می‌باشد. ریشه تمام این نشانه‌ها به جهت جهل داشتن نسبت به حق و حقیقت است؛ چراکه سفاقت به معنای جاهل بودن به حق است^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق؛ طوسی، ۱۴۰۷ق؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹ق؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق؛ بحرانی، ۱۳۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ درحالی که خود سفیه نسبت به جهالتش نیز علم ندارد و نمی‌داند (بقره: ۱۳).

سفاقت اخلاقی: از نشانه‌های سفاقت اخلاقی از قبیل نفاق^۴ (منسوب به جعفر بن محمد^۵، ۱۴۰۰ق)، برائت نورزیدن از دشمنان اهل بیت^۶ از جمله (بیزاری نجستن از دشمنان،^۷ بیزاری نجستن از کسانی که با اهل بیت^۸ می‌جنگند،^۹ طرح دوستی با پیشوایان ضلالت^{۱۰}) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)، سبک شمردن حق^{۱۱} (کلینی، ۱۴۰۷ق)، گناه‌ورزی و سبک‌شماری شهوات^{۱۲} (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱۴۱۳ق، ۱۳۶۲؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، پیشوای جور و ستم^{۱۳} (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)، کشتن بزرگان^{۱۴} (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق)، نشناختن حق بردبار^{۱۵} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، فحاشی کردن^{۱۶} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، دشمنی کردن^{۱۷} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، بدگویی^{۱۸} (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، گرایش دادن به بدی‌ها^{۱۹} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، دروغ‌گویی^{۲۰} (اعراف: ۶۶)، درخواست نیازمند از نیازمند^{۲۱} (علی بن الحسین^{۲۲}،

۱. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا... أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ»

۲. «قَدِمَ يَهُودِيَانِ أَخَوَانِ مِنْ رُؤَسَاءِ الْيَهُودِ بِالْمَدِينَةِ فَقَالَا يَا قَوْمِ إِنَّا نَبِينَا حَدَّثَنَا عَنْهُ أَنَّهُ قَدْ ظَهَرَ نَبِيُّ بَيْتَاهُمَا يُسْفَهُ»

۳. «سَفَهُ الْحَقُّ قَالَ يَجْهَلُ الْحَقُّ وَيَطْعُنُ عَلَى أَهْلِهِ»

۴. «وَعَلَامَةُ التَّفَاقُ... السَّفَهُ»

۵. «الْبَرَاءَةُ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ»

۶. «الْبَرَاءَةُ مِنْ... الَّذِينَ حَارَبُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

۷. «وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَشْبَاهِ عَاقِرَى النَّاقَةِ أَشْقِيَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»

۸. «إِنَّ أَعْظَمَ الْكِبَرِ عَمَصُ الْخَلْقِ سَفَهُ الْحَقِّ»

۹. «فَإِنْ غَلَبَ هَوَى الْعَقْلِ عَمَلَ الرَّجُلُ بِالطَّيِّشِ وَالسَّفَهُ / مَعَشَرَ السُّفَهَاءِ أَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْجَهْلِ وَإِخْوَانَ الضَّلَالِ حِينَ خَفَتْ عَلَيْكُمْ الشُّقُوعُ وَثَقُلَتْ عَلَيْكُمْ السَّعَادَةُ»

۱۰. «وَالْبَرَاءَةُ مِنَ الْإِتِّصَابِ وَالْإِزْلَامِ إِيْمَةُ الضَّلَالَةِ وَقَادَةُ الْجَوْرِ كُلِّهِمْ أَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ»

۱۱. «قَتَلُوا الْأَتْصَارَ وَالْمُهَاجِرِينَ وَأَهْلَ الْفَضْلِ وَالصَّلَاحِ»

۱۲. «لَا يَعْرِفُ السَّفِيهُ حَقَّ الْحَلِيمِ»

۱۳. «أَسْفَهُ السُّفَهَاءِ الْمَتَّبِحُ بِفُحْشِ الْكَلَامِ»

۱۴. «الْمُخَاصَمَةُ تُبْدِي سَفَهُ الرَّجُلِ وَلَا تَزِيدُ فِي حَقِّهِ»

۱۵. «كَثْرَةُ السَّفَهُ تُوجِبُ الشُّنَّانَ وَتَجْلِبُ الْبَغْضَاءَ»

۱۶. «السَّفَهُ يُجْلِبُ الشَّرَّ»

۱۷. «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»

۱۸. «وَوَرَّيْتُ أَنْ طَلَبَ الْمُحْتَاجُ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَضَلَّةً مِنْ عَقْلِهِ»

۱۳۷۶)، جزع کردن^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)، خساست^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، شرب خمر^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق) می‌باشد.

سفاقت اجتماعی: از نشانه‌های سفاقت اجتماعی از قبیل خوارشدن نسبت به بالادستان^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، از دست دادن دوستان^۵ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، پریشان‌گویی^۶ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، دروغ‌گویی (اعراف: ۶۶)، نیش و کنایه زدن^۷ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، فرافکنی^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، متعهد نبودن (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)، سست رأی بودن^۹ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)، و داشتن رفتارهای آزارگرایانه به دیگران از جمله بهره‌کشی^{۱۰} (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق)، حفظ نکردن شأنیت مخاطب خود و ادا نکردن حقوق آنان^{۱۱} (ابن بابویه، ۱۳۶۲؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، خوارکردن و عیب‌جویی کردن دیگران^{۱۲} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، زورگویی به زیردستان^{۱۳} (کلینی، ۱۴۰۷ق) می‌باشد.

سفاقت سیاسی: از نشانه‌های سفاقت سیاسی از قبیل مخالفت با امام و رهبر^{۱۴} (شریف رضی، ۱۴۱۴ق)، بدون دلیل تعصب ناروا داشتن^{۱۵} (شریف رضی، ۱۴۱۴ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)، فتنه‌انگیزی^{۱۶} (مجلسی، ۱۴۰۳ق)، عدم بصیرت مردم و حکومت به دست ناهل افتادن^{۱۷} (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق) می‌باشد.

۱. «لَهَا السَّيِّئَةُ أَنْتَ تَجْزَعُ»

۲. «مَنْ كَثُرَ سَفَهُهُ اسْتُرْزِلَ»

۳. «فَأَيُّ سَفِيهِ أَسْفَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ»

۴. «إِنَّ السَّفَهَ خُلِقَ لِثَمِيمٍ... يَخْضَعُ لِمَنْ هُوَ فَوْقَهُ»

۵. «يَاكَ وَالسَّفَهَ فَإِنَّهُ يُوْجِسُ الرِّفَاقَ»

۶. «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ»

۷. «لَا يَقُومُ السَّفِيهِ إِلَّا مَرُّ الْكَلَامِ»

۸. «إِذَا وَقَعَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ مُنَازَعَةٌ نَزَلَ مَكَانَ قِيْقُولَانَ لِلْسَّفِيهِ مِنْهُمَا قُلْتُ وَقُلْتُ وَأَنْتَ أَهْلٌ لِمَا قُلْتُ»

۹. «يَا بَنِي ثَمِيمٍ لَا تُحْضِرُونِي سَفِيْهًا فَإِنَّ مَنْ يَسْمَعُ يَخْلُ وَلِكُلِّ إِنْسَانٍ رَأْيٌ فِي نَفْسِهِ وَإِنَّ السَّفِيْهَ وَاهِنُ الرَّأْيِ وَإِنْ كَانَ قَوِيَّ الْبَدَنِ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»

۱۰. «خُذُوا عَلَى يَدَيِ الظَّالِمِ السَّفِيْهِ»

۱۱. «ثَلَاثَةٌ لَا يَنْتَصِفُونَ مِنْ ثَلَاثَةِ شَرِيفٍ مِنْ وَضِيعٍ وَحَلِيمٍ مِنْ سَفِيْهِ وَبَرٍّ مِنْ فَاجِرٍ»

۱۲. «دَعِ السَّفَهَ فَإِنَّهُ يَزِرُ بِالْمَرْءِ وَيَشْبِيْهِ»

۱۳. «إِنَّ السَّفَهَ خُلِقَ لِثَمِيمٍ يَسْتَطِيلُ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ»

۱۴. «قَدْ كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ هَذِهِ الْحُكُومَةِ فَأَيَّبْتُمْ عَلَيَّ إِيَّاهُ الْمُنَابِذِينَ حَتَّى صَرَفْتُ رَأْيِي إِلَى هَوَاكُمْ وَأَنْتُمْ مَعَاشِرُ أَخَفَاءِ الْهَامِ سَفَهَاءُ الْأَحْلَامِ وَلَمْ أَتِ لَا أَبَا لَكُمْ بِجَرًّا وَلَا أُرَدْتُ لَكُمْ ضَرًّا»

۱۵. «وَلَقَدْ نَفَرْتُ فَمَا وَجَدْتُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ يَتَعَصَّبُ لَشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِلَّا عَنْ عَلَةٍ تَحْتَمِلُ تَمْوِيَةَ الْجَهْلَاءِ أَوْ حُجَّةً تَلِيْبُ بِعُقُولِ السَّفَهَاءِ غَيْرِكُمْ فَإِنَّكُمْ تَتَعَصَّبُونَ لَأَمْرِ مَا يَعْرِفُ لَهُ سَبَبٌ وَلَا عَلَةٍ أَمَّا إِبْلِيسُ فَتَعَصَّبَ عَلَى آدَمَ لِأَصْلِهِ وَطَعَنَ عَلَيْهِ فِي خَلْقِهِ فَقَالَ أَنَا نَارِي وَأَنْتَ طِينِي»

۱۶. «وَكُنُّوا أَيْدِي سَفَهَائِكُمْ عَنْ [مُضَادَّتِهِمْ] مُضَارَّتِهِمْ وَالتَّعَرُّضِ لَهُمْ فِيمَا اسْتَنْبَنَاهُ مِنْهُمْ»

۱۷. «وَلَكِنِّي أَسَى أَنْ يَلِيَ [هَذِهِ الْأَمَّةَ] أَمْرَ هَذِهِ الْأَمَّةِ سَفَهَاؤُهَا»

سفاهت اقتصادی: از نشانه‌های سفاهت اقتصادی نداشتن فهم و نابخردی در امور مالی^۱ (نساء: ۵؛ بقره: ۲۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق) معرفی شده است. در مدل تدوین‌شده در تحقیق حاضر، با مجموعی از شرایط و زمینه‌ها؛ مانند عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت و عدم جست‌وجوگری، و ویژگی‌ها و عناصر هسته‌ای و ذاتی سفاهت (شناخت‌گری نارسا، ناپایداری هیجانی، پذیرش سریع)، فرد سفیه گرفتار پیامدهای بسیار شدید و ناگوار دنیوی و اخروی خواهد شد. این پیامدها در واقع جمع تمام کدهای یافت‌شده در مراحل مختلف کدگذاری است که به توضیح آنها می‌پردازیم.

پیامدهای سفیه و سفاهت

پیامدهای دنیوی

بر اساس آیات و روایات بررسی‌شده، پیامدهای سهمگین دنیوی سفاهت شامل موارد ذیل می‌باشد:

پشیمانی: خفیف‌ترین پیامد سفاهت، پشیمانی است و این نتیجه و تأثیر عمل جاهلانه است و طبق ویژگی‌های مؤلفه‌ها که در هسته مرکزی سفاهت قرار دارند، اصلی‌ترین و مهم‌ترین آن جهالت شمرده شد. یکی از اعمال جاهلانه که این پیامد را دربر دارد، عدم تفحص و جست‌وجو نسبت به یک خبر است؛ چراکه با جهل و عدم شناخت نسبت به موضوعی ممکن است به خود و دیگران آسیب برساند^۲ (حجرات: ۶)؛ چراکه سستی و اهمال در انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، در وهله اول با سرپوش گذاشتن و غفلت، امکان دارد که در ظاهر، پیامدی نداشته باشد، ولی آن‌گاه که جزء جدایی‌ناپذیر زندگی فرد گردید، باعث غرقه شدن در سیلاب پشیمانی می‌گردد و پشیمانی، وجود شخص را فرا می‌گیرد^۳ (لثی واسطی، ۱۳۷۶).

فریب‌پذیری: از آنجایی که یکی از زمینه‌های سفاهت عدم ارتباط با منبع متعالی شناخت است، علت این پندار فریب خوردن آنان در برابر تمایلات و لذائذ مادی است. علت این است که از امور آخرت منقطع شده، و رو به دنیا آوردند؛ چون بین فریب خوردن از دنیا و بازیچه گرفتن دین خدا، ملازمه است. وقتی انسان نسبت به کام گرفتن از لذت‌های مادی، افسار گسیخته شد و همه کوشش خود را، صرف آن نمود، قهراً از کوشش در دین حق اعراض نموده و آن را شوخی و بازیچه می‌پندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق)؛ از این‌رو نسبت به افراد بالادست خود ذلیل، و خفت و پستی را تجربه می‌نماید (کلینی،

۱. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ / مَا أَلْفَاهُ قَالَ الْأَحْمَقُ فِي مَالِهِ»

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»

۳. «مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي أَخَاطَتْ بِهِ النَّدَامَةُ»

۱۴۰۷ق). بنابراین با وجود دو ویژگی ناپایداری هیجانی (سرعت در تغییر) و سرعت در پذیرش (تلاطم در شناخت)، فرد به رفتارهای غیرهوشمندانه دست می‌زند و زمینه را برای اغترار و زودفربیی خود فراهم می‌نماید؛ چراکه سفاقت با زودفربیی قرابت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق).

غمگینی و خشمگینی: هنگامی که سفیه در برابر بردباری دیگران قرار بگیرد، غمگینی و خشمگینی او زیاد خواهد شد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، و غمگینی موجب کاستی توان عملکردی انسان می‌گردد؛ درنتیجه، ناکامی و بی‌بهرگی از دنیا و آخرت را به دنبال دارد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق). این بدان جهت است که فرد غمگین و خشمگین، مایه خسارت دینی و دنیایی انسان می‌شود^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). ترکیب کسالت روحی و ناتوانی عملی پایه‌های سعادت دنیوی را از بین می‌برد^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، و همچنین مانع ادای حقوق به‌ویژه حقوق خداوند متعال نیز می‌گردد و سعادت اخروی را تهدید می‌کند^۴ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق).

حرمت و احترام نداشتن: آنچه بیش از هر عاملی در برقراری ارتباط با هم‌نوعان مهم است، رعایت حرمت و کرامت هم‌نوعان است، اما فرد سفیه دارای احترام و حرمتی نیست و در ادبیات دین نیز سفارش شده است که از آنان باید دوری و اعراض نمود (مجلسی، ۱۴۰۳ق). حال اگر حرمت نفس انسانی نادیده گرفته شود، تردیدی در زوال آن رابطه نیست و هرگز نمی‌توان به استمرار آن امیدوار بود، و علاوه بر آن هنگامی که در پیش‌آمدها به آنان نیاز شد، می‌توان در نیازمندی‌ها به آنان پناه برده شود^۵ (ابن بابویه، ۱۳۶۲)؛ چراکه برای او حرمتی نیست.

شماتت شدن: شماتت، در لغت به معنای شاد شدن به غم دشمن، شادمانی از مکروهی که به دشمن می‌رسد، از رنج دشمن شاد گشتن (دهخدا) و سرزنش کردن است (معین)، اما به جهت نوع رفتارها و گفتارهایی که سفیه دارد، توسط مردم شماتت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق)؛ چراکه سفاقت کلید دشنام است و هر که دشنام دهد دشنام داده می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶).

پستی: چنانچه از روایات دانسته می‌شود سفاقت خوی پستی است که باعث می‌شود نسبت به زبردست خود گردن‌فرازی و با آنان زورگویی کند و نسبت به بالادستان خود خوار و زبونی را تجربه نماید^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، و سفیه اندک‌اندک به خاطر قبول ذلت از بالادستان به اجرای فرامین آنان تن

۱. «إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَطِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

۲. «الْكَسَلُ يُضِرُّ بِالْذِّينِ وَالْدُّنْيَا»

۳. «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ، ازْدَوَجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَتَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ»

۴. «إِيَّاكَ وَخَصْلَتَيْنِ الضَّجَرَ وَالْكَسَلَ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا»

۵. «أَبْوَابُ السُّقْمَاءِ الَّذِينَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَادِثِ وَيُقَرَّعُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَائِجِ»

۶. «إِنَّ السُّفَهَاءَ خُلِقُوا لِيُطِيلَ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَيَخْضَعُ لِمَنْ [هُوَ] فَوْقَهُ»

خواهد داد و این‌گونه در مسیر نامتعادل و دور از حق گرایش پیدا می‌کند. دلیل همین پستی و خواری خود سفیه است؛ این‌گونه که شخص نابخردی که حتی حق نیز داشته باشد، به خاطر سفاهت خود نور حق خویش را خاموش می‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق).^۱

عدم جایگاه اجتماعی: با توجه به اینکه فرد سفیه مبتلا به رفتارهای آزارگرانه و آزارشونده می‌شود، جایگاه اجتماعی خود را نیز از دست خواهد داد و علاوه بر این نیز در روایات تصریح شده است که نسبت به آبرو بی‌اعتنا می‌باشد^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)؛ چراکه ترک هم‌نشینی از سفیهان یکی از ده جزء عافیت‌طلبی شمرده شده^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق) و دوری کردن از سفیه ضرورت دیده شده است.^۴ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، که اینها نشان از این است که سفیهان جایگاه اجتماعی نخواهند داشت. قرار گرفتن در گروه جاهلان: در روایات سفیهان را به زادگان نادانی معرفی کرده است^۵ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)، و در بعضی از روایات، از انسان جاهل به‌عنوان انسان بدبخت یاد شده است^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق).

پیامدهای اخروی

بر اساس آیات و روایات بررسی‌شده، پیامدهای سهمگین اخروی سفاهت شامل موارد ذیل می‌باشد:

گمراهی: در عصر جاهلیت عرب قسمتی از احکام خرافی و آداب زشت و ننگین؛ از جمله کشتن فرزندان به‌عنوان قربانی بت‌ها، و یا زنده‌به‌گور کردن دختران به‌عنوان حفظ حیثیت قبیله و خانواده را به شدت محکوم کرده و وضع آنها را روشن می‌سازد. کسانی که فرزندان خود را از روی سفاهت و جهل کشتند، گمراه شدند^۷ (انعام: ۱۴۰). اینان هم از نظر انسانی و اخلاقی، و هم از نظر عاطفی، و هم از نظر اجتماعی، گرفتار خسارت و زیان گشتند و از همه بالاتر خسارت معنوی در جهان دیگر است. با توجه به آیه ۱۴۰ سورة انعام سه تعبیر برای فردی که عمل سفیهانه دارد بیان شده است: ۱. خسران و زیان (خَسِرَ)؛ ۲. سبک مغزی (سَفْهًا)؛ ۳. عمل جاهلانه (بَغْيَرٍ عَلِيمٍ)، که با دو تعبیر، عمل سفیهانه را محکوم و پیامد آن را مطرح می‌نماید: ۱. گمراهی (قَدْ ضَلُّوا) و ۲. هدایت نیافتن (وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ)؛ چنانچه در

۱. «إِنَّ الْمُحَقَّقَ السَّفِيهَ يَكَادُ أَنْ يُطْفِئَ نَوْرَ حَقِّهِ بِسَفْهِهِ»

۲. «وَمَا السَّفَاهُ قَالَ الْأَحْمَقُ فِي مَالِهِ الْمَتَاهَوْنُ بِعُرْضِهِ»

۳. «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ تَسَعُّ... وَاحِدٌ فِي تَرْكِ مَجَالَسَةِ السَّفَهَاءِ»

۴. «إِيَّاكَ وَالسَّفَهَ فَإِنَّهُ يُوجِسُ الرِّفَاقَ»

۵. «مُعْشَرُ السَّفَهَاءِ أَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْجَهْلِ وَأَخْوَانَ الضَّلَالِ حِينَ خَفَّتْ عَلَيْكُمُ الشَّقْوَةُ وَثَقُلَتْ عَلَيْكُمُ السَّادَةُ»

۶. «بَيْنَ الْمَرْءِ وَالْحِكْمَةِ نَعْمَةُ الْعَالَمِ وَالْجَاهِلِ شَقِيٌّ بَيْنَهُمَا»

۷. «قَدْ خَسِرَ الدِّينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»

روایات معنای سفاقت را با گمراهان نشستن تعبیر نموده است^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، و همچنین سفیهان را به برادران گمراهی معرفی کرده است^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق).

خسران و خروج از مسیر متعالی: خسران شدیدترین و سخت‌ترین پیامد است که این واژه در آیات قرآن لحن قاطعی برای خطر شرک است، و خطر شرک نیز از عدم پذیرش توحید و بی‌ایمانی نشئت می‌گیرد. شرک دو پیامد خطرناک دارد: نخست حبط اعمال به معنی محو آثار و پاداش عمل به خاطر شرک است؛ چراکه شرط قبولی اعمال اعتقاد به اصل توحید است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)؛ و دوم گرفتار خسران و زیان زندگی شدن است^۳ (زمر: ۶۵). حبط عمل و خسران و زیانکار شدن این افراد به خاطر این است که بزرگ‌ترین سرمایه را که عقل و خرد است در این دنیا از دست داده و جز حسرت و اندوه متاعی نخریدند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)، و چون آنها عملی که قابل سنجش و ارزش باشد ندارند؛ لذا روز رستاخیز ترازویی برای ایشان بپا نخواهد شد: «فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا» (کهف: ۱۰۵)؛ زیرا خیری برای آنها باقی نماند و همه تباہ و نابود شد. به این منظور که اسباب سعادت اخروی بر سفیهان گران و سنگین می‌باشد^۴ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق).

پیامدهای دنیوی و اخروی جدال با سفیه

با توجه به دستورات دینی و پیامدهایی که برای خود سفیه بیان شد، لازم و ضروری است از افرادی که سفیه هستند دوری و اعراض جست^۵ (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق)، و پیامدهای مثبتی نیز برای این رفتار بیان شده است که بعد از بیان پیامدهای افرادی که قصد دارند با فرد سفیه به مبارزه بپردازند، به پیامدهای آن می‌پردازیم. این پیامدها در واقع جمع تمام کدهای یافت‌شده در مراحل مختلف کدگذاری است که به ذکر آنها می‌پردازیم.

پیامدهای مبارزه کردن با شخص سفیه برای اینکه از چهل‌شان بیرون آیند، دارای پیامدهای دنیوی از قبیل: دشمنی ورزیدن و مورد آزار و اذیت قرار گرفتن از سوی سفیه^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، مورد دشنام قرار گرفتن از سوی سفیه^۷ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، ضایع کردن حق^۸ (ابن بابویه، ۱۳۶۲)، سبب بدتر شدن

۱. «فَمَا لَسَفَهُ قَالٍ مُصَاحِبَةُ النَّوَاةِ»

۲. «مَعَشَرَ السُّفَهَاءِ أَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْجَهْلِ وَإِخْوَانَ الضَّلَالِ حِينَ خَفَتْ عَلَيْكُمُ الشَّقْوَةُ وَنَقَلَتْ عَلَيْكُمُ السَّعَادَةَ»

۳. «...لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

۴. «مَعَشَرَ السُّفَهَاءِ أَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْجَهْلِ وَإِخْوَانَ الضَّلَالِ حِينَ خَفَتْ عَلَيْكُمُ الشَّقْوَةُ وَنَقَلَتْ عَلَيْكُمُ السَّعَادَةَ»

۵. «وَقَابِلِ السَّفِيهَ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُ...»

۶. «لَا تُمَارِسْ سَفِيهًا فَإِنَّ السَّفِيهَ يُؤْذِيكَ»

۷. «مَنْ عَدَلَ سَفِيهًا فَقَدْ عَرَّضَ لِسَبِّ نَفْسِهِ»

۸. «ثَلَاثَةٌ لَا يَنْتَصِفُونَ مِنْ ثَلَاثَةٍ... وَحَلِيمٌ مِنْ سَفِيهٍ...»

وضعیت و شعله‌ور شدن آتش^۱ (منسوب به جعفر بن محمد^۲، ۱۴۰۰ق)، انتظار سفیه برای همانندجویی با او^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق)، همانند شدن با آنان در کم‌عقلی و بی‌عقلی^۴ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، تباهی خلق و خوی^۵ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، سبب تحقیر و کوچک شدن^۶ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، و همچنین پیامد اخروی بیم از مؤاخذه شدن و هلاکت برای همراه بودن با سفیه^۷ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق) را دارد؛ چراکه حضرت موسی^۸ بیان می‌دارد از اینکه آیا انسان به خاطر فعل سفیهان (که با دیدن آن همه معجزات، باز هم تقاضای دیدن خدا یا شنیدن صدای خدا را داشتند) مستحق هلاکت است؟ (اعراف: ۱۵۵).^۹

پیامدهای دنیوی و اخروی دوری‌گزینی از سفیه

پیامدهای دوری و اعراض از سفیه از این قرار است که فرد هم از طرف مردم مورد یاری قرار می‌گیرد^{۱۰} (منسوب به جعفر بن محمد^{۱۱}، ۱۴۰۰ق)، و هم اندوه و غم را کمتر می‌کند^{۱۲} (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق)، و همچنین از اینکه سفیه بر فرد مسلط نمی‌شود از نشانه‌های متقین است^{۱۳} (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق) که اینها از پیامدهای دنیوی به‌شمار می‌آید و پیامد اخروی آن نیز جز رستگاری^{۱۴} (بقره: ۲ و ۵) نیست.

راهبردهای مواجهه با فعل سفیه

در پایان لازم است بر اساس آیات و روایات طبق جست‌وجوها و کدهای یافت‌شده از ادبیات دینی، راهبردهای مواجهه با سفاقت و فرد سفیه را در دو حیطه پیشگیری و کاهش آسیب بیان نماییم. در مقام پیشگیری از سفاقت و برای اینکه خود یا دیگران در دام مکر نیافتند، لازم است ابتدا از پروردگار استعانت بجویند و نسبت به اتصال به منبع متعالی تلاش نمود^{۱۵} تا در گروه و صف جاهلان

۱. «...لَأَنَّ مَنْ حَارَبَ السَّفِيهَ فَكَأَنَّهُ قَدْ وَضَعَ الْحَطَبَ عَلَى النَّارِ»

۲. «وَأَنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِأَنْ يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الْجِلْمَ أَهْلُ السَّفَةِ الَّذِينَ يَحْتَاجُونَ أَنْ يُعْفَى عَنْ سَفَاهِهِمْ... وَأَصْبَحَ أَهْلُ السَّفَةِ يَتَمَنُونَ سَفَهَ النَّاسِ»

۳. «مَنْ مَارَى السَّفِيهَ فَلَا عَقْلَ لَهُ / لَا تُنَازِعِ السُّفَهَاءَ... فَإِنَّ ذَلِكَ يَزُرِي بِالْعُقُلَاءِ»

۴. «مُقَارَنَةُ السُّفَهَاءِ تُفْسِدُ الْخُلُقَ»

۵. «مَنْ دَاخَلَ السُّفَهَاءَ حَقَرَ»

۶. «وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا»

۷. «...أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا...»

۸. «وَقَابِلِ السَّفِيهَ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُ وَتَرَكِ الْجَوَابَ يَكُنِ النَّاسُ أَتَّصَرَكَ...»

۹. «وَالزَّمُوا مَعَ السُّفَهَاءِ الْجِلْمَ تَقِلْ هُمُومُكُمْ»

۱۰. «لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ الْمُؤَبَّاتِ وَيَتَّقُونَ تَسْلِيطَ السَّفَةِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ»

۱۱. «...لِلْمُتَّقِينَ * وَأُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

۱۲. «قَالَ رَبُّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ»

قرار نگیرند (یوسف: ۳۳)؛ و دوم اینکه به انگیزه‌سازی در جست‌وجوگری پرداخته و به نهی از منکر برای باز داشتن نادانان^۱ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶؛ حلوانی، ۱۴۰۸ق) بپردازند.

اما طبق دستورات دینی برای کاهش آسیب در مواجهه با فرد سفیه، بعد از استعانت‌جویی از پروردگار و اتصال به منبع متعالی، بردباری و اجتناب بهترین راهکار برای کاهش آسیب بیان شده است. بردباری^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) از جهات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است و نشانه بردباری با فرد سفیه جدال نکردن و پاسخ ندادن به سفیه است و بلیغ‌ترین جواب‌ها^۳ معرفی شده (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)؛ چراکه اصلاً اهلیت و قابلیت پاسخ‌دهی را ندارد؛ حتی اگر حکیم نیز بخواهد با او به مجادله بپردازد، صحبت‌های او نیز بی‌ثمر خواهد بود^۴ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) و زبان نیکوکار در جواب سفیه خاموش می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)، و از طرفی فرد با ترک جواب، از سوی مردم مورد یاری و کمک قرار می‌گیرد^۵ (منسوب به جعفرین محمدؑ، ۱۴۰۰ق). این نوع از راهکارها از روش‌های عقلا^۶ (لیشی واسطی، ۱۳۷۶)، بهترین دهن‌بند^۷ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) شمرده شده است. علاوه بر آن، برای کم شدن اندوه^۸ (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق) و اینکه یاران انسان علیه او زیاد گردد^۹ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق)، بردباری بهترین و کامل‌ترین واکنش علیه سفیهان دانسته می‌شود.

اجتناب کردن و فاصله گرفتن از سفیه بهترین راهکار و ضروری‌ترین امر است^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق)؛ چراکه ترک همنشینی نابخردان یکی از ده جزء عافیت دانسته شده^{۱۱} (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)، و با نزدیک شدن به او روابط اجتماعی انسان برهم می‌خورد^{۱۲} (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) و فرد شبیه به او

۱. «... وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ...»

۲. «لَا يَنْتَصِفُ مِنْ سَفِيهِ قَطُّ إِلَّا بِالْحِلْمِ عَنْهُ / إِذَا حَلَمْتَ عَنِ السَّفِيهِ غَمَمَتْهُ فَرْدُهُ عَمَّا يَحْلُمُكَ عَنْهُ / مَنْ غَاطَكَ يَفِيحِ السَّفِيهِ عَلَيْكَ فِقْطُهُ بِحَسَنِ الْحِلْمِ عَنْهُ»

۳. «تُرِكَ جَوَابُ السَّفِيهِ أَبْلَغُ جَوَابِهِ»

۴. «أَعْيَا مَا يَكُونُ الْحَكِيمُ إِذَا خَاطَبَ سَفِيهَا»

۵. «وَقَابِلُ السَّفِيهِ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُ وَتَرْكُ الْجَوَابِ يَكُنُ النَّاسُ أَنْصَارَكَ»

۶. «لَا يَحْلُمُ عَنِ السَّفِيهِ إِلَّا الْعَاقِلُ»

۷. «الْحِلْمُ فِدَامُ السَّفِيهِ»

۸. «وَالزُّمُّ مَعَ السَّفَهَاءِ الْجَلْمُ ثَقُلُ هُمُومِكُمْ»

۹. «وَبِالْحِلْمِ عَنِ السَّفِيهِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ»

۱۰. «إِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ السَّفَهَاءُ يَرِيدُونَ... فَلَا مَرْجَأَ بِهِمْ»

۱۱. «بُنِيَ الْبَاقِيَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ... وَاحِدٌ فِي تَرْكِ مَجَالَسَةِ السَّفَهَاءِ»

۱۲. «إِيَّاكَ وَالسَّفَهَاءَ فَإِنَّهُ يُوحِشُ الرَّفَاقَ»

می‌شود و حتی دور کردن مردم از سفیه به خاطر ظلمی که دارد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق) لازم است دست‌های ظالم بی‌عقل را از سر مظلوم کوتاه نمود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا* ﷺ. تهران: جهان.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۶ق). *معانی الأخبار*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری. قم: اسلامی.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ازدی، علی بن عباس (۱۳۸۷). *کتاب الماء*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران - مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اکرمی، روح‌الله (۱۳۹۹). اقرار سفیه در دعاوی کیفری؛ نقدی بر ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی. *فقه و اصول*، ۵۲(۴)، ۳۱-۹.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ آذربایجانی، مسعود؛ کاویانی آرائی، محمد و موسوی اصل، سیدمهدی (۱۳۹۸). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تبریزی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *علوم اجتماعی*، ۶۴، ۱۰۵-۱۳۸.
- تیمی‌آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حافظی مجتبی (۱۳۹۹). *مدل مفهومی مرکزیت بخشی ناپهنجار به خود در منابع اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش روان‌شناسی مثبت‌گرا. مؤسسه اخلاق و تربیت. قم.
- حاتری، مجتبی و صباغی ندوشن، علیرضا (۱۳۹۵). *قاعده‌انگاری بطلان معاملات سفیهانه با تأکید بر آیه منع اکل مال به باطل*. *پژوهش‌های فقهی*، ۱۲(۳)، ۵۴۷-۵۷۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. مؤسسه آل‌البیت ﷺ.
- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (۱۴۰۸ق). *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*. قم: مدرسه الإمام المهدی ﷺ.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. تهران: مرتضوی.
- سلیمانی، صادق (۱۳۹۳). *بررسی مفهوم سفاقت و مراتب آن و حدود اختیارات ولی سفیه در فقه امامیه و اهل سنت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم. دانشکده الهیات.
- الشریف، محمدمهدی؛ جلالی، مریم و اکرمی ابرقوئی، زهرا (۱۳۹۴). *پژوهشی در وضعیت نکاح و مهر سفیه در فقه و حقوق ایران*. *حقوق اسلامی*، ۱۲(۴۳)، ۹۹-۶۹.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه (الصبحی صالح)*. قم: هجرت.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق). *منیة المرید*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

- شیبانی، اسحاق بن ابراهیم. (۱۹۷۵م). کتاب الجیم. قاهره: هیئة العامة لشئون المطابع الاميرية.
- صبغی ندوشن، مریم وحائری، محمدحسن (۱۳۹۵). تأملی در قاعده‌انگاری بطلان معاملات سفیّه‌انه با تأکید بر آیه ممنوعیت اکل مال به باطل. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۷۸-۴۴، ۵۷.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰). منطقی فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.*
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه م.ب. موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عامری، مهدی و پورجوهری، رامین (۱۴۰۰). بررسی ماهیت، احکام و آثار بطلان و عدم نفوذ عمل سفیّه در فقه امامیه و حقوق ایران. قانون‌یار، ۵(۱۹)، ۴۱۴-۳۹۱.
- علیزاده قایمیه، محمد (۱۳۸۹). حکمت و سفاقت در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی/علوم قرآن و حدیث. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- علیزاده قایمیه، محمد (۱۳۸۹). حکمت و سفاقت در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم: هجرت.
- فرجامی، سیامک و معصومی، امیر (۱۴۰۰). واکاوی ماهیت حقوقی قراردادهای هوشمند با تأکید بر اهلیت سفیّه. کنفرانس ملی حکمرانی هوشمند و بایش تحولات نوظهور.
- قطب الدین راوندی، ابوالحسین سعید بن عبدالله (۱۴۰۹ق). قصص الانبیاء. مشهد: مؤسسه تحقیقات اسلامی التابعة للروضة الرضوية المقدسة.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ق). تفسیر القمی. تصحیح: سیدطیب موسوی جزائری. نجف: مکتبه الهدی.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۳). روان‌شناسی در قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). أصول الکافی. ترجمه مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیه). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مدنی شیرازی، عبدالعظیم (۱۳۸۴). الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول. مشهد: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- منتظری شاهرودی، محمدعلی (۱۳۹۱). وضعیت حقوقی و جزایی اموال سفیّه. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۸(۲۸)، ۱۴۸-۱۲۷.
- منسوب به جعفر بن محمد (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعة. بیروت: اعلمی.
- موسی، حسن یوسف (۱۴۱۰ق). الإفصاح. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. اندازه‌گیری تربیتی، ۴(۱۴)، ۲۲۲-۱۸۷.
- هاشمی، عباس؛ مشععی، سیدمحمد و فروغی، داریوش (۱۳۹۷). تأثیر تفاوت‌های فردی حساب‌رسان بر تعهد حرفه‌ای آنها: بررسی نقش میانجی سازگاری جو اخلاقی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۹(۲۵)، ۴۳۲-۴۱۵.
- هاشمی خویی، میرزاحبیب الله (۱۴۰۰ق). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خونی). تهران: مکتبه الإسلامیه.

- Barbou, R. S., (2001). *Checklists for improving rigor in qualitative research: A case of the tail wagging the dog*. *British Medical Journal*, 322, 1115-1117.
- Boswell, C., Cannon, S. (2007). *Introduction to nursing research, incorporating evidence based practice*. Sudbury, Jons and Barlet.
- Davies, D., Dodd, J. (2002). *Qualitative research and the question of rigor*. *Qualitative Health Research*, 12(2), 279-289.
- Doyle, S. (2007). *Member checking with older women: A framework for negotiating meaning*. *Health care for women international*, 28(10), 888-908.
- Glaser, Barney G., & Strauss, Anselm, L. (1967b). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Chicago: Aldire.
- Guba, E., Lincoln, Y. (1992). *Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive and naturalistic approaches*, Jossey-Bass.
- Guba, E. G., Lincoln, Y. S. (1994). *Competing paradigms in qualitative research*, *Handbook of qualitative research*, London CA: Sage.
- Hrgnhan, B. R. & Olson, M. H. (2007). *Introduction to learning theory*. Translated by Ali Akbar Saif. 7 ED. Tehran: Doran publish. (In Persian).
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). *Three approaches to qualitative content analysis*. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Johnson, R. B. (1997). *Examining the validity structure of qualitative research*. *Education*, 118(2), 282-292.
- Baumeister, R. F. (2019). *The Social Psychology of Gullibility: Fake News, Conspiracy Theories, and Irrational Beliefs*.
- Roberts, P. H., Priest, M., Traynor, R. (2006). *Reliability and validity in research*. *Nursing Standard*, 20(44), 41-45.
- Scheermesse, M., Bachmann, S., et al (2012). *A qualitative study on the role of cultural background in patients' perspectives on rehabilitation*. *Musculoskeletal Disorders*, 13, 5
- Stenbacka, C. (2001). *Qualitative research requires quality concepts of its own*. *Management Decision*, 39(7), 551-555
- Stommel, M., Wills, C. E. (2004). *clinical research: concepts and principles for advanced practice nurses*. Philadelphia. lippincott Williams and wilkins.
- Strauss, Anselm; & Corbin, Juliet (1990). *Basics of qualitative research*. Sage publications.
- Streubert Speziale, H., Rinaldi Carpenter, D. (2011). *Qualitative Research in Nursing: Advancing the Humanistic Imperative*. Fifth edition, Lippincott wiliams & wilkins co.

مدل مفهومی سبک همسر داری سازگارانه با رویکرد دینی و روایی سنجی آن

A Conceptual Model of Adaptive Spousal Style with a Religious Approach and Its Validity Assessment

که رضیه عرفانی جهرمی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، دانشکده هدی، قم، ایران.
محمد زارعی توطخانه / استادیار گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

✉ Razye Orafaei jahromi / M.A. in Positive Psychology, Hoda Faculty, Qom, Iran. razehorafa@gmail.com
Mohammad Zarei Toupkhaneh / Assistant Professor, Department of Family, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran.

Abstract

The aim of the present study is to design a conceptual model of adjustment (compatibility) with a religious approach using qualitative content analysis method. The research population consists of authentic Islamic narration sources, with the grading criterion of "Alif" books. The sampling method is purposive and of the type proposed by Glaser and Strauss. The statements obtained through this method were categorized and coded, and ultimately presented in the form of a conceptual model. To ensure the content validity of the research, the criteria of "credibility," "transferability," "dependability," and "confirmability" proposed by Guba and Lincoln were employed. For the purpose of validating the components, forms were prepared using the CVR (Content Validity Ratio) and CVI (Content Validity Index) indices, and the components were subjected to expert opinions, and the results led to the confirmation of the components. Based on the findings from the analysis of religious texts, seven components for teaching adjustment were extracted: "companionship," "gentleness," "patience," "forbearance," "moderation," "prudence," and "spirituality." These components were

چکیده

هدف از تحقیق حاضر طراحی مدل مفهومی سازگاری با رویکرد دینی به روش تحلیل محتوای کیفی است. جامعه پژوهش منابع معتبر روایی اسلامی با معیار درجه‌بندی کتب الف است. روش نمونه‌گیری به شکل هدفمند و از نوع پیشنهادی گلیرز و استراوس است. گزاره‌های به‌دست‌آمده از این روش دسته‌بندی و کدگذاری و نهایتاً در قالب مدل مفهومی ارائه گردید. برای کسب روایی محتوای پژوهش شاخص‌های «اعتمادپذیری»، «انتقال‌پذیری»، «وابستگی» و «تکاپذیری» گابا و لینکلن مورد استفاده قرار گرفت. در جهت روایی سنجی مؤلفه‌ها با استفاده از شاخص (CVR) و (CVR) فرم‌هایی آماده گردید و مؤلفه‌های مورد نظر در معرض نظرات کارشناسان قرار گرفت و نتایج حاصله به تأیید مؤلفه‌ها انجامید. بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل متون دینی برای آموزش سازگاری هفت مؤلفه «همراهی»، «نرم‌خویی»، «صبر»، «چشم‌پوشی»، «میانه‌روی»، «دوراندیشی» و «معنویت‌گرایی» استخراج شد و این مؤلفه‌ها تحت سه عنوان کلی «انعطاف‌پذیری»، «بازداری» و

organized under three general categories: "flexibility," "inhibition," and "values." Flexibility includes the three components of "companionship," "gentleness," and "moderation"; inhibition encompasses the two components of "patience" and "forbearance"; and values includes the components of "prudence" and "spirituality." Furthermore, five consequences for adjustment were enumerated under the titles: "expansion of sustenance," "gaining social status," "achieving what is desired," "prevention of harms," and "spiritual growth".

Key words: Conceptual Model, Validity Assessment, Adjustment, Religious Approach.

«ارزش‌ها» تنظیم گردید که انعطاف‌پذیری شامل سه مؤلفه «همراهی»، «نرم‌خویی»، «میان‌روی»، و بازداری دربردارنده دو مؤلفه «صبر» و «چشم‌پوشی»، و ارزش‌ها شامل مؤلفه‌های «دوراندیشی» و «معنویت‌گرایی» است. در ادامه پنج پیامد برای سازگاری تحت عناوین «وسعت رزق»، «کسب موقعیت اجتماعی»، «رسیدن به مطلوب»، «پیشگیری از آسیب‌ها» و «رشد معنوی» برشمرده شد.

کلیدواژه‌ها: مدل مفهومی، روایی‌سنجی، سازگاری، رویکرد دینی.

مقدمه

خانواده، این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی، اساسی‌ترین بنیان جامعه است که افراد در آن رشد کرده و بالنده می‌شوند و شالوده شکل‌گیری مناسبات اجتماعی از خانواده آغاز می‌شود. پس بدون تردید سلامت خانواده متضمن سلامت جامعه است (زمانی و احمدی، ۱۴۰۱). اسلام نیز خانواده را سنگ‌بنای جامعه معرفی می‌کند که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و گروه‌های اجتماعی گوناگون را به هم پیوند می‌دهد. خانواده همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان به‌منزله خلیفه و جانشین خداوند قدم برمی‌دارد (صالحی، ۱۳۹۵). در آموزه‌های اسلامی هدف از ازدواج رسیدن به آرامش و کسب سکینه عنوان شده است (روم: ۲۱). رسیدن به پیامدهای مثبت ازدواج منوط به قرار گرفتن همه عوامل در جایگاه اصلی خود است (صالحی، ۱۳۹۵).

در این میان اما آنچه مهم‌تر از اصل ازدواج است، رضایت از ازدواج و رسیدن به سازگاری است. سازگاری به‌عنوان یک محافظ در برابر پیامدهای منفی زندگی عمل می‌کند (پرن مگ گاورن، ۲۰۱۲). سازگاری زناشویی به ثبات احساسی و توانایی فکری اشاره دارد که در آن هریک از همسران احساس شادی و رضایت را تجربه می‌کنند و خواستار رشد و پیشرفت همسرشان می‌شوند (لاتا، ۲۰۱۷). این شکل از سازگاری دارای دو ویژگی تداوم و خشنودی است (صادقی، ۱۳۸۹). لاک والاس^۱ (۱۹۹۵) سازگاری زناشویی را به‌عنوان فرایند انطباقی زن و شوهر به شیوه کارآمد تعریف می‌کند که از تضاد

اجتناب می‌کنند؛ آن‌چنان‌که از ازدواجشان و از یکدیگر احساس رضایت می‌کنند، علایق و فعالیت‌های مشترکی دارند و احساس می‌کنند که ازدواجشان انتظارات آنها را برآورده کرده است.

بنابراین تلاش همسران برای رسیدن به اهداف مشترک و دستیابی به تعادل و توافق از طریق تعامل داشتن و برنامه‌ریزی کردن و حل مشکلات و تعارضات به‌صورت مثبت، منجر به سازگاری زناشویی می‌شود (گوون، ۲۰۱۷). پیامدهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و نیز هزینه‌های بالای ناشی از ناسازگاری زوجها و شکست در ازدواج برای کلیه اعضای جامعه، این موضوع را به موضوع قابل توجه برای بررسی در پژوهش‌ها تبدیل کرده است (صادقی، ۱۳۸۹). بحران فروپاشی خانواده در غرب و پیامدهایی که از رهگذر آن گریبان‌گیر جوامع غربی شده، بسیاری از اندیشمندان متعهد را به بررسی و واکاوی علل این پدیده و تلاش جهت یافتن راهکارهایی برای مقابله با آن واداشته است (گاردنر، ۱۳۸۷).

کارشناسان حوزه خانواده نیز همواره به دنبال این پرسش بوده‌اند که چگونه می‌توان سازگاری را در میان زوجین افزایش داد و از این طریق در جهت کاهش تعارضات زناشویی و افزایش کیفیت زندگی قدم برداشت. در این زمینه پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است که در جهت رفع آسیب‌های زناشویی و توانمندسازی زوجین برای ارتقای کیفیت زندگی بوده است (خان‌آبادی، ۱۳۹۷؛ فتوحی و همکاران، ۱۳۹۵؛ اسلامی و همکاران، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور و همکاران، ۱۳۹۰).

پژوهش‌های زیادی به بررسی تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر سازگاری پرداخته‌اند. افتخاری (۱۳۹۸) با ارائه مدلی برای سازگاری زناشویی، مؤلفه‌های روان‌شناختی مؤثر بر سازگاری را در دو دسته مؤلفه‌های فردی و بین‌فردی بیان می‌کند که مؤلفه‌های فردی را شامل هشت مورد می‌داند که عبارت‌اند از: ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت، باورها و اسنادهای ارتباطی ناکارآمد، سلامت روان، توانایی همدلی، انعطاف‌پذیری، تنظیم هیجان و تمایزیافتگی، و مؤلفه‌های بین‌فردی را شامل پنج مورد می‌داند که عبارت‌اند از: صمیمیت زناشویی، تعامل زناشویی، رضایت جنسی، توانایی حل مسئله و عوامل فرهنگی. این یازده مقوله از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌دست آمده است که نشان داد سازگاری زناشویی به‌عنوان انگیزه‌ای برای حفظ زندگی زناشویی از دو مؤلفه میل و ترس تشکیل شده است. سازگاری شکل‌یافته از روی میل به شکل مثبت سبب متعهد ماندن به رابطه و فعالانه عمل کردن می‌شود و سازگاری شکل‌یافته از طریق ترس به شکل منفی در اثر ترس از طلاق و انزوای اجتماعی و ناتوانی در برطرف کردن نیازها شکل می‌گیرد.

در پژوهش دیگری که توسط نجفی (۱۳۹۸) انجام گرفت، دو سطح تمایزیافتگی خود و سرسختی روان‌شناختی را پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی به شکل مثبت می‌داند. از میان مؤلفه‌های سرسختی،

عوامل تعهد، چالش و کنترل به ترتیب قادر به پیش‌بینی سازگاری‌اند و از میان مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، عوامل هم‌آمیختگی با دیگران، واکنش‌پذیری هیجانی و گسلس عاطفی به‌طور منفی و عامل جایگاه من، به شکل مثبت پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی‌اند.

متقی‌نژاد (۱۳۹۹) به تعیین رابطه بین مهارت‌های ارتباطی و تاب‌آوری و سرسختی روان‌شناختی با سازگاری زناشویی پرداخته. در این پژوهش سرسختی روان‌شناختی و مهارت‌های ارتباطی به ترتیب توانستند سازگاری زناشویی را به‌طور معناداری تبیین کنند.

بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ارائه مدل مفهومی سازگاری فاقد رویکرد دینی می‌باشند. این تحقیق به ارائه مدل مفهومی سازگاری برگرفته از متون دینی می‌پردازد.

بنابر آنچه بیان شد، این تحقیق به دنبال پاسخ به سه سؤال ذیل می‌باشد:

۱. مؤلفه‌های سبک همسرمداری سازگارانه ویژه بانوان با رویکرد دینی کدام است؟
۲. مدل مفهومی سبک همسرمداری سازگارانه ویژه بانوان با رویکرد دینی کدام است؟
۳. آیا مدل مفهومی سبک همسرمداری سازگارانه ویژه بانوان با رویکرد دینی از روایی لازم برخوردار است؟

روش پژوهش

در این تحقیق با استفاده از روش کیفی، داده‌ها گردآوری و تحلیل می‌شود. روش تحلیل محتوا یکی از مهم‌ترین روش‌ها در روان‌شناسی اسلامی است که به استنباط، استخراج فرضیه‌ها، بررسی مبانی و مسائل از منابع دینی در موضوعات مختلف روان‌شناسی می‌پردازد (شجاعی، ۱۳۹۴). تحلیل محتوای کیفی روشی برای تفسیر محتوای داده‌های متنی از طریق دسته‌بندی نظام‌مند کدگذاری و شناسایی مضمون‌ها و الگوهاست (سیه و شانون، ۲۰۰۵). در این پژوهش نیز با روش تحلیل محتوای کیفی مقولات از متون دینی استخراج و سپس با طبقه‌بندی منظم مضامین به‌دست‌آمده، مدل مفهومی در این خصوص طراحی می‌گردد. برای بررسی سازگاری در متون دینی و ارائه مدل مفهومی مراحل ذیل طی شده است.

۱. از بین هجده واژه‌ای که ارتباط معنایی با مفهوم سازگاری داشتند، نه واژه را که به مفهوم سازگاری نزدیک‌تر بودند انتخاب شد که شامل واژه‌های مدارا، رفق، وفق، تواتی، تانی، هین، لین، تغافل و مجامله است.

۲. با مشخص کردن منابع اصلی و فرعی، کتب روایی معتبر از گروه الف با معیار درجه‌بندی ارائه‌شده توسط طباطبایی (۱۳۹۰) انتخاب شده است؛ چراکه این دسته از کتب دارای بیشترین مقبولیت و اعتبار می‌باشند.

۳. در مرحله سوم با مراجعه به کتب الف و جمع‌آوری احادیث برای نه واژه منتخب از مفهوم سازگاری، اقدام به تشکیل خانواده حدیث برای هریک از این واژه‌ها گردید. با استفاده از جست‌وجوی کلیدواژه‌های مرتبط و مطالعه منابع مربوطه نمونه‌گیری تا جایی پیش می‌رود که به حدی از اشباع برسد. این روش از نوع نظری پیشنهادی گلیرز^۱ و استراوس^۲ (۱۹۶۷) است که نمونه‌برداری در طول مراحل پژوهش صورت می‌پذیرد. اندیشه‌ها و مفاهیم نظری، گردآوری داده‌ها را مدیریت می‌کند و تا زمانی پیش می‌رود که اندیشه جدیدی به‌دست نیاید و در آن صورت نمونه‌برداری متوقف می‌شود.

۴. پس از تشکیل خانواده حدیث سپس به‌منظور دستیابی به درکی کلی و حذف موارد تکراری به‌مرور چند باره داده‌های به‌دست‌آمده از متون روایی پرداخته شد.

۵. بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در گزاره‌های به‌دست‌آمده اقدام به دسته‌بندی واحدها و کدگذاری آنها گردید.

۶. با مشخص شدن مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی، مدل مفهومی به‌دست‌آمده از احادیث ارائه شد.

۷. با گزارش‌دهی مدل به‌دست‌آمده به متخصصین امر، جهت کسب تأیید کارشناسان اقدام گردید.

۸. جهت اخذ تأیید از کارشناسان از دو شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده گردید (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵). گابا و لینکلن (۱۹۸۵) معتقدند جهت اطمینان به نتایج تحقیقات کیفی چهار معیار جداگانه، اما به هم مرتبط وجود دارد که از آنها با نام شاخص‌های باورپذیری یا اعتمادپذیری،^۳ انتقال‌پذیری،^۴ اطمینان و اتکاپذیری^۵ و تأییدپذیری^۶ یاد می‌کند (محمدرپور، ۱۳۹۰) که در این تحقیق از آن استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

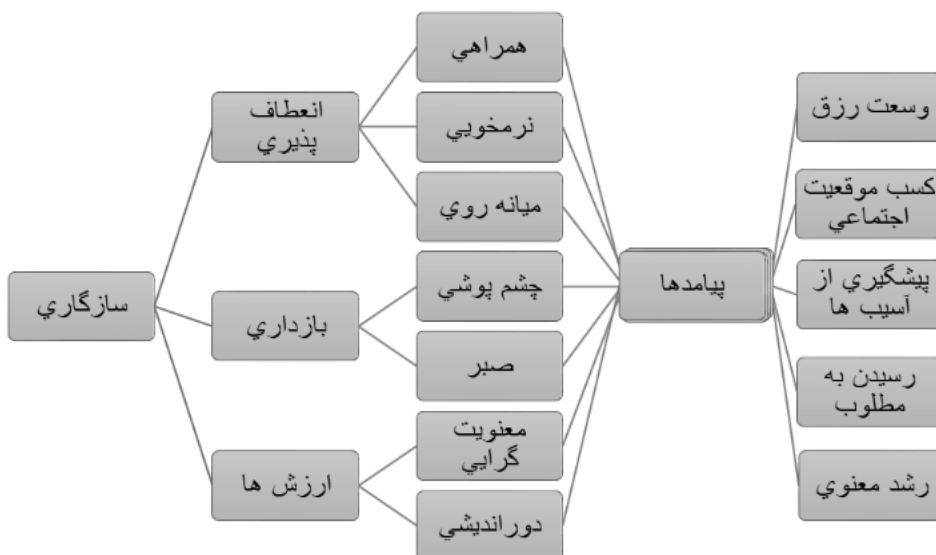
نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل متون دینی نشان می‌دهد که سازگاری در متون دینی شامل هفت مؤلفه است که این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: همراهی، نرم‌خویی، صبر، چشم‌پوشی، میانه‌روی، دوراندیشی و

1. Glaser
2. Strauss
3. credibility
4. transformability
5. dependability
6. conformability

معنویت‌گرایی. در همین راستا دسته دیگری از روایات تحت عنوان پیامدهای سازگاری از روایات به‌دست آمد که شامل «وسعت رزق»، «کسب موقعیت اجتماعی»، «رسیدن به مطلوب»، «پیشگیری از آسیب» و «رشد معنوی» است.

پس از کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های به‌دست‌آمده از متون دینی، شاخه‌بندی‌های اصلی و فرعی با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در داده‌ها مشخص گردید. تحلیل این داده‌ها نشان می‌دهد که هفت مؤلفه سازگاری تحت سه عنوان کلی «انعطاف‌پذیری»، «بازداری» و «ارزش‌ها» دسته‌بندی می‌شوند که عنوان انعطاف‌پذیری شامل مؤلفه همراهی، مؤلفه نرم‌خویی و مؤلفه میانه‌روی می‌باشد، و عنوان بازداری شامل مؤلفه‌های صبر و چشم‌پوشی، و عنوان ارزش‌ها متعلق به مؤلفه‌های دوراندیشی و معنویت‌گرایی است.

با توجه به این تقسیم‌بندی نمودار ذیل ترسیم و مدل مفهومی سازگاری برآمده از روایات مشخص می‌گردد.



پاسخ به سؤال سوم تحقیق: آیا مدل مفهومی سبک همسرمداری سازگارانه ویژه بانوان با رویکرد دینی از روایی لازم برخوردار است؟

به‌منظور روایی‌سنجی مؤلفه‌های سازگاری مستخرج از منابع اسلامی، جدول ذیل ترسیم و در اختیار کارشناسان قرار گرفت تا میزان تطابق یافته‌ها با مستندات دینی با استفاده از مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای «کاملاً مطابق است»، «مطابق است»، «نسبتاً مطابق است» و «مطابق نیست» به‌دست آید.

مؤلفه	مستندات	میزان مطابقت					میزان ضرورت		
		کاملاً مطابق است	مطابق است	نسبتاً مطابق است	مطابق نیست	ضروری است	مفید است، ولی ضروری نیست	ضرورت ندارد	
۱. مؤمنه	مؤمن، مؤمن [واقعی] نیست، مگر اینکه در او سه خصلت باشد: روشی از پروردگارش، روشی از پیامبرش و روشی از امامش... اما روش پیامبرش، سازش و مدارا با مردم است. همانا خداوند به پیامبرش امر فرموده که با مردم مدارا و سازش نماید؛ «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سَنَهُ مِنْ رَبِّهِ وَسَنَهُ مِنْ نَبِيِّهِ وَسَنَهُ مِنْ وَلِيِّهِ... وَأَمَّا السَّنَةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمَدَارَاةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهٖ بِمَدَارَاةِ النَّاسِ» (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ص ۳۱۰) توصیه به مدارای عمومی و بدون قید و شرط								
۲. مؤمنه	حق همسرت این است که او را گرمای بداری، و با او مدارا کنی؛ «أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ... فَتَكْرِمْهَا وَتَرْفُقْ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۲) مدارا یکی از حقوق همسران								
۳. مؤمنه	چه خوب وزیری است ملایمت برای خویشتن داری، چه خوب وزیری است بردباری برای ملایمت؛ «نعم وزیر الحلم الرفق ونعم وزیر الرفق الصبر» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۱) کمک گرفتن از صبر برای تقویت رفق								
۴. مؤمنه	و اما حق خصمی که ادعایی بر ضد تو طرح کرده... اگر مدعایش باطل باشد با او به نرمی برخورد کنی، و جز رفق و مدارا به کار او نبری؛ «حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ فَإِنْ كَانَ مَا يَدَّعِي عَلَيْكَ حَقًّا كُنْتَ شَاهِدَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَلَمْ تَظْلَمْهُ وَأَوْفَيْتَهُ حَقَّهُ وَإِنْ كَانَ مَا يَدَّعِي بَاطِلًا رَفَقْتَ بِهِ وَلَمْ تَأْتِ فِي أَمْرِهِ غَيْرَ الرَّفْقِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۹) مدارا هنگام اتهام و سوءظن								
۵. مؤمنه	جایی که مدارا کردن درشتی به حساب آید، به جای مدارا درشتی کن، چه بسا که دارو بر درد افزاید؛ «إِذَا كَانَ الرَّفْقُ خُرْقًا كَانَ الْخُرْقُ رِفْقًا رَبِّمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً» (نهج البلاغه، ص ۵۳۳) سنجش شرایط جهت اعمال مدارا								
۶. مؤمنه	همانا خداوند عز و جل ملایم است و ملایمت و نرمی را دوست دارد و بر رفق پاداشی می‌دهد که به سختگیری نمی‌دهد؛ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۹) توجه به پاداش الهی بر سازگاری								
۷. مؤمنه	سه چیز است که هر که نداشته باشد، هیچ کارش تمام نیست... و خلقی که به سبب آن با مردم بسازد؛ «ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتِمَّ لَهُ عَمَلٌ وَرَعٌ يَجْزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَخُلُقٌ يَدَارِي بِهِ النَّاسَ وَحِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۷۹) مدارا سبب حصول نتیجه								

جهت محاسبه شاخص روایی محتوا، تعداد کارشناسانی که گزینه «کاملاً مطابق است» و «مطابق است» را انتخاب کرده‌اند، بر کل کارشناسان تقسیم می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۰). چنانچه مقادیر (CVI) به‌دست‌آمده بین عدد ۰/۷۰ تا ۰/۷۹ باشد، نیازمند بازبینی خواهد بود و اگر بیشتر از این مقدار باشد، قابل قبول شناخته می‌شود (پولیت و بک، ۲۰۰۶^۱).

با توجه به محاسبه صورت‌گرفته برای هفت مؤلفه که با ارزیابی ۱۴ کارشناس که تعدادی از آنان طلاب درس خارج و تعدادی دیگر دارندگان مدرک سطح سه حوزه به همراه مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی بودند، مقدار (CVI) برای مؤلفه همراهی و نرم‌خویی ۰/۹۵، مؤلفه صبر ۰/۸۳، مؤلفه چشم‌پوشی ۰/۸۹، مؤلفه میانه‌روی و دوراندیشی ۰/۸۰ و مؤلفه معنویت‌گرایی ۰/۸۷ به‌دست آمد که با توجه به بالاتر بودن از ۰/۷۹ شاخص روایی محتوا تأیید می‌شود.

در نسبت روایی محتوا (CVR) میزان قابل اطمینان بودن و موثق بودن مؤلفه‌ها (معادل روایی و اعتبار در روش کمی)، با استفاده از شاخص‌های اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اتکاپذیری و تأییدپذیری گابا و لینکلن (۱۹۸۹) به‌دست آمد که نشان می‌دهد مؤلفه‌های مذکور از روایی مطلوبی برخوردار هستند. برای این منظور از طیف لیکرت سه‌درجه‌ای «ضروری است» و «مفید است، ولی ضروری نیست» و «ضرورت ندارد» استفاده شد.

برای محاسبه (CVR) از بین ۱۴ کارشناس، تعداد افرادی که گزینه «ضروری است» را انتخاب کرده بودند از نصف آنان کم شد و سپس حاصل به‌دست‌آمده بر نصف تعداد کارشناسان تقسیم شد که نتایج آن برای مؤلفه همراهی ۰/۷۳، نرم‌خویی ۰/۷۱، صبر ۰/۶۰، چشم‌پوشی ۰/۶۲، میانه‌روی ۰/۷۲، دوراندیشی ۰/۵۳ و مؤلفه معنویت‌گرایی ۰/۸۰ به‌دست آمد. مقدار قابل قبول (CVR) برای ۱۴ نفر، ۰/۵۱ می‌باشد که مؤلفه‌های مذکور این حد نصاب را کسب کردند. در جدول ۳-۴ روایی‌سنجی که توسط کارشناسان مورد ارزیابی قرار گرفته است گزارش می‌گردد.

مؤلفه‌های سازگاری	CVI	CVR
همراهی	۰/۹۵	۰/۷۳
نرم‌خویی	۰/۹۵	۰/۷۱
صبر	۰/۸۳	۰/۶۰
چشم‌پوشی	۰/۸۹	۰/۶۲
میانه‌روی	۰/۸۰	۰/۷۲
معنویت‌گرایی	۰/۹۲	۰/۸۰
دوراندیشی	۰/۸۰	۰/۵۳

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مفهومی سازگاری با رویکرد دینی و در پی پاسخ‌گویی به سه سؤال مطرح‌شده در این پژوهش است. در پاسخ به سؤال اول که مؤلفه‌های سازگاری را جست‌وجو می‌کند، یافته‌های این تحقیق گویای این مطلب است که از دیدگاه اسلامی هفت عامل در ایجاد سازگاری دخیل‌اند که عبارت‌اند از: «همراهی»، «نرم‌خویی»، «صبر»، «چشم‌پوشی»، «میان‌روی»، «دوراندیشی» و «معنویت‌گرایی».

سایر پژوهش‌ها در این حوزه، دخیل بودن برخی از این مؤلفه‌ها را در شکل‌گیری فرآیند سازگاری مؤثر می‌دانند.

در بررسی تأثیر صفات شخصیت بر سازگاری، مقدس‌زاده (۱۴۰۰) بیان کرده است که ویژگی «توافق‌پذیری» که با مؤلفه «همراهی» تطابق دارد و نیز ویژگی «فروتنی» که زیرمجموعه مؤلفه «نرم‌خویی» است، بیشترین سهم را در سازگاری زناشویی دارد.

در پژوهش خاجوی مقدم و دلبری (۱۳۹۳) پنج عامل برای تقویت مدارا ذکر شده است که شامل «تقویت مبانی عقیدتی»، «توجه به منافع بلندمدت خانواده»، «تمرین و مراقبت»، «تغافل و تجاهل» و «درک شایسته همسر» است. در این میان «تقویت مبانی عقیدتی» تا حدودی با مؤلفه «معنویت‌گرایی» که در این تحقیق به آن دست یافتیم هم‌پوشانی دارد و نیز بین «تغافل و تجاهل» با مؤلفه «چشم‌پوشی» رابطه‌ای همانی برقرار است. «توجه به منافع بلندمدت» نیز با مؤلفه «دوراندیشی» که در فصل چهار ذکر شد در یک راستا قرار دارد.

پیلتن (۱۳۹۰) در بررسی ابعاد مدارا با بیان علل ناکامی افراد در به‌کارگیری مدارا، توجه به اصل تدریجی بودن را متذکر می‌شود که این نکته به بیانی دیگر مؤلفه «صبر» را نشان می‌دهد.

راستی (۱۳۹۶) در پژوهش خود اعتقاد به آخرت را از راه‌های تقویت و تثبیت مدارا برشمرد که این نکته بیان دیگری از مؤلفه معنویت‌گرایی است؛ همچنین جبرئیل‌زاده و شماخته (۱۴۰۳) آموزه‌های دینی را در افزایش سازگاری زناشویی به شکل معناداری دخیل می‌دانند.

عبداللهی و قاسمی (۱۴۰۲) اصول اخلاقی همچون رفق، ملائمت، مدارا، تفاهم، توافق، بخشش، گذشت و شکیبایی را سبب افزایش سازگاری می‌دانند که این موارد با مؤلفه‌های «همراهی»، «نرم‌خویی»، «صبر» و «چشم‌پوشی» همخوانی دارد.

دالتی بگی (۱۳۹۶) با ترسیم مقیاسی برای مدارا آن را شامل پنج عامل می‌داند، از جمله «کنترل هیجانات، صبر و تحمل» و «احسان و گذشت نسبت به همسر» که این دو عامل به ترتیب با مؤلفه‌های «صبر» و «چشم‌پوشی» همخوانی دارند.

عمادی و پسندیده (۱۳۹۴) پانزده شاخص برای مدارا برشمرده است که سه مورد از آنها با سه مؤلفه این تحقیق در یک راستا هستند. شاخص «وا نهادن و همراهی موقت با رفتار مخاطب» با مؤلفه «همراهی»، شاخص «رعایت سلسله مراتب و میانه‌روی و قاطعیت» با مؤلفه «میانه‌روی» و شاخص «به‌کارگیری ملایمت و نرم‌خویی در شکل کار» با مؤلفه «نرم‌خویی» همسو است.

با توجه به آنچه بیان شد، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در حیطه سازگاری یافته‌های فراوانی چه از منظر روان‌شناسی و چه از منظر متون دینی وجود دارد و هریک از پژوهشگران به فراخور دیدگاه خود، به بررسی گزاره‌های موجود در این زمینه پرداخته‌اند.

به دلیل غنی بودن متون دینی در حوزه مباحث سازگاری، رویکردهای دینی در این زمینه فراوان به چشم می‌خورد که در صورت تدقق در آیات و روایات می‌توان به صدها گزاره در این زمینه دست یافت و از منظرهای گوناگون طبقه‌بندی نمود. به عنوان نمونه، رجبی و وحیدیان اردکان (۱۳۹۳) به بررسی عوامل رفتاری سازگاری می‌پردازد و بر طبق آیات قرآن نه عامل رفتاری را برمی‌شمرد که سه عامل «توکل»، «زمینه‌سازی برای توفیق الهی» و «فرمان‌برداری از خداوند»، گونه‌ای از مؤلفه معنویت‌گرایی هستند. رجبی در ادامه عامل «صبر» را برمی‌شمرد که این عامل همانند مؤلفه «صبر» از مؤلفه‌های هفت‌گانه به‌دست‌آمده است.

بنابراین طبقه‌بندی روایات در قالب عوامل رفتاری مدارا (رجبی و وحیدیان اردکان، ۱۳۹۳)، ابعاد مدارا (پیلتن، ۱۳۹۰)، مدارا در حیطه امور تربیتی (داوودی، ۱۳۸۰)، مفهوم و جایگاه مدارا (علمی، ۱۳۹۴)، نشان از رویکردهای مختلف پژوهشگران به بحث سازگاری با رویکرد دینی دارد.

در پاسخ به سؤال دوم که مدل مفهومی سبک همسرمداری سازگاران و ویژه بانوان با رویکرد دینی را جست‌وجو می‌کند، هفت مؤلفه به‌دست‌آمده تحت سه عنوان کلی، «انعطاف‌پذیری»، «بازداری» و «ارزش‌ها» دسته‌بندی می‌شوند که عنوان «انعطاف‌پذیری» شامل مؤلفه «همراهی»، «نرم‌خویی» و «میانه‌روی» می‌باشد، و عنوان «بازداری» شامل مؤلفه‌های «صبر» و «چشم‌پوشی»، و عنوان «ارزش‌ها» متعلق به مؤلفه‌های «دوراندیشی» و «معنویت‌گرایی» است.

پنج پیامد نیز برای سازگاری برشمرده شده است که عبارت‌اند از: «وسعت رزق»، «کسب موقعیت اجتماعی»، «پیشگیری از آسیب‌ها»، «رسیدن به مطلوب» و «رشد معنوی».

بحث و بررسی سؤال سوم تحقیق

پرسش سوم این پژوهش روایی مدل مذکور را بررسی می‌کند. در پاسخ به این سؤال، صحت، قابل اطمینان بودن و موثق بودن (معادل روایی و اعتبار در روش کمی) عوامل و مدل مفهومی، با استفاده از شاخص‌های اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اتکاپذیری و تأییدپذیری گابا و لینکلن (۱۹۸۹) مورد

استفاده قرار گرفت. برای این منظور فرم‌هایی طراحی گردید و مؤلفه‌های هفت‌گانه به‌دست‌آمده همراه با روایات مندرج تحت هر مؤلفه طبقه‌بندی و ارائه گردید، تا کارشناسان نظرات خود را برای بررسی (CVR) در لیکرت سه‌درجه‌ای «ضروری است»، «مفید است، ولی ضروری نیست» و «ضرورت ندارد»، و برای بررسی (CVI) در لیکرت چهاردرجه‌ای «کاملاً مطابق است»، «مطابق است»، «نسبتاً مطابق است» و «مطابق نیست» بازگو نمایند. پس از ارزیابی کارشناسان که تعداد آنان ۱۴ نفر در نظر گرفته شد، اعداد به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مذکور حد نصاب مورد نظر را کسب کردند که نشانگر تأیید همه مؤلفه‌ها توسط کارشناسان است.

با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته در این پژوهش همچنان محدودیت‌هایی بر سر راه این پژوهش وجود دارد، از جمله اینکه به علت گستردگی منابع دینی امکان لحاظ نشدن برخی روایات در تشکیل خانواده حدیث وجود دارد؛ همچنین امکان دارد مقوله‌بندی‌ها از منظری دیگر مورد دقت قرار گیرد و نتایج متفاوتی حاصل کند. با توجه به آنچه به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود علاوه بر کتب الف سایر کتب روایی نیز برای دستیابی به مؤلفه‌های بیشتر مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۶). گلچین صدوق. ترجمه محمدحسین صفاخواه. تهران: فیض کاشانی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. ترجمه علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۰). صفات الشیعه. ترجمه توحیدی، تهران: زراره.
- اسلامی، معصومه و سیف، سوسن (۱۳۸۷). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۴ (۲ و ۳)، ۹۹-۱۳۰.
- افتخاری، مریم (۱۳۹۸). *ارائه مدلی برای سازگاری زناشویی*. پایان‌نامه دکتري مشاوره. دانشگاه شهید چمران.
- باقریان، مهرنوش (۱۳۸۸). *بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی زناشویی مبتن بر آموزه‌های اسلام بر سازگاری زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- پیلتن، محمدعلی (۱۳۹۰). *بررسی ابعاد مختلف مسئله مدارا در متون دینی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی گرایش کلام. دانشکده الهیات دانشگاه قم.
- جبرئیل‌زاده، رضیه و شماخته، میلاد (۱۴۰۳). نقش تعدیل‌کننده صمیمیت زناشویی سازگاری زناشویی ادراک انصاف و تعهد زناشویی در رابطه بین سبک زندگی اسلامی با ثبات ازدواج و احساس مثبت به همسر. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ۱۰ (۲۰)، ۱۳۴-۱۶۲.
- خان‌آبادی، مهدی (۱۳۹۷). *تدوین و اعتباریابی بسته آموزشی کیفیت زناشویی به‌منظور ارتقای سطح صمیمیت و رضایت زناشویی زوج‌های ناباور*. رساله دکتري مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی.
- خواجهی مقدم، لعیا و دلبری، علی (۱۳۹۳). عوامل تقویت مدارا در خانواده از دیدگاه آیات و روایات. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۰ (۱)، ۱۳۳-۱۴۹.
- داتلی بگی، مژگان (۱۳۹۶). *ساخت و اعتباریابی مقیاس برای سنجش مدارا در روابط زناشویی مبتنی بر رویکرد دینی و بررسی رابطه آن با صمیمیت زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی. دانشگاه چمران.

- داوودی، محمود (۱۳۸۰). رفق و مدارای تربیتی در سیره معصومین علیهم السلام. حوزه و دانشگاه، ۲۸، ۹۶.
- راستی، مینا (۱۳۹۶). جایگاه و ارزش و حدود مدارا از منظر قرآن روایات معصومین علیهم السلام. پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق اسلامی. دانشگاه پیام نور بافق.
- رجبی، محمود، و وحیدیان اردکان، حمید (۱۳۹۳). عوامل رفتاری سازگاری همسران از دیدگاه قرآن کریم. معرفت، ۱۹۷، ۷۷.
- زمانی محمدحسین و احمدی، محمدرضا (۱۴۰۱). رابطه نگرش های ناکارآمد و عواطف مثبت و منفی با نگرش به روابط فرازناشویی؛ با توجه به نقش واسطه ای جهت گیری دینی در زوجین در آستانه طلاق. اسلام و پژوهش های روان شناختی، ۳۸ (۳)، ۱۱۵-۱۳۰.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۴). روان شناسی اسلامی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- صادقی، منصوره سادات (۱۳۸۹). الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش مهارت های مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار. پایان نامه دکتری مشاوره عمومی. دانشگاه شهید بهشتی.
- صالحی، شیرین (۱۳۹۵). راهکارهای قرآنی و روایی در زمینه سازگاری زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۳). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- عبداللهی، حمیدرضا و قاسمی، سیمین (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش گروهی حل تعارض زوجین با رویکرد اسلامی بر سازگاری و رضایت زناشویی. پژوهش نامه روان شناسی اسلامی، ۱۹ (۹)، ۴۶-۲۱.
- علمی، قربان (۱۳۹۴). مفهوم و جایگاه مدارا در حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام. پژوهش های نهج البلاغه، ۴۵، ۸۸-۶۷.
- عمادی، عبدالله و پسندیده، عباس (۱۳۹۴). چپستی رفق در حیطه مسئولیت های خانواده از منظر حدیث و تعیین شاخص های زوج. کتاب و سنت، ۷، ۳۲-۸.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۵). آزمون های روان شناختی. تهران: بعثت.
- فتوحی، سکینه و ابوالقاسمی، عباس (۱۳۹۵). رابطه ابعاد شخصیت و سازگاری زناشویی زوجین؛ بررسی نقش واسطه ای سبک های عشق. فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۱ (۳۵)، ۴۱-۶۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول کافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۷). جنگ علیه خانواده. ترجمه معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گل پرور، محسن؛ طاهری، ژاله و اسماعیلی، رضا (۱۳۹۰). ویژگی های روانی و شخصیتی زوج های ناسازگار و سازگاری زناشویی آنان در ایران و تورتو. خانواده پژوهی، ۷ (۲۶)، ۲۳۳-۲۳۹.
- متقی نژاد، ام البنین (۱۳۹۹). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس مهارت های ارتباطی تاب آوری و سرسختی روان شناختی در زنان متقاضی طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی. دانشکده علوم انسانی مؤسسه فیض کاشانی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. تهران: جامعه شناسان.
- مقدس زاده، معین (۱۴۰۰). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی راهبردهای مقابله ای و صفات شخصیت. برند آفرین، ۲ (۲۴)، ۲۱.
- نجفی علمدارلو، عاطفه (۱۳۹۸). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس سطوح تمایز یافتگی و سرسختی روان شناختی. پایان نامه ارشد روان شناسی تربیتی. دانشگاه آزاد مرودشت.
- Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory Strategies for Qualitative Research*. Mill Valley, CA Sociology Press.
- Hsieh, H. F. and Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288
- Polit, D. F. & Beck, C. T. (2006). The Content Validity Index. *Research in Nursing & Health*, 29, 489-497.
- Guyen. N. (2017) Anaiysis of The Theses About Marital Adjustment (2006-2016) International. *Jornal of Psuchdogy and Edacational Studies*, 54(63), 2, 4.
- Lata, roa. s. (2017). marital Adjustment and Depression Gouples. *the International Journal of Indian Psychology*. 33-46,2,4.
- Perrone McGovern, km., Boo, J. N. & Vamatter, A. (2012). *Marital and Life satisfaction Amang Gifted Adults Roeper Review*, 34(1), 46-52.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (ص ۱۱۱-۱۳۱)

مؤلفه های مفهومی تاب آوری همسران بر اساس منابع اسلامی

Conceptual Components of Spouses' Resilience Based on Islamic Sources

کهر سعید عبادی / دانشجوی دکتری مشاوره خانواده جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

محمدرضا جهانگیرزاده قمی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.

عبدالاحد اسلامی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.

✉ Saeid Ebadi / PhD Candidate in Family Counseling, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

sebadi2477@gmail.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh Qomi / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

jahangirzadeh@iki.ac.ir

Abdol Ahad Eslami / Assistant Professor, Department of Psychology, Ethics and Education Institute, Qom, Iran.

eslami.ahad@gmail.com

Abstract

The aim of this research was to develop the conceptual components of spouses' resilience based on Islamic sources and to examine their validity. Given the research objective, both qualitative and quantitative methods were employed. In the qualitative phase, a semantic analysis of the concept of resilience was first conducted, ultimately identifying eleven concepts related to resilience as entries in Islamic sources, along with eight concepts referring to spouses. For data analysis, the conventional and directed qualitative content analysis method of Hsieh and Shannon (2005) was used. Ultimately, eleven categories were obtained, which, through a further classification, led to the extraction of four major categories. In the quantitative phase, using a survey method, the "content validity" index of the components was assessed by 10 experts in the humanities and psychology through purposive sampling, and the conceptual

چکیده

هدف این پژوهش تدوین مؤلفه های مفهومی تاب آوری همسران بر اساس منابع اسلامی و بررسی میزان روایی آن بود. با توجه به هدف این پژوهش از دو روش کیفی و کمی استفاده شد. در بخش کیفی ابتدا در خصوص مفهوم تاب آوری تحلیل معنایی انجام شد و در نهایت یازده مفهوم مرتبط با تاب آوری به عنوان مدخل در منابع اسلامی، به علاوه هشت مفهوم مشیر به همسران شناسایی شد. برای تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل محتوای کیفی عرفی و قراردادی سیه و شانون (۲۰۰۵) استفاده شد. در نهایت تعداد یازده مقوله به دست آمد که این مقوله ها در یک دسته بندی دیگر منجر به استخراج چهار مقوله عمده شد. در بخش کمی، با به کارگیری روش پیمایشی، شاخص «روایی محتوایی» مؤلفه ها از ۱۰ متخصص علوم انسانی و روان شناسی به روش نمونه گیری هدفمند سنجیده شد و مؤلفه های

components of spouses' resilience were developed. The findings of the research indicated that the conceptual components of spouses' resilience based on Islamic sources consist of four main categories and eleven subcategories, namely: transcendent attentions (remembrance and recollection of God, attention to otherworldly rewards, attention to spiritual role models), transcendent attitudes (attitude of trial/affliction, attitude of growth, viewing the spouse as a blessing), flexibility (recognizing and accepting the spouse's gender-based characteristics, adjusted expectations of the spouse), and relational emotions (interpersonal compatibility, empathy and mutual understanding between spouses, intimacy). The results of this research have provided a suitable foundation for developing a spouses' resilience questionnaire and designing its educational package.

Key words: Conceptual component, resilience, spouses' resilience, Islamic sources, content validity.

مفهومی تاب‌آوری همسران تدوین شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی دارای چهار مقوله اصلی و یازده زیرمقوله که عبارت‌اند از: توجهات متعالی (ذکر و یاد خدا، توجه به پاداش اخروی، توجه به الگوهای معنوی)، نگرش‌های متعالی (نگرش ابتلا، نگرش رشد، نعمت انگاری وجود همسر)، انعطاف‌پذیری (شناخت و پذیرش ویژگی‌های جنسیتی همسر، انتظارات تعدیل‌شده از همسر)، عواطف ارتباطی (سازگاری بین‌فردی، همدلی و درک متقابل همسران، صمیمیت) بود. نتایج حاصل از این پژوهش بستر مناسبی برای تدوین پرسش‌نامه تاب‌آوری همسران و طراحی بسته آموزشی آن فراهم کرده است.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه مفهومی، تاب‌آوری، تاب‌آوری همسران، منابع اسلامی، روایی محتوایی.

مقدمه

خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و یکی از ارکان اساسی جامعه است. برای داشتن جامعه انسانی سالم باید سلامت روانی اعضای خانواده محقق شود و روابط مطلوب بین اعضای خانواده به‌خصوص زوجین برقرار شود (ریحانیان، قربان‌پور و رعدی افسوران، ۱۴۰۲). زوجین همواره در زندگی مشترک خود با حوادث و موقعیت‌های پراسترس و تنش‌زا روبه‌رو می‌شوند. شیوه تفسیر آنها از وقایع و موقعیت‌ها و برخورد با آن چالش‌ها و همچنین ارائه راه‌حل برای مشکلات از نظام باورها و عقاید و سایر ویژگی‌های شخصیتی آنها تأثیر می‌پذیرد. از سوی دیگر، به دلیل تفاوت‌های فردی، بروز اختلاف و تعارض میان زوجین امری رایج است (استیوبر، ۲۰۰۵). تاب‌آوری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تعارض‌های زناشویی است (کاکاوند، شیرمحمدی، جعفری و حاجی امید، ۱۳۹۹).

تاب‌آوری به قابلیت تطابق انسان در مواجهه با مشکلات زندگی و فشارهای جان‌کاه و غلبه یافتن بر آن تجارب اطلاق می‌شود. تاب‌آوری به جهت سازگاری مثبت علی‌رغم مشکلات زندگی منابع درونی و بیرونی را با هم یکپارچه می‌سازد و منجر به افزایش توانایی فردی برای برخورد با مشکلات می‌شود (اونگ، لیو و سینترون،^۱ ۲۰۲۳). توگید و فردریکسن^۲ (۲۰۰۴) تاب‌آوری را قابلیت انعطاف و تحمل در واکنش به تغییر خواسته‌های موقعیتی و توانایی بازگشت از تجربه‌های هیجانی منفی بیان کرده‌اند. تاب‌آوری در واقع نوعی مصون‌سازی در برابر مشکلات روانی اجتماعی است و کارکردهای مثبت زندگی را افزایش می‌دهد. فلچر و سرکار^۳ (۲۰۱۳) تاب‌آوری را سازگاری مثبت با شرایط نامناسب عنوان کرده‌اند. از آنجاکه پژوهشگران تاب‌آوری را توانایی غلبه بر مشکلات زندگی و قوی‌تر شدن فرد در نتیجه روبه‌رو شدن با این مشکلات می‌دانستند، معتقد بودند افراد تاب‌آور می‌توانند شرایط بهتری برای زندگی کردن فراهم آورند، مهارت‌های حل مسئله را گسترش دهند و در برابر استرس مقاوم‌تر عمل کنند (اگلن و ارول،^۴ ۲۰۱۵).

تاب‌آوری در مواجهه و سازگاری با ناملایمات زندگی زناشویی و آسیب‌پذیری‌های گوناگون در بین همسران، به آنها کمک می‌کند. تاب‌آوری در موقعیت‌های سخت و استرس‌زا به افراد کمک می‌کند و افراد را در برابر مشکلات زندگی محافظت می‌کند، لذا این عامل می‌تواند در سلامت روانی و مقاومت همسران در مواجهه با مشکلات و آسیب‌های مختلف زندگی نقش مؤثری ایفا کند (مهدی‌قلی، دوکانه‌ای فرد و جهانگیر، ۱۴۰۲)؛ چراکه یکی از عوامل قابل توجه در چگونگی رویارویی با چالش‌های زندگی در همسران، تاب‌آوری است. در زندگی زناشویی یکی از مهم‌ترین کاربردهای تاب‌آوری در شیوه برخورد با تعارضات زناشویی و چالش‌های زندگی است (رستگارنسب و حاجی‌لو، ۱۴۰۱). با افزایش تاب‌آوری، مهارت‌های اجتماعی افراد (از قبیل برقراری ارتباط، رفع موانع، توانایی برنامه‌ریزی، حل مسئله، مهارت رهبری) تقویت شده و فرد را قادر می‌سازد در مواجهه با شرایط دشوار، موفق و کامیاب شود (ایدلخانی و حیدری، ۱۳۹۶).

مفهوم تاب‌آوری از منظر دین هم مورد بررسی قرار گرفته است. طبق دیدگاه دینی تاب‌آوری علاوه بر اینکه بازگشت به شرایط اولیه و تداوم بخشیدن به آن پس از تجربه موقعیت تنیدگی‌زاست، استفاده بهینه از شرایط پیشین و رشد دادن وضعیت موجود نیز می‌باشد (خطیب، آذربایجانی، پسندیده، جان‌بزرگی و طباطبایی، ۱۴۰۱). در آموزه‌های دینی تاب‌آوری در نقطه مقابل «جزع» قرار دارد و

1. Ong, A. D., Liu, Z. & Cintron, D. W.
2. Tugade, M. M. & Fredrickson, B. L.
3. Fletcher, D. & Sarkar, M.
4. Ogelman, H. & Erol, A.

نزدیک‌ترین مفهوم به آن، تحت عنوان «صبر» از آن تعبیر می‌شود^۱ (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۰). در برخی روایات نیز نسبت به تاب‌آوری همسران این‌گونه نقل شده است که مردی که بر بدخوبی همسرش صبر کند، خداوند اجر مصائب ایوب را به او می‌دهد، و زنی که بر بدخوبی شوهرش شکیبایی کند، خداوند ثواب آسیه را به او می‌دهد^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷)، و در روایتی دیگر فرموده‌اند: «در بهشت درجه‌ای است که به آن دست نمی‌یابد، مگر پیشوای دادگر یا خویشاوندی که زیاد صلۀ رحم به‌جا آورد و یا فرد عیال‌وار صبور»^۳ (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۳)، و دیگر آموزه‌های اسلامی که دلالت بر اهمیت موضوع تاب‌آوری همسران دارد.

مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی از آن جهت اهمیت دارد که در واقع دین مبین اسلام ویژگی‌های همسران تاب‌آور را بیان کرده است و نحوه چگونگی حل مسائل و روش مقابله با آن را پیش روی خانواده‌ها و افراد آن قرار داده است؛ همان امری که روان‌شناسان مثبت‌نگر در زمینه خانواده قرن‌ها بعد بدان پی برده‌اند.

پژوهش‌های مختلفی در حوزه تاب‌آوری همسران انجام شده است. رستگارنسب و حاجی‌لو (۱۴۰۱) در پژوهش «پیش‌بینی کیفیت رابطه زناشویی بر اساس تاب‌آوری زوجین» نتیجه گرفتند که تاب‌آوری و مکانیزم‌های مربوط به آن در روابط میان زوجین مؤثر است. هیجان‌های مثبت و تعاملاتی که در پی آن می‌آید موجب صمیمیت زوج‌ها می‌شود، لذا افرادی که تاب‌آوری بالاتری دارند، کیفیت رابطه زناشویی مطلوب‌تری را نیز تجربه می‌کنند. زارع میرک‌آباد، قربان جهرمی، خادمی اشکذری و همکاران (۱۴۰۲) ضمن تدوین بسته شادکامی اسلامی به ارزیابی اثربخشی آن بر سازگاری زناشویی و تاب‌آوری زوجین دارای تعارض زناشویی پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، آموزش شادکامی اسلامی با بهره‌گیری از ایجاد ارتباط امن، حمایت‌کننده و همدلانه، آموزش مفهوم بخشش، توجه به پیامدهای مثبت صبر و شناسایی توانمندی و استعداد‌های ذاتی زوجین در دسترسی به شادکامی، می‌توان به‌عنوان روشی کارآمد در جهت بهبود سازگاری زناشویی و تاب‌آوری زوجین مورد استفاده قرار داد. مهدی‌قلی، دوکانه‌ای فرد و جهانگیر (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر دل‌زدگی زناشویی و تاب‌آوری زوج‌های جوان»، نتیجه را این‌گونه تبیین کردند که در رویکرد درمانی هیجان‌مدار زوجین شیوه‌های غلبه بر بحران را به‌کار می‌گیرند تا راه‌حل‌های احتمالی را فرا گیرند و این‌چنین است که

۱. «الصَّبْرُ وَضِدُّ الْجَزَعِ»

۲. «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا أَعْطَاهُ أَيُّوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَلَاءِهِ وَمَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ زَوْجَتِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ أَسِيَّةَ بِنْتِ مُرَاجٍ»

۳. «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَنَالُهَا إِلَّا إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ ذُو رَحِمٍ وَصُولٌ أَوْ ذُو عِيَالٍ صَبُورٌ»

مهارت‌های بین فردیشان رشد می‌کند و می‌توانند در برابر مشکلات زناشویی، تاب‌آوری از خود نشان داده و کیفیت زندگی زناشویی بهتری را تجربه کنند. ابرویی (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر آموزش بخشش درمانی در صمیمیت زناشویی و تاب‌آوری زوجین پرداخت. در نتایج یافته‌ها می‌توان گفت که کاهش خودانتقادگری می‌تواند منجر به بهبود تصویر از خود، عزت‌نفس و خودپنداره در نزد زوجین شود و این فرایند باعث می‌شود تا زوجین بتوانند مبتنی بر رضایت از خود، تاب‌آوری بالاتری را تجربه نمایند. محمدی (۱۴۰۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه تاب‌آوری خانواده و سلامت اجتماعی با نگرش به طلاق زوجین شهر جاجریم پرداخت. با توجه به یافته‌های آماری تاب‌آوری خانواده و مؤلفه‌های اعتماد، تحمل عواطف منفی، معنویت در افراد و شایستگی؛ همچنین سلامت اجتماعی و مؤلفه‌های شکوفایی، همبستگی و مشارکت با نگرش به طلاق زوجین رابطه معنادار دارند. نقش میانجی تاب‌آوری خانواده در رابطه بین سلامت اجتماعی و نگرش به طلاق زوجین نیز مورد تأیید قرار گرفت؛ در نتیجه، توجه به تاب‌آوری خانواده و سلامت اجتماعی می‌تواند نگرش به طلاق را در زوجین کاهش دهد.

با وجود پژوهش‌های ارزشمند در حوزه تاب‌آوری، هیچ‌یک از مطالعات پیشین به‌طور جامع و نظام‌مند به تدوین مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری همسران بر پایه منابع اسلامی نپرداخته‌اند. اغلب پژوهش‌ها صرفاً به‌صورت پراکنده و جزئی به موضوع تاب‌آوری زوجین یا به مؤلفه‌های مرتبط با تاب‌آوری همسران در چارچوب آموزه‌های اسلامی اشاره شده است؛ از این‌رو شناسایی و تبیین مؤلفه‌های تاب‌آوری در زوجین، به‌ویژه با توجه به غنای منابع اسلامی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این راستا، فقدان یک چارچوب نظری منسجم که بتواند ابعاد مختلف تاب‌آوری همسران را در پرتو آموزه‌های اسلامی تبیین نماید، به شدت احساس می‌شود. بنابراین محقق در این پژوهش درصدد این است تا با بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی شامل قرآن کریم و روایات به تدوین مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی بپردازد.

روش پژوهش

در این پژوهش از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی^۱ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. به‌منظور استخراج مفاهیم ناظر به تاب‌آوری همسران در منابع اسلامی (قرآن و روایات) ابتدا در خصوص مفهوم تاب‌آوری در روان‌شناسی تحلیل معنایی انجام شد. بدین منظور نظریه‌های مختلف اندیشمندان روان‌شناسی در حوزه تاب‌آوری و

تاب‌آوری خانواده بررسی شد و مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری همسران از قبیل ترمیم خود، ظرفیت تغییر، نیروی پایداری، افزایش ظرفیت اجتماعی، توانایی سازگاری موفق، اسناددهی مثبت، افزایش خودباوری، اصلاح اثرات منفی و ناگوار، تبدیل تهدید به فرصت، بازشکل‌دهی و مواجهه امیدوارانه استخراج شد؛ سپس با بررسی و تبیین واژه‌های عربی مرتبط و متناظر با تاب‌آوری در منابع اسلامی و همچنین پس از مشورت با اساتید متخصص در حوزه روان‌شناسی و علوم اسلامی، اصطلاحات عربی مرتبط با مفهوم تاب‌آوری انتخاب، تنظیم و اضافات آن حذف و پالایش شد. نتایج حاصل نشان داد که در این مرحله یازده مفهوم اولیه مرتبط با تاب‌آوری همسران که این مفاهیم عبارت‌اند از: صبر، حلم، استقامت، کظم غیظ، مدارا، رفق، وفق، تسلیم، رضا، جزع، غضب، به‌عنوان مدخل در منابع اسلامی شناسایی شد.

در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، جست‌وجو در نرم‌افزار جامع الاحادیث و پایگاه جامع قرآنی نور بر اساس یازده مفهوم ناظر به تاب‌آوری به‌علاوه هشت مفهوم مرتبط با همسران شامل زوج، زوجه، بعل، اهل، عیال، أسرة، امرأة و نکاح انجام شد. به‌عبارت‌دیگر، هریک از مدخل‌های تاب‌آوری همراه با مدخل‌های حوزه همسران به‌طور ترکیبی مورد کاوش قرار گرفت. در مرحله اول نتایج حاصل از جست‌وجوی جملات توصیفی - تبیینی مرتبط با مفاهیم یازده‌گانه بالغ بر ۵۴۵۶ داده بود. در مرحله دوم آیات و روایات جمع‌آوری‌شده در هر مفهوم به‌صورت جداگانه، مورد بررسی قرار گرفت و از دو جهت میزان ارتباط با مفهوم مورد نظر و روایات مشابه غربال انجام شد. در مرحله سوم پس از غربال تعداد ۱۲۷۶ از مستندات حاکی از نشانه‌های تاب‌آوری که در تدوین مؤلفه‌های مفهومی نقش دارد، شناسایی و مابقی حذف شدند.

به‌منظور تحلیل مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی از روش تحلیل محتوای کیفی سیه و شانن^۱ (۲۰۰۵) به روش تحلیل محتوای عرفی و قراردادی استفاده شد. در این روش محقق بر اساس فهم خود از متن مورد مطالعه، شروع به نوشتن تحلیل می‌کند تا پیش‌زمینه‌هایی برای ظهور رمزا به وجود آید. این عمل موجب می‌شود که طرح‌ریزی رمزا از متن ظهور یابد و سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی شوند. این مقوله‌بندی از سازمان‌دهی و گروه‌بندی کردن رمزا به‌صورت خوشه‌های معنادار^۲ دسته‌بندی می‌شود. بسته به کیفیت ارتباط بین زیرمقوله‌ها، محقق می‌تواند با ترکیب و سازمان‌دهی این زیرمقوله‌ها، آنها را به شمار کمتری از دسته‌بندی (مقوله) تبدیل کند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در مرحله رمزگذاری اولیه، پس از خواندن و بررسی ۱۲۷۶ گزاره دینی از

1. Hsieh, H. F. & Shannon, S. E.

2. Meaningful Clusters

منابع اسلامی و کنار هم قرار گرفتن داده‌های مشابه، جمله‌های اصلی آنها استخراج و به‌صورت کدهایی ثبت گردید. در این مرحله نهایتاً ۳۱۶ کد اولیه به‌دست آمد که به‌صورت گزاره‌های مفهومی اولیه مشخص شد؛ سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها مقوله‌بندی صورت گرفت که در این مرحله تعداد ۱۵ مقوله به‌دست آمد؛ در نهایت این مقوله‌ها در یک دسته‌بندی دیگر منجر به استخراج ۴ مقوله عمده شد که مقولات اساسی تحقیق را شامل می‌شود. این مقولات عبارت بودند از: توجهات متعالی، نگرش‌های متعالی، انعطاف‌پذیری و عواطف ارتباطی.

در بخش کمی، از روش ارزیابی نظرات کارشناسان استفاده شد و در واقع «روایی محتوایی»^۱ مدل سنجیده شد. بدین منظور از تعداد ۱۰ کارشناس طبق فرم‌هایی در دو سؤال مجزا خواسته شد تا نظرات کارشناسی خود را پیرامون مدل ابراز کنند. در سؤال اول (CVR) تحت یک لیکرت سه‌درجه‌ای از کارشناسان خواسته شد میزان ضرورت هر یافته یا مؤلفه را با مدل تاب‌آوری همسران از ۱. «غیرضروری»؛ ۲. «مفید ولی غیرضروری»، ۳. «ضروری» مشخص کنند. در سؤال دوم (CVI) تحت یک لیکرت چهاردرجه‌ای از آنها خواسته شد تا مطابقت هر یافته یا مؤلفه‌ها را با مستندات دینی از ۱. «غیرمرتبط»؛ ۲. «نسبتاً مرتبط»؛ ۳. «مرتبط»؛ ۴. «کاملاً مرتبط» مشخص کنند.

جامعه پژوهش در مرحله کیفی، قرآن کریم و همه روایات موجود در نرم‌افزار جامع الاحادیث ۳/۵ که شامل کتب روایی شیعه و اهل سنت بودند.

جامعه آماری پژوهش در مرحله کمی را کارشناسان خبره‌ای که در فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح باشند، تشکیل می‌دهد (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). بدین منظور کارشناسان این پژوهش متخصصان روان‌شناسی و اسلام در شهر قم بودند؛ افرادی که در تحصیلات آکادمیک روان‌شناسی دارای تحصیلات عالیه (مدرک تخصصی دکترا) و در تحصیلات حوزوی در سطوح خارج (تحصیلات سطح سوم و چهارم) مشغول یا فارغ‌التحصیل بودند.

جدول ۱: میزان تحصیلات کارشناسان پاسخ‌دهنده به فرم روایی محتوایی (N = ۱۰)

ویژگی	تعداد	درصد
سطح تحصیلات دانشگاهی	هیئت علمی	۳
	مدرک دکتری	۴۰
	دانشجوی دکتری	۳۰
سطح تحصیلات حوزوی	سطح چهار	۱۰۰

1. Content validity

برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده می‌شود. CVI به صورت تجميع امتیازات موافق برای هر آیت‌م که امتیاز «مرتبط اما نیاز به بازبینی» و «کاملاً مرتبط» را کسب کرده‌اند تقسیم بر تعداد کل متخصصان محاسبه خواهد شد. برای تعیین CVR از متخصصان درخواست می‌شود تا هر آیت‌م را بر اساس طیف سه قسمتی «ضروری است»، «مفید است، ولی ضرورتی ندارد» و «ضرورتی ندارد» بررسی نماید؛ سپس پاسخ‌ها مطابق فرمول ذیل محاسبه می‌گردد:

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این رابطه NE تعداد متخصصانی است که به گزینه «ضروری» پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه شده برای ۱۲ نفر از مقدار ۰/۵۵ بزرگ‌تر باشد، اعتبار محتوای آن آیت‌م پذیرفته می‌شود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). در این پژوهش نیز شاخص روایی محتوا برای هریک از مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران اندازه‌گیری و در صورت آوردن نمره لازم، در مدل نهایی انعکاس پیدا کرد.

طبق این محاسبه، در سؤال اول از ۱۵ مؤلفه، ۱۱ مؤلفه توسط کارشناسان تأیید و تعداد ۴ مؤلفه نمره کافی را نیاورده و حذف شدند. تمام یافته‌های مورد تأیید در سؤال اول، میزان ارتباط آنها با مدل تاب‌آوری همسران در سؤال دوم توسط کارشناسان تأیید شد. در جدول ذیل میزان شاخص روایی محتوایی هریک از سؤالات در هر یافته نمایش داده می‌شود.

جدول ۲: روایی‌سنجی مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها	CVR			CVI			محاسبه CVR	محاسبه CVI	تأیید/حذف
		ضروری	مفید ولی غیرضروری	غیرضروری	کاملاً مرتبط	مرتبط اما نیاز به بازبینی	غیرمرتبط			
توجهات متعالی	ذکر و یاد خدا	۹	۱		۶	۳	۱	۰/۸	۰/۹	تأیید
	توجه به پاداش اخروی	۹	۱		۷	۳		۰/۸	۱	تأیید
	توجه به الگوهای معنوی	۸	۲		۶	۴		۰/۶	۱	تأیید

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها	CVR			CVI			محاسبه CVR	محاسبه CVI	تأیید/حذف
		ضروری	مفید ولی غیر ضروری	غیر ضروری	کاملاً مرتبط	مرتبط اما نیاز به بازبینی	غیر مرتبط			
نگرش‌های متعالی	نگرش ابتلا	۱۰			۶	۲	۲	۱	۰/۸	تأیید
	نگرش رشد	۸	۱	۱	۵	۳	۲	۰/۶	۰/۸	تأیید
	نعمت‌انگاری وجود همسر	۹	۱		۶	۴		۰/۸	۱	تأیید
	حکمت باوری	۲	۶	۲	۱	۵	۴	-۰/۶	۰/۶	حذف
انعطاف‌پذیری	شناخت و پذیرش ویژگی‌های جنسیتی همسر	۱۰			۵	۵		۱	۱	تأیید
	انتظارات تعدیل شده از همسر	۹	۱		۵	۴	۱	۰/۸	۰/۹	تأیید
	سازگاری بین فردی	۹	۱		۷	۳		۰/۸	۱	تأیید
	تنظیم انتظارات از همسر	۵	۴	۱	۳	۴	۳	۰	۰/۷	حذف
	همدلی و درک متقابل همسران	۸	۲		۷	۳		۰/۶	۱	تأیید
عواطف ارتباطی	صمیمیت	۹	۱		۴	۵	۱	۰/۸	۰/۹	تأیید
	رضامندی همسران	۳	۵	۲	۳	۳	۴	-۰/۴	۰/۶	حذف
	عبادت و دعا	۵	۴	۱	۴	۳	۳	۰	۰/۷	حذف

روش نمونه‌گیری در بخش کیفی و کمی، از نمونه‌گیری هدفمند^۱ استفاده شده است. نمونه‌گیری هدفمند در بخش کیفی، کلیه روایات تاب‌آوری در کتب روایی به‌علاوه عناوین مشیر به تاب‌آوری همسران بود. تعداد نمونه مورد مطالعه بر اساس اصل اشباع^۲ در حجم نمونه در نظر گرفته شد (گلپسر و استراوس،^۳ ۱۹۶۷). در بخش کمی نیز، تعداد ۱۰ متخصص اسلام و روان‌شناسی به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. این کارشناسان از چندین مرکز علمی دانشگاه قرآن و حدیث،

1. Purposive sampling
2. Saturation
3. Glaser, B. and Strauss, A.

دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه قرآن و حدیث، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت نبوی انتخاب شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری همسران بر اساس چهار مقوله اصلی و یازده زیرمقوله طراحی شده است. مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌های آنها عبارت‌اند از: توجهات متعالی (ذکر و یاد خدا، توجه به پاداش اخروی، توجه به الگوهای معنوی)، نگرش‌های متعالی (نگرش رشد، نگرش ابتلا، نعمت انگاری)، انعطاف‌پذیری (شناخت و پذیرش ویژگی‌های جنسیتی همسر، انتظارات تعدیل‌شده از همسر، سازگاری بین فردی)، عواطف ارتباطی (همدلی و درک متقابل همسران، صمیمیت). در ادامه هریک از زیرمقوله‌ها یا مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی در ذیل مقوله‌های اصلی به‌طور اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ذکر و یاد خداوند متعال به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران، نشان می‌دهد که همسران تاب‌آور در شرایط سختی مانند اختلاف‌نظرها، فشارهای زندگی و دشواری‌ها، با امید و انگیزه بیشتری به حل مشکلات می‌پردازند. نمونه تاریخی حضرت آسیه علیها السلام، همسر فرعون، نشان‌دهنده این است که ارتباط معنوی با خداوند می‌تواند منبعی از قدرت و آرامش باشد.^۱ همچنین آموزه‌های قرآنی^۲ و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اهمیت صبر و نماز به‌عنوان ابزارهای معنوی برای مقابله با فشارهای زندگی زناشویی تأکید دارند. به عقیده مطهری (۱۳۸۹) زندگی بشر خواه ناخواه، همچنان که خوشی‌ها و شیرینی‌ها و کامیابی‌ها دارد، رنج‌ها، شکست‌ها و تلخی‌ها دارد. ایمان مذهبی در انسان‌ها نیروی مقاومت ایجاد می‌کند و تلخی‌ها را شیرین می‌کند.

توجه به پاداش اخروی، یعنی همسران تاب‌آوری که به پاداش‌های اخروی ایمان دارند، به‌جای تمرکز بر سختی‌های فعلی، به نتایج معنوی و اخروی صبر و تحمل خود می‌اندیشند. از سوی دیگر، این نگرش، آرامش درونی را تقویت می‌کند و به آنها کمک می‌کند تا تعارضات را با رویکردی سازنده و منطقی مدیریت کنند. علاوه بر این، باور به پاداش‌های اخروی، رفتارهای مثبت مانند گذشت، بخشش و فداکاری را در زندگی زناشویی تقویت می‌کند. در روایات نیز، صبر همسران در برابر بدخلقی و رفتارهای نامناسب یکدیگر به‌عنوان یک عمل معنوی ارزشمند معرفی شده است. برای مثال، صبر زن

۱. «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجَنِّيْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَتَجَنِّيْ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱)

۲. «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأُنْذِرُ لَكُمْ عَذَابًا كَبِيرًا» (البقره: ۴۵)

۳. «وَكَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَصَابَتْ أَهْلَهُ خَصَاصَةً نَادَى أَهْلَهُ يَا أَهْلَاهُ صَلُّوا صَلُّوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۷): «عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا نَزَلَ بِأَهْلِهِ شِدَّةً أَمَرَهُمْ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ قَرَأَ - وَأَمَرَ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَأَصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (شهید ثانی، ۱۴۰۷، ص ۵۰)

در برابر غیرت شوهر یا بدخلقی او، پاداشی برابر با هزار شهید و یک سال عبادت دارد.^۱ همچنین اطاعت از شوهر در شرایط دشوار، به‌ویژه زمانی که اختلاف‌نظرها وجود دارد، نیازمند تاب‌آوری است و در روایات چنین زنانی با همسر حضرت ایوب علیه السلام محشور می‌شوند.^۲

توجه به الگوهای معنوی به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران به این مطلب اشاره دارد که توجه به رفتار و صفات اولیای دین، مانند ائمه معصومین علیهم السلام و پیامبران الهی، به‌عنوان الگوهای معنوی و الهی در همسران تاب‌آور وجود دارد که در نتیجه با تقویت ویژگی‌هایی مانند حلم، صبر و استقامت، در برابر چالش‌های زندگی مشترک مقاومت بیشتری از خود نشان دهند. این توجه معنوی نه تنها به بهبود کیفیت زندگی زناشویی کمک می‌کند، بلکه به رشد معنوی و فردی نیز منجر می‌شود. در روایتی از امام حسین علیه السلام آمده است که فضیلت‌هایی مانند حلم و بردباری حضرت علی علیه السلام به‌عنوان ویژگی‌های یک همسر نمونه معرفی شده است.^۳ واضح است که توجه به این صفات به همسران کمک می‌کند تا در شرایط بحرانی، به‌جای واکنش‌های احساسی، با آرامش و تفکر عمل کنند و تنش‌ها را کاهش دهند. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: «مردی که بر بدخلقی همسرش صبر کند، پاداش حضرت ایوب علیه السلام را دریافت می‌کند و زنی که بر بدخلقی شوهرش صبر کند، پاداش حضرت آسیه علیها السلام را خواهد داشت».^۴ در این روایت حضرت ایوب علیه السلام و حضرت آسیه علیها السلام به‌عنوان دو الگوی متعالی صبر و تاب‌آوری معرفی شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود نیز، بدزبانی برخی از همسران خویش را تحمل می‌کرد، تا آنجا که دیگران از این همه تحمل رنج می‌بردند (مطهری، ۱۳۹۳). این روایات نیز نشان می‌دهد که توجه به اسوه‌های صبر و مقاومت به‌عنوان مؤلفه‌ای در مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران وجود دارد و کمک می‌کند تا زوجین با مشکلات زندگی مشترک به‌گونه‌ای سازنده برخورد کنند و رابطه خود را تقویت نمایند.

نگرش ابتلا به معنای درک و پذیرش مشکلات و سختی‌های زندگی به‌عنوان امتحانات و آزمون‌های الهی است. این نگرش در همسران تاب‌آور وجود دارد. برای همین چالش‌های زندگی

۱. «ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَيَكُونُ مُحْشَرَهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ علیها السلام - امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَامْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَامْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطَى اللَّهُ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابُ أَلْفِ شَهِيدٍ وَيَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةُ سَنَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۸۵)

۲. «يَا حَوْلَاءُ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَرَسُولًا كُلُّ امْرَأَةٍ صَبَرَتْ عَلَى زَوْجِهَا فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ وَكَانَتْ مُطِيعَةً لَهُ وَلَأَمْرِهِ حَشَرَهَا اللَّهُ تَعَالَى مَعَ امْرَأَةِ أَيُّوبَ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۲)

۳. «اتَّعَلَّمُونَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَضَّلَهُ عَلَى جَعْفَرٍ وَحَمَزَةَ حِينَ قَالَ لِفَاطِمَةَ علیها السلام زَوْجُكِ خَيْرُ أَهْلِ بَيْتِي أَقْدَمُهُمْ سَلَامًا وَأَعْظَمُهُمْ جَلْمًا وَأَكْثَرُهُمْ عِلْمًا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۱۷۳)

۴. «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أَعْطَاهُ أَيُّوبَ علیه السلام عَلَى بَلَاءِهِ وَمَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ أَسِيَّةَ بِنْتِ مُزَاجِمٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷)

مشترک را نه به‌عنوان مانع، بلکه به‌عنوان فرصتی برای رشد و تعالی در نظر می‌گیرند. در قرآن کریم آمده است: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم، و بشارت ده به استقامت‌کنندگان»^۱. این آیه نشان می‌دهد که مشکلات و ابتلائات جزئی از زندگی دنیوی هستند و صبر در برابر آنها می‌تواند به پاداش‌های بزرگ الهی منجر شود. در روایات نیز نگرش ابتلا به‌طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال، در روایتی از حضرت یونس^ع نقل شده است که ایشان بدخلقی همسرش را به‌عنوان یک آزمون الهی پذیرفت و با صبر و تحمل از آن عبور کرد.^۲

نگرش رشد در تاب‌آوری زناشویی به معنای درک این است که چالش‌ها و مشکلات می‌توانند فرصتی برای رشد شخصیتی و تقویت رابطه باشند. وقتی زوجین با مشکلات مواجه می‌شوند، این موقعیت‌ها آنها را وادار می‌کند تا به نقاط ضعف خود پی ببرند و برای بهبود آنها تلاش کنند. این فرآیند نه تنها به رشد فردی کمک می‌کند، بلکه ارزش‌هایی مانند بخشش، صبر و همدلی را نیز تقویت می‌کند. در قرآن کریم، خداوند به همسران حضرت نوح^ع و حضرت لوط^ع اشاره می‌کند که با وجود زندگی در کنار پیامبران، به آنها خیانت کردند.^۳ حضرت نوح^ع در مواجهه با بی‌احترامی و کفر همسرش، به‌جای نفرین و انتقام، صبر را انتخاب کرد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۹۹). این انتخاب نشان‌دهنده عمق شخصیت و ارتباط عمیق او با خداوند است و همسرانی که به رشد معنوی بالایی رسیده باشند می‌توانند این‌گونه در برابر ناملایمات صبر کنند.

نعمت انگاری وجود همسر، یعنی نگرش به وجود همسر به‌عنوان نعمت الهی که یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری در زندگی زناشویی است. در آموزه‌های دینی، به‌ویژه در رساله حقوق امام سجاد^ع، بر این موضوع تأکید شده است که همسر مایه آرامش و انس است و این نعمتی است که خداوند به انسان ارزانی داشته است، پس باید به این نعمت الهی احترام گذاشت و با او مدارا کرد.^۴ این نگرش باعث می‌شود زوجین به‌جای تمرکز بر کاستی‌ها و مشکلات، به ارزش‌ها و نقاط قوت یکدیگر توجه کنند.

۱. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)

۲. «إِنَّ قَوْمًا دَخَلُوا عَلَى يُونُسَ النَّبِيِّ ﷺ فَأَضَافَهُمْ، فَكَانَ يَدْخُلُ وَيُخْرَجُ إِلَى مَنَزِلِهِ فَيُؤْذِيهِ امْرَأَتُهُ وَتَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ وَهُوَ سَاكِتٌ، فَتَعَجَّبُوا مِنْ ذَلِكَ. فَقَالَ: لَا تَعْجَبُوا، فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَى وَقُلْتُ: مَا أَنْتَ مُعَاقِبٌ لِي بِهِ فِي الْآخِرَةِ فَعَجَّلَهُ لِي فِي الدُّنْيَا، فَقَالَ: إِنَّ عَقُوبَتَكَ بِنْتُ فُلَانٍ تَزَوَّجُ بِهَا، تَزَوَّجْتَ بِهَا وَأَنَا صَابِرٌ عَلَى مَا تَرَوْنَ مِنْهَا فَفِي الصَّبْرِ عَلَى ذَلِكَ رِيَاضَةُ النَّفْسِ وَكَسْرُ الْغَضَبِ وَتَحْسِينُ الْخُلُقِ» (غزالی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۵۱)

۳. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحَ وَأَمْرَأَتَ لُوطَ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاهِلِينَ» (تحریم: ۱۰)

۴. «وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَمَّلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأَنَسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَتَرْفُقُ بِهَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۱ ح ۳۲۱۴)

وقتی زوجین وجود یکدیگر را به‌عنوان نعمتی الهی در نظر می‌گیرند، حس شکرگزاری و قدردانی در آنها تقویت می‌شود. این نگرش نه‌تنها باعث افزایش محبت و انس در زندگی می‌شود، بلکه به آنها انگیزه می‌دهد تا برای حفظ و تقویت این نعمت تلاش کنند. امام سجاده^ع در رساله حقوق، احترام و مدارا با همسر را به‌عنوان وظیفه‌ای الهی برمی‌شمارد و این نشان‌دهنده اهمیت قدردانی از نعمت وجود همسر است. این نگاه مثبت، به زوجین کمک می‌کند تا در مواقع بحرانی، کمتر به کمبودها توجه کنند و بیشتر بر حفظ رابطه خود تمرکز نمایند.

شناخت و پذیرش ویژگی‌های جنسیتی همسر: زنان و مردان به دلیل تفاوت‌های زیستی و فیزیولوژیکی، ویژگی‌های جنسیتی متفاوتی دارند که بر نحوه مواجهه آنها با مشکلات تأثیر می‌گذارد. زنان معمولاً احساسات و عواطف را عمیق‌تر تجربه می‌کنند و در مواقع بحران تمایل بیشتری به جست‌وجوی حمایت از اطرافیان دارند. از سوی دیگر، مردان به‌طور طبیعی تمایل دارند که مشکلات را به‌صورت منطقی و تحلیلی حل کنند که این ویژگی به آنها کمک می‌کند تا به سرعت تصمیم‌گیری کنند و راه‌حل‌های عملی بیابند. بنابراین مردان تاب‌آور درک می‌کنند که همسرانشان در مواقع بحران ممکن است به شدت نیازمند حمایت عاطفی باشند و با همدلی و درک این نیاز، به آنها احساس امنیت می‌دهند. زنان تاب‌آور نیز از همسران خود به‌عنوان منبع حمایت عاطفی استفاده می‌کنند و این تکیه‌گاه به مردان احساس مسئولیت و ارزشمندی می‌بخشد. مطهری (۱۳۸۹) تفاوت‌های زن و مرد را قانون خلقت می‌داند که پیوند خانوادگی زن و مرد را محکم‌تر می‌کند و این اختلافات شبیه اختلافات میان اعضای بدن است که تفاوت قائل شدن بین آنها ناشی از تبعیض نیست، بلکه برای تناسب بهتر آنها با یکدیگر است. در روایتی از حضرت ابراهیم^ع، ایشان از بداخلاقی همسرش ساره به خداوند شکوه می‌برد، خداوند به او وحی می‌کند که زن مانند دنده‌ای کج است که اگر بخواهی آن را راست کنی، می‌شکند، اما اگر آن را به حال خود رها کنی، می‌توانی از آن استفاده کنی؛ از این رو نسبت به او صبر پیشه کن.^۱ این روایت نشان می‌دهد که تلاش برای تغییر ویژگی‌های ذاتی همسر ممکن است به نتیجه معکوس منجر شود و مشکلات بیشتری ایجاد کند. بنابراین همسران تاب‌آور به‌جای تلاش برای تغییر همسر خود، سعی می‌کنند فضایی امن و حمایتگر ایجاد کنند تا همسرشان بتواند احساسات خود را آزادانه ابراز کند.

انتظارات تعدیل‌شده از همسر به معنای تنظیم و سازمان‌دهی خواسته‌ها و نیازهای زوجین در چارچوب توانایی‌ها و محدودیت‌های واقعی یکدیگر است. این نگرش که در همسران تاب‌آور وجود دارد به آنها کمک

۱. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَكَأَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا يَلْقَى مِنْ سُوءِ خُلُقِ سَارَةَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ مَثَلُ الضِّلَعِ الْمُعْجُجِ إِنْ أَقْمَتَهُ كَسَرَتْهُ وَإِنْ تَرَكْتَهُ اسْتَمْتَعْتَ بِرِصْبِ عَلَيْهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۳)

می‌کند به جای فشار آوردن به یکدیگر برای انجام کارهایی که فراتر از توانایی‌های جسمی یا روانی طرف مقابل است، انتظارات خود را با واقعیت‌های زندگی تطبیق دهند. پیامبر اکرم^ﷺ در روایتی می‌فرماید: «هر زنی که با شوهرش مدارا نکند و او را بر آنچه قدرت ندارد وادارد، خداوند از او هیچ حسنه‌ای نپذیرد و خدا را خشمگین ملاقات کند»^۱. این روایت به‌وضوح نشان می‌دهد که وادار کردن همسر به انجام کارهایی که خارج از توان اوست، نه تنها خلاف تاب‌آوری است، بلکه می‌تواند به رابطه زناشویی آسیب برساند.

سازگاری بین‌فردی به توانایی همسران در تعامل مثبت و مؤثر با یکدیگر اشاره دارد. این سازگاری، شامل نرمی، مدارا و رفق در رفتار است. همسران تاب‌آور که از سازگاری بین‌فردی بالایی برخوردارند، می‌توانند به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اختلافات را مدیریت نمایند و در شرایط دشوار، از یکدیگر حمایت کنند. این توانایی، نه تنها به کاهش تنش‌ها و استرس‌ها کمک می‌کند، بلکه به ایجاد رابطه‌ای پایدار و مقاوم در برابر مشکلات منجر می‌شود. پیامبر اکرم^ﷺ در روایتی می‌فرماید: «ملایمت مایه میمنت است و خشونت مایه شومی، و هرگاه خداوند برای اهل خانه‌ای نیکی خواهد، آنها را با ملایمت قرین کند؛ زیرا ملایمت در هرچه باشد آن را زینت دهد و خشونت در هرچه باشد آن را خوار کند»^۲. در این حدیث اشاره می‌کند که رفتارهای محبت‌آمیز و نرم‌خویی، نه تنها به بهبود روابط خانوادگی کمک می‌کند، بلکه به عنوان عاملی برای جلب رحمت الهی نیز محسوب می‌شود. همسران تاب‌آور با ملایمت و مدارا با یکدیگر رفتار می‌کنند؛ بنابراین می‌توانند در برابر چالش‌های زندگی، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان دهند.

همدلی و درک متقابل همسران: همدلی به معنای درک احساسات و شرایط یکدیگر، به‌ویژه در لحظات دشوار و آسیب‌زاست و نقش مهمی در تقویت ارتباطات عاطفی و ایجاد فضایی حمایت‌گرانه ایفا می‌کند. در آموزه‌های دینی نیز بر اهمیت همدلی و حمایت عاطفی تأکید شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم^ﷺ، مردی از رفتار همسرش که در مواقع غم و اندوه به او دل‌داری می‌داد و او را به توکل بر خداوند تشویق می‌کرد، تعریف می‌کند. پیامبر^ﷺ این رفتار را ستوده و می‌فرماید: «خداوند کارگزارانی دارد و این زن یکی از آنان است و او نصف اجر شهید را خواهد برد»^۳. این حدیث نشان می‌دهد که همدلی و حمایت

۱. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَرْفُقْ بِرَوْحِهَا وَحَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَمَا لَا يُطِيقُ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا حَسَنَةٌ وَتَلَقَّى اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانُ» (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۱۴)

۲. «الرَّفْقُ يُنْمِ وَالْخُرْقُ سُومٌ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمْ بَابَ الرَّفْقِ، فَإِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ، وَإِنَّ الْخُرْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۵۰۹، ح ۱۶۹۸)

۳. «وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّيْتَنِي وَإِذَا خَرَجْتُ شَبَعْتَنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يَهْمُكَ إِنْ كُنْتُ تَهْتِمُ لِرُزْقِكَ فَقَدْ تَكْفُلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَإِنْ كُنْتُ تَهْتِمُ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَهَذِهِ مِنْ عَمَلِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۹)

عاطفی در زندگی زناشویی نه تنها به کاهش غم و اندوه کمک می‌کند، بلکه به عنوان عملی ارزشمند نزد خداوند محسوب می‌شود. لذا همسران تاب‌آور در شرایط دشوار، با درک متقابل و رفتارهای محبت‌آمیز از یکدیگر حمایت می‌کنند و زندگی مشترک خود را بر پایه محبت، صبر و درک متقابل بنا می‌کنند. صمیمیت به نزدیکی عاطفی و ارتباط عمیق قلبی بین زوجین تاب‌آور اشاره دارد. زوجینی که در رابطه‌ای صمیمی و حمایت‌گرانه قرار دارند، بهتر می‌توانند احساسات خود را بیان کنند، مشکلات را به طور مشترک بررسی نمایند و راه‌حل‌هایی برای غلبه بر چالش‌ها بیابند. پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «بهترین مردم از لحاظ ایمان، خوش‌خوترین و مهربان‌ترین آنها به خانواده‌شان هستند، و من مهربان‌ترین شما به خانواده‌ام هستم»^۱. این حدیث بیانگر آن است که صمیمیت و رفتار محبت‌آمیز در خانواده، نه تنها به تقویت پیوندهای عاطفی کمک می‌کند، بلکه به عنوان نشانه‌ای از ایمان و خوش‌خلقی نیز محسوب می‌شود. همسرانی که با نرمی و محبت با یکدیگر تعامل می‌کنند، می‌توانند در مواجهه با مشکلات، آرامش و تعادل خود را حفظ کنند و از این طریق، تاب‌آوری خود را در برابر چالش‌ها افزایش دهند.

جدول ۳: روایی محتوایی مؤلفه‌های مفهومی نهایی تاب‌آوری همسران

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها	CVR	CVI
توجهات متعالی	ذکر و یاد خدا	۰/۸	۰/۹
	توجه به پاداش اخروی	۰/۸	۱
	توجه به الگوهای معنوی	۰/۶	۱
نگرش‌های متعالی	نگرش ابتلا	۱	۰/۸
	نگرش رشد	۰/۶	۰/۸
	نعمت انگاری وجود همسر	۰/۸	۱
انعطاف‌پذیری	شناخت و پذیرش ویژگی‌های جنسیتی همسر	۱	۱
	انتظارات تعدیل‌شده از همسر	۰/۸	۰/۹
	سازگاری بین فردی	۰/۸	۱
عواطف ارتباطی	همدلی و درک متقابل همسران	۰/۶	۱
	صمیمیت	۰/۸	۰/۹

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تدوین مؤلفه‌های مفهومی تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی انجام شد. یافته‌های پژوهش، چهار مقوله اصلی و یازده زیرمقوله یا مؤلفه برای تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی که عبارت‌اند از: توجهات متعالی (ذکر و یاد خدا، توجه به پاداش اخروی، توجه به الگوهای

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَالْأَفْقَهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا أَلْفَقَكُمْ بِأَهْلِي» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۵۳)

معنوی)، نگرش‌های متعالی (نگرش ابتلا، نگرش رشد، نعمت انگاری وجود همسر)، انعطاف‌پذیری (شناخت و پذیرش ویژگی‌های جنسیتی همسر، انتظارات تعدیل‌شده از همسر، سازگاری بین‌فردی)، عواطف ارتباطی (همدلی و درک متقابل همسران، صمیمیت) را نشان داد.

برای نخستین بار مک‌کوبین^۱ (۱۹۹۶، به نقل از: صیدی و باقریان، ۱۳۹۰) مدل تاب‌آوری سازگاری و انطباق خانواده را ارائه کردند که نمایانگر نگاهی از زاویه دید تاب‌آوری به کارکرد خانواده است. این مدل بر کشف و آزمون عوامل تاب‌آوری در خانواده‌ها تأکید می‌کند و دو مرحله دارد: ۱. سازگاری؛ ۲. انطباق. مرحله سازگاری در تاب‌آوری خانواده فرآیندی است که خانواده تلاش می‌کند به تعادل برسد. ابتدا خانواده با بحران مواجه می‌شود و سپس خانواده با تکیه بر منابع خود استرس را مدیریت می‌کند. در مرحله سازگاری سیستم خانواده فرآیند ارزیابی عوامل استرس‌زا و منابع خود را تکمیل می‌کند. در مرحله دوم خانواده‌ها به کشف، تعیین و استفاده از منابع می‌پردازند تا به مدیریت استرس‌ها و نیازهای جدیدی که به دلیل استرس در سیستم خانواده به وجود آمده است کمک کنند. عوامل استرس‌زا در مرحله سازگاری مطرح است، و استرس‌ها و نیازهای جدید ناشی از استرس‌های اولیه است. انطباق با عوامل استرس‌زای جدید برای تاب‌آوری خانواده حیاتی است. بعد از هر حادثه استرس‌زا باید انطباق‌ها و الگوهای عملکردی جدید خلق کرد (سیکسی،^۲ ۲۰۰۵، به نقل از: زهراکار، کرمی و بزرگ‌منش، ۱۳۹۳). مدل مک‌کوبین و همکاران بیشتر بر فرآیندهای سازگاری و انطباق خانواده‌ها تأکید دارد و به عوامل استرس‌زا و منابع موجود در خانواده پرداخته و به‌صورت علمی و تجربی، روش‌های مدیریت استرس را بررسی می‌کند. این مدل به‌طور عمده بر جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی تاب‌آوری تمرکز دارد و از دیدگاه‌های علمی و تجربی برای تحلیل چالش‌های خانواده‌ها استفاده می‌کند. در مقابل، مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی، نه تنها به جنبه‌های روان‌شناختی توجه دارد، بلکه بر ارزش‌های معنوی و دینی نیز تأکید می‌کند. به همسران یادآوری می‌کند که مشکلات و چالش‌های زندگی زناشویی، بخشی از امتحانات الهی هستند و با صبر، همدلی و تکیه بر اصول دینی، می‌توانند به رشد و تعالی دست یابند.

مدل دیگری که در حوزه تاب‌آوری خانواده شناخته شده است، مدل فرایندهای تاب‌آوری خانواده فروما والش^۳ (۲۰۱۶) است. این مدل به تاب‌آوری خانواده به‌عنوان یک فرآیند پویا نگاه می‌کند و بر این باور است که تاب‌آوری نتیجه تعامل میان عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی است. در این مدل،

1. McCubbin, H. I.

2. Sixby, K.

3. Walsh, F.

مؤلفه‌هایی مانند معنادهی به بحران، ارتباطات مثبت و توانایی خانواده در بازسازی خود پس از بحران، نقش کلیدی دارند. والش بر اهمیت انعطاف‌پذیری، حمایت عاطفی و معنادهی مشترک به بحران‌ها تأکید می‌کند (زهراکار، کرمی، و بزرگ‌منش، ۱۳۹۳). در مقایسه با مؤلفه‌های اسلامی، مدل والش نیز به مؤلفه‌های معنوی اشاره می‌کند، اما این معنویت بیشتر به معنای معنادهی انسانی و روان‌شناختی است و کمتر به ابعاد الهی و دینی پرداخته می‌شود؛ درحالی‌که در مؤلفه‌های اسلامی، معنویت به‌طور مستقیم با ارتباط با خداوند و توکل به او گره خورده است. به‌عنوان مثال، ذکر و یاد خداوند به‌عنوان منبعی از آرامش و تاب‌آوری معرفی می‌شود؛ درحالی‌که در مدل والش، معنویت بیشتر به احساس پیوند و انسجام خانوادگی مرتبط است.

مدل بحران‌های خانواده ABCX هیل^۱ و نسخه توسعه‌یافته آن، یعنی مدل دوگانه ABCX، از دیگر مدل‌های معروف تاب‌آوری خانواده هستند. این مدل‌ها بر این اساس بنا شده‌اند که واکنش خانواده به بحران، به تعامل میان چهار مؤلفه بستگی دارد: A (رویداد استرس‌زا)، B (منابع خانواده)، C (معنادهی خانواده به بحران) و X (پیامد بحران). مدل دوگانه ABCX با افزودن مؤلفه‌های جدید، به بررسی تأثیرات بلندمدت بحران‌ها و فرآیندهای سازگاری خانواده می‌پردازد (بودین و گرین‌برگ، ۲۰۱۰). این مدل‌ها تأکید دارند که تاب‌آوری خانواده به توانایی آنها در استفاده از منابع و معنادهی به بحران‌ها بستگی دارد. در مقایسه با مدل اسلامی، مدل ABCX نیز، به نقش منابع و معنادهی اشاره می‌کند، اما این منابع عمدتاً شامل حمایت اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی هستند و معنادهی نیز بیشتر به‌عنوان یک فرآیند شناختی در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی‌که در مؤلفه‌های اسلامی، منابع معنوی و دینی، مانند ذکر و یاد خداوند متعال و توجه به پاداش‌های اخروی، به‌عنوان منابع اصلی تاب‌آوری معرفی شده‌اند. علاوه بر این، به‌طور خاص به نقش توجه به الگوهای الهی و ارزش‌های دینی در تقویت تاب‌آوری اشاره دارد که در مدل‌های ABCX و دوگانه ABCX چنین مفاهیمی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

از میان مدل‌های تاب‌آوری در پژوهش‌های ایرانی می‌توان به پژوهش شاهمیری (۱۳۹۶) اشاره کرد. الگوی تاب‌آوری با رویکرد اسلامی که توسط شاهمیری تدوین شده، بر اساس تحلیل آموزه‌های دینی، به بررسی ابعاد مختلف تاب‌آوری می‌پردازد و شامل مؤلفه‌ها، عوامل، تکنیک‌ها و ویژگی‌های افراد تاب‌آور است. این مدل بر پنج مؤلفه اصلی شامل پذیرش ناخوشایند، پایداری و اقدام، حفظ آرامش همراه با کراهت باطنی، عدم گفتار و کردار ناشایست، و انگیزه الهی تأکید دارد. همچنین ده عامل برای

1. Hill ABCX Family Crisis Model
2. Bowden, V. R. & Greenberg, C. S.

تاب‌آوری در این مدل شناسایی شده است که شامل ایمان و یقین، شناخت زندگی دنیوی، عوامل مقایسه‌ای، امید، خیرباوری، ذکر و یاد خدا، اعتمادبه‌نفس، توکل، حزم (دوراندیشی) و اراده قوی است. در نهایت، هفت ویژگی برای افراد تاب‌آور که عبارت‌اند از: عدم کسالت، عدم ملالت، عدم شکایت، اراده انجام کارهای خیر، تواضع و فروتنی، حلم و زهد استخراج شد.

یکی از شباهت‌های اصلی مدل شاهمیری و پژوهش حاضر، توجه به ابعاد معنوی و دینی است. هر دو به‌وضوح بر اهمیت ایمان و ارتباط با خداوند تأکید دارند. در مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی، مؤلفه‌هایی مانند ذکر و یاد خداوند، توجه به پاداش‌های اخروی و الگوگیری از اولیای الهی به‌عنوان منابع اصلی تاب‌آوری معرفی شده‌اند. به‌طور مشابه، مدل شاهمیری نیز بر ایمان و یقین به خداوند، شناخت زندگی دنیوی، ذکر و یاد خدا و توکل به‌عنوان عوامل کلیدی تاب‌آوری تأکید می‌کند. این شباهت نشان‌دهنده این است که هر دو پژوهش به معنویت به‌عنوان یک منبع مهم برای تاب‌آوری در زندگی زناشویی توجه دارند، اما از جمله تفاوت‌های این دو پژوهش می‌توان گفت که الگوی تاب‌آوری با رویکرد اسلامی شاهمیری بیشتر بر ابعاد فردی و شخصی تاب‌آوری تأکید دارد و به ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر تاب‌آوری فردی می‌پردازد؛ درحالی‌که مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی، بر روابط زناشویی و تعاملات میان همسران تمرکز دارد و به بررسی چگونگی تاب‌آوری در زندگی مشترک می‌پردازد. همچنین در مدل شاهمیری، مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها بیشتر به جنبه‌های فردی و اخلاقی مربوط می‌شوند؛ درحالی‌که در مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران، مؤلفه‌هایی مانند همدلی، درک متقابل و انتظارات تعدیل‌شده به‌طور خاص بر تعاملات زناشویی تأکید دارند.

موزیری (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «تدوین و اعتبارسنجی مدل تاب‌آوری خانواده ایرانی با مصاحبه کیفی با ۱۳ زوج داوطلب»، به پنج مقوله اصلی ویژگی‌های شخصیتی (انطباق‌پذیری، تعهد، صبوری، سخت‌کوشی) نظام باورها (خودباوری، باورهای مذهبی، مثبت‌اندیشی) مهارت‌ها (تنظیم هیجان، مسئله‌گشایی) ساختار خانواده (صمیمیت، همکاری، توافق، چشم‌انداز) و منابع بیرونی (حمایت اجتماعی، امنیت شغلی و مالی) دست یافت. در مدل موزیری، ویژگی‌هایی چون انطباق‌پذیری و سخت‌کوشی نیز به‌عنوان مؤلفه‌های مهم تاب‌آوری مطرح می‌شوند که به‌طور مشابه، مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران نیز به ویژگی‌های فردی مانند همدلی و درک متقابل تأکید دارد. این شباهت نشان‌دهنده اهمیت ویژگی‌های شخصیتی در تقویت تاب‌آوری در هر دو تحقیق دارد. در نهایت مدل موزیری بیشتر بر جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی تأکید دارد؛ درحالی‌که مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی به ارزش‌های دینی و معنوی به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری توجه می‌کند.

مدل فرایندی تاب‌آوری داداشی، لزگی و خطیب (۱۴۰۳) بر پنج بعد اصلی استوار است: موقعیت‌های تاب‌آوری، عوامل زمینه‌ساز تاب‌آوری، مؤلفه‌های تاب‌آوری، راهکارهای تاب‌آوری و پیامدهای تاب‌آوری. در بعد سوم، مؤلفه‌های تاب‌آوری در این مدل شامل شجاعت، خودمهارگری، انعطاف‌پذیری، پایداری، پذیرش و خردورزی است. دو مؤلفه انعطاف‌پذیری و پذیرش که در مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران نیز به نوعی به آنها اشاره شده است، در زمینه روابط زناشویی و تعاملات بین زوج‌ها اهمیت دارند. به عبارت دیگر، مؤلفه‌های تاب‌آوری همسران بر تعاملات و روابط بین‌فردی تأکید دارد، اما مدل داداشی بیشتر بر ابعاد فردی و شخصی تاب‌آوری متمرکز است. درحالی‌که مدل‌های دیگر تاب‌آوری اغلب به صورت کلی به توانایی افراد در مقابله با مشکلات می‌پردازند، این پژوهش به طور خاص بر روابط زناشویی و تعاملات میان همسران تمرکز دارد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

در این پژوهش، غربال روایات بر اساس ضعف کتاب و ضعف سند انجام نشده است. غربال بدین دو جهت دقت در پژوهش را بیشتر خواهد کرد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود بسته آموزشی برای ارتقای تاب‌آوری همسران بر اساس منابع اسلامی و مبتنی بر مؤلفه‌های استخراج‌شده طراحی گردد؛ همچنین پرسش‌نامه‌ای در زمینه تاب‌آوری همسران با اتکا به منابع اسلامی تدوین شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابروی، بهروز (۱۴۰۲). تأثیر آموزش بخشش درمانی در صمیمیت زناشویی و تاب‌آوری زوجین. *کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روان‌شناسی و مشاوره*.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۶۲ الف). *الخصال*. تحقیق: علی‌اکبر غفاری. قم: الجامعة المدرسین.
- ایدلخانی، شیرین و حیدری، حسن (۱۳۹۶). سنجش اثربخشی آموزش تاب‌آوری بر سلامت روان و کیفیت زندگی همسران جانبازان. *روان‌شناسی نظامی*، ۷(۲۷)، ۶۷-۸۰.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *پژوهش*، ۳(۲)، ۱۵-۴۴.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *نهج الفصاحه*. تهران: دنیای دانش.
- حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۰). *روش‌های و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت ع.
- خطیب، سیدمهدی؛ آذربایجانی، مسعود؛ پسندیده، عباس؛ جان‌بزرگی، مسعود و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۴۰۱). تدوین الگوی مفهومی مقابله دینی با استرس بر اساس آموزه‌های قرآن کریم: نظریه داده بنیاد. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۱(۱)، ۷۵-۴۶.

- داداشی، مهدی؛ لزگی، علینقی و خطیب، سیدمهدی (۱۴۰۳). مدل مفهومی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی: نظریه داده بنیاد. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۸(۱)، ۴۸-۲۶.
- دماری، بهزاد؛ مسعودی فرید، حبیب‌اله؛ حاجبی، احمد؛ درخشان‌نیا، فریبا و احسانی چیمه، الهام (۱۴۰۱). روند شاخص‌ها، عوامل مؤثر و مداخلات طلاق در ایران. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۲۸(۱)، ص ۸۹-۷۶.
- رستگارسب، میترا و حاجی‌لو، مریم (۱۴۰۱). پیش‌بینی کیفیت رابطه زناشویی بر اساس تاب‌آوری زوجین. *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۵(۵۳)، ۱۰۷-۱۲۷.
- ریحانیان، فاطمه؛ قربان‌پور لقمجانی، امیر و رعدی افسوران، نقی (۱۴۰۲). نقش میانجی تاب‌آوری و بخشودگی در رابطه بین سبک زندگی اسلامی با تعارضات زناشویی. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱۱(۳۰)، ۷۸-۵۷.
- زارع میرک‌آباد، اعظم؛ قربان جهرمی، رضا؛ خادمی اشکذری، ملوک و شیوندی چلیچه، کامران (۱۴۰۲). تدوین بسته آموزش شادکامی اسلامی: ارزیابی اثربخشی آن بر سازگاری زناشویی و تاب‌آوری زوجین دارای تعارض زناشویی. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۴(۴)، ۱۹۱-۱۹۰.
- زهراکار، کیانوش؛ کرمی، خبات و بزرگ‌منش، کاملیا (۱۳۹۳). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس «تاب‌آوری خانواده» سیکسبسی. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۵(۱۸)، ۱۵۶-۱۳۳.
- شاهمیری، سیدمهدی (۱۳۹۶). *الگوی تاب‌آوری با رویکرد اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۸(۱۵)، ۳۸۷-۳۸۷.
- صیدی، محمدسجاد؛ پورابراهیم، تقی؛ باقریان، فاطمه و منصور، لادن (۱۳۹۰). رابطه بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲(۵)، ۷۹-۶۳.
- عاملی جیبی، زین‌الدین بن نورالدین علی بن احمد (شهید ثانی) (۱۴۰۷ق). *مُسْكُنُ الْفَوَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْبَةِ وَالْأَوْلَادِ*. قم: آل‌البیت.
- صیدی، محمدسجاد؛ پورابراهیم، تقی؛ باقریان، فاطمه و منصور، لادن (۱۳۹۰). رابطه بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲(۵)، ۷۹-۶۳.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الاخلاق*. قم: الشریف الرضی.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۷). *تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمانی لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی در نشانگان افسردگی*. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۳۹۳). *احیاء علوم‌الدین*. تهران: فردوس.
- کاکاوند، علیرضا؛ شیرمحمدی، فرهاد؛ جعفری، عسل و حاجی‌امیدی، سمیرا (۱۳۹۹). نقش میانجی ناگویی هیجانی و اضطراب ناشی از کرونا در ارتباط بین تاب‌آوری با تعارضات زناشویی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۴(۱۶)، ۱۵۹-۱۴۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الاسلامیه)*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار (ط - بیروت)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی اشتهااردی، محمد (۱۳۸۹). *داستان دوستان*. قم: بوستان کتاب.
- محمدی، معصومه (۱۴۰۲). *رابطه تاب‌آوری خانواده و سلامت اجتماعی با نگرش به طلاق زوجین شهر جاجرمد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه پیام نور مرکز بجنورد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *سرشت و سرنوشت*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). *سیری در سیره نبوی*. تهران: صدرا.
- موزیری، عباس (۱۳۹۹). *تدوین و اعتبارسنجی مدل تاب‌آوری خانواده ایرانی*. رساله دکتری مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی.
- مهدی‌قلی، محمدرضا؛ دوکانه‌ای فرد، فریده و جهانگیر، پانته‌آ (۱۴۰۲). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر دل‌زدگی زناشویی و تاب‌آوری زوجین جوان. *خانواده درمانی کاربردی*، ۴(۲)، ۵۹-۴۷.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت.

- Bowden, V. R. (2010). *Children and Their Families: The Continuum of Care*. Wolters Kluwer Lippincott Williams & Wilkins.
- Elo, Satu & Kyngas, Helvi. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115.
- Fletcher, D. & Sarkar, M. (2013). Psychological resilience. *European psychologist*.
- Glaser, Barney G. & Strauss, Anselm L. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Chicago :Aldire.
- Harris, K. I. (2016). Heroes of resiliency and reciprocity: teachers' supporting role for reconceptualizing superhero play in early childhood settings. *astoral Care in Education*, 34(4), 202-217.
- Hsieh, Hsiu-Fang & Shannon, Sarah E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Ogelman, H. G. & Erol, A. (2015). Examination of the predicting effect of the resiliency levels of parents on the resiliency levels of preschool children. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 186, 461-466.
- Ong, A. D., Liu, Z. & Cintron, D. W. (2023). Five challenges for hope and resilience research. *Current Opinion in Psychology*, 49, 101538.
- Steuber, K. R. (2005). Adult attachment, conflict style and relationship satisfaction: comprehensive model. Unpublished master 's thesis, Del aware university
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research*. Sage publications
- Theron, L. C. & Theron, A. M. (2014). Education services and resilience rocesses: Resilient Black South African students' experiences. *Children and Youth Services Review*, 47, 297-306.
- Trier, Jost. (1931). *Der deutsche Wortschatz im Sinnbezirk des Verstandes: Von d. Anfängen bis zum Beginn d. 13. Jh*. Carl Winter.
- Tugade, M. M. & Fredrickson, B. L. (2004). Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. *Journal of personality and social psychology*, 86(2), 320.
- vander Plas, M. L. E. (2008). Automatic lexico-semantic acquisition for question answering.
- Walsh, F. (2016). Family resilience: A developmental systems framework. *European journal of developmental psychology*, 13(3), 313-324.
- Weisgerber, Leo. (1954). *Von den Kräften der deutschen Sprache*. 2, Vom Weltbild der deutschen Sprache: Halbbd. 2. Die sprachliche Erschließung der Welt. Schwann

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (ص ۱۳۳-۱۵۵)

مؤلفه های مفهومی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی

Conceptual Components of Emotional Divorce Based on Islamic Sources

که محمد رضا نجفی / کارشناسی ارشد روان شناسی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.
محمد رضا احمدی / دانشیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم، ایران.

حسین رضائیان بیلندی / استادیار گروه خانواده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

✉ **Mohammad Reza Najafi** / M.A. in Psychology, Ethics and Education Institute of Higher Education, Qom, Iran. m.r.najafi137010@gmail.com
Mohammad Reza Ahmadi / Associate Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. m.r.ahmadi@iki.ac.ir
Hossein Rezaian Bilondi / Assistant Professor, Department of Family, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran. hrbilondi@rihu.ac.ir

Abstract

This study was conducted with the aim of identifying the components of emotional divorce based on Islamic sources. The present study was carried out using a qualitative content analysis and a descriptive-survey method. First, concepts related to emotional divorce were extracted from the Qur'an and narrations (hadiths) using open coding, axial coding, and selective coding methods; then, the validity of the components was confirmed by nine experts in psychology and Islamic sciences using CVR and CVI indices. The findings of the data analysis led to the identification of six main components in the structure of emotional divorce, which are: 1. Emotional instability (decrease in affection and empathy); 2. Incompatibility (destructive behaviors such as humiliation); 3. Turning away (ignoring the spouse's needs); 4. Lack of commitment (violation of marital rights); 5. Disobedience (failure to fulfill duties); 6. Sexual dysfunction

چکیده

طلاق عاطفی به عنوان شکل غیررسمی گسست زناشویی، نیازمند بازخوانی تحلیلی و مفهومی بیشتر است. این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه های طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی انجام شد. مطالعه حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی و توصیفی - زمینه یابی اجرا گردید. ابتدا مفاهیم مرتبط طلاق عاطفی با روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی از قرآن و روایات استخراج شد؛ سپس روایی مؤلفه ها توسط نه متخصص روان شناسی و علوم اسلامی با شاخص های CVR و CVI تأیید گردید. یافته های تحلیل داده ها به شناسایی شش مؤلفه اصلی در ساختار طلاق عاطفی انجامید که عبارتند از: ۱. تزلزل عاطفی (کاهش محبت و همدلی)؛ ۲. ناسازگاری (رفتارهای مخرب مانند تحقیر)؛ ۳. روی گردانی (بی توجهی به نیازهای همسر)؛ ۴. عدم تعهد (نقض حقوق زناشویی)؛ ۵. نافرمانی (عدم تمکین

(disorder in sexual relations). Therefore, emotional divorce is a multidimensional phenomenon that is formed from the interaction of emotions and behaviors. The presented components, with a validity index above 0.75, enjoy favorable content validity and can be used in future research, counseling interventions, and the prevention of family harms.

Key words: Emotional Divorce, Conceptual Components, Islamic Sources, Qualitative Content Analysis, Validation.

به وظایف؛ ۶. ناکارآمدی جنسی (اختلال در روابط جنسی). بنابراین طلاق عاطفی پدیده‌ای چندسطحی است که از تعامل عواطف و رفتار شکل می‌گیرد. مؤلفه‌های ارائه‌شده با شاخص روایی بالای ۰/۷۵ از اعتبار محتوایی مطلوبی برخوردار است و می‌تواند در پژوهش‌های آینده، مداخلات مشاوره‌ای و پیشگیری از آسیب‌های خانوادگی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: طلاق عاطفی، مؤلفه‌های مفهومی، منابع اسلامی، تحلیل محتوای کیفی، اعتباریابی.

مقدمه

نهاد خانواده، بستر اصلی شکل‌گیری تعاملات انسانی است و کیفیت این تعاملات نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روانی و کارکردی خانواده ایفا می‌کند (عظیمی، اکبری، صالحی و نورمحمدی، ۱۳۹۹، ص ۴۹). یکی از شاخص‌های برجسته در ارزیابی سلامت خانواده، رضایت زناشویی است که از طریق کاهش تنیدگی و ارتقای توان حل تعارض، منجر به بهبود کیفیت روابط زوجین و ارتقای سطح بهداشت روانی خانواده می‌گردد (باقری شیخانگش و فتحی آشتیانی، ۱۴۰۰، ص ۴۷). در این میان، یکی از پدیده‌های نگران‌کننده که با نارضایتی زناشویی پیوندی تنگاتنگ دارد، گسست عاطفی یا طلاق عاطفی است؛ مسئله‌ای که به‌عنوان یکی از جدی‌ترین معضلات روابط زناشویی شناخته می‌شود (زوبریک، سیلبرن و دیموجو، ۲۰۰۶).

پل بوهانان طلاق عاطفی را نخستین مرحله در فرایند فروپاشی روابط زناشویی می‌داند که در آن، احساس بیگانگی به‌تدریج جایگزین پیوندهای عاطفی می‌شود (بوهانان، ۱۹۷۰^۲، به نقل از: اولسن^۳ و دفراین، ۲۰۰۶^۴، ص ۴۴۹). به باور او، طلاق عاطفی وضعیتی دردناک است که بین دو گزینه تلخ تسلیم و نفرت از خود یا سلطه‌گری همراه با نفرت از خود، تجربه می‌شود؛ وضعیتی که در آن، هریک از زوجین از سر ناامیدی و اندوه، دیگری را آزار می‌دهد. این نوع طلاق، با فقدان اعتماد، احترام و محبت میان زوجین همراه است و رابطه‌ای ایجاد می‌کند که در آن، حمایت متقابل جای خود را به سرزنش، ناکامی، تخریب عزت‌نفس و جست‌وجوی عیوب یکدیگر می‌دهد (بوهانان، ۱۹۷۰، به نقل

1. Zubrick, S. R., Silberberg, P. & Demujo, D.
2. Bohanan, Paul
3. Olsen, D. H.
4. DeFrain, J.

از: لاور،^۱ ۲۰۰۷، ص ۳۵۱). از نگاه گلدنبرگ (۱۳۸۷، ص ۸۶)، طلاق عاطفی بیانگر نوعی فاصله ملموس و آشکار بین همسرانی است که گرچه در یک محیط فیزیکی مشترک زندگی می‌کنند، اما به دلیل ناپختگی‌های فردی و عدم رشد عاطفی، دچار گسست جدی در ارتباط هیجانی هستند؛ چنان‌که حتی تلاش یک‌جانبه یکی از زوجین برای ایفای نقش مسئولانه، از سوی دیگری نادیده گرفته می‌شود. در این وضعیت، زندگی مشترک ظاهراً تداوم دارد، اما ارتباط واقعی و صمیمانه میان زوجین از میان رفته است یا به سطحی خشک و فاقد رضایت تقلیل یافته است (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۳). چنین روابطی با ایجاد احساس سرخوردگی، دل‌زدگی و کاهش تدریجی توان جسمی، روانی و عاطفی همراه است و در نهایت به بی‌اعتمادی، تحقیر، سرزنش متقابل، بی‌توجهی و در نهایت جدایی عاطفی می‌انجامد (شریفی ساعی، ۱۴۰۲، ص ۱۸۰).

با توجه به شدت و پیچیدگی پیامدهای ناشی از طلاق عاطفی، این پدیده به یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران حوزه خانواده تبدیل شده است. اگرچه طلاق رسمی در جامعه ایران رشد قابل توجهی یافته و به نوعی قبح اجتماعی خود را از دست داده است، اما اطلاعات آماری دقیق و در دسترس در این زمینه، امکان بررسی علمی و تحلیل آن را فراهم ساخته است. این در حالی است که طلاق عاطفی به دلیل ماهیت پنهان و غیررسمی خود، در آمارهای رسمی انعکاس نمی‌یابد. با این حال، پژوهشگران بر این باورند که میزان واقعی آن احتمالاً چندین برابر طلاق رسمی بوده و از نظر تأثیرگذاری، حتی پیامدهای مخرب‌تری نیز دارد (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۴). بر این اساس، توجه به طلاق عاطفی به‌عنوان پدیده‌ای پیش‌زمینه‌ای و بنیادین نسبت به طلاق رسمی، از ضرورت‌های پژوهش در حوزه آسیب‌شناسی خانواده به‌شمار می‌آید. بسیاری از مطالعات حاکی از آن‌اند که طلاق رسمی تنها نمایانگر بخشی از بحران موجود در خانواده‌هاست و آنچه در بطن خانواده در جریان است، سطح پنهان‌تری از جدایی عاطفی است که غالباً بدون ثبت و گزارش باقی می‌ماند (رشید، حسنون، نبی‌زاده و رشتی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸).

طلاق عاطفی به‌عنوان یکی از پدیده‌های پنهان و تدریجی در فرایند فروپاشی روابط زوجین، پیامدهایی عمیق‌تر از طلاق رسمی بر جای می‌گذارد و به‌ویژه در حوزه روان‌شناسی خانواده، ابعاد آسیب‌زای آن به‌طور فزاینده مورد تأکید قرار گرفته است. از مهم‌ترین آسیب‌های روانی ناشی از این پدیده می‌توان به افسردگی، اضطراب، کاهش اعتمادبه‌نفس، انزوا و گوشه‌گیری در زوجین اشاره کرد (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۴۶). افزون بر این، تأثیر این اختلال رابطه‌ای در سطح فرزندان نیز

مشهود است؛ به‌گونه‌ای که ممکن است به بزهکاری، پرخاشگری و افت تحصیلی در فرزندان منجر شود. این پیامدها نه تنها بر ساختار خانواده، بلکه بر پیکره جامعه نیز اثرگذار است؛ به‌گونه‌ای که ازهم‌گسیختگی نهاد خانواده، منجر به تزلزل بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی نظام کلان می‌گردد (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۴۶).

بر اساس منابع اسلامی، پدیده طلاق عاطفی دارای مؤلفه‌های مشخصی است که در متون دینی به آنها اشاره شده است. قرآن کریم با بیان ویژگی‌های رابطه زناشویی مطلوب - شامل مودت، رحمت و سکون (روم: ۲۱) - به صورت ضمنی به نشانه‌های انحراف از این الگوی مطلوب نیز پرداخته است. در روایات معصومین علیهم‌السلام مؤلفه‌های عینی‌تری، مانند سردی روابط (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۴۴)، کاهش ارتباط کلامی (حر عاملی، ۱۹۸۹م، ج ۲۰، ص ۱۶۳) و عدم ایفای حقوق زوجین (شیخ صدوق، ۱۹۹۲م، ج ۳، ص ۲۷۶) به عنوان شاخصه‌های طلاق عاطفی مطرح شده‌اند. منابع فقهی نیز با تأکید بر مفهوم نشوز و عسر و حرج، چارچوبی برای تشخیص این پدیده ارائه کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که متون اسلامی نه تنها به توصیف رابطه مطلوب زناشویی پرداخته است، بلکه با تبیین نشانه‌های انحراف از این رابطه، در واقع مؤلفه‌های طلاق عاطفی را نیز ترسیم کرده است.

با وجود اهمیت و گستره این پدیده، طلاق عاطفی در فضای پژوهشی، همچنان با کم‌توجهی مواجه بوده است. این در حالی است که بسیاری از پژوهشگران طلاق عاطفی را نه تنها مقدمه طلاق رسمی، بلکه پدیده‌ای بنیادین‌تر می‌دانند که قبل از وقوع طلاق قانونی آغاز می‌شود و بستر اصلی آن را فراهم می‌سازد. باین‌حال، مرور پیشینه تجربی حاکی از آن است که اغلب مطالعات انجام‌شده در این زمینه، صرفاً با رویکردی روان‌شناختی و آن هم محدود به جوامع آماری کوچک و زمینه‌های فرهنگی خاص طراحی شده‌اند. به عنوان نمونه، در پژوهش «نقش میانجیگر سرسختی روان‌شناختی بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی در زوجین» (عظیمی، حسینی، عارفی و پرندین، ۱۳۹۸)، به نقش متغیرهای فردی پرداخته شده است. در مطالعه «رابطه بین طلاق عاطفی و بهزیستی روان‌شناختی با روابط فرازناشویی زنان» (فلاح، ۱۳۹۸)، موضوع در بافت رفتاری خاصی بررسی شده است. پژوهش «عوامل اثرگذار بر طلاق عاطفی و دل‌زدگی زناشویی زوجین» (علیزاده، ۱۳۹۹) نیز، در محدوده عوامل روان‌شناختی متمرکز است. همچنین در تحقیق «پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی، صمیمیت زناشویی و هوش هیجانی زوجین» (رضایی و رضایی، ۱۳۹۹)، پیوند متغیرهای هیجانی و شناختی بررسی شده است. در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی با میانجیگری تاب‌آوری» (علاقبند، شریفی، فرزاد و آقاییوسفی، ۱۳۹۹)، سازه‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا وارد مدل شده‌اند. پژوهش «الگوی علی روابط بین گرایش به خیانت زناشویی بر

اساس مصرف رسانه با میانجی نگرش‌های ناکارآمد و طلاق عاطفی» (جهاندار لاشکی، ۱۳۹۹)، بر نقش رسانه تأکید دارد. در تحقیق «مدل علت‌یابی طلاق عاطفی در زنان بر اساس صفات تاریک شخصیت با نقش میانجی عزت‌نفس جنسی» (بشیرپور، فریور و عبادی، ۱۴۰۰)، دیدگاه‌های شخصیت‌شناسی وارد میدان شده‌اند. در مطالعه «مدل علی‌گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجیگری دل‌زدگی زناشویی (مطالعه موردی: شهرستان قصرشیرین)» (خسروی، مرادی، احمدیان و یوسفی، ۱۳۹۸)، نقش الگوهای ارتباطی بررسی شده است. همچنین در پژوهش کیفی «تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق: یک پژوهش کیفی» (خجسته‌مهر، بهمنی، سودانی و عباسپور، ۱۳۹۹) و «تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن» (رضانی‌فر، کلدی و قدیمی، ۱۴۰۰)، تلاش‌هایی برای تحلیل زمینه‌ای موضوع صورت گرفته است.

نکته قابل توجه در مرور این مطالعات آن است که علی‌رغم تنوع نظری و روش‌شناختی، هیچ‌یک از آنها با رویکردی اسلامی و مبتنی بر منابع دینی طراحی نشده‌اند. همگی این پژوهش‌ها یا صرفاً به جنبه‌های روان‌شناختی پرداخته‌اند یا از لحاظ فرهنگی مبتنی بر چارچوب‌های غربی بوده‌اند. تنها در برخی مطالعات محدود، نشانه‌هایی از گرایش به آموزه‌های دینی به چشم می‌خورد. از جمله این موارد می‌توان به پژوهش «مدل مفهومی عوامل تعارض زوجین در قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان» (رفیعی‌هنر، شاملی، صفورایی و صالحی، ۱۴۰۰)، مطالعه «طلاق عاطفی و راهکارهای قرآنی پیشگیری از آن» (یوسفی‌مقدم و دین‌پرست، ۱۴۰۰)، تحقیق «واژگان مرتبط با طلاق عاطفی در فقه اسلامی» (مجیدی نظامی، ۱۴۰۰) و پژوهش «الگوی تصمیم‌گیری برای طلاق بر اساس منبع اسلامی در فرایند مشاوره زوجین» (مخدومی، ۱۴۰۲) اشاره کرد.

بررسی کلی این پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که تا کنون مطالعه‌ای جامع و ساختارمند که به‌طور اختصاصی به تدوین مؤلفه‌های مفهومی طلاق عاطفی مبتنی بر منابع اسلامی بپردازد، ارائه نشده است. برخی از این مطالعات تنها به مفاهیم کلی دینی پرداخته‌اند یا فاقد انسجام نظری و روش‌شناختی برای ارائه مدلی روان‌شناختی قابل کاربرد در حوزه خانواده بوده‌اند. این خلأ پژوهشی، به‌ویژه در فضای پژوهش‌های بین‌رشته‌ای میان روان‌شناسی خانواده و مطالعات اسلامی، به‌وضوح احساس می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این نیاز، بر آن است تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مفهومی موجود در منابع اسلامی و بر پایه تحلیل کیفی، مؤلفه‌های مفهومی برای طلاق عاطفی ارائه کند. انتظار می‌رود این مؤلفه‌ها بتواند علاوه بر کمک به گسترش مرزهای نظری در حوزه روان‌شناسی خانواده، زمینه‌ساز طراحی مداخلات بومی و فرهنگی برای مقابله با این پدیده پنهان در جامعه ایرانی گردد. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های مفهومی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی است.

روش پژوهش

این پژوهش به دنبال تبیین مؤلفه‌های مفهومی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی است. از همین رو جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی^۱ سیه و شانون^۲ استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی برای بررسی کلمات، مفاهیم، واژه‌ها، مضامین عبارات و جملات خاص از یک متن یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود (سیه و شانون، ۲۰۰۵). در این راستا، جملات توصیفی و تبیینی مرتبط با طلاق عاطفی در قرآن و روایات اسلامی به‌طور دقیق بررسی شده و با استفاده از فرایندهای کدگذاری باز اولیه و ثانویه، محوری و انتخابی، مفاهیم و مؤلفه‌های مرتبط استخراج شده‌اند (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۳۹۷). هدف از این مرحله، شناسایی عناصر کلیدی طلاق عاطفی در چارچوب آموزه‌های اسلامی بوده است. همچنین در جهت روایی‌یابی، از روش توصیفی زمینه‌یابی^۳ استفاده شده است. روش توصیفی زمینه‌یابی برای بررسی اتفاق نظر کارشناسان خبره درباره یک موضوع، رتبه‌بندی نظرات (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۲، ص ۸۴) و به‌طور کلی، «روایی محتوایی»^۴ استفاده می‌شود. نمونه‌گیری در این پژوهش، غیرتصادفی^۵ و از نوع هدفمند^۶ است. متداول‌ترین نمونه‌گیری در روش‌های کیفی، نمونه‌گیری هدفمند یا همان معیار - محور^۷ است.

این پژوهش در گام تشکیل حوزه معنایی و استخراج مؤلفه‌های مفهومی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی، دارای جامعه متنی و برای بررسی روایی محتوایی مفاهیم مشیر به طلاق عاطفی و مؤلفه‌های مفهومی آن، دارای یک جامعه آماری است.

۱. جامعه متنی پژوهش در استخراج مؤلفه‌های مفهومی طلاق عاطفی: منظور از جامعه در این بخش، کلیه جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات و روایات است. در این بخش به‌منظور استخراج مفاهیم مشیر به طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی از روش معناشناسی زبانی استفاده شد. شالوده حوزه معنایی این است که اشتراک در یک ویژگی می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌های در یک حوزه باشد (شجاعی، جان‌بزرگی، عسگری، غروی و پسندیده ۱۳۹۳، ص ۱۳). این روش بر دو شیوه تحلیل مؤلفه‌ای^۸ و معناشناسی ساخت‌گرا استوار است (لیونز،^۹ ۲۰۰۹، به نقل از: نوری و همکاران،

-
1. qualitative content analysis
 2. Hsieh, H. F. & Shannon, S. E.
 3. survey
 4. content validity
 5. nonrandom
 6. purposive sampling
 7. criterion sampling
 8. componential analysis
 9. Lyons, J.

۱۳۹۵، ص ۱۱) که در این پژوهش از هر دو شیوه استفاده شده است. با تشکیل حوزه معنایی طلاق عاطفی در لغت، در نهایت ۲۴ لغت به دست آمد که عبارت‌اند از: العزل، العاطفه، القطع، تفريق، الحرمان، زوج المطلق، الزوال، الحب، الخال، الفتره، المسافه، النزاع، التعارض، الشقاق، الوثوق، العهد، الزام، السلاله، الشعور، العاشر، الاندماج، القرباه، الفصل، الطلاق (نجفی، احمدی و رضائیان بیلندی، ۱۴۰۳). در مرحله بعد، بر اساس کلیدواژه‌ها و مفاهیم مرتبط در حوزه معنایی، جست‌وجویی نظام‌مند در منابع اسلامی انجام شد. در این فرایند، منابع روایی درجه «الف»، «ب» و «ج» بر مبنای طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۳) مورد جست‌وجو و بررسی قرار گرفتند. همچنین برای افزایش جامعیت و تعمیق داده‌ها، کتاب تحکیم خانواده (محمدی ری‌شهری و پسندیده، ۱۳۸۹) به‌طور کامل و بخش‌های مرتبط از کتاب میزان/الحکمه (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

۲. جامعه آماری پژوهش در بررسی روایی محتوایی: جامعه آماری این بخش را کارشناسان خبره‌ای که در حیطه فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح باشند، تشکیل می‌دهد (سیف، ۱۳۹۰، به نقل از: عباسی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). از همین رو کارشناسان این پژوهش نه نفر بوده که دارای تحصیلات حوزوی در سطوح سوم یا چهارم، فارغ‌التحصیل بودند و در تحصیلات دانشگاهی روان‌شناسی نیز دارای مدرک تخصصی دکتری یا در حال تدوین پایان‌نامه دکتری بودند.

در نهایت برای بررسی روایی مؤلفه‌های طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی از ضریب‌های نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) با کمک جدول خبرگان استفاده شده است (لاوشه^۱، ۱۹۷۵). تمامی مؤلفه‌ها با میانگین نمرات بالاتر از حد استاندارد (۰/۷۵) مورد تأیید قرار گرفتند. این نتایج نشان‌دهنده توافق کامل میان کارشناسان بوده و بیانگر این است که مؤلفه‌های طراحی شده دارای روایی محتوایی قابل قبولی برای استفاده در پژوهش‌های بعدی هستند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده پدیده طلاق عاطفی ارائه شده است. این مؤلفه‌ها با ترکیب یکپارچه، به تدوین مؤلفه‌های مفهومی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی منجر شده‌اند. در نهایت، شش مؤلفه اصلی شامل تزلزل عاطفی، ناسازگاری، نافرمانی، ناکارآمدی جنسی، روی‌گردانی و متعهد نبودن شناسایی گردیده است که این مؤلفه‌ها به‌عنوان پایه‌های اساسی در شکل‌گیری و توضیح پدیده طلاق عاطفی مطرح شده و در ادامه به تفصیل بررسی می‌شوند.

در فرآیند استخراج مؤلفه «ناسازگاری» به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی طلاق عاطفی، بیش از ۷۰ روایت مورد تحلیل قرار گرفت. در مرحله کدگذاری اولیه، تعداد ۴۸ کد استخراج شد. در ادامه، با تحلیل‌های عمیق‌تر و تجمیع مفاهیم مشابه، ۳۰ کد باز ثانویه شناسایی گردید. از میان آنها، ۸ کد به‌عنوان کدهای محوری انتخاب شدند که به‌صورت مفهومی، ابعاد مختلف ناسازگاری را پوشش می‌دادند. در نهایت، یکی از این کدهای محوری، به‌عنوان کد انتخابی تعیین و به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در شکل‌گیری طلاق عاطفی معرفی گردید که در جدول (۱) ارائه گردید. این کدها نشان‌دهنده نوع و کیفیت روابط زوجین در زمینه‌های مختلف، از جمله رفتار، زبان، نحوه ارتباطات و نحوه مدیریت احساسات است، به‌ویژه در این مجموعه، رفتارهای ناپسند مانند بدخلقی، بدزبانی، فحاشی، تحقیر و اهانت که در روابط میان زوجین بروز می‌کنند، به شدت بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر گذاشته و موجب تزلزل در روابط عاطفی و روانی می‌شوند. علاوه بر این، رفتارهای منفی همچون تهمت زدن، سوءظن، سرکشی و لجاجت نیز، نقش مهمی در ایجاد شکاف عاطفی و کاهش ارتباط مؤثر دارند. در این پژوهش، نشانگان دیگری همچون عدم مدارا، ناتوانی در گذشت از اشتباهات طرف مقابل، و برخوردهای نامتعارف نیز شناسایی شدند که در روابط زناشویی اختلال ایجاد می‌کنند. این نشانگان تأثیرات منفی زیادی بر همسران و روابط آنها دارند، به‌ویژه زمانی که یکی از طرفین در مدیریت احساسات خود، مانند عدم کنترل خشم و بدرفتاری در مواقع تنش ناتوان است. همچنین عدم چشم‌پوشی از اشتباهات یکدیگر و عدم توانایی در بخشیدن گناهان به‌طور مستقیم به کاهش محبت و صمیمیت منجر می‌شود.

جدول ۱: ناسازگاری

ردیف	کدهای باز ثانویه	کد محوری	کد انتخابی
۱	اذیت کردن زن مرد را	بدخلقی	ناسازگاری
۲	اذیت کردن مرد زن را		
۳	بداخلاقی زن با مرد		
۴	بداخلاقی کردن		
۵	خوش‌برخورد نبودن		
۶	بددهنی	بددهنی	
۷	بدلحنی		
۸	بی‌حوصله و بلند صحبت کردن		
۹	بدصحتی		

ردیف	کدهای باز ثانویه	کد محوری	کد انتخابی
۱۰	خشونت رفتاری	بدر رفتاری	
۱۱	رفتار نامتعارف		
۱۲	برخورد غیر انسانی		
۱۳	رفتار نامناسب		
۱۴	توهین کردن	تحقیر کردن	
۱۵	فحش دادن		
۱۶	بی احترامی		
۱۷	احترام نکردن زن		
۱۸	تهمت ناروا	تهمت زدن	
۱۹	سوءظن به زنا		
۲۰	ارتباط گیری بد	سازگار نبودن	
۲۱	مانع تراشی		
۲۲	مخالفت کردن		
۲۳	سرکشی زن		
۲۴	لج بازی زن	لج بازی	
۲۵	لج بازی مرد		
۲۶	عیب یکدیگر را آشکار کردن		
۲۷	جواب بدی را با بدی دادن		
۲۸	عدم مدارا	مدارا نکردن	
۲۹	چشم پوشی نکردن		
۳۰	نبخشیدن		

در فرآیند شناسایی مؤلفه «تزلزل عاطفی» به‌عنوان یکی از ابعاد طلاق عاطفی، تعداد ۳۸ روایت گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفت. از این تحلیل، ۲۲ کد اولیه استخراج شد؛ سپس با انجام کدگذاری باز ثانویه، ۱۶ کد شناسایی گردید که بیانگر ابعاد مختلف تزلزل عاطفی بودند. از میان آنها، ۸ کد با بیشترین تکرار و ارتباط مفهومی، به‌عنوان کدهای محوری انتخاب شدند که در جدول (۲) ارائه شده است. نبود آرامش در زندگی مشترک به‌طور مستقیم با کاهش صمیمیت و نزدیکی میان زوجین ارتباط دارد. هنگامی که آرامش در رابطه از بین می‌رود، شکاف‌های عاطفی بین طرفین بیشتر می‌شود و موجب سردی و انفعال عاطفی در روابط می‌گردد. در این وضعیت، فقدان هماهنگی و همدلی در رابطه به‌وضوح مشاهده می‌شود. نشانگان تزلزل عاطفی به‌طور خاص در رفتارهایی مانند کوتاهی در ابراز احساسات، بی‌توجهی به نیازهای عاطفی همسر، و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی یکدیگر ظاهر می‌شود.

بی‌میلی به برقراری ارتباط عاطفی و فقدان همدلی نیز از جمله رفتارهای رایجی هستند که موجب فاصله گرفتن زوجین از یکدیگر می‌شود. رفتارهایی مانند تعلل کردن، بی‌ رغبت بودن، و عدم توجه به احساسات طرف مقابل نیز، از دیگر نشانگان تزلزل عاطفی هستند که باعث کاهش محبت و همدلی میان زوجین می‌شوند. در نهایت، این روند می‌تواند به شکل‌گیری شکاف عاطفی و کاهش اعتماد متقابل منجر شود.

جدول ۲: تزلزل عاطفی

ردیف	کدهای باز ثانویه	کد محوری	کد انتخابی
۱	سلب آرامش	آرامش نداشتن	تزلزل عاطفی
۲	از بین رفتن آرامش		
۳	نبود صمیمت و آرامش متقابل		
۴	ناز کردن برای دیگران	خودنمایشی برای دیگران	
۵	به دنبال جلب توجه دیگران بودن		
۶	ناراحت شدن	دلخوری	
۷	تعلل کردن	عدم تمایل عاطفی	
۸	بی‌توجهی به رابطه		
۹	کوتاهی در توجه کردن به همسر		
۱۰	بی‌میلی عاطفی		
۱۱	انفعال عاطفی	سرد شدن روابط	
۱۲	ناپوستگی عاطفی	شکاف عاطفی	
۱۳	دوست نداشتن	محبت نکردن به یکدیگر	
۱۴	ابراز علاقه نکردن		
۱۵	درک نکردن	همدلی نکردن با یکدیگر	
۱۶	دلسوز هم نبودن		

در فرآیند شناسایی مؤلفه «روی‌گردانی» به‌عنوان یکی از ابعاد طلاق عاطفی، ۶۰ روایت مورد تحلیل قرار گرفت که منجر به استخراج ۳۵ کد اولیه شد؛ سپس ۱۹ کد باز ثانویه شناسایی گردید و در ادامه، ۴ کد به‌عنوان کدهای محوری انتخاب شد. در نهایت، یکی از این کدها به‌عنوان مؤلفه اصلی «روی‌گردانی» معرفی گردید که در جدول (۳) ارائه شده است. این مؤلفه‌ها به‌طور خاص بر اهمیت ارتباطات و تعاملات زوجین در زندگی زناشویی تأکید دارند. از جمله مسائلی که در این مؤلفه مطرح است، می‌توان به بی‌توجهی به امور منزل، عدم همکاری و همراهی در کارهای خانه و عدم توجه به مهارت‌های ارتباطی اشاره کرد. این مشکلات می‌توانند به کاهش کیفیت روابط زناشویی و ایجاد فاصله

عاطفی بین زوجین منجر شوند. علاوه بر این، عدم آراستگی برای همسر و عدم توجه به زیبایی‌های فردی در زندگی مشترک نیز به عنوان عواملی برجسته شناخته شدند که می‌توانند بر روابط زناشویی تأثیرگذار باشند. همچنین عدم وقت‌گذاری مشترک و عدم همراهی در فعالیت‌های اجتماعی یا خانوادگی از دیگر چالش‌های مهم در این زمینه است. در نهایت، این مؤلفه‌ها به‌طور کلی بر عدم تعامل و پیوند عاطفی میان زوجین تأثیر می‌گذارند که می‌تواند زمینه‌ساز بروز طلاق عاطفی شود.

جدول ۳: روی گردانی

ردیف	کدهای باز ثانویه	کد محوری	کد انتخابی
۱	بی‌اهمیتی به امور منزل	بی‌اهمیتی به امور منزل	روی گردانی
۲	بی‌تفاوتی	تلاش نکردن برای مهارت‌های ارتباطی	
۳	عدم تعلیم معروف‌ها		
۴	بد شوهرداری		
۵	تمیز نبودن	عدم آراستگی	
۶	خودآرایی نکردن برای همسر		
۷	آرایش برای دیگران		
۸	عدم همنشینی	وقت نگذاشتن با یکدیگر	
۹	وقت گذاشتن با غیرهمسر		
۱۰	در کنارش نبودن		
۱۱	معاشرت نداشتن		
۱۲	وقت مفید برای خانواده نداشتن		
۱۳	وقت نگذاشتن برای همسر		
۱۴	در کنار همسر نبودن		
۱۵	در کنار هم نبودن		
۱۶	یاری نکردن	همراهی نکردن در کارهای همسر	
۱۷	عدم همراهی		
۱۸	عدم خدمت به همسر		
۱۹	عدم همراهی		

در راستای شناسایی مؤلفه «متعهد نبودن» به عنوان یکی از ابعاد طلاق عاطفی، ۲۷ روایت مورد تحلیل قرار گرفت که منجر به استخراج ۱۷ کد اولیه شد. در مرحله کدگذاری باز ثانویه، ۱۱ کد شناسایی گردید و در نهایت ۴ کد به عنوان کدهای محوری انتخاب شد. از میان آنها، یک کد به عنوان مؤلفه اصلی «متعهد نبودن» معرفی گردید که در جدول (۴) آورده شده است. این مؤلفه‌ها بیشتر بر مسائل مربوط به امانت‌داری و تعهدات متقابل در روابط زناشویی تأکید دارند. در این راستا، مسائل مربوط به حفظ اسرار همسر و رعایت حقوق متقابل میان زوجین برجسته شده است، به‌ویژه در این زمینه، وفاداری به تعهدات

و احترام به حقوق یکدیگر از جمله نکات کلیدی هستند که به‌طور مستقیم بر کیفیت و پایداری رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارند. عدم رعایت حقوق زناشویی و عدم پایبندی به تعهدات در زندگی مشترک، می‌تواند موجب ایجاد شکاف‌های عاطفی و کاهش اعتماد متقابل شود که در نهایت به کاهش کیفیت زندگی زناشویی منتهی خواهد شد. علاوه بر این، عدم مراقبت از همسر و عدم همراهی در شرایط مختلف زندگی از دیگر عواملی است که می‌تواند بر روابط زناشویی تأثیر منفی بگذارد و موجب بروز مشکلات جدی در زندگی مشترک گردد.

جدول ۴: مؤلفه متعهد نبودن

ردیف	کدهای باز ثانویه	کد محوری	کد انتخابی
۱	امانت‌دار نبودن در اسرار و اموال	امانت‌دار نبودن	متعهد نبودن
۲	عدم اطمینان در غیاب همسر		
۳	مالزرم همسر نبودن	بدون اجازه از منزل خارج شدن	
۴	کوتاهی در ادای حقوق یکدیگر	رعایت نکردن حقوق زناشویی	
۵	عدم رعایت حقوق متقابل		
۶	عدم وفاداری	مسئولیت‌پذیر نبودن	
۷	محافظت نکردن		
۸	بی‌غیرتی		
۹	وظیفه‌شناسی		
۱۰	عمل نکردن به تعهدات		
۱۱	عدم مراقبت		

در فرآیند شناسایی مؤلفه «نافرمانی» به‌عنوان یکی از ابعاد طلاق عاطفی، ۲۳ روایت مورد تحلیل قرار گرفت که منجر به استخراج ۱۲ کد اولیه شد؛ سپس ۷ کد باز ثانویه شناسایی گردید و در ادامه، ۲ کد به‌عنوان کدهای محوری انتخاب شد. در نهایت، یکی از این کدها به‌عنوان مؤلفه اصلی «نافرمانی» معرفی گردید که در جدول (۵) آمده است. این مؤلفه‌ها به رفتارهای نافرمانی و عدم اطاعت در روابط زناشویی اشاره دارند که عمدتاً بر اطاعت زن از همسرش متمرکز هستند. در این راستا، موضوعاتی مانند عدم اجازه گرفتن زن برای خروج از منزل، عدم امتثال اوامر همسر و نافرمانی زن از همسر به‌طور برجسته مطرح شده‌اند. رفتارهایی همچون عدم اجابت دعوت‌های همسر و تمکین نکردن از اوامر همسر نیز، به‌عنوان نمونه‌هایی از نافرمانی در نظر گرفته شده که تأثیر قابل توجهی بر روابط زناشویی دارند. این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده اهمیت اطاعت و احترام متقابل در زندگی مشترک هستند و عدم رعایت این اصول می‌تواند به بروز مشکلات جدی در رابطه منتهی شود.

جدول ۵: نافرمانی

ردیف	کدهای باز ثانویه	کد محوری	کد انتخابی
۱	اجازه نگرفتن برای خروج	نافرمانی زن از همسر	نافرمانی
۲	بدون اجازه خارج شدن		
۳	اطاعت نکردن زن از همسرش		
۴	اطاعت‌ناپذیری		
۵	عدم امتثال اوامر		
۶	عدم اجابت		
۷	نافرمانی زن		

مؤلفه ناکارآمدی جنسی

در راستای شناسایی مؤلفه «ناکارآمدی جنسی» به‌عنوان یکی از ابعاد طلاق عاطفی، ۳۷ روایت مورد تحلیل قرار گرفت که منجر به استخراج ۲۳ کد اولیه شد. در ادامه، ۱۶ کد باز ثانویه شناسایی گردید و ۴ کد به‌عنوان کدهای محوری انتخاب شد. نهایتاً یکی از این کدها به‌عنوان مؤلفه اصلی «ناکارآمدی جنسی» معرفی گردید که در جدول (۶) آورده شده است و به موضوع ناکارآمدی جنسی در روابط زناشویی اشاره دارد. این مؤلفه به مسائل مختلف جنسی در روابط زوجین پرداخته و به اختلالات و مشکلات جنسی مانند ارتباط جنسی نامتعارف، تنوع‌طلبی جنسی، عدم رضایت جنسی، و خیانت جنسی اشاره دارد؛ همچنین موضوعاتی مانند عدم تمکین جنسی، بی‌میلی جنسی، لج‌بازی جنسی و طرد جنسی نیز به‌طور جدی در نظر گرفته شده‌اند. به‌علاوه، بی‌اعتنایی جنسی و عدم تأمین نیاز جنسی از دیگر مسائلی هستند که می‌توانند به سردی روابط و کاهش کیفیت زندگی مشترک منجر شوند. در این راستا، توجه به مسائل جنسی و اهمیت تمکین جنسی به‌عنوان یک جزء اساسی از رابطه زناشویی مورد تأکید قرار گرفته است.

جدول ۶: ناکارآمدی جنسی

ردیف	کدهای باز ثانویه	کد محوری	کد انتخابی
۱	ارتباط جنسی نامتعارف	اختلال جنسی	ناکارآمدی جنسی
۲	عدم محافظت از غریزه جنسی		
۳	ارتباط جنسی متعدد		
۴	تنوع‌طلبی جنسی		
۵	عدم رضایت جنسی		
۶	ارتباط جنسی با غیرهمسر	خیانت جنسی	ناکارآمدی جنسی
۷	هرزگی		
۸	فاحشگی		

ردیف	کدهای باز ثانویه	کد محوری	کد انتخابی
۹	بی میلی جنسی	روی گردانی جنسی	
۱۰	خودداری کردن جنسی		
۱۱	عدم تمکین جنسی		
۱۲	محدودیت جنسی		
۱۳	تعطل کردن برای رابطه جنسی		
۱۴	لج بازی جنسی	طرد جنسی	
۱۵	عدم تأمین نیاز جنسی		
۱۶	بازداری جنسی		

روایی‌سنجی مؤلفه‌های طلاق عاطفی

برای ارزیابی روایی محتوایی مؤلفه‌ها، شرایط علی و پیامدها، از نه متخصص در حوزه اسلام و روان‌شناسی بهره گرفته شد. این متخصصان شامل فارغ‌التحصیلان سطح دکتری در روان‌شناسی و سطح سوم و چهارم حوزوی بودند. انتخاب این گروه از متخصصان با هدف ترکیب دانش روان‌شناسی و معارف اسلامی صورت گرفت تا ارزیابی دقیق‌تری از جنبه‌های نظری پژوهش حاصل شود.

برای تعیین میزان روایی محتوا از ضریب‌های نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) با کمک جدول خبرگان استفاده شد (لاوشه^۱، ۱۹۷۵). تمامی مؤلفه‌ها با میانگین نمرات بالاتر از حد استاندارد (۷۸٪) مورد تأیید قرار گرفت که در جدول (۷) منعکس شده است. این نتایج نشان‌دهنده توافق کامل میان کارشناسان بوده و بیانگر این است که مؤلفه‌های طراحی‌شده دارای روایی محتوایی قابل قبولی برای استفاده در پژوهش‌های بعدی هستند.

جدول ۷: روایی محتوای داده‌های مربوط به مؤلفه‌های طلاق عاطفی

ردیف	مؤلفه‌ها	CVR			CVI			میانگین نمرات کارشناسان
		تعداد کارشناسان	نمره	وضعیت	تعداد کارشناسان	نمره	وضعیت	
۱	تزلزل عاطفی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۶۷
۲	ناسازگاری	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۹۰
۳	روی‌گردانی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۷۸
۴	متعهد نبودن	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۸۲
۵	نافرمانی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۴
۶	ناکارآمدی جنسی	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۷۸

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق عاطفی به‌عنوان یک پدیده زناشویی، به نشانه‌هایی از بی‌علاقگی و سردی عاطفی بین زوجین اشاره دارد که در آن ارتباطات عاطفی و محبت میان آنها از بین می‌رود. این وضعیت در پدیده طلاق عاطفی که بر اساس منابع اسلامی به شکل تزلزل عاطفی نمایان می‌شود، در آن زوجین به‌جای ابراز علاقه و نزدیکی، به انفعال عاطفی و فاصله گرفتن از یکدیگر دچار می‌شوند. این پدیده در روابط زناشویی، خود را در روی‌گردانی، یعنی بی‌تمایلی زوجین به همنشینی و گذراندن وقت با یکدیگر، به‌طور مشهود نشان می‌دهد. در چنین شرایطی، انرژی و توجه آنها به دیگران معطوف می‌شود و از مراقبت و توجه به نیازهای همسر خود غافل می‌مانند. در همین راستا، نافرمانی و عدم پایبندی به تعهدات زناشویی به‌طور واضح مطرح است. نشانه‌هایی مانند عدم اطاعت از خواسته‌های همسر و بی‌توجهی به حقوق یکدیگر، گواهی بر شکاف‌های عاطفی در این نوع روابط است. علاوه بر این، ناکارآمدی جنسی به‌عنوان یکی دیگر از نشانه‌های طلاق عاطفی، به بی‌تمایلی به برقراری رابطه جنسی اشاره دارد که خود یکی از مهم‌ترین ارکان سلامت زندگی زناشویی است.

یافته‌های پژوهش نشان داد، تزلزل عاطفی یکی از چالش‌های عمده در زندگی زناشویی است که می‌تواند پیامدهای جدی بر روابط زوجین داشته باشد. این مشکل اغلب به دلیل عدم همدلی، محبت نکردن و شکاف عاطفی ایجاد می‌شود و می‌تواند باعث بروز آرامش نداشتن و خودنمایی برای دیگران شود. آرامش^۱ (روم: ۲۱) یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج است و فقدان آن می‌تواند زمینه‌ساز دلخوری^۲ (نوری، ۱۴۰۸ق) و روی‌گردانی عاطفی^۳ (طبرسی، ۱۴۱۲ق) میان زوجین باشد. به همین دلیل، ایجاد فضایی آرام و محبت‌آمیز در زندگی مشترک اهمیت زیادی دارد. همچنین خودنمایی برای دیگران و عدم توجه به احساسات یکدیگر^۴ (نوری، ۱۴۰۸ق) می‌تواند به دلخوری و در نهایت تزلزل عاطفی منجر شود، به‌ویژه برای زنان که نیاز بیشتری به درک و محبت دارند^۵ (نوری، ۱۴۰۸ق).

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (روم: ۲۱).
۲. «فِي حَدِيثِ الْحَوْلَاءِ...: قَالَتْ: فَمَا لِلنِّسَاءِ عَلَى الرِّجَالِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ...: فَأَشْفِقُوا عَلَيْهِنَّ، وَطَيَّبُوا قُلُوبَهُنَّ حَتَّى يَقِفْنَ مَعَكُمْ، وَلَا تَكْرَهُوا النِّسَاءَ وَلَا تَسْخَطُوا بِهِنَّ، وَلَا تَأْخُذُوا بِمَا أَتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا بِرِضَاهُنَّ وَإِذْنِهِنَّ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲، ح ۱۶۶۲۷).
۳. «قَالَتْ خَوْلَةُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي أَعْطَرُ لِرَوْحِي كَأَنِّي عَرُوسٌ أَزِفُ إِلَيْهِ فَآتِيهِ فِي لِحَافِهِ فَيَوَلِّي عَنِّي، ثُمَّ أَتِيهِ مِنْ قِبَلِ وَجْهِهِ فَيَوَلِّي عَنِّي، فَأَرَاهُ قَدْ أَبْغَضَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَمَاذَا تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: إِنِّي أَلْقَى اللَّهَ وَأَطِيعُ رُوحَكَ. قَالَتْ: فَمَا حَقِّي عَلَيْهِ؟ قَالَ: حَقُّكَ عَلَيْهِ أَنْ يُطْعِمَكَ مِمَّا يَأْكُلُ، وَيَكْسُوكَ مِمَّا يَلْبَسُ، وَلَا يَطْلُمُ وَلَا يَصِيحُ فِي وَجْهِكَ. قَالَتْ: فَمَا حَقُّهُ عَلَيَّ؟ قَالَ: حَقُّهُ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَخْرُجِي مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَصُومِي تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَتَصَدَّقِي مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَإِنْ دَعَاكَ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ تُجِيبِيهِ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۹، ح ۱۶۰۵).
۴. «عَنْهُ ﷺ: فِي قِصَّةِ الْحَوْلَاءِ: يَا حَوْلَاءُ، لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزِمَ بَيْتَهُ، وَتَوَدِّدَهُ وَتُحِبَّهُ وَتُشْفِقَهُ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴).
۵. «فِي حَدِيثِ الْحَوْلَاءِ...: قَالَتْ: فَمَا لِلنِّسَاءِ عَلَى الرِّجَالِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ...: فَأَشْفِقُوا عَلَيْهِنَّ، وَطَيَّبُوا قُلُوبَهُنَّ حَتَّى يَقِفْنَ مَعَكُمْ، وَلَا تَكْرَهُوا النِّسَاءَ وَلَا تَسْخَطُوا بِهِنَّ، وَلَا تَأْخُذُوا بِمَا أَتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا بِرِضَاهُنَّ وَإِذْنِهِنَّ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲، ح ۱۶۶۲۷).

از دیگر نشانه‌های تزلزل عاطفی می‌توان به عدم تمایل و شکاف عاطفی^۱ اشاره کرد. زمانی که زوجین از ابراز احساسات خودداری کنند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و نسبت به یکدیگر بی‌رغبت^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق) شوند، این عدم انگیزه می‌تواند به انفعال عاطفی و سرد شدن روابط^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق) منجر گردد. همچنین فقدان محبت و همدلی^۵ (تحریم: ۱) میان زوجین یکی از عوامل اصلی تزلزل عاطفی است. در این راستا، ابراز محبت و توجه به نیازهای عاطفی یکدیگر می‌تواند به تقویت روابط و جلوگیری از شکاف عاطفی کمک کند. به‌طور کلی، زوجین باید با همدیگر همدل باشند و تلاش کنند تا رابطه‌ای پایدار و مملو از محبت و درک متقابل داشته باشند.

بر اساس نتایج تحقیق حاضر ناسازگاری در زندگی زناشویی می‌تواند عامل اصلی فروپاشی روابط عاطفی و افزایش تنش میان زوجین باشد. این ناسازگاری‌ها معمولاً به‌صورت بدخلقی^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق)، بدرفتاری^۷ (نساء: ۱۹)، تحقیر کردن^۸ (نوری، ۱۴۰۸ق)، تهمت زدن^۹ (نور: ۶)، لجبازی^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق) و عدم مدارا بروز پیدا می‌کنند. بدخلقی و بدرفتاری میان زوجین به شدت بر آرامش زندگی مشترک تأثیر می‌گذارد. در این راستا، احترام متقابل و ارتباط خوب از الزامات اصلی روابط

۱. «إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء: ۳۵).

۲. «إمام الصادق: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ - حُبُّ النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۰).

۳. «أَبِي جَعْفَرٍ: قَالَ: لَا يَبْنِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسُهَا وَلَوْ تَعَلَّقَتْ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً وَلَا يَبْنِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِصَابِ وَلَوْ تَمَسَّحَتْ مَسْحًا بِالْجَنَاءِ وَإِنْ كَانَتْ مُسْتَبَةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۹): «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النِّسَاءَ أَنْ يَتَّبِلْنَ وَ يُعْطِلْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۹).

۴. «رسول الله ﷺ: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: "إِنِّي أُحِبُّكَ" لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۹).

۵. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تَحَرَّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْنِي مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تحریم: ۱).

۶. «عنه ﷺ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟ مَنْ لَانَ مِنْكِ، وَحَسَنَ خُلُقُهُ، وَأَكْرَمَ زَوْجَتَهُ إِذَا قَدَرَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۳، ۴۶۷): «رسول الله ﷺ: مَنْ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ سُرُورًا، خَلَقَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ خَلْقًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۶، ص ۳۷۹).

۷. «وَعَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹): «قَالَتْ خَوْلَةُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي أَعْطَرُ لِرَوْحِي كَأَنِّي عَرُوسٌ أَزِفُ إِلَيْهِ فَاتِيهِ فِي لِحَافِهِ فَيَقُولِي عَنِّي، ثُمَّ أَتِيهِ مِنْ قِبَلٍ وَجْهِهِ فَيَقُولِي عَنِّي، فَأَرَاهُ قَدْ ابْغَضَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَمَاذَا تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: اتَّقِي اللَّهَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ. قَالَتْ: فَمَا حَقِّي عَلَيْهِ؟ قَالَ: حَقُّكَ عَلَيْهِ أَنْ يُطْعِمَكَ مِمَّا يَأْكُلُ، وَيَكْسُوكَ مِمَّا يَلْبَسُ، وَلَا يُلْطِمُ وَلَا يَصْبِحُ فِي وَجْهِكَ. قَالَتْ: فَمَا حَقُّهُ عَلَيَّ؟ قَالَ: حَقُّهُ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَخْرُجِي مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَصُومِي تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَتَصَدَّقِي مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَإِنْ دَعَاكَ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ تُجِيبِي» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۹، ح ۱۶۰۵).

۸. «رسول الله ﷺ: - فِي خَيْرِ الْحَوَالِ: - لَا حَوْلَاءَ، لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ... وَلَا تُشْرِكْ مَعَهُ أَحَدًا فِي أَوْلَادِهِ، وَلَا تَهْنِئَهُ وَلَا تُشْقِيَهُ، وَلَا تَخُونَهُ... فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كَانَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابُهُ بِوَجْهِ مُنِيرٍ...» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴، ح ۱۶۶۰۴).

۹. «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ» (نور: ۶).

۱۰. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: شَرُّ أَرْبَابِكُمْ الْمُعْقَرَةُ الذِّسَّةُ اللَّجُوجَةُ الْعَاصِيَةُ الذَّلِيلَةُ فِي قَوْمِهَا الْعَزِيزَةُ فِي نَفْسِهَا الْحَصَانُ عَلَى زَوْجِهَا الْهَلُوكُ عَلَى غَيْرِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۷).

زناشویی محسوب می‌شوند. علاوه بر این، بددهنی و تحقیر کردن همسر به شدت نکوهش شده^۱ (ابن حنبل، بی تا) و می‌تواند به فروپاشی عاطفی و روانی رابطه منجر شود؛ از این رو زوجین باید به یکدیگر احترام بگذارند و از هرگونه تحقیر و بدزبانی پرهیز کنند.

لجبازی و مدارا نکردن نیز، از دیگر نشانه‌های ناسازگاری در روابط زناشویی هستند. لجبازی و سرسختی می‌تواند مشکلات و اختلافات را تشدید کند؛ بنابراین زوجین باید به بخشش و گذشت از اشتباهات یکدیگر توجه کنند. مدارا کردن و صبوری در برابر اشتباهات طرف مقابل به تقویت روابط و غلبه بر تنش‌ها کمک می‌کند^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق). در نهایت، با رعایت اصول اخلاقی، احترام متقابل و محبت^۳ (انعام: ۹۸)، زوجین می‌توانند از بروز رفتارهای ناسازگارانه جلوگیری کرده و زندگی زناشویی موفق و پایداری را برای خود بنا کنند.

همچنین یافته‌ها نشان داد روی گردانی در روابط زناشویی به معنای عدم توجه به نیازهای عاطفی، روانی و فیزیکی همسر است. این پدیده در زمینه‌هایی مانند بی‌اهمیتی به امور منزل^۴ (ابویعلی، ۱۴۱۰ق)، عدم تلاش برای بهبود مهارت‌های ارتباطی^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق)، عدم آراستگی برای همسر^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق)، وقت نگذاشتن برای یکدیگر^۷ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و عدم همراهی در کارهای زندگی نمود پیدا می‌کند. بی‌توجهی به امور منزل از نشانگان شکاف‌های عاطفی در روابط می‌باشد. از همین رو هر دو طرف باید در مسئولیت‌های خانه مشارکت کنند تا صمیمیت و محبت بیشتری در رابطه شکل بگیرد. همچنین عدم توجه به مهارت‌های ارتباطی می‌تواند به سردتر شدن روابط و فاصله بین زوجین منجر شود؛ بنابراین زوجین باید به تقویت ارتباطات خود و یادگیری مهارت‌های جدید توجه کنند.

۱. «قُلْتُ لِمَاشَءَ: كَيْفَ كَانَ خَلْقُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي أَهْلِهِ؟ قَالَتْ: كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا، لَمْ يَكُنْ فَاحِشًا وَلَا مَتَفَحِّشًا، وَلَا سَخَابًا إِلَّا سَوَاقًا، وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ مِثْلَهَا، وَلَكِنْ يَغْفُو وَيَصْفَحُ» (ابن حنبل، بی تا، ج ۱۰، ص ۷۵، ح ۲۶۰۴۹).

۲. «عَنْهُ ﷺ: إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفَوْ عَيْشُكَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۵۶۰۷).

۳. «هُوَ الَّذِي أَتَشَاكُمُ مِنْ نَفْسِي وَاحِدَةً فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ» (انعام: ۹۸).

۴. «عَنْ أَنَسٍ: أَتَتْ النِّسَاءُ النَّبِيَّ ﷺ فَقُلْنَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذَهَبَ الرِّجَالُ بِالْفَضْلِ بِالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَمَا لَنَا عَمَلٌ نُدْرِكُ بِهِ عَمَلَ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ! قَالَ: مِهْنَةٌ إِحْدَاكُمُ فِي بَيْتِهَا تُدْرِكُ عَمَلَ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (ابویعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳۳۰۳).

۵. «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ ﷺ - فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: قُوا أَنْفُسَكُمْ قَالَ: كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا؟ قَالَ: تَأْمُرُونَهُمْ وَتَنْهَوْنَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۲، ح ۳).

۶. «رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ لِمَا رَأَى مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهِ: أَنْ يَتَزَيَّنَ لَهَا كَمَا تَتَزَيَّنُ لَهُ فِي غَيْرِ مَاثِمٍ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۵۲۱، ح ۸۹۵۳): «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: شَرُّ رَأْسَانِكُمُ الْمَعْرِفَةُ الدِّسَّةَ الْجَوْجَةَ الْعَاصِيَةَ الدَّلِيلَةَ فِي قَوْمِهَا الْعَزِيزَةَ فِي نَفْسِهَا الْحَصَانَ عَلَى زَوْجِهَا الْهَلُوكَ عَلَى غَيْرِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۷).

۷. «رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَعَّ مِنْ يَعُولٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲، ح ۹).

عدم آراستگی و وقت نگذاشتن برای یکدیگر نیز از عوامل مؤثر در روی‌گردانی هستند. آراستگی نشان‌دهنده اهمیت فرد به روابطش است و نداشتن آن می‌تواند به دوری‌گزینی زوجین شدت دهد. همچنین زوجین باید وقت بیشتری را با یکدیگر سپری کنند^۱ (نساء: ۱۹) و به نیازهای همدیگر گوش دهند؛ چراکه این وقت‌گذاری به تحکیم روابط کمک می‌کند. در نهایت، همکاری در کارهای روزمره و توجه به یکدیگر نه تنها وظیفه‌ای دینی است، بلکه زمینه‌ساز ایجاد و حفظ تفاهم و دوستی در زندگی زناشویی خواهد بود. با تلاش برای بهبود این ابعاد، زوجین می‌توانند روابط خود را قوی‌تر و پایدارتر کنند.

تعهد^۲ (نوری، ۱۴۰۸ق) و مسئولیت‌پذیری^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق) زوجین نسبت به یکدیگر یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق خانواده^۴ در روابط زناشویی است. یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی طلاق عاطفی تعهدگریزی است که به اشکال مختلفی مانند امانت‌دار نبودن، خروج از منزل بدون اجازه، رعایت نکردن حقوق زناشویی و عدم مسئولیت‌پذیری بروز می‌کند. این رفتارها موجب کاهش اعتماد و صمیمیت بین زوجین شده و بنیان خانواده را متزلزل می‌کند. امانت‌داری در روابط زناشویی نه تنها در امور مالی، بلکه در امور اخلاقی و عاطفی نیز حائز اهمیت است^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق). همچنین خروج زن از منزل بدون اجازه همسر به عنوان نقض حقوق زناشویی تلقی می‌شود و نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی و مشورت در زندگی مشترک است. رعایت حقوق زناشویی، وقت گذاشتن و مراقبت^۶ (مجلسی، ۱۴۰۷ق) از همسر، از دیگر عوامل مؤثر در تقویت روابط است. مرد باید به همسرش مهارت‌های ارتباطی را آموزش دهد و زن نیز باید در امور شخصی و خانوادگی همراهی کند. به‌طور کلی، تعهد و مسئولیت‌پذیری از پایه‌های اصلی زندگی زناشویی هستند که با رعایت امانت‌داری و حقوق زناشویی و مراقبت^۷ (کلینی، ۱۴۰۷ق) تقویت می‌شوند. زوجین با همراهی و وقت گذاشتن برای یکدیگر می‌توانند روابط خود را مستحکم کرده و از بروز مشکلات جدی جلوگیری کنند.

۱. «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹).

۲. «رسول الله ﷺ - فِي خَيْرِ الْخَوَلَاءِ ... وَتَوَفَّى بِعَهْدِهِ وَوَعْدِهِ، وَتَقَى صَوْلَاتِهِ، وَلَا تُشْرِكْ مَعَهُ أَحَدًا فِي أَوْلَادِهِ...» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴، ح ۱۶۶۰۴).

۳. «الإمام علي عليه السلام: كُلُّ امْرِئٍ مَسْئُولٌ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ وَعِيَالُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۷۲۵۴).

۴. «رسول الله ﷺ: أَلَا إِنَّ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا، وَلِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا، فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ فَلَا يُوْطِنَنَّ فَرْشَكُمْ مِنْ تَكَرُّهٍ، وَلَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكْرَهُونَ، أَلَا وَحَقُّهُنَّ عَلَيْكُمْ أَنْ تُحْسِنُوا إِلَيْهِنَّ فِي كِسْوَتِهِنَّ وَطَعَامِهِنَّ» (ترمذی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۶۷، ح ۱۱۶۳؛ ج ۵، ص ۲۷۴، ح ۳۰۸۷).

۵. «قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۷).

۶. «الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ الْجَنَّةَ لَيُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ، وَلَا يَجِدُهَا عَائِقٌ وَلَا دَبُوثٌ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الدَّبُوثُ؟ قَالَ: الَّذِي تَرْنِي أَمْرَاتُهُ وَهُوَ يَعْلَمُ» (مجلسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷۹، ص ۱۱۴، ح ۱).

۷. «الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَعِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خَلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشَرَةً جَمِيلَةً، وَسَعَةً بِتَقْدِيرٍ، وَغَيْرَةً بِتَحْصُنٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق).

نافرمانی زن از همسر^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و نادیده گرفتن حقوق زناشویی می‌تواند به بروز مشکلات عمیق در زندگی زناشویی منجر شود. همان‌طور که گفته شده است طلاق عاطفی زمانی رخ می‌دهد که زوجین به لحاظ عاطفی از یکدیگر جدا شوند؛ گرچه هنوز به لحاظ قانونی در ازدواج به سر می‌برند. یکی دیگر از نشانگان کلیدی در طلاق عاطفی، فرمان‌بری نکردن زن از همسر خود است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق). این رفتارها نه تنها موجب تضعیف اعتماد و احترام میان زوجین می‌شود، بلکه می‌تواند به تدریج به نظام خانواده ضربه بزند و تا حدی پیش رود که زوجین را به سمت طلاق رسمی بکشاند. برای جلوگیری از بروز طلاق عاطفی، زوجین باید به تفاهم و تعامل متقابل پایبند باشند. اطاعت‌پذیری زن^۳ (نساء: ۳۴) از همسر به‌عنوان یک عامل کلیدی در حفظ تعادل و هماهنگی در خانواده، نقش مهمی ایفا می‌کند. وقتی زن به اوامر همسر خود تمکین می‌کند، این عمل نشان‌دهنده احترام به نقش او در زندگی مشترک است و می‌تواند به ایجاد احساس رضایت و ارزشمندی در مرد منجر شود. به‌طور کلی، توجه به حقوق و نیازهای عاطفی یکدیگر و تعامل مثبت می‌تواند از بروز فاصله عاطفی و مشکلات جدی جلوگیری کرده و زمینه‌ساز یک زندگی موفق و پایدار باشد.

آخرین مؤلفه اصلی طلاق عاطفی، ناکارآمدی جنسی است که به یکی از چالش‌های اساسی زندگی زناشویی در دنیای امروز تبدیل شده و می‌تواند به بروز مشکلات جدی در روابط بین زوجین منجر شود. این ناکارآمدی به اشکال مختلفی همچون اختلال جنسی^۴ (اعراف: ۸۱)، خیانت^۵ (نوری، ۱۴۰۸ق)، روی‌گردانی^۶ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و طرد جنسی^۷ (بقره: ۲۲۳) بروز می‌کند. برآورده نشدن نیازهای جنسی

۱. «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوُدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الذَّالِيَّةُ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةِ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ أَلْتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا يَذَلَّتْ لَهُ مَا يَرِيدُ مِنْهَا وَلَمْ تَبْدُلْ كِتَابَ الرِّجْلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴).

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ نِسَائِكُمُ الذَّالِيَّةُ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَقُودُ أَلْتِي لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحِ الْمُتَبَرِّجَةِ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا خَضِرَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَلَا تُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَعْلُهَا تَمَنَّتْ مِنْهُ كَمَا تَمْنَعُ الصَّعْبَةَ عَنْ رُكُوبِهَا لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عَذْرًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۵).

۳. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتُ لُغَيْبٍ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء: ۳۴).

۴. «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ» (اعراف: ۸۱).

۵. «رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - فِي خَيْرِ الْحَوَالَةِ - يَا حَوْلًا، لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ، وَتُدَدَهُ وَتُحِبَّهُ وَتُسَفِّقَهُ، وَتَحْتَبِ سَخَطَهُ وَتَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ، وَتُوفِيَ بَعْدَهُ وَوَعْدَهُ، وَتَقْبِلَ صَوْلَاتِهِ، وَلَا تُشْرِكْ مَعَهُ أَحَدًا فِي أَوْلَادِهِ...» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴، ح ۱۶۶۰۴).

۶. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ شِرَارُ نِسَائِكُمُ الْمُعْقَرَةُ الدَّنَسَةُ اللَّجُوجَةُ الْفَاصِيَةُ الذَّالِيَّةُ فِي قَوْمِهَا الْعَزِيزَةُ فِي نَفْسِهَا الْحَصَانُ عَلَى زَوْجِهَا الْهَلُوكُ عَلَى غَيْرِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۷)؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ نِسَائِكُمُ الذَّالِيَّةُ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَقُودُ أَلْتِي لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحِ الْمُتَبَرِّجَةِ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا خَضِرَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَلَا تُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَعْلُهَا تَمَنَّتْ مِنْهُ كَمَا تَمْنَعُ الصَّعْبَةَ عَنْ رُكُوبِهَا لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عَذْرًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۵).

۷. «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ وَقَدْ مَوَّاهُمْ أَنْفُسُكُمْ وَأَنْتُمْ اللَّهُ وَعَلِمَاؤُكُمْ أَنْتُمْ مَلَأُوهُ وَبَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳)؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۶).

به‌طور متعارف می‌تواند به افزایش مشکلات عاطفی و نارضایتی در زندگی زناشویی منجر شود. از سوی دیگر، زیاده‌روی در شهوت می‌تواند به تخریب بنیان خانواده و بروز اختلالات جنسی منجر شود؛ بنابراین نیاز است که زوجین نسبت به محافظت از یکدیگر در برابر تحریکات و آسیب‌های خارجی توجه کنند و غریزه جنسی خود را در چارچوب خانواده حفظ نمایند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق).

توجه به اصول اخلاقی در روابط زناشویی و پرهیز از ارتباطات غیرمجاز با دیگران، از اهمیت بالایی برخوردار است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق). ارتباط جنسی با غیرهمسر می‌تواند به گمراهی و تخریب اعتماد بین زوجین منجر شود^۳ (نساء: ۲۴). همچنین عدم تمکین جنسی^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق) و نشوز در زنان می‌تواند^۵ (نساء: ۳۴) به احساس بی‌ارزشی و سردی در روابط منجر شود؛ بنابراین آمادگی زن برای تمکین جنسی و توجه به نیازهای جنسی یکدیگر می‌تواند به حفظ صمیمیت و نزدیکی در زندگی زناشویی کمک کند.

به‌صورت کلی یافته‌های پژوهش نشان داد که طلاق عاطفی، پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است که در منابع اسلامی نیز ریشه‌های مفهومی و ساختاری آن قابل شناسایی است. پدیده استخراج‌شده متشکل از مؤلفه‌هایی همچون تزلزل عاطفی، ناسازگاری رفتاری، روی‌گردانی هیجانی، ضعف در تعهد زناشویی، نافرمانی و ناکارآمدی جنسی، حاکی از آن است که این پدیده نه صرفاً یک اختلال رابطه‌ای ساده، بلکه نمود گسستی تدریجی در نظام روان‌شناختی، اخلاقی و رفتاری خانواده است. تحلیل آیات و روایات، ظرفیت قابل توجهی در ارائه الگوهای نظری و مداخله‌ای فراهم آورد که می‌تواند در جهت بازسازی روابط زوجین، به‌ویژه در حوزه مشاوره خانواده اسلامی، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این پژوهش با تأکید بر پیوند میان مفاهیم دینی و بنیان‌های روان‌شناختی، زمینه‌ساز توسعه الگوهای بومی برای پیشگیری، شناسایی زود هنگام، و درمان طلاق عاطفی در بافت فرهنگی و ارزشی جامعه ایرانی است. بر این اساس، پژوهش حاضر گامی مقدماتی، اما اساسی در جهت نظریه‌پردازی دینی در حوزه آسیب‌شناسی خانواده محسوب می‌شود و افق‌هایی تازه برای تحقیقات کاربردی در مشاوره، آموزش خانواده و سیاست‌گذاری اجتماعی می‌گشاید.

۱. «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلَدُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّيْلَةُ مَعَ بَعْثِهَا الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ أَلَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتَطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا يَدَّتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهَا وَلَمْ تَبْدُلْ كِتَابُ الرَّجُلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۲۴).

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ رَجُلِكُمْ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ. قَالَ: إِنَّ مِنْ خَيْرِ رَجُلِكُمُ التَّقِيُّ، التَّقِيَّ، السَّمْحُ الْكَفِينُ، التَّقِيُّ الطَّرْقِينُ، الْبَرُّ بِوَالِدَيْهِ، وَلَا يُلْجِئُ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۷، ح ۷).

۳. «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۲۴).

۴. «هَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النِّسَاءَ أَنْ يَتَّبِلْنَ وَيُعْطِلْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۹).

۵. «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعُظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۳۴).

این پژوهش با وجود دستاوردهای ارزشمند در شناسایی مؤلفه‌های طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی، با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو بوده است. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به عدم بررسی عمیق منابع اهل سنت و عدم تمرکز در منابع صحیح السند اشاره کرد که می‌تواند جامعیت و اعتبار پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد؛ همچنین نمونه‌گیری محدود به نه متخصص و عدم استفاده از روش‌های کمی برای تکمیل تحلیل کیفی، از دیگر چالش‌هایی است که می‌تواند بر تعمیم‌پذیری و اعتبار نتایج تأثیر بگذارد. در راستای توسعه این حوزه پژوهشی، پیشنهاد می‌شود ابتدا الگوی فرایندی طلاق عاطفی با استفاده از یافته‌های این تحقیق تدوین گردد تا چارچوبی نظام‌مند برای درک این پدیده ارائه شود؛ پس از آن، می‌توان بر اساس این الگو، پرسش‌نامه‌ای استاندارد طراحی کرد که امکان سنجش دقیق طلاق عاطفی در جوامع اسلامی را فراهم آورد؛ در گام بعدی، توسعه بسته‌های آموزشی پیشگیرانه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و منطبق با الگوی فرایندی تدوین‌شده می‌تواند به مداخلات مؤثرتر در این حوزه منجر شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی‌تا). مسند الإمام أحمد بن حنبل. جده: دار المنهاج.
- ابویعلی، احمد بن علی (۱۴۱۰ق). مسند أبي يعلى الموصلي. بیروت: دار المأمون للتراث.
- باقری شیخانگفته، فرزین و فتحی آشتیانی، علی (۱۴۰۰). نقش رضایت زناشویی و رضایت جنسی طی همه‌گیری کروناویروس ۲۰۱۹ در سلامت روانی خانواده‌ها. *خانواده‌پژوهی*، ۱۷(۶۵)، ۴۵-۶۲.
- بشیرپور، سجاد؛ فریور، مهران و عبادی، متینه (۱۴۰۰). مدل علی‌یابی طلاق عاطفی در زنان بر اساس صفات تاریک شخصیت: با نقش میانجی عزت‌نفس جنسی. *مطالعات زن و خانواده*، ۹، ۴-۱.
- بوهانان، پل (۱۹۷۰). به نقل از: لاور (۲۰۰۷). *مبانی جامعه‌شناسی خانواده*. ترجمه علی تقوی. تهران: رشد.
- بوهانان، پل (۱۹۷۰). *طلاق عاطفی به عنوان اولین مرحله از فرایند طلاق*. به نقل از: اولسن، د. و دفراين، ج. (۲۰۰۶).
- پویایی خانواده و فرایندهای طلاق. ترجمه علی‌رضا محسنی. تهران: آوای نور.
- ترمذی، محمد بن عیسی (بی‌تا). سنن الترمذی. ریاض: مکتبة المعارف للنشر و التوزیع.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: الفردوس.
- جهاندار لاشکی، سمانه (۱۳۹۹). الگوی علی روابط بین گرایش به خیانت زناشویی بر اساس مصرف رسانه با میانجی نگرش‌های ناکارآمد و طلاق عاطفی. *روان‌شناسی روابط*، ۲۱(۳)، ۵۸-۷۱.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۹۸۹م). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
- خجسته‌مهر، رضا؛ بهمنی، ابوطالب؛ سودانی، منصور و عباسپور، ذبیح‌الله (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق: یک پژوهش کیفی. *دستاوردهای روان‌شناختی*، ۲۷(۱)، ۳۳-۴۶.
- خسروی، جهانبخش؛ مرادی، امید؛ احمدیان، حمزه و یوسفی، ناصر (۱۳۹۸). مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجیگری دل‌زدگی زناشویی: مطالعه موردی شهرستان قصرشیرین. *روان‌شناسی اجتماعی خانواده*، ۱۴(۳)، ۹۸-۱۱۲.

- رشید، خسرو؛ حسوند، فضل‌اله؛ نبی‌زاده، صفدر و رشتی، عابده (۱۳۹۸). بررسی عوامل برون‌فردی مؤثر بر طلاق عاطفی در میان زنان. *مطالعات زن و خانواده*، ۷(۱)، ۱۱۷-۱۳۷.
- رضایی، مریم و رضایی، سحر (۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی، صمیمیت زناشویی و هوش هیجانی زوجین. *روان‌شناسی و مشاوره خانواده*، ۳۰(۵)، ۱۰۲-۱۱۳.
- رفیعی‌هنر، حمید؛ شاملی، عباسعلی؛ صفورایی، محمدمهدی و صالحی، علی‌محمد (۱۴۰۰). مدل مفهومی عوامل تعارض زوجین در قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان. *مطالعات قرآن و خانواده*، ۱۲(۳)، ۱۰۵-۱۱۸.
- رمضانی‌فر، حدیثه؛ کلدی، علیرضا و قدیمی، بهرام (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن. *روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۹(۲)، ۱۶۷-۱۹۱.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و روشنی، شهره (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. *خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۶)، ۲۴۱-۲۶۰.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۸(۱۵)، ۳۸-۷.
- شریفی ساعی، محمدحسین (۱۴۰۲). پیامدهای خیانت زناشویی در ایران؛ مطالعه فراترکیب. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۱۲(۲۲)، ۱۶۵-۲۰۴.
- صدوق، محمد بن علی (۱۹۹۲م). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۳). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.*
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق. قم: الشریف الرضی.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۷). تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمانی لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی در نشانگان افسردگی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.*
- عظیمی، اکبر؛ اکبری، سمیه؛ صالحی، کیوان و نورمحمدی، لیلا (۱۳۹۹). نقش ارتباطات در سلامت خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- عظیمی، ناهید؛ حسینی، سعیده سادات؛ عارفی، مختار و پرندین، شیما (۱۳۹۸). نقش میانجیگر سرسختی روان‌شناختی بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی در زوجین. *علوم روان‌شناختی*، ۱۸(۸۴)، ۴۷-۵۷.
- علاقبند، لیلا؛ شریفی، حسن پاشا؛ فرزاد، ولی‌اله و آقاویوسفی، علیرضا (۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی با میانجیگری تاب‌آوری. *روان‌شناسی بالینی*، ۱۷(۲)، ۶۷-۷۸.
- گلستانی، علیرضا؛ رضاپور، داریوش و رفائی، سیده حمیده (۱۴۰۳). بررسی تأثیر طلاق عاطفی بر روحیه فرزندان و عملکرد خانواده: مطالعه موردی شهر بوشهر. *مهارت‌های روان‌شناسی تربیتی*، ۱۵(۲)، ۴۰-۵۰.
- علیزاده، معصومه (۱۳۹۹). عوامل اثرگذار بر طلاق عاطفی و دل‌زدگی زناشویی زوجین. *پژوهش‌های خانواده*، ۱۸(۴)، ۲۳۱-۲۴۵.
- فلاح، سمانه (۱۳۹۸). رابطه بین طلاق عاطفی و بهزیستی روان‌شناختی با روابط فرازناشویی زنان. *روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۵(۳)، ۸۷-۹۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیه). تهران: الإسلامیه.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۷). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی براوتی، سیامک نقش‌بندی و الهام ارجمند. تهران: روان.
- متقی هندی، علاءالدین (۱۴۰۱ق). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت: مؤسسة الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳م). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- مجیدی نظامی، فاطمه (۱۴۰۰). واژگان مرتبط با طلاق عاطفی در فقه اسلامی. *فقه و حقوق خانواده*، ۳(۵)، ۷۰-۵۸.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸). *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. قم: لوگوس.
- محمدی ری‌شهری، محمد و پسندیده، عباس (۱۳۸۹). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دار الحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳). *میزان/الحکمة*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دار الحدیث.
- محمدی، مریم (۱۳۸۳). فاصله عاطفی در روابط زناشویی و پیامدهای آن. *روان‌شناسی خانواده*، ۳، ۳.
- مخدومی، عبدالحسین (۱۴۰۲). الگوی تصمیم‌گیری برای طلاق بر اساس منبع اسلامی در فرایند مشاوره زوجین. *مشاوره خانواده*، ۱۸، ۱۳۴-۱۴۷.
- نجفی، محمدرضا؛ احمدی، محمدرضا و رضاییان، حسین (۱۴۰۳). *مدل فرایندی طلاق عاطفی بر اساس منابع اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.
- نوری، نجیب‌الله؛ عسگری، علی؛ نارویی، رحیم و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۵). مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی. *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۲(۴)، ۷-۲۶.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت ع.
- یوسفی مقدم، محمدصادق و دین‌پرست سرخ‌آبی، لیلا (۱۴۰۰). طلاق عاطفی و راهکارهای قرآنی پیشگیری از آن. *مطالعات علوم قرآن*. ۸، ۷۸-۱۰۶.

- Lawshe, C. H. (1975). A Quantitative Approach to Content Validity. In: *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.
- Hsieh, Hsiu-Fang & Shannon, Sarah E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288
- Zubrick, S. R., Silberberg, P. & Demujo, D. (2006). Emotional disconnect or emotional divorce as a critical marital issue. *Journal of Marital and Family Therapy*, 32(4), 340-350.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (ص ۱۵۷-۱۷۴)

بسته آموزشی معنای زندگی با رویکرد اسلامی در جهت کاهش نشانگان افسردگی

Educational Package on the Meaning of Life with an Islamic Approach for Reducing Depression Symptoms

آحمد علیمرزایی / دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

محمد پیمان / کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مهدی عباسی / استادیار گروه روان شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

حسین رادمرد / دانشجوی پسادکتری روان شناسی دانشگاه الزهراء (ع)، قم، ایران.

✉ Ahmad Alimirzaei / PhD student in Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. ialimirzaei1369@gmail.com

Mohammad Peyman / Master's Degree in Islamic Philosophy and Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

Mahdi Abbasi / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, Quran and Hadith Research Institute, Qom, Iran.

Hossein Radmard / Postdoctoral Student in Psychology, Al-Zahra University, Qom, Iran.

Abstract

Every human being may experience depression at different stages of life. This illness can overshadow physical health, emotions, behavior, and the spiritual well-being of individuals. Although numerous approaches have addressed the treatment of depression so far, depression still ranks at the top of psychological disorders. The aim of the present study was to develop a meaning-of-life therapy package based on Islamic sources to reduce the symptoms of depressive disorder. The research method was selected as qualitative and quantitative (mixed). To achieve the aforementioned goal, first, the components of meaning in life for reducing depression were extracted using the qualitative content analysis method; then, these components were evaluated using two indices—the

چکیده

هر انسانی در مقاطع متفاوتی از سن خود ممکن است افسردگی را تجربه کند. این بیماری می تواند سلامت جسمانی، احساسات، رفتار و سلامت روحی انسان ها را تحت الشعاع قرار دهد. با وجود اینکه تا کنون رویکردهای متعددی به درمان افسردگی پرداخته اند، اما افسردگی همچنان در صدر اختلالات روان شناختی است. هدف پژوهش حاضر تدوین بسته درمانی معنای زندگی در جهت کاهش نشانگان اختلال افسردگی بر اساس منابع اسلامی بود. روش پژوهش حاضر کیفی و کمی (آمیخته) انتخاب گردید. برای دستیابی به هدف مذکور ابتدا مؤلفه های معناداری زندگی در جهت کاهش افسردگی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی

Content Validity Ratio (CVR) and the Content Validity Index (CVI)—from the perspective of 11 experts. The research findings in the first part reported 12 thematic components: God, the Imam, self, father and mother, spouse, child, those around, the world, work and effort, blessings and possessions, hardship, and the hereafter, all of which were confirmed by the experts; furthermore, the research findings in the second part comprised 8 training sessions focused on the themes of meaning in life to reduce depression symptoms. In each session, operational objectives, strategies, and appropriate techniques were formulated. At this stage, to assess the validity of the aforementioned package, the opinions of 11 experts were surveyed using the two indices of Content Validity Ratio (CVR) and Content Validity Index (CVI). After applying the experts' supplementary comments, the meaning-of-life educational package was finally developed in 8 sessions.

Key words: meaning of life, depression, depression symptoms, educational package, Islamic sources.

استخراج شد؛ سپس مؤلفه‌های مذکور در دو شاخص ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) از دیدگاه ۱۱ کارشناسان ارزیابی گردید. یافته‌های پژوهش در بخش اول ۱۲ مؤلفه موضوعی خدا، امام، خود، پدر و مادر، همسر، فرزند، اطرافیان، دنیا، کار و تلاش، نعمت و دارایی، سختی و آخرت را گزارش نمود، که همه موارد مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت؛ همچنین یافته‌های پژوهش در بخش دوم شامل ۸ جلسه آموزشی با محوریت موضوعات معنای زندگی در جهت کاهش نشانگان افسردگی شد. در هر جلسه اهداف عملیاتی، راهبردها و تکنیک‌های مناسب تنظیم گردید. در این مرحله نیز به جهت سنجش روایی بسته مذکور از پیمایش نظر ۱۱ کارشناس در دو شاخص ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده گردید. پس از اعمال نظرات تکمیلی کارشناسان در نهایت بسته آموزشی معنای زندگی در ۸ جلسه تدوین نهایی گردید.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، افسردگی، نشانه‌های افسردگی، بسته آموزشی، منابع اسلامی.

مقدمه

افسردگی اختلالی بسیار شایع (کسلر، ۲۰۰۲) و عودکننده است (انجمن روان‌شناسان آمریکا، ۲۰۱۵) که نرخ مرگ‌ومیر در این اختلال بالا است و پیامدهای فردی و اجتماعی فراوانی را به همراه دارد. میزان همه‌گیری اختلالات خلقی در ایران مطابق با نتایج آخرین پیمایش ملی سلامت روان در سال ۱۳۹۰، برابر با ۱۳۶ درصد برای هرگونه اختلال افسردگی و ۱۲٫۷ درصد برای اختلال افسردگی اساسی گزارش شده است، که این شیوع در مقایسه با گذشته، رشد چشمگیری داشته است (رادگودرزی و همکاران، ۱۳۹۶). افسردگی اختلالی چندبعدی است و بر جنبه‌های هیجانی رفتاری، شناختی و فیزیکی فرد تأثیر می‌گذارد

1. Kessler
2. A. P. A.

(فقیهی، غباری بناب و قاسمی پور، ۱۳۸۶)؛ همچنین فقدان لذت نسبت به فعالیت‌هایی که به‌طور معمول، مورد علاقه فرد بوده و به‌طور منفی بر انرژی، اشتها، خواب، اضطراب، تمرکز، قدرت تصمیم‌گیری، احساس خودارزشمندی، احساس گناه، امید و افکار منفی اثر می‌گذارد، از دیگر نشانه‌های این اختلال است (سازمان جهانی بهداشت،^۱ ۲۰۱۷). اصطلاح افسردگی در حیطه روان‌شناسی مرضی کاربردهای مختلفی داشته است. این اصطلاح به‌عنوان یک نشانه^۲ (غم‌گینی)، یک نشانگان^۳ (مجموعه‌ای از نشانه‌های همبسته)، یا یک اختلال^۴ مشخص (مجموعه مشخصی از نشانه‌ها با دوره، پیش‌آگهی، علت‌شناسی، و پاسخ به درمان خاص) تعریف شده است (گاربر^۵ و راوو،^۶ ۲۰۱۴، ص ۴۸۹). بر اساس نسخه پنجم راهنمای تشخیصی و آماری^۷ بیماری‌های روانی، ویژگی مشترک اختلالات افسردگی، غم‌گینی، احساس پوچی، خلق برانگیخته همراه با تغییرات بدنی و شناختی است که به‌طور معناداری بر ظرفیت کنش‌وری فرد تأثیر می‌گذارد؛ از جمله نشانگان اصلی افسردگی کاهش چشمگیر علاقه یا لذت، تقریباً در تمامی فعالیت‌ها در اغلب روزهاست (انجمن روان‌شناسی آمریکا،^۸ ۲۰۱۳). شاملو (۱۳۹۲) در تعریف اختلال افسردگی عمده آن را شامل افسردگی بسیار شدید، عقب‌ماندگی ذهنی و حرکتی، نگرانی، ناآرامی، گیجی، عصبیت، احساس گناه، فکر خودکشی که تکرار می‌شود، می‌داند.

از طرفی، یکی از تجربه‌هایی که افراد افسرده تجربه می‌کنند، گم کردن معنای زندگی است. به عبارت دیگر، افسردگی و ناامیدی از مظاهر بی‌معنایی زندگی است. معنای زندگی احساس یا تجربه‌ای است که هنگام پرداختن به فعالیت‌های مورد علاقه‌مان، رفتن به دامن طبیعت، تماشای آثار ادبی و هنری داریم، یا وقتی که با یک منبع لایزال ارتباط داریم و خود را متکی به چارچوب‌ها و تکیه‌گاه‌های قابل اتکایی چون مذهب و فلسفه می‌بینیم (فرانکل، ۱۹۶۷). معنای زندگی مهم‌ترین مسئله بشر است چه خودآگاهانه به بحث آن بپردازد و چه ناخودآگاهانه سرگشته و حیران به دنبال یافتن جواب، تمام زندگی خود را فدا کند.

معنای زندگی در زبان انگلیسی از حیث لغوی به معنای داشتن هدف یا قصد در زندگی است (آکسفورد، ۱۹۶۱). موحدیان (۱۴۰۱) در تعریف اصطلاحی سه معنای مطرح برای معنای زندگی بیان

-
1. W. H. O.
 2. Symptom
 3. Syndrome
 4. Disorder
 5. Garber, J.
 6. Rao, U.
 7. dsm
 8. A. P. A.

کرده است: ۱. هدف زندگی: که گویا می‌توان آن را با «نتیجه» یا «غایت» زندگی نیز مرتبط دانست. بر پایه این معنا پرسش از معنای زندگی پرسش از هدف زندگی یا غایت و آرمان و یا نتیجه آن خواهد بود؛ ۲. ارزش زندگی: یعنی آنچه زندگی انسان را ارزشمند و توجیه‌پذیر می‌نماید (هیوستن اسمیتن،^۱ ۱۳۸۲). در این فرض وقتی کسی از معنای زندگی خود می‌پرسد، می‌خواهد بداند که آیا در زندگی من چیزی بزرگ‌تر یا مهم‌تر که به آن ارزش دهد یا حداقل آن را به‌صرفه کند هست؟ اگر هست آن چیست؟ ۳. کارکرد زندگی: به معنای نقشی که زندگی نوع انسان یا فرد انسانی می‌تواند در یک مجموعه بزرگ‌تر، مانند جهان هستی، داشته باشد.

تا کنون اثربخشی مداخلات گوناگونی در جهت کاهش نشانگان افسردگی به تأیید رسیده است، که از جمله شایع‌ترین آنها می‌توان به درمانگری روان‌پوشی، رفتار درمانگری، شناخت درمانگری، روان درمانگری بین‌فردی، دارو درمانگری و درمان شناختی - رفتاری اشاره نمود (دادستان، ۱۳۷۶، ص ۳۴۳-۳۶۰). فروید (۱۹۱۷) و شاگردش آبرهام (۱۹۱۶) معتقدند که با مرگ یک نفر در فرآیند ناهشیار فرد، احساس فقدان ایجاد می‌شود. رفتارگرایان معتقدند که افسردگی حاصل تغییرات مهمی در پاداش و تنبیه‌هایی است (رهم، ۱۹۹۰، به نقل از: گوتلیب و هم، ۱۹۹۷). جودیت بک^۲ (۲۰۱۱، ص ۲) به معرفی مواردی از مدل‌های شناختی پرداخته است: رفتاردرمانی عقلانی هیجانی (الیس، ۱۹۶۲)، تغییر رفتارشناختی (ماشین بام،^۳ ۱۹۷۷)، شناخت‌درمانی (بک، ۱۹۷۹)، درمان پردازش‌شناختی^۴ (ریسک^۵ و شنیک،^۶ ۱۹۹۳)، افشای درمانی^۷ (فوا،^۸ و روزبام،^۹ ۱۹۹۸)، سیستم روان‌درمانی تحلیل رفتاری - شناختی^{۱۰} (مک کالنج، ۱۹۹۹)، و درمان حل مسئله^{۱۱} (دی زوریلا^{۱۲} و نزو،^{۱۳} ۲۰۰۶، به نقل از: رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷). مهم‌ترین نظریه در باب افسردگی از منظر شناخت‌گراها مختص به آبرون بک است

-
1. Houston Smith
 2. Back, J. S.
 3. Meichenbaum, D.
 4. Cognitive Processing Therapy
 5. Resick, P. A.
 6. Schnicke, M. K.
 7. Exposure Therapy
 8. Foa, E. B.
 9. Rothbaum, B. O.
 10. Cognitive Behavioral Analysis System of Psychotherapy
 11. Problem Solving Therapy
 12. Dzurilla, T. J.
 13. Nezu, A. M.

که به نقش فرآیندهای ذهنی در افسردگی توجه دارد. فرض اصلی افراد افسرده این گونه است که افسرده همان طور که عمل می کند، احساس می کند (دیویسان،^۱ نیل،^۲ ۲۰۰۰). هستی نگرها عامل اصلی را فقدان حرمت خود در جهت افزایش نشانگان افسردگی می دانند (ساراسون، ساراسون، ۱۳۷۷).

تا کنون روان شناسان متعددی به موضوع معنای زندگی پرداخته اند که از میان آنها فرانکل پیشگام پژوهش در این قلمرو شناخته می شود. نظریه فرانکل بر دو نوع مؤلفه شناختی (شامل شناخت معناداری زندگی، آزادی اراده، مسئولیت داشتن انسان، منحصر به فرد بودن معنا و پرهیز از معانی دروغین) و رفتاری (شامل یافتن معنا از طریق کار و تجربه و رنج) استوار است. در دیدگاه وی ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی با نفی سبک هایی چون لذت طلبی، پول پرستی و رفتارهایی چون خودکشی، پرخاشگری، اعتیاد و کسالت و آثار مثبتی چون توجه به بیرون از خود، کنار آمدن با مشکلات و امید به زندگی همراه است.

والتر استیس،^۳ فیلسوف بریتانیایی (۱۸۸۶-۱۹۶۷) معتقد بود سرگردانی انسان مدرن ریشه در قطع رابطه با خدا و ماورای طبیعت و دست کشیدن از جهان بینی دینی دارد. او بیان می کرد که انسان مدرن با تصور جهانی بی هدف خو گرفته است؛ بنابراین بازگشت به ادیان سنتی یا معرفی دین جدید، مشکل را حل نمی کند؛ زیرا این جهان بینی مدرن با هر دین مبتنی بر غایت مندی الهی در تضاد است و پذیرش آن را دشوار می سازد. رفیعی هنر (۱۳۹۷) در پژوهشی با موضوع «الگوی درمانی خودنظم جویی برای افسردگی بر اساس منابع اسلامی»، نتیجه گیری کرد که خودنظم جویی برای افسردگی از ۹ مؤلفه (خودتوانمندسازی، خودرابطه شناسی متعالی، خودنظارت گری، هدف شناسی، مانع شناسی اهداف، انگیزش مهار، مهار نفس، نظم دهی در مقام عمل و تداوم مهار) تشکیل شده اند، که به صورت سیستمی باهم در ارتباط هستند و در دو مرحله به ایفای نقش می پردازند: در وهله اول پس از فعال شدن یک میل، به فعال سازی شناخت ها در زمینه خود، خداوند و هدف پرداخته و در صورت همسو بودن میل با هدف، منجر به انگیزه بیشتری برای فرد در ادامه و در مقام عمل به یک رفتار هدایت کننده به سوی هدف متعال می گردد.

موریس^۴ (۱۹۸۳) در پژوهشی روی تأثیر اماکن مقدسه بر افسردگی و اضطراب، از طریق اجرای آزمودن افسردگی و اضطراب در مورد ۱۳ زن و ۱۱ مرد بیمار، به این نتیجه رسید که جو مذهبی در این مکان ها با ایجاد تقویت ایمان مذهبی افراد و امیدواری اشخاص باعث کاهش علائم و تظاهرات افسردگی و اضطراب می شود.

1. Davison, g. c.
2. Neal , h. m.
3. Walter Stace
4. Mauritius

کونینگ (۱۹۹۴) با تحقیق در زمینه ارتباط مذهب با سلامت روانی افراد به این نتیجه رسید که مذهب برای اشخاص در زمینه عوامل مخرب و زیان‌آور و تنش‌زای محیطی مانند یک سپر دفاعی عمل می‌کند، و با بررسی روی متون مذهبی یهودی و مسیحی اظهار کرد که عقاید و سخنان و رسوم مذهبی، نتایج گسترده‌ای از اثرات مثبت و خوب استحکام‌بخش روان‌شناختی را در اشخاص بزرگ‌سال به وجود می‌آورد.

بیانی، گودرزی، بیانی و کوچکی (۱۳۸۷)، در بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و افسردگی در دانشجویان، بیان کردند که نتایج نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی و افسردگی و اضطراب رابطه معناداری وجود داشت؛ با افزایش میزان جهت‌گیری مذهبی دانشجویان اضطراب افسردگی آنها کاهش یافت ($p < .05$).

نعمتی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی معنای زندگی از دیدگاه ویکتور فرانکل»، نتیجه گرفت دیدگاه‌های که برای زندگی بشر معنای خاصی در نظر می‌گیرند، دو دسته‌اند: طبیعت‌گرا و فراطبیعت‌گرا. نظریه‌های فراطبیعت‌گرا بر این عقیده‌اند که وجود خداوند برای معناداری زندگی لازم است، اما طبیعت‌گرایان معتقدند که امکانات و قابلیت‌های موجود در همین جهان مادی برای معنادار ساختن زندگی آدمی کافی است. ویکتور فرانکل در مکتب خویش تحت عنوان «معنادرمانی» کوشیده است به فرد بیاموزد که معنای زندگی خویش را دریابد و از رخوت و خال وجودی بیرون آمده و آن سرچشمه‌های زلال زندگی را ادراک کند و زندگی را پوچ و باطل نداند. به نظر او باید هدف و معنایی در زندگی وجود داشته باشد؛ این هدف یا معنا به گونه‌ای است که حتی بغرنج‌ترین لحظات زندگی را نیز معنادار می‌کند. مرگ، رنج و بلایای طبیعی و... همه با وجود معنا در زندگی قابل تحمل می‌شوند. فرانکل از همه این مقوله‌ها صحبت کرده و رابطه معنادار آنها را تشریح نموده است.

جهانگیری و رفیعی محمدی (۱۳۹۷)، در پژوهشی روی زنان مبتلا به اختلال افسردگی اساسی به اثربخشی معنی‌درمانی توأم با قرآن و دعا پرداخته‌اند. نمونه تحقیق ۳۰ نفر از زنان مبتلا به اختلال افسردگی بودند. نتایج نشان داد که بین زنان گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون از لحاظ افسردگی و معنای زندگی تفاوت معناداری وجود دارد و گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، افسردگی کمتر و تاب‌آوری بیشتری نشان دادند، که این تفاوت به دلیل دریافت درمان معنادرمانی توأم با قرآن و دعا بود، و در نتیجه تعیین شد درمان مبتنی بر معنادرمانی بر کاهش افسردگی و افزایش تاب‌آوری مؤثر است.

حاجی یوسفی و علیوندی وفا (۱۳۹۶)، در پژوهشی روی زنان مطلقه تبریز به اثربخشی معنادرمانی گروهی بر میزان افسردگی و معنای زندگی پرداختند. نمونه تحقیق شامل ۳۴ نفر که به صورت تصادفی انتخاب شدند. نتایج نشان داد درمان گروهی معنادرمانی تفاوت معناداری بین دو گروه در میزان

افسردگی و معنای زندگی در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که معنادرمانی گروهی موجب کاهش افسردگی و افزایش معناداری زندگی در زنان مطلقه شد.

رضایی و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی اثربخشی معنادرمانی به شیوه گروهی در جهت کاهش افسردگی بر روی زنان مبتلا به سرطان پرداختند. نتایج این پژوهش بیانگر اثربخشی معنادرمانی به شیوه گروهی بر کاهش نشانگان اختلالات روانی؛ از جمله شکایات جسمانی، اضطراب، افسردگی و ترس مرضی شده است. بنابراین معنادرمانی کمک می‌کند که به‌رغم ناامیدی، بر ازدست‌رفته‌ها تمرکز نکنند، بلکه در جست‌وجوی معنا باشند. آنها همچنین نتیجه‌گیری کردند که تفاوت معناداری بین گروهی که به آنها آموزش‌های معناداری داده شده است و گروه گواه دیده شده است، و در فرضیه دوم معنادرمانی به شیوه گروهی تأثیر معناداری در تداوم کاهش میزان افسردگی بیماران سرطانی دارد. نتایج نشان از اثرات درون آزمون اصلی یعنی افسردگی، معنادار است.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده نیاز به یک بسته کاربردی با رویکرد اسلامی در مورد معنای زندگی برای افرادی که مبتلا به افسردگی هستند، دیده شد. به همین جهت این پژوهش با بررسی موضوعات مناقبش برای افراد افسرده از منابع دینی پرداخته و طبق موضوعات معنادار تکنیک‌ها و تکلیف‌های متناسب با آن برای هر جلسه آموزشی تدوین گردیده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی - کمی از نوع کاربردی است. این تحقیق شامل دو بخش می‌شود: در بخش اول، روش به لحاظ رویکرد کیفی از نوع تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته است؛ در بخش دوم نیز در پیمایش نظرات کارشناسان از روش دلفی استفاده گردید. تحلیل کیفی محتوای متون دینی روشی است که با آن می‌توان به اطلاعاتی دست یافت که مبنای کشف پاسخ سوالات تحقیق و بررسی فرضیه‌ها قرار گیرد. محتوای موجود در تبیین و تحلیل این روش‌ها متون اسلامی اعم از قرآن، احادیث معصومین علیهم‌السلام و کتب تفسیری بوده است و به دلیل اینکه تحلیل محتوا و داده‌های استخراج‌شده، نه با شمارش آنها، بلکه با بررسی و درک مضمون عبارات و کشف ارتباط میان داده‌ها پذیرفته شده، روش تحلیل محتوا از نوع کیفی بوده است (عادل مهربان، ۱۳۹۴، ص ۳۷). در این پژوهش با کلیدواژه‌هایی که مرتبط با معنای زندگی است، سراغ آیات و روایات و کتب و پایان‌نامه‌ها رفته شد و بعد با پایش موضوعات معناداری که برای فرد افسرده مورد استفاده قرار می‌گیرد و قابلیت اجرا در بسته آموزشی را دارد، انتخاب شد، و در ادامه به‌منظور دستیابی به روایی محتوایی از مدل دلفی استفاده گردید. این روش را هنگامی استفاده می‌کنند که بخواهند درباره اتفاق نظر یک جمع صاحب‌خبر درباره یک موضوع خاص به بررسی بپردازند (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۴). از این مدل و با رویکرد پیمایشی، روایی محتوایی در دو مرحله سنجیده شد: ابتدا روی معرفت‌هایی که بر اساس آن بسته معنای زندگی طراحی

گردید و در مرحله بعد، روایی محتوای بسته طراحی شده، بررسی گردید. در پایان، بسته طراحی شده در معرض نظر کارشناسان اسلامی (دارای سطح چهارم حوزه) که از متخصصان روان‌شناسی و دارای مدرک دکترا نیز محسوب می‌شدند، قرار گرفت تا ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) مشخص گردد؛ به علت اینکه برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی از این دو استفاده می‌شود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۴، ص ۳۹۹).

یافته‌های پژوهش

به‌منظور دستیابی به مؤلفه‌های معنای زندگی، موضوعات ارزشمند که به وجه ارزشمندی آن در منابع اسلامی اشاره شده و می‌تواند باعث برون‌رفت فرد افسرده از حالت‌های پوچی و بی‌معنای شود، ملاک جست‌وجوی آیات و روایات قرار گرفت؛ لذا آیات و روایاتی که ۱. موضوعات آن برای انسان ارزشمند است و ۲. اینکه این موضوعات می‌تواند یک فرد افسرده را از این حالت بیرون بیاورد، گزینش و مورد تحلیل قرار گرفت. موضوعات (خدا، امام، خود، پدر و مادر، همسر، فرزندان، اطرافیان، دنیا، کار و تلاش، نعمت و دارایی، سختی، آخرت)

ردیف	موضوعات معنادار	علت ارزشمندی	CVI	CVR
۱	خدا	(رزاقیت، قدرت، انس، غفاریت)	۱	۱
۲	امام	(الگوی برتر بودن، هادی و دستگیری)	۰/۸۰	۰/۷۳
۳	خود	(ارزشمندی)	۰/۸۶	۰/۸۶
۴	همسر	(آرامش‌بخشی، شادی‌بخش، یاری در مسیر بندگی)	۱	۱
۵	پدر و مادر	(رحمت و برکت، حمایت‌گری والدین)	۰/۸۰	۰/۸۶
۶	فرزند	(زینت زندگی، کمک‌کننده بودن، مایه آزمون، تربیت نسل توحیدی)	۰/۹۳	۰/۸۶
۷	دیگران	(مصاحبت، معارفه، وسعت در رزق، حمایت‌رسانی در معیشت)	۰/۹۳	۰/۷۳
۸	دنیا	(گذرگاه بودن دنیا، هدفمندی دنیا)	۱	۱
۹	مال و دارایی	(زینت، یاری‌رسانی مال، آزمون، لذت‌بری)	۱	۰/۷۳
۱۰	کار و تلاش	(دستیابی به خواسته‌ها، رشد، برگیری از توشه، رهایی از فقر)	۰/۹۳	۱
۱۱	سختی‌ها	(مسیر رشد، مایه امتحان، جبران)	۱	۰/۸۶
۱۲	آخرت	(جاودانه بودن، رسیدن به سعادت و ملاقات الهی، پاداش و جزا بودن در آخرت)	۱	۱

نهایتاً بسته آموزشی معنای زندگی بر اساس منابع اسلامی به‌منظور کاهش نشانگان افسردگی، در ۸ جلسه گروهی (یک پیش جلسه، یک اختتامیه و ۶ جلسه میانی) به‌صورت ذیل طراحی گردید:

جلسه	اهداف و راهبردها	محتوا	تکنیک و تکلیف
اول	هدف: معارفه و توجیه، آشنایی اجمالی مراجع با مشکلاتش، افسردگی و مدل درمانی راهبردی: دانش افزایی فرد در مورد افسردگی و نشانه‌های آن	بیان اصول و ضوابط درمانی دانش‌افزایی در مورد افسردگی و نشانه‌های آن معرفی اجمالی بسته آموزشی معنای زندگی در جهت کاهش افسردگی	تکنیک: مشارکت جمعی و بارش فکری در بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز و نحوه مواجهه فرد تکالیف: الف) پرکردن کاربرگ «شناسایی افسردگی‌ها»؛ ب) پرکردن کاربرگ نمونه‌هایی از افسردگی‌ها و راهکارهای مقابله‌ای اتخاذکرده خود را طی شش ماه اخیر
دوم	هدف: ادراک موضوعات معنادار (دارایی، فرزند و...) بر اساس صورت‌بندی مشکلات مراجع و تعیین اولویت موضوعات زندگی راهبردی: مواجه ساختن فرد با موضوعات معنادار مرتبط با افسردگی از نگاه مراجع و نقد بررسی آن	الف) بیان موضوعات معنادار مرتبط با افسردگی از نگاه مراجع و نقد بررسی آن؛ ب) آموزش موضوعات معنادار در متن؛ ج) توضیح ارتباط بین موضوعات معنادار و افسردگی؛ د) بیان تجربیات مراجع در کاهش نشانگان افسردگی به‌وسیله موضوعات معنادار	تکنیک: مشارکت جمعی و بارش فکری در مورد موضوعات معنادار تکالیف: پرکردن کاربرگ اولویت‌بندی موضوعات معنادار مرتبط‌سازی موضوعات معنادار با افسردگی‌ها
سوم	هدف: ادراک اهمیت باورمندی به مفاهیم خدا، امام و خود راهبردی: مواجه ساختن فرد با موضوعات معنادار مرتبط با خود، خدا، راهنما	تبيين موضوعات معنادار مرتبط با خود (ارزشمندی خود، عزت نفس، مثبت‌اندیشی، خلیفه الهی) تبيين موضوعات مرتبط با خداشناسی (باورمندی به قدرت خداوند، باورمندی به رزاقیت خداوند، اهمیت انس با خدا)	تکنیک‌ها: مثبت‌اندیشی مراجع نسبت به خود (استفاده از دفترچه جملات مثبت درباره خویشتن) شمردن نعمت‌هایی که به او داده شده پذیرش خویشتن توانمندی‌سازی مراجع در کاربست توکل در زندگی ارائه تکنیک بازسازی مجدد نسبت به باور به خدا و خیر دیدن تقدیرات الهی (به‌وسیله ارزیابی مصلحت‌گرا) تکالیف: از مراجع خواسته می‌شود ۱۰ تا ویژگی‌های مثبت خودش را ذکر کند. یافتن ۵ مورد در زندگی گذشته فرد که دچار مشکلات شده و با توکل و توسل به خدا از این مشکلات رهایی یافته است. اختصاص زمانی از روز برای خلوت و مناجات با خداوند و خالی شدن از افکار منفی یادآوری سه اتفاق خوب در زندگی: هر شب سه اتفاق خوب که در زندگی افتاده را به یاد آورد و بنویسد و برایش یک تبیین علمی بنویسد. شناسایی پنج توانمندی ذاتی خود و تا هفته بعد از آنها بیشتر استفاده کردن

جلسه	اهداف و راهبردها	محتوا	تکنیک و تکلیف
چهارم	هدف: تبیین رابطه کار و دارایی و نعمت‌ها با افسردگی راهبرد: تبیین رابطه کار و دارایی و نعمت‌ها با افسردگی	تبیین اهمیت کار در زندگی و اثر آن بر رفع نشانگان افسردگی تبیین مؤلفه‌های کار مرتبط با موضوع معنای زندگی (زینت، یاری‌رسان و مایه آزمون بودن) توصیف رابطه بین دارایی‌ها و توجه به نعمت‌ها با افسردگی اثربخش بودن لذت‌بری حلال در جهت کاهش افسردگی نعمت‌ها	تکنیک‌ها: مثبت‌اندیشی و بررسی پر کردن لیست نعمت‌ها و اهمیت آنها با استفاده از کاربرگ شماره ۳ فهرستی از داشته‌های مادی و معنوی پیدا و ناپیدای خود در زندگی تهیه کنید و در زمان احساس فشار روانی حاصل از مشکلات بدان مراجعه نمایید تقویت توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها انسانی به‌جای تاکید بر بیماری عوض کردن نگاه به کار و آن را مایه خدمت دیدن تکنیک خودشفافایی در کار تکنیک نعمت‌شماری تکنیک سپاسگزاری یا شکر شناخت باور بنیادی من ناتوانم در مسئله بی‌کاری تکالیف: تهیه لیستی از نعم الهی به انسان و شکرگزاری به خاطر آنها (قانون شکر جهت خنثی‌سازی خطاهای شناختی) بخشی از روز را به لذت‌های حلال اختصاص دادن با استفاده از کاربرگ شماره ۳ فهرستی از داشته‌های مادی و معنوی پیدا و ناپیدای خود در زندگی تهیه کنید و در زمان احساس فشار روانی حاصل از مشکلات بدان مراجعه نمایید.
پنجم	هدف: ادراک مفهوم خانواده و جایگاه آن راهبرد: مواجه فرد با اوصاف مرتبط با همسر و فرزند در متن منتخب	تبیین اوصاف مرتبط با همسر در منابع دینی (آرامش‌بخشی همسر، شادی‌بخشی همسر) شناسایی زمینه‌های آسیب‌زای زندگی زناشویی که منجر به تعارض زوجین و افکار منفی نسبت به یکدیگر و غم‌اندوه از رابطه زوجینی می‌شود. تبیین اوصاف دینی مرتبط با فرزند (زینت بودن، یاری‌رسان، مایه آزمایش، برکت بودن فرزند، شادی‌بخش بودن اولاد، مایه انس و آرامش بودن) در معنادهی به زندگی	تکنیک‌ها: استفاده از تکنیک‌های حل تعارض در ارتباط زوجینی و توجه به تعارضات در زندگی زوجینی قالب‌سازی مجدد و فرزندان را کمک‌کننده دیدن در زندگی و عامل افزایش روزی (چند نفر از نزدیکان که دارای فرزند هستند و روزی زیادی دارند) تقویت حس انسجام تکالیف: اختصاص زمانی از روز را به همسر و در آن لحظات بدون هیچ درخواستی از یکدیگر و فقط لذت‌بری در آن ساعات و گفتن صحبت‌های محبت‌آمیز اختصاص زمانی خاص برای تخلیه هیجانی و گفتن هریک از زوجین تقاضاهای خود را توجه به غرایز جنسی هریک از زوجین و اختصاص زمانی برای لذت‌بری جنسی ساعاتی از روز را با فرزندان گذراندن و با آنها بازی کردن بر اساس ملاک‌های آموزش داده شده هرکدام از زوجین کیفیت زندگی خود را ارزیابی کنند.

جلسه	اهداف و راهبردها	محتوا	تکنیک و تکلیف
			در مورد آسیب‌های احتمالی یا موجود در زندگی مشترکشان، گفت‌وگو کند و تعارضاتشان را ارزیابی نمایند. هر کدام میزان تنیدگی خود را بررسی کنند و سبک مقابله با آن و همچنین حل تعارضاتشان را مورد ارزیابی قرار دهند
ششم	هدف: ادراک اهمیت ارتباط با والدین و اطرافیان راهبرد: مواجهه‌سازی فرد با مؤلفه‌های مستخرج‌شده مرتبط با والدین و اطرافیان	تبیین مؤلفه‌های مستخرج‌شده مرتبط با والدین (رحمت و برکت بودن والدین، پشتوانه بودن والدین حمایت) تبیین مؤلفه‌هایی مستخرج‌شده مرتبط با اطرافیان (مصاحبت و هم‌نشینی با دیگران، آشنایی و پیوند با دیگران، وسعت در رزق، حمایتگری و یاری‌رسانی دیگران)	تکنیک‌ها: قالب‌سازی مجدد نسبت به حضور والدین و کمک کردن به آنها تکنیک جرئت‌ورزی در ارتباط با دیگران تکنیک بخشش در ارتباط با دیگران تقویت روابط مثبت با دیگران تکنیک پیوستگی اجتماعی غم و شادی (زدودن غم کسی شاد شدن خود) استفاده از دیگران به‌عنوان ملاکی برای تغییر باور (دیگری بدون مشکل، مشکل‌دار) تکالیف: تهیه فهرستی از موقعیت‌هایی که احساس تنهایی و بی‌پناهی کردیم و متناسب با هر موقعیت که احساس تنهایی کردیم گزینه مناسب با آن را با ارتباط با دیگران پیدا کردن (ارتباط حضوری با یکی از نزدیکان مانند مهمانی رفتن یا تفریحات گروهی مانند ورزش‌ها، شرکت در مجالس عمومی مانند سخنرانی‌ها یا اجلاس‌های مرتبط با موضوع افسردگی و مشارکت در گروه‌های مجازی که نزدیکان در آن شرکت دارند)
هفتم	هدف: شناسایی دنیا و اهداف آن، رسیدن به اهداف والای انسانی و ماورائی راهبرد: مواجهه فرد با مؤلفه‌های دنیا و آخرت مرتبط با معنای زندگی	تبیین مؤلفه‌های دنیا مرتبط با معنای زندگی (گذرگاه بودن دنیا، هدفمندی دنیا، مورد امتحان و آزمایش بودن در سختی دنیا، مایه رشد بودن سختی‌های دنیا) تبیین مؤلفه‌های مرتبط با آخرت مرتبط با معنای زندگی (جاودانه بودن در آخرت، رسیدن به سعادت و ملاقات الهی، رسیدن به خیر)	تکنیک‌ها: پذیرش قانون «فراگیری همیشگی رنج و سختی بر انسان خاکی» و در کنار سختی‌ها بودن نه در مقابل آنها (قانون تسلیم) تغییر نگرش به سختی‌ها (پایان‌پذیری بالا) توجه به هدفمندی عالم و تمرین تصمیم‌گیری و رهایی از پوچی تغییر خطای شناختی در مورد مرگ و عبور به منظرگاه خوشایند تکنیک‌ها: کوچک‌سازی سختی‌ها و بعد تحمل آنها خرد کردن مشکلات بزرگ به اجزای قابل کنترل تکنیک مقایسه صعودی در ناخوشایندها

جلسه	اهداف و راهبردها	محتوا	تکنیک و تکلیف
			هماندسازی فقدان با نبود نخستین هماندسازی دست نیافته‌ها با نخواست‌ها تکنیک فراگیری بالا برای همه انسان‌ها تکالیف: تهیه افسردگی‌هایی که در گذشته داشتید و بعد از مدتی پایان یافت تهیه فهرستی از سختی‌هایی که در گذشته داشتید و آنها باعث رشد شما شده است
هشتم	هدف: ارزیابی پایانی و بازخورد راهبرد: پل زدن به جلسه قبل و بررسی تکالیف جمع‌بندی مباحث	پل زدن به جلسه قبل و بررسی تکالیف جمع‌بندی مباحث با مشارکت فعالانه شرکت‌کننده‌ها بررسی موانع احتمالی برای نگهداری تغییرات پیشنهادات و انتقادات و ارزیابی میزان رضایت‌مندی شرکت‌کننده‌ها از شرکت در این دوره تبیین احساسات هریک از افراد نسب به دوره	تکنیک: بررسی میزان پیشرفت و مقایسه میزان توانمندی در برابر غم‌ها قبل و بعد از دوره آموزش؛ بدین شکل که در یک صفحه میزان توانمندی خود قبل و بعد از دوره را گزارش دهند. مشارکت جمعی به منظور بررسی موانع احتمالی برای نگهداری تغییرات و راهکارهای

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که آنچه به عنوان مبنای طراحی بسته معنای زندگی قرار گرفته است، به جهت استفاده از منابع اسلامی با برخی پژوهش‌ها همسویی قابل قبولی دارد که در ذیل بیان می‌گردد:

موضوع باورمندی‌های توحیدی که مشتمل بر انس و رزاقیت و قدرت الهی و آرامش‌بخشی یاد خدا در معنای زندگی به ترتیب همسو است با اعطای نگرش همراه توکل و فقر و نگرانی در امور اقتصادی در مقاله «نگرش توحیدی در افسردگی» (موسوی و همکاران، ۱۳۸۶).

در پژوهش شجاعی‌زاده و رصافیانی (۱۳۸۱) با موضوع «بررسی میزان شیوع افسردگی و عوامل مؤثر بر آن» به این نتیجه رسیدند که بین رابطه والدین با همدیگر و شغل پدر و تحصیلات مادر با افسردگی رابطه معناداری وجود دارد که با موضوع مستخرج در متن همسویی قابل قبولی دارد.

موضوعات ابتلا و آزمایش در سختی‌ها و تحمل شرور در عالم و رسیدن به ایصال مطلوب همسو بود با پژوهش مظاهری (۱۳۹۱) در مقاله «هدف زندگی در قرآن و انجیل»، که در اهداف زندگی در قرآن بیان داشت که ابتلا و آزمایش و رسیدن به حقیقت عبودیت و جانشینی خداوند متعال و ایصال به رحمت خداوند متعال از اهداف زندگی در قرآن مجید و باعث معناداری زندگی می‌گردد.

مؤلفه‌های استخراج‌شده از قیامت همسو بود با پژوهش کوحسنلو (۱۳۸۸) در مقاله «معنای زندگی از دیدگاه قرآن و عترت در اندیشه حکمت متعالیه».

موضوعات مرتبط با دنیا همسو بود با پژوهش شجاعی، غروی و جان‌بزرگی (۱۳۹۱) در مقاله «معنای زندگی در نهج‌البلاغه»، که در تبیین دنیا به دنیای حائل و واصل بیان می‌دارد دنیاشناختی در نهج‌البلاغه، اصلی‌ترین کاری است که باید برای معنایابی اتفاق افتد؛ چراکه بن‌بست‌ها و تله‌ها و راهزنان شناخته خواهد شد، و دنیا هم ممدوح و هم مذموم است.

همسو بودن موضوعات ذیل با پژوهش محمدی سیاهبومی (۱۳۹۷) با عنوان «انطباق و بسط مدل درمانی چند بعد معنوی برای افسردگی با استفاده از منابع اسلامی و بررسی اثربخشی آن»:

باور به قدرت و یاری‌رسانی و رزاقیت و یاد خداوند متعال هم‌جهت بود با پژوهشی که در طبقه باور و توجه به خدایاوری با زیر طبقه «باور به یاور داشتن و تنها نماندن - شناخت و انتخاب منبع یاری مطمئن (خدا) - باور و توجه به معیت و حضور و آگاهی الهی در سختی‌ها - باور و توجه به ایمن ساختن و حمایت الهی در ناخوشی‌ها - باور و توجه به نصرت الهی در جبهه حق و باطل - باور و توجه به امداد و دفاع الهی در مقابل دشمنان»؛ طبقه باور و توجه به خدا رازقی با زیر طبقه «باور به روزی‌رسانی الهی - بی‌نیازی از روزی را از خدا طلب کردن»؛ طبقه ذکر با زیر طبقه « ذکر و یاد کردن خدا - اعمال عبادی - اطاعت - سپاسگزاری و شکر - تسبیح و ستایش الهی» و در موضوع نعمت همچنین با طبقه تنظیم پاسخ‌های مقابله در برابر نعمت و نعمت با زیر طبقه «شکرگزاری در برابر نعمت‌ها» همسو بود با موضوع دارایی و نعمت در موضوعات مستخرج در معنای زندگی و در موضوع دیگران همسو بود با طبقه تنظیم باورها، رابطه و رغبت نسبت به دیگران و موضوع خود همسو بود با «باور به انسان به‌عنوان حی متاله و مخلوق الهی».

همسو بودن موضوعات مرتبط با خدا و دنیا و آخرت با موضوعات جلسات درمانی پژوهش ایزانلو (۱۳۹۶) با عنوان «تأثیر شناخت درمانی از منظر آموزه‌های دینی بر میزان کاهش افسردگی، اضطراب و استرس دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان»، که در جلسات دوم، سوم و چهارم بسته درمانی به موضوعات خدا و دنیا و آخرت می‌پردازد که همسو با پژوهش مذکور است.

همسو بودن موضوعات مربوط به خود و خدا با جلسات درمانی ظهراپی نصرآباد سفلی (۱۳۹۶) با عنوان «اثربخشی معنا درمانی مذهبی بر کاهش افسردگی بازنشستگان آموزش و پرورش شهر یاسوج». در جلسه آموزش خودشناسی، شناخت ماهیت خود، توانمندی‌ها و محدودیت و پذیرش مسئولیت الهی خود و تفویض امور به خداوند مورد بررسی قرار گرفته است.

همسو بودن موضوع کار و تلاش با جلسات درمانی مبارز (۱۳۹۷) با موضوع «بسته توکل و اثربخشی آن بر تعارضات زناشویی و معنای زندگی»، که رسیدن به سعادت و تلاش را برای کار ضروری بیان کرده که با مؤلفه شکوفایی در موضوع کار همخوانی دارد.

بنابراین باید بیان کرد که اثرگذاری هر ۱۲ موضوع استخراج‌شده مرتبط با معنای زندگی، بر کاهش نشانگان افسردگی مورد تأیید پژوهش‌های پیشین است.

از سویی دیگر بسته آموزشی معنای زندگی، نسبت به برخی الگوهای درمانی و اثربخشی موجود از جهاتی متفاوت است:

۱. این الگو علاوه بر نگاه فلسفی و کلامی به معنای زندگی، جنبه روان‌شناختی آن را هم مدنظر قرار داده و این باعث شده هم مباحث نظری و هم مباحث عملی کار شده است، برخلاف موحدیان (۱۴۰۱) که یک نگاه کلامی به معنای زندگی دارد.

۲. این الگو علاوه بر توضیح معنای زندگی در منابع اسلامی، سراغ ارتباط آن با موضوع افسردگی و طراحی بسته آموزشی متناسب با آن هم رفته، که باعث مزیت این تحقیق نسبت به پژوهش‌های زیادی شده است (مانند عجمین، ۱۳۹۵).

۳. یکی از ناتمام‌های موضوعات کار شده در معنای زندگی، محدود بودن به یک منبع خاص و یا یک دعای خاص بوده، که به همین جهت نتوانسته مؤلفه‌های معنای زندگی را به‌طور کامل بیان کند، که این کار به مدد جست‌وجوی گسترده در آیات و روایات و منابع کم‌نظیر است و صرفاً سراغ یکی از منابع دینی نرفته است (مانند آتش‌افروز، ۱۳۹۷).

۴. هرچند به‌طور کلی مقابله‌های مذهبی در سلامت روان و کاهش افسردگی نقش دارند، اما در این پژوهش به این حد اکتفا نگردید و تلاش شده تا موضوعات معنادار مرتبط با اختلال افسردگی مورد استفاده قرار گیرد، نه هر موضوع مذهبی و از این جهت نسبت به بسته‌هایی که به‌منظور کاهش افسردگی طراحی شده و در آنها اکتفا به مقابله‌های مذهبی کرده متفاوت است (مانند انتصاری، ۱۳۹۸).

۵. برای طراحی این بسته ابتدا ساختار کلی آن که عبارت‌اند از: اهداف عملیاتی، راهبردها و تکنیک‌ها و تکالیف، به‌صورت منظم طراحی شد و به‌طور دقیق مشخص شد که برای هر هدف چه تکنیکی متناسب با آن انتخاب شده و تکلیف متناسب با تکنیک‌ها طراحی گردیده است. با این کار تلاش گردید تا ساختاری واحد و منسجم به‌منظور اتقان بیشتر بسته مدنظر قرار گیرد؛ درحالی که این امر در برخی بسته‌های درمانی و آموزشی مشابه لحاظ نشده است (مانند طباطبایی، ۱۳۹۷ و مبارز، ۱۳۹۷).

۶. در این بسته سعی شده به موضوعات ریشه‌ای و پایه در ابتلای به افسردگی بپردازد و با یافتن معنا در زندگی مراجع و دلیل‌های برای رهایی از افسردگی و شاد زیستن پیدا کند، برخلاف تحقیقاتی

که با یک دستورالعمل فقط مراجع را برای مدت محدودی از افسردگی رها نیده و هر لحظه امکان بازگشت به افسردگی است (مانند انتصاری، ۱۳۹۸).

۸. شرایط افراد دارای نشانگان افسردگی طوری است که از آموزش‌ها و درمان‌های طولانی‌مدت استقبال نمی‌کنند. علاوه بر این، صرفه‌جویی در وقت و هزینه، امکان قرار گرفتن جمع بزرگ‌تری از بیماران تحت پوشش درمان و کاهش میزان وابستگی بیماران به درمانگر و نیز افزایش انگیزه برای پذیرش درمان به دلیل نزدیک بودن زمان خاتمه درمان، از دیگر ویژگی‌های پروتکل‌های درمان کوتاه‌مدت است (دوانلو، ۱۹۱۳، ص ۳)؛ درحالی‌که طولانی بودن دوره درمان، انگیزه بیماران را برای مشارکت فعال در برنامه‌ها و تغییر کاهش می‌دهد و حتی ممکن است برخی درمان را به اتمام نرسانند و اگر به جهت پیشگیری از این نقیصه، پاداش‌هایی برای شرکت فعال درمان‌جویان قرار داده شود، خود می‌تواند رهن و مزاحم ارزیابی صحیح در درمان واقع گردد. بر این اساس در طراحی بسته آموزشی حاضر، فاکتور زمان مدنظر قرار گرفت؛ به‌صورتی‌که تعداد جلسات بسته آموزشی ۸ جلسه است که ارائه آن تقریباً ۴۵ روز به طول می‌انجامد و برای جلوگیری از افزایش تعداد جلسات، تلاش شده تا موضوعات نزدیک به هم در یک جلسه مطرح گردد و تکالیف متناسب با آن بیان شود، و سعی شده که مباحث مهم در کارگاه بیان شود و با استفاده از برشورهای که از قبل تهیه شده به مراجع تحویل داده شود تا با مطالعه آن بتواند بهتر همراهی بکند.

با توجه به مطالب ذکرشده، به نظر می‌رسد که محدود بودن تعداد جلسات و مدت‌زمان اجرا، از امتیازات یک بسته آموزشی و درمانی است. پیشنهاد پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد که تعدادی از بسته‌های آموزشی و درمانی از نظر این ویژگی با بسته پژوهشی حاضر مشابه می‌باشند (انتصاری، ۱۳۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۷).

منابع

قرآن کریم.

- بیانی، علی‌اصغر؛ گودرزی، حسینه؛ بیانی، علی و کوچکی، عاشورمحمد (۱۳۸۷). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و افسردگی در دانشجویان. *اصول بهداشت روانی*، ۳ (پیاپی ۳۹)، ۲۰۹-۲۱۴.
- جهانگیری، محمدمهدی و رفیعی محمدی، نفیسه (۱۳۹۷). اثربخشی معنی‌درمانی توأم با تلاوت قرآن و دعا بر کیفیت زندگی زنان مبتلا به اختلال افسردگی اساسی. *سیک زندگی/اسلامی با محوریت سلامت*، ۲۶ (۲)، ۷۵-۷۲.
- حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۴). روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی (به همراه راهنمای SPSS). تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حاجی یوسفی، الناز و علیوندی وفا، مرضیه (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی معنادرمانی گروهی بر میزان افسردگی و معنای زندگی زنان مطلقه شهرستان تبریز. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۲ (۴۵)، ۳۸-۱۹.
- دادستان، پریخ (۱۳۷۶). روان‌شناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی. تهران: سمت.

- رادگودرزی، محمد؛ جودی، میترا؛ صالحی، شیماء؛ اسمعیلی، حسن و تقی‌پور، زهرا (۱۳۹۶). بررسی اختلالات اضطرابی و افسردگی و درمان آن در کودکان مبتلا به درد قفسه سینه. *علوم پزشکی رازی*، ۲۴ (۱۶۲)، ۳۹-۳۲.
- رضایی، آذرمیدخت؛ رفاهی، ژاله و احمدی‌خواه، محمدعلی (۱۳۹۱). اثربخشی معنا درمانی به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی بیماران سرطانی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲ (۷)، ۴۶-۳۷.
- رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۷). *الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی بر اساس منابع اسلامی*. رساله دکتری. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سرمد، زهره؛ حجازی الهه و بازرگان هرندی، عباس (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه (سپهر خرد).
- شاملو، سعید (۱۳۹۲). *روان‌شناسی بالینی*. تهران: رشد.
- شجاعی، محمدصادق؛ غروی سیدمحمد و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۱). معنای زندگی در نهج البلاغه. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۶ (۱۱).
- شجاعی‌زاده، داوود و رصافیانی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، بررسی میزان شیوع افسردگی و عوامل مؤثر بر آن در دانش‌آموزان پسر مقطع پیش‌دانشگاهی شهرستان کازرون در سال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۸۰. *آرشیو توان‌بخشی*، ۲ (۶ و ۷)، ۳۲-۲۹.
- ظهراپی، نصرآباد سفلی (۱۳۹۶). *اثربخشی معنادرمانی مذهبی بر کاهش افسردگی بازنشستگان آموزش و پرورش شهر یاسوج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه روان‌شناسی.
- عادل مهربان، مرضیه (۱۳۹۴). *مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش*. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان.
- عجمین، محمد (۱۳۹۵). *معنای زندگی و ارتباط آن با سبک زندگی از نگاه منابع اسلامی و مقایسه آن با دیدگاه فرانکل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فرانکل، ویکتور امیل (۱۹۶۷). *انسان در جست‌وجوی معنا*. ترجمه نهضت صالحیان و مهین میانی. تهران: درس.
- فقیهی، علی‌نقی؛ غباری بناب، باقر و قاسمی‌پور، یداله (۱۳۸۶). *مقایسه الگوی چندوجهی اسلامی با مدل شناختی بک در درمان افسردگی*. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱، ۱۶۹-۸۶.
- کوحسنلو، فاطمه (۱۳۸۸). *معنای زندگی از دیدگاه قرآن و عترت در اندیشه حکمت متعالیه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- مبارز، حسن (۱۳۹۷). *تدوین بسته آموزشی توکل به خدا و بررسی اثربخشی آن بر میزان تعارضات زناشویی، کیفیت زندگی، معنای زندگی و رضایت از زندگی مهاجران افغانستانی ساکن مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی. مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی.
- محمدی سیاهبومی، جمیله (۱۳۹۷). *انطباق و بسط مدل درمانی چندبعدی معنوی برای افسردگی با استفاده از منابع اسلامی و بررسی اثربخشی آن*. رساله دکتری روان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
- مظاهری، وجیهه (۱۳۹۱). *هدف زندگی در قرآن کریم و انجیل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. دانشگاه تربیت معلم دانشکده ادبیات.
- موحدیان، عطار (۱۴۰۱). *معنای زندگی*. تهران: ادیان و مذاهب.
- موسوی، غفور؛ عرفانی‌فر، داریوش؛ دهقانی، غلامرضا و ابراهیمی، امراالله (۱۳۸۶). *نگرش توحیدی و پیشگیری از افسردگی*. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۲، ۱۳۹-۱۴۴.
- نعمتی، مریم (۱۳۹۳). *بررسی معنای زندگی از دیدگاه ویکتور فرانکل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، فلسفه دین. دانشگاه زنجان. دانشکده علوم انسانی.
- Abe, S. & Tepperman, J. (2015). Japan is back: A conversation with Shinzo Abe. *Foreign Affairs*, 92(4), 2-8.
- Abram, I. I., Milne, G. S., Solomon, B. S. & Steel, C. (1969). Photochemistry of aliphatic azo compounds. Role of triplets and singlets in their photochemistry. *Journal of the American Chemical Society*, 91(5), 1220-1222.
- Apple, M. W. (2006). Understanding and interrupting neoliberalism and neoconservatism in education. *Pedagogies*, 1(1), 21-26.

- Barber, B., Lehavy, R., McNichols, M. & Trueman, B. (2001). Can investors profit from the prophets? Security analyst recommendations and stock returns. *The Journal of finance*, 56(2), 531-563.
- Baumeister, R. F. & Newman, L. S. (1994). How stories make sense of personal experiences: Motives that shape autobiographical narratives. *Personality and social psychology bulletin*, 20(6), 676-690..
- Blay, J. Y., Bouhour, D., Carrie, C., Bouffet, E., Brunat-Mentigny, M., Philip, T. & Biron, P. (1995). The C5R protocol: a regimen of high-dose chemotherapy and radiotherapy in primary cerebral non-Hodgkin's lymphoma of patients with no known cause of immunosuppression [see comments].
- Bowlby, J. (1980). By ethology out of psycho-analysis: an experiment in interbreeding.
- Braem, A., Chesi, E., Dulinski, W., Filthaut, F., Go, A., Joram, C. & Ypsilantis, T. (2000). Highly segmented large-area hybrid photodiodes with bialkali photocathodes and enclosed VLSI readout electronics. *Nuclear Instruments and Methods in Physics Research Section A: Accelerators, Spectrometers, Detectors and Associated Equipment*, 442(1-3), 128-135.
- Baumeister, R. F. & Newman, L. S. (1994). How stories make sense of personal experiences: Motives that shape autobiographical narratives. *Personality and social psychology bulletin*, 20(6), 676-690.
- Cutrow, A. B. & Cafferata, R. T. (1993). Transfer and Acquisition of Family Owned Real Estate. *Volume 2 Major Tax Plan*. 20-45, 1.De Keyser, A., Lemon, K. N., Klaus, P. & Keiningham, T. L. (2015). A framework for understanding and managing the customer experience. *Marketing Science Institute working paper series*, 85(1), 15-121.
- De Keyser, A., Lemon, K. N., Klaus, P. & Keiningham, T. L. (2015). A framework for understanding and managing the customer experience. *Marketing Science Institute working paper series*, 85(1), 15-121.
- De Weever, J. (2006). Introduction: The Saracen as Narrative Knot. *Arthuriana*, 16(4), 4-9.
- Feinsinger, P. & Chaplin, S. B. (1975). On the relationship between wing disc loading and foraging strategy in hummingbirds. *The American Naturalist*, 109(966), 217-224.
- Festa, A., D'Agostino Jr, R., Mykkänen, L., Tracy, R., Howard, B. V. & Haffner, S. M. (1999). Low-density lipoprotein particle size is inversely related to plasminogen activator inhibitor-1 levels: The Insulin Resistance Atherosclerosis Study. *Arteriosclerosis, thrombosis, and vascular biology*, 19(3), 605-610.
- Goodspeed, D., Chehab, E. W., Min-Venditti, A., Braam, J. & Covington, M. F. (2009). Arabidopsis synchronizes jasmonate-mediated defense with insect circadian behavior. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 109(12), 4674-4677.
- Gunewardena, N. (2008). Peddling paradise, rebuilding serendiblz the 100-meter refugees versus the tourism industry in post-tsunami Sri Lanka. *Appl Anthropol*, 26(2), 149-169.
- Huberty, T. J. (2012). *Anxiety and depression in children and adolescents: Assessment, intervention, and prevention*. Springer Science & Business Media.
- Kessler, R. C. (2002). *Epidemiology of depression*. In IH Gotlib & CL Hammen (Eds.), *Handbook of Depression*. New York : Guilford Press, 16-11.
- Koenig, W. D., Mumme, R. L., Carmen, W. J. & Stanback, M. T. (1994). Acom production by oaks in central coastal California: variation within and among years. *Ecology*, 75(1), 99-109.
- Kotov, R., Gamez, W., Schmidt, F. & Watson, D. (2010). Linking “big” personality traits to anxiety, depressive, and substance use disorders: a meta-analysis. *Psychological bulletin*, 136(5), 768.

- Kourosh, A. S., Stewart, K. M., Storer, M. A., Rendon, M. I. & Callender, V. D. (2014). Improving young physician membership and engagement in a dermatology physician organization: The Women's Dermatologic Society as a case example. *International Journal of Women's Dermatology*, 2(1), 39.
- Lin, Z., Goikolea, E., Balducci, A., Naoi, K., Taberna, P. L., Salanne, M. & Simon, P. (2018). Materials for supercapacitors: When Li-ion battery power is not enough. *Materials Today*, 21(4), 419-436.
- Lohoff Baroni, L., Bertini, I., Ciappellano, S., Fabbri, A., Papa, M., & Sieri, S. (2017). Position paper on vegetarian diets from the working group of the Italian Society of Human Nutrition. *Nutrition, metabolism and cardiovascular diseases*, 27(12), 1037-1052.
- Lowe, D. G. (1991). Fitting parameterized three-dimensional models to images. *IEEE transactions on pattern analysis and machine intelligence*, 13(5), 441-450.
- Menzel, W. P., Lin, C. C., Fouquet, D. F., Lafon, E. E., & Chaney, R. C. (1973). Optical Dielectric Function of the Lithium-Fluoride Crystal. *Physical Review Letters*, 30(26), 1313.
- Morris, C. N. (1983). Parametric empirical Bayes inference: theory and applications. *Journal of the American statistical Association*, 78(381), 47-55.
- Morris, M. C., Rao, U. & Garber, J. (2014). Cortisol responses to psychosocial stress predict depression trajectories: social-evaluative threat and prior depressive episodes as moderators. *Journal of affective disorders*, 143(1-3), 223-230.
- Naoi, M., Maruyama, W. & Shamoto-Nagai, M. (2018). Type A monoamine oxidase and serotonin are coordinately involved in depressive disorders: from neurotransmitter imbalance to impaired neurogenesis. *Journal of Neural Transmission*, 125, 53-66.
- Nieuwenhuizen, P. I. Tussen I-dicht en E-legende: Ige Cornelis Kamer als lipogrammaticus.
- Rizzo, C. J., Daley, S. E. & Gunderson, B. H. (2006). Interpersonal sensitivity, romantic stress, and the prediction of depression: A study of inner-city, minority adolescent girls. *Journal of Youth and Adolescence*, 35, 444-453.
- Schwartz, M. L. & Pierron, M. (1973). Suicide and fatal accidents in multiple sclerosis. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 3(4), 291-293.
- Smith, J. W. (1967, January). Walter Terence Stace 1886-1967. In *Proceedings and Addresses of The American Philosophical Association* (p. 136-138). Antioch Press.
- Tahan, M., Saleem, T., Zygoulis, P., Pires, L. V. L., Pakdaman, M., Taheri, H. & Ebrahimpour, M. (2020). A systematic review of prevalence of depression in Iranian patients. *Neuropsychopharmacol Hung*, 22(1), 16-22.
- Update, B. Biopsychosocial Update. *Psychology*, 28(4), 371-391.
- Wade, T. D., Bulik, C. M., Sullivan, P. F., Neale, M. C. & Kendler, K. S. (2000). The relation between risk factors for binge eating and bulimia nervosa: a population-based female twin study. *Health Psychology*, 19(2), 115.
- Walker, S., Scamell, M. & Parker, P. (2016). Principles of physiological breech birth practice: a Delphi study. *Midwifery*, 43, 1-6.
- Walker, S., Spohn, C., & DeLone, M. (2016). *The color of justice: Race, ethnicity, and crime in America*. Cengage Learning.
- WHO. Depression [Internet]. World Health Organization; 2018 [cited 18 July 2019]. Available from: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/depression>
- WHO. Depression and other common mental disorder [Internet]. World Health Organization; 2017 [cited 18 July 2019]. Available from [https:// apps.who.int/iris/bitstream/ handle/ 10665/254610/WHO-MSD-MER-2017.2 -eng.pdf](https://apps.who.int/iris/bitstream/handle/10665/254610/WHO-MSD-MER-2017.2-eng.pdf)
- Yaghoubi, S., Birashk, B., Aghebat, A., & Ashouri, A. (2021). Mediating Role of External Shame and Self-compassion in the Relationship Between Peer Victimization and Depression in Adolescents. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 27(1), 16-31.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (ص ۱۷۵-۱۹۵)

اثربخشی بسته ایرانی-اسلامی آموزش پیش از ازدواج بر معیارهای همسرگزینی و نگرش به ازدواج در دختران

The Effectiveness of the Iranian-Islamic Premarital Education Package on Spouse Selection Criteria and Attitudes Toward Marriage in Girls

فرزانه فیروزمهر / کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی، قم، ایران.

کهر قدسیه ابراهیم پور / استادیار گروه روان شناسی و مشاوره دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی، قم، ایران.

حسن طهماسب پور کریمی / دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره با رویکرد اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

حسن انصاری / استادیار گروه روان شناسی و مشاوره، دانشگاه قم، قم، ایران.

Farzaneh Firouzmehr / M.A. in General Psychology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hoda University, Qom, Iran. ff.124h@gmail.com

✉ Ghodsiyeh Ebrahimpour / Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Faculty of Theology and Islamic Studies, Hoda University, Qom, Iran. ghebrahimpour@yahoo.com

Hassan Tahmasbpour Karimi / M.A. Student in Islamic-Based Counseling, University of Islamic Studies, Qom, Iran. hassantahmasebpour@gmail.com

Hassan Ansari / Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, University of Qom, Qom, Iran. h.ansari@qom.ac.ir

Abstract

The aim of the present study was to examine the effectiveness of premarital education on spouse selection criteria and attitudes toward marriage among girls. The research method was quasi-experimental, using a pretest-posttest design with a control group. The statistical population included all unmarried girls in the city of Qom, from whom 20 participants were selected through convenience sampling and were randomly assigned to experimental and control groups. Both groups were assessed under identical conditions using the Mate Selection Criteria Questionnaire (Heratian et al.) and the Attitudes toward Marriage Scale (Braaten & Rosen) as the pretest.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر معیارهای همسرگزینی و نگرش به ازدواج دختران بود. روش پژوهش نیمه آزمایشی و طرح پژوهش از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش، کلیه دختران مجرد شهر قم بودند که از میان آنها ۲۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. هر دو گروه در شرایط یکسان و با استفاده از پرسش نامه معیارهای انتخاب همسر هراتیان و همکاران و نگرش به ازدواج براتن و روزن به عنوان پیش آزمون مورد سنجش قرار گرفتند؛ سپس آزمودنی های گروه

Subsequently, the experimental group underwent eight 90-minute sessions of premarital education intervention training (the PREP – Prevention and Relationship Enhancement Program), while the control group received no intervention. Both groups were then reassessed at the posttest stage using the aforementioned instruments. Data analysis was conducted using analysis of covariance (ANCOVA). The results indicated that premarital education was effective on spouse selection criteria, such that 35% of the variance in spouse selection criteria was explained by the educational package; however, the education had no significant effect on attitudes toward marriage. The findings of this study demonstrated that enhancing individuals' insight into their own qualifications and those of the prospective partner, as well as the compatibilities and requirements of the courtship period, can increase the likelihood of marital success through the modification of spouse selection criteria.

Key words: Premarital education, spouse selection criteria, Attitude toward marriage, Spouse selection.

آزمایش به مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش مدل مداخله آموزش پیش از ازدواج (پروتکل شروع خوب) قرار گرفتند، اما گروه گواه مداخله‌ای دریافت نکرد؛ سپس هر دو گروه مجدداً در مرحله پس‌آزمون با استفاده از ابزارهای مذکور مورد سنجش قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر معیارهای همسرگزینی مؤثر بود؛ به‌طوری‌که ۳۵ درصد از تغییرات معیارهای همسرگزینی بر اثر بسته آموزشی رخ داده است، ولی این آموزش، بر نگرش به ازدواج تأثیری نداشت. یافته‌های این تحقیق نشان داد که افزایش بینش افراد نسبت به صلاحیت‌های خود و طرف مقابل، تطابق‌ها و بایسته‌های دوره آشنایی، می‌تواند با اصلاح معیارهای همسرگزینی، احتمال موفقیت در ازدواج را افزایش دهد.

کلیدواژه‌ها: آموزش پیش از ازدواج، معیارهای همسرگزینی، نگرش به ازدواج، انتخاب همسر.

مقدمه

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماع می‌باشد که بسیاری از پژوهشگران به لحاظ نقشی که در حفظ سلامت و ثبات جامعه دارد، به آن توجه کرده‌اند. ازدواج نیز، به‌عنوان خشت اول شکل‌گیری این بنا اهمیت ویژه دارد و یکی از اصلی‌ترین انتخاب‌هایی است که فرد در طول زندگی‌اش انجام می‌دهد (بیجاری، سپهری شاملو، مهram و صادقی، ۱۳۹۸). این انتخاب یکی از دوره‌های تحولی رشد به‌شمار می‌آید که در تکامل جنبه‌های شخصیتی انسان مهم است. ازدواج عاملی محدود به رابطه زوجین نیست، بلکه به‌عنوان عامل تأثیرگذار در جامعه و خانواده شناخته می‌شود. امروزه با پیشرفت جوامع و پیچیدگی روابط اجتماعی، عوامل متعددی در تصمیم‌گیری ازدواج نقش دارند و بررسی عوامل مؤثر در این امر از اهمیت بالایی برخوردار است (شاه‌مرادی، آقابابایی و حبیبی، ۱۴۰۰).

انتخاب همسر^۱ همچون دیگر پدیده‌های اجتماعی دارای هنجارهای مختص آن جامعه می‌باشد. در ایران نیز با توجه به فرهنگ و مذهب و دوران کنونی، مسائل مربوط به ازدواج و انتخاب همسر ویژگی‌های خاص خود را دارد. ایران به‌عنوان یکی از کشورهای جهان سوم در مرحله گذر از سنت به مدرنیته می‌باشد که تغییرات وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی به‌خصوص انتخاب همسر به وجود آورده است. این تغییرات نگرش‌های جدیدی به پیوند زناشویی و انتخاب همسر را در مردان و زنان ایجاد کرده است (شهرابی فراهانی، فاتحی‌زاده و اعتمادی، ۱۳۹۸). انتخاب همسر، مرحله‌ای از رشد دیدگاه‌های افراد است که در آن مفهوم علاقه اجتماعی در روابط زوجین دیده می‌شود و اغلب می‌تواند با ارزیابی موضوع انتخاب همسر برای تشکیل ازدواج، موجب اطمینان بیشتر شود (رجبی، قیصری، امان‌الهی و سودانی، ۱۳۹۹). اولویت‌ها و ملاک‌های همسرگزینی،^۲ مطالبه ادراک‌هایی در مورد صفات یا ویژگی‌هایی هستند که از یک معشوقه خیالی یا همسر بالقوه می‌باشد، و تعداد زیادی از این ادراک‌ها مرتبط با هیجان‌ها هستند (باس،^۳ ۲۰۰۷). انتخاب شریک زندگی یک فرآیند تعریف‌شده فرهنگی است که عوامل سلامت، سن، فرم بدن، عوامل اجتماعی، عوامل تربیتی، عوامل فرهنگی مانند مذهب و لباس، عوامل روانی، جسمی و زیبایی، عوامل ژنتیکی، شغل و... معمولاً برای انتخاب همسر مورد توجه قرار می‌گیرد. مفهوم هر معیار جهانی نیست. به‌عنوان مثال، به نظر اونیل^۴ اگر عشق یک معیار مهم برای انتخاب شریک زندگی باشد، زیبایی ظاهری یک عامل کلیدی است. با این حال، مفهوم زیبایی در میان فرهنگ‌ها متفاوت است. در جوامع سنتی آفریقا، جثه‌های چاق و درشت جذاب هستند؛ در صورتی که در اروپا و آمریکای شمالی چنین ویژگی فیزیکی زشت و ناسالم تلقی می‌شود. در چین، صورت ماه شکل مطلوب است؛ در حالی که چهره زاویه‌دار در شمال اروپا جذاب است. مفاهیم زیبایی نیز در طول زمان تغییر می‌کند و این باعث می‌شود که مفاهیم معیارها در انتخاب همسر در فرهنگ‌ها متفاوت باشد (علوی، الله‌داد و شافق،^۵ ۲۰۱۴). زنان و مردان در انتخاب همسر معیارهای متفاوتی دارند. به‌عنوان مثال، طی چندین دهه ارزیابی در روش‌ها و فرهنگ‌های مختلف، مردان بیش از زنان به جذابیت فیزیکی در یک همسر اهمیت می‌دهند؛ در حالی که زنان بیش از مردان برای چشم‌انداز مالی خوب ارزش قائل

-
1. spouse selection
 2. Criteria for spouse selection
 3. Buss
 4. O'Neil
 5. Alavi, Alahdad & Shafeq

هستند (شاکلفورد، اسمیت و باس،^۱ ۲۰۰۵). این امر نیز در تحقیق خلاد^۲ (۲۰۰۵) در بین جوانان اردنی ثابت شده که پسران اردنی به ظاهر خوب و زیبایی و دختران به توانایی و تعهد اقتصادی همسران خود تمایل داشتند.

از ویژگی‌های خاص ملاک‌های ازدواج مواردی را می‌توان برشمرد؛ از آن جمله شخصی و منحصر به فردند، پایدارند، وابسته به فرهنگ و اعتقادات فرد هستند، دارای ضریب اهمیت یکسانی نیستند، تحت تأثیر خانواده هستند، به آمادگی‌های تحولی و روان‌شناختی، سلامت روان‌شناختی فرد و جنسیت وابسته هستند (جان‌بزرگی، ۱۴۰۱). معیارها به‌طور ناگهانی در فرد شکل نمی‌گیرد، بلکه همه آنها نتیجه رشد سلسله فرایندهای شناختی، عقلانی، اجتماعی و روانی در فرد می‌باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین معیارهای همسرگزینی با عملکرد خانواده، ثبات ازدواج و پایداری خانواده، رضایت زناشویی و کیفیت زندگی و طلاق رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه در جوامع امروزی نقش و تأثیر فرد در انتخاب شریک زندگی، نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده، باعث شده که این تغییر، بر معیارها و ملاک‌های همسرگزینی نیز اثرگذار باشد (هراتیان، موسوی، ارشادحسینی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۹). مشکلات مربوط به انتخاب همسر، ناشی از دو ریشه اصلی است: نخست، تعیین نادرست معیارهای انتخاب همسر؛ و سپس، ناتوانی در تطبیق معیارهای همسر مطلوب بر فرد مورد نظر. در این میان، تعیین معیارهای انتخاب همسر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (حسین‌خانی نائینی، جان‌بزرگی و مهرام، ۱۳۹۳). شناخت ملاک‌های انتخاب همسر و توجه به آنها باعث می‌شود که افراد چشم‌انداز امیدبخشی از آینده خود ترسیم کنند. انسان در هر انتخاب، خواسته یا ناخواسته، ملاک‌هایی را به‌عنوان مبنا در نظر می‌گیرد، اما هر میزان ملاک‌های افراد برای انتخاب همسر واقع‌بینانه‌تر باشند، ازدواج موفق‌تری خواهند داشت (اکبری، فرحبخش و نعیمی، ۱۴۰۰). ازدواج و انتخاب همسر نیازمند افزایش آگاهی و دانش‌افزایی درباره خود و دیگری است. بنابراین برای تشکیل خانواده خوب بی‌شک انتخاب زن و شوهر شایسته، مهم تلقی می‌شود، اما واضح است این امر همیشه موفقیت‌آمیز نیست و انتخاب همسری با نگرش‌ها و ارزش‌های مشابه سخت و کمتر امکان‌پذیر است؛ درحالی‌که اگر مرد و زن قبل ازدواج با یکدیگر به تفاهم برسند، امکان سازگاری بعدی بیشتری با هم خواهند داشت (نیازی، فرهادیان و میری، ۱۳۹۸). نگرش، ساخت ذهنی پنهان در شخصیت هر فرد است. به عبارتی می‌توان نگرش را آمادگی فرد از لحاظ روانی در مواجهه با پدیده‌ها، مسائل و وقایع و بروز واکنش همراه با

1. Shackelford, Schmitt & Buss

2. Khallad

هیجان نسبت به رویدادها دانست. نگرش‌های افراد از گذشته آنان و تجربیات مختلف زندگی نشئت می‌گیرد. نگرش به ازدواج^۱ دورنمای ادراک، احساس و شیوه رفتار در این امر است؛ به‌طوری‌که تصویری که در ذهن فرد از ازدواج نقش می‌بندد، تعیین‌کننده تصمیم‌گیری کنش‌ها و عملکردهای اوست. اگر در گذشته ازدواج امری غیرشخصی و گاه تنظیم شده بود؛ به‌طوری‌که فرد در تصمیم‌گیری نقش چندانی نداشت، اما اکنون در دوران مدرن ازدواج امری فردی است؛ به‌طوری‌که فرد خود تصمیم گیرنده اصلی تلقی می‌شود (روشنی، ۱۴۰۰). افراد قبل از آنکه ازدواج کنند نسبت به ازدواج و روابط زناشویی نگرش‌ها و دیدگاه‌هایی دارند که این نگرش‌ها در انتخاب همسر توسط آنها نقشی تعیین‌کننده دارد. این نگرش‌ها می‌توانند در آینده به رضایت یا عدم رضایت زناشویی زوجین منجر شود. در شکل‌گیری این نگرش‌ها عوامل متعددی نقش دارند که از جمله آنها می‌توان به خصوصیات شخصی افراد اشاره کرد. از طرف دیگر، پرورش در شرایط رشدی هریک از زوجین منحصربه‌فرد بوده است و شیوه زندگی خاصی مشتمل بر ارزش‌ها و باورهای فردی و اجتماعی پیش روی خود قرار داده‌اند که در واقع با فردیت فرد دیگر متفاوت می‌باشد. تحت این شرایط به اشتراک گذاشتن زندگی با فردی دیگر که عقاید، باورها و فرهنگ متفاوتی دارد، به‌خصوص در سال‌های اولیه ازدواج، کار آسانی به نظر نمی‌رسد و منجر به پیچیدگی‌هایی می‌شود که به نوعی تمامی زندگی زوجها را دربر خواهد گرفت (ژیان، حاتمی و آگاه هریس، ۱۴۰۱). نگرش به ازدواج عبارت است از: عقاید و باورهای نسبتاً ثابتی که در ذهن افراد برای ازدواج شکل گرفته است و شامل باورهای در مورد تمایل یا عدم تمایل به ازدواج، میزان اهمیت ازدواج، انتظارات از ازدواج، منافع و هزینه‌های ازدواج و عوامل مؤثر بر آن است (ویلویی و هال، ۲۰۱۵).^۲ شناسایی درست و ارزیابی صحیح نگرش به ازدواج یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها در مطالعاتی است که هدف آنها پیش‌بینی و شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد (هولمن، ۲۰۰۲).^۳ ممانی^۴ (۲۰۰۳) در تحقیق خود مفهوم نگرش را برای نشان دادن تمایلات و احساسات افراد، تعصب یا سوءگیری، پیش‌داوری‌ها، ترس‌ها و اعتقادات افراد در مورد ازدواج استفاده کرده است؛ بنابراین نگرش افراد در مورد ازدواج تمام آن چیزی است که افراد در مورد ازدواج احساس و فکر می‌کنند. در واقع نگرش به ازدواج سبک تفکر و احساس فرد را تعیین می‌کند. نگرش و دیدگاه‌های فرد نسبت به ازدواج شاخص مهم در سلامت ازدواج به حساب می‌آید (یزدانی و سقزی، ۱۴۰۰).

1. attitude towards marriage

2. Willoughby & Hall

3. Holman

4. Memani

نگرش‌های افراد به ازدواج و گزینش همسر می‌تواند مثبت یا منفی باشد. این نگرش‌ها انعکاس تفکر افراد درباره ازدواج می‌باشد و بر ادراکات آنان در مورد دنیای پیرامون اثرگذار است. این نگرش‌ها شامل اجزای مهمی درباره ازدواج، کنترل مشکلات ازدواج و اثرگذاری بر امکان ازدواج و تعیین زمان ازدواج هستند (شهرابی فراهانی، فاتحی‌زاده و اعتمادی، ۱۳۹۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نگرش منفی نسبت به ازدواج باعث می‌شود که جوانان به سمت ازدواج روی نیاورند یا دیر ازدواج کنند و در صورت ازدواج منجر به افزایش ضریب طلاق می‌شود؛ بنابراین نگرش نسبت به ازدواج بسیار مهم است؛ زیرا یکی از سازوکارهای کلیدی می‌باشد که رفتار واقعی افراد را در ازدواج پیش‌بینی می‌کند و یکی از بهترین شاخص‌های عملکرد در روابط عاشقانه می‌باشد. به‌طور کلی، نگرش به‌طور مستقیم و پویا بر واکنش فرد نسبت به نگرش‌های مربوط به مسائل و فرصت‌ها تأثیر دارد (رهبریان یزدی و سحاقی، ۱۳۹۸). شکل‌گیری نگرش به ازدواج بر اساس سه رویکرد نظری توجیه‌پذیر است: اول آنکه بر اساس نظریه دلبستگی رابطه والدین یا مراقبان اولیه در ایجاد الگوهای فعال درونی نقش دارد و می‌تواند باعث انتقال نگرش نسبت به صمیمیت شود (میکولینسر و شاور، ۲۰۰۷)؛ همچنین بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، والدین از طریق الگوسازی و یادگیری جانشینی، ایده‌های خود را درباره رابطه با جنس مخالف به فرزندان خود انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان به صمیمیت از طریق مشاهده والدین و روابط بین آنها الگوبرداری می‌شود؛ همچنین فرزندان تجربه رابطه خود با والدین را مبنایی برای برقراری صمیمیت در روابط به‌کار می‌برند. این یادگیری از منابع دیگری مانند رسانه‌ها، مدرسه و یا دوستان نیز شکل می‌پذیرد (شفایی‌مقدم، نیازی و شاطریان، ۱۳۹۴).

نگرش نسبت به ازدواج بر اساس ساختار خانواده‌ها متفاوت است؛ جوانانی که والدین آنها طلاق گرفته‌اند، کودکان خانواده‌های تک‌والد یا ازدواج مجدد والدین، نسبت به جوانان خانواده‌های عادی نگرش‌های بدبینانه‌تری نسبت به ازدواج دارند. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، با جهت‌گیری منفی نگرش جوانان به ازدواج در سال‌های اخیر، تباهی اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است. نگرش به ازدواج پایه‌های اساسی تصمیم‌گیری برای ازدواج، زمان ازدواج و نیز انتظارات از ازدواج را تشکیل می‌دهد. نگرش نادرست نسبت به نحوه انتخاب همسر باعث ایجاد دید و باور غیرمنطقی افراد به ازدواج می‌شود و باعث می‌شود آن را به‌صورت امری آسان و عادی که نیاز به تلاش چندانی ندارد، تلقی کنند (سیدکاوسی، مردوخ و مقرب تورتولش، ۱۴۰۰). نگرش‌ها و انتظارات زناشویی یک روان‌بنه‌شناختی را در مورد روابط ناشی از تجربه تشکیل می‌دهند. فرد ممکن است نگرش‌ها و انتظاراتی را در رابطه با

زندگی زناشویی از طریق تجربیات شخصی با شریک زندگی خود، با مشاهده والدین خود، یا با تماشای مذاکره دیگران در مورد روند زندگی زناشویی شکل دهد. نگرش‌های مثبت ازدواج ممکن است بر رفتار و نگرش‌های منفی ازدواج بر باورهای مربوط به روابط تأثیر بگذارد. افرادی که دارای نگرش‌های بسیار مثبت در مورد ازدواج هستند، ازدواج فعلی و آینده خود را شاد و موفق می‌بینند، اما افرادی که دارای نگرش‌های منفی زیاد هستند، انتظارات مثبت کمتری دارند (پارک، ۲۰۱۲).

تأثیر مخرب تغییر الگوی زناشویی، بسیاری از محققان را به مطالعه نگرش نسبت به ازدواج در میان جمعیت‌های مختلف، از جمله نوجوانان، جوانان، دانشجویان، زنان مجرد و افراد متأهل برانگیخت. علاوه بر این، تحقیقات گذشته به‌طور کلی نشان می‌دهد که قرار گرفتن در معرض تعارضات شدید بین والدینی، چشم‌انداز و انتظارات زناشویی نوجوانان را از بین می‌برد که به‌نوبه خود منجر به نگرش منفی نسبت به ازدواج می‌شود (فام^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش کونیک، دورن و مسایس^۳ (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در سال ۲۰۱۸ نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق، باروری خارج از ازدواج، زندگی مشترک مجرد و انواع خانواده‌های جایگزین نسبت به سال ۲۰۰۲ دارند و همچنین دانشجویان در سال ۲۰۱۸ نسبت به ازدواج نگرش منفی بیشتری نسبت به سال ۲۰۰۲ دارند.

به نظر می‌رسد که نگرش به ازدواج در جوانان ایرانی، با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در کنار مشکلات اقتصادی، دچار تحول و تا حدودی منفی گردیده است که پیامد بارز آن افزایش سن ازدواج است؛ بنابراین اصلاح و بهبود نگرش به ازدواج می‌تواند از اولویتهای نظام سلامت کشور باشد. با توجه به نقش متغیرهای شناختی، هیجانی و انگیزشی در نگرش به ازدواج، بنابراین اجرای مداخلات روان‌شناختی و آموزش‌های پیش از ازدواج^۴ می‌تواند اثرات معناداری را به همراه داشته باشد (عظیمی خویی، زهراکار و احمدی، ۱۴۰۰). آموزش پیش از ازدواج، آموزش مهارت‌ها به زوجین در جهت کمک به بهبود روابطشان است تا در صورت بروز مشکلات بین فردی با آن مقابله کنند (سندیاک، ۱۹۹۰). امروزه آموزش پیش از ازدواج به‌عنوان یک جنبش مد نظر قرار گرفته است که هدفش تقویت ازدواج و تشکیل خانواده موفق به‌عنوان یک نهاد بنیادی در جامعه است. مرکز ملی تحقیقات ازدواج سالم بیان می‌کند که آمادگی قبل از ازدواج می‌تواند راهبرد مؤثری در کاهش طلاق و حمایت از ازدواج سالم باشد.

1. Park

2. Fam

3. Coninck, Doren & Matthijs

4. pre-marital training

5. Senediak

عدم آمادگی افراد برای ازدواج و انتظارات اشتباه عواملی هستند که می‌بایستی در آموزش قبل از ازدواج شناسایی شوند؛ چراکه آمادگی کافی قبل از ازدواج به‌طور مثبت نه‌تنها روی ازدواج، بلکه روی انسان و نسل‌های آینده نیز مؤثر است (رجبی و عباسی، ۱۳۹۸). مروری بر ادبیات مشاوره قبل از ازدواج نشان می‌دهد که یکی از راه‌های تغییر یا کاهش انتظارات و باورهای ازدواج، برنامه‌های آموزش قبل از ازدواج است که اثر معناداری بر باورهای افراد دارد. مطالعات متعدد نیز نقش مؤثر آموزش و مشاوره قبل از ازدواج را در ارتقای آگاهی و نگرش افراد مورد مطالعه نشان داده است (آتش‌پور، نوایی‌فر و گل‌پرور، ۱۳۹۹). مرکز ازدواج و خانواده دانشگاه کریگتون^۱ مطالعه جامعی درباره تأثیر مشاوره‌های قبل از ازدواج در روند زندگی زناشویی مراجعین اجرا کرده و نشان داده است که آموزش زوجین در ایجاد زندگی شاداب‌تر و باثبات‌تر تأثیر دارد. شرکت‌کنندگان در برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای، این برنامه‌ها را کمک‌کننده و مؤثر ارزیابی کرده‌اند؛ به‌نحوی که مطابق ارزیابی‌های شرکت‌کنندگان، این آموزش‌ها ۳۷٪/۵ در ارتباط با همسر، ۷۰٪/۲ در تعهد نسبت به زندگی زناشویی و ۵۲٪/۲ اختلافات زندگی زناشویی آنها مؤثر بوده است (خلعتبری، قربان شیرودی و مهدیون، ۱۳۸۸).

یافته‌های یک نظرسنجی بزرگ و تصادفی خانوار نشان می‌دهد که مشارکت در آموزش پیش از ازدواج با سطوح بالاتر رضایت و تعهد در ازدواج و سطوح پایین‌تر تعارض مرتبط است و همچنین احتمال طلاق را کاهش می‌دهد؛ بنابراین مشارکت در آموزش قبل از ازدواج عموماً برای طیف گسترده‌ای از زوجها مفید است (استنلی، آماتو، جانسون و مارکمن، ۲۰۰۶). در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته مانند انگلستان و ایالات متحده، زوجها تشویق می‌شوند تا در برنامه‌های مشاوره قبل از ازدواج شرکت کنند. اثربخشی این برنامه‌ها در افزایش رضایت زناشویی هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهایی با فرهنگ مشابه ایران به اثبات رسیده است (یزدان‌پناه، اسلامی و نخعی، ۲۰۱۴)، و بر کارآمدی در انتخاب همسر و اصلاح معیارهای انتخاب همسر مؤثر می‌باشد (هراتیان، ۱۳۹۹).

بیدگلی (۱۴۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آموزش پیش از ازدواج بر معیارهای همسرگزینی اثربخش است. جمشیدیان نائینی (۱۳۹۳) در تحقیقی تحت عنوان «اثربخشی آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج بر ملاک‌های همسرگزینی و رشد فردی دختران مجرد»، نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج هم بر ملاک‌های همسرگزینی و هم بر ملاک‌های محتوایی و فرایندی به‌طور معناداری تأثیرگذار بوده است.

1. Creighton University

2. Stanley, Amato, Johnson & Markman

معمارزاده، خدابخشی کولایی و خطیبان (۱۳۹۵) نیز، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش مفاهیم نه‌گانه شخصیتی این‌گرام بر ملاک‌های کلی، فرآیندی و محتوایی همسرگزینی و نگرش کلی و نگرش بدبینانه به ازدواج اثرگذار است، اما بین نمره نگرش ایدئال‌گرایانه دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد. عظیمی خوبی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر برنامه آگاهی و انتخاب میان‌فردی و برنامه پیشگیری و بهبود رابطه بر نگرش به ازدواج در زوج‌های در آستانه ازدواج»، دریافتند که استفاده از برنامه آگاهی و انتخاب میان‌فردی (PICK) نسبت به برنامه بهبود و پیشگیری رابطه (PRPE) بر نگرش به ازدواج زوج‌های در آستانه ازدواج اثربخش‌تر است. عباس‌پور، موسوی و امان‌الهی (۱۴۰۰) در پژوهشی که انجام دادند دریافتند که برنامه آموزش پیش از ازدواج باعث افزایش نگرش مثبت به ازدواج شد، ولی بر نگرش به طلاق اثربخشی معناداری نداشت. عظیمی خوبی، زهراکار و احمدی (۱۳۹۹) نتیجه پژوهش خود را این‌چنین ارائه دادند که آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر برنامه پیشگیری و بهبود رابطه بر باورهای ارتباطی و نگرش به ازدواج تأثیر مثبت، معنادار و پایدار در طول زمان را دارا می‌باشد. شیرزادفر، عباسی و حسن‌زاده (۱۳۹۹) در پژوهش خود دریافتند که آموزش قبل از ازدواج مبتنی بر آموزش ارتباط منجر به کاهش مشکلات تصمیم‌گیری در انتخاب همسر و افزایش نگرش مثبت به ازدواج در بین جوانان فرزند طلاق شد. نوروزی و زندی‌پور (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان «اثربخشی مشاوره گروهی آموزش‌های پیش از ازدواج بر نگرش به انتخاب همسر دختران در آستانه ازدواج»، دریافتند که مشاوره گروهی آموزش‌های پیش از ازدواج، باعث شده است نگرش به انتخاب همسر داوطلبان شرکت‌کننده تغییر کند. ییلماز و کالکان^۱ (۲۰۱۰) تحقیقی در مورد اثرات یک برنامه غنی‌سازی روابط قبل از ازدواج بر رضایت از رابطه انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که این برنامه غنی‌سازی روابط قبل از ازدواج تأثیرات مثبتی بر رضایت از رابطه داشت.

مک جورج و کارلسون^۲ (۲۰۰۶) در تحقیقی تحت عنوان «آموزش پیش از ازدواج: ارزیابی اثربخشی برنامه»، دریافتند که زوج‌هایی که در یک برنامه قبل از ازدواج شرکت کرده‌اند، نمرات پس‌آزمون، معنی‌داری بالاتری داشتند و این برنامه پیش از ازدواج اثر مثبتی روی افراد داشته است. از نظر سودمندی برنامه آموزش پیش از ازدواج، این مطالعه نشان داد که برای دختران و پسران به یک اندازه مؤثر است. نتایج تحقیق‌ها حاکی از آن است که از شایع‌ترین عوامل و آسیب‌هایی که امکان دارد زندگی زوجین را دچار مشکلات زیادی کند، می‌توان به فقدان آموزش کافی در مورد مسائل مرتبط با

1. Yilmaz & Kalkan

2. McGeorge & Carlson

ازدواج، اطلاعات ناکافی زوجین، مشکلات دلبستگی، باورهای ناکارآمد ارتباط، تمایز یافتگی، ملاک و باورهای نادرست اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ارتباط ضعیف و ترس از عدم موفقیت در ازدواج اشاره کرد (بلوچ‌زاده خورشانه، عبدی، غفاری و حمیدی‌پور، ۱۴۰۰).

ضرورت بومی‌سازی و تطابق فرهنگی در مسئله آموزش پیش از ازدواج، به کمک پژوهش‌های هراتیان (۱۳۹۹) با موضوع «تدوین بسته بومی (ایرانی - اسلامی) آموزش پیش از ازدواج و بررسی اثربخشی آن بر معیارها و خودکارآمدی در انتخاب همسر» تحقق یافت. پژوهش حاضر با انتخاب دختران ساکن قم به عنوان جامعه مورد بررسی ضمن اعتبارسنجی پژوهش سابق و تأثیر خرده‌فرهنگ‌ها بر آن به بررسی تأثیر این بسته در متغیر نگرش به ازدواج دختران می‌پردازد. سؤال اصلی در پژوهش حاضر این است که آیا آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر پروتکل شروع خوب، بر معیارهای همسرگزینی و نگرش به ازدواج دختران اثرگذار است؟

روش پژوهش

روش پژوهش آزمایشی و در قالب طرح نیمه‌آزمایشی به همراه پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه آماری کلیه دختران شهر قم در سال ۱۴۰۲ می‌باشد که در حدود ۵۴۹ هزار نفر از جمعیت شهر قم را تشکیل می‌دهند. به روش نمونه‌گیری در دسترس، طی یک فراخوان تعداد ۲۰ نفر انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. پس از مشخص شدن جامعه و تعیین نمونه، پرسش‌نامه‌های معیارهای همسرگزینی هراتیان و همکاران (۱۳۹۹) و نگرش به ازدواج براتن و روزن (۱۹۹۸) از گروه آزمایش و گروه گواه به عنوان پیش‌آزمون گرفته شد. گروه آزمایش، آموزش پیش از ازدواج را در طول مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای دریافت کردند، اما گروه گواه هیچ آموزشی دریافت نکرد. پس از اتمام دوره آموزشی، هر دو گروه آزمایش و گواه پرسش‌نامه‌های فوق را به عنوان پس‌آزمون پاسخ دادند. بازه سنی ۱۸-۳۰ سال، جنسیت دختر، مجرد و داشتن حداقل مدرک دیپلم، از جمله معیارهای ورود و متاهل بودن و داشتن سابقه ازدواج و غیبت بیش از ۲ جلسه، از جمله معیارهای خروج می‌باشد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تحلیل کوواریانس و با نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

مقیاس معیارهای همسرگزینی: مقیاس ۵۵ گویه‌ای معیارهای انتخاب همسر، توسط هراتیان، موسوی، ارشادحسینی و جان‌بزرگی (۱۳۹۹) طراحی و تدوین شد. فرم اولیه آن بر اساس مطالعه و تحلیل متون نظری و پژوهشی اسلامی و روان‌شناختی توسط هراتیان در این موضوع، شکل گرفت و به مرور بر مبنای تجربه جلسه‌های مشاوره پیش از ازدواج، اصلاح و تکمیل گردید. این مقیاس حاوی ۵۱ معیار مشترک و ۴ معیار

جنسیتی است که شرکت‌کننده با درج نمره‌ای بین ۰ تا ۱۰ به هریک از معیارها، میزان اهمیت آن را مشخص می‌نماید. ضریب و شاخص روایی محتوا (۰/۹۹) و همبستگی آن با پرسش‌نامه اولویت‌بخشی ملاک‌های انتخاب همسر و مقیاس رضایت زناشویی انریچ (فرم کوتاه)، نشانگر روایی مناسب این مقیاس است. آلفای کرونباخ مقیاس، ۰/۹۲ و ضریب دونیمه‌سازی آن، ۰/۸۳ به‌دست آمد (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۹).

مقیاس نگرش به ازدواج: پرسش‌نامه نگرش نسبت به ازدواج توسط براتن و روزن (۱۹۹۸) به‌منظور سنجش نگرش نسبت به ازدواج طراحی و تدوین شده است و در ایران توسط نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۲) اعتباریابی شده است. این پرسش‌نامه دارای ۲۳ سؤال و چهار مؤلفه نگرش بدبینانه به ازدواج، نگرش خوش‌بینانه به ازدواج، نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج و نگرش ایدئال‌گرایانه به ازدواج می‌باشد و بر اساس طیف چهار گزینه‌ای لیکرت با سؤالاتی مانند (به خاطر آنکه بسیاری از ازدواج‌ها به جدایی می‌انجامد، پس ازدواج کار بی‌هوده‌ای است)، به سنجش نگرش نسبت به ازدواج می‌پردازد. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه در پژوهش نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۲) برای این پرسش‌نامه ۰/۸۴ برآورده شد.

بسته بومی (ایرانی - اسلامی) آموزش پیش از ازدواج (شروع خوب): این بسته توسط هراتیان در سال ۱۳۹۹ تدوین شد. ساخت این بسته با بررسی ادبیات پژوهش‌های روان‌شناختی داخلی و آیات و روایات مرتبط با حوزه ازدواج، زناشویی و طلاق انجام گرفت. این بسته بومی بر اساس محتوای دو بخش پیش‌همسرگزینی و همسرگزینی، تدوین و پس از دریافت موافقت خبرگان (پس از دریافت تأیید نتایج CVI، CVR، ضرایب کاپا، کندال و کای به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۵، ۰/۹۳۳، ۰/۹۵۰ و ۰/۹۹۶)، برای اولین بار در سال ۱۳۹۹ بر روی دو نمونه ۳۴ نفری دختر و پسر اجرا شد. یافته‌ها نشان داد که اجرای بسته بومی آموزش پیش از ازدواج، بر کارآمدی در انتخاب همسر و اصلاح معیارهای انتخاب همسر شرکت‌کنندگان مؤثر بوده است. از جمله تکنیک‌های منحصربه‌فرد این بسته، اجرای تست‌های مختلف در جلسات است که باعث فراهم‌سازی زمینه یک خودارزیابی متصل به دانش افزایی، ارائه کاربردی محتوای آموزشی و (به نقل از آزمودنی‌ها) موجب حفظ نشاط و تمرکز جلسات آموزشی می‌باشد.

جدول ۱: محتوای جلسات مربوط به بسته بومی آموزش همسرگزینی

جلسه	محور جلسه	هدف جلسه	فن جلسه	محتوای جلسه	آزمون اجرا و بررسی شده
جلسه اول	آشنای با افراد و بسته آموزشی	برقراری ارتباط، آشنایی با اهمیت و ضرورت آموزش پیش از ازدواج و آشنایی کلی با بسته آموزشی	-	معرفی مربی و شرکت‌کنندگان، گفت‌وگو درباره عوامل و پیامدهای موفقیت یا شکست در انتخاب همسر، بیان کارکردهای ازدواج، بیان مراحل ازدواج، ارائه دلایل مجذوب شدن، گفت‌وگو درباره جایگاه و اهمیت آموزش پیش از ازدواج، بیان اهداف و معرفی کلیات بسته آموزشی، بیان ضوابط کلی	باورهای محدودکننده انتخاب همسر لارسون (۱۹۹۲)

جلسه	محور جلسه	هدف جلسه	فن جلسه	محتوای جلسه	آزمون اجرا و بررسی شده
جلسه دوم	آمادگی‌های فردی غیرمختص به جنسیت	دانش و حساسیت‌افزایی نسبت به آمادگی‌های فردی غیرمختص به جنسیت و توان‌افزایی در ارزیابی آنها (بخش اول)	آموزش و بازخورد، خودارزیابی مجدد، ایفای نقش	معرفی ویژگی‌ها و نحوه ارزیابی خود و طرف مقابل در موضوعات: سلامت جسمی و روان‌شناختی	شخصیت ۱۶ عاملی کتل
جلسه سوم	آمادگی‌های فردی غیرمختص به جنسیت	دانش و حساسیت‌افزایی نسبت به آمادگی‌های فردی غیرمختص به جنسیت و توان‌افزایی در ارزیابی آنها (بخش دوم)	آموزش و بازخورد، خودارزیابی مجدد، ایفای نقش	معرفی ویژگی‌ها و نحوه ارزیابی خود و طرف مقابل در موضوعات: سلامت جسمی و روان‌شناختی	سبک دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)
جلسه چهارم	آمادگی‌های فردی غیرمختص به جنسیت	دانش و حساسیت‌افزایی نسبت به آمادگی‌های فردی غیرمختص به جنسیت و توان‌افزایی در ارزیابی آنها	آموزش و بازخورد، خودارزیابی مجدد	معرفی ویژگی‌ها و نحوه ارزیابی خود و طرف مقابل در موضوعات: دین‌داری و معنویت، برخورداری‌های اقتصادی، نداشتن مشکلات حقوقی، نیل فرد به اهداف رشدی، ویژگی‌های ظاهری، ارتباط اجتماعی فرد و ارتباط فرد با خانواده اصلی خود	پایبندی مذهبی جان‌پزگی (۱۳۸۸) و تمایز یافتگی دریک (۲۰۱۱)
جلسه پنجم	آمادگی‌های فردی مختص به جنسیت	دانش و حساسیت‌افزایی نسبت به آمادگی‌های فردی مختص به جنسیت و توان‌افزایی در ارزیابی آنها	آموزش و بازخورد، خودارزیابی مجدد	معرفی ویژگی‌های مختص به مرد و ویژگی‌های مختص به زن و نحوه بررسی آنها در مورد خود و طرف مقابل	روان‌بینه‌های نقش جنسیتی بم (۱۹۷۴)
جلسه ششم	خانواده اصلی و خویشان	دانش و حساسیت‌افزایی نسبت به تأثیر خانواده اصلی و خویشان در زندگی مشترک و دانش‌افزایی نسبت به ویژگی‌های مؤثر	آموزش و بازخورد، خودارزیابی مجدد	معرفی ویژگی‌های مؤثر روان‌شناختی خانواده اصلی، ساختار خانواده اصلی، مهارت‌های خانواده اصلی، تعاملات درون خانواده اصلی، بحران و شیوه مقابله با آن در خانواده اصلی و بحران و شیوه مقابله با آن در خویشان	انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده اولسون و همکاران (۱۹۹۹)
جلسه هفتم	بایسته‌های آشنایی	دانش و حساسیت‌افزایی نسبت به مقدمات فردی انتخاب، بایسته‌های آشنایی و انواع رضامندی اولیه	آموزش و بازخورد، خودارزیابی مجدد، ایفای نقش	معرفی مقدمات انتخاب مناسب، آشنایی مناسب و رضامندی‌های اولیه	-
جلسه هشتم	مطابقت‌های فردی و خانوادگی	دانش حساسیت‌افزایی نسبت به اهمیت مطابقت‌های فردی و خانوادگی و دانش‌افزایی در بررسی آنها	آموزش و بازخورد، خودارزیابی مجدد	معرفی مطابقت‌های جمعیت‌شناختی، مطابقت‌های دینی - مذهبی، مطابقت‌های شخصیتی، مطابقت باورها و مطابقت‌های خانواده‌های اصلی	-

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، ۲۰ دختر مجرد در دو گروه آزمایش و گواه وارد مطالعه شدند. میانگین سنی گروه آزمایش، ۲۲/۱ سال با انحراف معیار ۳/۱۷۸ و میانگین سنی گروه گواه، ۲۱/۲ سال با انحراف معیار ۲/۷۸۱ بود. در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش شامل معیارهای همسرگزینی و نگرش به ازدواج در پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
معیارهای همسرگزینی	گواه	۸/۹۱۱	۰/۶۶۳	۸/۹۱۶	۰/۷۵۶
	آزمایش	۹/۱۸	۰/۳۰۴	۹/۷۸۹	۰/۲۵۹
نگرش به ازدواج	گواه	۲/۱۳۸	۰/۳۹۳	۲/۱	۰/۳۶۲
	آزمایش	۲/۰۷۵	۰/۳۰۷	۲/۱۲۵	۰/۲۷۶
	گواه	۲/۸۱۷	۰/۲۲۸	۲/۸	۰/۲۵۸
	آزمایش	۲/۹۸۳	۰/۳۵۵	۳/۰۸۳	۰/۳۴۵
	گواه	۲/۹۶۷	۰/۳۷۵	۲/۹۶۷	۰/۳۷۵
	آزمایش	۲/۹	۰/۳۵۳	۲/۷۸۳	۰/۳۹۳
	گواه	۲/۷	۰/۵۰۸	۲/۶۶۷	۰/۴۹۷
	آزمایش	۳/۲	۰/۳۹۱	۳/۱۶۷	۰/۴۵۱
	گواه	۲/۶۰۴	۰/۲۲۵	۲/۵۸۳	۰/۲۰۲
	آزمایش	۲/۶۷۴	۰/۲۵۹	۲/۶۸۳	۰/۲۳۱

جدول (۲) نشان می‌دهد میانگین و انحراف معیار نمرات گروه آزمایش در هر دو متغیر از پیش‌آزمون به پس‌آزمون افزایش یافته است. برای بررسی برقراری پیش‌فرض توزیع نرمال داده‌ها، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که گروه نمونه از توزیع نرمال برخوردار است ($p > ۰/۰۱$). همچنین نتایج به‌دست‌آمده از آزمون لون به‌منظور بررسی همگنی واریانس در متغیرها معنادار به‌دست نیامد ($p > ۰/۰۵$)؛ بنابراین در هر دو گروه خطاها همگن بودند. پس از بررسی پیش‌فرض‌ها، از آزمون تحلیل کوواریانس تک و چند متغیره استفاده شد.

جدول ۳: نتایج آزمون آنالیز کوواریانس تک متغیره برای نمرات معیارهای همسرگزینی

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	مقدار معناداری	اندازه اثر
معیارهای همسرگزینی	۲/۷۵۴	(۱۷ و ۱)	۲/۷۵۴	۹/۱۳۹	۰/۰۰۸	۰/۳۵۰

همان طور که در جدول (۳) مشاهده می شود، با کنترل اثر نمرات پیش آزمون، برای فاکتور گروه مقدار معناداری آزمون آنالیز کوواریانس کوچک تر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۸) به دست آمد؛ بنابراین میانگین نمرات معیارهای همسرگزینی در ۲ گروه آزمایش و گواه اختلاف معناداری دارد و مداخله در افزایش نمرات معیارهای همسرگزینی تأثیر مثبتی داشته است.

جدول ۴: نتایج آزمون چندمتغیره - نگرش به ازدواج

نوع آزمون	ارزش	آماره F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	مقدار معناداری	اندازه اثر
پیلایی	۰/۱۹۶	۰/۶۶۹	۴	۱۱	۰/۶۲۷	۰/۱۹۶
ویلکز	۰/۸۰۴	۰/۶۶۹	۴	۱۱	۰/۶۲۷	۰/۱۹۶
هتلینگ	۰/۲۴۳	۰/۶۶۹	۴	۱۱	۰/۶۲۷	۰/۱۹۶
روی	۰/۲۴۳	۰/۶۶۹	۴	۱۱	۰/۶۲۷	۰/۱۹۶

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۴)، چون مقدار معناداری هریک از آزمون های پیلایی، ویلکز، هتلینگ و روی بزرگ تر از ۰/۰۵ به دست آمده است؛ بنابراین در مرحله پس آزمون، آزمودنی های گروه آزمایش عملکرد متفاوتی نسبت به گروه گواه ندارند.

جدول ۵: نتایج آزمون آنالیز کوواریانس چندمتغیره برای نمرات نگرش به ازدواج

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	مقدار معناداری	اندازه اثر
نگرش بدبینانه	۰/۰۱۳	(۱۴ و ۱)	۰/۰۱۳	۰/۱۴۶	۰/۷۰۹	۰/۰۱
نگرش خوش بینانه	۰/۲۶۶	(۱۴ و ۱)	۰/۲۶۶	۲/۳۶۵	۰/۱۴۶	۰/۱۴۵
نگرش واقع گرایانه	۰/۰۰۹	(۱۴ و ۱)	۰/۰۰۹	۰/۰۶۳	۰/۸۰۶	۰/۰۰۴
نگرش ایدئال گرایانه	۰/۱۴۹	(۱۴ و ۱)	۰/۱۴۹	۰/۶۸۶	۰/۴۲۱	۰/۰۴۷
نگرش به ازدواج	۰/۰۳۳	(۱۷ و ۱)	۰/۰۳۳	۰/۷۲۵	۰/۴۰۶	۰/۰۴۱

برای بررسی تأثیر مداخله از آزمون آنالیز کوواریانس چندمتغیره استفاده شد تا اثر نمرات پیش‌آزمون را کنترل کرده و تأثیر مداخله در ۲ گروه مقایسه شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود با کنترل اثر نمرات پیش‌آزمون، برای فاکتور گروه مقدار معناداری آزمون آنالیز کوواریانس بزرگ‌تر از $0/05$ به‌دست آمد؛ بنابراین میانگین نمرات نگرش به ازدواج در ۲ گروه آزمایش و گواه و سالم اختلاف معناداری ندارد و مداخله در تغییر نمرات نگرش به ازدواج تأثیر نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر معیارهای همسرگزینی و نگرش به ازدواج بود. با توجه به نتایج جدول (۳) می‌توان گفت آموزش پیش از ازدواج بر معیارهای همسرگزینی اثربخش است.

نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش‌های بیدگلی (۱۴۰۰)، هراتیان (۱۳۹۹)، معمارزاده و همکاران (۱۳۹۵)، کیمیایی و همکاران (۱۳۹۴)، جمشیدیان نایینی (۱۳۹۳) و مهری خانیکی (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. در تبیین یافته مذکور می‌توان گفت بخشی از محتوای این بسته آموزشی مبتنی بر بیان ویژگی‌های همسر مناسب می‌باشد؛ لذا احتمالاً شرکت‌کنندگان با حضور در این دوره توانستند در انتخاب معیارهای خود برای همسرگزینی بازنگری کرده و در صورت داشتن معیاری سخت‌گیرانه به اصلاح آن بپردازند. این آموزش جنبه خودآگاهی نیز داشت و افراد طی این دوره، برخی از نظرات خود را در برابر معیارها برای انتخاب طرف مقابل تعدیل نمودند. انجام تست‌ها توسط اعضای گروه مخصوصاً تست کتل در این اصلاح و بازنگری نقش مهم و اساسی داشت. در این بسته هریک از معیارها به تفکیک اهمیت مورد بررسی قرار گرفت و طبق دسته‌بندی‌هایی که برای آن در نظر گرفته شد، همه جوانب برای داشتن معیاری مناسب بیان شد؛ معیارهایی که به‌عنوان خط قرمز و معیارهایی که می‌تواند درجه اهمیت کمی پایین‌تر نسبت به دیگر معیارها را داشته باشد با آوردن نمونه و مثال عینی‌تر شد. شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزش پیش از ازدواج در مورد خود و طرف مقابل اطلاعات و مهارت‌هایی کسب می‌کنند و می‌توانند با به‌کارگیری این اطلاعات و مهارت‌ها در زندگی آینده، تعارضات و مشکلات احتمالی آینده را به حداقل برسانند و از طلاق و پیامدهای بعدی آن جلوگیری کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر نگرش به ازدواج دختران مجرد تأثیری نداشت. در نگرش کلی به ازدواج نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش‌های عباس‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، شیرزادفر و همکاران (۱۳۹۹)، صابریون (۱۳۹۹)، ایرانپور مبارکه، احمدپور مبارکه و سلطانی (۱۳۹۳) ناهمسو بوده است، و در خرده‌مقیاس نگرش ایدئال‌گرایانه به ازدواج با پژوهش معمارزاده و همکاران (۱۳۹۵) همسو بوده و نمره معناداری در این خرده‌مقیاس کسب نشد. شواهد موجود حاکی از آن است که

داشتن نگرش‌های آرمان‌گرایانه و شاعرانه نسبت به ازدواج و روابط زناشویی از سویی و ازدواج‌های مبتنی بر هوا و هوس و جاذبه‌های مالی یا زیبایی از سوی دیگر، زوجها را با سوءتفاهم‌ها و تضادهای بیشتری روبه‌رو ساخته و این‌گونه پیوندها به زودی به سستی می‌گراید. به نظر می‌رسد دلیل اصلی چنین مشکلاتی، انتظارات غیرواقع‌بینانه طرفین از یکدیگر است (معمارزاده و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش رضازاده (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که آموزش پیش از ازدواج بر خرده‌مقیاس‌های نگرش بدبینانه و خوش‌بینانه به ازدواج تأثیری نداشته و تفاوت معناداری یافت نشد. عوامل روان‌شناختی و شخصیتی که از دوران کودکی و نوجوانی سرچشمه گرفته و سایر عناصر زیستی، شناختی و اجتماعی در این دو خرده‌مقیاس مؤثر هستند (رضازاده، ۱۳۹۷). هنجارهای اجتماعی، تعلیم و تربیت، نوع روابط فردی و اجتماعی، آمال و آرزوها و علاقه‌مندی‌ها و اعتقادات و اخلاقیات، بخش‌های از فرهنگ جامعه هستند که هرکدام به طریقی بر نگرش افراد تأثیر می‌گذارند. استدلال قیاسی و استقرایی به‌عنوان فرآیندهای شناختی در تکوین نگرش تأثیرگذارند. تفکر در مورد موضوع، مطالعه، بررسی ریشه‌ها و پیامدهای یک پدیده یا موضوع اجتماعی به تکوین نگرش مثبت یا منفی نسبت به آن منجر می‌شود (سالاری‌فر و همکاران، ۱۴۰۰).

از آنجاکه در جوامعی نظیر ایران که هنجارهای خانوادگی، بیشتر از سایر جوامع پابرجا هستند و نهاد خانواده از نهادهای مهم به‌حساب می‌آید و درعین‌حال با توجه به اینکه امروزه رشد فزاینده تحصیلات آکادمیک و در پی آن، تغییر در نگرش و بافت فکری و فرهنگی جوانان درباره ازدواج، ترس از مسئولیت‌های ازدواج، فشارهای اقتصادی، سبک زندگی فردگرایانه و لذت‌طلبانه‌تر و به همین ترتیب، سطح توقع پسران و به‌ویژه دختران از داشتن روابطی عاطفی و عشق‌محورانه به‌جای روابط سنتی و عقلانی در ازدواج افزایش یافته است؛ بنابراین همگی این موارد می‌توانند بر نگرش جوانان به تشکیل خانواده و ازدواج تأثیر بگذارند (آقاسی و فلاح‌مین‌باشی، ۱۳۹۴)؛ همچنین می‌توان به عواملی چون محیط اجتماعی، عامل‌های ژنتیکی، عامل‌های فیزیولوژیکی، نقش اجتماعی، تجربه و ارتباطات اجتماعی همگی به‌عنوان عوامل مؤثر در نگرش اشاره کرد (شعفی‌زاده، ۱۳۹۵). برای تغییر نگرش باید افکار منفی و نشخوارهای فکری و تعارضات احتمالی شناسایی شوند و نسبت به آن آگاهی پیدا کنند.

در این آموزش، آزمون سبک دلبستگی یکی از تست‌هایی بود که در طول دوره از افراد گرفته شد و غالب شرکت‌کنندگان سبک دلبستگی اضطرابی داشتند. افراد با سبک دلبستگی اضطرابی مطمئن نیستند که ارزش عشق ورزیدن دارند و دیگران از آنها حمایت می‌کنند. آنها همیشه در تردید و هراس، گوش به زنگی و بدگمانی و به دنبال اطمینان‌بخشی می‌باشند؛ در نتیجه نظام دلبستگی فعال و همواره در حال تهدید دارند. جانسون و همکارانش تقویت این حس امنیت در فرد مضطرب را بسیار دشوار می‌دانند؛ زیرا هرگاه او تجربیات به ظاهر مطلوب و خوشایند عشق، نزدیکی و صمیمیت را یادآور

می‌شود، مفاهیم منفی و خاطرات مربوط به صدمات گذشته و آسیب‌های دلبستگی به‌طور ذهنی و خودآگاه و یا ناخودآگاه فعال خواهد شد (حسینی، تاجیک اسماعیلی و محسن‌زاده، ۱۴۰۰). احتمال دارد سبک دلبستگی شرکت‌کنندگان در این آموزش بر مقاومت‌شان در برابر تغییر نگرش بی‌تأثیر نبوده باشد. بحث الگوهای مربوط به تغییر نگرش، غالباً این تصور را پیش می‌آورند که همه مردم همیشه نگرش‌های خود را تغییر می‌دهند؛ درحالی‌که اغلب تغییر در نگرش به‌طور موقتی صورت می‌گیرد و گاهی اوقات مقاومتی قوی در برابر تغییر نشان داده می‌شود؛ بنابراین ممکن است به دلیل تأثیر خانواده و والدین و همسالان در نگرش به ازدواج، این نگرش‌ها در شرکت‌کنندگان سازه‌ای پایدار و مقاوم به تغییر شده است؛ بنابراین برای تغییر آن زمان طولانی‌تر و جلسات بیشتری لازم بود.

از محدودیت‌های این تحقیق به این نکته می‌توان اشاره نمود که به دلیل عدم دوره پیگیری پس از انجام مداخله، مقطعی یا دائمی بودن اثر این آموزش مورد بررسی قرار نگرفت؛ همچنین این پژوهش بر روی تعداد محدودی از دختران مجرد شهر قم انجام شد، لذا در تعمیم نتایج باید احتیاط کرد. محدودیت زمانی نیز می‌تواند به‌عنوان محدودیت‌های این پژوهش باشد. توصیه می‌شود جهت عملیاتی‌تر شدن آموزش پیش از ازدواج برای مجردها، در آموزش‌های بعدی جلساتی برای خانواده‌ها به‌خصوص مادران برگزار شود. این آموزش‌ها در بین پسران مجرد نیز گسترش یابد و هر دو جنس دختر و پسر آگاهی‌های لازم جهت شروع خوب زندگی را داشته باشند. در پایان از تمامی شرکت‌کنندگان و همه کسانی که در جمع‌آوری داده‌ها همکاری نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌شود و آرزوی سلامتی و بهروزی برای این عزیزان داریم.

منابع

- آتش‌پور، سیدحمید؛ نوابی‌فر، فرناز و گل‌پرور، محسن (۱۳۹۹). اثربخشی بسته آموزش تیپ‌های شخصیتی انیاگرام بر خودتنظیمی هیجانی زوجین در دوره پیش از ازدواج. *مددکاری اجتماعی*، ۸(۴)، ۵۱-۴۳.
- <https://sid.ir/paper/962150/fa>
- آقاسی، محمد و فلاح مین‌باشی، فاطمه (۱۳۹۴). نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده، *پژوهش‌نامه زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۶(۲)، ۲۱-۱.
- https://womenstudy.ihs.ac.ir/article_1694.html
- اکبری، بهینا؛ فرحبخش، کیومرث و نعیمی، ابراهیم (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان تحصیل‌کرده شهر ایلام؛ یک نظریه زمینه‌ای. *زنان و خانواده*، ۱۷(۶۰)، ۱۰۷-۸۳.
- <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1401.17.60.3.6>
- ایرانپور مبارکه، زهرا؛ احمدپور مبارکه، محبوبه و سلطانی، مینا (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر نگرش و گرایش ارتباط قبل از ازدواج دانش‌آموزان شهرستان مبارکه. *سومین همایش ملی سلامت روان و تندرستی*. قوچان.
- <https://civilica.com/doc/716492>

- بلوچ زاده خورشانه، سعید؛ عبدی، منصور؛ غفاری، خلیل و حمیدی پور، رحیم (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی آموزش های قبل از ازدواج به روش برنامه آگاهی و انتخاب بین فردی و رویکرد چندبعدی بومی نگر بر باورهای ناکارآمد زوجی در افراد متقاضی ازدواج. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۹(۳)، ۴۱۶-۴۲۶. <http://dx.doi.org/10.52547/rbs.19.3.415>
- بیجاری، هانیه؛ سپهری شاملو، زهره؛ مهram، بهروز و صادقی، منصوره سادات (۱۳۹۸). ملاک های انتخاب همسر از دید افراد راضی از ازدواج (در دوره عقد): یک مطالعه کیفی. *علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۶(۲)، ۴۱-۷۶. <https://sid.ir/paper/406582/fa>
- بیدگلی، معصومه (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی آموزش مهارت های پیش از ازدواج بر خود متمایزسازی و ملاک های همسرگزینی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه محقق اردبیلی. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/97d4f97c8de646426c4dd2e7e2e7fed>
- جان بزرگی، مسعود (۱۴۰۱). مشاوره پیش از ازدواج: اصول، مبانی و راهبردهای عملی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمشیدیان نایینی، یاسمن (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت های پیش از ازدواج بر ملاک های همسرگزینی و رشد فردی دختران مجرد. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/c2a542b45f934108e073369c8e5e1e2b>
- حسین خانی نائینی، هادی؛ جان بزرگی، مسعود و مهram، بهروز (۱۳۹۳). بررسی نظریه های همسرگزینی و نقد آنها با تکیه بر منابع اسلامی و روان شناسی. *روان شناسی و دین*، ۱۷(۱)، ۴۶-۳۱.
- <https://ravanshenasi.nashriyat.ir/node/255>
- حسینی، زهرا؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزاله و محسن زاده، فرشاد (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر ابعاد نگرش به ازدواج در افراد در شرف ازدواج با توجه به سبک های دلبستگی. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۲۲(۴)، ۴۳-۵۷. <https://sid.ir/paper/955342/fa>
- خلعتبری، جواد؛ قربان شیروودی، شهره و مهدیون، زهراسادات (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه آمادگی ازدواج بر باورهای ارتباطی زوجین. *روان شناسی تربیتی*، ۱۱(۱)، ۳۲-۴۵. <https://www.sid.ir/paper/221069/fa>
- رجبی، غلامرضا و عباسی، قدرت اله (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش قبل از ازدواج به شیوه برنامه آموزش ارتباط بر کاهش انتظارات ایدئال گرایانه جوانان مجرد. *روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۲۵(۴)، ۳۸۷-۳۹۵.
- <http://dx.doi.org/10.32598/ijpcp.25.4.3>
- رجبی، غلامرضا؛ قیصری، سهیلا؛ امان الهی، عباس و سودانی، منصور (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی آموزش برنامه آمادگی پیش از ازدواج مبتنی بر دیدگاه آدلری بر باورهای محدودکننده انتخاب همسر در دانش آموزان دختر. *پژوهش های کاربردی روان شناختی*، ۱۱(۴)، ۱-۲۲. <https://doi.org/10.22059/japr.2021.305063.643555>
- رضازاده، مسعود (۱۳۹۷). اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش نسبت به ازدواج، تاب آوری و انتظار از ازدواج در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه محقق اردبیلی. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/2fe4dc2df25da5f95663fa395b8d761e>
- روشنی، شهره (۱۴۰۰). نقش تعاملات زناشویی والدین و آموزش های آنان در زمینه ازدواج در پیش بینی نگرش فرزندان به ازدواج. *پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۹(۲۵)، ۱۷۵-۱۹۸. <https://sid.ir/paper/1031735/fa>
- رهبریان یزدی، بهمنار و سحاقی، حکیم (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج با رویکرد آدلری بر نگرش به ازدواج در بین دختران در آستانه ازدواج. *راهبردهای نو در روان شناسی و علوم تربیتی*، ۱۱(۱)، ۲۳-۴۳.
- <https://www.ijpk.ir/showpaper/192541807264b86b888a110>
- ژیان، فرشاد؛ حاتمی، محمد و آگاه هریس، مژگان (۱۴۰۱). اثربخشی بسته روان شناختی آموزش پیش از ازدواج بر سبک های حل مسئله زوجین متقاضی ازدواج. *مطالعات اسلامی ایرانی خانواده*، ۲(۳)، ۱۸-۳۰.
- <https://doi.org/10.30495/iifs.2022.1968762.1049>

سالاری فر، محمدرضا؛ آذربایجانی، مسعود؛ کاویانی، محمد؛ موسوی اصل، سیدمهدی؛ عباسی، اکبر و تیبک، محمدتقی (۱۴۰۰). *روان‌شناسی/اجتماعی*. تهران: سمت.

سیدکاووسی، سپیده‌سادات؛ مردوخ، محمدسعید و مقرب تورتولش، مینا (۱۴۰۰). پیش‌بینی انتظار از ازدواج بر اساس باورهای ارتباطی و نگرش به ازدواج در دختران در آستانه ازدواج. *خانواده‌درمانی کاربردی*، ۲(۱)، ۳۵۱-۳۷۱.

<https://doi.org/10.22034/ajt.2022.265323.1046>

شاه‌مادی، سمیه؛ آقابابایی، رعنا و حبیبی، زهرا (۱۴۰۰). رابطه الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ با نگرش به ازدواج: نقش واسطه‌ای تمایز‌یافتگی. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۲(۳)، ۱۸۹-۳۰۵.

<https://doi.org/10.22059/japr.2021.322585.643821>

شفائی مقدم، الهام؛ نیازی، محسن و شاطریان، محسن (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان). *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۲)، ۹۱-۶۷. https://socialstudy.ihe.ac.ir/article_2606.html

شعفی‌زاده، حانیه (۱۳۹۵). *اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش SYMBIS بر تمایز‌یافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه هرمزگان.

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/ca38d50313ac9316b7dd3bbf081b080c>

شهرابی فراهانی، لیلا؛ فاتحی‌زاده، مریم و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۸). کشف نگرش‌های انتخاب همسر در دختران در آستانه ازدواج: تحقیق کیفی. *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۱۸(۶۹)، ۱۳۳-۱۶۲.

<https://sid.ir/paper/70204/fa>

شهرابی فراهانی، لیلا؛ اعتمادی، عذرا و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۹۹). ساخت و تعیین ساختار عاملی و پایایی پرسش‌نامه نگرش‌های انتخاب همسر دختران در آستانه ازدواج. *خانواده‌پژوهی*، ۱۶(۳)، ۳۴۱۵-۳۴۱۵.

<https://sid.ir/paper/383173/fa>

شیرزادفر، اکرم؛ عباسی، قدرت‌اله و حسن‌زاده، رمضان (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش قبل از ازدواج مبتنی بر برنامه آموزش ارتباط بر مشکلات تصمیم‌گیری در انتخاب همسر و نگرش به ازدواج در فرزندان طلاق. *سلامت اجتماعی*، ۷(۳)،

<https://sid.ir/paper/381479/fa> ۲۸۹-۲۹۸.

صابریون، ساره (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مشاوره پیش از ازدواج بر نگرش به ازدواج در زنان و مردان مطلقه مایل به ازدواج مجدد. *سومین همایش بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی*. همدان.

<https://civilica.com/doc/1227859>

عباس‌پور، ذبیح‌اله؛ موسوی، سیده مریم و امان‌الهی، عباس (۱۴۰۰). طراحی و اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش به ازدواج و نگرش به طلاق فرزندان طلاق. *مطالعات زن و خانواده*، ۹(۳)، ۵۶-۷۷.

<https://doi.org/10.22051/jwfs.2021.35267.2655>

عظیمی خویی، آرزو؛ زهراکار، کیانوش و احمدی، خدابخش (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر برنامه پیش‌گیری و بهبود رابطه (PREP) بر باورهای ارتباطی و نگرش به ازدواج زوجین در آستانه ازدواج. *سبک زندگی با*

محوریت سلامت، ۴(ویژه‌نامه)، ۳-۷۳. <https://sid.ir/paper/413935/fa>

عظیمی خویی، آرزو؛ زهراکار، کیانوش و احمدی، خدابخش (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر برنامه آگاهی و انتخاب میان‌فردی و برنامه پیشگیری و بهبود رابطه بر نگرش به ازدواج در زوج‌های در آستانه ازدواج. *خانواده و بهداشت*، ۱۱(۲)، ۴۵-۶۱.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23223065.1400.11.2.4.9>

معمارزاده، مرضیه؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا و خطیبیان، مهناز (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مفاهیم نه‌گانه شخصیتی دیگران بر ملاک‌های همسرگزینی و نگرش نسبت به ازدواج دختران. *آموزش و سلامت جامعه*، ۳(۴)، ۲۴-۳۰.

<https://sid.ir/paper/253591/fa>

مهری خانیکی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر طرح خانواده پابدار بر انتظارات زناشویی و ملاک‌های انتخاب همسر در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه فردوسی مشهد.

نوروزی، سوده و زندی‌پور، طیبه (۱۳۹۶). اثربخشی مشاوره گروهی آموزش‌های پیش از ازدواج بر نگرش به انتخاب همسر دختران در آستانه ازدواج. دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه تهران.

<https://civilica.com/doc/708018>

نیازی، محسن؛ فرهادیان، علی و میری، سمیه (۱۳۹۸). طراحی الگوی معیارهای همسرگزینی در جامعه ایران. زنان و خانواده، ۱۴(۴۸)، ۱۲۱-۱۴۴. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1398.14.48.5.3.144-121>

نیلفروشان، پریسا؛ نویدیان، علی و عابدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نگرش به ازدواج. روان‌پرستاری، ۱۱(۱)، ۳۵-۴۷. <http://ijpn.ir/article-1-59-fa.html>

هراتیان، عباسعلی (۱۳۹۹). تدوین بسته بومی آموزش پیش از ازدواج و بررسی اثربخشی آن بر معیارها و خودکارآمدی در انتخاب همسر، رساله دکتری روان‌شناسی عمومی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/686b03eb26cb3eceb13b854105fb2a69>

هراتیان، عباسعلی؛ موسوی، مریم‌سادات؛ ارشادحسینی، هادی و جان‌بزرگی، امین (۱۳۹۹). طراحی و ساخت مقیاس معیارهای انتخاب همسر: قبل و بعد ازدواج. روان‌شناسی فرهنگی، ۴(۲)، ۱۹-۴۰.

<https://doi.org/10.30487/jcp.2020.118692>

یزدانی، حمیده و سقزی، ایوب (۱۴۰۰). نقش تنظیم التزام راهبردی و نگرش به ازدواج در پیش‌بینی گرایش فرد به ریسک‌پذیری در اعتیاد به مصرف موادمخدر، سیگار و الکل. اعتیادپژوهی، ۱۵(۶۰)، ۳۷۲-۳۵۱.

<http://dx.doi.org/10.52547/etiadjpajohi.15.60.351>

Alavi, M., Alahdad, R. & Shafeg, M. (2014). Mate selection criteria among postgraduate students in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 5075-5080. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.1076>

Buss, D. M. (2007). The evolution of human mating. *Acta psychologica sinica*, 39(3), 502-512. <https://journal.psych.ac.cn/acps/EN/Y2007/V39/I03/502>

Coninck, D. De., Doren, Sh. V. & Matthijs, K. (2021). Attitudes of young adults toward marriage and divorce, 2002-2018. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(1), 66-82. <http://dx.doi.org/10.1080/10502556.2020.1833292>

Fam, J. Y., Yaacob, S. N., Juhari, R., Arshat, Z. & Mukhtar, F. (2017). General Attitudes Towards Marriage Scale: Psychometric Properties in Malaysian Adolescents of Divorced Families. *Journal of Child and Family Studies*, 26, 3351-3359. <https://doi.org/10.1007/s10826-017-0849-7>

Holman, T. B. (2002). *Premarital prediction of marital quality or breakup: Research, theory, and practice*. New York: Springer. <https://doi.org/10.1007/b107947>

Khallad, Y. (2005). Mate selection in Jordan: Effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22(2), 155-168. <https://doi.org/10.1177/0265407505050940>

McGeorge, Ch. R., Carlson, Th. S. (2006). Premarital Education: An Assessment of Program Efficacy. *Contemporary Family Therapy*, 28(1), 165-190. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s10591-006-9701-8>

Memani, P. (2003). A comparative study of the marital attitudes of students from divorced, intact and single-parent families. University of the Western. <http://hdl.handle.net/11394/238>

- Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics and Change*. New York: the Guilford press.
- Park, S. S. (2012). The development of the Marital Attitudes and Expectations Scale. In partial fulfillment of the requirements For the Degree of Master of Science Colorado State University Fort Collins, Colorado. Colorado State University ProQuest Dissertations Publishing.
<https://www.proquest.com/openview/9f792c92684121863630c1c7d4e1d5b6/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
- Senediak, Ch. (1990). The Value of Premarital Education. *Australian and New Zealand journal of Family Therapy*, 11(1), 31-26. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1002/j.1467-8438.1990.tb00784.x>
- Shackelford, T. K., Schmitt, D. P. & Buss, D. M. (2005). Universal dimensions of human mate preferences. *Personality and individual differences*, 39(2), 447-458.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.01.023>
- Stanley, S. M., Amato, P. R., Johnson, Ch. A. & Markman, H. J. (2006). Premarital education, marital quality, and marital stability: findings from a large, random household survey. *Journal of family psychology*, 20(1), 117-126.
<http://dx.doi.org/10.1037/0893-3200.20.1.117>
- Yazdanpanah, M., Eslami, M. & Nakhaee, N. (2014). Effectiveness of the Premarital Education Programme in Iran. *ISRN Public Health*. 2, 1_5.
<http://dx.doi.org/10.1155/2014/964087>
- Yilmaz, T. & Kalkan, M. (2010). The effects of a premarital relationship enrichment program on relationship satisfaction. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 10(3), 1911-1920. <https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ919869>
- Willoughby, B. J. & Hall, S. S. (2015). Enthusiasts, Delayers, and the Ambiguous Middle: Marital Paradigms Among Emerging Adults. *Emerging Adulthood*, 2(3), 123-135. <http://dx.doi.org/10.1177/2167696814548478>

مدل مفهومی «تنگنای روانی» بر اساس قرآن کریم

A Conceptual Model of “Psychological Constriction” Based on the Holy Qur’an

عماد رحیمی / دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران.
دکتر جعفر هوشیاری / استادیار گروه روان شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Emad Rahimi / PhD student in Quran and Psychology, Higher Institute of Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Jafar Hoshyari / Assistant Professor, Department of Psychology, Higher Institute of Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
j.houshyari@yahoo.com

Abstract

The Holy Qur'an, in addressing human interaction with hardship, has employed the term dayq (constriction) and other related terms within this semantic field to present teachings that have significant psychological dimensions, functions, and individual, social, worldly, and otherworldly consequences. The present study aimed to develop a conceptual model of psychological constriction based on the Holy Qur'an, using qualitative and quantitative methods. The data collection process began by tracing the semantic field of dayq al-sadr in the Holy Qur'an and extracting seven keywords. Then, after initial collection and refinement, the related verses were reduced to 49 verses. The exegeses of these verses, with emphasis on Al-Mizan and interpretive narrations related to them, were analyzed using qualitative content analysis. Subsequently, the results were validated quantitatively through the opinions of expert specialists. The findings of this study showed that: a) the construct of psychological constriction consists of one main category, two major causal conditions, three general contexts, and six consequences; b) a negative emotional

چکیده

قرآن کریم در زمینه تعامل انسان با سختی‌ها، ضمن استعمال واژه «ضیق» و دیگر واژه‌های این حوزه معنایی، معارفی ارائه نموده است که جنبه‌های روان‌شناختی، کارکردها و پیامدهای مهم فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی دارد. پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی تنگنای روانی بر اساس قرآن کریم و با استفاده از روش‌های کیفی و کمی انجام گرفت. فرایند جمع‌آوری داده‌ها با پیگیری حوزه معنایی ضیق صدر در قرآن کریم و استخراج هفت کلیدواژه آغاز گردید؛ سپس آیات مرتبط پس از جمع‌آوری اولیه و پالایش در تعداد ۴۹ آیه، تفاسیر آیات با تأکید بر تفسیر المیزان و روایات تفسیری ناظر به آن با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل گردید؛ سپس نتایج با روش کمی و با استفاده از دیدگاه کارشناسان متخصص روایی‌سنجی شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد: الف) سازه تنگنای روانی یک مقوله اصلی، دو شرط علی عمده، سه زمینه کلی و شش پیامد است؛ ب) حالت عاطفی منفی مقوله اصلی

state is the main category of psychological constriction; c) psychological constriction, being incidental, and emotional-affective manifestations are its core indicators; d) perceiving responsibility, perceiving affliction, and perceiving creed are its general contexts; e) the consequences of psychological constriction include: restriction of performance, restriction of resilience, restriction of interpersonal communication, restriction of recognizing the truth, restriction of accepting the truth, and restriction of adherence to the truth; f) the concept of psychological constriction overlaps and is related in some respects to the concepts of psychological distress and vulnerability in psychology; g) in terms of its consequences, this concept is of interest in Islamic psychotherapy and monotheistic education.

Key words: psychological constriction, psychological distress, dayq, negative emotional state, conceptual model.

تنگنای روانی است؛ ج) گرفتگی روانی، عارضی بودن و ظهورات عاطفی و هیجانی نشانه‌های هسته‌ای تنگنای روانی هستند؛ د) تلقی مسئولیت، تلقی مصیبت، تلقی عقیدت زمینه‌های کلی آن هستند؛ ه) پیامدهای تنگنای روانی نیز عبارت‌اند از: محدودسازی عملکرد، محدودسازی مقاومت، محدودسازی ارتباط بین‌فردی، محدودسازی شناخت حق، محدودسازی پایبندی به حق؛ ز) مفهوم تنگنای روانی از جهاتی با مفهوم پریشانی روان‌شناختی و شکنندگی (آسیب‌پذیری) در روان‌شناسی همپوشانی و ارتباط دارد؛ ح) از نظر پیامدها، این مفهوم در روان‌درمانگری اسلامی و تربیت توجیدی مورد توجه است.

کلیدواژه‌ها: تنگنای روانی، پریشانی روانی، ضیق، حالت عاطفی منفی، مدل مفهومی.

مقدمه

زندگی انسان همواره با دردها و رنج‌های زیستی، موقعیت‌های دشوار و شرایط اجتماعی سخت، آسیب‌های فردی و اجتماعی و واکنش‌های ناهمسان در برابر آنها همراه بوده است. قرآن کریم با بیان «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^۱ (بلد: ۴)، زندگی انسان را توأم با سختی معرفی می‌کند. وجود رنج در زندگی، برخی اندیشمندان را به این باور ترغیب کرده است که جهان دائماً در رنج است و این رنج پایانی ندارد (شوپنهاور،^۲ ۲۰۰۴، ص ۱۲۰). سختی‌های محیط زندگی می‌تواند از سه جنبه طبیعت، بدن انسان و ارتباط با دیگران پدید آید. لازاروس و کوهن (۱۹۷۷) نیز سه طبقه از عوامل تنیدگی را از یکدیگر متمایز ساختند. این عوامل عبارت‌اند از: رویدادهای فاجعه‌آمیز،^۳ رویدادهای تنش‌زای شخصی^۴ و رویدادهای تنیدگی‌زای زمینه‌ای^۵ که همان ناملایمات روزانه^۶ است (سالاری‌فر و

۱. «بدون تردید، ما انسان را در رنج و سختی آفریدیم»

2. Schopenhauer
3. cataclysimic events
4. personal stressor
5. Contextual stressor
6. daily nassles

همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۴۰). در کشاکش این محرک‌های استرس‌زای بیرونی، انسان از درون خویش نیز متحمل فشار، رنج و تغییرات خلقی می‌گردد (بولگر^۱ و همکاران، ۱۹۸۹، ص ۸۰۸). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد، ممکن است افراد در مواجهه با سختی‌ها و تهدیدهای آسیب‌رسان، با اضطراب، نگرانی، بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی مواجه شوند (ر.ک: براون و هریس،^۲ ۱۹۸۹) و از ادامه رفتارهای هدفمند خویش بازمانند.

این احساسات، عواطف و آسیب‌ها که در تعامل با سختی‌های بیرونی شکل می‌گیرد، مورد توجه پژوهشگران و روان‌شناسان قرار گرفته و تحقیقات به‌صورت خاص با مفاهیمی نظیر اضطراب،^۳ افسردگی^۴ و نظایر آن و همچنین به‌صورت عام با عناوین گوناگونی نظیر آسیب‌پذیری روانی،^۵ پریشانی روانی^۶ و اختلال روانی^۷ به آن پرداخته‌اند. «آسیب‌پذیری روانی» به استعداد فرد برای تجربه پیامدهای روان‌شناختی منفی در پاسخ به عوامل استرس‌زا یا ناملایمات اشاره دارد و شامل عواملی مانند حساسیت عاطفی، عزت‌نفس پایین، فقدان مهارت‌های مقابله‌ای و سابقه تروما یا رویدادهای نامطلوب زندگی است (اسمیت و ساراسون،^۸ ۲۰۱۰، ص ۷۴۲). مفهوم «پریشانی روانی» به حالتی از رنج عاطفی و روانی اطلاق می‌شود که افراد اغلب در نتیجه استرس‌های داخلی یا خارجی تجربه می‌کنند. این مفهوم شامل علائمی مانند اضطراب، افسردگی، تحریک‌پذیری و احساس کلی ناراحتی عاطفی است (لاویباند و لاویباند،^۹ ۱۹۹۵، ص ۳۳۵)، و اختلال روانی به وضعیتی اشاره دارد که با اختلال در عملکرد روانی فرد همراه است و می‌تواند با تغییرات در روحیه، رفتار و افکار فرد همراه باشد و موجب پریشانی یا ناتوانی شخص گردد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۲۲، ص ۱۵).

قرآن کریم نیز که هدف آن هدایت و تکامل انسان (بقره: ۲؛ آل عمران: ۱۳۸؛ نمل: ۷۷) و کتاب انسان‌سازی است (ر.ک: مصباح یزدی و فتحعلی، ۱۳۸۸)، در مورد روان انسان و پدیده‌های مرتبط با آن نظیر اضطراب و افسردگی، روان‌رنجوری، پریشانی روانی، آرامش و سلامت روان معارف قابل توجهی ارائه نموده است. شاهد این گفته، پژوهش‌هایی نظیر عبدخدایی (۱۳۷۶)، ابراهیمی (۱۳۹۰)، بابایی و

-
1. Bolger
 2. Brown & Harris
 3. Anxiety
 4. depression
 5. psychological vulnerability
 6. psychological distress
 7. psychological disorder & psychological disturbance
 8. Smith & Sarason
 9. Lovibond & Lovibond

بصیری (۱۳۹۱)، معاضدی و اسدی (۱۳۹۱)، فیاض، بهرامی احسان و اخوت (۱۳۹۴)، موسوی و نجفی (۱۳۹۴)، کلاتتری، آرام و چمن‌پیما (۱۳۹۴)، باصری، علوی و رضایی (۱۳۹۶)، صنعت‌نگار و همکاران (۱۳۹۶)، عیسی‌زاده (۱۳۹۷)، هوشیاری و طیب‌حسینی (۱۳۹۷)، پورمحمدی (۱۴۰۰)، فرجی، یوسفی و حسین‌زاده (۱۴۰۰)، فیاض، بهرامی احسان و اخوت (۱۴۰۰) و نعمتی، جان‌بزرگی و صفورایی پاریزی (۱۴۰۱) است. این موارد، تنها بخشی از تحقیقات داخلی قرآن‌بنیان در زمینه سلامت، آسیب، آسیب‌پذیری، پریشانی روانی و هیجانات سالم و ناسالم است. تحقیقات پیش‌گفته، نشان می‌دهد قرآن کریم ظرفیت درخوری برای مفهوم‌پردازی، توصیف و تبیین پدیده‌ها و سازه‌های روان‌شناختی دارد، اما با این وجود، هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین، به جنبه‌های روان‌شناختی تعبیر «ضیق» و حوزه معنایی آن در قرآن کریم توجه نکرده‌اند. این در حالی است که قرآن کریم در زمینه تعامل انسان با مسائل و فشارهای بیرونی، پدیده فشار درون - روانی را مطرح نموده و ضمن استعمال واژه «ضیق» و دیگر واژه‌های این حوزه معنایی (نحل: ۱۲۷؛ نمل: ۷۰؛ حجر: ۹۷؛ انعام: ۱۲۵؛ شعراء: ۱۳)، آن را به «صدر» به‌عنوان نمادی حکایتگر از روان انسان منتسب کرده و ابعاد روان‌شناختی برای آن بیان نموده است (ابن‌ملقن و مجذوف، ۱۴۰۸ق، ص ۱۲۴؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۲، ص ۳۷۴). شواهد گویای آن است که سازه تنگنای روانی در فرهنگ قرآنی، کارکردها و پیامدهای گوناگونی در پی دارد (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۲۰۱؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۹) که اجرای مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و همچنین سعادت دنیوی و اخروی فرد را تحت تأثیر قرار دهد (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۳۵۹؛ حویزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۶۶؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۸)؛ بنابراین تحلیل و تبیین مفهوم آن از دیدگاه قرآن کریم ضروری می‌نماید.

با درک این ضرورت و با توجه به خلأ پژوهش‌های پیشین در پردازش روان‌شناختی مفهوم تنگنای روانی مبتنی بر مفهوم ضیق صدر، پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی تنگنای روانی (توصیف هسته مفهوم تنگنای روانی، عوامل، بسترها و پیامدهای آن) بر اساس قرآن کریم درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که: «مؤلفه‌های مفهومی تنگنای روانی بر اساس قرآن کریم چیست، ارتباط این مؤلفه‌ها در ضمن یک مدل مفهومی چگونه توصیف می‌شود و میزان روایی محتوایی این مدل مفهومی چقدر است؟»

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف در زمره پژوهش‌های بنیادی است و از دو روش کیفی و کمی برای استخراج یافته‌ها استفاده نموده است. در بخش کیفی، پیگیری مفاهیم ناظر به معنای تنگنای روانی، با

تأکید بر واژه «ضیق» در قرآن کریم آغاز گردید و پس از مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی آن، ترادف‌شناسی و تضادشناسی، الفاظ مشیر به معنای تنگنای روانی انتخاب شد.^۱ از طریق این واژگان آیات قرآنی مشتمل بر ۵۰ آیه به‌طور نهایی به‌دست آمد که متن تفسیر/المیزان در مورد این آیات به‌طور کامل و متون تفسیری دیگر در صورت ضرورت و همچنین روایات تفسیری به این محدوده افزوده شد و این مجموعه وارد بخش تحلیل داده گردید.

در بخش بعدی، نمونه جمع‌آوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی سیه و شانون^۲ (۲۰۰۵) به شیوه تحلیل محتوای عرفی و قراردادی^۳ بررسی و تحلیل شد. تحلیل محتوا در این رویکرد بر اساس یک فرایند نظام‌مند کار با متن صورت می‌گیرد و منجر به طبقه‌بندی منظم مضامین یا الگوهای کدگذاری می‌شود. تحلیل محتوای عرفی بیشتر هنگامی مناسب شمرده می‌شود که نظریه‌های موجود یا ادبیات پژوهش درباره پدیده مورد مطالعه محدود است. در تحقیق حاضر، به‌منظور دستیابی به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق، داده‌ها به‌طور مکرر مطالعه و مرور گردید و به‌تدریج، داده‌ها خلاصه‌سازی و منظم شد. این بخش، طبق پیشنهاد گلسر و اشتراوس (۱۹۶۷) به‌وسیله سه مرحله کدگذاری باز،^۴ کدگذاری محوری^۵ و کدگذاری انتخابی،^۶ از طریق مقایسه مستمر داده‌ها صورت گرفت. در مرحله کدگذاری باز، محقق با مطالعه نمونه هدفمند پژوهشی، به استخراج جمله‌ها و عبارات اصلی پرداخت و آنها را به‌صورت کد ثبت نمود. در این مرحله ۲۵۲ کد به‌عنوان نشانه‌ها، ابعاد و ویژگی‌ها به‌دست آمد؛ سپس با مرور چندباره کدهای اولیه، کدهای مشابه و مرتبط ادغام گشت و با انتخاب عنوان مناسب، ۲۴ مفهوم شکل گرفت؛ سپس به‌واسطه طبقه‌بندی انتزاعی مفاهیم به‌دست‌آمده، ۱۲ مقوله فرعی تشکیل شد که در طبقه‌بندی انتزاعی تر مقوله‌های اصلی پژوهش شامل ۴ مقوله شکل گرفت. این مقولات عبارت

۱. انتخاب واژه «ضیق» به‌عنوان محور کشف شبکه واژگانی، با وجود آنکه کلمه «ضنک» هم وجود دارد، علت داشته است. «ضنک» تنها در یک آیه قرآنی استعمال شده که صفت معیشت است. معنای اولیه کلمه «ضنک»، طبق اظهارنظر اکثر، بلکه تمام لغویون «ضیق» است. طبق تمام تفاسیر قرآنی ملاحظه‌شده این صفت به‌صورت سختی و تنگی بیرونی در نظر گرفته شده است و مفسرین در توضیح آن از گرفتگی روحی یا قبض نفس یا پریشان‌حالی استفاده نکرده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۵۵؛ ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۳۱۳). علاوه بر این، در تمام کتب لغوی نزدیک به عصر معصوم^{علیه السلام}، ضنک با ضیق معنا شده است. معنای ضیق معنایی پایه‌ای‌تر است و ضنک و نظایر آنکه به نوعی تنگی را می‌رساند، با آن شناخته شده‌اند (ر.ک: ابن‌فارس، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۴؛ راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۱۲؛ طریحی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۸۰).

2. Hsieh & Shannon

3. Conventional Content Analysis

4. Open Coding

5. Axial Coding

6. Selective Coding

بودند از: شرایط علی، مؤلفه هسته‌ای (تنگنای روانی)، زمینه‌ها و پیامدها؛ سپس هسته مفهومی به‌عنوان محور پدیده مورد بحث قرار گرفت و مدل مورد نظر بر آن اساس طراحی شد.

بخش کمی پژوهش حاضر با هدف بررسی روایی محتوایی، طبق نظر شولتز، ویتنی و زیکار^۱ (۲۰۱۳) با استفاده از شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) از طریق ارزیابی نظرات کارشناسان انجام شد. به عقیده لین (۱۹۸۶)، به نقل از: پولیت و بک^۲ (۲۰۰۶) در این ارزیابی نمره تک‌تک مؤلفه‌ها نباید کمتر ۰/۷۸ باشد. به‌منظور دستیابی به نظرات کارشناسان فرم‌هایی تهیه گردید و نظرات کارشناسان ضمن دو سؤال میزان مطابقت مقوله‌ها با مستندات (شاخص روایی محتوا) و ضرورت مقوله‌ها در مدل تدوین‌شده (شاخص نسبت روایی محتوا) به‌دست آمد. جامعه آماری بخش کمی متشکل از متخصصان روان‌شناسی و اسلام مقطع دکتری یا سطح ۴ حوزه و بالاتر در شهر قم بود. سؤالات فرم ارسالی به کارشناسان در طیف لیکرت چهاردرجه‌ای از بسیار کم تا بسیار زیاد تدوین شده بود. تعداد ۱۰ کارشناس متخصص به فرم روایی‌سنجی پاسخ کامل دادند که داده‌های آن مورد تحلیل کمی قرار گرفت و نتایج CVI و CVR به‌دست آمد.

مراحل انجام تحقیق به‌صورت مختصر، در شکل (۱) نمایش داده شده است.



شکل ۱: مراحل انجام تحقیق

1. Shultz & Whitney & Zickar
2. Polit & Beck

یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به سؤال اول پژوهش، ابتدا مفهوم‌شناسی لغوی و مفهوم‌شناسی اصطلاحی «ضیق» به‌منظور دستیابی به گوهر معنا، شناخت جنبه‌های شاخص آن و دسترسی به کلیدواژه‌های بحث تنگنا در قرآن کریم انجام شد؛ سپس مفهوم تنگنا بر اساس آیات قرآنی مورد بررسی قرار گرفت.

فرایند مفهوم‌شناسی واژه‌های دینی از بررسی معنای لغوی واژه شروع می‌گردد و هدف از آن، فهم لغت است؛ چراکه عمدتاً مفهومی که دین از واژه‌ها اراده کرده است، با وجود تفاوت‌ها و تغییراتی، اما همسو با معنای لغوی آن است (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۷۱)؛ از این‌رو با تأکید بر واژه «ضیق» در قرآن کریم، مفهوم‌شناسی لغوی تنگنای روانی پیگیری شد.

مفهوم‌شناسی لغوی ضیق

در کتب لغت، «الضیق» از ریشه «ضاق، یضیق، ضيقاً» دانسته شده و عمدتاً با ضد خود «السعة» معرفی گردیده است (ابن فارس، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۳). این معنا در کتب لغت با تعبیری نظیر ضد اتّسع، یعنی متضاد وسعت داشتن (قرشی بنابی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۴۷)، خلاف اتّسع (رافعی قزوینی و دیگران، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۷)، هو ما یقابل السعة (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۶۴)، نقیض السعة (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۰۸) و تعابیر مشابه دیگر یاد شده است. بنابراین فهم معنای آن متوقف بر درک ریشه «وسع» بوده که با غنی، الجدة و الطّاقة (ابن فارس، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۰۹) معرفی شده است. در منابع لغوی متعددی الضیق هم معنا با الضیق دانسته شده است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۱۳؛ فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۰). گاهی نیز الضیق اصل آن ضیق بوده که در معنای نعتی همان ریشه استعمال می‌شود (فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۱).

الضیق با کلمات گوناگونی همنشینی دارد و این نشان می‌دهد که استفاده آن اعم از امور مادی و معنوی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۶۴). به‌عنوان نمونه با صدر (عسکری، بی‌تا، ص ۳۰۱)، نفس (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۶۴)، ذرع (فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۲)، نفقه (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۱۴)، مکان (ثعالبی، بی‌تا، ص ۸۷؛ عسکری، بی‌تا، ص ۳۰۱) و اخلاق (فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۲) به‌کار رفته است. البته ابن‌منظور (بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۰۸) اذعان می‌دارد واژه الضیق در مورد چیزهایی به‌کار می‌رود که امکان توسعه و تضییق داشته باشد.

این واژه دارای معانی مجازی گوناگونی از جمله فقر، تنگی معیشت، سوءالحال، بخل (فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۱) و شک در قلب (فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۰) است. معانی مجازی آن حکایت از ویژگی‌های گوناگون روان‌شناختی دارد. ویژگی‌های رفتاری مثل سخت‌گیری و مسامحه نکردن (فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۱) و تنگنا در چاره‌جویی

و عجز از تصمیم‌گیری (فیروزآبادی و زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۲)، ویژگی‌های هیجانی مثل غم (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۱۳)، حزن (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۱۴) و حَرَج (تنگنایی در قلب که می‌ترسد برای کاری اقدام کند) (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۴۷)، ویژگی شناختی مثل شک (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۴۷؛ فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۰؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۰۹-۲۰۸)، صفات شخصیتی (ویژگی‌های اخلاقی) مثل بخل (فیروزآبادی و مرتضی زبیدی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۸۱؛ رافعی قزوینی و دیگران، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۷؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۰۸؛ راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۱۳). در کتاب *الفروق فی اللغة* چنین آمده است: «الضيق بالكسر في البخل وعسر الخلق»، البته به این اوصاف و حالات عارضی هستند (عسکری، بی‌تا، ص ۳۰۱). گاهی نیز معنای مجازی این ریشه، در مورد ویژگی‌های دیگر نظیر تنگی معیشت، فقر و تنگی مکان است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۱۳).

آنچه در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته است، کاربرد این واژه در مورد قلب و نفس آدمی است که حاصل آن اوصاف و حالات عارضی بوده و نوعی تنگنا، پریشانی و بی‌تابی را به همراه دارد. مصطفوی در جمع‌بندی این معنا می‌گوید:

تنگنا و گرفتگی ممکن است از جهات مختلفی ناشی گردد، از جمله این جهات تنگی مکان برای معاش و ادامه زندگی یا خصوصیتی درونی یا ظهور حالتی درونی به معنای تنگنا در تصمیم‌گیری، اراده و اظهار مقصود است. همچنین این حالت ممکن است برخاسته از مواجهه با مخالفین و نیرنگ آنان باشد. گاهی نیز مربوط به مرحله تقدیر و تدبیر در مورد آنچه انجام می‌دهد و کیفیت اعمال است. گاهی نیز الضيق برای حالتی به کار می‌رود که شخص اضطراب شدید و قبض نفس عمیق دارد و نمی‌داند به کدامین راه یا عمل متوسل شود و از این رو حیرت دارد. اینها مضيقه‌های مادی و معنوی است که انسان با آن مواجه است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۶۴).

بنابراین کاربرد واژه ضيق در ارتباط با صدر، قلب و نفس، حاکی از تنگنایی درونی (قبض النفس و سوءالحال) است که بر روان آدمی عارض گردیده و ناشی از اتفاقات محیطی است. منشأ آن می‌تواند مکان، معیشت، سختی‌ها، مکر و حیلۀ دیگران و مواردی نظیر این باشد و از نظر کارکردی محصول این تنگنا، ویژگی‌های رفتاری نظیر توقف در عمل و عجز از تصمیم‌گیری، ویژگی‌های شناختی نظیر شک و کندی چاره‌جویی، ویژگی‌های هیجانی نظیر غم و حزن و ترس از اقدام خواهد بود.

مفهوم‌شناسی اصطلاحی ضيق

صدرالدین شیرازی (۱۳۶۸، ج ۶، ص ۳۹۷) شرح صدر را نهایت حکمت عملیه دانست و قلبی که دچار ضيق و تنگی شده است را محصول خیال ظلمانی دانسته است که این خیال ظلمانی به دلیل کثرت

عالم ماده و کثرات است. وی در تشریح تفاوت بین ضعف قلب، وحشت کردن و ضیق صدر می‌گوید: «وحشت و ضیق صدر در حالت انفعالی هستند. یکی از عوامل آن می‌تواند ضعف قلب باشد» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۵۶). در نتیجه، ضیق صدر در اصطلاح فلسفی حالتی انفعالی است که برآمده از خیال ظلمانی، ضعف قلب یا عوامل دیگر است. پس از این، مفهوم در آیات قرآنی مورد واکاوی قرار می‌گیرد و حقیقت و ابعاد آن از دیدگاه قرآنی توسط پژوهشگر تشریح می‌گردد.

پیگیری مفهوم در قرآن کریم

در پژوهش حاضر به‌منظور دستیابی به پاسخ سؤالات پژوهش، ابتدا شبکه‌وارگانی تنگنای روانی استخراج شد. در نتیجه این گام هفت کلیدواژه ضیق، ضنک، حرج، قبض (مربوط به قبض النفس)، سوء (مربوط به سوء الحال)، الحيرة، شرح (مربوط به شرح الصدر) و وسع (مربوط به سعة الصدر) انتخاب شد؛ سپس گام جست‌وجوی داده به‌وسیله جست‌وجوی ریشه و مشتقات کلیدواژه‌های یادشده در قرآن کریم انجام و ۲۱۷ آیه بازایی شد که با حذف موارد تکراری به ۲۱۳ آیه تقلیل یافت؛ گام بعدی به پالایش آیات اختصاص یافت. در این راستا، به فراخور مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی «ضیق» و اقتضای بحث روان‌شناختی، معیارهای دوگانه‌ای در نظر گرفته شد که عبارت بودند از: ۱. مربوط بودن به نفس آدمی؛ و ۲. تعامل داشتن با منشأ بیرونی مانند مشکلات، سختی‌ها و تکالیف. بدین ترتیب، آیات استخراج‌شده در مرحله اول (۲۱۳ آیه) با این نگاه مطالعه و بر اساس دو معیار یادشده پالایش شد؛ در نتیجه، ۵۰ آیه باقی ماند و وارد فرایند تحلیل گردید. جهت افزایش دقت و عمق تحلیل محتوای آیات انتخاب‌شده، علاوه بر متن آیه، مجموعه‌ای از متون تفسیری با تأکید بر تفسیر *المیزان* و همچنین روایات تفسیری پیرامون آیات، مورد تحلیل قرار گرفت. علت تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی بدین جهت بود که وی به‌عنوان یکی از بارزترین فیلسوفان و مفسران قرآن در قرن اخیر، صاحب اندیشه‌ای است که مورد تأیید علمای قرن حاضر است (لگنهاوزن و نصیری، ۱۳۸۰، ص ۳). برای یافتن روایات تفسیری، ابتدای آیات انتخاب شده و همچنین عبارت مشتمل بر کلیدواژه از آیات یادشده به‌طور مجزا در پایگاه اینترنتی جامع‌الاحادیث جست‌وجو شد. علت جست‌وجوی دوگانه، این بود که در روایات گاهی بخش‌هایی از آیه، نه تمام آن وارد شده و در برخی نسخ بخش ابتدایی آیه نوشته شده است و از نوشتن ادامه آیه صرف‌نظر گردیده است و در برخی روایات فقط محل دلالت بر آیه در روایت بیان گردیده است. در این جست‌وجو، قابلیت «گروه‌بندی» پایگاه جامع‌الاحادیث به‌منظور حذف روایات تکراری، فیلتر «عین عبارت جست‌وجو» با «انعطاف نسبت به پیشوند و پسوند کلمات» و «انعطاف نسبت به نویسه‌هایی مانند ا و ة» اعمال گردید؛ در نتیجه، آن دسته از روایات که تفسیری از آیه را شامل می‌شد و محتوای آن از دو ملاک پیش‌گفته برخوردار بود، وارد مرحله تحلیل گردید.

در بخش تحلیل داده، ابتدا نشانگان و مفاهیم اولیه از متن استخراج شد. با توجه به تعداد بالای کدهای اولیه (مشمول بر نشانه‌ها و ویژگی‌ها)، امکان انتشار تمام آن در متن مقاله وجود نداشت؛ از این رو به ذکر برخی نشانه‌ها و ویژگی‌های اولیه برآمده از محدوده تحقیق و ارائه نتایج حاصل از طبقه‌بندی آن (کدگذاری محوری و انتخابی)، شامل مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی در جدول (۱) اکتفا گردید.

جدول ۱: نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	نشانه‌ها و ویژگی‌ها
مؤلفه هسته‌ای (تنگنای روانی)	حالت عاطفی منفی	گرفتگی روانی	حرج به معنای ضیق است، سعه نفس توان تحمل نفس است، حرج ناماییم با طبع انسانی است
		عارضی بودن	روان آدمی قابلیت قبض و بسط دارد، تنگنای روانی امری عارضی است، عدم صدور حکم حرجی به معنای سلب حرج عارضی است
		ظهورات عاطفی و هیجانی	غم، ناامیدی، نارضایتی، واپس‌رانی
شرایط علی	عوامل درون فردی	عوامل رفتاری	ظلم به خود، ظلم به دیگران
		عوامل هیجانی	احساس ناتوانی، ترس‌های منفی
		عوامل شناختی	انحراف عقیدتی، مسئولیت‌فرونی، اسناد درونی، تفسیر سطحی‌نگرانه رخدادها
	عوامل بین فردی	آزار کلامی	مذمت و سرزنش، زخم زبان، استهزا و تکذیب
		آزار غیر کلامی	انتظار افراطی اطرافیان، ضرر دیدن از دیگران، مفارقت و طرد، مخالفت با ارزش‌های شخصی
		گرفتاری دوستان	وجود تنگنا برای محبوب موجب تنگنای روانی محب می‌شود
زمینه‌ها	تلقی مصیبت	مواجه شدن با ابتلائات	بالایا، فقر، جنگ، بیماری
	تلقی مسئولیت (تکلیف)	مواجه شدن با تکلیف	تکلیف داشتن، مسئولیت، گران آمدن تکلیف، سنگینی تکلیف
	تلقی عقیدت (مذهب)	عرضه عقائد مذهبی	شرح صدر به ایمان، شرح صدر به کفر، ضیق صدر به اسلام
پیامدها	محدودسازی عملکرد	کاهش گویایی زبان	ضیق صدر می‌تواند موجب کاهش گویایی زبان گردد
	محدودسازی مقاومت	تحمل مسئولیت اجتماعی مستلزم شرح صدر	تسهیل تحمل سختی مسئولیت‌های اجتماعی با سعه صدر، ضیق صدر موجب از دست دادن مقاومت است
		تحمل مشکلات مستلزم شرح صدر	سعه صدر به معنای حوصله زیاد برای تحمل نامالیمات، تحمل مشکلات و رفتاری‌ها نیازمند سعه صدر
	محدودسازی ارتباط بین فردی	کاهش روابط فرد با دیگران	ضیق نفس روابط بین فردی کلامی و عاطفی را کاهش می‌دهد

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	نشانه‌ها و ویژگی‌ها
	محدودسازی شناخت حق	اضلال	تنگنای روانی موجب اضلال می‌گردد، شک در عقیده نتیجه ضیق صدر
		شناخت واقعیت مستلزم شرح صدر	شرح صدر موجب تشخیص واقعیت، شرح صدر زمینه‌ساز توسعه در قوای شنیداری، ضیق صدر موجب انکار حق، حرج مانع دخول حق و خروج حق از شخص است
		اطمینان به حق مستلزم شرح صدر	شرح صدر پیش‌نیاز تسلیم عقیدتی و اطمینان به خداوند، شرح صدر زمینه‌ساز آرامش، اطمینان و سکونت به وعده الهی، شرح صدر پیش‌نیاز هدایت است
	محدودسازی پذیرش حق	سنگ‌دلی	حرج و ضیق صدر موجب سنگ‌دلی می‌شود
		رد کردن و منع	تنگنا با منع و رد کردن همراه شده است، تنگنای روانی موجب عدم پذیرش و امتناع است
		پذیرش حق مستلزم شرح صدر	نتیجه شرح صدر برای چیزی، پذیرش آن است، شرح صدر دل را برای پذیرش ذکر خدا نرم می‌کند، خداوند برای پذیرش امر خود، فهم را توسعه می‌دهد
	محدودسازی پابندی به حق	نفاق عملی	ضیق صدر زمینه‌ساز نفاق، حرج مانع دخول حق و خروج حق از شخص است، شرح صدر موجب تسلیم الهی شدن است
		کاهش پابندی به حق	شرح صدر موجب حق‌گویی، ضیق صدر مانع پابندی قلبی و عملی به حق

جدول ۱) نشان می‌دهد مؤلفه هسته‌ای تنگنای روانی بر اساس قرآن کریم قبل از روایی‌سنجی عبارت است از حالت عاطفی منفی که حکایت‌کننده از گرفتگی عارضی نفسانی دارای ظهورات عاطفی هیجانی است. شرایط علی تنگنا نیز مشتمل بر شرایط درون‌فردی (رفتاری، شناختی و هیجانی) و بین‌فردی (آزار کلامی، آزار غیر کلامی و گرفتاری دوستان) تشخیص داده شد. جدول ۱) همچنین زمینه‌های تنگنای روانی را که توسط پژوهشگر مشخص شده است، نشان می‌دهد. مقصود از زمینه، بستر حاکمی است که شرایط علی در آن بر پدیده‌محوری اثر می‌گذارد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). بر این اساس، تنگنای روانی عمدتاً در بستر مواجهه فرد با مصیبت، مسئولیت (تکلیف) یا عقیدت (مذهب) رخ می‌دهد. پیامدها نیز مفاهیمی پسینی هستند که پس از شکل‌گیری مؤلفه هسته‌ای ایجاد می‌گردد. نتایج و پیامدهای بروز تنگنا نیز محدودسازی شخص در حیطه‌های چنگانه عملکرد، مقاومت، ارتباط بین‌فردی، شناخت حق، پذیرش حق و پابندی به حق مفهوم‌پردازی شد.

بخش کمی پژوهش حاضر، مربوط به سنجش روایی محتوایی مدل است. در این بخش، به دلیل حجم گسترده کدگذاری باز، مفاهیم، مقولات فرعی و مقولات اصلی، به همراه گزیده‌ای از مستندات و استدلال‌ها

در قالب فرمی به کارشناسان ارائه گردید. در این فرم، از مطابقت مقوله اصلی و فرعی با مستندات و ضرورت مفاهیم و مقوله‌ها در مفهوم‌شناسی تنگنا سؤال شده بود. طبق پیشنهاد لین (۱۹۸۶)، به نقل از: پولیت و بک، (۲۰۰۶) نمره شاخص روایی محتوا (CVI) برای تک‌تک مؤلفه‌ها نباید کمتر از ۰/۷۸ باشد؛ همچنین حداقل مقدار شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) برای تصمیم‌گیری در مورد حذف یا بازنگری مؤلفه‌ها، زمانی که ۱۰ کارشناس مؤلفه‌ها را ارزیابی کرده‌اند، ۰/۶۲ است (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). تعداد کارشناسان ارزیاب در پژوهش حاضر، ۱۰ نفر بوده است. جدول ۲) نتایج حاصل از روایی‌سنجی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوای (CVR) سازه

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم و نشانه‌ها	CVI	CVR
تنگنای روانی	حالت عاطفی منفی	گرفتگی روانی	۱	۱
		عارضی بودن	۰/۹	۰/۸
		ظهورات عاطفی و هیجانی	۰/۸	۰/۸
شرایط علی	عوامل درون فردی	عوامل رفتاری	۰/۸	۰/۸
		عوامل هیجانی	۰/۸	۰/۸
		عوامل شناختی	۱	۱
	عوامل بین فردی	آزار کلامی	۱	۰/۹
		آزار غیر کلامی	۱	۰/۹
		گرفتاری دوستان	۱	۰/۹
		مواجهه شدن با ابتلائات	۱	۱
زمینه‌ها	تلقی مصیبت	مواجهه شدن با ابتلائات	۱	۱
	تلقی مسئولیت (تکلیف)	مواجهه شدن با تکلیف	۱	۱
	تلقی عقیدت (مذهب)	عرضه عقائد مذهبی	۰/۹	۰/۹
پیامدها	محدودسازی عملکرد	کاهش گویایی زبان	۱	۱
	محدودسازی مقاومت	تحمل مسئولیت اجتماعی مستلزم شرح صدر	۱	۱
		تحمل مشکلات مستلزم شرح صدر	۱	۱
	محدودسازی ارتباط بین فردی	کاهش روابط فرد با دیگران	۱	۱
	محدودسازی شناخت حق	اضلال	۰/۹	۰/۷
		شناخت واقعیت مستلزم شرح صدر	۰/۹	۰/۹
		اطمینان به حق مستلزم شرح صدر	۰/۹	۰/۹
	محدودسازی پذیرش حق	سنگ‌دلی	۰/۹	۰/۹
		رد کردن و منع	۰/۹	۰/۹
		پذیرش حق مستلزم شرح صدر	۰/۹	۰/۹
	محدودسازی پابندی به حق	کاهش پابندی به حق	۰/۹	۰/۹

نتایج ارائه شده در جدول ۲) نشان می‌دهد، برای تمام مؤلفه‌های مدل مفهومی تنگنای روانی، مقدار CVI بیشتر از ۰/۷۸ و CVR بیشتر از ۰/۶۲ به دست آمده است؛ بنابراین مدل به صورت کامل تأیید می‌گردد. در نهایت، مدل مذکور عبارت است از چهار مقوله اصلی، مشتمل بر:

۱. شرایط علی شامل عوامل درون فردی (رفتاری، شناختی، هیجانی) و بین فردی (آزار کلامی، آزار غیرکلامی و گرفتاری دوستان)؛

۲. زمینه‌ها شامل تلقی (مواجهه با) مصیبت، مسئولیت و عقیدت؛

۳. مؤلفه‌های هسته‌ای شامل حالت عاطفی منفی (به معنای گرفتگی درونی عارضی نفسانی)؛

۴. پیامدها شامل محدودسازی عملکرد، محدودسازی مقاومت، محدودسازی ارتباط بین فردی، محدودسازی شناخت حق، محدودسازی پذیرش حق، محدودسازی پابندی به حق.

با توجه به تأیید برداشت‌های پژوهشگر از مستندات و تأیید ضرورت تمامی مؤلفه‌ها توسط کارشناسان، مدل نهایی «تنگنای روانی بر اساس قرآن کریم» ترسیم شد. شکل ۲) الگوی ترسیمی از مدل مفهومی تنگنای روانی بر اساس قرآن کریم است.



شکل ۲: مدل مفهومی تنگنای روانی بر اساس قرآن کریم

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد، سازه تنگنای روانی شامل یک مقوله اصلی با سه نشانه، دو شرط علی عمده، سه زمینه کلی و شش پیامد است. پژوهشگر پس از تحلیل محتوای محدوده پژوهش، به این نتیجه دست یافت که تنگنای روانی حالت روانی عاطفی منفی است. لفظ «حالت روانی» از گرفتگی نفسانی عارضی مترشح شده و «عاطفی منفی» از ظهورات عاطفی هیجانی مثل غم، ناامیدی، نارضایتی و واپس‌رانی اشتقاق یافته است. با توجه به اینکه در کتب لغت عمدتاً «ضیق - تنگنا» با ضد خود «السعة» معرفی شده است (ابن فارس، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۳)، شناخت معنای آن در محدوده تحقیق نیز عمدتاً با سعه صدر و شرح صدر پیگیری شده است. علامه طباطبایی (۱۳۵۱، ج ۲، ص ۴۴۳) وسع نفس را به معنای الجدة و الطاقه در نظر گرفته است؛ سپس فرموده است که اصل در معنای «سعة» گستره مکانی است. این تعبیر برای صدر و نفس به صورت معنای ثانوی به کار می‌رود و مقصود از آن قدرت انسان به عنوان ظرف اعمال اختیاری است. از این رو وقتی می‌گویند نفس انسانی وسعت چیزی را دارد، یعنی بر آن طاقت داشته و ظرفیت انجام آن را دارد. بنابراین «ضیق - تنگنا» که نقطه مقابل آن است به معنای کاستی ظرفیت تحمل انسان است. علاوه بر این، در آیات قرآنی «شرح صدر» به معنای گشادگی سینه (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۷، ص ۳۸۷) در مقابل «ضیق - تنگنا» به کار رفته است. بنابراین مقصود از تنگنای روانی، کاسته شدن از طاقت و ظرفیت تحمل نفس است. روایات تفسیری گوناگونی نیز «حرج» را به معنای «ضیق» در نظر گرفته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲؛ عیاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۲؛ مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۳، ص ۳۴). بدین ترتیب، حرج نیز به معنای گرفتگی نفسانی تلقی می‌شود. بر اساس قرآن کریم، روان آدمی قابلیت قبض (گرفتگی) و بسط (گشایش) دارد (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۴، ص ۲۱) و از این رو حضرت موسی علیه السلام برای ایفای رسالت خود از خداوند درخواست شرح صدر می‌کند (طه: ۲۰). درخواست پیامبر الهی حاکی از قابلیت توسعه و تنگنا در روان آدمی است. به علاوه، تنگنای روانی با ظهورات عاطفی هیجانی نظیر غم (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۶۰۰؛ ج ۱۰، ص ۲۳۳؛ فیض کاشانی، بی‌تا الف، ج ۴، ص ۳۴۱)، نارضایتی (نساء: ۶۵)، ناامیدی (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۶، ص ۲۷۴) و واپس‌رانی (بحرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۸؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۴۷۰) همراه است. واپس‌رانی در این پژوهش به معنای انکار و طرد عاطفی نسبت به موضوع مورد تنگنا علاوه بر عدم درک شناختی آن است. به عنوان نمونه، برخی منافقین و کفار اسلام را به دلیل ضیق صدر خود نسبت به آن علاوه بر اینکه به طور صحیح درک نمی‌کنند، با قاطعیت و دشمنی امتناع و انکار می‌کنند. به نظر می‌رسد مفهوم «تنگنای روانی» استفاده شده از قرآن کریم که به صورت حالت عاطفی منفی شناخته

می‌شود، با سازهٔ «پیشانی روان‌شناختی»^۱ در دانش روان‌شناسی از جهاتی قرابت دارد. ریندر^۲ (۲۰۰۴، ص ۵۳۶) «پیشانی روان‌شناختی» را بررسی کرده و آن را ناراحتی خاص و حالتی هیجانی معرفی کرده است که افراد به‌طور موقت یا دائم در پاسخ به فشارهای روانی خاص و درخواست‌های آسیب‌زا آن را تجربه می‌کنند. پیشانی روان‌شناختی در متون پزشکی نیز به‌عنوان یک حالت رنج هیجانی توصیف می‌شود که با نشانه‌های افسردگی و اضطراب مشخص می‌شود (دراپو، مارچند و بیولیو - پروست،^۳ ۲۰۱۲، ص ۱۰۵). البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که تنگنای روانی مستفاد از قرآن کریم ضمن آنکه از یک حالت هیجانی موقت تا یک خلق منفی پایدار و قرارگیری فرد در آستانهٔ اختلال روانی را شامل می‌شود، اما از نظر بسترهای مواجهه با آن، با مفهوم «پیشانی روان‌شناختی» تفاوت دارد.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر استخراج شرایط علی تنگنای روانی است. پژوهش حاضر نشان داد، یکی از عوامل تنگنای روانی، عوامل درون‌فردی است. بر اساس آیات شریفهٔ قرآن کریم، خود انسان در نفع و ضرر رساندن به خویش و تحقق حالات روانی دخیل است (اسراء: ۷؛ جاثیه: ۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۸، ص ۲۵۰؛ ج ۱۳، ص ۵۳). از این‌رو در آیات قرآنی به چندین عامل درون‌فردی که فاعلیت فرد در آن پررنگ است، اشاره شده است. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. عوامل شناختی: تنگناهای شناختی استفاده‌شده از آیات قرآنی و روایات تفسیری مشتمل است بر: اسناد درونی (قمی مشهدی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۱۷)، مسئولیت‌فرونی (احزاب: ۳۷؛ شوری: ۴۸؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۸، ص ۹۹؛ ج ۱۶، ص ۴۸۴)، تفسیر سطحی‌نگرانهٔ رخدادها (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۰، ص ۵۰۳؛ ج ۱۶، ص ۲۷۴) و انحراف عقیدتی مثل ضلالت (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۲، ص ۴۸۵؛ مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۳۴، ص ۳۲)؛
۲. عوامل هیجانی: عوامل تنگناآور هیجانی استفاده‌شده از آیات قرآنی و روایات تفسیری مشتمل است بر: ترس‌های منفی (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۳۵۹) و احساس ناتوانی (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۰، ص ۵۰۳). نمونه‌ای از این عوامل هیجانی در آیهٔ ۱۳ سورهٔ شعراء در بیان حالات حضرت موسی علیه السلام بیان گردیده است. علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌فرماید:

در قرائت یعقوب و غیر او دو فعل یضیق و ینطلق به نصب قرائت شده، تا عطف بر «یکذبون» باشد و این قرائت با طبع معنا سازگارتر است. بنابراین عذر موسی علیه السلام تنها همان عذر اولی است، یعنی ترس از تکذیب و دو تای دیگر نتیجهٔ عذر اولی است. به عبارت روشن‌تر، عذر تنها تکذیب مردم است که سر آمدن حوصله و کندی زبان می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۳۵۹).

1. psychological distress
2. Rinder
3. Drapeau, Marchand & Beaulieu-Prevost

از این رو ترس از تکذیب موجب تنگ‌حوصلگی حضرت موسی علیه السلام تلقی شده است. در مورد احساس ناتوانی نیز علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه ۷۷ سوره هود آورده است:

وقتی گفته می‌شود: «ساءه الامر مساءه» معنایش این است که فلان پیشامد حال بدی را بر فلانی انداخت و وقتی با صیغه مجهول تعبیر شود و گفته شود: «سئء بالامر» معنایش این است که فلانی خودش به خاطر آن امر ناراحت شد، نه اینکه آن امر وی را ناراحت کرده باشد (همچنان که در آیات مورد بحث حضرت لوط از آمدن ملائکه به صورت جوانانی زیبا روی ناراحت شد، نه اینکه ملائکه او را ناراحت کرده باشند (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۰، ص ۵۰۳).

بنابراین احساس ناتوانی که یک حالت هیجانی برآمده از تحریف شناختی است، می‌تواند موجب سوءالحال گردد؛

۳. عوامل رفتاری شامل ظلم به دیگران و ظلم به خود است. ظلم به دیگران در آیات قرآنی به صورت افساد در زمین (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۳، ص ۵۳) و ایجاد مانعیت برای دیگران در شناخت حق (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۲، ص ۴۸۵) بیان شده و ظلم به خود به عنوان گناه شناخته می‌شود. علامه طباطبایی (۱۳۵۱، ج ۷، ص ۴۷۰) در تشریح مفردة قرآنی «حرج» می‌گوید: «گناه را نیز حرج می‌خوانند، به علاوه، قرآن کریم برخی مصادیق گناه اجتماعی مثل قسم خدعه‌آمیز را موجب سوء دنیوی و اخروی دانسته که عمومیت آن شامل حالات روانی سوء نیز می‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۲، ص ۴۸۵).

عامل دیگری که پژوهش حاضر به عنوان یافته از آیات و روایات استخراج کرده است، عوامل بین‌فردی است. عوامل بین‌فردی عمدتاً در تعامل و ارتباط با دیگران شکل گرفته و وضعیت روانی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل بین‌فردی تنگنای روانی بر اساس قرآن کریم عبارت‌اند از:

۱. آزار کلامی: آزار کلامی به منظور احساس پریشانی روانی است که از ارتباط کلامی آزارنده پدید می‌آید. قرآن کریم مواردی از آزار کلامی مثل تکذیب (شعراء: ۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۵۹)، استهزا و زخم زبان (حجر: ۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۲، ص ۲۸۷)، مذمت و سرزنش (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۹، ص ۴۸۹) را برشمرده است؛

۲. آزار غیر کلامی: گاهی تنگنای روانی شخص در اثر روابط آزارنده دیگران با وی پدید خواهد آمد. انتظار افراطی دیگران مثل درخواست‌های مردم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آوردن معجزات مورد انتظار خودشان یکی از آزارهای غیر کلامی مورد اشاره قرآن کریم و روایات است (هود: ۱۲؛ مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۶۸). ضرر دیدن از دیگران نیز بر اساس تعبیر «ولا تضاروهنّ لتضیقوا علیهنّ» (طلاق: ۶؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۹، ص ۵۳۱) عامل ارتباطی دیگری برای احساس تنگناست (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۳۵۹). مفارقت و طرد (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۲، ص ۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۹، ص ۵۴۳) و

مخالفت دیگران با ارزش‌های شخصی وی (قمی مشهدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۸؛ فیض کاشانی، بی‌تا ب، ج ۳، ص ۱۲۴؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۸۸۸) نیز می‌تواند موجب تنگنای روانی گردد؛

۳. گرفتاری دوستان (هلالی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۳۶) نیز تنگنا ساز بین فردی دیگری است که در محدوده تحقیق مطرح گردیده است. علاوه بر این، برای منافقین بدخواه، دستیابی مؤمنین به پیروزی و نعمت موجب سوءالحال می‌گردد (آل عمران: ۱۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۶۰۰)؛ از این رو علاوه بر گرفتاری دوستان، دستیابی مؤمنین به نعمت برای منافقین تنگناآور است.

تحقیقات روان‌شناختی متعددی در طول سالیان متمادی عوامل ناتنظیمی هیجانات،^۱ افسردگی، اضطراب، پریشانی روان‌شناختی و اختلالات خلقی را با عوامل گوناگون شناختی، هیجانی، رفتاری، اجتماعی بررسی کرده‌اند و نتایج آنها در تحقیقات میدانی با یافته‌های پژوهش حاضر در قرآن کریم همسویی دارد. به عنوان نمونه، تمایل به تفکر و تفسیر منفی درباره خود، دیگران و جهان (بک و بردیمیر،^۲ ۲۰۱۶، ص ۵۹۶) و تمایل به تکیه بر فکرهای مبهم و منفی (جوړمن و گوتلیب،^۳ ۲۰۱۰، ص ۲۸۱) از جمله عوامل شناختی افسرده‌ساز و انتظار افراطی و انتقاد دائمی از خود از جمله فاکتورهای پریشانی روان‌شناختی (اسپادا، محیی‌الدینی و ولز،^۴ ۲۰۰۸، ص ۲۳۸) بر شمرده شده است. به علاوه، ناتنظیمی هیجانی (کرینگ و سلوئن، ۲۰۰۹)، اجتناب‌های ناشی از ترس و نگرانی (هیس، استروسال و ویلسون،^۵ ۲۰۱۱) و تمایل به تمرکز بر احساسات منفی و نادیده گرفتن احساسات مثبت (جوړمن و گوتلیب، ۲۰۱۰، ص ۲۸۱) جنبه هیجانی دارد و در تکون پریشانی روان‌شناختی مؤثر قلمداد شده است. عوامل ارتباطی (مک‌کی، دیویس و فانیگ، ۲۰۰۹) مانند تنهایی اجتماعی (جهانگیری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۷) مؤثر بر رنج و پریشانی روان‌شناختی دانسته شده است. این نتایج نشان می‌دهد یافته‌های علی تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات کمی همسویی دارد.

یافته دیگر پژوهش حاضر مربوط به زمینه‌های شکل‌گیری تنگنای روانی است. مقصود از زمینه‌ها، بستر حاکم بر زندگی فرد است که شرایط علی در آن بستر بر پدیده‌محوری اثر می‌گذارد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۸۴). بر اساس یافته این پژوهش، تنگنای روانی عمدتاً در سه بستر کلی برای فرد پدید می‌آید؛ یعنی عوامل تنگنای روانی در این بسترها عمل می‌کنند و موجب ایجاد تنگنای روانی در فرد می‌گردند.

1. emotional dysregulation
2. Beck & Bredemeier
3. Joormann & Gotlib
4. Spada, Mohiyeddini & Wells
5. Hayes, Strosahl & Wilson

زمینه‌های تنگنای روانی عبارت‌اند از: تلقی فرد با مصیبت (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۴، ص ۲۰۱؛ ج ۱۸، ص ۹۹)؛ تلقی فرد با مسئولیت (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۹، ص ۴۸۹؛ قمی مشهدی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۱۷؛ حسکانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۸)؛ و مواجهه او با عقیدت (مذهب). عقاید مذهبی زمینه‌ساز تنگنا بر اساس آیات قرآنی، مشتمل بر اسلام، ایمان یا کفر است (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۵۰۹؛ حویزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۶۶). بدین ترتیب، کسی که نسبت به اسلام ضیق صدر و نسبت به کفر شرح صدر دارد، در هنگام عرضه عقاید مذهبی موافق اسلام دچار تنگنای روانی شده و ظهورات آن نظیر ناراضایتی و واپس‌رانی را به نمایش گذاشته و پیامدهای آن نظیر محدود شدن پذیرش و پایبندی به حق ظهور می‌یابد. همچنین شخصی که به عوامل هیجانی تنگنای روانی مثل ترس منفی مبتلاست، هنگام مواجهه با یک مصیبت تنگنای روانی در او آشکار می‌گردد. با تحلیل زمینه‌های بروز و تکون تنگنای روانی علاوه بر تحلیل دقیق‌تر این سازه روانی، می‌توان به مفاهیم متناظر با آن در دانش روان‌شناسی پی برد. در نظر گرفتن زمینه‌هایی نظیر تلقی مصیبت و تلقی مسئولیت در مفهوم تنگنای روانی، نشان می‌دهد این سازه با مفهوم شکنندگی (آسیب‌پذیری)^۱ در روان‌شناسی - که مفهوم متقابل آن با عنوان «تاب‌آوری»^۲ شناخته می‌شود - همپوشانی دارد. توضیح بیشتر آنکه، تاب‌آوری در اصطلاح روان‌شناسی به معنای قابلیت یا مهارت فرد در مقابله با تنش‌ها، ضربه‌ها و مشکلات زندگی است. این مفهوم بیانگر توانایی تنظیم هیجانات، حفظ عملکرد عادی و بهبود پس از تجربه رویدادهای استرس‌زاست (رک: ساوتویک و همکاران،^۳ ۲۰۱۴، ص ۱). بر این اساس، می‌توان گفت مفهوم تنگنای روانی دربردارنده مفهوم شکنندگی در روان‌شناسی و نقطه مقابل آن (توسعه روانی) دربردارنده مفهوم تاب‌آوری و گسترده‌تر از آن است.

یافته دیگری که پژوهش پیش رو بدان دست یافت، پیامدهای تنگنای روانی است. پیامدهای تنگنای روانی عبارت‌اند از:

۱. محدودسازی عملکرد: در آیه شریفه ۱۳ سوره شعراء به کاهش گویایی زبان حضرت موسی علیه السلام اشاره شده است. این تأثیر عملکردی در پی خوف و قرین ضیق صدر برای ایشان رخ داده است (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۳۵۹). همچنین نقطه مقابل ضیق صدر که با تعبیری نظیر «شرح صدر» از آن یاد شده است، زمینه‌ساز دستیابی به خیر و موفقیت شمرده شده است (حویزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۶۶)؛
۲. محدودسازی مقاومت: علامه طباطبایی (۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۳۵۹) در تفسیر آیه شریفه ۱۳ سوره شعراء مقصود از «یضیق صدری» را به معنای سرآمدن حوصله و کاهش مقاومت شخص دانسته است.

1. vulnerability

2. resilience

3. Southwick & et al

به علاوه، وی افزایش تحمل را نتیجه سعه صدر دانسته است. در واقع، غرض از تقاضای شرح صدر از خداوند توسط انبیای الهی، به جهت تسهیل تحمل شاید و محنت‌های مسیر رسالت دانسته شده است (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۲۰۱). پس تنگنای روانی، ظرفیت شخص برای تحمل رنج‌ها و مصیبت‌های بیرونی را کاهش داده و رفع آن می‌تواند موجب افزایش مقاومت روان‌شناختی گردد؛

۳. محدودسازی ارتباط بین فردی: فردی که دچار تنگنای روانی شده است، ممکن است روابط خود با دیگران را به صورت تعمدی محدود سازد. در روایتی منقول از امام صادق علیه السلام به افرادی اشاره شده است که بر اثر رفتار طردکننده دیگران، از ارتباط با دیگران احساس تنگنا کرده و ارتباط کلامی و عاطفی خود با آنان را محدود ساخته‌اند (بحرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۹)؛

۴. محدودسازی شناخت حق: شک در واقعیت و حقیقت (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۵) و گمراهی (طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۴۷۰) یکی از پیامدهای ضیق صدر تلقی شده است. شرح صدر که توأم با نرم‌دلی و در نقطه مقابل تنگنای روانی است، زمینه‌ساز هدایت به حق بیان شده است (انعام: ۱۲۵؛ طباطبایی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۴۷۰). بر این اساس، می‌توان گفت ضیق صدر شناخت و هدایت به حقیقت را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد؛

۵. محدودسازی پذیرش حق: علاوه بر شناخت، پذیرش قلبی و عاطفی حق در هنگام ضیق صدر کاهش می‌یابد. در روایتی که حویزی (بی‌تا، ج ۱، ص ۷۶۶) از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، نشان می‌دهد کسی که به تنگ‌دلی (پیشانی) مبتلا گردیده است، اگر زبانش بر حق گویا باشد، پیوند قلبی با آن ندارد. پیوند عاطفی با یک باور، لازمه تکوین نگرش روان‌شناختی در شخص است (اروین، ۲۰۱۴، ج ۶). از این رو فرموده‌اند سینه‌ای که ضیق صدر بر آن عارض شده است، نه چیزی از آن خارج می‌شود و نه چیزی بر آن داخل می‌گردد (بحرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۸). منابع اسلامی، برای دفع چنین حالتی به افراد آموخته‌اند که دعا را وسیله‌ای برای برخورداری از شرح صدر قرار دهند (حویزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۶۶)؛

۶. محدودسازی پایبندی به حق: ارتباط شخص با حقیقت، علاوه بر عنصر شناختی و عاطفی، با عنصر رفتاری نیز همراه است. تنگنای روانی یکی از موانع پایبندی عملی فرد به آگاهی‌های منطقی و عاطفی خویش است. در حدیثی منقول از امام صادق علیه السلام، نابرخورداری از توفیق عملی در انجام کارهای نیک از پیامدهای ضیق صدر برشمرده شده است (حویزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۶۶). در نقطه مقابل، برخورداری از شرح صدر و حق‌گویی به عنوان رفتاری در راستای حق در امتداد یکدیگر آمده است. علامه طباطبایی (۱۳۵۱، ج ۷، ص ۴۷۰) در تفسیر آیه «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ

لا يُؤْمِنُونَ» (انعام: ۱۲۵)، اسلام را به معنای تسلیم در نظر گرفته و معتقد است کسی که خداوند سینه‌اش را برای قبول اسلام که همان تسلیم بودن است شرح کرده باشد، درحقیقت سینه‌اش را برای تسلیم در برابر اعتقادات صحیح و عمل صالح وسعت داده است. بنابراین علاوه بر پذیرش فکری و تمایل باطنی به حق، اظهار عملی حق نیز نیازمند شرح صدر است. از این رو می‌توان گفت ضیق صدر که ضد آن معرفی شده است، با محدودسازی پابندی به حق مرتبط است.

از آنجاکه این مفهوم مشتمل بر پیامدهایی نظیر شناخت، پذیرش و پابندی به حقیقت است، می‌توان این مفهوم را در تربیت اخلاقی و توحیدی مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد توسعه روانی در تصحیح شناخت نسبت به حقیقت (مثل پرهیز از استدلال هیجانی)، تنظیم سطح پذیرش و تحمل و اراده‌مندی نسبت به رفتار حق‌مدارانه نقش دارد.

تحلیل مفهوم تنگنای روانی در پژوهش حاضر، با وجود آنکه در گستره آیات قرآنی، تفاسیر مرتبط و روایات تفسیری انجام گرفته است، اما از آن جهت که با آیات مرتبط با جست‌وجوی کلیدواژه‌های اصطیاد شده و فقط بخشی از متون دینی (قرآن کریم و روایات تفسیری) را مورد تحلیل قرار داده است، دارای محدودیت است. بنابراین نسبت دادن یافته‌های پژوهش حاضر به دین یا تمام منابع اسلامی باید همراه با احتیاط صورت پذیرد.

در پایان نیز، پیشنهاد می‌شود مدل مفهومی تنگنای روانی بر اساس تمام منابع اسلامی تدوین گردد و پرسش‌نامه و بسته آموزشی مدیریت تنگنای روانی بر اساس آیات قرآن کریم طراحی شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۰). سلامت و رنجوری روان از منظر قرآن کریم. *دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۱۳ (۴)، ۲.
- ابن فارس، احمد (بی‌تا). *معجم مقاییس اللغة*. بیروت: دار إحياء الكتب العربية مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا). *لسان العرب*. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (بی‌تا). *معانی الأخبار*. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن ملقن، عمر بن علی و مجذوف، سمیر طه (۱۴۰۸ق). *تفسیر غریب القرآن (ابن ملقن)*. ریاض: عالم الكتب.
- بابایی، پروین و بصیری، هادی (۱۳۹۱). عوامل مؤثر در ایجاد سلامت روانی از دیدگاه قرآن کریم. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۵۳ (۱۶)، ۷۰۹-۷۳۰.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (بی‌تا). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۶). روش فهم روان‌شناختی متون دینی (فرمد): بررسی تک متن. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ۶ (۰)، ۹۱-۶۷.
- پورمحمدی، سیده‌راضیه و سبحانی یامچی، محمد (۱۴۰۰). تأثیر واکنش‌های انفعالی قلب سلیم در سلامت روان از منظر قرآن کریم. *مطالعات قرآنی*، ۴۶ (۱۲)، ۳۵-۶۶.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (بی‌تا). *فقه اللغة*. بیروت: دار الكتب العلمیه.

- جهانگیری، نسیم؛ هاشمی، نیلوفر؛ جعفری، لیلا و عبداللہی سیاهکلده، فرنوش (۱۴۰۱). پیش‌بینی پریشانی روان‌شناختی و عملکرد شغلی پرستاران بر اساس خیال‌بافی ناسازگارانه و تنهایی اجتماعی در طول اپیدمی بیماری کووید ۱۹. مدیریت پرستاری، ۱۱(۴)، ۳۷-۴۷.
- حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۰). روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسکانی، عیبدالله بن عبدالله (بی‌تا). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت*. تهران: مجمع إحيای فرهنگ اسلامی، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (بی‌تا). *تفسیر نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی - نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، ۱(۲)، ۶۹-۹۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامیه، دار القلم.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد؛ غزالی، محمد بن محمد و فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- سالاری‌فرو، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سیدمهدی و دولتخواه، محمد (۱۳۹۳). *بهداشت روانی با تکرش به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هلالی، سلیم بن قیس (بی‌تا). *کتاب سلیم بن قیس الہلالی*. قم: دلیل ما.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۶). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صنعت‌نگار، سارا؛ بهرامی احسان، هادی؛ اخوت، احمدرضا و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۶). معناشناسی اختلال «اضطراب فراگیر» از دیدگاه قرآن کریم. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۲۰(۱۱)، ۸۹-۱۱۵.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *تفسیر جوامع الجامع*. قم: حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۹). *مجمع البحرین*. تهران: کتاب‌فروشی جاراللهی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عیدخدایی، محمدسمیع (۱۳۷۶). *بنیادهای بهداشت روانی در رهنمودهای قرآن کریم*. *مطالعات اسلامی*، ۳۷-۳۸(۱۳)، ۲۱۳-۲۳۴.
- عسکری، حسن بن عبدالله (بی‌تا). *الفروق فی اللغة*. (لجنة إحياء التراث العربی). بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
- عیاشی، محمد بن مسعود (بی‌تا). *تفسیر العیاشی*. بیروت: مکتبه العلمیة الاسلامیة.
- عیسی‌زاده، عیسی (۱۳۹۷). راهکارهای رفتاری برای دستیابی به آرامش از منظر قرآن. *قرآن و طب*، ۵(۴)، ۱۲-۶.
- فرجی، یوسف؛ یوسفی، جعفرصادق و حسین‌زاده، نارنج (۱۴۰۰). راههای افزایش آرامش در قرآن و سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن بر تربیت فرزندان. *مطالعات قرآنی*، ۴۶(۱۲)، ۴۲۹-۴۴۸.
- فیاض، فاطمه؛ بهرامی احسان، هادی و اخوت، احمدرضا (۱۳۹۴). ساخت مقدماتی مقیاس تشخیص افسردگی مبتنی بر سوره‌هایی از قرآن کریم. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۷(۹)، ۱۳۳-۱۶۰.
- فیاض، فاطمه؛ بهرامی احسان، هادی و اخوت، احمدرضا (۱۴۰۰). روش‌شناسی کشف معنای افسردگی از قرآن. *قرآن و طب*، ۱۴(۶)، ۴۲-۵۳.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). *القاموس المحيط*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب و مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (بی‌تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (بی‌تا الف). *الوافی*. قم: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (بی تا ب). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.
- قرشی بنابی، علی اکبر (بی تا). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (بی تا). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
- مؤسسه الطبع و النشر.
- کلانتری، ابراهیم؛ آرام، محمدرضا و چمن پیم، سکینه (۱۳۹۴). معنانشناسی سکینه در قرآن کریم. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳(۴۸)، ۲۶۹-۲۸۴.
- لگنهاوزن، محمد و نصیری، منصور (۱۳۸۰). علامه طباطبایی و الهیات فلسفی معاصر. نقد و نظر، ۲۷-۲۸(۷)، ۴۱۲-۴۲۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی و فتحعلی، محمود (۱۳۸۸). انسان‌سازی در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- معاضدی، کاظم و اسدی، عبدالله (۱۳۹۱). بررسی روش‌های حفظ سلامت روان از منظر قرآن کریم. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اردبیل، ۱۲(۱)، ۸۵-۹۶.
- موسوی، فاطمه و نجفی، محمدجواد (۱۳۹۴). شناخت درمانی افسردگی با تکیه بر آموزه‌های قانونمند قرآنی. علوم قرآن و حدیث، ۹۴(۴۷)، ۹۸-۷۹.
- نعمتی، سلمان؛ جان‌بزرگی، مسعود و صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۴۰۱). ساخت پرسش‌نامه عوامل آرامش‌زا - آرامش‌زدای خانواده بر اساس قرآن. تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۲۸(۸)، ۹۸-۶۹.
- واحدی، علی بن احمد؛ صیره، احمد محمد؛ معوض، علی محمد؛ عبدالموجود، عادل احمد؛ فرماوی، عبدالحی؛ جمل، احمد عبدالغنی و عویس، عبدالرحمن (۱۴۱۵ق). الوسیط فی تفسیر القرآن المجید. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- American Psychiatric Association (ed.). (2022). Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5-TR (Fifth edition, text revision). American Psychiatric Association Publishing.
- Beck, A. T. & Bredemeier, K. (2016). A unified model of depression: Integrating clinical, cognitive, biological, and evolutionary perspectives. *Clinical Psychological Science*, 4(4), 596-619.
- Bolger, N., DeLongis, A., Kessler, R. C. & Schilling, E. A. (1989). Effects of daily stress on negative mood. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(5), 808-818. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.57.5.808>
- Drapeau, A., Marchand, A. & Beaulieu-Prevost, D. (2012). Epidemiology of psychological distress. *Mental illnesses-understanding, prediction and control*, 69(2), 105-106.
- Erwin, P. (2014). *Attitudes and persuasion*. Psychology Press.
- Glaser, Barney G. & Strauss, Anselm L. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Chicago: Aldire.
- Hayes, S. C., Strosahl, K. D. & Wilson, K. G. (2011). *Acceptance and commitment therapy: The process and practice of mindful change*. Guilford press.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Joormann, J. & Gotlib, I. H. (2010). Emotion regulation in depression: Relation to cognitive inhibition. *Cognition and Emotion*, 24(2), 281-298.
- Kring, A. M. & Sloan, D. M. (Eds.). (2009). *Emotion regulation and psychopathology: A transdiagnostic approach to etiology and treatment*. Guilford Press.
- Lovibond, P. F. & Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behaviour research and therapy*, 33(3), 335-343.

- McKay, M., Davis, M. & Fanning, P. (2009). *Messages: The communication skills book*. New Harbinger Publications.
- Polit, Denise F. & Beck, Cheryl Tatano. (2006). The content validity index: Are you sure you know what's being reported? critique and recommendations. *Research in Nursing & Health*, 29(5), 489-497. <https://doi.org/10.1002/nur.20147>
- Ridner SH. Psychological distress: concept analysis. *J Adv Nurs*. 2004 Mar;45(5):536-45. doi: 10.1046/j.1365-2648.2003.02938.x. PMID: 15009358.
- Schopenhauer, Arthur (2004). *On the Suffering of the World*. Penguin Books.
- Shultz, Kenneth S; Whitney, David & Zickar, Michael J. (2013). *Measurement Theory in Action* (0th ed.). Routledge.
- Smith, R. E. & Sarason, I. G. (2010). Psychological vulnerability: Measurement and implications for predicting high stress conditions. *Journal of Clinical Psychology*, 66(7), 742-755.
- Southwick, S. M., Bonanno, G. A., Masten, A. S., Panter-Brick, C. & Yehuda, R. (2014). Resilience definitions, theory, and challenges: interdisciplinary perspectives. *European journal of psychotraumatology*, 5(1), 25338.
- Spada, M. M., Mohiyeddini, C. & Wells, A. (2008). Measuring metacognitions associated with emotional distress: Factor structure and predictive validity of the metacognitions questionnaire 30. *Personality and Individual differences*, 45(3), 238-242.

اسلام و پژوهش های روان‌شناختی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (ص ۲۲۱-۲۴۴)

ابعاد و عوامل انتقال بین‌نسلی مذهب

Dimensions and Factors of Intergenerational Transmission of Religion

کهر زهرا عزیزاللهی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

مسعود جان‌بزرگی / استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

✉ Zahra Azizollahi / PhD Candidate in Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran.

azizollahi@riho.ac.ir

Masoud Janbozorgi / Professor, Department of Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran.

janbo@rihu.ac.ir

Abstract

Intergenerational transmission of religion in the family is one aspect of intergenerational transmission that, despite its fundamental importance in preserving family identity and cohesion, faces a theoretical gap in the research literature. The present study aimed to develop a comprehensive model of the dimensions and factors affecting intergenerational transmission of religion using a qualitative meta-synthesis method. The study population included all relevant articles (80 selected works), which were examined using open coding and systematic content analysis. The findings indicate that the process of religious transmission can be conceptualized in three major thematic clusters: first, measurement criteria, including participation, beliefs, and religious perceptions; second, influencing factors, including governmental, family, individual, environmental, socialization and participation in congregational activities, and gender; and third, harmful or weakening factors at the family and

چکیده

انتقال دین بین‌نسلی در خانواده یکی از جنبه‌های انتقال بین‌نسلی است که علی‌رغم اهمیت بنیادین در حفظ هویت و انسجام خانواده، با چالش خلأ نظری در ادبیات پژوهشی مواجه است. پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی جامع از ابعاد و عوامل مؤثر بر انتقال بین‌نسلی مذهب، با بهره‌گیری از روش کیفی فراترکیب انجام شده است. جامعه پژوهش شامل تمامی مقالات مرتبط (۸۰ اثر منتخب) است که با استفاده از تکنیک کدگذاری باز و تحلیل محتوای نظام‌مند مورد واکاوی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرآیند انتقال مذهب در سه خوشه مفهومی کلان صورت‌بندی می‌شود: نخست، معیارهای سنجش شامل مشارکت، اعتقادات و تصورات مذهبی؛ دوم، عوامل مؤثر شامل عوامل حکومتی، خانوادگی، فردی، محیطی، اجتماعی شدن و شرکت در جماعت، جنسیت؛ و سوم، عوامل آسیب‌زا یا تضعیف‌کننده در سطوح خانوادگی و محیطی. نتایج این فراترکیب مؤید آن است که

environmental levels. The results of this meta-synthesis confirm that the formation of spiritual-religious structures across generations is strongly influenced by the interaction of psychological components within the family's educational context. These findings, while explaining the complexity of the process of religious transmission, provide a theoretical framework for family-centered interventions and broader religious policymaking.

Key words: generation, intergenerational transmission, religion, factors.

تکوین ساختارهای معنوی - مذهبی در نسل‌ها، به شدت تحت تأثیر تعامل مؤلفه‌های روان‌شناختی در بستر تربیتی خانواده است. این یافته‌ها ضمن تبیین پیچیدگی فرآیند انتقال مذهب، چارچوبی نظری برای مداخلات خانواده‌محور و سیاست‌گذاری‌های کلان مذهبی فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: نسل، انتقال بین‌نسلی، مذهب، عوامل.

مقدمه

در چارچوب بحث‌های گسترده در مورد آینده دین، انتقال دین بین‌نسلی در خانواده یکی از جنبه‌هایی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، خانواده جایی است که جامعه‌پذیری مذهبی و انتقال باورها و اعمال به همدیگر و نسل‌ها انجام می‌شود که به‌طور مستقیم به تداوم ادیان، جوامع و سنت‌ها کمک می‌کند (ورمیر،^۱ ۲۰۱۴، ص ۴۰۲).

نسل به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند (ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹). به فاصله میان والدین با فرزندان نیز نسل گفته می‌شود که شامل پدربزرگان، مادربزرگان، پدران، مادران و فرزندان می‌گردد (بالس^۲ و پاینده، ۱۳۸۰، ص ۶). همچنین بنابر تعریف بیکر، نسل به معنی توالی جمعیت، با توجه به لایه‌های سنی و گروهی از افراد است که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده‌اند (بیکر،^۳ ۱۹۹۸، ص ۱۳). توالی جمعیت، با خود توالی ارزش‌ها و فرهنگ آن جامعه را به دنبال می‌آورد و به نسل بعد منتقل می‌سازد (پلومین،^۴ ۲۰۱۳، ص ۶۵).

انتقالات بین‌نسلی جزئی جدانشدنی از روابط و پیوندهای بین‌نسلی بوده و عبارت است از مبادله انواع گوناگونی از منابع شامل حمایت‌های مالی، عاطفی و عملی و به اشتراک گذاشتن دانش و مهارت‌ها میان نسل‌های مختلف در خانواده (مزون،^۵ ۲۰۰۶، ص ۵۲).

1. Vermeer
2. Bals
3. Baker
4. Plomin
5. Mason

یک بعد از مطالعات بین‌نسلی، مطالعهٔ مذهب در بین نسل‌هاست. تأثیر مذهب تقریباً در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی نفوذ دارد، از جمله الگوهای جمعیتی ازدواج و باروری، آموزش و پیشرفت‌های شغلی (کینگ،^۱ ۱۹۹۹، ص ۱۷؛ مایرز،^۲ ۱۹۹۶، ص ۸۵۸).

یک نشانه از سنت‌های مذهبی توانایی آنها در ارتباط دادن گذشته با حال و پرورش پیوستگی بین تجربیات گذشته و رویدادهای آینده است (هرویو،^۳ ۲۰۰۰، ص ۲۱؛ مولر،^۴ ۲۰۰۳، ص ۷۵). برخی قائل‌اند بهترین پیش‌بینی‌کنندهٔ مشارکت مذهبی افراد نحوهٔ تربیت آنهاست (وواس،^۵ ۲۰۱۲، ص ۳۷۷). تحقیقات نشان می‌دهد که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های معاصر نقش فزاینده‌ای در زندگی نوه‌های خود ایفا می‌کنند. این امر احتمال تأثیرگذاری آنها بر ارزش‌ها و باورهای نوه‌هایشان را افزایش می‌دهد (بنگتسون،^۶ ۲۰۰۹، ص ۳۲۵؛ بوسی،^۷ ۲۰۲۲، ص ۲۹۳).

با این حال، اطلاعات نسبتاً کمی در مورد نحوهٔ انتقال ارزش‌ها و شیوه‌های مذهبی از نسلی به نسل دیگر وجود دارد (مایرز، ۱۹۹۶، ص ۸۵۹). سه نظریه در مورد تربیت اجتماعی برای توضیح انتقال ارزش‌ها بین والدین و فرزندان ارائه شده است که هرکدام برای درک مکانیزم‌های انتقال دین‌داری کاربرد دارند. نظریهٔ اول، ارضیهٔ وضعیت است؛ والدین فرزندان خود را در زمینه‌ای از ثروت و تحصیلات خانوادگی قرار می‌دهند که با گذشت زمان، شباهت‌های والد و فرزند را در طیف گسترده‌ای از جهت‌گیری‌های ارزشی و رفتارها تسهیل می‌کند؛ نظریهٔ دوم به یادگیری اجتماعی و الگوبرداری از نقش‌ها مربوط می‌شود؛ نظریهٔ سوم، تأثیر تعدیل‌کنندهٔ محبت و تأیید والدین را دربر می‌گیرد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۲۶).

در هر حال، مجموعه ادبیات پژوهشی موجود، رابطهٔ بین باورها و اعمال مذهبی والدین و فرزندان بزرگ‌سال آنها را تأیید می‌کند که اغلب به‌عنوان انتقال بین‌نسلی مذهبی شناخته می‌شود (جسی،^۸ ۲۰۲۱، ص ۳۳۲). پرسش اصلی پژوهش‌های مرتبط این است که آیا والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها بر جهت‌گیری‌های مذهبی، باورها و رفتارهای مذهبی نسل‌های جوان‌تر تأثیر می‌گذارند؟ آیا تأثیرات

-
1. King
 2. Myers
 3. Hervieu
 4. Voas
 5. Bengtson
 6. Bossi
 7. Jesse

اعمال شده در پیشینه اجتماعی فرد از طریق مکانیسم‌های خانوادگی تأثیر خود را در وضعیت فعلی فرد ادامه می‌دهد؟ (پلوچ،^۱ ۱۹۹۸، ص ۳۰۴). اگر چنین است، کدام عوامل این نوع قدرت تأثیرگذاری را دارند؟ (جمار،^۲ ۲۰۲۳، ص ۱۳).

اما پراکندگی در این پژوهش‌ها از جهت ارائه الگوی جامع از ابعاد و عوامل دخیل در این زمینه مشاهده می‌شود. با اتکا بر ادبیات موجود می‌توان به صراحت ادعا کرد که با شناسایی ابعاد دخیل در انتقال بین‌نسلی مذهب در چارچوب فراترکیب می‌توان در مسیر تازه‌ای از پژوهش‌های جامع و از جمله پژوهش در بستر مذهبی و دینی گام برداشت. بروز و کاربردی بودن موضوع، فقدان هرگونه پژوهش با مدل فراترکیب، نیاز به انعکاس ابعاد جامع موضوع و از جمله جایگاه خاص مؤلفه‌های روان‌شناختی و زمینه‌سازی برای تحقیقات بومی، مذهبی و مبتنی بر منابع اسلامی می‌تواند اهمیت و ضرورت این پژوهش را منعکس نماید.

با داده‌های طولی می‌توان مذهبی بودن را در زمینه‌های اصلی گذاره‌های زندگی مانند ازدواج، طلاق، فرزندآوری، بازنشستگی و پیری مورد بررسی قرار داد. مذهبی بودن می‌تواند به عنوان تاریخچه یا مسیر فردی در طول زندگی که توسط اعضای خانواده تأثیر می‌پذیرد، کاوش شود. برخی جامعه‌شناسان پنداشته‌اند که خانواده تأثیر اخلاقی و مذهبی خود را از دست داده است که این نتیجه طلاق والدین (پوپنو،^۳ ۱۹۹۳، ص ۵۲۸) و به طور کلی، «فردگرایی مهربان‌شدنی» است که اکنون در برخی جوامع فراگیر شده است (بلا،^۴ ۱۹۸۵، ص ۶۴). دیگر نظریه‌پردازان اظهار داشته‌اند که کم‌ارزش شدن مذهب در خانواده‌های معاصر نیروی اصلی در ضعیف کردن روابط بین والدین و فرزندان بوده که منجر به معضلات اجتماعی می‌شود (دبسون،^۵ ۱۹۹۰، ص ۱۱۶). چنین دستاوردهای دو سویه‌ای از تعامل و هم‌افزایی متقابل مذهب و کارکردهای خانواده حکایت می‌کند (شاه‌محمدی و ابراهیمی تازه‌کند، ۱۳۹۶).

در زمینه چگونگی انتقال صفات بین‌نسلی، از جمله مذهبیت، نظریات قابل تأملی در دو حوزه علم و دین ابراز شده است. برخی از محققان، بسیاری از خصوصیات و صفات انسان را ژنتیکی دانسته و معتقدند در الگوی توارث، رفتارهای اجتماعی و اخلاقی انسان با منشأ ژنتیکی از نسلی به نسل دیگر

1. Ploch
2. Gemar
3. Popenoe
4. Bellah
5. Dobson

منتقل می‌شود (پلومین، ۲۰۱۳، ص ۶۵). اکرمی در مطالعه خود نتیجه می‌گیرد علاوه بر نقش هم‌زمان تعداد زیادی ژن با هم در ایجاد این صفات، محیط نیز در اثرگذاری بر این صفات ایفای نقش می‌کند (اکرمی، ۲۰۱۲، ص ۱۸۱). این نظر در مطالعات دیگری نیز (محمدی لایینی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۳؛ هاشمی و نوروزی، ۲۰۱۱، ص ۹۵) تأیید شده است.

تغییرات مذهبی اغلب با گسست‌هایی در زندگی روزمره همراه است؛ وضعیت موجود، شرایط بحرانی، سوگواری‌ها، دوره‌های دشواری خاص، ناامیدی شدید، احساسات مثبت و منفی نسبت به افراد معنادار، به‌ویژه والدین؛ همچنین سایر بستگان، دوستان یا رهبران مذهبی. تغییرات بین نسل‌ها نیز، از طریق تغییرات تاریخی در عادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی، یا در همان نسل، مانند مهاجرت می‌تواند رخ دهد. در همه این موقعیت‌ها، گسستی در انسجام درونی و بیرونی به نظر می‌رسد بر بعد معنوی فرد و رابطه او با دین تأثیر بگذارد (بوسی، ۲۰۲۲، ص ۲۹۳؛ مقتدائی، ۱۳۹۷، ص ۹۳).

نحوه انتقال باورها و رویه‌های دینی در خانواده‌ها می‌تواند به تنظیمات مختلفی بسته به جنسیت و وضعیت تأهل شکل بگیرد. این انتقال همچنین مستقیماً از طریق اجتماعی‌سازی، آموزش، مدل‌سازی، شرطی‌سازی کلاسیک و عامل یا به‌طور غیرمستقیم از طریق وراثت وضعیت اتفاق بیفتد. شواهد واضحی وجود دارد که ارزش‌ها در طول نسل‌ها تداوم می‌یابند، حتی زمانی که تفاوت‌های گروهی ناشی از تغییر تاریخی در ارزش‌ها را در نظر بگیریم (بنگستون، ۲۰۰۹، ص ۳۲۷).

جنسیت والدین، متغیرهای جمعیت‌شناختی، وضعیت اجتماعی - اقتصادی والدین، سطح تحصیلات والدین، ملیت و متغیرهای رشدی کودک از دیگر عواملی است که باید در بررسی‌های طولی کنترل شود. مدرسه، دوستی‌ها و سایر شبکه‌های اجتماعی نامزدهای محتمل به نظر می‌رسند (کلی، ۱۹۹۷^۱، ص ۶۳۹).

در میان مطالعات در زمینه انتقال بین‌نسلی مذهب، طولانی‌ترین پژوهش مربوط به بنگستون (۲۰۰۹) می‌باشد که یک تحقیق بر اساس مطالعه طولی نسل‌ها (LSOG) با استفاده از روش‌های رگرسیون OLS و همبستگی جزئی در دانشگاه جنوبی کالیفرنیا انجام داد. یک بررسی پانلی ۳۵ ساله شامل بیش از ۳۰۰۰ فرد از ۳۵۰ خانواده چندنسلی که در سال ۱۹۷۱ شروع شد و اعضای خانواده - پدربزرگ‌ها، والدین و فرزندان نوجوان یا جوان آنها در فواصل منظم در مورد درکشان از روابط خانوادگی به همراه ارزش‌ها، نگرش‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی، سلامت جسمی و روانی، زندگی کاری و اهداف شخصی‌شان مورد پرسش قرار گرفته‌اند. او دریافت که باورهای دینی قوی‌ترین تأثیر انتقالی را

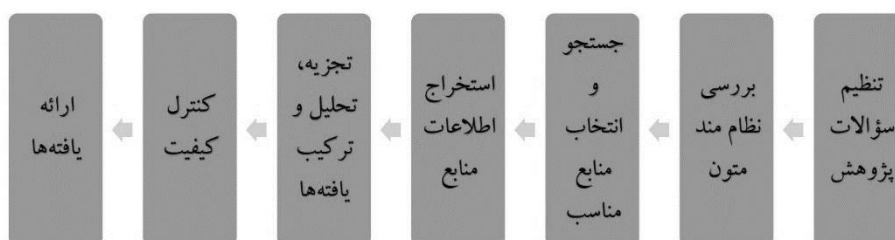
در طول دوره ۳۰ ساله نشان می‌دهند و درعین‌حال بر ضعف کمی پژوهش در این موضوع تأکید کرد. تحقیقات متعدد دیگری نیز وجود رابطه معنادار را به شکل‌های مختلف اثبات نموده است (سفیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲) و از پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی برای انتقال همچون خانواده سخن گفته (جسی، ۲۰۲۱، ص ۳۳۲) و گاه نقش مادر را در این میان ویژه دانسته است (میرشکار، ۱۳۹۳). با توجه به روش و رویکرد پژوهش حاضر، تبیین و توضیح بیشتر و جامع پیرامون مطالعات مختلف، ذیل بخش یافته‌ها ارائه خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد کیفی و به‌طور مشخص رویکرد فراترکیب است. فراترکیب برای یکپارچه‌سازی چندین مطالعه جهت ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری صورت می‌پذیرد (نای، ۲۰۱۶^۱، ص ۵۷).

نقطه قوت روش فراترکیب در توانایی آن نسبت به شناسایی مقوله‌های مشترک و ایجاد یک چهارچوب مفهومی از دل پیشینه است. به اعتقاد زیمر فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج‌شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند؛ درنتیجه نمونه مورد نظر برای فراترکیب از مطالعات کیفی منتخب و بر اساس ارتباط آنها با پرسش پژوهش ساخته می‌شود (زیمر، ۲۰۰۶^۲، ص ۳۱۱).

در راستای روش‌شناسی پژوهش از روش هفت مرحله سندولسکی و بارسو^۳ (۲۰۰۶) استفاده شده است. خلاصه‌ای از این مراحل در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱: گام‌های فراترکیب (سندولسکی و بارسو، ۲۰۰۲)

1. Nye
2. Zimmer
3. Sandelowski, M. & Barroso, J.

گام اول: تنظیم پرسش‌های پژوهش

پارامترهای پژوهش شامل چه چیز، چه جامعه‌ای، محدودیت زمانی و چگونگی روش است که بر این اساس سؤال اصلی پژوهش شکل گرفت: ابعاد و عوامل مؤثر بر انتقال بین‌نسلی مذهب کدام است؟

گام دوم: بررسی نظام‌مند متون

جامعه آماری پژوهش را کلیه اسناد علمی، گزارش‌های پژوهشی، پایگاه‌های داده، مجلات داخلی و خارجی در خصوص انتقال بین‌نسلی مذهب تشکیل دادند. کلیدواژه اصلی انتقال بین‌نسلی مذهب و کلمات مترادف آن برای جست‌وجوی مقاله‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. نتیجه جست‌وجو شامل ۱۴۶ مقاله، کتاب و گزارش‌های نهادهای مرتبط با این حوزه بود که در نهایت از میان آن تعداد، ۱۷ منبع داخلی و ۶۳ منبع خارجی برای بهره‌برداری در پژوهش شناسایی و انتخاب گردید.

گام سوم: جست‌وجو و انتخاب مقاله‌های مناسب

برای انتخاب مقاله‌های مناسب بر اساس پارامترهای مختلفی از قبیل عنوان، چکیده، محتوا، دسترسی و کیفیت روش پژوهش ارزیابی شده است.

گام چهارم: استخراج اطلاعات مقالات

اطلاعات مقاله‌ها بر اساس مرجع مربوط به هر مقاله شامل نام و نام‌خانوادگی نویسنده به همراه سال انتشار مقاله و اجزای هماهنگی بیان‌شده در هر مقاله طبقه‌بندی شد.

گام پنجم: تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی

در این پژوهش بر اساس مطالعات پیشین برای تمام اطلاعات استخراج‌شده کدی در نظر گرفته شد؛ سپس با در نظر گرفتن مفهوم هریک از کدها در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی شد. بر این اساس مفاهیم پژوهش دسته‌بندی شدند. بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته و تحلیل محتوای مقالات، ۳۹ مقاله نهایی انتخاب شد و در مجموع ۳ مقوله، ۱۱ مفهوم و ۶۵ کد برای انتقال بین‌نسلی مذهب کشف و برچسب‌گذاری شد. یافته‌ها در این مرحله نشان داد که در مطالعات گذشته و پیشین تا کنون چنین مطالعه نظام‌مندی انجام نشده و هریک از مطالعات پیشین به جنبه خاصی از انتقال بین‌نسلی مذهب توجه داشتند.

جدول ۱: مقوله‌ها، مفاهیم و کدهای انتقال بین‌نسلی مذهب

مقوله	مفهوم	کد	منابع
معیار سنجش	مشارکت مذهبی	حضور در مراسم مذهبی	(اینگرید، ۲۰۱۲؛ بنگسون، ۲۰۰۹؛ سفیری، کمالی و مصلح، ۱۳۹۳)
	اعتقادات مذهبی	نوع مذهب و ایدئولوژی مذهبی مذهبی بودن خود تعریف شده قدرت وابستگی به هویت مذهبی تغییر در اعتقاد به خدا در طول زندگی	(جسی، ۲۰۲۱؛ بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (جمار، ۲۰۲۳؛ سفیری، کمالی و مصلح، ۱۳۹۳) (جمار، ۲۰۲۳)
	تصورات مذهبی	رتبه اهمیت ایمان در میان ابعاد مهم مفهوم خدا	(جسی، ۲۰۲۱) (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴)
عوامل مؤثر	حکومتی - دولتی - قومیتی	تغییر قدرت دامنه نهادهای مذهبی - رسمی محیط اقتصادی - اجتماعی - سیاسی تحولات جمعیت‌شناختی و ساختارهای خانوادگی تغییرات اجتماعی - فناوری سریع هنجارهای تجویزی قوی - مرزهای فرهنگی بالا نژاد - قومیت عضویت در گروه‌های ملی	(چاوز، ۱۹۹۱) (چاوز، ۱۹۹۱) (اینگلهارت، ۱۹۸۸) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (آرمت، ۲۰۰۹) (وایدیانادن، ۲۰۱۱) (چاوز، ۲۰۱۱)
	خانوادگی	سلامت روان والدین زندگی کاری والدین تحصیلات والدین وضعیت تأهل والدین زندگی با فرزندان پیوندهای عاطفی با فرزندان و درجه آن کیفیت رابطه والدین با یکدیگر وضعیت ایمان‌های مختلط در خانواده حضور مستمر پدربزرگ و مادربزرگ شرایط‌سازی محیط تربیتی سبک فرزندپروری مقتدر قدرت و ثبات رفتار والدین توافق بین والدین و سازگاری باورها و رفتارها انگیزه مذهبی درونی والدین وراثت	(بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (Vern L, Bengtson, 2009): زارع شاه‌آبادی، اسدنژاد و تیموری، ۱۳۹۹؛ نوربخش و اویسی فردونی، ۱۳۹۵؛ هادیان، غروی‌راد و آذربایجانی، (۱۳۹۳) (Myers, Scott M, 1996): اکوک و بنگسون، ۱۹۸۰؛ دادلی، ۲۰۰۰؛ نوربخش و فردویی، (۱۳۹۵؛ جنینگ، ۲۰۰۹) (هاردی، ۲۰۲۲) (جوهونگ، ۲۰۱۲؛ اکرمی، ۲۰۱۲؛ محمدی لایینی، دارابی‌نیا و هاشمی سوتنه، ۱۳۹۹)

مقوله	مفهوم	کد	منابع
	اجتماعی شدن و شرکت در جماعت	همراهی هر دو والد در مراسمات مذهبی مشارکت فعال آموزش شرکت در محیط‌های فرهنگی شرکت در فعالیت‌های مذهبی جمعی تشویق فرزندان به شرکت عبادت با خانواده خارج از اوقات خاص عبادت گفت‌وگو پیرامون امور مذهبی پیام‌رسانی صریح والدین الگوسازی تأکید بر زمان شرطی‌سازی	(وواس و استورم، ۲۰۱۲؛ Francis, 1991؛ Jennings, M, 2009) (جنینگ، ۲۰۰۹؛ فلور، ۲۰۰۱؛ افلاکی فرد و اصیل‌زاده، ۱۴۰۲) (جنینگ، ۲۰۰۹) (لاناکن، ۱۹۹۴) (جسی، ۲۰۲۱) (جسی، ۲۰۲۱) (جسی، ۲۰۲۱) (جسی، ۲۰۲۱) (وسنو، ۱۹۹۶؛ قریشی‌نژاد، ۱۴۰۲) (وسنو، ۱۹۹۶) (پاتریکا، ۲۰۱۶) (جوهونگ، ۲۰۱۲)
	جنسیت	قوت خطوط مادری (مادران و مادربرزرها) هویت مذهبی پدر مشارکت مذهبی مادر	(سولین، ۲۰۰۶؛ والتر، ۱۹۹۸؛ فرانسیس، ۱۹۹۱)؛ بنگسون، ۲۰۰۹؛ میرشکار، ۱۳۹۳) (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹) (جمار، ۲۰۲۳) (جمار، ۲۰۲۳)
	فردی	سن متغیرهای رشدی زبان ارتباطات کودک نظریه ذهن (TOM)	(جمار، ۲۰۲۳؛ بنگسون، ۲۰۰۹؛ مبارک، حضرتی و ساروخانی، ۱۳۹۷) (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴) (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴) (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴)
	محیطی	گروه‌های همسال خواهر و برادر رسانه مدرسه تحصیلی گروه‌های محلی	(اینگراید، ۲۰۱۲) (اینگراید، ۲۰۱۲) (اینگراید، ۲۰۱۲) (اینگراید، ۲۰۱۲) (اینگراید، ۲۰۱۲)
عوامل تضعیف‌کننده	خانوادگی	طلاق والدین تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای روابط سرد و سطوح بالای اجبار نسل اول افسردگی مادر پرخاشگری کلامی	(پینو، ۱۹۹۳) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بوسی، ۲۰۲۲) (گیور، ۲۰۰۵) (ولمن، ۲۰۰۸)
	محیطی	فردگرایی کم‌ارزش شدن مذهب افزایش سکولاریزم افزایش تحرک اجتماعی مهاجرت تفاوت عادات و ارزش‌ها و جهان‌بینی دو یا سه نسل	(یلا، ۱۹۸۵) (دبسون، ۱۹۹۰) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بوسی، ۲۰۲۲) (بوسی، ۲۰۲۲؛ مقتدائی، ۱۳۹۷)

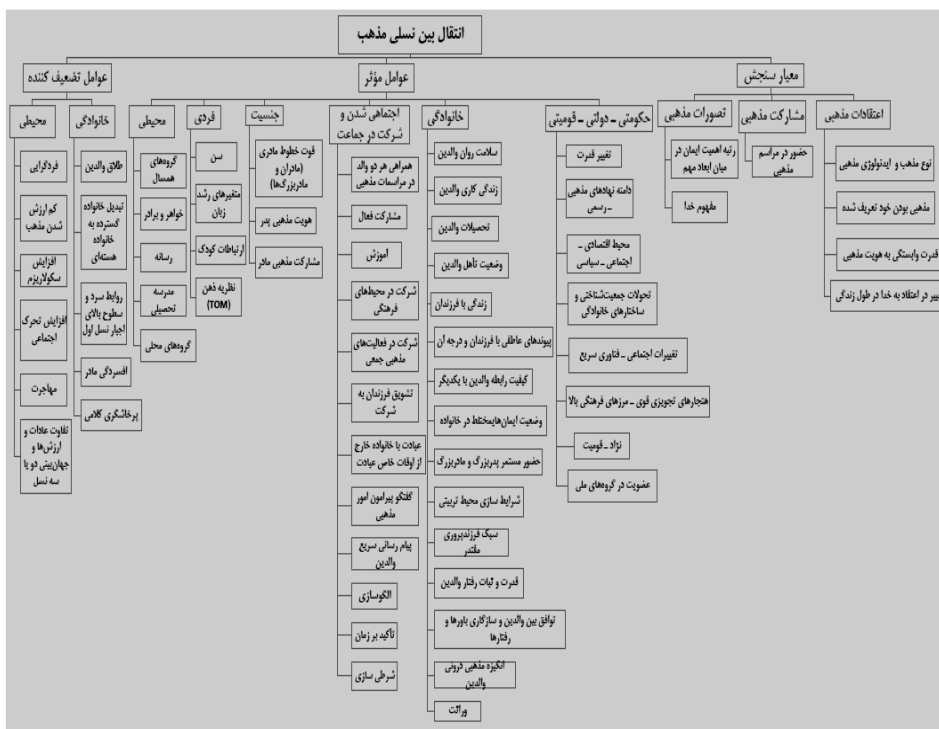
گام ششم: حفظ کنترل کیفیت

محقق برای کنترل مفاهیم استخراجی خود از مقایسه نظرات خود با یک خبره دیگر استفاده نموده است و نتایج را با استفاده از شاخص کاپا مورد سنجش قرار داده است. شاخص کاپا زمانی که دو رتبه‌دهنده پاسخ‌گویان را رتبه‌بندی می‌کنند و قصد سنجش میزان توافق این دو رتبه‌دهنده را داریم استفاده می‌شود و هرچه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد نشان می‌دهد که توافق بین رتبه‌دهندگان وجود دارد. ضریب کاپای محاسبه‌شده توسط نرم‌افزار SPSS مقدار $0/811$ بود که از مقدار قابل قبول آن $0/6$ (جنسن و آلن، ۱۹۹۶) بالاتر بود.

بنابراین فرض استخراج کدهای استخراجی رد می‌شود و استخراج کدها از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۲: معیار سنجش و عوامل انتقال بین‌نسلی مذهب



بر اساس جدول فوق، سه مقوله کلی شامل معیار سنجش، عوامل مؤثر و عوامل تضعیف‌کننده انتقال بین‌نسلی مذهب در زمره یافته‌ها قرار می‌گیرد.

معیار سنجش

از ابعاد سنجش مذهبیّت، مذهبی بودن تعریف‌شده توسط خود فرد و موافقت با باورهای مذهبی حافظ سنت‌ها و ارزش‌های پیشین، به همراه وابستگی مذهبی می‌تواند باشد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۴۰). حضور در مراسم مذهبی نیز معیار خوبی برای تعهد دینی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا برخلاف ادعای هویت دینی یا اظهار عقاید، به زمان و تلاش نیاز دارد (اینگرید، ۲۰۱۲^۱، ص ۱۳۱).

ترجیح مذهبی (یعنی هویت)، قدرت وابستگی به آن هویت مذهبی، دین‌داری خود رتبه‌بندی‌شده، و تغییر در اعتقاد پاسخ‌دهنده به خدا در طول زندگی خود معیارهای مناسبی برای ارزیابی انتقال بین‌نسلی مذهب هستند (جمار، ۲۰۲۳، ص ۱۴). مفهوم خدا نیز در سنجش دخیل است (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴^۲، ص ۲۳۸). مفهوم خدای بی‌حدوخصر با نگرستن خداوند به‌عنوان یک نیروی شخصی، عرفانی و کیهانی، تعهد دینی و ارتباط با خدا رابطه مثبت دارد (جانسون و هوک، ۲۰۱۹^۳، ص ۳۳۹).

یکی از راه‌های بررسی انتقال مذهب، این است که در نظر بگیریم که کدام نوع دین منتقل می‌شود و در کدام زمینه؛ همچنین انواع متغیرهای مداخله‌گر احتمالی که ممکن است تفاوت در پیامدهای مذهبی کودکان را توسط ایدئولوژی مذهبی والدین توضیح دهد باید مورد توجه قرار گیرد (وایدیانان، ۲۰۱۱^۴، ص ۳۶۶).

جاکوب و کالتر^۵ (۲۰۱۳، ص ۳۸) دریافتند که دین‌داری در میان خانواده‌های مهاجر مسلمان بسیار پایدار است یا حتی در بین نسل‌ها افزایش می‌یابد؛ درحالی‌که برای خانواده‌های مهاجر مسیحی، دین‌داری بین‌نسلی رو به کاهش است که این نشان می‌دهد تأثیر اسلام در انتقال در یک بستر مشترک قوی‌تر است و حتی یک عامل منفی مانند مهاجرت نمی‌تواند آن را خنثی کند.

ماهونی^۶ و همکاران (۲۰۰۳، ص ۳۶) دریافتند که افرای که رویکرد سنتی و حفظ نمودن ارزش‌های پیشین را دارند در تربیت فرزندان خود گرمای والدینی بالا، پرخاشگری کلامی کم و سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه (نوربخش و فردویی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۳) از خود نشان می‌دهند، و این الگو با باورهای الهیاتی بهتر توضیح داده می‌شود. ولمن^۷ (۲۰۰۸، ص ۲۴۶) توجه شدیدی را در میان صاحبان

1. Ingrid

2. Zammit & Taylor

3. Johnson & Hook

4. Vaidyanathan

5. Jacob & Kalter

6. Mahoney

7. Wellman

این ایدئولوژی بر پرورش «زندگی خانوادگی قوی و کاربردی» ادعا می‌کند. در میان این والدین، تعهد مذهبی و اعتقادات، تعهدات اخلاقی هنجاری هستند که مستقیماً به نگرانی‌های نهایی نجات یا عقاب ابدی مربوط می‌شوند (ولمن، ۲۰۰۸، ص ۲۴۷؛ بگتسون، ۲۰۱۷، ص ۱۸۷) که در اعمال مذهبی خانوادگی و نیز پیام‌رسانی صریح والدین آشکار می‌شود (وتناو،^۱ ۱۹۹۶، ص ۳۰۳) و منجر به حضور بیشتر در شبکه‌های اجتماعی مذهبی می‌شود (اسمیت،^۲ ۱۹۹۸، ص ۱۱۴). بنابراین یافته اولیه این است که انتقال مذهبی در میان فرزندان افرادی که حافظ سنت‌های پیشین هستند قوی‌تر از هر گروه دیگری است؛ درحالی‌که گروه‌های دیگر تفاوت قابل توجهی با یکدیگر ندارند (جسی، ۲۰۲۱، ص ۳۳۷).

از یافته‌های دیگر این است که خانواده‌هایی از فرقه‌هایی که نسبتاً سخت‌گیر هستند، سطح متوسط بالایی از حضور در عبادت دارند و تمایل دارند فرزندان مذهبی بیشتری تولید کنند (آرمت، ۲۰۰۹، ص ۲۷۷).

دو فرضیه افزودنی و تعاملی در مورد تأثیر ایدئولوژی مذهبی والدین بر انتقال دینی بین نسلی وجود دارد. فرضیه افزایشی این است که ایدئولوژی مذهبی والدین پیش‌بینی‌کننده مستقل پیامدهای مذهبی کودکان است؛ بنابراین با ثابت نگه داشتن سایر عوامل کلیدی، فرزندان والدینی که از نظر مذهبی محافظه‌کارتر هستند، مذهبی‌تر از فرزندان والدین لیبرال‌تر خواهند بود. فرضیه تعاملی این است که رابطه بین دین‌داری والدین و فرزند زمانی قوی‌تر خواهد بود که والدین از نظر مذهبی محافظه‌کارتر باشند که نشان‌دهنده تفاوت در قدرت انتقال دینی است (جسی، ۲۰۲۱، ص ۲۹۹).

عوامل مؤثر

عوامل حکومتی، خانوادگی، فردی، محیطی، اجتماعی شدن و شرکت در جماعت و جنسیت کدهایی هستند که ذیل عوامل مؤثر در انتقال بین‌نسلی مذهب شمارش شدند.

حکومتی - دولتی - قومیتی

تأثیرات مذهبی بر نسل‌ها در زمینه تغییر قدرت و دامنه نهادهای مذهبی رسمی (چاوز،^۳ ۱۹۹۱، ص ۵۰۱)؛ همچنین تحولات جمعیت‌شناختی در رفتارها و ساختارهای خانوادگی و متأثر از آنها اتفاق می‌افتند، و این فرایندها به دنبال تغییرات اجتماعی و فناوری سریع اخیر تغییر کرده‌اند (بگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۱۲).

1. Wuthnow

2. Smith

3. Chaves

تفاوت ارزش‌های نسلی همچنین بیشتر به علت محیط اقتصادی - اجتماعی است و در صورت تغییر این محیط‌ها، اولویت‌های ارزشی نسل جوان، متفاوت با نگرش‌های نسل پیش از خود خواهد بود (اینگلهارت،^۱ ۱۹۸۸، ص ۷۷).

نحوه انتقال باورها و رویه‌های دینی در خانواده‌ها همچنین می‌تواند به تنظیمات مختلفی بسته به نژاد و قومیت متفاوت باشد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۱۳). تداوم دینی به‌ویژه در میان گروه‌هایی با هنجارهای تجویزی قوی و مرزهای فرهنگی بالا بیشتر مشاهده می‌شود (آرمت، ۲۰۰۹، ص ۲۷۹؛ اسمیت، ۲۰۰۹، ص ۲۰۰). انتقال در میان گروه‌هایی با جنبه «شبه قومی» که در آن مذهب ممکن است به اشکال دیگر هویت گره خورده باشد و در حوزه‌های متعددی دارای اهمیت باشد، به شدت رخ می‌دهد (وایدیانان، ۲۰۱۱، ص ۳۶۸). در مقابل، فرقه‌هایی با تنش کمتر با جامعه بزرگ‌تر و سطوح مشارکت پایین‌تر، در طول زمان شاهد کاهش مذهبی بیشتری هستند (لاناکن،^۲ ۱۹۹۴، ص ۱۱۸۴). هوگ^۳ و همکاران (۱۹۸۲، ص ۵۸۰) اشاره می‌کنند که جامعه‌پذیری دینی در درون فرقه و تحت گروه‌های ملی نیز صورت می‌گیرد، و باید انتظار داشت که نرخ‌های انتقال بین‌نسلی متفاوت باشد (چاوز،^۴ ۲۰۱۱، ص ۹۲).

خانوادگی

ادبیات بین‌المللی، الگوها، کمیت و کیفیت روابط خانوادگی را عاملی مرتبط در موفقیت یا شکست انتقال دین و ارزش‌ها از والدین به فرزندان (دلاهی،^۵ ۲۰۱۶، ص ۷۶؛ پیرس،^۶ ۱۹۹۸، ص ۸۱۰) از پدربزرگ و مادربزرگ تا نوه‌ها (وواس، ۲۰۱۲، ص ۳۸۰) می‌داند.

تحقیقات نشان می‌دهد که درجه همبستگی عاطفی بین والدین و فرزندان شاید قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده پیوستگی دینی در نسل‌ها باشد. تنوع زیادی در نحوه شرایطسازی محیط تربیتی خانه برای انتقال دین‌داری، به‌ویژه وضعیت کیفی رابطه والدین وجود دارد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۸۱). قدرت این انتقال با توجه به عوامل خانوادگی، مانند نزدیکی والدین به فرزند، ساختار خانواده و وضعیت تأهل والدین متفاوت است (مایرز، ۱۹۹۶، ص ۸۶۰). همچنان‌که وضعیت ایمان‌های مختلط در خانواده‌ها، انتقال دین‌داری به نسل‌های جوان‌تر را به شدت پیچیده می‌کند (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۸۰)، وضعیت

1. Inglehart
2. Iannaccone
3. Hoge
4. Chaves
5. Dollahite
6. Pearce

اجتماعی - اقتصادی والدین و سطح تحصیلات والدین نیز از مواردی است که در میان عوامل دخیل خانوادگی شمارش شده است (کلی، ۱۹۹۷^۱، ص ۶۴۰).

انتقال دینی با استفاده از سبک‌های فرزندپروری مقتدر و همچنین انتقال واضح و مکرر باورهای مذهبی به کودکان تقویت می‌شود که به‌طور مداوم در طول زمان حفظ می‌شود (اکوک^۲ و بنگتسون، ۱۹۸۰، ص ۵۰۱؛ دادلی^۳، ۲۰۰۰، ص ۳۸). نتایج نشان می‌دهد که بین الگوهای عمل‌گرایانه و اقتدار منطقی با دین‌داری جوانان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد (نوربخش و اوپسی فردوئی، ۱۳۹۵). والدین و دیگر اعضای خانواده اولین افرادی به‌شمار می‌روند که فرزندان در پی نقش‌گیری از آنان برمی‌آیند (قریشی، ۱۴۰۲). توافق بین والدین در دین و رفتار (پوتنم، ۲۰۱۰^۴، ص ۱۱۳) و قدرت و ثبات رفتار (جینینگ، ۲۰۰۹^۵، ص ۳۱)، پیش‌بینی‌کننده‌های مهم انتقال موفقیت‌آمیز مشارکت مذهبی هستند.

طبق نظر ویلتس و کرایدر^۶ (۱۹۸۹، ص ۷۹) از تعدیل‌کننده‌های بالقوه در موضوع، انگیزه مذهبی درونی والدین و مشارکت فعال والدین - کودک است (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴، ص ۲۴۰). علاوه بر این، والدینی که انگیزه مذهبی را درونی کرده‌اند، از فرزندان خود در ایجاد خودمختاری و نشان دادن ارزش‌های مذهبی به‌عنوان شیوه زندگی حمایت می‌کنند (بامبیللا^۷، ۲۰۱۵، ص ۱۹۳).

حضور مستمر پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در زندگی نوه‌های خود و حمایت عاطفی و مشاوره که فراهم می‌کنند، از دیگر مؤلفه‌های مهم است که به‌عنوان یک «پنجره فرهنگی» به تاریخ خانواده عمل می‌کند و به نوه‌ها امکان می‌دهد تا درباره خود و خویشاوندان دورشان بیشتر بیاموزند (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۲۴۵).

درحالی‌که انتقال مذهبی بودن از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به نوه‌ها قطعاً از طریق والدین واسطه‌ای است، ممکن است که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها همچنان تأثیری بر مذهبی بودن نوه‌های‌شان داشته باشند که مستقل از تأثیر والدین باشد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۲۴۵). طبق ضرب‌المثل «ایمان از پدربزرگ و مادربزرگ آموخته می‌شود»، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها بیشتر برای انتقال دین زمان دارند (بوسی، ۲۰۲۲، ص ۲۳۱)، البته تغییرات اجتماعی و عوامل محیطی مانند افزایش سکولاریزم،

-
1. Kelley
 2. Acock
 3. Dudley
 4. Putnam
 5. Jennings
 6. Willits & Crider
 7. Brambilla

افزایش تحرک جغرافیایی، یا تغییرات در ساختار خانواده تعامل بین پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و نوه‌ها را محدود می‌کند (بنگسون، ۲۰۰۹، ص ۲۴۵).

والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با سایر عوامل محیطی و اجتماعی مانند همسالان، معلمان و رسانه‌ها رقابت می‌کنند، اما تحقیقات در مورد روابط خانوادگی شواهد قوی ارائه کرده است که روابط مثبت خانوادگی می‌تواند انتقال ارزش بین نسل‌ها را تسهیل کند (جوهورنگ، ۲۰۱۲^۱، ص ۶۴۰)، و نقش خانواده در کل در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان بیشتر است (زارع شاه‌آبادی، اسدنژاد و تیموری، ۱۳۹۹، ص ۹۳) که با روش‌های گوناگون اثر می‌گذارد (هادیان، غروی‌راد و آذربایجانی، ۱۳۹۲، ص ۲۵). آنچه گذشت تأثیر غیر قابل انکار مؤلفه‌های روان‌شناختی در بستر تربیتی خانواده بر تشکیل ساخت‌های معنوی - مذهبی را نشان می‌دهد که این مطلب با لحاظ عوامل تضعیف‌کننده خانوادگی (در بخش تضعیف‌کننده‌ها) هرچه بیشتر تأیید می‌شود.

اجتماعی شدن و شرکت در جماعت

سطح هویت اجتماعی - مذهبی با مشارکت مذهبی بالاتر مرتبط است (گرینفیلد، ۲۰۰۷^۲، ص ۲۴۵). اجتماعی شدن در دوران کودکی و نوجوانی شامل مشاهده، مشارکت و آموزش، مهم‌ترین فرآیندی است که طی آن باورها و رفتارهای دینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (پاتریکا، ۲۰۱۶^۳، ص ۳۱۲). هر قدر اجتماعی‌سازی و مشارکت جمعی مذهبی به‌خصوص با حضور هر دو والد (وواس و استورم، ۲۰۱۲، ص ۳۸۱) بیشتر باشد، انتقال مذهب با ثبات بیشتر خواهد بود؛ زیرا برای این کار تربیت شده‌اند (جنینگ، ۲۰۰۹، ص ۴۷).

اسمیت دو مورد را منعکس‌کننده فرآیندهای اجتماعی شدن مذهبی می‌داند: میزان عبادت همراه خانواده در خارج از اوقات خاص عبادت؛ و میزان گفت‌وگو درباره «خدا، کتاب مقدس، دعا، یا دیگر چیزهای مذهبی یا معنوی» در خانواده (اسمیت، ۲۰۲۱).

رفتار اجتماعی پاداش در کودکان و فرآیندی از «درونی‌سازی ارزش» که در آن کودکان یاد می‌گیرند برای آنچه می‌بینند ارزش قائل شوند نیز، دو روش اصلی برای افزایش اجتماعی مذهب در کودکان شمرده شده است (پاتریکا، ۲۰۱۶، ص ۳۱۴). والدینی که اعتقادات مذهبی سنتی‌تری دارند، ممکن است به دلیل درک پاداش‌های مذهبی بیشتر، زمان و پول بیشتری را برای حضور در جماعت

-
1. Joohong
 2. Greenfield
 3. Patricia

سرمایه‌گذاری کنند (لاناکون، ۱۹۹۴، ص ۱۱۸۰) و ارائه تقویت‌های مثبت در قالب تمجید یا قدردانی را تداوم بخشند (پاتریکا، ۲۰۱۶، ص ۳۲۰)؛ همچنین مقررات مذهبی درونی‌شده قوی‌تر با اهمیت دینی و هویت دینی همبستگی مثبت نشان داده است (هاردی، ۲۰۲۲^۱، ص ۱۶).

مدل‌سازی و الگوسازی نیز به‌عنوان یکی دیگر از راه‌های اجتماعی شدن مذهبی شمرده می‌شود (پاتریکا، ۲۰۱۶، ص ۳۲۰). کودکان به نمایش‌های افزایش‌دهنده اعتبار توسط والدین خود، مانند دعا، حضور در محل عبادت و روزه گرفتن آنها توجه می‌کنند (هنریچ، ۲۰۰۹^۲، ص ۲۴۴) و اثر تقلید در عبادت بیشتر از آموزش است (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴، ص ۲۴۸)، و برخی رفتارهای مذهبی والدین، پیش‌بینی دین‌داری در کودکان ۱۰-۱۲ دانسته شده است (فلور و کناپ، ۲۰۰۱^۳، ص ۶۲۲).

تأکید بر زمان و اجبار کردن نیز، روش‌های دیگری هستند که توسط والدین برای آموزش به‌کار می‌رود و این کار با سطوح متفاوتی از نفوذ انجام شود، از جمله انتظار صریح مانند اینکه «ما به او گفته‌ایم باید آن کار را انجام بدهی یا فلان زمان انجام بدهی» (پاتریکا، ۲۰۱۶، ص ۳۲۰).

نمادها نیز به‌عنوان شهادت غیرکلامی عمل می‌کنند که نشان می‌دهد چه چیزی در یک جامعه ارزشمند است و به کودکان کمک می‌کند تا موجودیت‌های نادیده را پردازش و تجسم کنند (هریس، ۲۰۰۶، ص ۵۰۵). نمادهایی که معنای مشترک دارند از طریق پرستش عینیت می‌یابند (بویاتزی، ۲۰۰۵، ص ۱۲۳)، مواردی مانند حق معلم مسلمان برای داشتن حجاب (فنکورت، ۲۰۲۱^۵، ص ۱۳۱).

جنسیت

یک یافته ثابت در سراسر جهان غرب این است که زنان به‌طور کلی در طیف وسیعی از معیارها مذهبی‌تر از مردان هستند (سولینس، ۱۹۹۸^۶، ص ۲۰۴)، و یک تفاوت جالب بین زن و مرد این است که کیفیت روابط خانوادگی بر مردان تأثیر قابل توجهی ندارد، اما بر زنان تأثیر دارد (یوری، ۲۰۰۵^۷، ص ۳۷۱).

فرانسیس^۸ (۱۹۹۳، ص ۲۴۵) دریافت که اعمال مذهبی مادران پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای عملکرد پسر و دختر نسبت به نفوذ پدران است. همچنین بینش و شناخت مادر نسبت به دین اثر

-
1. Hardy
 2. Henrich
 3. Flor & Knapp
 4. Boyatzis
 5. Fancourt
 6. sullins
 7. Yūri
 8. Francis

غیرمستقیم بر این نفوذ دارد (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹). با این حال، پسران نیز ممکن است به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر رفتار مذهبی پدرشان در دوران کودکی قرار گیرند؛ زیرا پسران اغلب از پدران خود تقلید می‌کنند (گوتیریز، ۲۰۱۴^۱، ص ۵۹).

در حالی که حضور مادر در مراسم مذهبی مؤثر بود، هویت مذهبی پدر نیز پیش‌بینی‌کننده بود و آنهایی که پدرانشان دارای دینی بودند، در مقایسه با آنهایی که هیچ دینی نداشتند، بسیار بیشتر احتمال داشت که در اواخر زندگی بسیار مذهبی باشند تا غیرمذهبی و احتمال بیشتری دارد که مکرراً دعا کنند (جمار، ۲۰۲۳، ص ۲۹). برخی نیز در رابطه با تأثیر زنان استثنائاتی همچون یهودیان قائل شدند (سولینس، ۲۰۰۶، ص ۲۴۲).

در هر حال، غالب پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انتقال نسل به نسل حضور در مراسم مذهبی و مذهبی بودن گزارش‌شده از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به نوه‌ها دارای گرایش مادری است. این بدان معناست که خطوط مادری (مادران و مادربزرگ‌ها) نقش مهم‌تری در القای روحیه و رفتارهای مذهبی درون خانواده‌ها نسبت به خطوط پدری دارند (بنگسون، ۲۰۰۹، ص ۲۴۳)، و برخی (جوانمرد، ۱۳۹۲) تأثیر مادران بر فرزندان را بیشتر ارزیابی کرده‌اند، اما تأثیر پدران هرگز به‌طور مطلق نفی نشده و چنانچه گذشت از برخی جهات متمایزتر نیز می‌باشد.

فردی

از جمله تعدیل‌کننده‌های بالقوه که می‌توانند ارتباط بین دین‌داری والدین و کودک را افزایش دهند، متغیر سن فرزند است (زمیت، ۲۰۲۴، ص ۲۴۱)، و غالب پژوهش‌ها از اهمیت دوران کودکی در انتقال مذهب خبر می‌دهد. کسانی که حضور در مراسم مذهبی دوران کودکی را گزارش می‌دهند، بسیار بیشتر احتمال دارد که همیشه به خدا ایمان داشته باشند و به این کار ادامه دهند (جمار، ۲۰۲۳، ص ۱۵).

انتقال بین‌نسلی باورها ممکن است در اوایل کودکی قوی‌تر باشد؛ زیرا در آن زمان والدین بر باورهای کودک انحصار دارند (بیت‌هالاومی و آرگیل، ۱۹۹۷^۲، ص ۱۲۳)، برخلاف کاهش نفوذ مذهبی والدین در نوجوانی؛ زیرا در سال‌های اولیه، والدین به‌طور معمول شخصیت اصلی در زندگی کودک هستند. کودکان ممکن است با آنها هم‌ذات‌پنداری کنند، از جمله در مورد مذهب (دی، ۲۰۲۲^۳، ص ۲۴۹)، و تحلیل رگرسیون چندمتغیره اهمیت سن کودک را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده دین‌داری کودکان برجسته کرده است؛

1. Gutierrez

2. Beit-Hallahmi & Argyle

3. Day

اینکه کدام ابعاد دین‌داری والدین (هویت اجتماعی، نماز، مفهوم خدا) بر دین‌داری کودکان تأثیر می‌گذارد؟ دوم، کدام عوامل این انتقال را تقویت می‌کنند؟ (زمیت و تیلور، ۲۰۲۲، ص ۲۴۶).

درحالی‌که فرانسیس و لاورنس (۱۹۹۱، ص ۱۱۲) دریافت که تأثیر دین‌داری والدین برای کودکان با افزایش سن تا نوجوانی کاهش می‌یابد، اما (فرانسیس، ۱۹۹۳، ص ۲۴۱) بعداً دریافت که تأثیر والدین در واقع با رشد کودکان در دوران نوجوانی افزایش می‌یابد، و شلیفر و چاوز (۲۰۱۷، ص ۱۵۲) دریافتند افزودن یک کودک در سن مدرسه به خانواده مستقیماً منجر به افزایش حضور در مراسم مذهبی خانواده می‌شود؛ چیزی که به‌نوبه خود، ممکن است اثر دایره‌ای بر انتقال به کودک داشته باشد.

برخی (مبارک، حضرتی و ساروخانی، ۱۳۹۷) نیز تأثیر سن را به‌عنوان یک مورد که بستگی به محیط پرورشی و اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، دانسته‌اند. افرادی که در یک برهه زمانی خاص مثل دوران بحران‌های اجتماعی، انقلاب‌ها، جنگ‌ها و... بوده‌اند، نوع نگرش و سبک ذهنی و عملی از دین و دین‌داری دارند که با افرادی از نسل‌های که چنین تجربیاتی را ندارند، متفاوت در شیوه و سبک دین‌داری می‌باشند.

متغیرهای رشدی رشد زبان / ارتباطات کودک و نظریه ذهن (TOM) از مؤلفه‌های دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد (کلی و گراف، ۱۹۹۷، ص ۶۳۸).

محیطی

پژوهش‌ها از تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی به‌خصوص عواملی مانند همسالان، معلمان و رسانه‌ها حکایت می‌کنند که با سایر مؤلفه‌ها رقابت می‌کنند (جوهونگ، ۲۰۱۲، ص ۶۳۸). باید مراقب بود که با بزرگ‌تر شدن و مستقل شدن کودکان، اهمیت گروه‌های همسال، خواهر و برادر و محیط اجتماعی نادیده گرفته نشود. اینکه در کدام مدارس تحصیل می‌کنند، از چه رسانه‌هایی استفاده می‌کنند و به‌طور خلاصه چقدر احتمال دارد که تحت تأثیر محیط خارجی قرار گیرند (استورم، ۲۰۱۲، ص ۳۸۶)؛ چراکه می‌توان دین‌داری والدین را اندازه‌گیری کرد، اما اندازه‌گیری تأثیرات گروهی محلی یا همسالان با استفاده از داده‌های نظرسنجی بسیار دشوار است و بسیاری از ویژگی‌های فردی مشاهده نمی‌شوند (اینگرید، ۲۰۱۲، ص ۱۳۱).

بر اساس پژوهش‌ها بین جامعه‌پذیری دینی و متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نقش الگویی خانواده، سرمایه فرهنگی، نقش معلم، شیوه‌های فرزندپروری و نقش محتوای کتاب‌های درسی رابطه معناداری وجود دارد (زارع شاه‌آبادی، اسدنژاد و تیموری، ۱۳۹۹، ص ۹۳).

عوامل تضعیف‌کننده

برخی عوامل خانوادگی و محیطی مواردی هستند که به‌عنوان اثرگذارهای منفی بر سیر انتقال بین‌نسلی مذهب، از پژوهش‌ها احصا شدند.

خانوادگی

افسردگی مادر نرخ انتقال بین‌نسلی دین‌داری از مادر به فرزندان را کاهش می‌دهد و ویژگی‌های مفید دین‌داری را در فرزندان کاهش می‌دهد، و طلاق تأثیر نامطلوبی بر انتقال مذهبی از مادران به فرزندان‌شان دارد، اما نه از پدران و مادران بزرگ‌ها (گیور، میلر و وارنر، ۲۰۰۵، ص ۱۶۰). خانواده‌هایی که طلاق یا تعارضات زناشویی بیش از حد را تجربه نکرده‌اند، تداوم مذهبی بالاتری را مشاهده می‌کنند؛ همچنین تبدیل خانواده‌های گسترده به هسته‌ای اثرات منفی در این انتقال دارد (بنگتسون، ۲۰۱۷، ص ۳۷۸).

لازم به ذکر است که مبدأ و مقصد تلاش والدین برای انتقال دین، فرهنگ و سنت‌ها به فرزندان‌شان همیشه نتایج مورد انتظار را به همراه ندارد. ممکن است برجستگی بیش از حد نسل‌های اول، به‌ویژه در زمینه‌های خانوادگی که با روابط سرد و سطوح بالای اجبار و پرخاشگری مشخص می‌شود (اسمیت، ۲۰۲۰، ص ۳۳۲)، منجر به بیگانگی نسل دوم از بستر مذهبی یا خانواده شود، یا آنها را به سمت اتخاذ رویکردهای سختگیرانه، محافظه‌کارانه و رادیکال سوق دهد (بوسی، ۲۰۲۲، ص ۲۶۶).

محیطی

«فردگرایی مهارنشده» که اکنون در برخی جوامع فراگیر شده است تأثیر اخلاقی و مذهبی منفی را نشان می‌دهد (بلا، ۱۹۸۵، ص ۷۶). از سوی دیگر، کم‌ارزش شدن مذهب در جامعه سبب تضعیف روابط و از جمله روابط بین والدین و فرزندان بوده و چرخه معیوب در اثرگذاری معنوی و مذهبی ارکان مهم را ایجاد می‌کند (دبسون، ۱۹۹۰، ص ۲۰۱). افزایش سکولاریزم و تحرک جغرافیایی نیز اثر محیطی مخربی بر انتقال مذهب گذاشته است (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۴۴۰).

تغییرات بین نسل‌ها نیز از طریق تغییرات تاریخی در عادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی، یا در همان نسل مانند مهاجرت می‌تواند رخ دهد. در همه این موقعیت‌ها نیز گسستی در انسجام درونی و بیرونی به نظر می‌رسد بر بعد معنوی فرد و رابطه او با دین تأثیر بگذارد (بوسی، ۲۰۲۲، ص ۲۹۰).

بحث و نتیجه‌گیری

نظر به آنچه در بخش‌های سابق پژوهش گذشت با رویکرد فراترکیب سه مقوله کلی شامل معیار سنجش (مشارکت مذهبی، اعتقادات مذهبی، تصورات مذهبی)، عوامل مؤثر (حکومتی، خانوادگی، فردی، محیطی، اجتماعی شدن و شرکت در جماعت، جنسیت) و عوامل تضعیف‌کننده (خانوادگی، محیطی) تحلیل شد.

در مقوله معیار سنجش و ذیل سه مفهوم در معیار سنجش، کدهای حضور در مراسم مذهبی، نوع مذهب و ایدئولوژی مذهبی، مذهبی بودن خود تعریف شده، ایدئولوژی مذهبی محافظه‌کارانه، قدرت وابستگی به هویت مذهبی، تغییر در اعتقاد به خدا در طول زندگی، رتبه اهمیت ایمان در میان ابعاد مهم و مفهوم خدا یافت شد.

در مقوله عوامل مؤثر و ذیل شش مفهوم با کدهای تغییر قدرت، دامنه نهادهای مذهبی - رسمی، محیط اقتصادی - اجتماعی - سیاسی، تحولات جمعیت‌شناختی و ساختارهای خانوادگی، تغییرات اجتماعی - فناوری سریع، هنجارهای تجویزی قوی - مرزهای فرهنگی بالا، نژاد - قومیت، عضویت در گروه‌های ملی، سلامت روان والدین، زندگی کاری والدین، تحصیلات والدین، وضعیت تأهل والدین، زندگی با فرزندان، پیوندهای عاطفی و درجه آن، کیفیت رابطه والدین با یکدیگر، وضعیت ایمان‌های مختلط در خانواده، حضور مستمر پدربزرگ و مادر بزرگ، شرایطسازی محیط تربیتی، سبک فرزندپروری مقتدر، قدرت و ثبات رفتار والدین، توافق بین والدین و سازگاری باورها و رفتارها، وراثت، همراهی هر دو والد در مراسمات، مشاهده، مشارکت فعال، آموزش، شرکت در محیط‌های فرهنگی، شرکت در فعالیت‌های مذهبی جمعی، تشویق فرزندان به شرکت، خوردن غذا یا عبادت با خانواده خارج از وقت عبادت، گفت‌وگو پیرامون امور مذهبی، پیام‌رسانی صریح والدین، اعمال مذهبی خانوادگی، انگیزه مذهبی درونی والدین، تأکید بر زمان، شرطی‌سازی کلاسیک و عامل، قوت خطوط مادری (مادران و مادرزیرگ‌ها)، هویت مذهبی پدر، مشارکت مذهبی مادر، سن، جنسیت، متغیرهای رشدی زبان، ارتباطات کودک، نظریه ذهن، گروه‌های همسال، خواهر و برادر، رسانه، مدرسه تحصیلی، گروه‌های محلی حاصل شد.

ذیل مقوله عوامل تضعیف‌کننده و مفاهیم دوگانه، کدهای طلاق والدین، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، روابط سرد و سطوح بالای اجبار نسل اول، افسردگی مادر، پرخاشگری کلامی کم، فردگرایی، کم‌ارزش شدن مذهب، افزایش سکولاریزم، افزایش تحرک اجتماعی، تفاوت عادات و ارزش‌ها و جهان‌بینی دو یا سه نسل تحلیل شد.

در هر حال، مجموعه قابل توجهی از ادبیات پژوهشی موجود، رابطه قوی بین باورها و اعمال مذهبی والدین و فرزندان بزرگسال آنها را تأیید می‌کند که اغلب به‌عنوان انتقال بین‌نسلی مذهبی

شناخته می‌شود و نشان می‌دهد در تشکیل ساخت‌های معنوی - مذهبی، تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی، به‌خصوص در بستر تربیتی و خانواده، غیر قابل انکار است، اما با رویکرد فراترکیب نگاشته‌های صورت نگرفته و این پژوهش آغازی در این مسیر می‌باشد.

پیشنهادهای

۱. استمرار اقدامات پژوهشی با بهره‌گیری از روش‌های دیگری در جامعیت‌بخشی و تکمیل مفاهیم حاصل در این موضوع صورت پذیرد؛ چراکه این موضوع از ظرفیت قابل توجهی در تعمیق و نگرش از ابعاد مختلف برخوردار است؛
۲. بررسی انتقال بین‌نسلی مذهب بر اساس منابع اسلامی و با نهایت دقت و جامعیت و به‌خصوص با روش اجتهادی و همچنین ناظر به نظریات اندیشمندان مسلمان صورت پذیرد.

منابع

- اسکندری‌نژاد، خدیجه (۱۳۸۹). نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزند. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۳(۷)، ۱۰۷-۱۴۳.
- اکرمی، محمد؛ باستانی، امیر؛ مدرسی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۰). ژنتیک یا محیط، کدام‌یک آینده ما را تعیین می‌کند. *اخلاق زیستی*، ۲(۴)، ۱۸۷-۱۸۱.
- افلاکی فرد، حسین و اصیل‌زاده، عاطفه (۱۴۰۲). نقش خانواده در تربیت معنوی در تربیت معنوی. *اولین همایش بین‌المللی معلمان برتر و مدارس پیشرو در هزاره سوم*.
- بالس، کریستوفر و پاینده، حسین (۱۳۸۰). ذهنیت نسلی (دیدگاهی روان‌کاوانه درباره اختلاف نسل‌ها). *ارغنون*، ۱۹، ۲-۳۰.
- بیکر، ترزال (۱۹۹۸). *چگونگی انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نائینی. تهران: نشر نی.
- جوانمرد، غلامحسین (۱۳۹۲). بررسی تأثیرپذیری فرزندان از والدین در بعد عمل به باورهای مذهبی. *شناخت اجتماعی*، ۲(۲)، ۱۸-۳۴.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ اسدزاده، فرزانه و تیموری، فاطمه (۱۳۹۹). مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه. *تربیت اسلامی*، ۱۵(۳۲)، ۹۳-۱۱۶.
- ساروخانی، باقر و دودمان، لیلا (۱۳۸۹). ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۹.
- سفیری، خدیجه؛ نرجس خاتون مصلح، نرجس و کمالی، افسانه (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده و مشارکت دینی با هویت دینی نوجوانان. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۵(۳)، ۱۶۲-۱۹۸.
- شاه‌محمدی، مینا و ابراهیمی تازه‌کند، فریبا (۱۳۹۶). نقش معنویت و مذهب درون نظام خانواده. *اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب‌شناسی روانی و تربیت*.
- قریشی، اعظم السادات (۱۴۰۲). نقش خانواده در تربیت دینی: انتقال ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی به دانش‌آموزان. *هشتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش*.
- مبارک، سهیلا؛ حضرتی صومعه، زهرا و ساروخانی، باقر (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده‌ها به جوانان در چهار دهه اخیر (مورد مطالعه: شهر تهران در سال ۱۳۹۷). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۸(۴۴)، ۱-۳۲.
- محمدی لایینی، محمدباقر؛ دارابی‌نیا، مرتضی و سوتنه، سیدمحمدباقر (۱۳۹۹). مؤلفه‌های نسل سالم از نظر دریافت، کاربرد و انتقال ارزش‌ها به نسل بعد، از منظر اسلام و علم ژنتیک. *دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۳۰(۱۸۳)، ۷۳-۸۳.
- مقتدائی، مرتضی (۱۳۹۷). رابطه خانواده، دین و دولت و نقش آن در شکاف نسلی ایران امروز. *مطالعات سیاسی*، ۱۱(۴۲)، ۹۳-۱۱۲.

- میرشکار، اسما (۱۳۹۳). نقش خانواده در انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی. همایش سراسری علمی پژوهشی شناخت/اخلاق و آداب حسینی.
- نوربخش، یونس؛ اویسی فردویی، قاسم (۱۳۹۵). دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱)، ۲۸۳-۳۱۴.
- هادیان، سیدعلی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲). تأثیرات والدین بر دین‌داری فرزندان از منظر روان‌شناسی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۷(۱۳)، ۴۶-۲۵.
- Acock, Alan C. and Bengtson, Vern L. (1980). Socialization and Attribution Processes: Actual Versus Perceived Similarity among Parents and Youth. *Journal of Marriage and Family*, 42(3), 15-50.
- Armet, Stephen (2009). Religious Socialization and Identity Formation in High Tension Religions. *Review of Religious Research*, 50(3), 277-97.
- Baker, G. A. (1998). Keeping all generations happy: The Xers, boomers and beyond. *Community College Journal*, 68(5), 10-16
- Beit-Hallahmi, B. & Argyle, M. (1997). The psychology of religious behaviour, belief and experience. Routledge.
- Boyatzis, C. J. (2005). Religious and spiritual development in childhood. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (p. 123-143). The Guilford Press.
- Bellah, R. N., Madsen, R., Sullivan, W. M., Swidler, A. and Tipton, S. M. (1985). *Habits of the Heart: Individualism and Commitment in American Life*. New York: Harper and Row.
- Bengtson, V. L., Casey, E. Copen, Norella, M. Putney and Merrill Silverstein (2009). A Longitudinal Study of the intergenerational transmission of religion.
- Bengtson, Vern L. (2017). *Families and Faith: How Religion Is Passed Down Across Generations*. New York: Oxford University Press.
- Bossi, Luca, and Giulia Marroccoli (2022). We Are Alone»: Intergenerational Religious Transmission and the Effect of Migration in Italy. *Religions*, 13, 293.
- Boyatzis, C. J. (2005). Religious and spiritual development in childhood. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (p. 123-143). The Guilford Press.
- Brambilla, M., Assor, A., Manzi, C. & Regalia, C. (2015). Autonomous versus controlled religiosity: Family and group antecedents. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 25(3), 193-210.
- Chaves, M. (1991). Family Structure and Protestant Church Attendance: The Sociological Basis of Cohort and Age Effects. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 30, 501-14.
- Chaves, Mark (2011). *American Religion: Contemporary Trends*. Princeton: Princeton University .
- Day, A. (2022). Age, gender and de-churchisation. In C. Starkeu & E. Tomalin (Eds.), *The Routledge Handbook of Religion, gender and society: (1st ed., p. 249-260)*. Routledge.
- Dobson, J. C. and Bauer, G. L. (1990) *Children at Risk: The Battle for the Hearts and Minds of Our Kids*. Dallas. TX: Word Publishing.
- Dollahite, David, Loren, Marks, Kate, Babcock, Betsy, Barrow, and Andrew, Rose (2019). Beyond Religious Rigidities: Religious Firmness and Religious Flexibility as Complementary Loyalties in Faith Transmission. *Religions* 10: 111. [CrossRef]
- Dudley, Roger L., and Wisbey Randall L. (2000). The Relationship of Parenting Styles to Commitment to the Church among Young Adults. *Religious Education*, 95(1), 38-50.
- Fancourt, N. (2021). The educational competence of the European court of human rights: Judicial pedagogies of religious symbols in classrooms. *Oxford Review of Education*, 48(2), 131-147.
- Flor, D. L. & Knapp, N. F. (2001). Transmission and transaction: Predicting adolescents' internalization of parental religious values. *Journal of Family Psychology*, 15(4), 627-645.
- Francis, Leslie J. (1993). Parental influence and adolescent religiosity: A study of church attendance and attitude toward Christianity among adolescents 11 to 12 and 15 to 16 years old. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 3, 241-53.

- Francis, Leslie J., and Laurence B. Brown (1991). The influence of home, church and school on prayer among sixteen-year-old adolescents in England. *Review of Religious Research*, 33, 112-22.
- Gemar, Adam (2023). Parental Influence and Intergenerational Transmission of Religious Belief, Attitudes, and Practices: Recent Evidence from the United States. *Religions*, 14, 13-73.
- Greenfield, E. A. & Marks, N. F. (2007). Religious social Identity as an explanatory factor for associations between more frequent formal religious participation and psychological well-being. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 17(3), 245-259.
- Gur, Merav, Miller, Lisa, Warner, Virginia, Wickramaratne, Priya, Weissman, Myrna (2005). Maternal Depression and the Intergenerational Transmission of Religion.
- Gutierrez, Ian A., Lucas J. Goodwin, Katherine Kirkinis, and Jacqueline S. Mattis (2014). Religious socialization in African American.
- Hardy, S. A., Nelson, J. M., Fradesen, S. B., Cazzell, A. R. & Goodman, M. A. (2022). Adolescent religious motivation: A self-determination theory approach. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 32(1), 16-30. <https://doi.org/10.1080/10509618.2022.2088888>.
- Harris, P. L. & Koenig, M. A. (2006). Trust in testimony: How children learn about science and religion. *Child Development*, 77(3), 505-524.
- Hashemi, F., Noruzi, R. A. (2011). An Analysis of Moral Education from the Viewpoint of Farabi. *Moral Knowledge*, 2(1), 95-114 (Persian).
- Henrich, J. (2009). The evolution of costly displays, cooperation and religion: Credibility enhancing displays and their implications for cultural evolution. *Evolution and Human Behavior*, 30(4), 244-260.
- Hervieu-Leger, D. (2000) *Religion as a Chain of Memory*, trans. S. Lee. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Hoge, Dean R., Gregory, H., Petrillo and Ella I. Smith (1982). Transmission of Religious and Social values from parents to teenage children. *Journal of Marriage and Family*, 44, (3), 569-580.
- Inglehart, R. (1988). Cultural change in advanced industrial societies: postmaterialist values and their consequences. *Int Rev Sociol*, 2(3), 77-99.
- Ingrid Storm and David Voas (2012) THE INTERGENERATIONAL TRANSMISSION OF RELIGIOUS SERVICE ATTENDANCE Nordic. *Journal of Religion and Society*, 25(2), 131-150
- Jacob, Konstanze and Frank Kalter (2013). Intergenerational change in religious salience among immigrant families in four European countries. *International Migration*, 51, 38-56.
- Jennings, M. Kent, Laura Stoker and Jake Bowers 2009. Politics Across Generations: Family Transmission Reexamined.
- Jesse Smith (2021). Transmission of Faith in Families: The Influence of Religious Ideology. *Sociol Relig. Autumn*, 82(3), 332-356.
- Johnson, K. A., Okun, M. A., Cohen, A. B., Sharp, C. A., & Hook, J. N. (2019). Development and validation of the five-factor LAMBI measure of god representations. *Psychology of Religion and Spirituality*, 11(4), 339-349.
- Joohong Min, Merrill Silverstein, Jessica P. Lendon (2012). Intergenerational transmission of values over the family life course. <https://doi.org/10.1016/j.alcr.2012.05.001>. *Journal of Sociology*, 49(4), 640-660.
- Kelley, Jonathan and Nan Dirk De Graaf (1997). National Context, Parental Socialization, and Religious Belief: Results From 15. *Nations*, 62(4), 639-659.
- King, V. and Elder, G. H., Jr (1999). Are Religious Grandparents More Involved Grandparents? *Journal of Gerontology: Social Sciences*, 54, S317-28.
- Lannaccone, Laurence R. (1994). Why Strict Churches Are Strong. *American Journal of Sociology*, 99(5), 1180-1211.
- Mahoney, Annette, Pargament Kenneth I., Murray-swank Aaron, and Murray-Swank Nichole (2003). Religion and the Sanctification of Family Relationships. *Review of Religious Research*, 44(3), 36-220.

- Mason, Andrew, Ronald Lee, An-Chi Tung, Mun-Sim Lai and Tim Miller (2006). Population Aging and Intergenerational Transfers:52.
- Mueller, M. M. and Elder, G. H., Jr (2003). Family Contingencies across the Generations: Grandparent–Grandchild Relationships in Holistic Perspective.
- Myers, S. M. (1996). An InteractiveModel of Religiosity Inheritance: The Importance of Family Context. *American Sociological Review*, 61, 858-66.
- Nye, E., MelendezTorres, G. J. & Bonell, C. (2016). Origins, methods and advances in qualitative metasyntesis. *Review of Education*, 4(1), 57-79.
- Patricia, Snell Herzog and Scott, Mitchell (2016). Intergenerational Transmission of Religious Giving.
- Pearce, Lisa D., and Axinn William G. (1998). The Impact of Family Religious Life on the Quality of Mother-Child Relations. *American Sociological Review*, 63(6), 810-28.
- Ploch, Donald R., and Donald W. Hastings (1998). Effects of parental church attendance, current family status, and religious salience on church attendance. *Review of Religious Research*, 39, 304-20.
- Plomin R., DeFries, J. C., Knopik, V. S., Neiderhiser, J. M. (2013). *Behavioral Genetics*. 6th ed. New York: Worth publisher.
- Popenoe, D. (1993) American Family Decline, 1960-1990: AReview andAppraisal. *Journal of Marriage and the Family*, 55, 527-55.
- Putnam, Robert D. and David E. Campbell (2010). American Grace: How Religion Divides and unites us.
- Smith, Christian, and Emerson Michael, O. (1998). *American Evangelicalism: Embattled and Thriving*. Chicago. IL: University of Chicago Press.
- Smith, Christian, and Snell, Patricia (2009). *Souls in Transition: The Religious and Spiritual Lives of Emerging Adults*. New York: Oxford University Press.
- Smith, Jesse (2020). Transmission of Faith in Families: The Influence of Religious Ideology. *Sociology of Religion: A Quarterly Review*, 82, 332-56. [CrossRef] [PubMed]
- Sullins, D. Paul (2006). Gender and Religion: Deconstructing Universality, Constructing Complexity.
- Vaidyanathan, Brandon (2011). Religious Resources or Differential Returns? Early Religious Socialization and Declining Attendance in Emerging Adulthood. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 50(2), 366-87.
- Vermeer, Paul (2014). Religion and Family Life: An Overview of Current Research and Suggestions for Future Research. *Religions*, 5, 402-421. [CrossRef].
- Voas, David, and Ingrid Storm (2012). The Intergenerational Transmission of Churchgoing in England and Australia. *Review of Religious Research*, 53, 377-95. [CrossRef].
- Wellman, James K. (2008). *Evangelical vs. Liberal: The Clash of Christian Cultures in the Pacific Northwest*. New York: Oxford University Press.
- Willits, Fern K. and Donald M. Crider (1989). Church Attendance and Traditional Religious Beliefs in Adolescence and Young Adulthood: A Panel Study.
- Wuthnow, Robert (1996). Restructuring of American Religion: Further Evidence. *Sociological Inquiry*, 66(3), 303-29.
- Inose, Y. (2005). Influential factors in the intergenerational transmission of religion: The case of Sōka Gakkai in Hokkaido. *Japanese Journal of Religious Studies*, 32(2), 371–382.
- <https://doi.org/10.18874/JJRS.32.2.2005.371-382>.
- Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of advanced nursing*, 53(3), 311-318.
- Zammit & Laura K. Taylor (29 Mar 2024). Stage 2 Registered Report: Parental and Children's Religiosity in Early Childhood: Implications for Transmission. *The International Journal for the Psychology of Religion*, DOI: 10.1080/10508619. 233-891.

پیش بینی تصور مثبت از خدا بر اساس جو عاطفی خانواده و فرزندپروری ادراک شده از مادر در دانشجویان

Predicting a Positive Image of God Based on Family Emotional Climate and Perceived Maternal Parenting in Students

✉ عرفان طالبی / دکتری تخصصی گروه روان شناسی دانشکده علوم و معارف اسلامی، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، شهر ری، ایران.

مهدیه آقامحمدی / کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

فاطمه خداداد / کارشناس روان شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، شهر ری، ایران.

✉ Erfan Talebi / PhD, Department of Psychology, Faculty of Islamic Sciences and Knowledge, University of Quran and Hadith, Rey, Iran. talebi_erfan@yahoo.com

Mahdieh Aghamohammadi / M.A. in Islamic Psychology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran.

Fatemeh Khodadad / B.A. in Psychology, University of Quran and Hadith, Rey, Iran.

Abstract

The present study aimed to predict a positive image of God based on family emotional climate and perceived maternal parenting among students. This study was fundamental in nature, and its research method was descriptive-correlational. The statistical population included all male and female students of the University of Quran and Hadith in the first semester of the 2024-2025 academic year. A sample of 210 participants was selected through convenience sampling, and data were collected using the Hill Burn Family Emotional Climate Questionnaire (1964), the Parental Perception Questionnaire by Grolnick et al. (1997), and the Image of God Questionnaire by Greenway et al. (2003). For data analysis, structural equation modeling using the partial least squares approach was employed in the inferential statistics section. The results showed a positive and significant path coefficient between perceived parenting style (0.333) and image of God, as well as between family emotional climate

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی تصویر مثبت خدا در ذهن بر اساس جو عاطفی خانواده و فرزندپروری ادراک شده از مادر در دانشجویان انجام شد. این پژوهش بنیادی و روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه علوم قرآن و حدیث در نیم سال اول تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که نمونه ای به حجم ۲۱۰ نفر با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و داده ها با استفاده از پرسش نامه های جو عاطفی خانواده هیل برن (۱۹۶۴)، ادراک از فرزندپروری گرولنیک و همکاران (۱۹۹۷)، تصویر از خدا گرینوی و همکاران (۲۰۰۳) جمع آوری شدند. در تجزیه و تحلیل داده ها از روش مدل سازی معادلات ساختاری به شیوه حداقل مربعات جزئی در بخش آمار استنباطی استفاده شد. نتایج نشان داد ضریب مسیر مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری ادراک شده (۰/۳۳۳) با تصویر خدا و جو عاطفی خانواده (۰/۳۶۶) به تصور مثبت از خدا

(0.366) and a positive image of God ($p < 0.01$). Based on the findings, the importance of the mother's role, maternal function, and her manner of interaction with the child, as well as the position and foundation of the family in shaping a positive image of God, is emphasized.

Key words: positive image of God, emotional climate, perceived parenting.

وجود دارد ($p < 0.01$). بر اساس نتایج این پژوهش تبیین اهمیت جایگاه مادر، نقش مادری و شیوه تعامل او با فرزند و همچنین جایگاه و بنیاد خانواده در شکل‌گیری تصور مثبت از خدا مورد تأکید است.

کلیدواژه‌ها: تصور مثبت از خدا، جو عاطفی، فرزندپروری ادراک‌شده.

مقدمه

دین یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در تاریخ محسوب می‌شود، حجم قابل توجهی از مطالب به باورها، ارزش‌ها و اعمال مذهبی اختصاص دارد (ورگان^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). خداوند به‌عنوان مبدأ آفرینش، از مهم‌ترین موضوعاتی است که ذهن بشر را به خود معطوف کرده است. تصور از خدا^۲ یک متغیر پیچیده است که به نظر می‌رسد مفهومی چندبعدی است که در هر فرد تا حد زیادی به رابطه او با خدا برمی‌گردد و در واقع بینش نسبت به تصور از خدا پیش‌نیازی برای درک کاملی از رابطه فرد با خدا است (صفایی حایری، ۱۳۹۹). به فرمایش امام علی^{علیه السلام} در خطبه^۳ ۲۳۷ نهج/البلاغه انسان‌ها خداوند را به یکی از سه نوع ذکرشده عبادت می‌کنند:

گروهی خدا را از روی رغبت و میل (به بهشت) پرستش کردند، این عبادت تاجران است و عده‌ای از روی ترس او را پرستیدند و این عبادت بردگان است و جمعی دیگر خدا را برای شکر نعمت‌ها (و اینکه شایسته عبادت است) پرستیدند، این عبادت آزادگان است^۴ (رضی، ۱۴۰۲).

از این‌رو تصویر خدا مفهومی محوری در معنویت و مذهب است که به‌عنوان بنیادی‌ترین سازه روان‌شناختی در روان‌شناسی دین مورد توجه قرار گرفته است (لارنس، ۱۹۹۷^۴ به نقل از: غباری بناب و حدادی، ۱۳۹۰). نخستین بار رایتو^۵ (۱۹۷۹، به نقل از: برات‌پور و نادری، ۱۴۰۲) تصویر ذهنی از خدا را بررسی روان‌شناختی کرد. به نظر او تصور ذهنی از خدا دربرگیرنده برداشت احساسی و تجربی فرد از خداست که برگرفته از نظریه روان تحلیل‌گری است. لارنس (۱۹۹۷) تصور از خدا را مفهومی شناختی از خداوند تعریف کرده است که برداشتی شهودی از خداست و از طریق مجموعه‌ای از یادآوری‌ها،

1. Verhagen, P.

2. The image of God

۳. «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَلَيْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَلَيْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَلَيْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»

4. Lawrence, R. T.

5. Rizzuto, A. M.

تداعی‌های مرتبط با آن و تجربه‌ها مشخص می‌شود. تصور از خدا تجربه یک فرد از خداست؛ در نتیجه، یک نوع فرایند ترکیب محفوظات و تنظیم انبوهی از خاطراتی است که ارتباط اولیه با خدا دارد. تصور افراد از خداوند به دو دسته تصور مثبت و منفی تقسیم می‌شود. در تصور مثبت، خداوند به صورت مهربان، حمایت‌کننده و هدایتگر تصور می‌شود که می‌تواند نقش آرامش‌بخش اساسی در زندگی افراد داشته باشد، و در تصور منفی، خدا با اصطلاحات منفی همچون طردکننده، نامهربان، سخت‌گیر تصور می‌شود که ناامیدی، تنفر و خلق منفی در افراد را در پی دارد (گرینوی، ۲۰۰۳^۱، به نقل از: خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱). نتایج پژوهش برآبادی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد در الگویی که افراد خداوند را بخشنده و دوست خود می‌دانند و با او از طریق برقراری یک رابطه عاشقانه ارتباط برقرار می‌کنند، خداوند را اولین مددکاری می‌دانند که در دسترس بوده و در مشکلات به یاری آنها می‌آید.

در پژوهش ایرلینگ بونتکو، وان ستیج و ورسچور^۲ (۲۰۱۵) نتایج نشان داد اعضای کلیسای اصلاح‌شده ارتدوکس نسبت به اعضای کلیسای پنطیکاستی، مفهوم منفی‌تری از خدا دارند و خدا را به‌ویژه به‌عنوان یک قاضی تنبیه‌کننده، مستقل از شخصیت، دلبستگی و ناراحتی روانی می‌بینند که نشان‌دهنده تأثیر بسیار زیاد فرهنگ دینی بر این نوع خاص از مفهوم خداست.

از بین متغیرهای مختلف اثرگذار بر تصویر خدا، خانواده^۳ به‌عنوان یک بنیاد تربیتی از مهم‌ترین و پیشگام‌ترین متغیرهاست؛ چراکه خانواده که مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین‌فردی است، به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی، عملکردش نقش مهمی در تحول روان‌شناختی فرزندان دارد (رحیمی‌نژاد و پاک‌نژاد، ۱۳۹۳). جو عاطفی خانواده^۴ «به مجموع روابط و تعاملات عاطفی که بین اعضای یک خانواده وجود دارد، همانند بیان احساسات و علایق، نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد با یکدیگر گفته می‌شود» (فیروزی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۵۹). جو عاطفی خانواده و نحوه تعامل والد و فرزند از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل بروز نحوه شکل‌گیری رفتارها، باورها و نگرش‌های فرزندان است (عاشقی و دیگران، ۱۳۹۸). رابطه والد - فرزندی و نحوه برخورد اعضای خانواده با فرزندان یکی از متغیرهای مهم در رشد اجتماعی و روانی کودکان محسوب می‌شود؛ زیرا خانواده اولین مکانی است که کودک در آن رشد می‌کند و این نهاد نقش مؤثری در برطرف کردن نیازها، به‌ویژه نیازهای روانی فرزندان ایفا می‌کند (نیک‌سیرت و هاشمی، ۱۳۹۵). از این رو امام رضا^{علیه السلام} در اشاره به اهمیت خانواده می‌فرماید: «تزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت کسی

1. Greenway

2. Eurelings-Bontekoe, E. H. M., Hekman-Van Steeg, J. & Verschuur, M. J.

3. Family

4. The emotional atmosphere of the family

است که خوش خلق‌تر و برای خانواده خود بهترین باشد»^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۰). برخی از پژوهشگران در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که خانواده مطلوب، احساس ارزشمندی، احساس تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را فراهم می‌کند. در چنین خانواده‌هایی افراد فرصت بیشتری برای کسب استقلال و مسئولیت‌پذیری خواهند داشت (مصباح، صدری دمیچی، ۱۴۰۲). از جمله مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده می‌توان به محبت کلامی، نوازش جسمانی، تأیید کردن نظرات و دیدگاه‌ها، داشتن تجارب مشترک اعضای خانواده در کنار هم، هدیه دادن، تشویق کردن، وجود اعتماد در رابطه و احساس امنیت در خانواده اشاره کرد (هیل برن، ۱۹۶۴). بنا بر نظر شاو^۲ (۲۰۱۶) از طریق ارائه عشق بی‌قیدوشرط با مرزهای روشن، ما پایه‌ای را برای کودکان ایجاد می‌کنیم تا عشق و قدوسیت خداوند را تجربه کنند. لی^۳ (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی طلاق والدین، به‌عنوان یکی از موانع روابط صمیمانه والد - فرزندی پرداخت و نشان داد کودکان در خانواده‌های مطلقه به احتمال زیاد به‌طور ناایمن به خدا وابسته می‌شوند و بین تصویر خدا و مفهوم خدا سردرگم می‌شوند؛ زیرا فرزندپروری ناکافی و روابط ناسالم والد و فرزند در طول و بعد از طلاق بر روابط آنها با خدا تأثیر منفی می‌گذارد. شهبایی‌زاده و مظاهری (۱۳۹۱) در نتایج پژوهش خود گزارش دادند که درک راهبردهای مذهبی حائز اهمیت است، بلکه کنش‌وری خانواده در این رابطه نقش مهمی ایفا می‌کند.

از میان عوامل خانوادگی، شیوه فرزندپروری ادراک‌شده از والدین^۵ نقش بسیار مهمی در ایجاد ارتباط انسان با خداوند دارد (نوروزی و سپهریان آذر، ۱۳۹۵). شیوه‌های فرزندپروری، اعتقاد و نظر والدین نسبت به چگونگی ارتباط با کودک است که والدین در رابطه با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری شخصیت آینده کودک نقش بسزایی دارد (گلوبر، ۱۹۹۶). هدف تمامی شیوه‌های فرزندپروری، پرورش کودک و آماده‌سازی وی برای ایفای نقشی است که زندگی بر عهده‌اش می‌گذارند (رهواره و همکاران، ۱۴۰۱). کودکان چنان پرورش می‌یابند که بتوانند راه و رسم زندگی والدین خود را در ایفای نقش خود پی گیرند (آقامحمدی، ۱۳۹۳). والدین واسطه انتقال آرمان‌های فرهنگی کودک به اجتماع هستند، انسان اولین بار، آرمان‌ها و بایدها و نبایدها را از محیط خانواده و والدین خود می‌آموزد (صفایی حایری، ۱۳۹۹). بامریند^۶ (۱۹۶۷) بر اساس دو بعد پاسخ‌گویی و تقاضامندی والدین، سه سبک

۱. «أَقْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَخَيْرُكُمْ لَأَهْلِهِ»

2. Hillburn, J. M.

3. Perry W. H., Shaw

4. Lee, Soo-Young

5. Perceived parenting style of parents

6. Glover Rebecca, J.

7. Baumrind, D.

تربیتی (فرزندپروری) را پیشنهاد داد: سبک فرزندپروری مقتدرانه والدینی مقتدر که هم پذیرنده و هم متوقع هستند، سبک فرزندپروری مستبدانه والدینی که متوقع هستند، اما پذیرنده نیستند، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدینی که پذیرنده هستند، اما متوقع نیستند. سبک فرزندپروری مورد پسند دین مبین اسلام سبک مقتدرانه است؛ چراکه پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

مهر خداوندی از آن کسی باد که فرزند خود را در نیکو شدنش یاری دهد. (راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: چگونه می‌تواند او را در نیکو شدنش یاری دهد؟) حضرت فرمودند: کاری را که با آسانی انجام داده است از وی بپذیرد، از کاری که انجام دادن آن برایش سخت است درگذرد، او را به کاری بیش از توانش و ندارد، و وی را نادان نپندارد^۱ (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص، ۲۸۳، به نقل از: کتانی و جان‌بزرگی، ۱۴۰۳).

در همین راستا گفتنی است، اگرچه نقش و جایگاه پدر بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اما مادر نقشی بسیار پراهمیت در تربیت و رشد فرزندان دارد (پاتریک، ۲۰۰۰).

هال^۳ (۱۹۴۰، به نقل از: مصباح، ۱۳۹۴) بیان می‌کند که احساسات اساسی دین در ماه‌های اولیه کودکی، قابل باروری است؛ بنابراین در این ماه‌های نخست با مراقبت دلسوزانه از کودک که باید همراه با آرامش و قرار آمیخته باشد و از محرک‌های شدید و احساسات یا جابه‌جایی‌های غیرمنتظره دوری شود، این احساسات بنیادین پدید می‌آیند و بدین سان رشد اعتماد، قدرشناسی و عشق در کودک پرورش می‌یابد. این احساسات در آغاز متوجه مادر شده، و سپس به‌سوی خدا منعطف می‌گردد. کریک پاتریک در ابتدا با گسترش نظریه دلبستگی^۴ جان بالبی^۵، مفهوم سبک دلبستگی به خدا را بررسی کرد. او بر این باور است که تاریخچه دلبستگی با تفاوت‌های فردی عقاید مذهبی و الگوهای روان‌شناختی از خدا هماهنگ هستند، لذا بین ادراک دلبستگی دوران کودکی و اعتقادات انسان به خدا نیز رابطه وجود دارد. پاتریک معتقد است زمانی که شخص درمانده است، همان ارتباطی را با خدا برقرار می‌کند که در خلال کودکی با والدین خود داشته است و سبک‌های دلبستگی به والد پایه شکل‌گیری ارتباط با خدا می‌شود. گرولینک و همکاران^۶ (۱۹۹۷) سه مؤلفه مهم را در شیوه فرزندپروری ادراک‌شده از سوی مادر توسط فرزند را مطرح کردند که شامل گرمی مادر در عشق و علاقه به فرزند، اشتغال و حضور مادر به

۱. «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ (قال: قُلْتُ: كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَى بَرٍّ؟) قال: يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ...»

2. Kirkpatrick, L. A.

3. Clark L. Hull

4. attachment theory

5. Jone Balby

6. Grolnick, W. S., Ryan, R. M. & Deci, E. L.

فرزند که خود شامل پاسخ‌گویی جسمانی و هیجانی نسبت به فرزند است و در نهایت حمایت از خودمختاری از طرف مادر می‌باشد. رابطه فرد با خدا و تصویری که او از خداوند در ذهن دارد، متأثر از کیفیت رابطه او با مراقبان اولیه و والدین خود اوست (قابضی و دیگران، ۱۳۹۶). لوسیا و جویزی^۱ (۲۰۲۳) در نتایج پژوهش خود گزارش دادند، اگر والدین کودک خود را بپذیرند، منجر به تصویرسازی مثبت از خود و همچنین شکل‌گیری مفهوم خدا در کودک می‌شود، اما در صورتی که والدین کودک خود را نپذیرند، تصویر خود در کودک شکل نمی‌گیرد؛ در نتیجه، مفهومی از پذیرش خدا نیز در او شکل نمی‌گیرد. شیشه‌بر و اسعدی (۱۳۹۸) در نتایج پژوهش خود گزارش دادند خانواده‌های استبدادگر، سخت‌گیر و محافظت‌کننده موجب اضطراب و اجتناب از خدا می‌شوند. نوروزیان و سپهریان آذر (۱۳۹۵) در نتایج خود به این مفهوم اشاره کردند که سبک فرزندپروری مقتدر که با گرمی، راهنمایی و انتظارات معقول مشخص می‌شود، ممکن است دیدگاه مثبت کودک را نسبت به خدا به‌عنوان دوست‌داشتنی، عادل و دلسوز تقویت کند. با توجه به نتایج بررسی پیشینه داخلی و خارجی در رابطه با متغیرهای جو عاطفی خانواده، سبک فرزندپروری با تصویر خدا در ذهن با یکدیگر ارتباط دارند. این در حالی است که بر اساس یافته‌های پژوهش‌های مختلف، سازه روان‌شناختی عمیقی همچون تصویر ذهنی خدا که پایه‌ای برای توسعه کمی و کیفی دین‌داری است، در بستر خانواده شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، درک مبتکرانه خدا توسط کودکان، عمیقاً توسط روابط آنها با والدین شکل می‌گیرد. باین وجود، تا به حال این متغیر به‌طور هم‌زمان در کنار جو عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری مطالعه نشده است. بنابراین به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا جو عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری والدین تصور از خدا در ذهن دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر، نظری است و هدف آن بهبود یا گسترش دانش و حوزه مطالعاتی است، لذا پژوهش حاضر از نوع بنیادی و داده‌های مورد استفاده کمی است. روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است؛ زیرا پژوهشگر با استفاده از یافته‌های پژوهش، اطلاعات را کسب و بدون هیچ تغییری در قالب یک مدل توصیف نموده و نقش متغیرهای جو عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری را جهت پیش‌بینی تصویر خدا در ذهن مورد بررسی قرار داده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی دانشگاه قرآن و حدیث نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بوده و نمونه به روش در دسترس انتخاب شده است. در

مدل‌یابی معادلات ساختاری تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۱۵۰۰ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری‌شده تعیین شود و حجم نمونه نباید زیر ۲۰۰ نفر باشد (سرمد، حجازی و بازرگان، ۱۳۹۰). در این پژوهش هشت خرده‌مقیاس در جو عاطفی خانواده، سه خرده‌مقیاس در فرزندپروری ادراک‌شده از مادر و دو خرده‌مقیاس تصویر مثبت و منفی از خدا جمعاً سیزده خرده‌مقیاس اندازه‌گیری شده است. در نتیجه، طبق قاعده فوق، حجم نمونه این پژوهش عددی بین ۱۹۵-۶۵ می‌باشد، اما نباید حجم نمونه زیر ۲۰۰ نفر باشد. پس از توزیع پرسش‌نامه در پلتفرم مجازی پرس لاین و با حذف داده‌های غیر قابل قبول، در نهایت ۲۱۰ پرسش‌نامه مورد بررسی آماری قرار گرفت که در این امر ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه، پاسخ‌گویی صادقانه و حفظ اطلاعات شخصی بود. در پژوهش حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین^۱ و انحراف معیار^۲ و همچنین روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به شیوه حداقل مربعات جزئی^۳ در بخش آمار استنباطی استفاده شد و از نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخه ۲۷ و نسخه ۳ Smart-pls برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسش‌نامه جو عاطفی خانواده

پرسش‌نامه جو عاطفی خانواده در سال (۱۹۶۴) توسط آلفرد هیل برن با هدف «ارزیابی جو عاطفی خانواده» (رابطه پدر - فرزندی و رابطه مادر - فرزندی، یعنی محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد، احساس امنیت) طراحی و تدوین شده است. این پرسش‌نامه دارای ۱۶ سؤال و ۸ بعد می‌باشد و بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت به سنجش جو عاطفی خانواده می‌پردازد. در این تحقیق منظور از جو عاطفی خانواده نمره‌ای است که پاسخ‌دهندگان به سؤالات ۱۶ گویه‌ای پرسش‌نامه جو عاطفی خانواده می‌دهند. هر دو سؤال یکی از خرده‌مؤلفه‌های جو عاطفی را اندازه‌گیری می‌کنند و پرسش‌نامه سؤال معکوس ندارد. در پژوهش عسگری و همکاران (۱۳۹۰) برای بررسی همسانی درونی این مقیاس از روش‌های آلفای کرونباخ^۴، تنصیف^۵ و گاتمن^۶ استفاده شد که به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۷ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول این مقیاس است. در پژوهش حاضر میزان پایایی کل این ابزار بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به‌دست آمد.

1. The average
2. Standard deviation
3. Structural equation modeling using partial least squares
4. Cronbach's alpha
5. Halving
6. Guttman

۲. پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری ادراک‌شده

پرسش‌نامه‌ی ادراک از والدین توسط گروینک و همکارانش در سال ۱۹۹۷ با ۲۱ گویه برای سنجش فرزندپروری ادراک‌شده از مادر ساخته شده است که دربرگیرنده ۳ مؤلفه‌ی درگیری مادر، درگیری حمایت مادر از خودمختاری، گرمی مادر در رابطه می‌باشد که بر اساس مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای است. هرچه نمره‌ی حاصل‌شده از این پرسش‌نامه بیشتر باشد، نشان‌دهنده‌ی میزان بیشتر ادراک مثبت فرد از نحوه‌ی عملکرد مادر در رابطه خواهد بود و بالعکس. در پژوهش میری و همکاران (۱۳۹۱) روایی محتوایی، صوری و ملاکی این پرسش‌نامه مناسب ارزیابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده در پژوهش میری و همکاران برای این پرسش‌نامه بالای ۰/۷ برآورد شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱۲ به‌دست آمد.

۳. پرسش‌نامه‌ی تصور از خدا

پرسش‌نامه‌ی تصور از خدا، از مقیاس وضعیت مذهبی (RSI) گرینوی و همکاران (۲۰۰۳) از آیت‌هایی که مربوط به خداوند بوده، اقتباس و به‌کار گرفته شده است. این آزمون شامل ۲۷ سؤال و سه خرده‌آزمون حضور خدا، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند است. خرده‌آزمون‌های حضور خدا در زندگی و مراقبت خداوند با هم ترکیب شده و مقیاس تصور مثبت از خدا را تشکیل داده‌اند. بنابراین در نهایت پرسش‌نامه از دو مقیاس اصلی تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا تشکیل شده است. نمره‌گذاری این آزمون به شیوه‌ی لیکرت است. این پرسش‌نامه توسط خسروی (۱۳۸۴) ترجمه شده است. گرینوی و همکاران پایایی درونی سه خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خدا را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۶۹ به‌دست آورده‌اند و آن را نشانه‌ی پایایی درونی خوب این آزمون می‌داند. فیض‌آبادی و خسروی (۱۳۸۸) پایایی پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمجموعه‌های تصور منفی از خدا، ۰/۷۶، تصور مثبت از خدا، ۰/۸۵، حضور خدا در زندگی، ۰/۸۳ و برای کل پرسش‌نامه، ۰/۷۹ و نتیجه‌ی آزمون و آزمون مجدد را ۰/۷۹ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای تصور مثبت از خدا ۰/۸۲۲ و برای تصور منفی از خداوند ۰/۹۲۶ به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

حجم نمونه‌ی نهایی شامل ۲۱۰ نفر از دانشجویان بود که تعداد ۵ نفر از نمونه‌ی نهایی به‌عنوان داده‌های پرت خارج شدند و از این تعداد ۱۸۰ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی و ۳۰ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد بودند. در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (n=۱۲۴)

نام متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
سبک فرزندپروری	درگیری مادر	۲۸/۴۱۹	۸/۶۲۸	-۰/۱۹	-۱/۰۲۶	۹	۴۲
	حمایت مادر از خودمختاری	۴۲/۱۲۱	۱۲/۰۸۹	-۰/۲۳۸	-۰/۴۸۶	۱۲	۶۳
	گرمی مادر	۳۳/۱۶۱	۸/۱۲۳	-۰/۹۷۷	۰/۳۶۷	۸	۴۲
	نمره کل فرزندپروری ادراک‌شده	۱۰۳/۷۰۲	۲۶/۷۳۱	-۰/۳۲۷	-۰/۶۰۵	۳۹	۱۴۷
جو عاطفی خانواده	محبت	۶/۲۵۸	۱/۵۰۸	-۰/۷۵۳	-۰/۱۷۳	۲	۸
	نوازش	۵/۳۱۵	۱/۷۸۲	-۰/۳۱۲	-۰/۸۱۶	۲	۸
	تأیید کردن	۵/۸۶۳	۱/۵۲۱	-۰/۶۳۷	۰/۰۷۸	۲	۸
	تجربه‌های مشترک	۵/۰۷۳	۱/۷۸۱	-۰/۰۵	-۰/۸۸۴	۲	۸
	هدیه دادن	۵/۶۷۷	۱/۶۸	-۰/۴۷۱	-۰/۴۰۱	۲	۸
	تشویق کردن	۵/۷۱	۱/۷۹۳	-۰/۴۷۴	-۰/۶۹۶	۲	۸
	اعتماد	۶/۲۱	۱/۶۸۸	-۰/۵۹۴	-۰/۵۳۸	۲	۸
	احساس مثبت	۶/۳۷۹	۱/۶۴۶	-۰/۷۷۲	-۰/۳۸۴	۲	۸
	نمره کل	۴۶/۴۸۴	۱۰/۸۳۷	-۰/۴۵۵	-۰/۶۰۴	۲۰	۶۴
تصور مثبت از خدا	حضور خدا در زندگی	۴۶/۲۱	۶/۹۴۳	-۰/۶۹	-۰/۳۹	۲۸	۵۵
	مراقبت خداوند	۳۹/۸۲۳	۶/۹۷۶	-۰/۸۳۳	۰/۷۷۹	۱۳	۵۰
	نمره کل	۸۶/۰۳۲	۱۲/۸۳۴	-۰/۶۳۷	-۰/۴۶۹	۵۳	۱۰۵

بر اساس نتایج گزارش‌شده در جدول (۱) میانگین سبک فرزندپروری ادراک‌شده برابر ۱۰۳/۷۰، میانگین جو عاطفی برابر ۴۶/۴۸ و میانگین تصور مثبت از خدا برابر ۸۰/۰۳ است. همه شاخص‌های کجی^۱ و کشیدگی^۲ در دامنه ۲+ الی ۲- قرار دارند.

برای بررسی میزان پیش‌بینی‌کنندگی تصور مثبت از خدا بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و جو عاطفی خانواده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به شیوه حداقل مربعات جزئی استفاده شد. برای انجام این کار ابتدا پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری متغیرها با استفاده از میزان بارهای عاملی،^۳ آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی^۴ و میانگین واریانس استخراج‌شده^۵ (AVE) بررسی شد.

1. Skewness
2. Kurtosis
3. Factor loads
4. Composite Reliability
5. Average Variance Extracted

جدول ۲: شاخص‌های مربوط به کیفیت مدل اندازه‌گیری متغیرها

متغیر	نشانگر	بارهای عاملی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
سبک فرزندپروری	درگیری مادر	۰/۹۰۵	۰/۹۱۲	۰/۹۴۵	۰/۸۵۱
	حمایت مادر از خودمختاری	۰/۹۵۳			
	گرمی مادر	۰/۹۰۸			
جو عاطفی خانواده	محبت	۰/۸۳۶	۰/۹۲۵	۰/۹۳۸	۰/۶۵۶
	نوازش	۰/۸۰۸			
	تأیید کردن	۰/۸۱۷			
	تجربه‌های مشترک	۰/۷۹۹			
	هدیه دادن	۰/۷۶۵			
	تشویق کردن	۰/۸۱۸			
	اعتماد	۰/۷۷۰			
تصور مثبت از خدا	احساس مثبت	۰/۸۵۸	۰/۸۲۲	۰/۹۱۸	۰/۸۴۹
	حضور خدا در زندگی	۰/۹۲۸			
	مراقبت خداوند	۰/۹۱۵			

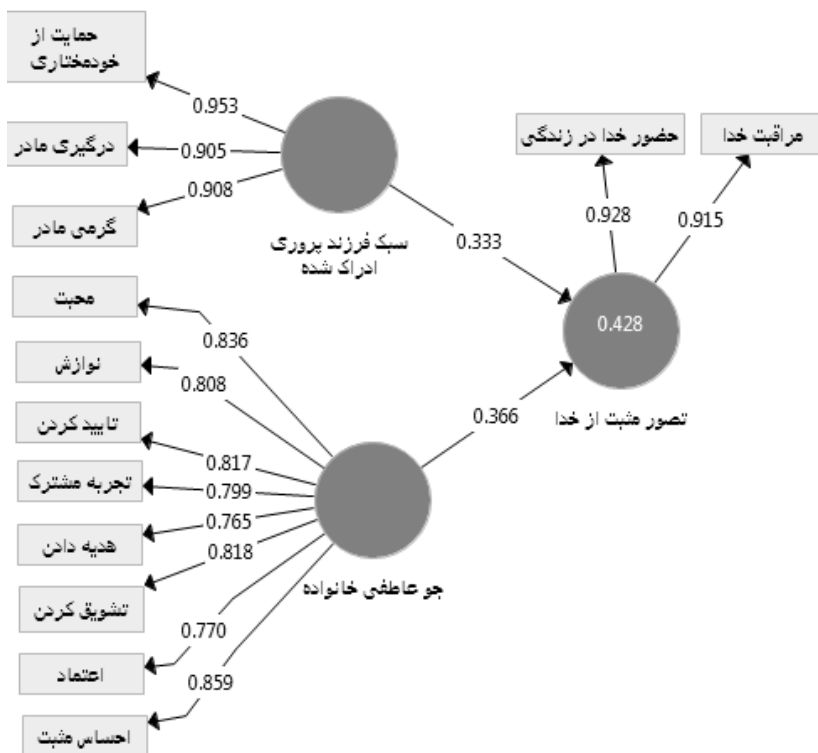
همان‌گونه که از داده‌های جدول (۲) مشاهده می‌شود، میزان بارهای عاملی متغیرهای نشانگر هر عامل بزرگ‌تر از ۰/۷۰ است و نشان می‌دهد که متغیرهای نشانگر از بار عاملی مطلوبی برخوردار هستند. میزان آلفای کرونباخ به‌عنوان معیار سنتی و محافظه‌کار برای همسانی درونی و پایایی ترکیبی یا مرکب به‌عنوان یک معیار دیگر برای بررسی همسانی درونی که همگی بیشتر از ۰/۷۰ هستند، نشان‌دهنده پایایی مطلوب مدل‌های اندازه‌گیری هستند. معیار AVE میزان همبستگی یک متغیر مکنون با نشانگرهای خود بوده و روایی هم‌گرایی^۱ مدل را نشان می‌دهد. هر قدر میزان این همبستگی بیشتر باشد، روایی هم‌گرایی مدل اندازه‌گیری نیز بیشتر است. مقدار AVE بزرگ‌تر از ۰/۵۰ نشان‌دهنده روایی هم‌گراست (زارعی، ۱۳۹۷). در جدول (۳) ضرایب همبستگی بین متغیرها و روایی افتراقی^۲ مدل‌های اندازه‌گیری گزارش شده است.

1. Convergent Validity
2. Discriminant validity

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین متغیرها و روایی افتراقی

سبک فرزندپروری ادراک شده	جو عاطفی خانواده	تصور مثبت از خدا	
		۰/۹۳۱	تصور مثبت از خدا
	۰/۸۱	۰/۶۱۷	جو عاطفی خانواده
۰/۹۳۲	۰/۷۵۶	۰/۶۰۹	سبک فرزندپروری ادراک شده

همان گونه که از داده‌های مندرج در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، مقدار جذر AVE در قطر جدول (۴) گزارش شده است که از همبستگی‌های میان متغیرهای مکنون موجود در مدل بیشتر بوده و نشان‌دهنده روایی افتراقی مدل‌های اندازه‌گیری است. پس از تأیید کیفیت مدل اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه، مدل ساختاری پژوهش آزمون شد (شکل ۱).



شکل ۱: نتایج مدل اندازه‌گیری (بیرونی) و مدل ساختاری (درونی) در حالت ضرایب استاندارد

نتایج حاصل در شکل (۱) نشان می‌دهد میزان ضریب تعیین یا R² که در داخل دایره متغیر ملاک یا وابسته مدل نشان داده شده است، ۴۲/۸ درصد از واریانس متغیر تصور مثبت از خدا از طریق متغیرهای

پیش‌بین مدل، یعنی سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و جو عاطفی خانواده تبیین شده است. به‌عنوان یک قاعده کلی، مقدار R^2 برابر ۰/۰۲۵، ۰/۵۰ و ۰/۷۵ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قابل توجه در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این قاعده کلی، مقدار R^2 به‌دست‌آمده به‌عنوان ضریب تعیین متوسط محسوب شده و نشان‌دهنده برازش متوسط مدل ساختاری پژوهش است. در جدول ذیل ضرایب مسیر و معناداری آنها با استفاده از آماره t گزارش شده است.

جدول ۵: ضرایب مسیر و معناداری ضرایب با آماره t

از متغیر مکنون	به متغیر مکنون	مقدار ضریب استاندارد	آماره t	sig
سبک فرزندپروری ادراک‌شده $\rightarrow$	تصور مثبت از خدا	۰/۳۳۳	۲/۹۱	۰/۰۰۴
جو عاطفی خانواده $\rightarrow$	تصور مثبت از خدا	۰/۳۶۶	۳/۵۱	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج گزارش‌شده در جدول (۵) ضریب مسیر مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده (۰/۳۳۳) و جو عاطفی (۰/۳۶۶) به تصور مثبت از خدا وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش پیش‌بینی تصور ذهنی از خدا در ذهن دانشجویان بر اساس جو عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری ادراک‌شده از مادر بود. یافته‌ها نشان داد ضریب مسیر مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده و جو عاطفی به تصور مثبت از خدا وجود دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های داخلی (برآبادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رحیمی‌نژاد و پاک‌نژاد، ۱۳۹۳؛ خیراللهی کوهانستانی و صادقی، ۱۳۹۴؛ اعظمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نوروزی و سپهریان آذر، ۱۳۹۵؛ قابضی و همکاران، ۱۳۹۶؛ سرآبادانی تفرشی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۷؛ شیشه‌بر و اسعدی، ۱۳۹۸؛ عاشقی و همکاران، ۱۳۹۸؛ میکائیلی و پرزور، ۱۳۹۸؛ میرجلیلی و همکاران، ۱۳۹۹؛ فیروزی و همکاران، ۱۴۰۱) و پژوهش‌های خارجی (لی، ۲۰۱۴؛ شاو، ۲۰۱۶؛ ملانی، ۲۰۱۹؛ بولت و همکاران، ۲۰۲۰؛ کاپتانوویچ و اسکوگ، ۲۰۲۰؛ لوسیا و جویزی، ۲۰۲۳) همسو است. بر اساس نتایج پژوهش توپچی و همکاران (۱۴۰۲)، جو عاطفی خانواده با تصویر مثبت از خدا رابطه مثبت و معنادار دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت جو عاطفی خانواده به‌عنوان نخستین و پایدارترین محیطی که فرد در آن رشد می‌یابد، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری نگرش‌ها، باورها و تصویر ذهنی او از جمله خدا دارد. شاید از این جهت است که خداوند در آیه ۲۱ سوره روم اساس رابطه زوجین را مودت و رحمت

معرفی کرده است؛^۱ چراکه کودکان در این فضا پرورش می‌یابند و رشد می‌کنند. در خانواده‌ای که ارتباطات عاطفی قوی، حمایت روانی، درک متقابل و ابراز محبت به‌صورت مداوم جریان دارد، کودک احساس امنیت، ارزشمندی و پذیرش را تجربه می‌کند. این احساسات درونی‌شده در فرآیند رشد، به نحوه نگرش او نسبت به خداوند تعمیم می‌یابد و موجب می‌شود که او خدا را به‌عنوان موجودی مهربان، حامی و بخشنده ببیند (افروز، ۱۳۹۶). از منظر نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۲ (۱۹۷۷)، فرزندان الگوهای رفتاری و هیجانی والدین را مشاهده و درونی می‌کنند و در خانواده‌ای که محبت و حمایت در جریان است، کودک می‌آموزد که روابط مبتنی بر اعتماد و دوستی را با دیگران از جمله با خدا برقرار کند. بنابراین چنین فردی هنگام رویارویی با مسائل دینی، احتمال بیشتری دارد که خداوند را موجودی همراه، خیرخواه و حمایتگر ببیند (روجرز،^۳ ۲۰۱۳). بر اساس دیدگاه رشد شناختی پیاژه^۴ (۱۹۶۹) که به شناخت دینی نیز قابل تعمیم است، کودکان در سنین پایین خدا را بر اساس تجربیاتشان با والدین و مراقبان اولیه درک می‌کنند؛ از این رو اگر این تجربیات مملو از مهربانی، توجه و همدلی باشد، کودک خدا را نیز با همین ویژگی‌ها خواهد شناخت (گانتی و بوری،^۵ ۲۰۰۸). در مقابل، خانواده‌هایی که دارای جو عاطفی سرد، پر از تعارض و فاقد حمایت روانی هستند، بستر مناسبی برای شکل‌گیری تصویر مثبت از خدا فراهم نمی‌کنند. در چنین محیط‌هایی، کودک ممکن است احساس ناامنی، طرد شدن یا عدم ارزشمندی کند. این تجربه‌های منفی، بعدها در زندگی او به شکل تصویری سخت‌گیر، بی‌رحم یا غیر قابل دسترس از خدا تجلی می‌یابند (برکاو و ادوارز،^۶ ۱۹۹۴، به نقل از: رادی و همکاران، ۱۳۹۳). بر اساس نظریه طرح‌واره‌های شناختی یانگ^۷ (۱۹۹۰)، افرادی که در کودکی تجربه‌های عاطفی منفی و آسیب‌زا داشته‌اند، احتمالاً طرح‌واره‌های ناسازگاری همچون «بی‌ارزشی» یا «بی‌اعتمادی» را در خود پرورش می‌دهند. این طرح‌واره‌ها نه تنها در روابط بین فردی، بلکه در باورهای دینی آنها نیز بازتاب می‌یابد؛ به گونه‌ای که خداوند را موجودی سخت‌گیر، تنبیه‌کننده و ناپذیرا درک می‌کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین بر اساس نظریه دلبستگی کرک پاتریک (۱۹۹۹)، افرادی که در دوران کودکی سبک دلبستگی ناایمن را تجربه کرده‌اند، بیشتر احتمال دارد که رابطه‌ای

۱. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...»

2. Albert Bandura

3. Rogers, P.

4. piazheh

5. Gunty, A. L. & Buri, J. R.

6. Brokaw, B. F. & Edwards, K. J.

7. Young

ترس‌آلود و دلهره‌آور با خدا داشته باشند. برای مثال، فردی که والدینش برای کوچک‌ترین اشتباهی او را تنبیه کرده‌اند، ممکن است خدا را نیز همانند یک والد سخت‌گیر تصور کند که به دنبال مجازات است. پژوهش‌ها در روان‌شناسی دین نشان داده‌اند که کودکان والدین مستبد که در خانواده‌های کنترل‌گر و فاقد محبت رشد یافته‌اند، بیشتر احتمال دارد که تصویری منفی از خدا، به‌عنوان موجودی سخت‌گیر و مجازات‌کننده، در ذهن خود شکل دهند. این افراد معمولاً از دین و مفاهیم مذهبی احساس ترس و اضطراب دارند؛ زیرا آن را منبع تنبیه و محدودیت می‌دانند (گرینوی، ۲۰۰۳، به نقل از: خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱). بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده و تصویر از خدا نشان می‌دهد که فضای خانوادگی، یکی از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌دهنده درک افراد از مفاهیم متعالی و الهی است. تجربه‌های مثبت در خانواده، نظیر محبت، درک و حمایت عاطفی، زمینه‌ساز درک خداوند به‌عنوان موجودی مهربان و حامی است. در مقابل، خانواده‌های سرد، مستبد و فاقد تعاملات عاطفی سالم، باعث شکل‌گیری تصویری منفی از خداوند می‌شوند که با احساس ترس، طردشدگی و سخت‌گیری همراه است. همچنین مطابق نتایج این پژوهش بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده از مادر با تصویر مثبت خدا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده از مادر با تصویر منفی خدا رابطه منفی و معنادار وجود دارد. در تبیین این یافته‌ها بر اساس پیشینه پژوهش می‌توان گفت، افراد در دوران کودکی با درونی‌سازی اولیه‌ای که در ارتباط با والدین و مراقبان در خویش شکل می‌دهند و این الگوهای درون‌سازی‌شده مثبت یا منفی نسبت به مراقبان، در شکل‌دهی نوع تصویر از خدا مؤثر است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳). در تبیین این رابطه می‌توان از نظریهٔ اریک اریکسون^۱ یاد کرد. بر اساس مرحلهٔ اول در این نظریه، در مراحل ابتدایی زندگی، نوزاد در تعامل با مراقبان اولیهٔ خود است و در این تعامل می‌کوشد همسانی، پیش‌بینی‌پذیر بودن و اتکا را پیدا کند و زمانی که احساس می‌کند والدینش باثبات، همسان و قابل اتکا هستند، آنگاه حس عمیق اعتماد به والد در او شکل می‌گیرد. با توجه به آنچه بیان شد، شیوهٔ تعامل ابتدایی مراقبت‌کننده در شکل‌گیری تصویر مثبت، اعتماد به جهان هستی و احساس امنیت نقش اساسی دارد و انسان می‌تواند این احساس مثبت و قابل اتکایی را به سایر روابط انتقال دهد (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳). وینیکات^۲ (۱۹۵۳) مفهوم خدا را از جمله اشیای انتقالی در نظر می‌گیرد که در نتیجهٔ تأمین نیازمندی‌های حیاتی کودک از سوی مادرش شکل می‌گیرد و همچنین با نظریهٔ شیلدروپها^۳ (۱۹۴۶)، به نقل از: سالاری‌فر، (۱۳۸۸)

1. Erik Erikson

2. Winnicott

3. Shildrops

همخوانی داشت که بر نقش مادر در شکل‌گیری نگرش مذهبی تأکید دارد و اشتیاق و تقرب به خدا را در نتیجه رفتار مادر می‌داند. افرادی که دارای تصویر مثبت از مادر هستند، دارای الگوی درونی تصور مثبت از خدا هستند. آنها پس از شکل‌گیری تصور مثبت از خدا بر این باورند که خدا به‌منزله یک پایگاه حضور دارد. همان‌طور که کودک مادر را پایه و اساس ایمنی می‌داند و در محیط جست‌وجو می‌کند، فرد نیز با اعتماد به اینکه خداوند اساس ایمنی است او را مهربان، در دسترس، یاری‌رسان، پناهگاه مطمئن و بهترین مونس برای خود می‌داند و تصورش این است که خداوند با آغوش باز او را می‌پذیرد (پاتریک، ۱۹۹۹). در پژوهش توپچی و همکاران (۱۴۰۲) گزارش شده است که هرچند تصویر والدین نشان‌دهنده تصور خداست، اما تصور از خویشستن و خودپنداره مؤلفه قوی‌تری از نگاه فرد به خداست. پژوهش‌ها نشان داده‌اند کودکانی که خدا را قدرتمند تصور می‌کنند، هر دو والد به‌خصوص مادر را قدرتمند و با ویژگی‌های پدرانه در نظر می‌گیرند (دیک‌کی^۱ و همکاران، ۱۹۹۷). این یافته‌ها می‌توانند در حوزه مشاوره خانواده و روان‌شناسی دین مورد استفاده قرار گیرند تا راهکارهایی برای بهبود روابط خانوادگی و در نتیجه، اصلاح نگرش‌های دینی ارائه شود. از این منظر، تربیت مبتنی بر محبت و حمایت نه تنها بر سلامت روانی افراد تأثیرگذار است، بلکه نقش مهمی در شکل‌دهی معنویت مثبت و نگرش سالم نسبت به خداوند دارد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش که می‌توان به آنها اشاره کرد: نارسایی در اثبات علیت در طرح پژوهش حاضر، مشخص کردن روابط علی مفروض در مدل پیشنهادی و سیر تحولی دلبستگی در سنین مختلف رشد است که نیازمند مطالعات طولی می‌باشد. اگرچه داده‌های این پژوهش با مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد، اما تفسیر نهایی نتایج، به‌صورت علت و معلولی، باید با احتیاط صورت گیرد. مدل‌های ارائه‌شده در پژوهش حاضر، مدل‌های علی مبتنی بر ارتباط‌سنجی است، پس نباید روابط علت و معلولی تام را از آنها استنباط کرد. روش نمونه‌گیری در دسترس قابلیت تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد. همچنین با توجه به ماهیت پژوهش امکان اثرگذاری تعصبات دینی در پاسخ‌گویی به سؤالات دور از انتظار نیست؛ چراکه بررسی مفاهیم دینی و اعتقادی بسیار عمیق و مفهومی است، و نیز امکان دارد افراد با وجود ناشناس بودن در پاسخ به سؤالات مفاهیم واقعی خود را بیان نکرده باشند، لذا به پژوهشگران محترم پیشنهاد می‌شود در اجرای پژوهش‌های آینده از روش‌های پژوهشی اثربخشی، طولی، مقطعی، علت و معلولی استفاده کنند و نیز با به‌کارگیری سایر روش‌های نمونه‌گیری تصادفی، از جمله روش طبقه‌ای، اجرای پژوهش در سایر گروه‌های سنی و اقشار و محیط‌های اجتماعی، استفاده از سایر روش‌های

1. Dickie, J. R.

جمع‌آوری اطلاعات، از جمله مصاحبه یا آزمون‌های فرافکن، استفاده از روش‌های تکمیلی مانند مصاحبه‌های عمیق یا مشاهده می‌توانند داده‌های دقیق‌تری را به‌دست آورند. بررسی نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در تبیین رابطه متغیرهای پژوهش، استفاده از روش‌های کیفی برای درک عمیق‌تر از نحوه شکل‌گیری تصویر خدا، اضافه کردن داده‌های کیفی (مانند تحلیل محتوای متون دینی) می‌تواند درک عمیق‌تری از موضوع پژوهش و نتایج به‌دست‌آمده ارائه دهد. متغیرهای مورد مطالعه تنها بخشی از عوامل مؤثر بر تصویر خدا هستند. سایر عوامل مانند ویژگی‌های شخصیتی، تجربیات معنوی، یا عوامل محیطی می‌توانند در پژوهش‌های آینده به‌عنوان متغیرهای تکمیلی بررسی شوند.

منابع

قرآن کریم.

- آقامحمدی، جواد (۱۳۹۳). بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان. *پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی*، ۲، ۱۰۵.
- ابراهیمی، سیدمحسن، سیاه‌منصور، مژگان و امامی‌پور، سوزان (۱۳۹۳). چگونگی نقش سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی در شکل‌گیری تصور از خدا در دانش‌آموزان دوره متوسطه. *تحقیقات روان‌شناختی*، ۶(۲۲)، ۸۵-۷۲.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول* ﷺ. مصحح: علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- افروز، غلام‌علی (۱۳۹۶). *روان‌شناسی رابطه‌ها*. تهران: دانشگاه تهران.
- اعظمی، کیوان؛ قادری ثانوی، رمضانعلی؛ فتحی، منصور؛ رفیعی، حسن و قائد امینی هارونی، غلامرضا (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و هم‌نشینی با همسالان بزه‌کار. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۷(۱)، ۷۷-۵۷.
- برآبادی، حسین‌احمد؛ اسمعیلی، معصومه؛ سلیمی بجستانی، حسین و کلانتر کوشه، سیدمحمد (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه کیفیت تصور از خدا در بیماران مضطرب و افراد سالم. <http://ensani.ir/fa/article/423434>
- برات‌پور، شهرزاد و نادری، فرح (۱۴۰۲). رابطه علی‌هوش معنوی و هوش اخلاقی با دلبستگی به خدا از طریق تصویر فرد از خدا در دانشجویان. *دستاوردهای روان‌شناختی*، ۳۰(۱)، ۲۲۲-۲۰۵.
- پاتریک، کرک (۲۰۰۰). *دلبستگی، تکامل و روان‌شناسی دین*. ترجمه غلامرضا محمودی. تهران: وانی.
- توپچی، یاور؛ روشن چسلی، رسول و جان‌بزرگی، مسعود (۱۴۰۲). تدوین مدل نظم‌جویی شناختی هیجان بر اساس مؤلفه‌های خداپنداره، خودپنداره و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری نیرومندی من. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۷(۳۲)، ۱۰۳-۷۹. doi: 10.30471/psy.2023.8460.1983
- خاکساری، زهرا و خسروی، زهره (۱۳۹۱). خدا و تصور مثبت و منفی از او. *روان‌شناسی و دین*، ۵(۲)، ۸۳-۹۸.
- <https://ensani.ir/file/download/article/20140107151156-9716-40.pdf>
- خیراللهی کوهانستانی، اکرم و صادقی، سعید (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری والدینی و تصور از خدا در نوجوانان دختر (۱۵-۱۸ ساله) مبارکه. *دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران*. قم. <https://civilica.com/doc/418975>
- رادی، مریم؛ حسین ثابت، فریده و برجلی، احمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تصور از خدا در دانشجویان دانشگاه شیراز. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱۵(۱)، ۴۳-۶۰.
- رحیمی‌نژاد، عباس و پاک‌نژاد، محسن (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و نیازهای روان‌شناختی با سلامت روانی نوجوانان. *خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۱)، ۹۹-۱۱۱.

- رهواره، خدیجه؛ جامی، منیژه؛ رهواره، فاطمه و رئیسی، نائله (۱۴۰۱). بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. پنجمین همایش بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی. زارعی، حیدرعلی (۱۳۹۷). راهنمای آمار استنباطی در روان‌شناسی به زبان ساده. تهران: ارجمند.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۸). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سرآبادانی تفرشی، لیلا و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۷). رابطه‌ی خدایاندره (تصورپردازی ساختگی از خدا) و تحول روانی معنوی با افسردگی، اضطراب و استرس در دانشجویان. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۴(۳)، ۴۵-۵۶.
- سرمد، زهره؛ حجازی، الهه و بازگان، عباس (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۲). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.
- شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- شهبازی‌زاده، فاطمه و مظاهری، محمدعلی (۱۳۹۱). دلبستگی ادراک‌شده دوران کودکی کنش‌وری خانواده و مقابله مذهبی. روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۳۱(۸)، ۲۲۱-۲۳۴.
- شیشه‌بر، نگار و اسعدی، سمانه (۱۳۹۸). رابطه تصویر والدین با تصویر خدا در کودکان ۸-۱۲ ساله: با رویکردی تحولی. خانواده‌پژوهی، ۱۵(۳)، ۳۱۱-۳۳۰.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۵). من لا یحضره الفقیه. ویراستار: علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صفایی حایری، علی (۱۳۹۹). آیه‌های سبز: داستان‌ها و نکات تربیتی. قم: لیل‌القدر.
- عاشقی، آرزو؛ خوش‌روش، وحید و یعقوبی، فاطمه (۱۳۹۸). رابطه جو عاطفی خانواده، حمایت اجتماعی ادراک‌شده با گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان شهر رشت. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۲(۲۱)، ۱۵-۲۶.
- <https://www.ensani.ir/file/download/article/1612094930-10144-99-170.pdf>
- عظیمی‌فر، شیرین؛ جزایری، رضوان السادات؛ فاتحی‌زاده، مریم و عابدی، احمد (۱۳۹۶). هم‌سجی تأثیر آموزش مدیریت والدین و آموزش فرزندپروری با روش درمانگری متمرکز بر پذیرش و تعهد در رابطه مادر - کودک مادران کودکان دچار مشکلات رفتاری برونی‌سازی‌شده. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۷(۲)، ۹۹-۱۲۲. doi: 10.22034/fcp.2018.57613
- عسگری، پرویز؛ صف‌زاده، سحر و قاسمی‌مفرد، مریم (۱۳۹۰). رابطه جو عاطفی خانواده و جهت‌گیری دهبی با گرایش به اعتیاد. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۵(۸)، ۷-۲۶.
- غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار، علی‌اکبر (۱۳۹۰). دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱(۴)، ۸۱-۱۰۶.
- <https://www.ensani.ir/file/download/article/20120419193448-8048-30.pdf>
- فیروزی، راحله؛ حسین‌نژاد، امین و زراست‌وند، عاطفه (۱۴۰۱). رابطه جو عاطفی خانواده و تنظیم شناختی هیجان با نشانه‌های اختلال نارسایی توجه / بیش‌فعالی در دانش‌آموزان. تعلیم‌و تربیت استثنایی، ۲(۱۶۸)، ۵۷-۶۸.
- فیض‌آبادی، سلیمه و خسروی، زهره (۱۳۸۸). مقایسه تصور از خدا و رضایت از زندگی در بین زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان. پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، ۴(۲)، ۹-۱۰.
- قابضی، فاطمه؛ صادقی، منصوره سادات؛ مرادخانی، لیلا، و پاسبانی، ریحانه (۱۳۹۶). پیش‌بینی‌پذیری احساس تنهایی بر اساس سبک دلبستگی با توجه به نقش میانجیگری ارتباط با خدا. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۱(۲۱)، ۱۰۷-۱۳۰. doi: 10.30471/psy.2018.1426
- کثانی، فاطمه و جان‌بزرگی، مسعود (۱۴۰۳). پیش‌بینی سلامت روانی بر اساس سبک‌های دلبستگی، تحول روانی معنوی و تصور از خدا در بین دانشجویان دختر. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۸(۳۵)، ۱۲۷-۱۴۷. doi: 10.30471/psy.2024.9700.2183
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). اصول کافی. ترجمه حسین ولی. تهران: دارالکتب.
- مصباح، ایمان و صدوری دمیرچی، اسماعیل (۱۴۰۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ با میانجیگری. رویش روان‌شناسی، ۱۲(۸)، ۴۵-۵۶.
- مصباح، علی (۱۳۹۴). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.

- میری، میرنادر؛ بهرامی، احسان و بهرامی‌زاده، حمید (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های تربیتی ادراک‌شده پدر و رفتارهای پرخطر. *علوم روانشناختی*، ۱۱(۴۱)، ۷۸-۹۱.
- میرجلیلی، علی‌محمد؛ فلاح، محمدحسین؛ زارع زردینی، احمد و یوسفی، سمیه (۱۳۹۹). بررسی کیفی علل انگاره‌های ذهنی نادرست از خداوند. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۴(۱)، ۲۳۹-۲۵۱.
- میکائیلی، اشرف و پرزور، پرویز (۱۳۹۷). الگوسازی معادلات ساختاری ارتباط بین تصور مثبت و منفی از خداوند با مؤلفه‌های سلامت روان (اضطراب، استرس و افسردگی) در دانش‌آموزان. *پژوهش‌های مشاوره*، ۶۹، ۱۶۳-۱۸۵.
<https://www.ensani.ir/file/download/article/1591109343-10271-98-170.pdf>
- نوروزی، مرصده و سپهریان آذر، فیروزه (۱۳۹۵). مقایسه نظریه ذهن، مفهوم خدا و مفهوم میهن در بین کودکان دارای سبک‌های فرزندپروری متفاوت. *شناخت اجتماعی*، ۵(۱)، ۸۳-۹۹.
- نیک‌سیرت، فرشته؛ خادمی اشکنزی، ملوک و هاشمی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر. *انديشه‌های نوین تربیتی*، ۱۲(۴)، ۱۵۱-۱۷۴. doi: 10.22051/jontoe.2017.2686
- یانگ، جفری؛ کلوکسو، ژانت و ویشار، مارجوری (۲۰۰۳). *طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: ارجمند.
- Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behaviour. *Genetic Psychology Monographs*, 15, 43-88.
- Dickie, J. R., Eshleman, A. K., Merasco, D. M., Shepard, A., Vander, M., and Johnson, M. (1997). Parent-child relationships and children's images of God. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36, 25-43
- Eurelings-Bontekoe, E. H. M., Hekman-Van Steeg, J. & Verschuur, M. J. (2005). The association between personality, attachment, psychological distress, church denomination and the god concept among a non-clinical sample. *Mental Health, Religion & Culture*, 8(2), 141-154.
- Glover Rebecca, J.(1996). Relationships in moral Reasoning and religion among members of conservative, Moderate, and liberal Religious Groups. *The Journal of social psychology*, 1(137).
- Grolnick, W. S., Ryan, R. M., & Deci, E. L. (1991). Inner resources for school achievement: Motivational mediators of children's perceptions of their parents. *Journal of educational psychology*, 83(4), 508-517
- Gunty, A. L., Buri, J. R. (2008). Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas. Online Submission, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern, Psychological Association (Chicago, IL, 33pp).
- Hillburn, J. M. (1964). Effect of adolescence on the serum growth hormone response to hypoglycemia. *J Pediatr*, 77(3), 465-467.
- Lawrence, R. T. (1997). Measuring the image of god: The god imdge inventory and the god image scales. *The Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-226
- Lee, Soo-Young. Biola University ProQuest Dissertations & Theses, 2014. 3685738.
<https://www.proquest.com/docview/1666453679/C4065B4274FB4057PQ/22?sourcetype>.
- Lucia Mwikali K. Mutuku, Joyzy Pius Egunjobi. (2023). Influence of parenting styles on image of God among selected students of Teresa Nuzzo Girls Secondary School, Kiambu County, Kenya.
- Perry W. H. Shaw. 2016. Parenting that Reflects the Character of GOD.
<https://doi.org/10.1177/073989131601300104>
- Rogers, P. (2013). Investigating the relationship between adult attachment style and belief in the paranormal: Results from two studies. *Imagination, Cognition and Personality*, 32(4), 393-425.
- Verhagen, P., Van, P. H. M., López-Ibor, J. J., Cox, J. and Moussaoui, D. (2010). *Religion and Psychiatry: Beyond Boundaries*. Wiley press.
- Winnicott, D. W. (1953) Transitional Objects and Transitional Phenomena-A Study of the First Not-Me Possession. *International Journal of Psychoanalysis*, 34, 89-97

Contents

Foundations and Prospects of Social Psychology Based on Islamic Sources and Its Comparison with Contemporary Social Psychology"	7
Mohammad Kaviani	
The Nature and Method of Islamic Psychology	27
Seyyed Ali Marashi	
A Conceptual Model of Spiritual Capital Based on Quranic Verses and Hadiths (Narrations)..	53
Mohammad Sadegh Shojaei	
A Process-Oriented Conceptual Model of Safahat (feeble-mindedness) Based on Islamic Sources.....	73
Hamid Rafiei-Honar / ﷞ Mohammad Hossein Hagh-Shenas / Mohammad Bagher Adel	
A Conceptual Model of Adaptive Spousal Style with a Religious Approach and Its Validity Assessment	99
﷞ Razye Orafaei jahromi / Mohammad Zarei Toupkhaneh	
Conceptual Components of Spouses' Resilience Based on Islamic Sources	111
﷞ Saeid Ebadi / Mohammad Reza Jahangirzadeh Qomi / Abdol Ahad Eslami	
Conceptual Components of Emotional Divorce Based on Islamic Sources.....	133
﷞ Mohammad Reza Najafi / Mohammad Reza Ahmadi / Hossein Rezaian Bilondi	
Educational Package on the Meaning of Life with an Islamic Approach for Reducing Depression Symptoms	157
﷞ Ahmad Alimirzaei / Mohammad Peyman / Mahdi Abbasi / Hossein Radmard	
The Effectiveness of the Iranian-Islamic Premarital Education Package on Spouse Selection Criteria and Attitudes Toward Marriage in Girls.....	175
Farzaneh Firouzmehr / ﷞ Ghodsiyeh Ebrahimpour / Hassan Tahmasbpour Karimi / Hassan Ansari	
A Conceptual Model of “Psychological Constriction” Based on the Holy Qur’an	197
Emad Rahimi / ﷞ Jafar Hoshyari	
Dimensions and Factors of Intergenerational Transmission of Religion.....	221
﷞ Zahra Azizollahi / Masoud Janbozorgi	
Predicting a Positive Image of God Based on Family Emotional Climate and Perceived Maternal Parenting in Students	245
﷞ Erfan Talebi / Mahdieh Aghamohammadi / Fatemeh Khodadad	

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research

Vol.12, No. 25

Two Quarterly Journal of Psychology

Spring & Summer 2026

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Executive Secretary: Amir Erfani Nejad

Editorial Board

Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi: *IKI*

Dr. Hadi Bahrami Ehsan: *Tehran University*

Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Javad Zarean: *Academic Institute for Ethics And Education*

Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Dr. Ali Fathi Ashtiani: *Baqiyatallah University*

Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Kaviani: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Hujjat ul_Islam Dr. Rahim Narouei: *IKI*

Hujjat ul_Islam Dr. Mahmood Nozari: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

www.ipr.ueae.ir

pajoohesh.ueae@gmail.com